



انتشارات دانشگاه تهران

۶۳۷

چاپ چهارم

تاریخ سکه

از قدیمترین ازمینه تا دوره ساسانیان

جلد اول و دوم



تألیف مکران و بیانی



تاریخ اشک

از قدیمترین ازمینه تا دوره ساسانیان

جلد اول و دوم



تألیف

ملکراه سیانی

136362

انتشارات دانشگاه تهران

شماره انتشار ۶۲۷

شماره مسلسل ۳۰۶۴

ناشر : مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

تاریخ انتشار : تیرماه ۱۳۷۰

تیراژ چاپ : ۳۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی : چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است

کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است

قیمت : یکدوره دوجلدی ۱۳۰۰ ریال



دانشگاه خوب، یک ملت اسعاد مند می کند

« امام خمینی قدس سره الشریف »

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۱	مقدمه
۴	علم سکه شناسی
۸	تاریخ سکه :
۸	از قدیمترین ازمه تا دوره اشکانی
۱۴	پیدایش سکه
۱۷	ترتیب اوزان
۲۶	ترتیب تقسیمات اژینی یا فیدنی
۲۷	ترتیب تقسیمات نوع اول که مربوط بسکه های طلاست
۳۰	مذهب
۳۲	خط
۳۹	اصول فنی ضرب سکه
۴۱	تاریخ تقویم
۴۲	صورت مبدأ چند سنه سهم
۴۴	جنس فلزات
۴۵	هنر
۴۹	لیدی
۵۲	یونان
۶۱	دوره هخامنشی
۷۲	سکه های شاهی (هخامنشی)

صفحه	موضوع
۷۴	داریوش اول
۷۵	خشایارشا - اردشیر اول
۷۶	خشایارشای دوم - داریوش دوم - اردشیر دوم
۷۷	اردشیر سوم - ارسس
۸۸	داریوش سوم
۸۰	سکه‌های فرمانروایان (ساتراپ) هخامنشی
۸۱	تیسافرن
۸۲	فرناباد
۸۵	تربباد
۸۷	داتام
۸۹	مازه
۹۰	ارونت
۹۳	آبروکوماس - آریارات - باگواس
۹۴	سم نن
۹۵	سپهرداد
۹۷	سکه‌های سلاطین و امرای تابع دولت هخامنشی
۹۸	سکه‌های فینیقیه - صیدا
۱۰۰	استراتون اول
۱۰۱	بدسترت - استراتون دوم
۱۰۲	تن - اواگوراس دوم
۱۰۳	استراتون سوم
۱۰۴	صور
۱۰۸	آراد
۱۱۱	جبل (بیبلوس)
۱۱۲	آلیال - آدراملک - آزبال - آینل
۱۱۳	غزه

صفحه	موضوع
۱۱۴	هیراپولیس (بمبیسه)
۱۱۵	شاهان کیلیکیه
۱۱۸	سلاطین و امرای آسیای صغیر - ماگنزی - پرگام
۱۱۹	تترانی
۱۲۱	شاهان جزء یا امرای محلی کاری
۱۲۱	هگاتمنوس
۱۲۲	سوسولوس
۱۲۳	ایدریوس - آدا - پیکزوداروس
۱۲۴	ارونتویات
۱۳۵	شاهان لیبی
۱۲۶	کوبرنیس (پسر ملکه کسیکا)
۱۲۷	موتله ئیس - تنه گورس
۱۲۸	اسپین تازا - تتی وی بیس - کوپرلیس
۱۳۰	سکه های جزیره قبرس
۱۳۱	سلاطین کیتیوم
۱۳۲	سلاطین ماریوم - سلاطین لاپتوس
۱۳۳	سلاطین پافس
۱۳۵	سلاطین سالاسین
۱۳۵	اولتن
۱۳۷	نیکوداسوس - اوانتس
۱۳۷	اواگوراس اول
۱۳۸	نیکوکلس - اواگوراس دوم
۱۴۰	پنیتاگوراس - سلاطین کوریوم
۱۴۱	سلاطین سولی
۱۴۲	سلاطین اساتونت
۱۴۳	اسکندر و سلوکیها

صفحه	موضوع
۱۶۱	اساسی شاهان سلوکی
۱۶۴	کاپادوکیه
۱۶۵	اساسی شاهان کاپادوکیه که دارای سکه میباشند
۱۶۶	پنت
۱۶۸	ارمنستان
۱۷۱	خاراسپس - آرشام
۱۷۲	آبدیسارس - گزمس - تیگران دوم (بزرگ)
۱۷۴	باختر
۱۷۹	صورت اساسی شاهان باختر قبل از تجزیه ^۴
۱۸۰	سکه های شاهان باختر - دیودوت - اوتیدم اول
۱۸۱	دستریوس
۱۸۲	اوتیدم دوم - انتیماخوس
۱۸۳	آکراتید
۱۸۴	هلیوکلس
۱۸۷	نمونه علامات هخامنشی
۱۸۸	خط آرامی و فینیقی
۱۸۹	خط لیبی
۱۹۰	خط قبرسی
۱۹۱	نوشته های آرامی و فینیقی
۱۹۲	نوشته های لیبی - نوشته قبرسی
۱۹۳	نوشته های یونانی
۱۹۹	فهرست تصاویر
۲۰۱	فهرست منابع
	فهرست اعلام (اشخاص ، اماکن)

مقدمه

سرزمین ایران که دارای یکی از کهنترین تمدن هاست ، گذشته پر افتخاری دارد که آثار آن در طی قرون متمادی با وجود آسیب های زمانه و نهب و غارت و آتش سوزی و بوالهوسی افراد جاهل هنوز برپا ایستاده و حکایت از عظمت گذشته و تاریخ و هنر و تمدن مردمان این سامان مینماید .

در سرزمین پهناور ایران، در اغلب نقاط، در زیر تلهای خاک و ویرانه ها، آثار نفیس و گنجینه های متنوعی نهفته است که روزگاری دست هنرمندان و صنعتگران بانداشتن وسائل و ابزار کافی آنرا ساخته و بانقش و نگار و طرح و رنگ یا کنده کاری و برجسته کاری، قدرت دست و روح هنری خود را بثبوت رسانده و تجسم داده اند .

تحقیق و مطالعه در هر قسمت از آثار کهن مملکت مانده تنها تاریخ گذشته این سرزمین را روشن میسازد ، بلکه به تغییر و تحول تاریخ تمدن دنیای قدیم و ارتباطی که ملل از لحاظ نژادی و هنری و اقتصادی بایکدیگر داشته اند ، کمک مینماید .

مردمان اولیه و بدوی برای زندگی و رفع حوائج روزانه همیشه در تلاش وضع بهتر و تأمین آسایش بیشتر بوده اند و همین اصل یعنی عشق بحیات بوده که تاریخ تمدن را بوجود آورد و ملتها را بطرف روزگاران بهتر و اختراعات و اکتشافات واداشت .

کشف آتش و بکار بردن فلزات هریک بنوبه خود مبداء مهمی در سیر تکامل بشر بوده است . از وقتیکه زندگی اولیه بصورت خانواده و قبیله در آمد و بطور کلی اجتماع شروع شد ، افراد احساس بکمک یکدیگر نمودند و ناچار هریک با سعی و عمل خود برفع حوائج دیگری پرداخت تا بنوبه خود توانست از دسترنج دیگری منتفع گردد .

این عمل ابتدائی را باید اولین پایه نظام اجتماع و اقتصاد واصل دادوستد دانست. با پیشرفت تمدن و تشکیل شهرها و اختراع خط و ایجاد خانه و مسکن، ارتباط افراد بیکدیگر بیشتر گردید و مبادله بصورت وسیعتری درآمد و کم کم داد و ستد و معاوضه فردی جای خود را بمبادله و تجارت داد بطوریکه کوشش در توسعه امور اقتصادی و ارتباطات، موجب تشکیل دولتها و طرق و شوارع و تأسیسات بحری در مناطق دریائی و سازبانهای مختلف و تنظیم قوانین برای بررسی و انتظام امور گردید، چنانکه قسمت مهمی از قانون حمورابی مربوط بامور تجارت و کسب و کار است و صحنه های مختلف از نقاشی مصر قدیم، چه آنچه مربوط بامور دریائی و چه آنکه بدنیای بعدی ارتباط دارد، وضع دادوستد و توزین را نشان میدهد. حتی بر روی سیلندرهای سومری و عیلامی و آشوری اغلب مجلس خدایان نقش است که در صحنه های متنوع واسط یا رب النوع رابط، شخصی را بحضور یکی از خدایان معرفی میکنند که هدیه بدست دارد و یا هدیه را بوسیله رابط تقدیم میدارد و غرض از تقدیم هدیه یا هدایا انجام معامله ایست که درخواست کننده تقاضا دارد که لطف و حمایت خداوند مربوط، شامل حالش شود. گرچه این صحنه ها کمتر جنبه مادی دارد ولی نمونه ای از امور دریائی و وضع معاملات در ۳۰۰۰ - ۳۰۰۰ قبل از میلاد است.

سپس تشکیل دولتها و رفاه اجتماع و انضباط امور اقتصادی و تولید ثروت موجب اصولی گردید که کم کم به پیدایش سکه انجام پذیرفت و مملکت مانیزدرا این قسمت، مانند سایر شعب هنری باستانی، سهم دارد که نه تنها از نظر سکه شناسی و تاریخی قابل ملاحظه است بلکه از لحاظ هنری نیز بسیار ذیقیمت میباشد.

بنده ازین نظر خود را ملزم میدانم که نتیجه مطالعاتم را، هر قدر مختصر باشد، بصورت کتابی انتشار بدهم و بسهم خود آنچه را که در مدت بیست و هفت سال موزه داری در موزه ایران باستان (که خود افتخار تأسیس و بنیان گذاری قسمت سکه ها را داشته ام) فرا گرفته و جمع آوری نموده ام، در دسترس علاقمندان، بخصوص دانشجویان رشته باستان شناسی دانشگاه، قرار دهم.

در این موقع که کتاب حاضر برای چاپ دوم آماده میشود موفق شد در نتیجه مطالعه و بررسی مجموعه‌های موزه‌های مهم دنیا و استفاده از منابع مختلف جدید که در اثر کاوش‌های سالهای اخیر بدست آمده است مطالب و طرحها و عکس‌های تازه‌تری از سکه‌ها بدان اضافه نماید .

اردیبهشت ۱۳۴۶

علم سکه شناسی

سکه‌شناسی قسمت مهمی از باستان‌شناسی است که شاهد زنده‌ای از تمدن دنیای قدیم و سبب مختلف می‌باشد. علم سکه شناسی توانسته است بزرگترین خدمت را برای روشن شدن تاریخ گذشته بنماید و گوشه‌های تاریک و مبهم را روشن و حل کند. سکه‌شناسی مانند سایر شعبه‌های باستان‌شناسی منحصر به شناسایی رشته مشخصی نیست، بلکه سکه هر دوره نماینده عادات و آداب و خط و زبان و هنر و مذهب و تمدن و ارتقاء و انحطاط وضع اجتماعی و ثروت و یا ورشکستگی و ارتباطات تجارتنی ملت و مملکتی است و در حقیقت منبع اطلاعات صحیح و دقیق از دنیای قدیم، یعنی از دورانیکه سکه ایجاد گردیده تا بحال، می‌باشد.

با چه زحمت و مجاهدتی علمای باستان‌شناسی توانسته‌اند آثار هنری ابنیه و معابد و مقابر ویران قدیم را از روی قرینه بطور ناقص و گاهی با تصور و از آنچه از بنا بجا مانده تعمیر و تاحدی بصورت اصلی در آوردند و با حقیقت زمان تطبیق دهند. در این قسمت سکه، حلال مشکل شده و کمک‌شایانی بتاریخ هنر دنیای قدیم کرده است. روی اغلب سکه‌های یونان صورت خدایان افسانه‌ای و بناهای تاریخی مانند کولیزه^۱ و معبد آرتمیس^۲ در افز^۳ و یا آکرپول آتن^۴ و غیره منقوش گردیده است و این نمونه‌های دقیق و ظریف برای تعمیر بناها و نقص و شکستگی مجسمه‌ها مطابق اصل، بزرگترین کمک و راهنما شده‌اند.

۱- محل نمایش جنگ حیوانات وحشی بانسان.

۲- Artémis یکی از خدایان افسانه‌ای یونان.

۳- Ephèse شهر قدیم ایونی در ساحل دریای Egée که هنوز خرابه‌های آن باقی است

۴- Acropole d' Athenes خرابه‌های آتن که در بلندی روی تخته سنگ عظیمی قرار گرفته است.

در روی سکه های فینیقیه علاوه بر نقش حیوانات ، نقش قلاع و استحکامات جنگی دیده میشود . این نمونه دقیق و ظریف میتواند طرز و طرح ساختمان آندوره را نشان دهد و یا نقش کشتی جنگی در روی سکه های صیدا که طرز ساختمان کشتی را بطور صحیح و کاملی برای اهل تحقیق تاریخ کشتی سازی روشن میسازد .

تصویر ارباب انواع و شاهزادگان و سلاطین و طرز کلاه و لباس و آرایش مو ، کمک مؤثری بعلم آثار مادی و عادات و رسوم ملل مینماید . سکه چهار درهمی صیدا که در یکطرف نقش کشتی جنگی بر روی امواج آب دیده میشود و طرف دیگر شاهنشاه هخامنشی اردشیر سوم سوار بر گردونه ای که دو اسب قوی هیکل آنرا میکشند و در مقابل او عرابه ران تسمه های قطور اسبها را گرفته است و در پشت گردونه نگهبان شاهی سایبان بدست در حرکت است ، معرف وضع کشتی رانی در ۲۴۰۰ سال قبل و ساختمان گردونه و نوع لباس و آداب و رسوم سوار شدن بر آن را بطرز دقیقی نشان میدهد و در حقیقت این قطعه فلز کوچک منقوش ، تاریخ واقعی و مدرک صحیح قسمتی از تاریخ آن دوران است .

نقش سکه های مختلف یونان و آتن قبل از سولون^۱ علامت خانوادگی نجبای محلی است و این نشانه میتواند نفوذ و قدرت این خاندانها را که هفت قرن قبل از میلاد میزیسته اند روشن سازد . بعد از سولون وضع تغییر کرد و هر کسی که بقدرت میرسید و حکومت را در دست داشت در روی سکه نقش مظهر رب النوع مورد پرستش خود را میگذاشت .

مثلا پیزیسترات^۲ در سال ۵۶۱ قبل از میلاد وقتی فرمانروای مطلق آتن شد بضر ب سکه های معروف آتن اقدام نمود و نقش آتنا^۳ خدائی را که مورد پرستش

۱- Solon قانونگذار معروف آتن (۶۴۰ - ۵۵۸ قبل از میلاد)

۲- Pisistrate فرمانروای آتن که چندبار از شهر اخراج شد ولی باز بقدرت رسید و

حکومت را بپسرش Hypparque تفویض کرد .

۳- Athéna ربه النوع اندیشه و فکر و دختر Zeus خدای بزرگ یونان .

بود بر روی سکه نقش نمود و معبد بزرگی برای همین ربه النوع بنا نمود و داخل آن بوسیله حجاران و مجسمه سازان معروفی که در مکتب ایونی^۱ تعلیم گرفته بودند تزئین گردید و تصور می‌رود که سکه‌های این دوره آتن، که دارای تمام خصائص هنر ایونی است و صورت آتنا شباهت کاملی بصورت مجسمه‌ها دارد، بدست هنرمندان ایونی ساخته شده و جزو هنر آن دوره محسوب می‌شود. در روی سکه‌های شهرها و ممالک یونانی و آسیای صغیر که در تصرف ایران بودند اغلب نقش خدایان محلی دیده می‌شود، مانند سکه «تریباز» ساتراپ هخامنشی در کیلیکیه^۲ که نقش هرکول^۳ و سکه‌های داتام^۴ که نقش زئوس^۵ و یا بعل^۶ که معرف مذهب هر محل است منقوش است.

۴

قسمت مهمی از آثار هنری ساسانی که فلزکاری و زرگری است و خوشبختانه قطعاتی بسیار جالب از صحنه‌های شکار و رزم و بزم از حفاریها بدست آمده است، بواسطه تطبیق با سکه‌های آندوره که تصویر کامل هر یک از سلاطین بطور دقیق و ظریف از تزئین سروسینه و آرامش و وتاج است میتوان این شاهکارهای هنری را بانهایت صداقت مشخص و منتسب بهریک از شاهان واقعی نمود^۷.

اگر در گذشت زمان و حوادث دوران و تغییرات تحت الارضی، جنگ و ستیزها، خرابیها و آتش سوزیها و غارتها آثار تمدن قدیم مثل شهرها و بناها و آثار هنری و نوشته‌ها و کتیبه‌ها و غیره بکلی از بین رفته و یا مختصری بجای مانده است که بامساعی

۱- Ionie مملکتی در آسیای صغیر که یونانیهای تبعید شده در آن بسر میبردند (در خلیج فعلی ازسیر).

۲- Cilicie مملکت کوهستانی در آسیای صغیر.

۳- Hercule یکی از خدایان بزرگ یونانی.

۴- داتام، ساتراپ کیلیکیه و سینوپ.

۵- Zeus خدای خدایان یونان.

۶- Baaltarz یا بعل، خدای محلی.

۷- مجموعه مهمی از این ظروف نقره و سطلا در موزه لنینگراد است.

علمای باستانشناسی در این چند قرن اخیر بامنتهای کوشش و صرف وقت فراوان قسمتی از آن از زیر توده‌های عظیم خاک و خرابه‌ها بیرون آمده و می‌آید، باوجود این بسیاری از وقایع تاریخی دنیای قدیم و آثار آندوره بر ما مجهول است. ولی خوشبختانه فلزاتی چون طلا و نقره خالص و برنز در مقابل آفات مقاومست زیادتری دارند و سکه از جنس فلزات است و بعلاوه از هر مجموعه تعداد زیادی ضرب زده شده و نمونه‌هایی از آن از دستبرد زمانه محفوظ مانده است و میتوان گفت که مجهولات متناسب سایر قسمت‌های آثار باستانی، تقریباً وجود ندارد.

تاریخ سکه

از قدیمترین ازمینه تا دوره اشکانی

الف- قبل از پیدایش سکه

قبل از اختراع و ایجاد سکه با وزن صحیح و مقدار معین فلز، ارتباط و دادوستد مردم از راه مبادله صورت میگرفته است. تمدنهای قدیم بدون آشنائی به سکه زندگی تجارتی خود را از راه مبادله میگذرانده‌اند. در روی نقاشیها و حجاریهای مصر قدیم صحنه‌های معاملات و دادوستد که بوسیله معاوضه صورت میگرفته است دیده میشود، باین طریق که زارع و شکارچی و گله‌دار در مقابل زینت‌آلات و ظروف ساخته شده و غیره مشغول تعویض متاع خود هستند. در شهرهای ساحلی مدیترانه دریانوردان و تجار و کسبه در ساحل دریا بساط تجارت را چیده متاع خود را عرضه میداشتند و اجناس متنوع خود را با برده و یا پارچه‌های قیمتی و ظروف مختلف و اشیاء محلی دیگر معاوضه میکردند. پایه مقیاس و میزان قیمتها چهار پا بوده است. مثلاً یک سه پایه برنزی دوازده گاو ارزش داشته و یک کنیز بایست رأس گاو معاوضه میشده. مقیاس چهار پا در داد و ستد دلیل زندگی روستائی و بدوی اولیه است که آثار آن در حقوق و قوانین ملل قدیم و در مذاهب دیده میشود، مثلاً تناسب پرداخت جریمه بر میزان زیادی و کمی چهارپایان قرار داشته است. بعضی از کلمات از قبیل پول، سرمایه و دارائی و نظیر آن در پاره‌ای از زبانهای یونانی و لاتینی و سامی، از مشتقات یکی از کلمات مربوط به چهارپایان است. مثلاً کلمه پکونیا^۱ و کاپیتال^۲ که در اصل سر حیوان است و کلمه کاپیتالیزم یعنی سرمایه داری از آن مشتق

۱ - Pecunia مشتق از کلمه Pecunia لاتین است که بمعنی حشم و چهارپاست.

۲ - Capital

است ولغت عربی جمل بمعنی شتر و مزد می باشد.

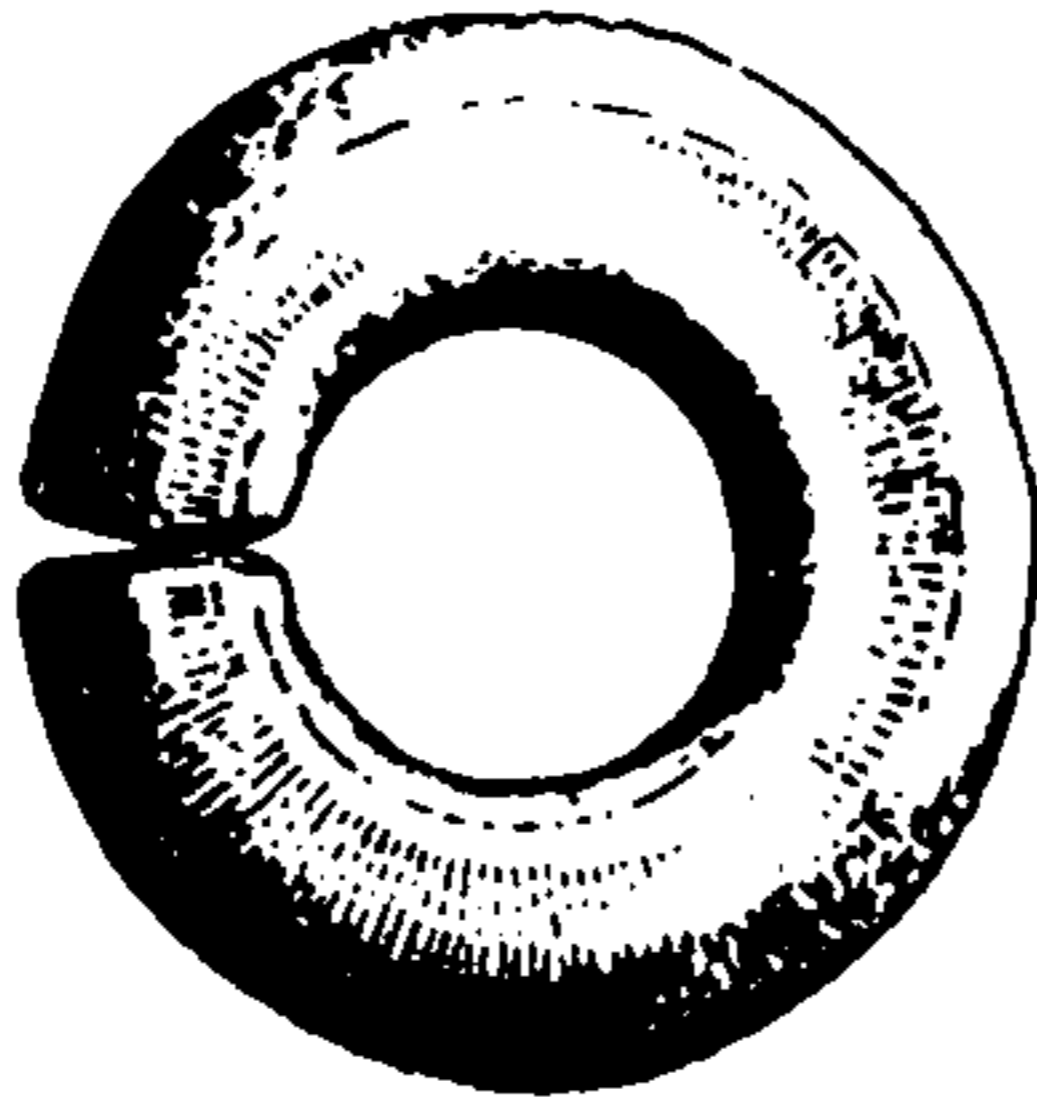
در اوستا درباره مزد کارگران یا گرفتن جریمه از چهارپایان ذکر شده است چنانچه در فصل هفتم و نذیداد در چند قسمت از حق القدم پزشکی یاد شده است که درمان کدخدایان دهات و شهر بانان شهرها و یاشهریار مملکت بچه تناسب بوده است. بدینقرار که پرداخت حق القدم پزشکی برای درمان کدخدایان یک گاو و برای شهر بانان یک اسب خوب و برای پادشاهان یک گردونه چهار اسبه و درباره زنان آنان بترتیب یک ماده الاغ و یک ماده گاو و یک ماده شتر مقرر بوده است^۱.

در دوران هخامنشی وضع داد و ستد و پرداخت مواجب و مزد کارگران و صنعتگران بیشتر جنسی است و علی‌الرسم، گوسفند پایه و میزان پرداخت است. در الواح گلی تخت جمشید که بدست آمده، صورت مرتب و منظمی از پرداخت مزد کارگران و صنعتگران موجود است که کمک مؤثری برای روشن شدن امور مالی آنزمان میکند. گاهی برای کارگری مزد جنسی یعنی گوسفند یا شراب راسعین نموده‌اند و یا مقداری از آنرا به (شکل) و بقیه را بتناسب مزد گوسفند داده‌اند یا آنکه فقط پول رایج هخامنشی یعنی (شکل) پرداخته‌اند.

انواع صدفها در بعضی از ممالک خاور دور و افریقا و قسمتی از امریکا و حتی در بعضی از جزایر اقیانوس کبیر تا این اواخر بمنظور مبادله و تجارت بکار میرفته است. سیاحان یا مبلغین مجبور بودند مقداری از مهره‌های صدف و یازینت آلات معمولی با خود داشته باشند تا در مقابل با آذوقه و حشم و یا عاج و پوست حیوانات قیمتی مبادله کنند و گاهی با همان اشیاء مبتذل بی قیمت رؤسای قبایل و بزرگان و سران سپاهی را خریده و بدینوسیله یا منطقه‌ای را مستعمره خود کرده‌اند و یا اجازه تأسیس تجارتخانه و تقاضای انحصار تجارت نموده‌اند. ولی البته این نوع کسب و تجارت چه در داخله شهر و مملکتی و چه تجارت و مبادله مملکتی با مملکت دیگر، خالی از اشکال نبوده و محظورات فراوانی را در برداشته است، لذا حس احتیاج و رفع اشکال مردم قدیم را همانطوریکه متوجه فلزات برای

۱- اقتباس از هرزدنامه پورداود صفحه ۲۰. چاپ تهران دی ۱۳۳۱.

ساختن وسایل زندگی و ابزار کار و اسلحه و غیره نموده بوده ، همان قسم دیر فاسد شدن و سهولت حمل و نقل و مبادله و معامله و تقسیم و توزین صحیح آن، توانست روزی جای مبادله با چهارپایان را بگیرد و بعد از مدتی از چهارپایان فقط خاطرهای بجای ماند و آهن و مس و برنز و نقره و طلا باشکال مختلف مانند شمش ، حلقه ، میله و تخته های گرد یا چهار گوش و تبر و کارد و دیگ و غیره وسیله معاوضه قرار گرفت . در چین برای بکار بردن فلز در مقام سکه فلز، بشکل کارد و میله های باریک بوده است که بریدن آن برای وزن و تقسیم آسان است و در امریکا تبر های مسی و در غالب سمالک شرق و آسیا بشکل حلقه بوده است مثل حلقه هائیکه در کاوش «دسرگان» در سال ۱۸۸۹ در ارمنستان روس بدست آمده است ، یا حلقه های مصری (اوتن)^۱ از طلا و نقره که در حدود ۰.۷/۹ گرم است (ش ۱) و یا میله های مسی که در



شکل ۱

کاوشهای (موهنجادارو)^۲ بدست آمده است و متعلق به سه هزار سال قبل از میلاد

۱ - Outen

۲ - Moenjo - Daro خرابه های شهری در پاکستان که در سال ۱۹۱۹ بتوسط ژنرال مارشال انگلیسی حفاری شده است. آقای مصطفوی مدیر کل سابق باستانشناسی که سفری بپاکستان کرده اند و برای مطالعه بمحل حفاری موهنجادارو رفته اند، توضیحات زیر را به سن دادند که نهایت تشکر را از ایشان دارم: « نام این شهر قدیمی تپه سردگان است زیرا بقیه پاورقی در صفحه بعد

می باشد و آنها را میتوان قدیمترین وسیله مبادله تا قبل از اختراع سکه دانست . در کاوشهای شوش نیز حلقه هائی در ویرانه های معابد از دوران دوهزار سال قبل از میلاد بدست آمده است و شمش های طلا و نقره که در آشور کشف گردید و علاماتی در روی آنهاست و متعلق بدوره ۲۲۰۰ تا ۱۲۰۰ قبل از میلاد است این قضیه را کاملاً روشن میکند و میرساند که هر شهر یا مملکتی که دارای تمدن بوده است همینطور که آلات و ابزار زندگی را منطبق با هنر از لحاظ شکل و نقش برجسته کاری و تزئینات دیگر مینموده، راه مبادله را نیز سهلتر و بمقصد که بکار بردن سکه است نزدیکتر مینموده است .

در کتیبه هائی که از جزیره قبرس متعلق بقرن چهارم قبل از میلاد بدست آمده از جرائمی اسم برده شده که محکوم بایستی از ۲۰ یا ۵۰ و گاهی ۱۰۰ دیگ فلزی بدهد و این طرز عمل در تمام ممالک مشرق و یونان جریان داشته است و در آن زمان این ابزار فلزی مثل دیگ و تبر و غیره علاوه بر آنکه وسیله مبادله و بجای پول بکار میرفته، نزد اشخاص ثروتمند نمونه ثروت و تمول بوده است و گاهی مزد افراد را نیز با آن میپرداختند . در اغلب شهرهای یونان مخصوصاً در جزیره قبرس در ضمن خاکبرداری یا حفاری معادن، مقدار زیادی از این تبرهای دوسر پیدا شد و بعضی از این تبرها بی نهایت سنگین و بوزن ۳۰ کیلو گرم و برخی کوچک بوزن ۰ کیلو گرم است .

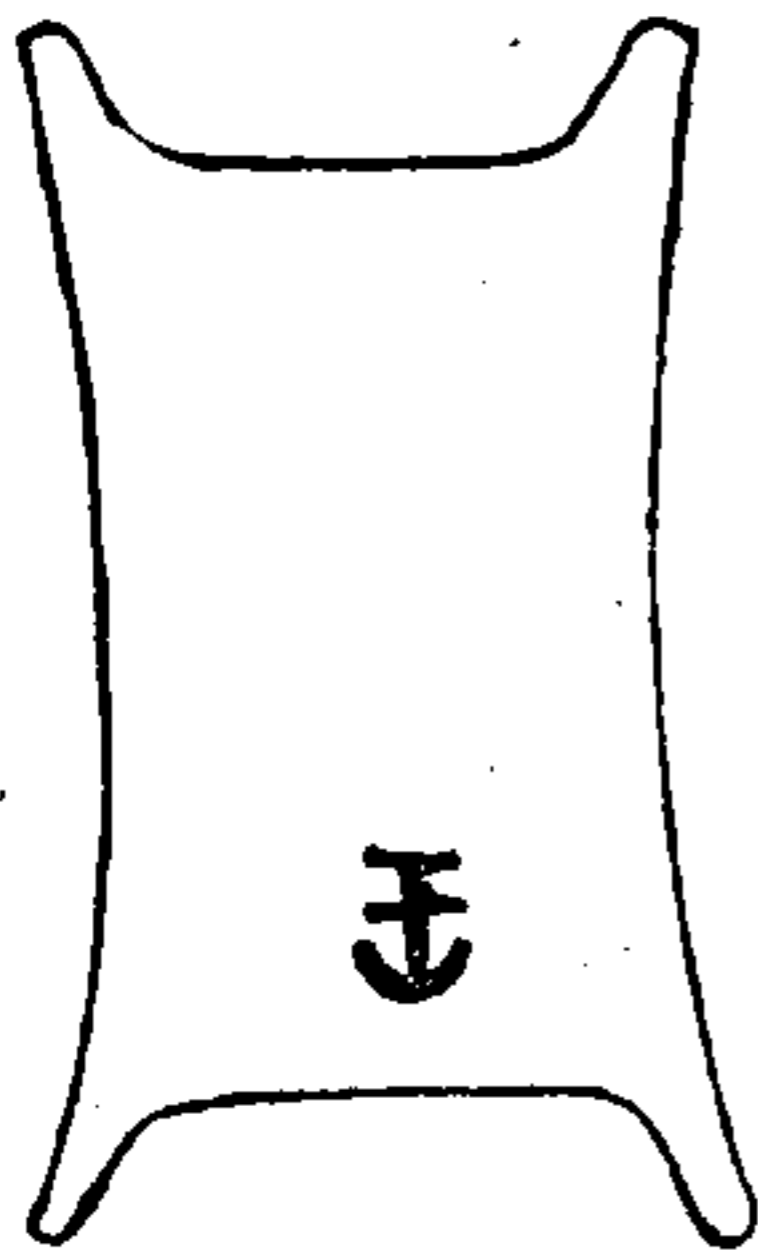
معادن مس قبرس یکی از مهمترین منبع عایدی این ناحیه بوده و در حدود

بقیه پاورقی از صفحه قبل

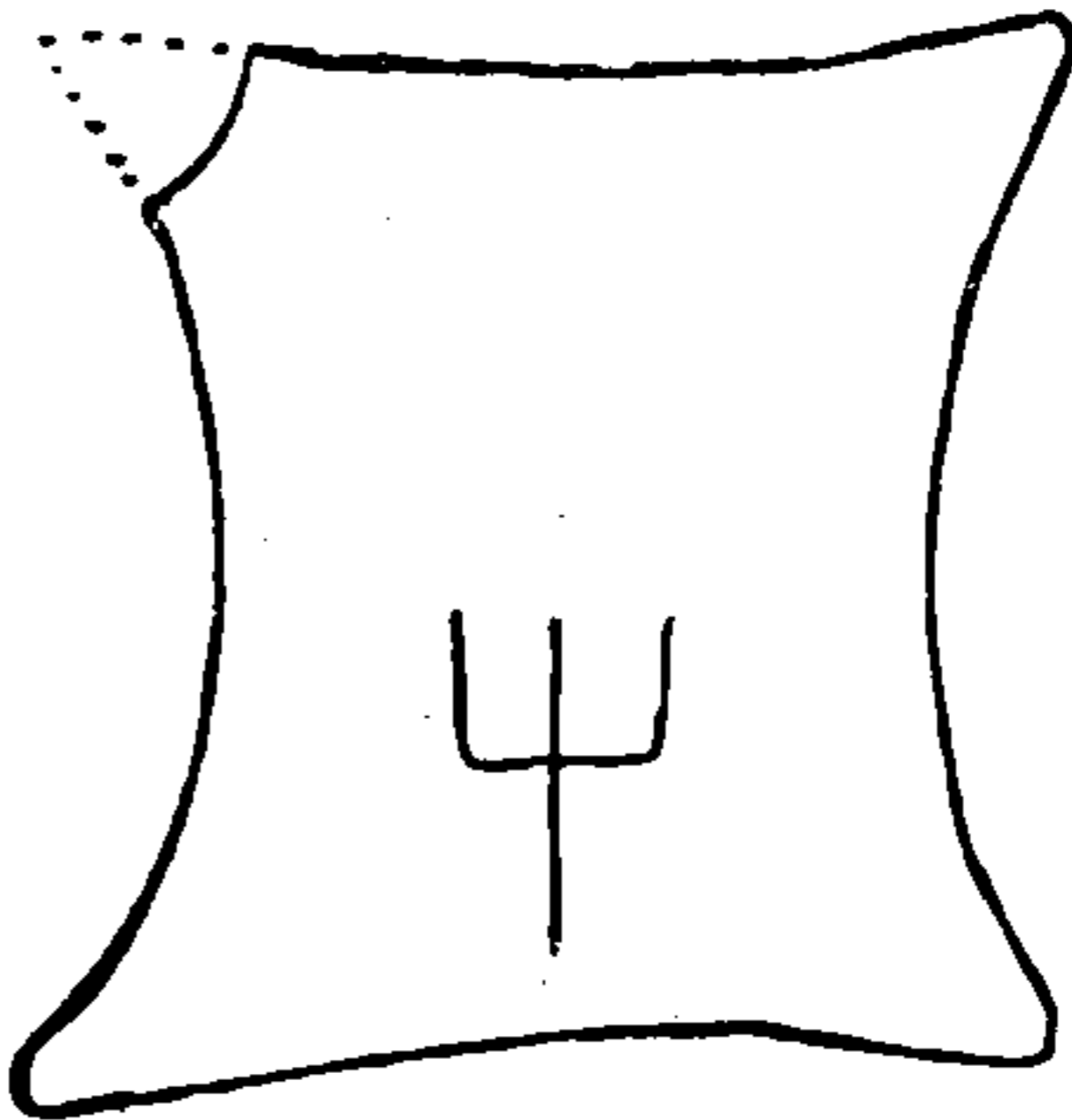
Moen بمعنی مردگان و jo علامت کسره و Daro بزبان سندی تپه است و ژنرال مارشال انگلیسی در سال ۱۹۱۹ در ویرانه های قلعه ای که مربوط بقرن دوم میلادی بوده است و بر روی آثار اصلی و قدیمی قرار گرفته حفاری نموده است . آثار بدست آمده مربوط به ۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰ قبل از میلاد است . موهنجادارو نزدیک بایستگاه د کری، در مسیر خط آهن کراچی به کوئته واقع شده است .

هزاره دوم قبل از میلاد ابزار و آلات ساخته شده از آن و بخصوص شمش های مسی وسیله مبادله و تجارت با سمالکک همجوار قرار میگرفته است .

در الواح مصری متعلق به ۱۶۰۰ یا ۱۴۰۰ قبل از میلاد و در دوره سلطنت فرعون مصر آمنوفیس سوم یا آمنوفیس چهارم از واردات مهم مس از قبرس بمصر سخن رفته است . در بعضی از الواح شاه قبرس در قبال معاوضه شمش های مس از فرعون خواسته که نقره برایش بفرستند . معمولاً در روی ورقه های شمش قبرس (ش ۲) مانند شمش های کرت (ش ۳) علاماتی که دارای مهر دولتی میباشد نقر است .



شکل ۳



شکل ۲

پلوتارک مورخ یونانی راجع باین تخته های فلزی این طور نوشته است :
 « برای انتقال تخته های بزرگ فلزی و یا تبر های دوسر عظیم از محلی به محل دیگر از عرابه های مخصوصی که بوسیله دو گاو قوی کشیده میشده استفاده میگرددیده است . »

از قبر های میسن^۲ صفحه های طلائی بدست آمده که روی آن علامتی حک شده

۱- طرح شمش های قبرس و کرت از کتاب René Dussaud صفحه ۹ و ۴ Les civilisations Préhellenistique گرفته شده است .

۲- Mycènes یکی از شهرهای آرگولید Argolide است که ناحیه ایست کوهستانی در یونان در شمال شرقی پلوپونز Peloponnésé .

که قطعاً مهر شخصی یا دولتی است و روی شمشهای نقره و طلا و مس کاپادوکیه^۱ نیز علامت هائی منقوش است.

برای سهولت وزن کردن، گاهی از میله های باریک نقره و طلا استفاده میشد که در موقع وزن میتوانستند آنها باقیچی بریده و کم و زیاد کنند.

توزین نزد فینیقی ها و یهودیها و مصریها امری عادی بوده است چنانکه در بین نقاشیهای مصر قدیم نقش سردی دیده میشود که در مقابل ترازو ایستاده و مشغول وزن کردن میباشد. در تمام زبانهای سامی کلمه (شکل) بمعنی کشیدن و پرداختن است. در ابتدا سیکل واحد وزن بوده است تا آنکه کم کم واحد سکه قرار گرفت چنانکه در تورات راجع بخرید غاری توسط حضرت ابراهیم به . . . سیکل و فروش یوسف به توسط برادرانش به . . . سیکل شرح مفصلی گفته شده است و البته در این مورد کلمه سیکل واحد وزن نقره است. در قرن ۹ قبل از میلاد در معبد بیت المقدس صندوقی موجود بود و شکاف کوچکی روی آن قرار داشت^۲ که از آن شکاف معتقدین قطعات نقره و یا طلا را بدرون آن میانداختند تا برای مصارف تعمیر بنا و یا امور دیگر معبد بکار برده شود (مانند قلک های امروزی و یا صندوقهائی که برای امور خیریه بکار میرود) و مأمورین پس از پرشدن آن قطعات رامیکشیدند و به خزانه های معبد وارد میکردند.

همر^۳ شاعر معروف یونانی در اشعار خود از تمول مردمی اسم برده که چندین تالان^۴ طلا دارند (تالان وزن معینی است که در دوره همرباقیمت یک گاو متناسب بوده است، پس در دوره همرب نیز چهارپایان اساس قیمتها بوده اند). اما این طرز معاملات و داد و ستد خالی از زحمت و دردسر نبوده و اغلب موجب ناراحتی های

۱- کاپادوکیه مملکتی است در آسیای صغیر در مغرب ارستان در ترکیه فعلی

۲- نقل از کتاب سکه های یونان ارنست بابلون Ernest Babelon .

۳- Homère شاعر بزرگ یونان مصنف ایلید وادیسه .

۴- Talent

زیادی بواسطهٔ تقلب در عیار فلز میشده است، لذا دولتها و تجار بزرگ برای سهولت و اعتبار معاملات خود، علامت مشخصی را در روی شمشهائی، که وزن معین و ثابتی داشت، ضرب میزدند که در حقیقت این علامت گذاری اولین قدم برای ایجاد سکه میباشد.

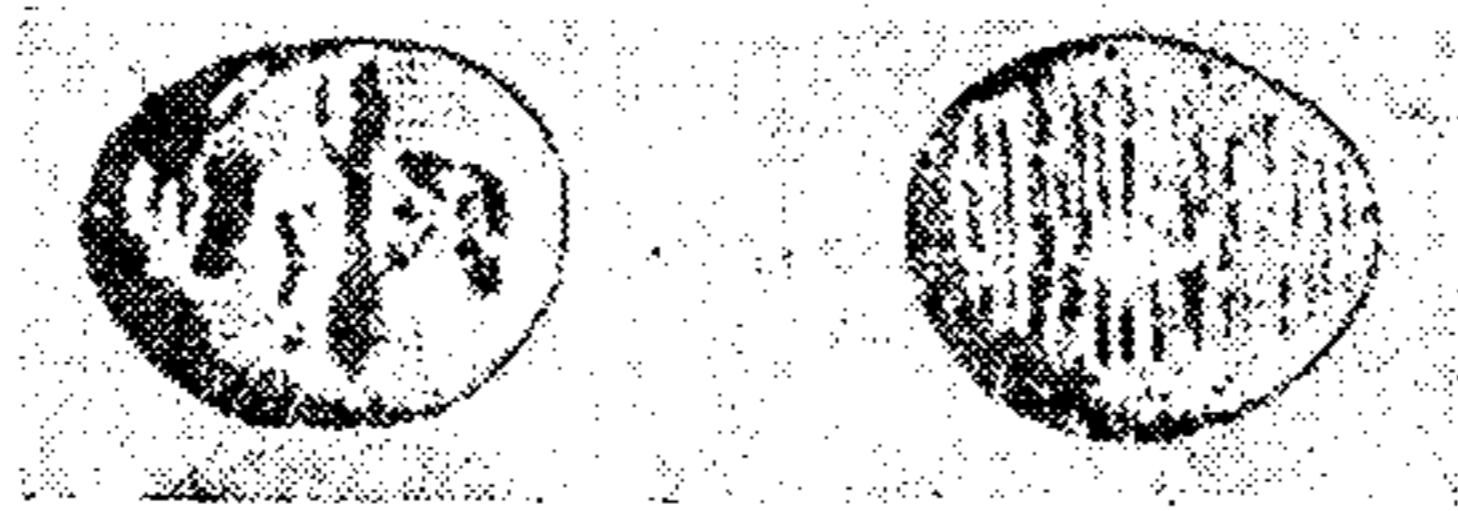
ب- پیدایش سکه

سکه عبارت است از یک قطعه فلز بوزن معین که روی آن علامت رسمی دولت و یا حکومتی که عیار و وزن آنرا تعهد میکند، منقوش شده است. روایات قدیمی و تاریخی در قسمت اختراع سکه و یا قدیمترین مملکتی که در آن برای اولین بار سکه ضرب شده مختلف است و علمای سکه شناسی مأخذ تحقیقات خود را نوشته های مورخان قرار داده و آنچه که با حقیقت منطبق و پسندیده تر بنظر میآید قبول کرده اند. پولوکس^۱ مورخ دوره امپراطور «کوسود» و مؤلف کتاب لغت که بکلیه مراجع صحیح آنروز رسیدگی کرده است باقید تردید نظریات مختلف را شرح میدهد. بنا بگفته او ممکن است پادشاه آرگوس^۲ بنام فیدن^۳ اولین کسی باشد که سکه های اژین^۴ را که طرح لاک پشت دریائی روی آن است ضرب زده باشد و یاد سودیسه^۵ دختر آگامنون^۶ و زن پادشاه فریژی^۷ است.

فیلوکور^۸ آتنی که در قرن سوم میلادی میزیسته عقیده دارد که مخترع سکه تزه^۹ قهرمان افسانه ای است و گزنوفان^{۱۰} لیدیها را باین عنوان معرفی میکند.

- | | |
|---|---|
| ۱- Pollux | ۲- Argos یکی از شهرهای یونان |
| ۳- Phidon | ۴- Eginه جزیره یونانی در خلیج اژین که مکتب حجاری آن معروف است |
| ۵- Demodicé | ۶- Agamemnon پادشاه Cymé که در جنگهای معروف و افسانه ای Troie رشادتها بکار برد و در این راه دختر خود Iphigenie را قربانی خدایان نمود. |
| ۷- مملکتی در آسیای صغیر که بعدها در دوره هخامنشی جزو متصرفات ایران درآمد. | ۸- Philochore |
| ۹- Thesée | ۱۰- Xénophane فیلسوف یونانی که در قرن ششم قبل از میلاد میزیسته است. |

هرودوت^۱ میگوید: « بطوریکه مشهور است لیدیها اولین مردمی هستند که سکه نقره و طلا ضرب زده‌اند» و دانشمندان سکه‌شناسی بیشتر نظر هرودوت را قبول کرده‌اند. کثرت ثروت و تمول بی حساب و زیادی نقره و طلای پادشاهان لیدی نیز ممکن است عامل مهم اختراع سکه باشد. هر سال پادشاه لیدی هدایای بی نظیری برای معابد مهم یونانی میفرستادند که در دنیای آنروز شهرت بسزائی داشته و زبانزد خاص و عام بوده است بطوریکه هنوز هم که دو هزار و پانصد سال از آن تاریخ میگذرد اثر آن باقیمانده و ضرب المثل معروف ملل غربی است که وقتی بخواهند از زیادی ثروت کسی صحبت بدارند میگویند مثل کرزوس است. قدیمترین سکه های لیدی بشکل قطعۀ پهن نامنظمی (ش ۴) است از مخلوط نقره و طلا (الکتروم)^۲ که در روی آن شیار های موازی و پشت سکه چند فرورفتگی حک شده و گاهی در



شکل ۴

بعضی از این فرورفتگی ها نقش حیوانی که شبیه روباه است دیده میشود زیرا در لیدی روباه مظهر باکوس^۳ یکی از ارباب انواع مورد پرستش اهالی بوده است و در شهر های ساحلی میله^۴ و افز^۵ نقش حیوانات مثل شیرو گاو و گوزن و خوک دریائی و غیره

۱ - Hérodote مورخ بزرگ یونانی که سلقب به پدر تاریخ است و در ۴۸۴ قبل از میلاد تولد یافته است.

۲ - Eléctrum آلیاژ مخصوصی است که از یک قسمت نقره و سه قسمت طلا تشکیل شده است.

۳ - Bacchus

۴ - Milet بندری در کنار دریای اژه

۵ - Ephese شهری در کنار دریای اژه

دیده میشود و بی مناسبت هم نیست زیرا هر کدام از این حیوانات علامت شهر و یا مظهر یکی از خدایان محلی است. در ۶۷۰ قبل از میلاد در جزیره اژین سکه های نقره ای ضرب شد که نقش لاک پشت دریائی روی آن است و ابن جزیره در تحت تسلط فیدون پادشاه آرگوس بود و چنانکه قبلاً گفته شد این پادشاه بضر ب سکه های اژین اقدام نمود و بعلاوه ترتیب طبقه بندی و تقسیم اوزان و مقادیر را در پلوپونزا ایجاد نمود که با اوزان و مقادیر اژینی معروف است. ارسطو^۲ راجع باین قسمت اینطور مینویسد: «در معبد^۳ هر^۲ بدیوارها تکه های مختلف الشکل فلزی نصب است که معروف است فیدن پادشاه آرگوس وقف معبد کرده و نمونه هائی است از قطعات فلزی که در عمل مبادله قبل از سکه های اژین بکار میرفته است» گفته ارسطو میتواند منطبق باحقیقت باشد زیرا در همین اواخر در خرابه های هر^۲ قطعات فلزی بهمین وصف بدست آمده است. در دوره کرزوس سکه های معروف کرزئید^۴ ایجاد گردید که میتوان آنرا اولین سکه حقیقی^۵ دانست زیرا هم دارای جنبه هنری است و هم تمام شرایط سکه که تا با امروز نیز مراعات میشود مانند تعهد وزن و قدرت خرید و علامت مشخص در پشت و روی سکه در آن جمع میباشد. یکطرف سکه نقش نیم تنه گاو میش و شیر که در حال حمله مقابل یکدیگر قرار دارند و پشت سکه دو مربع فرورفته دیده میشود.

ایرانیها پس از فتوحات پی در پی در آسیای صغیر بوجود سکه و لزوم آن پی بردند ولی پادشاهان هخامنشی چون کوروش و کمبوجیه بضر ب سکه اقدام نکردند اما بشهرها و ممالکی که جزو متصرفات ایران در میآمد و سکه رواج داشت اجازه

۱- Peloponnese شبه جزیره ای در جنوب یونان

۲- Aristote فیلسوف معروف یونان که از ۳۸۴ تا ۳۲۲ قبل از میلاد میزیسه امت

۳- Hera الهه یونانی - ۴- Créseide

۵- ممکن است قبل از سکه های کرزوس، سکه های الکتروم شهرهای یونانی نشین ایونی

بوجود آمده باشد.

میدادند که بضر ب سکه محلی خود ادامه دهند ولی بعضی ممالک مانند لیدی وقتی تحت سلطه هخامنشی ها درآمدند و منکوب گردیدند بضر ب سکه های آنها نیز متوقف گردید . داریوش اول برای اولین بار در ایران بضر ب سکه های طلا و نقره اقدام نمود و در دوره هخامنشی جریان معاملات بوسیله سکه در ایالات غربی شاهنشاهی رو بترقی گذاشت و شهرهائی که قبل از تسلط ایرانیها سکه نمیشناختند مانند آرادوس^۱ و صور^۲ و صیدا^۳ بضر ب آن اقدام نمودند و در برخی از ممالک مانند کیلیکیه و فیریژی و غیره سکه محلی و سکه ساتراپی هخامنشی هم زمان هستند . راجع بمصر هرودوت عقیده دارد که آریانندس ساتراپ داریوش اول در مصر سکه ضرب زده است ولی آنچه که بطور تحقیق میتوان گفت برای اولین بار در دوره اسکندر مجموعه مخصوصی از سکه های متنوع اسکندر در این مملکت انتشار یافته است .

در هندوستان قدیمترین سکه ها بصورت قطعات فلز نامنظم هستند که بیشتر مستطیل شکل است و نقشهای متنوع حیوان و درخت و مظاهر مذهب و مظاهر افلاک بر روی آن نقش گردیده است و اغلب پشت سکه صاف و بدون علامت است و این سکه ها مربوط بدوران قرن پنجم و یا ششم قبل از میلاد میباشد و در دوره هخامنشی که قسمتی از ناحیه شمالی و غربی هندوستان جزء متصرفات ایران در آمد ناچار قسمتهای متصرفی تابع حکومت مرکزی بودند و تمام قوانین اوزان و طرز معاملات مطابق اصول دولت شاهنشاهی هخامنشی بوده است .

ترتیب اوزان

زمانی که فلز برای مبادله تجارت بکار برده شد و تجار و بزرگان قوم و یا دولتها بانقر علامت مشخصی بر روی قطعه فلزات عیار و وزن آنرا تعهد و تعیین نمودند ناچار ترتیب معینی برای تقسیم اوزان داده شد و برای توزین مجبور به بکار بردن وزنه هائی شدند که خود مبحثی در تاریخ سکه شناسی است .

از قدیمترین وزنه‌هایی که بدست آمده و خوشبختانه مورد مطالعه کامل قرار گرفته است وزنه‌هایی است که بشکل زنگ میباشند و در کاوش سالهای ۱۹۳۳ - ۱۹۳۴ از شوش بدست آمده است و آقای دمکنم^۱ آنها را منتسب به دوران ۲۵۰۰ - ۲۸۰۰ قبل از میلاد میداند و از جنس گل سفیدویا گل پخته است و آقای کلنل بل ایو^۲



شکل ۵

مطالعات جامعی درباره این وزندها نموده که در مجلد ۲۹ هیأت علمی فرانسوی درج گردیده است (ش ۵) و با تطبیق وزنه‌هایی که در بین - النهرین^۳ بدست آمده است و مربوط به اوائل دوران چهار سال قبل از میلاد میباشند میرساند که این وزنه‌ها که یکی از آنها ۲/۳۳ گرم وزن

دارد با $\frac{1}{2}$ کدت^۴ که وزن اصلی مصر است مطابقت میکنند.

در کاوشهای شوش (سالهای ۱۹۲۱-۱۹۳۳ میلادی) مقدار زیادی وزنه‌های سنگی که متعلق بدوره عیلام است و اغلب بشکل حشره ویا مرغابی است در قبرها کشف گردید که آقای کلنل بل ایو در رساله هیأت فرانسوی در شوش در مجلد ۲۵ شرح کافی و جامعی درباره هر یک از آنها داده‌اند و نتیجه تحقیقات ایشان میرساند که تجار عیلامی برای سهولت اسر معامله و تجارت با مالکی که روابط تجارتنی داشتند و یا ممالک همسایه تقسیماتی در اوزان بکار بردند که قابل تطبیق با اوزان آن ممالک باشد، این وزنه‌ها علاوه بر آنکه اوزان را دو هزار سال قبل از میلاد مشخص

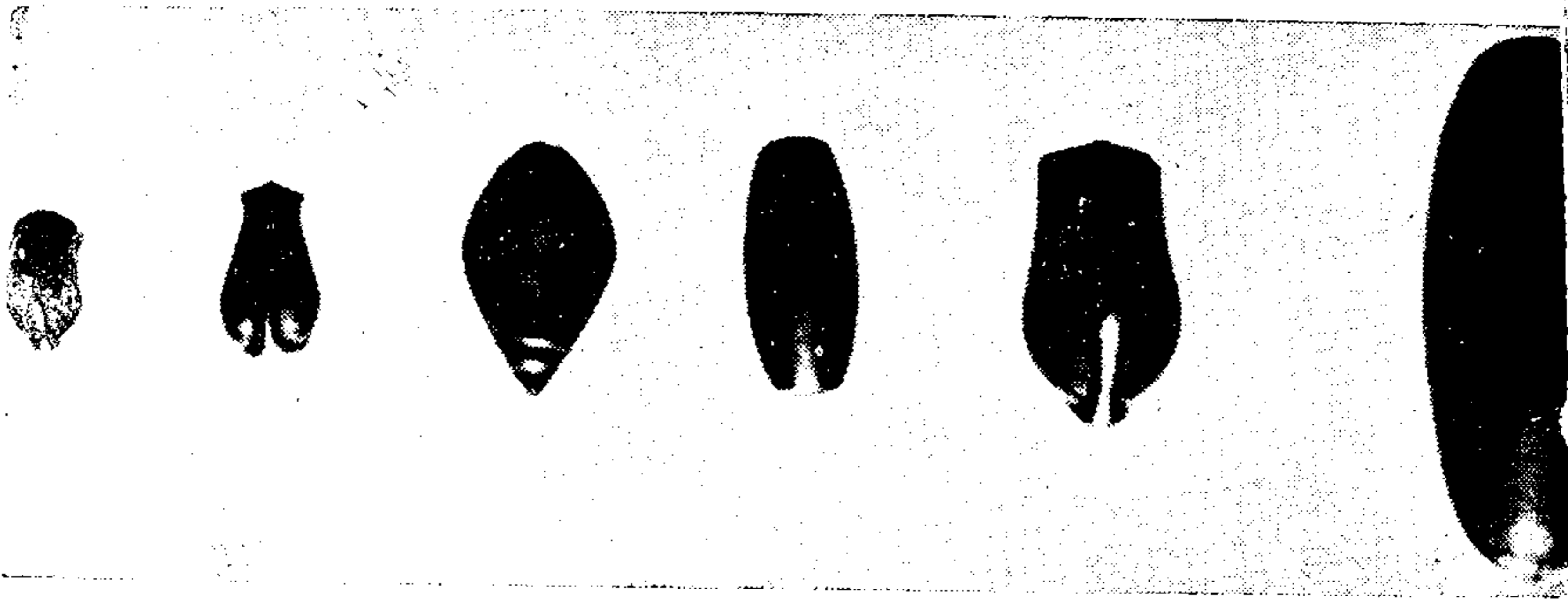
۱- M. de Mecquenem رئیس هیئت علمی فرانسوی در شوش

۲- Colonel N. T. Belaieu صفحه ۱۹۵ - ۲۰۷

۳- سرلئوناروولی Sir Leonard Wooley. حفاریهای سالهای ۱۹۳۱ - ۱۹۳۲ در اور

۴- Qedet

مینماید ارتباط تجارتي ممالک آندوران را بایکدیگر روشن میسازد. نظیر وزنه های شوش که بشکل (ش ۶) حشره است در حفاریهای موهنجادارو نیز بدست آمده است و بنابر تحقیقاتی که آقای همی^۱ راجع به وزنه های موهنجادارو نموده است آنها را



شکل ۶

بنام مجموعه استثنائی نام برده (ش ۷) و کلنل بل ایو در تحقیقات خود ثابت کرده که این نوع وزنه در موهنجادارو محلی نیست بلکه از شوش به آنجا برده شده است. چنانکه بواسطه رابطه تجارتي مقداری از وزنه های هندی نیز به عیلام آمده است و یکی از این وزنه ها که در شوش کشف گردیده به وزن ۹۸ گرم است و آنکه در موهنجادارو پیدا شده بوزن ۹۵ گرم است و رابطه بامصر و بین النهرین نیز عیلام را وادار کرد که ترتیب و تقسیم اوزان را با آنها متناسب نماید و این ارتباط هند و عیلام و بین النهرین و مصر و تناسب اوزان آنها بسیار مهم است چون مصریها ترتیب متعددی برای اوزان داشتند و چون یکی از آن مجموعه ها متناسب با مجموعه های هند است میشود گمان برد که این مجموعه از راه عیلام بمصر برده شده است.

۱ - از M. Hemmy فصل جامعی مربوط به وزنه های بدست آمده در موهنجادارو در کتاب Sir John Marshall مجلد دوم صفحه ۵۶۰ تا ۵۹۷ مندرج است. این وزنه ها لوله ای یا مستطیل یا هرمی شکل می باشند و از سنگ صیقلی سختی ساخته شده و دارای علامت و یا نوشته ای نمی باشند.

در کاوشهای پروفیسور دمرگان فرانسوی در شوش در حدود سالهای ۱۹۰۸-۱۹۱۰ میلادی ، وزنه هائی بدست آمده است و این مجموعه تحت مطالعه آقای میشل سوتزو^۱



شکل ۷

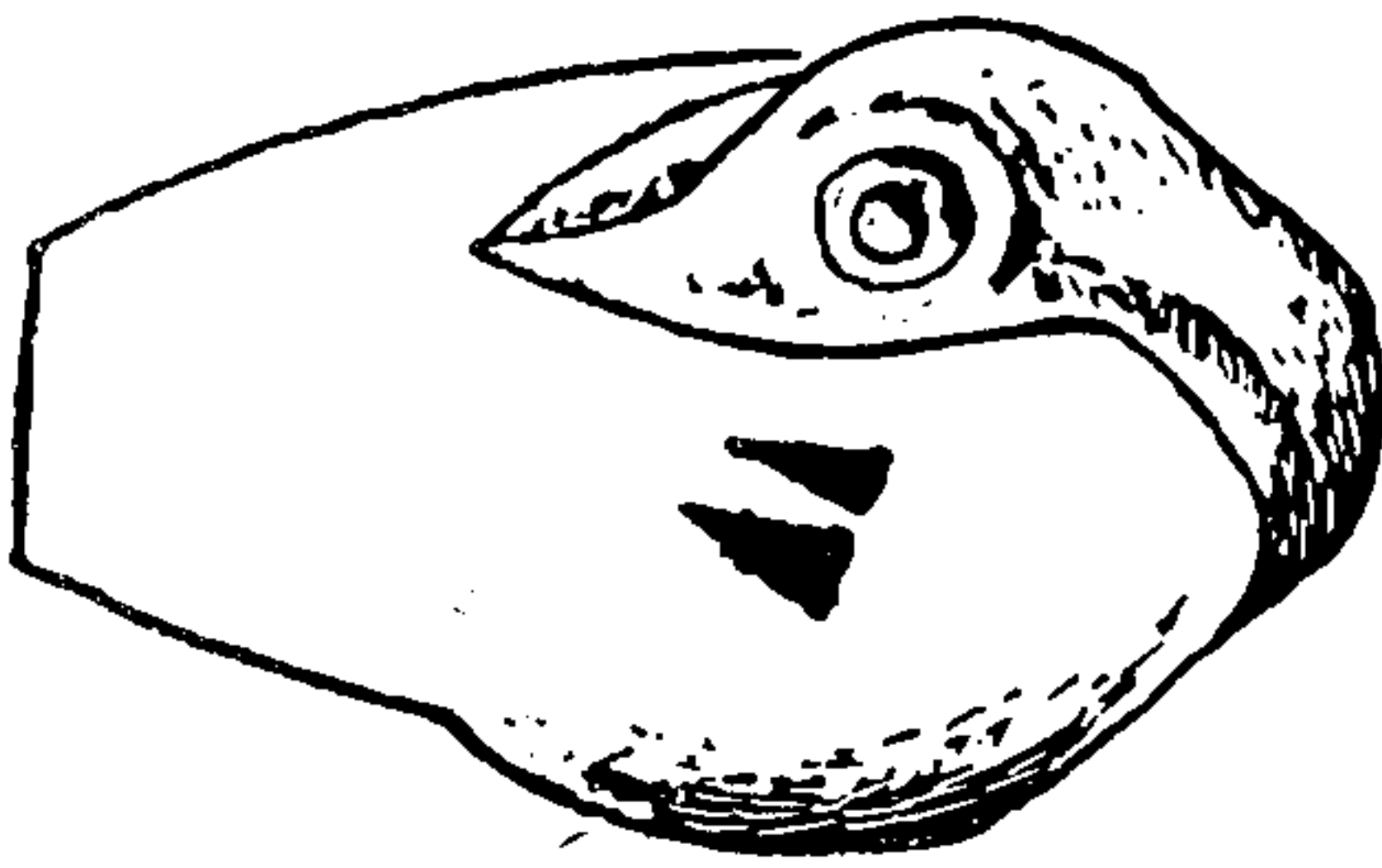
قرار گرفته است و شامل ۱۶ قطعه میباشد که بعضی بشکل مرغابی و بقیه بیضی شکل است و ۸ عدد آنها دارای نوشته ای است که علامت مقدار وزن است و از جنس برنز یا سنگ گچ و یا سنگ حدید میباشد و ترتیب وزن آنها بنا بر ترتیب وزن کلمه و آشوری (سینه) است. بعضی از این وزنه ها بزرگ و در حدود ۴ مینه و کوچکترین آن بوزن پنج مینه و یا دوسیکل است و وزنه پنج مینه مساوی ۲۵۲ گرم بوده است (ش ۸) که روی آن علامت ۵ مینه نقر است و وزنه (ش ۹) مرغابی سنگی که علامت دوسیکل

۱- de Morgan رئیس هیئت علمی حفاری فرانسه در شوش.

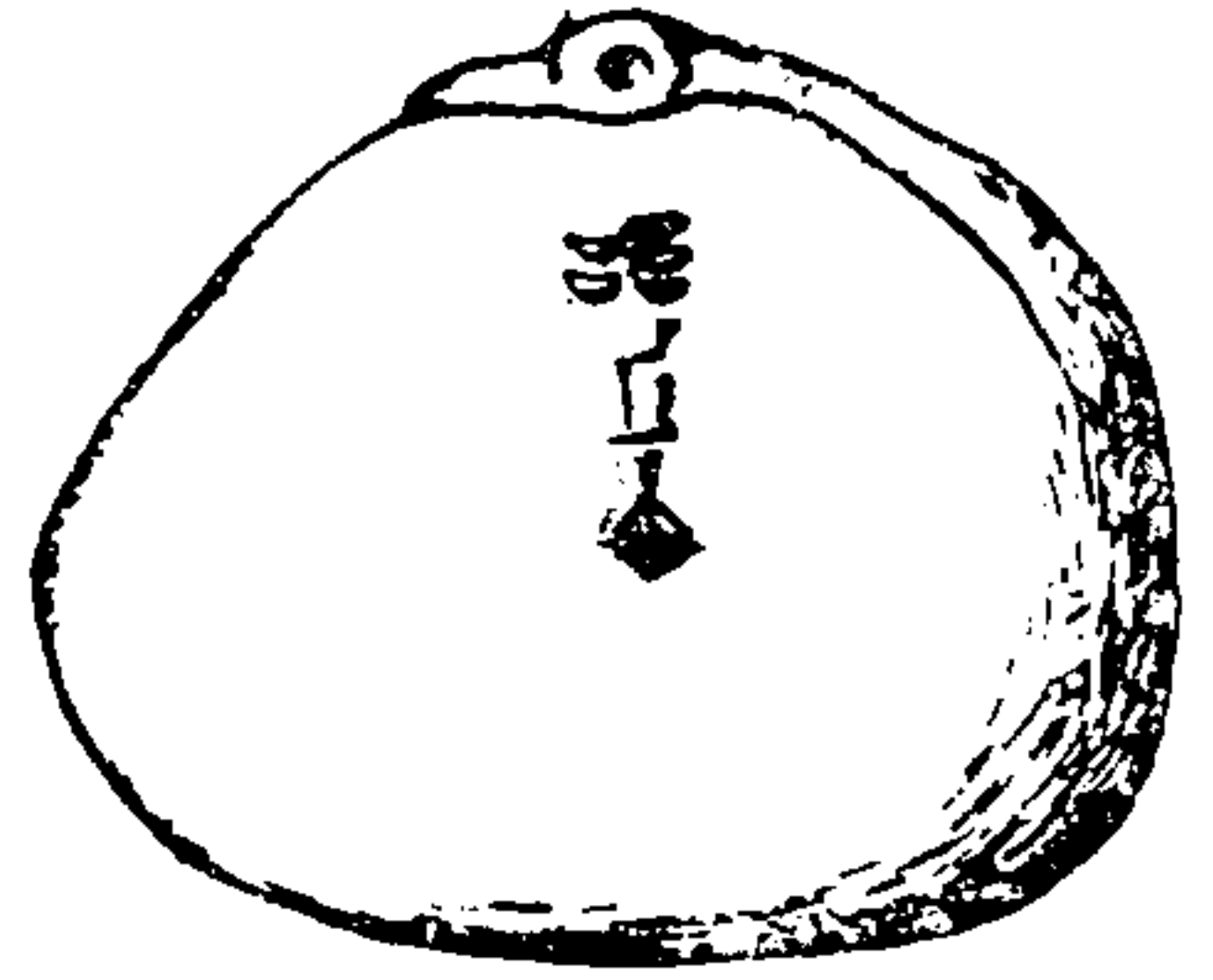
۲- Michel. C. Soutzo عضو آکادمی رومانی در مقاله جامع و مفصلی که در مجلد

دوازدهم رساله هیئت علمی فرانسوی شوش بچاپ رسانیده است در تحقیقات خود فقط بوزنه های موجود در موزه لوور Louvre پاریس اکتفا نکرده و بسایر مجموعه ها مانند موزه اسلامبول ، موزه انگلیس ، موزه برلن و مجموعه های شخصی مراجعه و تنبغات خود را کامل نموده است.

روی آن است و مساوی ۱۷ گرم است^۱ و زنه از سنگ گچ خاکستری رنگ که دارای علامت است که معرف ۲ شکل است و بنا بر وزن آشوری بوزن ۱۷۶/۵ گرم است، و زنه بیضی شکل از سنگ گچ سفید که علامت عدد دوروی آن تقریباً وزن آن



شکل ۹



شکل ۸

۱۷/۹۰ گرم می باشد (ش ۱۰)، علاوه بر وزنه های سنگی و مرغابی شکل، وزنه برنزی بشکل شیر بدست آمده است که وزن آن ۱۲۱۵۴ گرم می باشد و قطعاً این وزنه بنا بر ترتیب وزن سنگینی است (تالان) که در شوش بکار برده میشد و چهار برابر وزن معمولی و متداول بوده است و در بین وزنه ها یک وزنه یونانی برنزی موجود بود که شاید یک تالان بسیار سنگین وزن بوده است.



شکل ۱۰

در موزه ایران باستان سنگ وزنه ای موجود است که در ضمن خاکبرداری تخت جمشید کشف گردیده است و روی آن سه زبان عیلامی و بابلی و فارسی بخط

۱- عکسهای این دو وزنه از مجلد دوازدهم رساله همت علمی فرانسوی شوش صفحه

۷۹۶ گرفته شده است.

میخی معمولی کتیبه‌های هخامنشی نقر شده است^۱ بدین مضمون « ۱۲ کارشا . من داریوش شاه بزرگ شاهان شاه کشورها . شاه این سرزمین فرزند و پشتاسب هخامنشی » از سنگ وزنه که ۱۲ کارشا تعیین شده بوزن امروز نزدیک به ۱ کیلو گرم است



شکل ۱۱

ش ۱۱) یعنی ۰ گرم کمتر از ۱ کیلو، پس بدین وضع یک کارشا در حدود ۸۳ گرم است و کلمه کارشا وزن ایرانی است و در متن بابلی آن ۲ مین نوشته شده است زیرا تناسب وزن بابل با ایران تناسب ۱ با ۲ میباشد یعنی مینه مساوی ۲ کارشا است.

۱- نقل از مقاله آقای سید محمد تقی مصطفوی مدیر کل سابق اداره باستان شناسی

در مجلد اول گزارش های باستان شناسی . 136362

الواح گلی تخت جمشید که اسناد مالی کاخهای هخامنشی است نوشته های آنها کمک مهمی به شناسائی وضع مالی آن زمان و نسبت دستمزد نقدی و جنسی مزد کارگران در آن دوره میباشد (ش ۱۲) آقای دمکنم در سال ۱۹۲۸ میلادی در ضمن بدست آوردن



شکل ۱۲

وزنه های سنگی متنوع الشكل و مختلف الوزن در قیور عیلاسی در شوش دو کفه

۱- ترجمه یکی از الواح تحت جمشید بخط عیلاسی که بتوسط پرفسور جرج کاسرون دانشمند امریکائی مطالعه و خوانده شد و آقای مصطفوی آنرا ترجمه نمود که با مقدمه ای از تاریخ پیدایش آن در مجلد اول گزارشهای باستانشناسی مندرج است. اینک ترجمه لوح «برابر سه کارشا و شش شکل نقره بوسیله شکا به کارگرانیکه درهای آهنی پارسه را می سازند و پرد کاما مسئول کار ایشان است پرداخته شد معادل این مبلغ بطور مقرر بقرار هر سه شکل نقره یک گوسفند احتساب گردید مدت کار ایشان از ماه آدو کنیش تا ماه وویخن (یعنی تمام دوازده ماه) سال ششم (سلطنت خشایارشا) بوده دونفر هر کدام ماهی یک شکل ونیم نقره دریافت میکردند. (آدو کنیش اواخر زمستان و اوایل بهار وویخن ماه دوم و سوم زمستان).

ترازوی مسی نیز کشف کرد که معلوم میدارد وزنه و ترازو در یکجا جمع بوده است. در نقاشیهای مصر قدیم در چندین صحنه متنوع ترازو دار در حال کشیدن و وزن کردن دیده میشود. در یکی از آنها ترازو دار در یک کفه وزنه را قرار داده و در کفه دیگر فلز را و مشغول وزن کردن است و در صحنه های مذهبی در کفه های ترازو اعمال شخص قرار داده شده که مورد قضاوت خدای ازیریس^۱ است و در محضر خدای بزرگ آمده ای از قضات اعظم که هر یک برای یکی از گناهان برگزیده شده اند حضور دارند. و این صحنه جالب در موزه انگلیس موجود است (ش ۱۳)

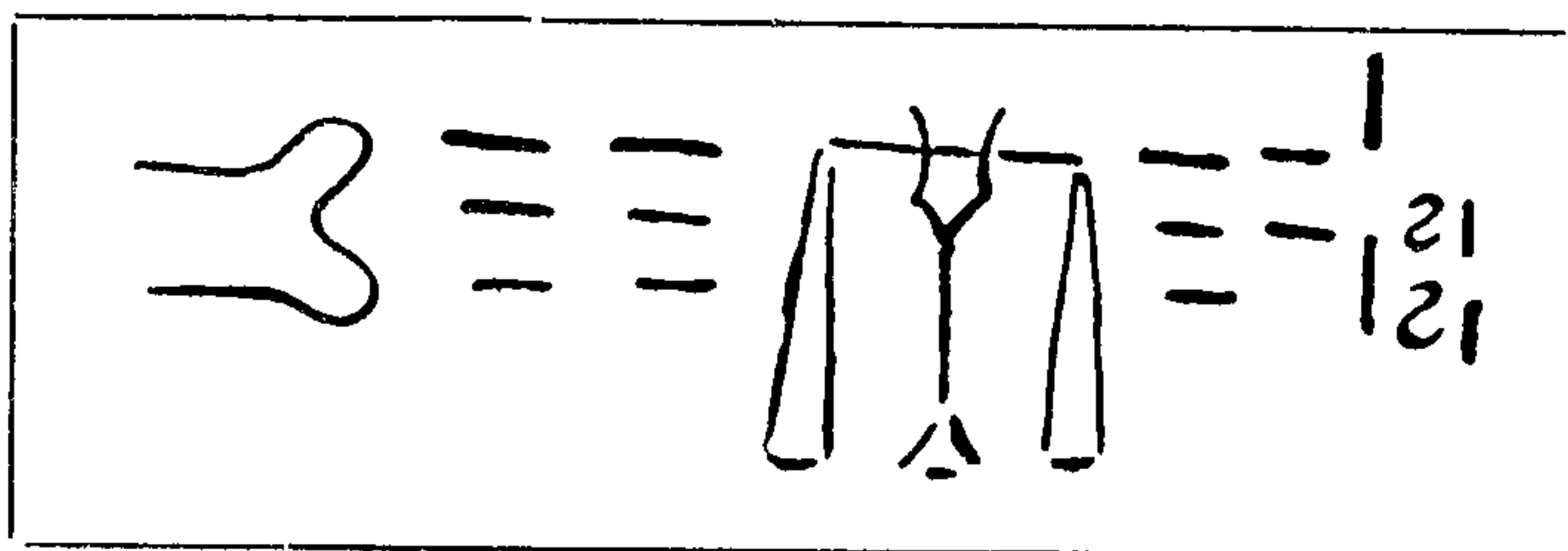


شکل ۱۳

در یکی از قبور میسن که یکی از شهرهای قدیم و مهم جزیره کرت است ضمن حفاری هفتصد قطعه صفحه طلا که بر روی آنها علاماتی حک شده بود بدست آمد. این صفحه ها که مانند پول در تجارت و معاملات آن دوران در جریان بود مانند شمش و باحلقه و یا میله بنا بر توزین بکار میرفته و مورد معاوضه قرار میگرفته است. در همین محل نیز دو ترازو کشف گردید که دارای کفه های مساوی بودند و قطعاً در زمان خود

۱ - Osiris خدای بزرگ مصر

وزن کردن این صفحه‌های طلا بوسیله این ترازوها انجام می‌گرفته است.
در یکی از الواح میسن وضع کشیدن شمش‌ها نشان داده شده است بدین ترتیب
که در یکطرف تعدادی شمش و در طرف دیگر ارقام و در وسط ترازو واقع شده
است (ش ۱۴).



شکل ۱۴

در ترتیب اوزان همانطور که درباره‌ی وزنه‌ها گفته شد در ممالک مشرق بنا
بر ترتیبی است که اصل آن از کلدیه و آشور اقتباس شده است و تناسب فلزات را با
یکدیگر و ارزش هر کدام را مشخص مینماید و حتی شهرهای یونانی که برای اولین
بار سکه ضرب زدند مقیاس اوزان کلدیه و آشوری را بکار بردند و کلدانیها و آشوریها
دو نوع ترتیب اوزان که یکی دو برابر دیگری است داشته‌اند (که ما آنرا ردیف
بزرگ و ردیف کوچک مینامیم).

تالان وزن اصلی و مین $\frac{1}{4}$ تالان و سیکل $\frac{1}{6}$ مین است^۱.

۱- مین یا مینه وزن اصلی آشوری همانطور که در ایران و سایر ممالک قدیم بکار برده
میشد در ایران باقی است و بنام مین معروف است که در زمان مغول غازان خان مین تبریز را
معمول داشت و بعدها در دوره صفویه به مین شاه که دو برابر مین تبریز است تبدیل گردید که
هنوز در اغلب شهرستانها مانند اصفهان و یزد و غیره معمول و در سایر قسمتهای ایران مین
تبریز که مطابق ۳ کیلو است بکار برده میشود.

ردیف کوچک	ردیف بزرگ	تسمیه
۳۰/۲۷۶ کیلو	۶۰/۵۲۲ کیلو	تالان = ۶۰ مین = ۳۶۰۰ شکل
۵۰۴/۶۰ گرم	۱/۰۰۹ کیلو	مین (من) = ۶۰ شکل
۸/۴۱ گرم	۱۶/۸۲ گرم	شکل = ۱/۶۰ سن

از روی این تناسبات وزن ۱۶/۸۲ گرم ردیف بزرگ معیار ترتیب اوزان در آسیای صغیر بوده است که به سیستم فوکائیک^۱ معروف است.

در سیستمهای مختلف اوزان طلا و نقره در ممالک یونانی و آسیائی از قرن هفتم تا قرن چهارم قبل از میلاد تناسب ۱ با $۱۳\frac{۱}{۳}$ را داشته است یعنی $۱۳\frac{۱}{۳}$ سکه نقره ارزش یک سکه طلای هم وزن را دارد.

در پلوپونز و اسپارت و در جزیره اژین وزن قانونی مین است که ۶۲۸ گرم است و آن منقسم شده به ۱۰۰ درهم هر یک بوزن $۶\frac{۱}{۲۸}$ گرم و همانطور که قبلاً شرح داده شد فیدن شاه آرگوس در تمام ناحیه متصرفی خود سیستم اژینی^۲ را که بنام او ترتیب فیدنی معروف است ایجاد کرد.

ترتیب تقسیم اژینی یا فیدنی

استاتریاد و درهمی	۱۲/۵۷ گرم
درهم	« ۶/۲۸
اوبول یا $\frac{۱}{۶}$ درهم	« ۱/۰۴

در آتیک^۳ و او به^۴ ترتیب اوزان بطرز دیگری بوده که بوزن ابوئیک معروف بوده است و این نوع ترتیب در آتن و تمام یونان نیز بکار میرفته است

۱- *Système phocaïque* بواسطه نام شهر فوسه که در ابتدا این ترتیب از آن شهر

رواج پیدا نمود باین نام معروف گردید.

۲- *Système Egynétique*

۳- *Attique* قسمتی از یونان قدیم که آتن پایتخت آن بوده است.

۴- *Eubée*

حتی در دوره اسکندر در بیشتر متصرفاتش همین سبک تقسیمات تحمیل شده است. مین ابوئیک بوزن ۴۳۶ گرم است و تقسیمات آن بدین قرار است:

چهاردرهمی ^۱	۱۷/۴۶ گرم
دودرهمی ^۲ (استاتر)	« ۸/۷۳
درهم ^۳	« ۴/۳۶
ابول ^۴	« ۰/۷۳

ترتیب بیمتالیک^۵ سکه های طلا و نقره لیدی بوضع دیگری است که کروزوس پادشاه لیدی برای سهولت در امور تجارت دو نوع تقسیم بکار برده که بدین ترتیب است:

ترتیب تقسیم نوع اول که مربوط بسکه های طلاست

استاتر	۸/۱۷ گرم
نیم استاتر	« ۴/۰۸
$\frac{1}{3}$ استاتر	« ۲/۷۲
$\frac{1}{6}$ استاتر	« ۱/۳۶
$\frac{1}{12}$ استاتر	« ۰/۶۸

تناسب طلا و نقره برابر ۱ یا $\frac{1}{3}$ بوده است، لذا یک استاتر طلای ۸/۱۷ گرم برابر سکه نقره ای بوزن ۱۰۸/۹۰ گرم است و چون این سکه بسیار سنگین و در معامله باعث ناراحتی بوده است لذا آنرا به ده قسمت تقسیم نمودند و سکه نقره ۱۰/۸۹ گرم بدست آمد و تناسب طلا با الکتروم تناسب ۴ با ۳ است و استاتر طلای ۱۰/۸۹ گرم معادل استاتر الکتروم ۱۴/۵۲ گرم است و تناسب الکتروم با نقره تناسب ۱ با ۱ است یعنی یک سکه الکتروم ۱۴/۵۲ گرم مطابق با ۱ سکه نقره بهمین وزن است. این وزن ۱۴/۵۲ گرم چون متجانس با اوزان ایونی بوده لیدیها آنرا برای سهولت در گردش تجارت

Drachme - ۳

Didrachme - ۲

Tetradrachme - ۱

۵ - پولیکه واحد آن طلا و نقره باشد .

۴ - Obole $\frac{1}{4}$ درهم

با ممالک همجوار قبول نمودند و چون این سیستم برای اولین بار در شهر میله بکار برده شد به سیستم میلزیاک^۱ معروف است.

پس در تقسیمات نوع دوم سکه‌های طلا و نقره هم وزن میباشد.

ترتیب تقسیم نوع دوم که مربوط به سکه‌های طلا و نقره است

استاتر	۱۰/۸۹ گرم
نیم استاتر	« ۵/۴۴
$\frac{1}{3}$ استاتر	« ۳/۶۳
$\frac{1}{6}$ استاتر	« ۱/۸۱
$\frac{1}{12}$ استاتر	« ۰/۹۰

در دوره هخامنشی داریوش اول برای اولین بار در ایران سکه‌های طلای معروف به دریک و سکه‌های نقره (شکل) ضرب زد که در دنیای آنروز رواج کامل داشت. در یک از طلای خالص و بوزن $\frac{1}{4}$ ۸ گرم و شکل نقره $\frac{5}{6}$ گرم است. داریوش هم برای ترتیب اوزان تناسب طلا و نقره ۱ به $\frac{1}{3}$ ۱۳ را بکار برد و چون در یک $\frac{1}{4}$ ۸ گرم با وزن ۱۱۲ گرم نقره مطابقت میکرد و این وزن برای گردش در تجارت و کسب سنگین و غیر عملی بود لذا آنرا به ده قسمت تقسیم نمود و هر سکه $\frac{11}{21}$ ۱۱/۲۱ گرم وزن داشت در این صورت ده سکه نقره $\frac{11}{21}$ ۱۱/۲۱ گرم مطابق یک در یک طلای $\frac{1}{4}$ ۸ گرم بوده است.

سکه‌های نقره $\frac{11}{21}$ ۱۱/۲۱ گرم نمونه قانونی وزن صحیح استاتر نقره است که بترتیب پارسی مشهور است ولی داریوش برای سهولت امور معاملاتی سکه‌های نقره $\frac{11}{21}$ ۱۱/۲۱ را به نصف وزن تقلیل داد که همان شکل معروف است که $\frac{5}{6}$ ۵/۶ گرم است. پس بیست شکل نقره ارزش یک دریک طلا را داشته است.

در امپراطوری وسیع هخامنشی غیر مقدور بود که فقط بیکنوع وزن، بضر

سکه مبادرت ورزند و شاهنشاهان هخامنشی رعایت این عمل را در تمام ممالک تابع خود مینمودند .

ترتیب تقسیمات اصلی در امپراطوری هخامنشی و متصرفات آن سه نوع است :

۱- تالان هخامنشی = ۶۰ مین در متصرفات آشور و بابل و هند .

۲- تالان هخامنشی = ۵۰ مین در ایالات داخلی ایران .

۳- تالان آتیک در متصرفات یونانی .

در موقعیکه مصر جزو متصرفات ایران در آمد سه نوع ترتیب وزن در آن

سرزمین وجود داشت: تالان مصری بوزن ۴ کیلو و ۰۰۲ گرم، تالان فراعنه بوزن

۲ کیلو و ۰۰۵ گرم و تالان تب بوزن ۳ کیلو و ۰۰۲ گرم بوده است . تناسب بین

مس که فلز کم قیمتی است با نقره در دوره هخامنشی بر میزان ۱ بر ۱۴ بوده است

و چون از آن سکه بسیار وزینی بدست میآمد لذا واحد پول نقره را برگزیدند یعنی

ببست سکه مس متناسب با یک سکه نقره بوده است و همین سکه را بر تقسیمات کوچکتری

منقسم نمودند که بسهولت حوائج روزانه مردم برآورده شود .

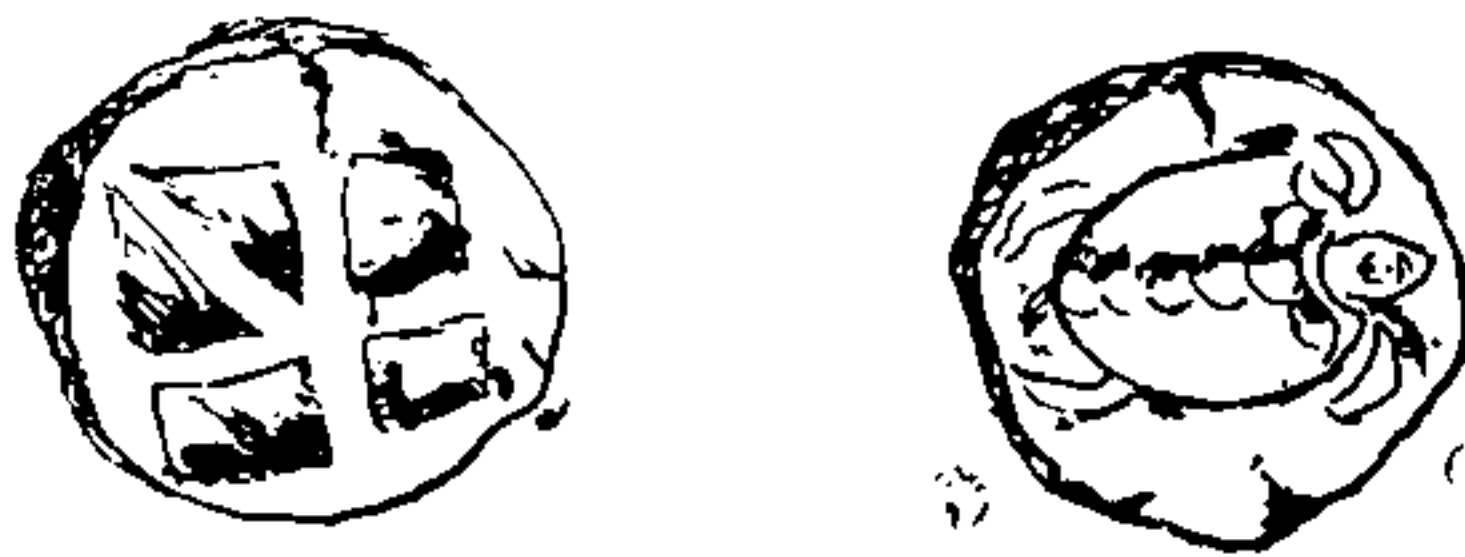
بدین ترتیب شاهنشاهان هخامنشی در داخل مملکت و متصرفات و ممالک

تابعه بضر ب سکه های مختلف پرداختند .

مذهب

در ادوار تاریخ و نزد اقوام مختلف نقوش مذهبی و مظاهر خدایان افسانه‌ای در تزئین سکه تأثیر بسزائی داشته است. در یونان و ایران و ممالک آسیای صغیر و رم، خدایان و رب النوعها عامل مؤثر و سهمی بوده و هر شهر یا مملکتی خدایان مخصوصی داشتند که حامی ساکنین آن شهر بودند و حتی افراد سهم نیز خود را تحت حمایت یکی از خدایان قرار میدادند و برای جلب توجه خدایان معابدی میساختند و تمام هم خود را مصروف تزئین آن مینمودند و گاهی علاوه بر رب النوعهای محلی، خدایان خارجی را نیز در معابد خود می پذیرفتند و از قدرت معنوی آنها برخوردار میشدند. این خدایان بصورت انسان و یا مظاهر یکی از آنها در روی سکه نقش میشده است.

این نقوش متنوع کمک بزرگ برای روشن شدن تاریخ مذهب دنیای قدیم کرده است. مثلاً در روی سکه‌های اژین نقش لاک پشت (ش ۱۰) (از مجموعه موزه



شکل ۱۰

ایران باستان) که مظهر آرتیمیس^۱ میباشد و بر روی سکه های آتن در یکطرف سکه تصویر آتنا^۲ و طرف دیگر جغد که مظهر اوست منقور است. در سکه های ایونی تأثیر خدایان مشرق هویدا است و اغلب بر روی آنها نقش

۱ - Artémis دختر ژوپیتر

۲ - Athéna الهه یونانی اندیشه، دختر زئوس

حیوانات بالدار چون ابوالهول که معترف مذهب مهر است و گاو میش بالدار آنچه آنکه بر روی سیلندر های بابلی و آشوری و پارسی نقش گردیده مشاهده میشود . بر روی سکه های شهرهای فنیقیه نقش رب النوع داگون^۱ که صورت انسان و بدن ماهی دارد و یا ملکار^۲ یکی دیگر از ارباب و انواع دیده میشود .

اگرچه یونانیها و روسیها باسیل و رغبت خدایان خارجی را در معابد خود می پذیرفتند و آنرا مشابه خدایان محلی خود قرار میدادند ولی در کشور های شرقی باین نحو عمل نمیشد زیرا ملل مشرق بیشتر از مغربها پای بند معتقدات اجدادی و ملی خود بوده و باین سادگی زیر بار خدایان خارجی نمی رفتند . گرچه فتوحات مقدونیها در مشرق باعث رواج معابد و مذاهب یونانی گردید ولی مردم خدایان را بعنوان خدایان اصلی نپذیرفته بلکه بعنوان خدایان جدید قبول کردند .

در ممالک متصرفی هخامنشی و ملل تابعه ایران چه آسیائی و چه یونانی ، اثر مذهب در روی سکه مشاهده میشود و بنا بر روایت هردوت ملل متنوعه ساکن شاهنشاهی هخامنشی و ممالک تابعه آن آزاد بودند موافق معتقدات مذهبی خود رفتار کنند .

شاهنشاهی وسیع هخامنشی که از دریای مدیترانه تا هندوستان بسط داشت و بنا بر کتیبه های این که دوره تمام صحبت از قدرت مطلق است که اهورامزدا به شاهنشاهان ایران اعطاء کرده است معهذ این موهبت الهی آنانرا از جاده صواب منحرف نمود و همانطور که نسبت به آداب و عادات ملی خود مقید بودند آداب و سنن و مذهب سایر ملل را نیز مقدس و محترم شمردند و از این طریق که خود یک روش سیاسی صحیح بود ملتھائی که از حیث مذهب و آئین با یکدیگر مختلف بودند مطیع خود کردند . بر روی سکه های اسکندر و دوره سلوکی ها نیز ارباب انواع یونانی خود نمائی

۱ - Dagon در شهرهای فنیقیه مورد پرستش بوده است .

۲ - Melkart

میکند و بجز رعایت احوال و عادات چند مملکت روح سرکش و قدرت طلب فاتح مقدونی اساطیر یونانی را تاهندوستان به همراه خود برده است. در دوره اشکانی تأثیر هنر یونانی از نقش سکه ها واضح میشود .




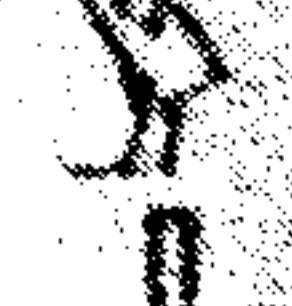
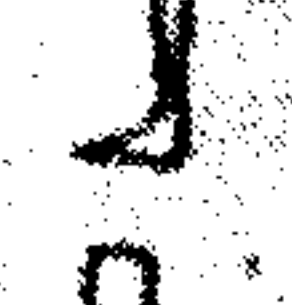


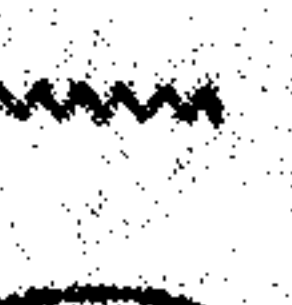

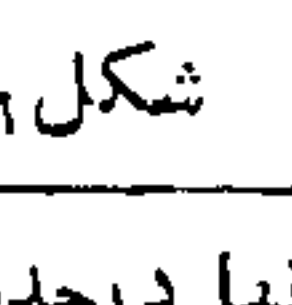
مذاهب مشرق زمین را قبل از اسلام به چهار دسته میتوان تقسیم نمود. ایران مذهب زردشت . بیزانس مذهب عیسوی . هندوستان برهمنائی و عده ای از ممالک مختلف برشرك و بت پرستی پای بند بوده و بخدایان افسانه ای قدیم معتقد بودند . ظهور پیغمبر اسلام و فتوحات پی در پی مسلمانان و اثر معنوی آن بزودی سراسر این ممالک را بآئین اسلام درآورد . تمام شاهنشاهی ایران و قسمت مهمی از بیزانس و سوریه و آسیای صغیر و تمام شمال افریقا و اسپانی و حتی در چین و هند نفوذ کرد و این تغییرات و تحولات فکری و مذهبی در نزد اقوام و ملل مختلف بخوبی و بطور وضوح در روی سکه های آنها منعکس است . مثلا در روی سکه های بیزانس تصویر حضرت عیسی و مریم و مقدسین مذهب مسیح و سکه های شاهزادگان پارس و نیم تنه اهورامزدا و برسکه های ساسانی آتشدان مقدس و برسکه های اسلامی یکی از آیات قرآن منقوش میباشد .

خط

همانطور که تزئین سکه بواسطه نقوش مذهبی و پرستش خدایان افسانه ای کمک مؤثر و سهمی برای روشن شدن تاریخ قدیم مینماید ، نوشته و خط نیز عامل مهم دیگری است که زبان محلی اقوام و ملل مختلف را نشان داد و سند قطعی است که سیر تکامل و قدرت و تفوق و یا انحطاط و سقوط ملتی را ظاهر می نماید . خط که یکی از ارکان تمدن بشر است در ابتدا بصورت علامت و رمز بوده است و انسان اولیه که با اشاره و اصوات افکار و احتیاجات خود را میفهماند و با سیر تکامل از صداهای طبیعی تقلید نموده دارای لغاتی شده است .

۱- در کلیه زبانها تقلید صداهای طبیعی از دورانهای اولیه باقی است مانند لغاتی که برای صدای اغلب حیوانات یا وزش باد و صدای باران و غرش رعد بکار برده میشود .

هر قدر درجه کمال انسانی پیشرفت کرد تعداد لغات زیادتر شد و بهمین تناسب برای درك افکار یکدیگر علاماتی بکار بردند که میتوان آنرا اولین قدم بشر برای اختراع خط دانست. این علامات که بصورت چوب خط^۱ یا گره بر روی ریسمان بود کم کم

بازش صوتی	علامات	لغات معروف تصویر
۳		عقاب
۴		برکت
۵		بازو
۶		جوجه
۷		ساق پا
۸		پایه
۹		حلزون
۱۰		منجد
۱۱		آب
۱۲		دخان

شکل ۱۶

۱- بنا بر گفته مورخان چینی خط آنها در حدود سه هزار سال قبل از میلاد بتوسط امپراطور فوهی (Fou-Hi) ایجاد گردیده است و قبل از آن علامات در چوب و گره وریسمان متداول بوده است.

بتقلید از طبیعت تصویری شده است و در عوض خط کشیدن روی چوب، نقش آنرا طرح کردند. مثلاً اگر موضوع شکار بود نقش حیوان و اگر بحث از جنگل و یا درخت بود طرح شاخه ها و یا درخت را نقاشی میکردند و این طرز نوشتن موجب پیدایش خط هیروگلیف^۱ مصری است که بعدها بصورت ساده‌تری درآمد و تعدیل گردید که هر نقش متضمن معنی حقیقی یا مجازی بوده است. (ش ۱۶).

خط میخی را سومریها اختراع کرده‌اند و بوسیله قلم نی تراشیده شده بر روی الواح گلی مینوشتند و عیلامی ها و آشوریها و بابلیها این خط را از آنها گرفتند و بعدها مادها و پارسها آنرا بصورت ساده‌تری در آوردند که تقریباً الفبائی است زیرا دارای ۳۶ حرف و شش علامت میباشد، در صورتی که خط آشوری و عیلامی دارای ۸۰۰ علامت است.

خط میخی در ابتدا بصورت نقوش ساده یا علامات ابتدائی بود که خوشبختانه کاوشهای اخیر از این راز پرده برداشت و وسیله شد که علاقمندان بقرائت آن موفق شوند. بنا بر تحقیق صحیح، خط در بین النهرین در دوره هزاره چهارم قبل از میلاد بوجود آمد (ش ۱۷)^۲ این دوره علامات تقریباً باشکال طبیعی است و کم کم در حال تحول بوده. در ۳۰۰۰ قبل از میلاد تمدنی در شوش پدید آمد و خط عیلامی را ایجاد کرد که در هزاره بعد بصورت میخی شکل درآمد، اینک برای نمونه نقش یکی از الواح گلی که در شوش بدست آمده و برای امور محاسبات بکار میرفته است (ش ۱۸)^۲

وضع تجارتی و اقتصاد فنیفیها که تقریباً با قسمت عمده‌ای از دنیای امروز در

۱ - F. Champollion فرانسوی که مدتها در مطالعه خطوط صرف وقت کرده بود در سال ۱۸۲۱ رمز خط هیروگلیف را کشف نمود و راه شناسائی و تحقیق سایر خطوط را بروی علمای دیگر باز کرد.

۲ - از کتاب تاریخ خط J. G. - Fevrier راجع به خط میخی استفاده شد.

۳ - از مجلد ۲۷ خاطرات هیئت علمی فرانسه در شوش تحت شماره ۴۲۳

معامله و تجارت بودند، باعث نفوذ در ممالک دیگر گردید و بسهولت موجب پیدایش سایر

آشور	اور قریم	جدت نصر	دوره اوروک

شکل ۱۷

خطوطی که از ریشه این خط هستند شد^۱ از جمله خط آرامی است که پایه خط پهلوی میباشد. سایر خطوط متداول امروزی مانند یونانی و لاتین و عربی نیز از



شکل ۱۸

ریشه آرامی است و این سیریا تحول خط از اول پیدایش سکه تا بحال بخوبی بر روی آن واضح است. مثلا در دوره اسکندر و بعد در حکومت سلوکیها و بطالسه در قسمت

۱ - فنیقیه مملکتی در ساحل دریای مدیترانه محل سوریه و لبنان فعلی بوده و فنیقیها اولین سردسی بودند که از راه دریا به تجارت پرداختند و در ساحل دریای مدیترانه شهرهایی ایجاد کردند که کشتیهای آنان بتواند بسهوات در رفت و آمد باشد سورخان عقیده دارند که آنها در حدود سال ۲۵۰۰ قبل از میلاد از ناحیه خلیج فارس بکنار دریای مدیترانه کوچ کرده اند و کشتی رانی را بمردمان آن نواحی آموخته اند و از دریای مدیترانه تا اقیانوس اطلس حتی دریای بالتیک در رفت و آمد بودند.

مهمی از آسیا و مصر و ایران زبان یونانی رواج داشته و تا چند قرن زبان رسمی بوده است و تا وقتی که رم قدرت بطالسه و سلوکیها را درهم شکست زبان یونانی باوجود چند قرن دوام جای خود را بزبان محلی واگذار کرد. در تمام ممالک تحت نفوذ مقدونیها فقط پارس این امتیاز را داشت که با وجود قدرت سلوکیها، زبان محلی خود را حفظ کرد وزیر بار زبان خارجی نرفت. و بر روی سکه های پادشاهان پارس، خطی که اصل آن آراسی است و کم کم بصورت پهلوی ساسانی در میآید، نوشته شده است که بر سکه های اواخر این دوره و سلسله ساسانی دیده میشود. در دوره اشکانیان که زبان رسمی یونانی بود نوشته های سکه بخط یونانی است ولی همانطور که نفوذ یونان از بین می رود زبان یونانی هم جای خود را بزبان محلی واگذار میکند و بر روی سکه های اواخر این دوره در ضمن نوشته یونانی که بصورت ناخوانا و لایقراء درآمده اغلب خط آراسی که همان خط پهلوی اشکانی باشد پدیدار میشود. در قسمت شمالی و شمال غربی هندوستان که تابع حکومت هخامنشی بود و در دوره اسکندر مانند سایر قسمت های ایران تحت تصرف مقدونیها درآمد سکه های اسکندر در جریان بود و بعد از اسکندر نیز با معاهده ای که سلوکوس باشاندر گویتا در سال ۶۰۳ قبل از میلاد بست، نفوذ سلوکیها را تثبیت نمود ولی طولی نکشید که قدرت اشکانیان و حکومت باختریان دست سلوکیها را از این ناحیه کوتاه کرد. در طول این مدت خط یونانی همراه با خط محلی بر روی سکه های هند دیده میشود. وقتی که دیودت ۲ از طرف سلوکیها بحکومت باختر منصوب گردید پس از مدتی علم استقلال برافراشت و بدولت سلوکیه اعتنائی ننمود بطوری که آنتیوکوس اول مجبور شد استقلال آن مملکت را رسماً بشناسد. بر روی سکه های دیودت نوشته یونانی است ولی وقتی که دستریوس قسمتی از هندوستان را ضمیمه مملکت خود نمود خط یونانی و محلی هر دو بر روی سکه بکار برده شده است. شاهنشاهان پارسی نژاد ساسانی با تجدید عظمت ایران و مراعات آداب و سنن باستانی واجدادی

دوره هخامنشی سعی و اهتمام نمودند که باقیمانده نفوذ یونانی را از بین ببرند و بهترین شاهد و گواه این مدعا سکه های این دوره است که نقش آتشدان مقدس و خط پهلوی بر روی آن نقش است.

سکه های اسپهبدان طبرستان نظیر سکه های خسرو دوم ساسانی ولی کمی کوچکتر است^۱ نام اسپهبد و تاریخ ضرب سکه و نام شهر بخط پهلوی است.

اعراب با وجودی که با زحمات زیاد موفق شدند به ماوراء کوه های البرز راه یابند و تسلط خود را سحرز سازند، معذک نتوانستند کاسلا سیاست و سازمانهای اداری و مذهبی خود را بفرمانروایان تحمیل نمایند و فقط بفرستادن یکنفر عامل در هر ناحیه اکتفا کردند و حکام عرب در ضرب سکه های این ناحیه فقط نام خود را با خط کوفی نوشته و بقیه نوشته ها بخط پهلوی است. سکه های عرب و ساسانی که نظیر سکه های خسرو دوم و بهمان قطع هستند حتی نام فرماندار عرب بخط پهلوی است، فقط در گوشه دور خارجی سکه نام خدا (بسم الله) نوشته شده است و این وضع ادامه داشت تا وقتی که عبدالملک بن مروان^۲ خلیفه اموی در اواسط دوره خلافت خود تغییرات مهمی در وضع اقتصادی دنیای اسلام آنروز داد از جمله مقید کرد که در ممالک اسلامی یکنوع سکه رواج داشته باشد و این همان ردیف سکه هائی است که به نام سکه خلفا معروف است و تمام نوشته آن بخط کوفی است. از نوشته سکه های

۱- این شاهزادگان که از خاندان ساسانی بودند پس از کشته شدن یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی آزادی طبرستان را اعلام و بطرز حکومت ساسانی در منطقه کوچکتری سلطنت نمودند و تا مدتها نگذاشتند دست اعراب بدین نواحی برسد و تاریخ جدیدی که بتاریخ طبرستان مشهور است و از سال ۶۵۲ بعد از میلاد یعنی یکسال پس از کشته شدن یزدگرد سوم که بسال ۶۵۱ است شروع میشود و در روی سکه های این شاهزادگان سال ضرب سکه بتاریخ طبرستان نوشته شده است.

۲- رواج و جریان سکه جدید در ایران کار بسیار مشکلی بود لذا در سال ۸۷ هجری که حکومت عراق و خراسان و سیستان با حجاج بود با تساوت و شدت عمل توانست آنها را عملی نماید.

اسلامی ایران بطور صحیح میتوان تغییر و تحول خط و جریان تاریخ و وضع سذهب را تشخیص داد و چون موضوع خط محتاج بحث مفصلی است لذا بهمین مختصر راجع به تاریخ خط بروی سکه قناعت میکنیم.

اصول فنی ضرب سکه در اولین ضربخانه دنیای قدیم

حس احتیاج در امر تجارت و داد و ستد، مردم قدیم را برانگیخت که از فلزات استفاده نمایند و وسیله آن معاملات خود را انجام دهند و ابتدا فلز را بشکل تپرو حلقه و دیگ و خنجر بکار بردند و بعد با پیشرفت تمدن، مس و آهن و برنز و طلا و نقره را بصورت شمش و حلقه و میله یا قطعات مدور و یا چهار گوش در آوردند و برای سهولت امور تجارتنی و تضمین قدرت مالی، تجار و حکام و فرمانروایان بر روی آن قطعات علامتی حک کردند که متضمن وزن صحیح فلز باشد و بعد که سکه ایجاد گردید برای بدست آوردن مقدار بیشماری از آن محتاج بطریقی بودند که قطعات فلز (سکه) هم وزن و هم شکل و هم نقش باشد و بدست آمدن این نوع عمل اصل فنی برای ضرب سکه و یا پیدایش ضربخانه است.

در قدیم ترین دوره برای ضرب سکه، فلز مورد نظر را حرارت داده و ذوب مینمودند و سپس فلز گداخته را به قطعاتی مبدل کرده و پس از سرد شدن وزن میکردند که آن قطعات بوزن معین قانونی باشد و اغلب این قطعات بشکل بیضی یا مدور بوده و رعایت و توجهی به منظم بودن آن نمیشد و فقط کافی بود که از لحاظ وزن بایکدیگر مساوی باشند. البته این طرز عمل بسیار مشکل و محتاج صرف وقت زیادی بود لذا در بعضی از شهرها مانند مقدونیه - آتن - سیرا کوس^۲ - کورنت^۳ برای آنکه سهولت

۱- اسپارتنی ها تاسدتها پس از رواج سکه باز بطرز متداول قدیم از شمش های آهنی و یا برنزی استفاده مینمودند.

۲- شهر و بندری که در سیسیل واقع است.

۳- Corinthe یکی از شهرهای مهم و آباد یونان که در سال ۱۰۶ قبل از میلاد بتوسط رومی ها خراب شد و امروز بندر آن معروف است.

مقدار زیادی از قطعات هم وزن و هم شکل آماده برای ضرب بدست آید، قالب های آهنی ساختند که جعبه ای شکل بود در آن چند ردیف خانه های منظم یک قطع تعبیه شده بود که هر یک گنجایش یک سکه را داشت و از لحاظ وزن نیز مطابقت مینمود، این خانه ها بوسیله شکافی بیکدیگر ارتباط داشت و در موقع عمل محافظه را بسته و از آن شکاف فلز ذوب شده را وارد میساختند و پس از آنکه خانه ها یکی پس از دیگری پر شد درب جعبه را برداشته و قطعات را پس از سرد شدن از قالب خارج میکردند و این قطعات هم وزن و هم شکل آماده برای ضرب یعنی قبول اثر نقش که علامت رسمی مملکتی است میشد و این عمل بوسیله سرسکه انجام میگردد.

سرسکه را که استوانه ای شکل و از برنز و یا آهن ساخته شده و در یک طرف آن نقش مورد نظر حک گردیده بود بر روی سندان فلزی قرار میدادند، قطعه فلز را که کمی گرم شده و قابل اثر بود بر روی آن میگذارند و بعد سرسکه دیگر را از طرفی که منقوش است بر روی آن قرار میدادند و پس از تنظیم آن چکش را با شدت میزدند که اثر نقش قطعه فلز نقر گردد و پس از این عمل سکه مطلوب بدست میآید. ولی گاهی ضراب تصور میکرد ضربه چکش بقدر کافی نبوده که دارای اثر کامل باشد ضربات متعددی بر روی سرسکه وارد میکرد و اثر این نوع نقوش که کمی منحرف است بر روی سکه های قدیم بنظر میرسد و برخی اوقات ضربه چکش بر روی سندان بقدری با قوت فرود میآید که فشار زیاد تولید شکاف بر گوشه سکه مینمود.

چون جنس سرسکه از آهن و یا برنز بود اغلب پس از استعمال زیاد، حالت سائیدگی پیدا می نمود چنانچه این سائیدگی در بعضی از سکه ها مشاهده میشود. لذا ضرابخانه بایستی سرسکه های متعدد میداشت تا بتواند بموقع از آن استفاده نماید.

۱- این طرز عمل اغلب اثر برآمدگی مختصری در طرفین سکه که مایع از آن وارد

میشود باقی میگذاشت.

تاریخ تقویم

ملل قدیم چه آسیائی و چه اروپائی طرق مختلف برای حساب تقویم و یا گاه - شناسی داشتند. البته وضع تقویم در قدیم، بنا بر آنچه معمول دنیای امروز میباشد، نبود و دوران ابتدائی تری راطی میکرده است. مبداء تاریخ قدیم بیشتر حوادث و اتفاقات مهم بوده است که با پیش آمدن حادثه جدیدی آن تقویم از بین رفته و گاه شناسی جدیدی جای آنرا گرفته است.

مثلا در آشور و بابل تاریخ ازمنه باسلطنت هرپادشاهی تطبیق میکرده است ولی چون اغلب این محاسبه نامنظم است و یا آنکه درست با تاریخ آنروز مطابقت نمینماید و سند و مدرکی هم که بطور یقین آنرا روشن بسازد در دست نیست لذا باید بطور تقریبی آنرا تنظیم نمود ولی امید است که با کشف مدارك جدید و پیشرفت علم باستانشناسی تاریخ ازمنه روشن تر گردد.

مثلا راجع به مصر بعضی از مورخین مبداء تاریخ آن را در ۵ یا ۶ هزار سال قبل از میلاد و بعضی ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد گفته اند و این اختلاف بیشتر از طرز طبقه بندی ماهها در نزد مصریان قدیم بوده است که هرماه را ۳۰ روز دانسته و پس از ۱۲ ماه پنج روز بآن اضافه مینمودند و چون حساب کبیسه را نمیکردند و پس از مدتی ماهها با فصول تطبیق نمینمود ، ناچار یک ماه را بعقب میبردند .

در یونان گاه شماری مطابق با مسابقه های ورزشی معروف به المپیاد بوده است که اولین مبداء آن سال ۷۷۶ قبل از میلاد است .

راجع به مبداء تاریخ هخامنشی اطلاعات دقیقی نداریم و شاید بطرز بابل و آشور سلطنت هرپادشاهی مبداء تاریخ بوده است و چون بر روی سکه های هخامنشی تاریخ گذاشته نشده نمیتوان بطور قطع راجع به مبداء تاریخ و گاه شناسی این دوره بحث نمود .

۱- هرچهار سال یکبار جشنی در Olympie که شهری در هلوپوناز بوده برقرار می کردند و مسابقاتی ترتیب میدادند .

رویه مرفته اختلاف و یا اغتشاش سنوات و طرز حساب در دورانهای قدیم باعث اشتباهات عدیده‌ای در قسمت تاریخ سکه میشود. چه برخی اوقات بنا بر سالی که در روی سکه ضرب شده اشتباهاً آن سکه را منتسب بآن دوره میدانند در صورتی که سال روی سکه مربوط به تقویم مخصوص محل و یا انتخاب سال جدید و دوره تازه‌ای است که پادشاهی برای خود انتخاب مینماید.

مبدأ تاریخ را بزحمت از روی سکه میتوان مشخص نمود زیرا تاریخ تقویم کلیه دوره‌های مختلف روشن نشده است و آنهایی هم که تا کنون بدست آمده تقریبی یا راجع بآن اختلاف عقیده است.

مثلاً آغاز تاریخ اسکندر را بعضی از مورخین سال ۳۳۳ قبل از میلاد و مولر^۱ سال ۳۳۴ و لونرمان^۲ ۳۱۹ قبل از میلاد و سکه شناسانی چون بابلن^۳ و بارکلی هد^۴ مبدأ تاریخ اسکندر و سلوکیها را یکی میدانند. تاریخ سکه های اشکانی بنا بر تاریخ سلوکیهاست و در دوره ساسانی تاریخی که بر روی سکه است مطابق سال سلطنت شاه میباشد. بر روی سکه اسپهبدان طبرستان تاریخ مخصوصی معروف به سال طبرستان نوشته شده است.^۶

پس از تسلط اعراب بر ایران و پیدایش سکه های خلفا، تاریخ ضرب سکه بنا بر تاریخ هجری است که مطابق ۶۲۲ بعد از میلاد میباشد.

صورت مبدأ چند سنه مهم

تاریخ سلوکی = ۳۱۲ قبل از میلاد.

۱- Muller

۲- Lenorman مورخ و باستانشناس فرانسوی

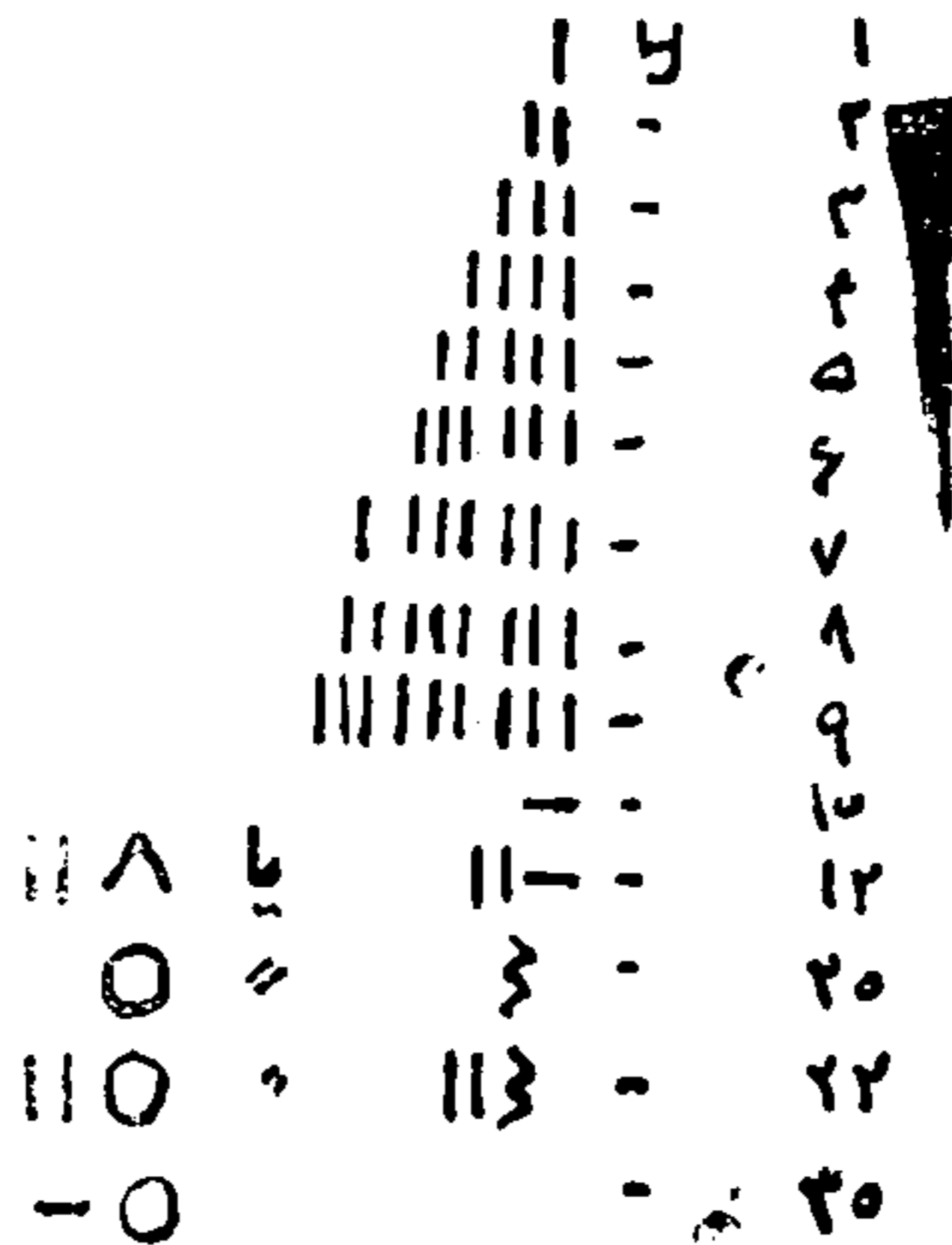
۳- Babelon سکه شناس فرانسوی

۴- Barclay Head سکه شناس انگلیسی

۵- در سال ۳۱۲ سلوکوس نظیر سکه های اسکندر در سوریه بنام خود ضرب زد و این سال شروع سال سلوکیهاست.

۶- سال طبرستان از ۶۵۲ بعد از میلاد شروع میشود

تاریخ طبرستان = ۶۵۲ بعد از میلاد = ۳۱ هجری .
 تاریخ هجری = ۶۲۲ بعد از میلاد .
 در سکه‌هایی که نوشته آن بخط ساسی و یا سکه‌های شهرهای فنیقیه که با



شکل ۱۹

خط یونانی است و سنه بترتیب فنیقی میباشد، بدین صورت که یکان با خط عمودی و ده گان با یک حرف نشان داده شده (ش ۱۹) و علامت سال اغلب قبل از سنه می باشد و بر روی سکه های با خط یونانی بطریقی است که در شکل (۲۰) نشان داده شده است .

A	B	Γ	Δ	E	Ϛ	Z	H	Θ
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
Ι	K	Λ	M	N	Ξ	Ο	Π	Ϛ
۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
Ρ	Σ	Τ	Υ	Φ	Χ	Ψ	Ω	Ϛ
۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰

شکل ۲۰

جنس فلزات

قسمت مهمی که در سکه قابل ملاحظه است نوع و جنس فلزات است. چون در دوران بسیار قدیم از عهدۀ عمل تصفیه فلزات برنمیآمدند و نمیتوانستند آنطوریکه لازم بود فلز را خالص کنند و از مواد خارجی جدا نمایند ناچار فلزات بهمان وضعی که استخراج میشده بکار رفته است.

برای اولین بار در حدود هزاره پنجم قبل از میلاد فلز (مس) در ایران مورد استفاده قرار گرفت^۱ و در هزاره چهارم استعمال آن بیشتر گردید، چنانکه مس را ذوب کرده با آن اشیائی مانند تبر و خنجر ساختند^۲ در مصر در هزاره پنجم یا ششم قبل از میلاد عصر فلز شروع شد و از آن ادوات ظریف مانند قلاب ساهی و سنجاق میساختند.

در آثار تمدن از دوره ماقبل هلن^۳ که در حدود دو هزار سال قبل از میلاد است ابزار فلزی بدست آمده است. استعمال فلزات چون مس و مفرغ و آهن و نقره و طلا در امور تولیدی و ساخت آلات و ادوات زندگی و فلاحتی و جنگی و زینتی، وضع جدیدی در اقتصاد ملل پیش آورد و موجب گردید ممالکی که فاقد آن مواد بودند آنها را از ممالک مجاور تهیه نمایند مثل آشوری ها که آهن و مس نداشتند و تجارسانی نژاد که تخصص در امور تجارت داشتند این مواد را از ایران بدست می آوردند و بان سرزمین برای فروش میبردند. در مملکت پهناور هخامنشی همه نوع فلز از معادن استخراج میکردند، بدین ترتیب که آهن و مس را از ناحیه صور و صیدا و دره های دجله و فرات، طلا و نقره را از کرمان، قلع را از سیستان و آهن و نقره را از قفقاز، آهن و مس و نقره را از آسیای صغیر. البته این نوع فلزات در حال طبیعی برای ساخت آلات و ابزار مختلف بکار میرفت. و گاهی فلز خالص بود و گاهی مخلوط. مثلاً در یکی از

۱- ابزار مسی که در سیلک کاشان بدست آمده است.

۲- مزوج مس و قلع که از آن مفرغ بدست می آید.

۳- پیش از عصر طلائی تمدن یونان، تمدن دیگری بنام تمدن اژی در این سرزمین وجود داشت و چون این تمدن در سواحل و جزایر اژه بسط یافته بنام تمدن اژی معروف است.

هدایائی که کروزوس بمعبد دلف^۱ تقدیم کرد صدوسیزده شمش طلای سفید بود که ۲۹ درصد نقره داشته است .

پادشاهان هخامنشی برای سکه از طلای خالص استفاده میکردند ولی سمالک تابعه مختار بودند که نقره ویا الکتروم^۲ ویا مس بکار ببرند . در دوره های بعد که تصفیه فلزات میسر شد، اغلب فلز سکه خالص بوده است .

جنس فلز هر محل اغلب معرف وضع اقتصادی و قدرت مالی آن میباشد، مثلاً چهاردرهمی های آتن که از نقره خالص بود مورد قبول معامله در تمام ناحیه مدیترانه شد، تا در سال ۱۳۰۴ قبل از میلاد که قدرت آتنی ها در سیسیل درهم شکست و مقدونیها دست آنها را از ناحیه معدنی لوریوم^۳ کوتاه کردند و یا سکه های هخامنشی، که علاوه بر آنکه مزد دوران خارجی بود، در سراسر یونان نیز در جریان بود ویا کمال میل و رغبت خارجیها متاع و کالای خود را در مقابل دریافت آن بفروش میرساندند لذا جنس فلز تأثیر فراوان در گردش سکه داشت و اساس مهم اقتصاد در دنیای قدیم تا باسروز بوده است .

هنر

تحقیق و مطالعه نقوش روی سکه قسمت مهمی است که ارتباط مستقیم با تاریخ هنر دارد .

رشته های هنری در تاریخ تمدن بشر بقدری وسیع است که شروع آنرا میتوان از وقتی دانست که انسان عهد حجر، سنگ را تراش داد و وسائل و ابزازی برای

۱- یکی از شهر های یونان که قدیم ترین شهر و معبد معروف دلف در آن بوده و بهین مناسبت شهر دلف معروف گشته است .

۲- الکتروم فلزی است مخلوط از طلا و نقره که از قسمت ۳ قسمت طلا و یک قسمت آن نقره است .

۳- Laurium ناحیه ای در مرکز یونان که شهرتش بمناسبت معادن نقره است .

حوائج روزمره خود تهیه نمود . انسان غار نشین که با صید و شکار حیوانات سدجوع مینمود از استخوان آنها آلاتی چون درفش و سوزن و زوبین ساخت و روی آنها کنده کاری نمود . در درون غارهایی که مردم بدوی زندگی میکردند و برای حفظ جان خود از گزند سرما و حمله حیوانات بان پناه میبردند آثار و نقاشی های بسیار بدیعی بدست آمده که از لحاظ طرح و رنگ بسیار جالب است . و هنر که از دوران قدیم ماقبل تاریخ شروع گردید در طول تاریخ بصورت ظروف سفالی و فلز کاری حکاکی و معماری و حجاری و نقاشی و مجسمه سازی جلوه گری مینماید و هر رشته بوسیله بسیاری از متخصصین و مورخین و باستان شناسان و هنرمندان مطالعه گردید و مشخص شد که هر یک از شعبات هنری در طول زمان، چگونه راه تحول را طی کرد و ارتباط آنها بایکدیگر چگونه بوده است .

قسمت مورد مطالعه مانقوش روی سکه است که هر مجموعه نماینده هنر آن دوره می باشد .

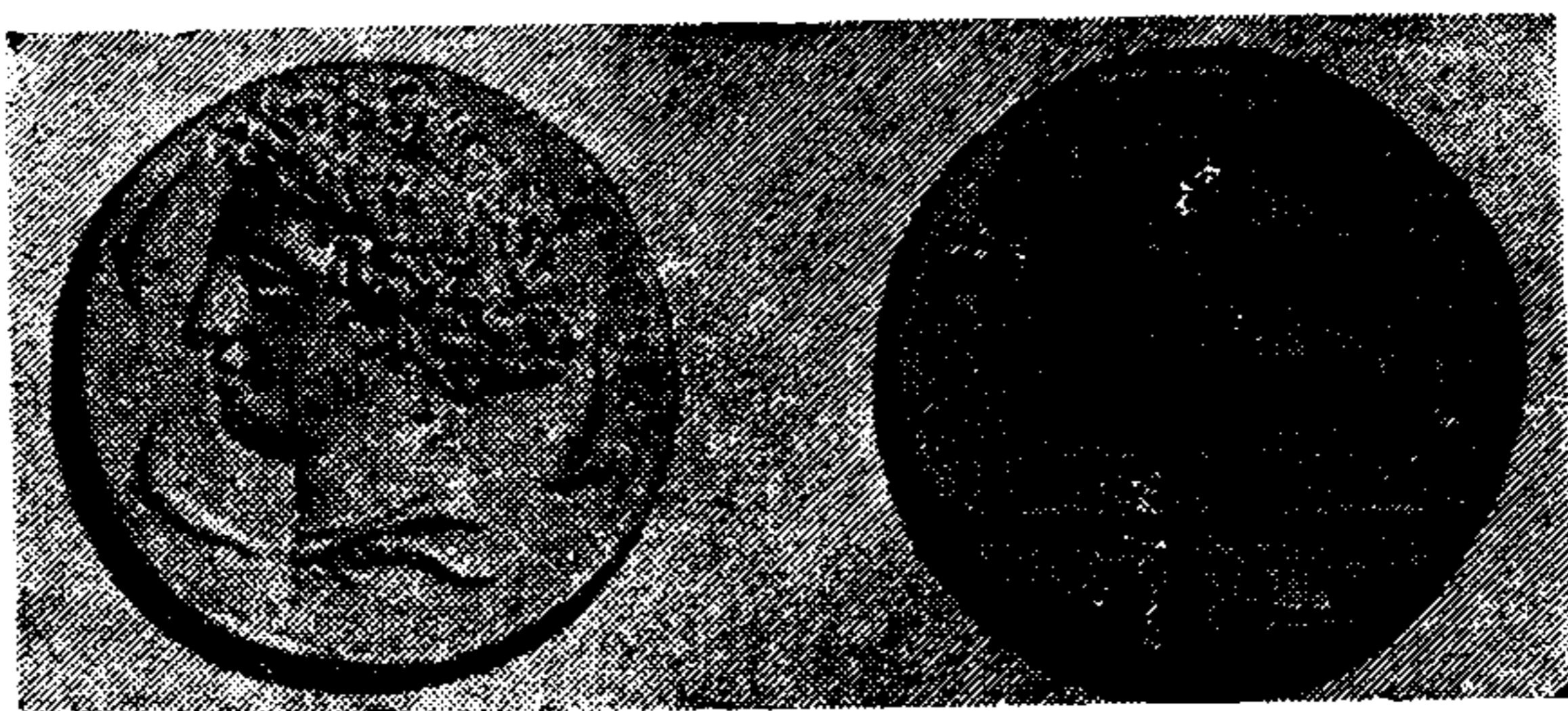
نقش در یک^۱ هخامنشی تصویر شاهنشاه را بالباس و تاج و تیرکش بر پشت و کمان و نیزه بدست نشان میدهد . در بین سکه های مختلف هخامنشی میتوان به سکه هایی برخورد که از لحاظ هنری بسیار ممتاز است و میرساند که حکاک آن هنرمند واقعی بوده است ، مثل سکه تیسافرن ساتراپ هخامنشی در سارد و یا چهار درهمی صیدا که یکطرف آن نقش بسیار عالی و ظریف اردشیر سوم که سوار بر عرابه و طرف دیگر آن کشتی جنگی منقور است . در سکه های یونان گاهی

۱- در غار آلتامیرا Altamira در اسپانیا حیواناتی چون ماموت و گوزن وحشی که با حرکتی طبیعی در حال چرا یا راه رفتن هستند و در غار فون دوگوم Fond de Gaume در دوردونی Dordogne فرانسه گاو وحشی و ماموت که در حال حمله است بطرز فوق العاده جالبی نقاشی شده است .

۲- سکه طلای هخامنشی .

هنر حجاران بزرگ مانند فیدیا^۱ و پراکزیتل^۲ کپیته شده است و این سکه ها نه تنها از لحاظ هنری ارزش دارند بلکه سند قطعی از آثار هنرمندان بزرگ میباشد.

یکی از بهترین شاهکارهای هنری که در ضمن تحول هنر، تاریخ یک قرن را روشن میکند سکه های سیرا کوس^۳ است. اولین چهار درهمی ها که مربوط به او است



شکل ۲۱

قرن پنجم قبل از میلاد بوده است دارای سبک خشن و فاقد ظرافت میباشد. در سال ۴۸۰ قبل از میلاد ژلون^۴ فرمانروای مطلق العنان سیرا کوس، که کارتاژیها را مغلوب نمود، ده درهمی هائی بدین مناسبت منتشر ساخت (ش ۲۱) که تمام منتقدین هنری

۱- Phidias بزرگترین مجسمه ساز یونانی که در سال ۴۳۱ قبل از میلاد در آتن متولد شد.

۲- Praxiteles حجار مشهور یونانی متولد سال ۳۹۰ قبل از میلاد که مجسمه معروف ونوس از آثار او میباشد.

۳- Syracuse شهر و بندر معروف سیسیل که در سال ۷۳۴ قبل از میلاد بتوسط مهاجرین کرتی ایجاد و پس از مدتی یکی از مهم ترین و آبادترین شهرهای سیسیل گردید از آثار و معابد و بناها و تاترهای این دوره فقط خرابه هائی بجا مانده و از ساکنین اولیه این سرزمین ادوات و آلات و ابزار مختلف فلزی و گلی بدست آمده است.

Gelon=۴

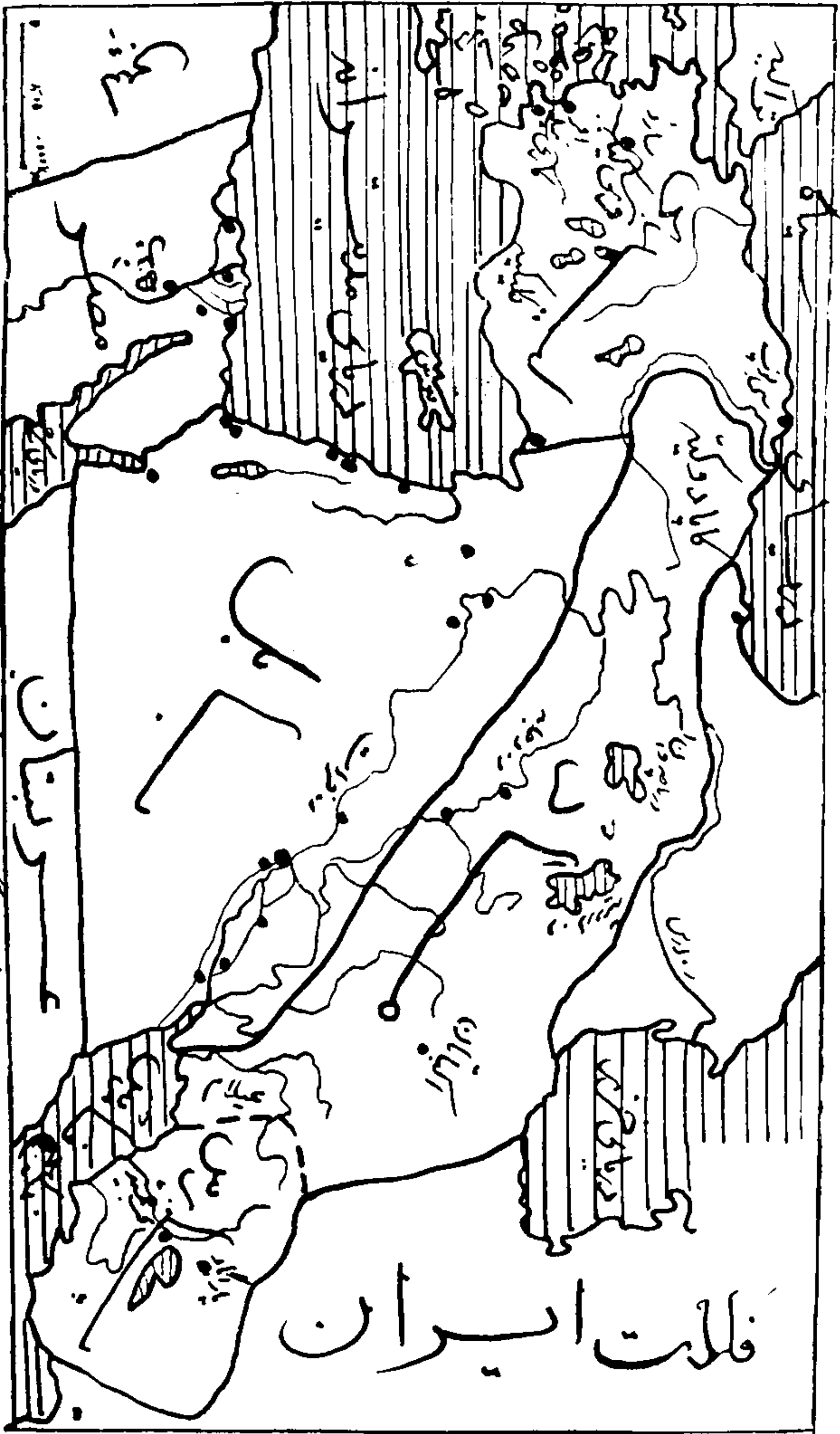
۵- عکس از کتاب بار کلی هد Barclay Head صفحه ۱۷۶.

متفق القول میگویند از لحاظ زیبایی و قدرت طراحی بی نظیر و جزو شاهکار های هنری دنیای قدیم است^۱.

سکه های اسکندر چه آنهایی که از ضرابخانه های یونان بیرون آمده و چه در ممالک مختلف دیگر، که بضر ب آسیائی معروف است، اغلب جزو شاهکار های هنری میباشد. چهار درهمی های مهرداد دوم و فرهاد سوم اشکانی و سکه های متنوع اردشیر اول و شاپور اول و بهرام اول و هرمز دوم ساسانی نیز از لحاظ نقش و طرح حکاکی بسیار قابل تحسین میباشند.

از این مختصر نتیجه گرفته شد که سکه عمل سهمی در تاریخ هنر داشته است و این نتوش ظریف و طرح های بدیع که بدست صنعتگران ساخته و پرداخته شده است از روح زیباپرست آنها الهام گرفته و راهنمایی برای زیباشناسی است.

۱- بر روی سکه های سیراکوس اغلب نام هنرمند حکاکمانند سیمون (Cimon) هنرمند یونانی که در قرن چهارم میزیسته و اونتوس (Evainetos) و چند حکاک معروف دیگر نقر شده است.



دولت‌های بزرگ در قرن ششم ۲۰ (لیستی و مادی)

لیدی

لیدی در آسیای صغیر مابین دریای اژه و ممالک کوچک فریژی^۱، کاری^۲ و میسی^۳ واقع بود و بواسطه موقع جغرافیائی خاص مردمش در کمال سهولت به تجارت پرداخته ثروتمند شدند و طبقه ممتازه بکسب معلومات از دنیای آن روز یعنی یونان و بابل و آشور پرداختند و سارد پایتخت آن مملکت یکی از مراکز مهم علوم گردید.

عقیده بیشتر مورخین راجع به نژاد مردم لیدی براین است که آنها از بومیهای اصلی آسیای صغیر بودند و در قرن دهم، فریژیها که هم نژاد یونانیها (آریائی) بودند، باین سرزمین هجوم آوردند و با اهالی بومی مخلوط گردیدند.

تاریخ اولیه لیدی چندان روشن نیست و بنظر افسانه آمیز میآید. هردوت از سلسله هراکلیدها نام میبرد که پادشاه آن بدست یکی از افراد گاردشاهی بنام ژیکک^۴، کشته میشود و بجای او بشاهی می نشیند و مؤسس سلسله جدیدی بنام مرمنا^۵، می گردد. ژیکک پس از تقویت نیروی نظامی به سرکوبی شهرهای یونانی آسیای صغیر پرداخت و بعد مورد تجاوز سیتها قرار گرفت و کشته شد و بالاخره آلیات سرحد لیدی را برود قزل ایرماق^۶ رساند و باماد جنگید و پسرش کرزوس پادشاه مالک الرقاب مقتدر و متمول آسیای صغیر گردید و بآبادی مملکت و زیبائی آن و بخصوص پایتخت خود پرداخت.

لیدیها ملتی تاجر پیشه بودند و باملل دیگر تجارت داشتند، در آنزمان تجارت و کسب از راه مبادله و معاوضه صورت میگرفت و چون در شنهای رودها کتول^۷

۱ - Mysie

۲ - Carie

۳ - Phrygie

۴ - Pactole

۵ - Halys

۶ - Gyges

پوسته های طلا بمقدار زیاد موجود بود لذا برای معاوضه از همین ثروت محلی استفاده کردند و در مقابل اجناس و کالا های مختلف دیگران طلا و نقره میدادند و بعد برای سهولت در امور معاملات سکه را که قطعه نقره یا طلا و یا الکتروم با قطع و وزن معینی و نقشی که علامت تعهد و تضمین آن است اختراع و وضع جدیدی در امور اقتصادی و تجارتنی دنیای قدیم ابداع نمودند^۱.

قدیمترین سکه های لیدی که شاید مربوط بزمان ژیکک باشد (۶۸۷ - ۶۵۲ قبل از میلاد) عبارت از قطعه ضخیم و نامنظم الکتروم (مخلوط طلا و نقره) بود که در روی آن شیارهای سوازی و در پشت فلز چند فرورفتگی حک شده و در بعضی از این فرورفتگی ها نقش روباه دیده میشود. این نقش بر روی سکه های لیدی بی مناسبت نیست زیرا روباه مظهر یکی از خدایان است^۲ ولی در حقیقت اولین سکه از زمان کرزوس (۵۶۱ - ۵۴۶ قبل از میلاد) است زیرا سکه های کرزئید^۳ جامع شرایطی بودند که هنوز در دنیای امروز رعایت میشود. این سکه ها از لحاظ وزن و نقش و نوع فلز و شکل مانند یکدیگر بوده و نقش آن در نهایت هنرمندی و زیبایی است. در روی سکه نقش نیم تنه گاومیش و شیر در حال حمله در مقابل یکدیگر



شکل ۲۳



شکل ۲۲



و در پشت سکه دو مربع فرورفته مشاهده میشود. سکه های طلا و نقره کرزوس از

۱ - Xenophane فیلسوف معروف یونانی که در قرن ششم قبل از میلاد میزیسته و

هردوت مورخ بزرگ یونانی لیدیها را اولین مردمی میدانند که سکه را اختراع نمودند.

۲ - J. D. Morgan کتاب سکه های مشرق صفحه (۳۳)

۳ - Creséide نام سکه های کرزوس است.

استاتر شروع میشود و به تقسیمات $\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{3}$ و $\frac{1}{6}$ و $\frac{1}{12}$ میرسد (ش ۲۲) استاتر طلای کروزوس که بوزن $\frac{8}{2}$ گرم (ش ۲۳) استاتر نقره بوزن $\frac{10}{3}$ گرم (ش ۲۴) نیم استاتر بوزن $\frac{5}{4}$ گرم (ش ۲۵) یک سوم استاتر بوزن $\frac{3}{2}$ گرم که در کاوشهای دکتر اشمیت در تخت جمشید بدست آمده است و جزو مجموعه موزه ایران باستان میباشد



شکل ۲۵

شکل ۲۴

وقتی کوروش در سال ۵۴۶ قبل از میلاد قلعه سارد را مسخر کرد و آخرین کوشش لیدیها را درهم شکست و تمام آن مملکت و نواحی یونانی نشین دریای ایونی تحت سلطه او درآمد، ضرب و انتشار سکه های کروزئید متوقف گردید.

یونان

یکی از افتخارات جامعه بشریت در طول تاریخ، تمدن یونان باستان است. مملکتی که موقعیت بسیار درخشان و ممتازی در دنیای قدیم بدست آورد و در کلیه شئون ادب، هنر، علم و قانونگذاری و اصلاحات در طرز حکومت و آزادیخواهی پیشرو و سربلندی سایر ملل بوده و در حقیقت مشعل تمدن بعدی اروپا بدست قوم یونانی برای اولین بار روشن گردید.

شبه جزیره یونان مابین دریای ایونی و اژه قرار گرفته و تنگه کروت^۱ آنرا به دو ناحیه مهم تقسیم مینماید، قسمت شمالی شامل ممالک تسالی^۲ بئوسی^۳ و آتیک^۴ و ناحیه جنوبی شامل: آرکادی^۵ آرگلید^۶ و لاکونی^۷ در پلوپونز میباشد بعلاوه بواسطه داشتن جزائر متعدد، مردم یونان به امر دریانوردی و بحر پیمائی پرداختند و بدین وسیله با سهولت توانستند در حدود قرن یازدهم قبل از میلاد در آسیای صغیر و جزایر اطراف آن پراکنده شده با تصرف آن نواحی تشکیل دولتهای یونانی بدهند که مهمتر از همه مملکت ایونی است^۸ که پیش از سایر ممالک

۱- بنا بر کشفیات قرن اخیر که از کاوشهای علمی در نقاط مختلف یونان و آسیای صغیر بدست آمده تمدنی قدیمتر از تمدن کروت که در حدود هزاره اول قبل از میلاد است در آن ناحیه وجود داشته و این تمدن را که میتوان مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد دانست به تمدن ماقبل هلن معروف است.

Béotie - ۴	Tessaly - ۳	Corinthe - ۲
Argolide - ۷	Arcadie - ۶	Attique - ۵
		Laconie - ۸

۹- مملکتی در آسیای صغیر در ساحل دریا مابین خلیج فعلی از میرو Mendella که شهرهای عمده آن عبارتند از Milet و Phocée و Ephèse و جزایر تابعه شامل Samos و Chios است، شهر میله مرکز فلسفه معروف ایونی است.

یونانی راه تکامل و ترقی را در هنر و صنعت پیمود. در قرن هفتم قبل از میلاد هنرمندان ایونی سبک مخصوصی در معماری، حجاری و مجسمه‌سازی ابداع نمودند که بسبب ایونی معروف است و در همین اوان در شهرهای (ایونی) مانند میله (ش ۲۶) ^۱ و افز (ش ۲۷) ^۲ و ساموس (ش ۲۸) ^۳ و کیوس (ش ۲۹) ^۴ سکه بکار برده شد.



شکل ۲۷

شکل ۲۶

نقوش بر روی این سکه‌ها تصویر مظهر خدایان افسانه‌ای یونانی یا مظهر آلهه حافظ شهر است. مثلاً نقش روی سکه میله سر شیر است و شیر مظهر قدرت این شهر میباشد و بر سکه ساموس نقش گاو میش. هنوز در این دوره قدرت هنری یونان بظهور نرسیده بود و نقوش بر روی این سکه‌ها که در نهایت زیبایی و هنرمندی است، معترف نفوذ هنری مشرق است که بصورت تازه‌ای جلوه‌گری مینماید. میدانیم که اهالی ایونی که از یونان موطن اصلی خود جلائی وطن کرده و باین سرزمین پناهنده شده‌اند تحت

- ۱- سکه میله بوزن یک گرم که روی آن نقش نیم تنه شیر و پشت سکه ستاره چهارپر در مربع گردی واقع است (قرن ششم قبل از میلاد) از مجموعه موزه ایران باستان.
- ۲- سکه افز بوزن ۲/۷ گرم که روی آن نقش زنبور و بر پشت سکه فرورفتگی نامنظمی نقر است (قرن پنجم قبل از میلاد) از مجموعه ایران باستان.
- ۳- استاتر ساموس بوزن ۱۳ گرم که بر روی آن سرشیر تمام رخ و بر پشت سکه نیم تنه گاو میش نقر است (قرن پنجم قبل از میلاد) از مجموعه موزه ایران باستان.
- ۴- استاتر بوزن ۱۴/۲۰ گرم که بر روی آن نقش حیوان بالدار و بر پشت سکه فرورفتگی مشاهده میشود (قرن پنجم قبل از میلاد) از مجموعه موزه ایران باستان.

تأثیر هنر همسایگان خود قرار گرفته و ناچار از این برخوردار هنر جدیدی که عصاره هنر یونان و آسیاست بوجود آمد که بهترین و شاید اولین نمونه آن همین نقوش سکه های این دوره است .



شکل ۲۹

شکل ۲۸

سکه های اژین^۱ که متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد می باشد و معروف است که فیدن پادشاه آرگوس برای اولین بار بضراب آن اقدام نمود، یکی از بهترین نمونه های سکه های دوره قدیم می باشد. در روی سکه لاک پشت دریائی مظهر آرتیمیس الهه یونانی منقوش می باشد. در اواسط قرن ششم قبل از میلاد تصویر انسانی برای اولین بار بر روی سکه ظاهر میشود و حکاک هم مانند مجسمه ساز و نقاش مجذوب زیبایی انسانی میگردد و اغلب نقوش سکه ها مانند طرح نقاشی بر روی ظروف ایندوره می باشد. مثلا درهم های اژینی کنیده^۲ در یک طرف آن سر شیر و طرف دیگر سر آفرودیت^۳ است (ش. ۳) .^۴

در مراکز تجارتی جزیره رودس درهم های نقره با نقش سر عقاب ، سر شیر و نیم تنه خوک وحشی می باشند .

جزیره قبرس بواسطه رابطه تجارتی که با مشرق و فنیقیه داشت تحت تأثیر هنر

۱ - Ege - یکی از جزایر یونانی است که در خلیج اژین واقع شده است و مکتب

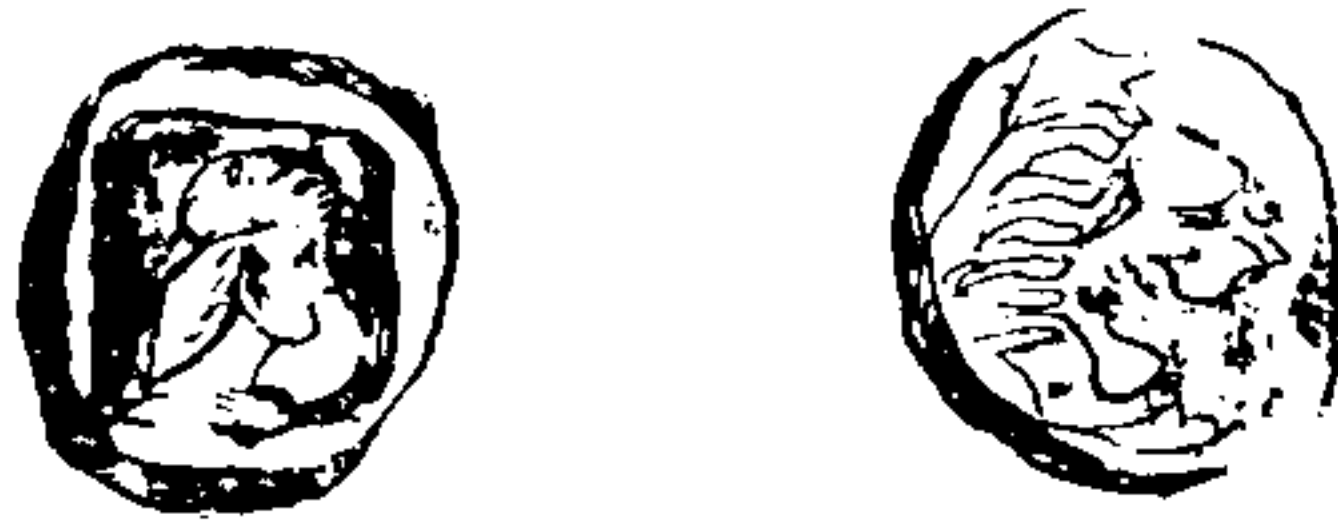
مجسمه سازی آن معروف است .

۲ - Cnide - یکی از شهرهای کاری

۳ - Aphrodite - الهه زیبایی

۴ - از مجموعه موزه ایران باستان

آن نواحی قرار گرفته و حتی خط فنیقی بر روی بعضی از سکه ها مشاهده میشود .
از قرن هفتم بعد شهرهای یونان و ممالک یونانی نژاد تعداد بیشماری سکه
ضرب زدند و این مجموعه های متعدد معرف وضع تجارت و معاملات بوده است . گاهی
نیز این سکه ها فقط برای داد و ستد داخلی بکار میرفته و برخی در ممالک مجاور
نیز رواج داشته است و انواع سکه های این قرن کمک بزرگی به روشن شدن تاریخ این



شکل ۳.

دوره نموده است . در صورتیکه مورخین و ادبای یونان راجع به آتن بیشتر از سایر
قسمتهای یونان توجه داشته و جزئیات وقایع تاریخی را متذکر شده اند . معهذرا در
قسمت سکه های اولیه آتن بطور دقیق نمیتوان اظهار عقیده نمود . سکه هایی که روی
آن نقش گاومیش ، چرخ ، عرابه ، اسب ، جغد ، نیم تنه اسب است بواسطه دارا بودن
علامت یکسان در پشت سکه تصور میشود که عمل یک ضربخانه باشد و چون نقوش
آنها نظیر نقوش ظروف و یا علامت خاندانهای بزرگ و نجبای آتن است ، بنظر میآید
که متعلق بان ناحیه باشد .

سولون قانونگذار معروف آتن^۱ علاوه بر تغییراتی که در قوانین جاری آنزمان
داد ، در اوضاع پول نیز اصلاحاتی نمود و از آنجمله تغییر سکه های گذشته و پیدایش
سکه هایی بود بانقش آتنا که بعضی از علماء آنرا منتسب به پیزاسترات^۲ فرمانروای

۱- Solon قانونگذار آتن (۶۴۰ - ۵۵۸ قبل از میلاد)

۲- پیزاسترات فرمانروای معروف آتن که مشوق هنر بوده و از آنجمله در سال ۵۵۰
قبل از میلاد معبد بزرگی بنا نمود که بوسیله حجاران و مجسمه سازانی که در مکتب هنری
ایونی تعلیم گرفته بودند تزئین گردید و سکه های این دوره نیز دارای خصائص هنر ایونی است .

آتن میدانند زیرا بعد از سولون وضع تغییر کرد، چنانکه هر کسی بقدرت میرسید و حکومت رادر دست داشت بر روی سکه نقش خدایان یا مظاهر خدایان مورد پرستش خود را میگذاشت. در سال ۵۶۱ قبل از میلاد پیزسترآت که هنوز فرمانروای مطلق آتن نشده بود در پانزده قسمت کوهستانی مقدونیه که معادن نقره و طلا داشت بضر ب سکه پرداخت و چون با آتنا الهه اندیشه و عقل ارادت میورزید محتمل است او موجب ضرب نقش آتنا باشد، سکه های اولیه آتن از لحاظ تاریخ هنر قابل ملاحظه است زیرا معرف دوره هنری یونان قدیم یعنی زمانی است که هنوز قدرت هنر و زیبایی بمرحله کمال نرسیده است. (ش ۳۱)



شکل ۳۱

پس از پیزسترآت در سال ۵۲۷ قبل از میلاد پسر وی هیپپاس^۱ دوزخ را بنیاد نهاد یکی در آتن و دیگری در لوریوم^۲ بکار انداخت که سکه های این دوره کمی با سکه های قبلی متفاوت است یعنی در نقش رو پشت سکه توجه و ظرافت بیشتر بکار رفته است (ش ۳۲).

پس از شکست پی در پی یونانیها از ایرانیان و بالاخره فتح تراکیه^۴ بدست داریوش، یونانیها^۵ در مقام انتقام بودند و بالاخره پس از شکست ایرانیان در ساراتون

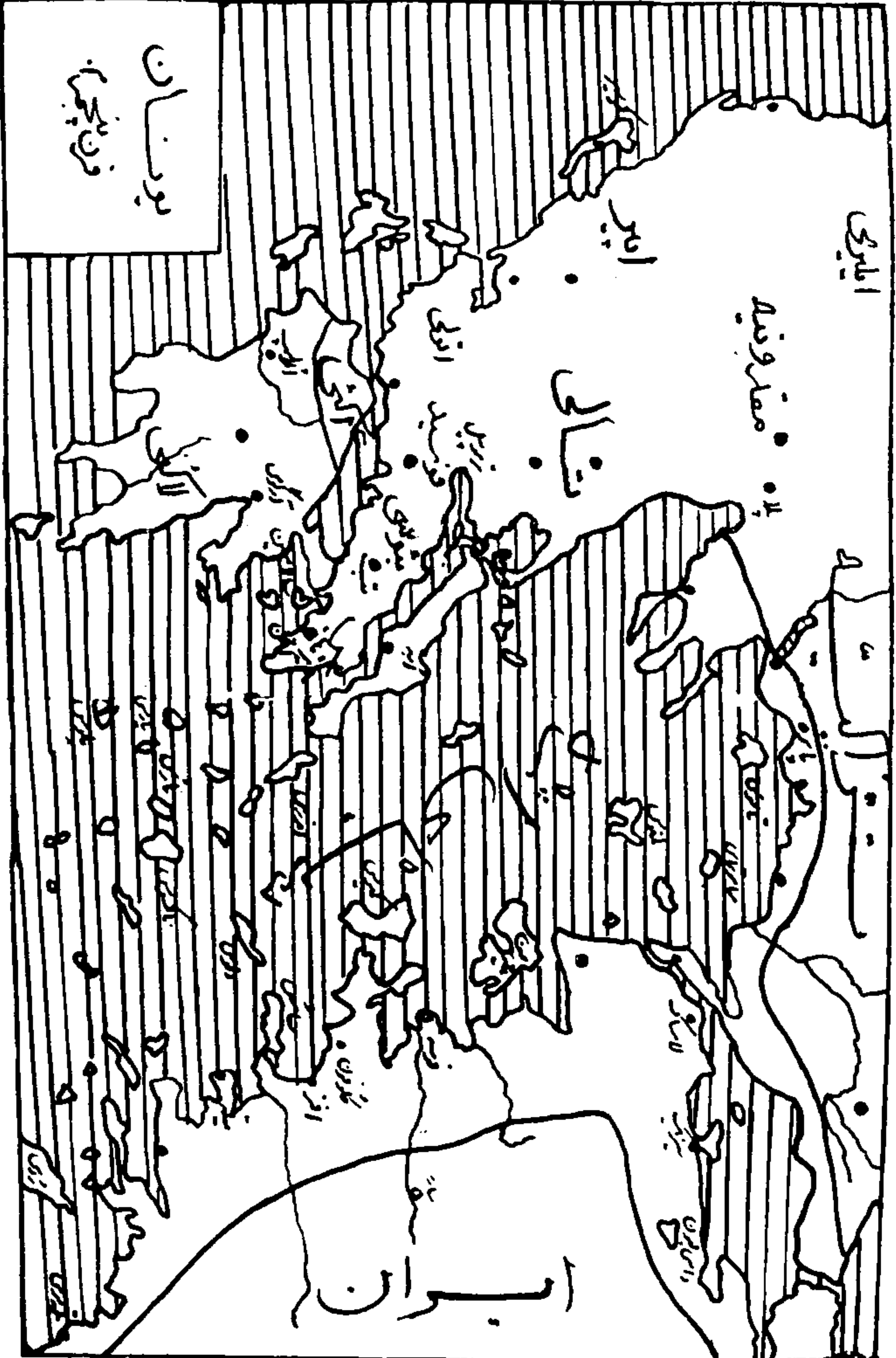
۲ - Hippias

۱ - Pangée

۳ - Laurium ناحیه مرکزی یونان که دارای معادن نقره است .

۴ - Thrace

۵ - ایران هخامنشی که تمام ملل مشرق را مطیع و منقاد خود کرده بود در نیمه اول قرن پنجم به نواحی یونانی دریای اژه دست انداخت و حتی تراکیه را تصرف آورد و بیکه سلسله جنگهایی پرداخت که به جنگهای مدی معروف است .



ایلیری

صفر وندیه

ایبر

نطالی

انطلی

ونسید

زیریل

نیپولس

تیرانا

سالونیکا

ایدر

الابا

سکوپیه

تیتو

لاسو

پریز

ایسکوپ

ایدر

ایدر

ایدر

ایدر

ایدر

ایدر

ایدر

ایدر

ایدر

ایدر

ایدر

ایدر

ایدر

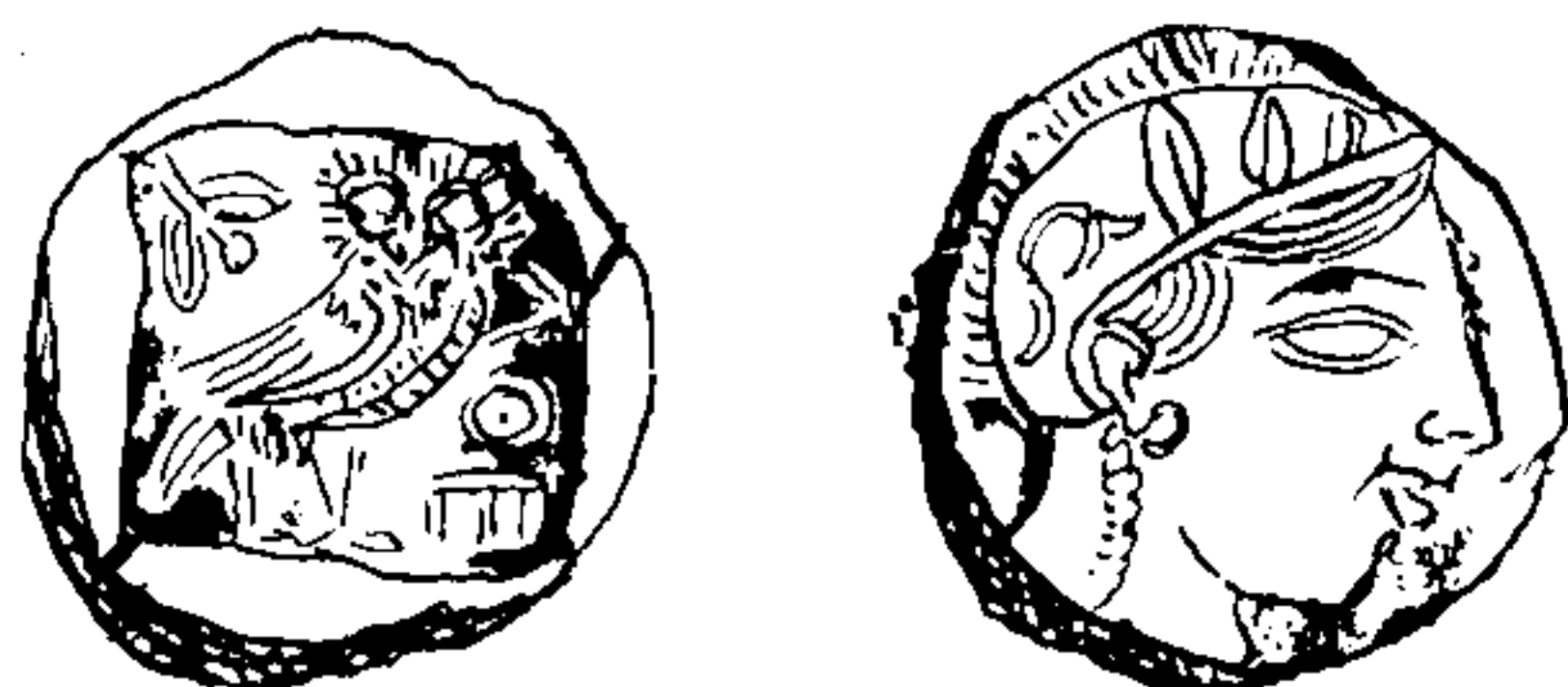
ایدر

ایدر

ایدر

یونسلان
فرنیچسرا

یونانیها بدین سبب در سال ۹۰۰ قبل از میلاد ده درهمی های زیبای آتن را انتشار دادند. ده درهمی ها هم مانند سکه های معمولی با تصویر آتناست. ولی از لحاظ هنری بسیار ممتاز میباشد، تصویر آتنا دارای موهای بافته شده است که بر روی گردن افتاده



شکل ۳۲

و یک شاخه خرزهره که علامت افتخار است کلاه اورازینت میدهد و در طرف دیگر سکه، جغد با بالهای گسترده (که آنهم علامت فتح در جنگ است) دیده میشود. پس از این فتح که هردوت راجع بان اغراق آمیز قلم فرسائی کرده است آتنیها اهتمام زیادی برای کسب قدرت و مرکزیت آتن بخرج دادند و توانستند سکه اختصاصی آتنا را بسایر متحدین قبولانده اساس معاملات و تجارت و کسب را بر پایه آن قرار دهند. لذا چهار درهمی آتن مورد قبول تمام ناحیه مدیترانه و شهرها و ممالک آن منطقه گردید.

این وضع ادامه داشت تا در سال ۱۳۰۰ قبل از میلاد که قدرت آتن در سیسیل در هم شکست و مقدونیها هم با تصرف دسلی^۱ دست آنها را از ناحیه معدنی لوریوم کوتاه کردند، در این موقع وضع مالی آتن بحدی خراب شد که دولت برای تثبیت وضع مالی مجبور شد از شاهکارهای هنری یعنی مجسمه های طلای مظهر پیروزی که در معبد پارتنون^۲ بود صرف نظر کرده آنها را برای ضرب سکه ذوب نماید و این اولین باری است که از روی استیصال، سکه طلا در آتن ضرب خورد زیرا تا آن

۱ - Decelie

۲ - Parthénon معبد معروف آتن که بتوسط فیدياس مجسمه ساز مشهور آتنی تزئین

شده بود.

زمان سکه‌ها عموماً از نقره بود و سکه‌های برنزی که سال بعد در جریان افتاد خرابی وضع مالی آتن را بطور یقین ثابت میکنند.

از همان دوره سکه‌های برنزی در تمام یونان رواج پیدا نمود و در قرن بعد دوباره چهاردرهمی های آتن، که از لحاظ هنری روبانحطاط رفته بود، بروی کار آمد. این سکه‌ها گرچه از لحاظ هنری شایستگی زیادی ندارد ولی در روی آنها اسامی برگزیدگان ملت، قضات مهم یا مظهر یکی از خدایان مورد اعتقاد و احترام مردم محل و گاهی سنه ضرب، منقوش است.

در منطقه مقدونیه سکه از لحاظ هنری وضع خاصی داشت و فرمانروایان محلی ارتباط مستقیم با دستگاه هخامنشی داشته شاهنشاهان ایران را حامی خود میدانستند و این وضع تا حمله خشایار شاه یونان ادامه داشت و از طرفی مهاجرین یونانی که در سواحل مقدونیه مستقر شده بودند از تباط با مسقط الراس خود داشته پیرو مکتب هنری آنجا بودند. این دو جنبه مخالف، موجب ایجاد هنری خاص شد که تأثیر آن در درجه اول بر روی سکه‌های آن زمان مشاهده میشود.

تا سال ۴۸۰ قبل از میلاد شهرهای یونان که دارای ضربخانه بودند عبارتند از: رژیوم^۱، کوم^۲، کرتون^۳، تارانته^۴ و چند شهر دیگر.

فیلسوف و ریاضی دان بزرگ یونانی پیتاگور^۵ که موطن اصلی خود ساموس^۶ را بواسطه ظلم پولیکرات^۷ ترك و به کرتون آمده آنجا را مرکز افکار و فلسفی و

۱- Rhégium شهر قدیمی یونان واقع در طرف تنگه مسین.

۲- Cume شهری که مهاجرین یونانی تأسیس کردند.

۳- Croton شهری در ایتالیا قدیم که جزء یونان بود.

۴- Tarente در جنوب ایتالیا.

۵- Phytagore

۶- Samos

۷- Polycrate فرمانروای مستبد ساموس که در سال ۵۲۲ قبل از میلاد ارونه سردار

داریوش شاهنشاه ایران او را شکست داد و کشت.

اجتماعی خود قرار داد و در بین طبقات مردم بی‌نهایت مورد احترام قرار گرفت . او تمام مهاجرین یونانی را که از مردم پلوپونز بودند وادار کرد که به‌علامت اتحاد شهرها یکنوع سکه ضرب زنند که از لحاظ وزن و عیار و قطع مانند یکدیگر باشد و فقط هر شهر اجازه داشت در نقش سکه، سنن ملی یا مذهبی خود را بکار برد ، مثلاً شهر تارانته روی سکه خود نقش تاراس^۱ یکی از خدایان افسانه‌ای را که اهالی شهر نسبت خود را با او می‌رسانند و بر پشت ماهی سوار است منقوش کرده‌اند ، ماهی علامت دریا و ارتباط تجارتنی است که تارانته باشهرهای ساحلی آسیای صغیر و سایر نواحی ساحلی یونان دارد .

سکه‌های تارانته از لحاظ نقش جزو زیباترین سکه‌های این دوره می‌باشد و روی سکه، آلهه تاراس بر پشت ماهی سوار است و در پشت سکه در دایره‌ای تصویر نیم‌رخ آلهه نفر است (ش ۳۳) .



شکل ۳۳

تاریخ سکه‌های شهرهای جزیره‌سیسیل انعکاس اتفاقات و حوادث سیاسی و در ضمن تحول عجیب در زیبایی شناسی هنری است . برای نمونه بتوصیف یکی از بهترین و جامعترین سکه‌های سیراکوس^۲ که معروفیت جهانی دارد می‌پردازیم .

۱- Taras

۲- شهر و بندر مهم در سیسیل

در حدود . . . قبل از سیلاد تاسه قرن بعد، ردیف بی نظیر سکه های معروف سیرا کوس ادامه داشت. بر روی سکه نقش الهه چشمه^۱ و در اطرافش ماهی هائی که علامت دریاست در گردش هستند و پشت سکه نقش عرابه^۲ قهرمان بازی های المپیک را نشان میدهد.

مهمترین و عالیترین سکه های سیرا کوس ده دره می های سال ۴۸۰ قبل از سیلاد است که ژلون^۳ فرمانروای مطلق سیرا کوس بعنوان پیروزی انتشار داد. زیرا ژلون در ۴۸۵ قبل از سیلاد که موفق شد سیرا کوس را بتصرف آورد، آن شهر را پایتخت خود نمود و در سال ۴۷۰ که کارتائوها^۴ سیسیل را متصرف و متوجه سیرا کوس شدند، ژلون موفق گردید آنها را بیرون براند.

وضع سکه در شهرهای یونان و مناطق متصرفی و ممالک یونانی آسیای صغیر تقریباً بدین ترتیب بود، تا زمانی که اسکندر مقدونی اساس حکومتها و خطوط سرحدی ممالک را درهم شکست و اساس و تشکیلات آنها را فروریخت و دوره جدیدی را آغاز نمود.

۱ - Arthémis الهه آب شیرینی است که در جزیره Ortygie واقع در بندر سیرا کوس از چشمه روان میباشد.

۲ - Gelon

۳ - کارتائو Carthage در شمال افریقا که در قرن ۷ قبل از سیلاد فنیقی ها آنرا ایجاد نمودند این شهر قدرت دریائی زیادی بدست آورد و بعدها با رومیها جنگید و بعداً بدست اعراب افتاد (تونس اسروزی)

دورهٔ هخامنشی

بنیان شاهنشاهی وسیع هخامنشی که با فتوحات پی در پی کوروش نابغه بزرگ پارس پایه گذاری شد، در دوره داریوش اول به منتها درجهٔ قدرت و وسعت و عظمت رسید. وضع منظم و تشکیلات مرتب در مملکت پهناوری که سرحد شمالی آن دریای خزر، کوههای قفقاز، دریای سیاه، رود دانوب و سرز غربی آن دریای اژه (مدیترانه) لیبی و سرحد خاوری آن جلگه سند و پنجاب (هندوستان) و سرز جنوبی آن دریای عمان، خلیج فارس، حبشه و صحرای افریقا بوده^۱ و از ملتهای مختلف و تضاد آداب و سنن و مذهب تشکیل گردید، موجب بسی شگفتی است. تقسیم مملکت و مستملکات و ممالک تابع شاهنشاهی بنابر گفته هردوت به بیست ایالت بوده است ولی آنچه را که سند قطعی تر تعیین میکند، کتیبه نقش رستم میباشد که تقسیمات شاهنشاهی را با انضمام پارس سی ایالت نوشته است و هر قسمت تحت نظر ساتراپ یا والی که نماینده شخص شاهنشاه بود و با قدرت کامل اداره میشد^۲ و بر طبق فرمان شاه هر ایالتی موظف

۱- الواح طلا و نقره داریوش که در درون جعبه سنگی از کاخ آپادانا (تخت جمشید) در سال ۱۳۱۲ کشف گردید شامل حدود مملکت شاهنشاهی ایران است که بخط میخی فارسی قدیم و بابلی و عیلامی بر روی آن حک شده است. داریوش شاه بزرگ شاه شاعران شاه کشورها پسرویش تناسب هخامنشی داریوش شاه گوید: این است کشورهایی که من دارم از سکستان آنطرف سغد تا کوشا و از هند تا سارد که آنرا اهورامزدا بزرگترین خدایان بمن داده است. اهورا مزدا بر او خاندانم را پاس دارد.

۲- بنابر کتیبه داریوش در نقش رستم این ممالک جزو شاهنشاهی ایران بودند. اینک متن قسمتی از کتیبه (داریوش شاه گوید: یفضل اهورامزدا علاوه بر پارس ممالکی در تصرف من اند. من بر آنها حکومت میکنم. خراج آنها بمن میرسد و آنچه گفته من است اجرام میکنند و فرمان مرا مجری میدارند. ماد. عیلام. پارت هرات. باختر. سغد. خوارزم زرننگ (سیستان) رنج. (قندهار) تنه گوش (افغانستان). گندار (پیشاور). هند. کیمریان (سکاها). بابل. آشور. عربستان. مصر. ارمنستان. سارد. کاپادوکیه. یمن. یون (یونی). سکودر (مقدونیه). یوننا (یونان). کوشیا (حبشه). سکیا (سکران). کرخا (شاید کاریه آسیای صغیر و یا کارتاژ باشد که جزو سایر مستملکات فنیقیها از ممالک تابع شاهنشاهی باشد)

بود بنا بر تناسب عایدات خود مبلغی بخرزانه شاهی پردازد. قبل از داریوش، ترتیب صحیحی برای تنظیم عایدات مملکت و تناسب ثروت هر محل یا برآورد مالیات موجود نبود و ایالات و ممالک تابع گاهی فقط بتقدیم هدایا اکتفا میکردند، ولی داریوش که علاقمند بود حکومتی مقتدر و متمرکز داشته باشد، لازم دانست این سرزمین وسیع را تحت مقررات و تشکیلات مرتبی اداره نماید که از روی نظم و نسق صحیح باشد. یکی از بزرگترین امور، مسئله مالی بود که بوجه بسیار مرتبی پایه گذاری شد، زیرا تفوق شاهنشاهی و حفظ و حراست مملکت با داشتن سپاهی مجهز و سهولت اسکان ارتباط ممکن بود ولی تجهیزات کافی مقدور نبود مگر با سازمان صحیح و مرتب اقتصادی.

بدین ترتیب شاهنشاه هخامنشی مالیات ممالک تابعه ایالات و متصرفات را براساس عادلانه و موقعیت منطقه جنسی یا نقدی وضع نمود که بصورت منظمی از

۱- Xenophon گوید (شاه پارس اهمیت بسیار به سپاه میدهد و بولایه‌های آن فرمان داده است که هرچه میتوانند سپاهی بیشتری سوار و تیرانداز و فلاخن انداز و سپردار نگاهدارند و تاچه اندازه تهیه این قوا برای اداره کردن ممالک تابع و دفاع آن در مقابل حمله دشمن لازم است. بجز این قوا ساخو هائی هم در قلاع دارد و شاهنشاه کلیه سپاهیان اجیر را که همه مسلح هستند هر سال سان می‌بیند و در صورتی که از آنها و تجهیزاتشان راضی باشد بر کرده ارتقاء رتبه و بوالی هدایائی نفیس میدهد و در صورتی که رضامندی نداشته باشد باید در انتظار توبیخ و مجازاتی سخت باشند.

۲- دولت هخامنشی با وجود وسعت زیاد توجه خاصی به جاده سازی و خطوط ارتباطی بین شهرها مبذول داشته است. چنانکه سورخان یونانی مانند هرودت و گزنفون راجع به جاده های ایران تمجید فراوان کرده‌اند. جاده های هخامنشی بسیارند ولی آنچه از همه مهمتر است جاده شاهی است که آسیای صغیر را بشوش مربوط میکند و این جاده از شوش شروع میشود و به دجله و کیلیکیه و کاپادوکیه و سارد و سرانجام به افس در آسیای صغیر میرسد و در تمام طول راه ۱۱۱ منزل یا مهمانسرا وجود داشته و طول راه در حدود ۲۶۸ کیلومتر بوده است و پیک شاهی این راه را که معمولا کاروان در ۹ روز می‌پیموده فقط در یک هفته طی میکرده است.

شمش های زروسیم و پارچه های زربفت و اشیاء ظروف گرانبها و سنگهای قیمی و ابزار فلزی تاغلات و چهارپایان تحت شرایط معین بخزانه مملکت و دستگاه مالی وارد میگردد.

طرق ارتباطی بحری وبری واحداث جاده های مختلف باوسایل آسایش، کمک بزرگی به حیات اقتصادی و تجارت دولت هخامنشی کرد. زیرا اغلب ممالک تابعه، قبل از آنکه جزو متصرفات هخامنشی در آیند، خود مستقیماً اصولی برای اسرار معاش و اداره مملکت خود داشتند که تا حدی مربوط به وضع جغرافیائی و نژادی آنهاست^۱ داریوش با احداث خطوط ارتباطی و ترتیب و نظم اداری و تشکیلات منظم مالی توانست بنحو احسن از کلیه مزایای طبیعی و هنری این سرزمینها و مردمان آن استفاده کند و باعث ترقی و آبادانی مملکت گردد.

الواح گلی تخت جمشید^۲ نمونه بارزی از نظم و ترتیب و تشکیلات امور مالی در آن دوران است. وقتی کورش در سال ۵۴۶ قلعۀ سارد را مسخر کرد و آخرین کوشش لیدیها را درهم شکست و آن مملکت غنی و نواحی یونانی نشین دریای ایونی را تحت سلطه خود در آورد ناچار تشکیلات آنجا درهم فروریخت و از آنجمله سکه های معروف و زیبای کرزوس متوقف گردید. شاید اگر کورش فرصتی داشت برای نظام تشکیلات مالی خود مانند لیدیها سکه را بکار میبرد و ترتیبی میداد ولی لشکر کشیهای پی در پی مانع انجام دادن این عمل بود زیرا هنوز سالی از فتوحات

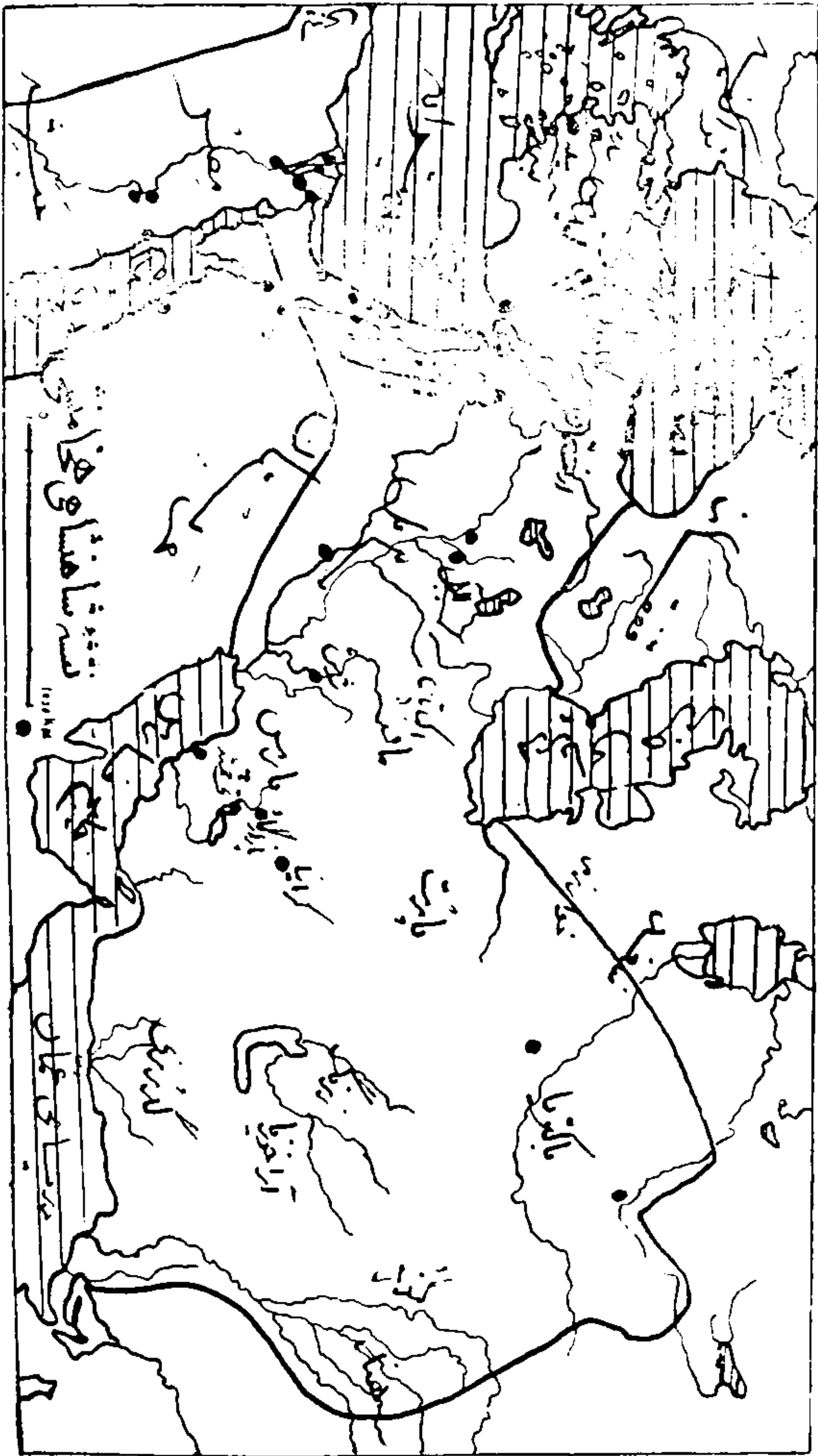
۱- بعضی از ممالک مانند فنیقیه از راه تجارت و بحریمائی و لیدیه با مبادله طلا و نقره و فروش ظروف قیمتی و زراعت و ممالک یونانی نژاد آسیای صغیر با ساختن ظروف و ادوات فلزی و پرورش اسبهای ممتاز و عطریات و حبشه از راه فروش عاج و پوست های قیمتی و غیره بکسب و تجارت مشغول بودند.

۲- دکتر کامرون مستشرق معروف امریکایی تعدادی از این الواح را خوانده و بهمت آقای سید محمد تقی مصطفوی بفارسی ترجمه گردیده است. گزارشهای باستانشناسی

سفالک آسیای صغیر ولیدی نگذشته بود که برای سرکوبی ملتهای مختلف دیگر، روانه کناره بحر خزر تا هند گردید و ده سال آخر عمر را صرف تسخیر بابل و جنگ باملتهای آنحدود کرد لذا تجارت و دادوستد در زمان او و کمبوجیه مانند وضع متداول آنزمان برپایه مبادله جنسی و معاوضه قرار داشت ولی بممالک و شهرهایی که جزو متصرفات ایران در میآمد و در آنها سکه رواج داشت اجازه میدادند که بضر سکه محلی ادامه دهند. وقتی حکومت لیدی ساقط و اساس آن دگرگون شد، ضرب سکه نیز در آن سرزمین متوقف گردید. چون داریوش حکومت خود را برپایه نظام اداری در کلیه شئون مملکت قرار داد، بزودی متوجه لزوم سکه شد و ترتیب تناسب طلا و نقره را بنا بر آنچه در لیدی معمول بود بکاربرد که نسبت آن یک به $\frac{1}{3}$ میباشد و براساس آن ترتیب سکه طلا معروف به دریک بوزن $\frac{1}{4}$ گرم و نقره معروف به سیکل (شکل) که بوزن $\frac{5}{6}$ گرم و از لحاظ نقش بسیار ممتاز بود، ضرب زده بجریان انداخت. اولین نوع سکه های هخامنشی که بسکه های شاهی^۱ معروف است احتمالاً در سال ۵۱۷ قبل از میلاد از ضرابخانه خارج گردید، زیرا در این سال است که داریوش به نظم و نسق و ترتیب تشکیلات مملکتی پرداخت و ناچار سکه که عامل مهم اقتصادی است در این دوره بکار برده شد^۲.

سکه های شاهی هخامنشی یعنی دریک و سیکل عموماً دارای طرح شبیه بهم

- ۱- ترتیب اوزان در دوره هخامنشی، بصفحه ۲۵ مراجعه شود.
- ۲- بمقدار خیلی کم در دوره هخامنشی دودریکی و نیم دریک نیز سکه زده شده است.
- ۳- تا قبل از بدست آمدن چند سکه کرزوس و سکه یونانی در پی بنای قصر آپادانا در تخت جمشید تصور میشد که سکه های هخامنشی در سال ۵۱۷ قبل از میلاد ایجاد گردیده است در صورتی که پرفسور هرتسفلد تاریخ بنای کاخ داریوش را بین سالهای ۵۱۷ و ۵۱۴ میداند و اگر آنزمان سکه هخامنشی وجود میداشت در پی بنا بجای آن سکه کرزوس و سکه یونانی بکار نمیرفت لذا بطور تحقیق میتوان گفت که داریوش پس از سال ۵۱۷ سکه زده است.



میباشند فقط تصویر هر شاهنشاه با دیگری تفاوت دارد و موجب شناختن آنها از یکدیگر میشود. در روی سکه تصویر نیم تنه شاهنشاه کمان بدست نقش است یا تصویر شاهنشاه که بصورت کماندار پارسی ترکش بر پشت یک زانو بزمین زده و بایکدست زوبین را گرفته و بادیست دیگر کمان را میکشد و در نوع دیگر شاهنشاه کمان بدست در حال دویدن است و بادیست دیگر نیزه را که مایل بزمین است نگه داشته است. زانوزدن شاهنشاه علامت نیایش اهورامزدا است.

در شاهنشاهی هخامنشی تا روی کار آمدن اسکندر مقدونی علاوه بر در یک و شکل که مخصوص ضرابخانه سلطنتی بود سمالک و شهرهای یونانی و آسیای صغیر که در تصرف ایران بودند و استاندارانی (ساتراپ) که شاه برای ایالات معین میکرد و حتی رؤسا و فرماندهان ارتش اجازه داشتند هر یک جدا گانه از هر فلزی که مایل بودند و با منافع اقتصادی آنها تطبیق میکرد، سکه بزنند.

در یک بیشتر برای مزد و مواجب مزدورهای خارجی که در خدمت ارتش ایران بودند و یا برای تجارت و بسط امور دیگر بایونان و یا سمالک غربی ایران بکار برده شده است. در دوره جنگ های خشایارشا با یونان، هر سرباز در ماه یک در یک مواجب داشت ولی در داخله مملکت هنوز مراسم مبادله جنسی معمول بود و در معاملات و تجارت و کسب، نقره و طلا را با وزن بکار میبردند، حتی برای مالیات که سمالک تابع و ایالات باید جنسی و نقدی سالانه پردازند، داریوش مقرر داشت که طلا و نقره را بنا بر وزن تالان، پرداخت نمایند. بنا بر این سکه هخامنشی آنطور که در خارج مملکت در جریان بود و اساس معاملات بر پایه آن قرارداد است در داخله معمول نبود. ولی بطور تحقیق در ایالات شرقی و بساخر بهیچوجه ضرابخانه وجود نداشته است و این منطقه که بیشتر اهالی آنرا ایلات و عشایر صحرانشین تشکیل میدادند فلزات را بنا بر مقدار و وزن با سایر اشیاء و اجناس معاوضه میکردند و اگر بر حسب

۱- چنانکه در قسمت اوزان گفته شد Talent واحد وزن در نزد یونانیان بوده است.

تصادف سکه طلا بدستشان میرسید، آن قطعه منقور فقط یک قطعه فلز بهادار بوده و اعتبار خاصی نداشته است. علت این مسئله چنانکه مورخان یونانی گفته اند عقب ماندگی و جاهلیت مردم آن سامان نبود بلکه دلیل اصولی و منطقی اقتصادی داشته است و آن فراوانی نقره و بخصوص طلا^۱ بوده است. زیرا در آندوران، همانطور که تذکر داده شد، دولت هخامنشی نسبت ($\frac{1}{3}$ - ۱) را برای طلا و نقره رسماً قبول کرد و در سراسر شاهنشاهی ایران پایه معاملات بر آن مقیاس قرار داشت ولی استثنائاً بواسطه کثرت طلا در ایالات شرقی مانند سغد، باختر، رخج^۲ و هند نسبت (۱ به ۸) بکار برده شد. در اینصورت از داشتن سکه طلا نفعی عاید آنها نمیشد لذا سکه های طلای هخامنشی که در این نواحی بدست آمد سکه هایی است که قطعاً متعلق بضرابخانه ایالات همجوار بوده است ولی در ناحیه باختر و هند سکه نقره هخامنشی بارها پیدا شد و نیز دودریکی بوزن $\frac{16}{85}$ گرم و نیم در یکی که نصف در یک طلا بوده نیز در این منطقه بدست آمده است، مثلاً آنچه در مجموعه موزه انگلیس^۳ میباشد از ناحیه سغد کشف گردید. این سکه ها از لحاظ ضرب و طرح مانند دریک زیبا و ظریف نبود و نقشی بسیار مبتذل داشته است و میسراند که متعلق بدوره انحطاط هخامنشی و شاید مربوط بدوره داریوش سوم باشد. نقش سکه های شاهنشاهی با تصویر شاه بوضع کماندار پارسی مظهر قدرت و عظمت آندوران و حالت خضوع علامت نیایش اهورامزدا است.

هنرمند حکاک در ضرابخانه سلطنتی مانند شوش و بابل سعی کرده است قدرت هنری خود را در طرح تصویر بکار برد.

معمولاً سکه هایی که بانقش زیبا بدست آمده اثر دست حکاکان هنرمند است

۱- برای تحقیق بیشتری در این قسمت به کتاب تاریخ هندوستان تألیف

A. V. Williams Jackson

۲- قسمتی از افغانستان جنوبی

British museum

که علاوه بر حکک سرسکه مهرهای سلطنتی را نیز کنده‌اند، لذا آنهایی که فاقد جنبه هنری هستند ناچار محصول ضربخانه‌های ایالتی است که بتوسط حکاکان عادی کار شده است. درباره اینکه آیا صنعتگران حکاک یونانی بوده‌اند یا ایرانی بطور صریح نمیتوان اظهار عقیده کرد ولی محتمل است همانطور که هنرمندان ایونی^۱ در تزئین و حجاری کاخها دست داشته‌اند، طراحی نقوش سکه نیز صنعت دست‌آنان باشد بعلاوه وقتی گفته میشود هنرمند یونانی نباید آنرا خارجی تصور کرد زیرا قسمت مهمی از ممالک تابعه و متصرفات هخامنشی یونانی و یا یونانی‌نژاد بوده‌اند. ولی محقق آنست که در دوره سلطنت داریوش دوم (۴۲۴ - ۴۰۵ قبل از میلاد) یکی از بزرگترین حکاکان شهر فوسه^۲ بنام تلفانس^۳ را که بایران آمده بود در رأس ضربخانه سلطنتی قرار داده‌اند و این همان هنرمندی است که قبل از آمدن بایران سرسکه‌های زیبای تسالی^۴ را حکاکی کرده است و آن آثار هنری ساخته دست او میباشد.

سکه در این دوره نه تنها تسهیلات زیادی در امور تجارتنی و بخصوص تجارت خارج از کشور فراهم آورد بلکه بتوسعه بانکها نیز کمک کرد.^۵

در سراسر کشور شاهنشاهی در مواقع عادی، ضربخانه‌های سلطنتی بطور عادی و به تناسب احتیاج سکه میزدند ولی در موقع بروز جنگ شاهنشاه با تعیین

۱- بنا برستی که از کاوشهای شوش بدست آمده است داریوش مفصلاً شرح چگونگی ساختمان کاخ شوش را میدهد که مصالح آن از چه نقاطی آورده شده است و سپس از ملتهایی نام میبرد که در تزئین و ساختمان کاخ هنر خود را بکار برده‌اند و برای حجاری میگوید: « هنرمندانی که سنگ را حجاری کرده‌اند ایونیان و ساردیان بودند »

۲- شهر یونانی در آسیای صغیر.

۳- Téléphanés

۴- Thessaly

۵- قبل از این دوران بواسطه عدم امنیت راه‌ها امور بانکی و ارتباط آنها بایکدیگر مقدور نبود و فقط افراد متنفذ مانند بزرگان مملکت و روحانیان که در نقاط مختلف مملکت معروفیت داشتند و مورد اعتماد بودند میتوانند عملیات مالی و بانکی انجام دهند.

یکی از اسرا یا ساتراپی که مورد اعتماد بود بسمت نیابت، خود او را مأمور تشکیل ارتش یا قوای بحری و تدارک ساز و برگ و اسلحه میکرد و سهم قابل ملاحظه‌ای از خزانه سلطنتی با او واگذار مینمود که بنابر تشخیص و ضرورت در هر محل هر مبلغ که مقتضی بداند و موقعیت جنگی ایجاب کند، سکه بزند.

تربیز که حاکم ارمنستان و زمانی ساتراپ سارد بود در هیچ یک از این نواحی سکه نزد (یعنی از طرف شاهنشاه اجازه نداشت) بلکه در موقعی که از طرف اردشیر دوم برای منکوب کردن پادشاه سالامین^۱ او را گوراس اول^۲ مأمور و فرماندهی کل قوا منصوب گردید، در شهرهای کیلیکیه مانند سالوس^۳، ایسوس^۴، سولی^۵ و تارس^۶ بضرر سکه پرداخت و تیسافرن ساتراپ سارد در سال ۳۹۸ قبل از میلاد در ولایت کاریه^۷ که مشغول تجهیز قوا و تدارک جنگی برای مقابله با درسیلیداس^۸ بود سکه زد.

فرنا باذوالی قسمتی از فریگیه و داسیلیوم بنا بفرمان اردشیر دوم فرماندهی قوای بحری برای کمک به کونون^۹ اسیرالبحر آتنی که در آن زمان با اسپارتیها در جنگ بود منصوب گردید.

لذا برای تدارکات بحری باطلا و نقره که از خزانه سلطنتی برایش فرستاده

۱ - Salamine

۲ - Evagoras

۳ - Malles در آسیای صغیر

۴ - Issos یکی از شهرهای آسیای صغیر

۵ - Soli یکی از شهرهای آسیای صغیر

۶ - Tars واقع در آسیای صغیر و ترکیه فعلی که بهمان نام خوانده میشود

۷ - Carie یکی از ممالک آسیای صغیر در کنار دریای اژه

۸ - Dercylidas سردار اسپارتی

۹ - Conon دریاسالار آتنی با کمک فرنا باذ و قوای بحری ایران که دارای نود کشتی

مجهز بود در بندر کینند اسپارتیها را تار و مار کرد.

شده بود، در بنادر مختلف کیلیکیه بضر ب سکه اقدام کرد. سپهرداد ساتراپ لیدی و شهرهای ایونی که در حمله اسکندر بایران بجلوگیری او شتافت و شرح رشادت‌های وی در آن زمان بسیار معروف است و در تاریخ ایران نام او و برادرش که از قهرمانان رشید ایران هستند همیشه به نیکی یاد خواهد شد، برای تجهیز قوا بضر ب سکه پرداخت.

فرماندهان قوای ایران و ساتراپهائی که اجازه داشتند سکه بزنند می‌توانستند نقش صورت خود را در روی سکه‌ها نقر کنند مانند فرنا باز، تیسافرن، تریباز، ارونت، سپهرداد، داتام و مازایوس که نقش نیم تنه و یا سوار اسب و یا نشسته آنها بر روی سکه منقور است. گاهی علاوه بر نقش فرمانروایان تصویر شاهنشاه نیز دیده می‌شود مانند سکه تیسافرن که در یکطرف سکه نیم تنه او و در طرف دیگر تصویر کامل اردشیر دوم نقر شده است.

قسمت دیگر از سکه‌های هخامنشی ضرب شده است به پادشاهان جزء و امرای محلی تعلق دارد که یادست نشانده و یا مطیع بودند و مرتباً مالیات و خراج می‌پرداختند و بدین ترتیب مراتب وفاداری خود را ثابت می‌کردند و در موقع لزوم لشکریان مرتبی با تجهیزات منظم برای شرکت در جنگ می‌فرستادند، مانند شاهان فینیقی و امرای کیلیکیه و پامفیلی^۱ و لیسسی^۲ و یا حکام شهرهای تابع یونانی که با کمال آزادی می‌توانستند از هر نوع فلز برای ضرب سکه استفاده کنند و از لحاظ نقش نیز اختیار داشتند بدلاخواه خود، نقوش مربوط بمذهب و خدایان مورد ستایش و خط محلی را بکار ببرند. نظریه بعضی از مورخان قدیم که گفته‌اند شاهنشاهان ایران طلا را منحصرأ برای سکه‌های شاهی که در ضرابخانه‌های سلطنتی ضرب می‌شد

۱- Pamphylie خطه‌ای در جنوب آسیای صغیر مابین لیسسی و کیلیکیه

۲- Lycie سرزمین قدیمی در آسیای صغیر بین کاری و پامفیلی

بکار میبردند و حکام و سلاطین دست نشانده و ساتراپها فقط مجاز بودند که از نقره استفاده کنند، صحیح بنظر میرسد.

نباید گمان برد که تصویر شاهنشاه بر روی سکه های ممالک تابعه و شهرهای مستصرفی بنا به دستور دستگاه مرکزی و یا ضعف حکومت آن منطقه است، بلکه برخلاف این نقش شاهد قدرت و نمونه تفوق محلی است چنانکه تصویر شاهنشاه در روی سکه شاهان صیدا دلیل امتیاز آنان بر سایر امرا و شاهزادگان است و مانند مهر سلطنتی نمونه اقتدار و نشانه نمایندگی شاهنشاه است که باید دیگران از او اطاعت کنند.

هر دوت پادشاه صیدارا، فرمانده کل قوای بحری خشایارشا، که بر تمام شاهان فنیقیه برتری دارد، معرفی میکند و میگوید بدین واسطه از خزانه سلطنتی در شوش طلا و نقره برای پرداخت مزد مزدور ها و خرج کشتی ها و تجهیزات مختلف دریافت میداشت. امرای کیلیکیه نیز بنا بر مقتضیات جغرافیائی از خزانه شوش، سهم مهمی دریافت میداشتند، زیرا بنادر کیلیکیه از نظر نظامی مرکز تجمع کلیه قوای بحری و بری ایران برای حمله به مصر و یونان و سواحل آسیای صغیر بوده است.

در موقع بروز حوادث پیش بینی نشده و ناگهانی و غیر مترقبه، مانند حمله دشمن یا واقعه سیاسی دیگر که ساتراپ یا فرمانده کل قوا احتیاج پول بیشتری داشت علاوه بر ضرابخانه شهری که بکار روزانه مشغول بود ضرابخانه آزاد بطور کمک بضر ب سکه های اختصاصی می پرداخت. در مطالعه سکه های افس^۱ و لامپساک^۲ وضع این نوع سکه که در یک موقع و در یک شهر بضر رسیده کاملاً مشهود و از نظر هنر بسیار جالب توجه میباشد.

در اثر آزادی دادن شاهنشاهان هخامنشی بحکام و ساتراپها و سلاطین تابعه و تحت الحمایه، خط محلی در روی سکه ها بکار برده شده است چنانکه بر سکه شهرهای

۱- Ephèse یکی از شهر های ایونی در ساحل دریای اژه

۲- Lampsaque در آسیای صغیر

ساحلی آسیای صغیر و مستعمره‌های یونانی کیلیکیه خط یونانی و در شهرهای لیسلی
خط لیسلی و در پامفیلی خط پامفیلی و در کیلیکیه آرامی و در شهرهای فنیقیه و
مستعمره‌های آن خط فنیقی دیده میشود و بیشتر سکه‌های فرمانروایان که بسکه‌های
ساتراپی معروف است بخط آرامی است که در آنزمان معمول بود و بطور عادی در
ایران رواج داشته است، زیرا خط میخی مخصوص نوشته‌ها و کتیبه‌های دربار سلطنتی
بوده و بر روی سکه بکار نرفته است.

سکه‌های شاهی (هخامنشی)

سکه‌های هخامنشی عبارتند از دریک سکه طلا بوزن $۸/۴۱$ گرم و سیکل (شکل) نقره بوزن $۵/۶$ گرم و بطوریکه قبلاً اشاره شد داریوش اول مانند کروزوس پادشاه لیدی برای سکه تناسب یک طلا به $۱۳\frac{۱}{۳}$ نقره را برگزید و این ترتیب از هر حیث معقول بود زیرا ترتیبی است که در آن زمان در تمام شهرهای یونانی و آسیای صغیر و قبرس و فینیقیه که دارای سکه بودند معمول بود.

در دوره داریوش سوم دو دریکی که بوزن $۱۶/۸۰$ گرم و نیم دریکی که نصف دریک بود و از لحاظ نقش نیز مختصر تفاوتی با دریک و سیکل داشت ایجاد گردید.

در پشت سکه‌های دریک و شکل معمولاً فرورفتگی نامنظم مربع یا مربع مستطیل وجود دارد که در بعضی از این فرورفتگیها اگر دقت شود نقشی دیده میشود. بعضی از سکه شناسان در تحقیقات خود اشاره بنقوشی مانند حیوان خوابیده یا سر حیوان و یا سر اسب، یا پرند و یا ماهی نموده‌اند.

در مجموعه سکه‌های هخامنشی (از نست بابلون) سکه‌ای است که در فرورفتگی پشت آن بطور وضوح نقش قسمت جلوی کشتی دیده میشود. این سکه ضرب شهر کاری، در آسیای صغیر است، زیرا یک حرف که علامت این منطقه است بر روی آن نقر است.

بر روی تعدادی از سکه‌های شاهی هخامنشی نیز علامات و نشانه‌هایی موجود

۱- دریک طلا و دو دریکی حتی در زمان اسکندر نیز متداول بوده و ار نست بابلون E. Babelon در کتاب سکه‌های یونان میگوید محتمل است دو دریکی و نیم دریکی را اسکندر پس از فتح ایران برای حوائج تجارتنی و معاملاتی سکه زده باشد.

است که بتوان آنها را بواسطه تقارنی که باعلامات سکه های ضرب شده در شهرهای لیبی و پامفیلی ویا کلیکیه دارند ضرابخانه شهری را که سکه در آن ضرب گردیده تعیین نمود. بجز این نشانه ها، علامات دیگر بانضمام حروف نیز گاهی بر روی دودریکی ها مشاهده میگردد که چون این علامات بر روی سکه های مازه که در بابل پس از دوران هخامنشی در مدت فرمانروائی خود ضرب زده و بر چند سکه اسکندر وسلوکوس اول دیده شده است، میتوان یقین داشت که این سکه های دودریکی پس از دوره هخامنشی ضرب زده شد و محل ضرب بابل بوده است.

برسکه های دو دریکی، یا شیارهای موج ویا نقش دو هلال ویا نقش قسمت جلو کشتی دیده میشود و برسکه های دریکی داریوش سوم تصویر شاهنشاه مانند شاهنشاهان قبل از او نیزه بدست ندارد بلکه بجای نیزه خنجر بدست گرفته است^۱.

سکه های شاهنشاهی در کلیه ممالک مجاور بخصوص یونان زیاد رواج داشت بطوریکه بانکداران خارجی با رغبت زیاد^۲ پول هخامنشی را می پذیرفتند و قسمت مهمی از معاملات بانکی خود را با آن انجام میدادند.

اکنون باختصار درباره سکه هریک از شاهنشاهان توضیح داده میشود ولی چون نقش همه آنها بطرز کماندار پارسی است، از مکرر گوئی درباره اندام و نوع سلاح آنها صرف نظر میکنیم و فقط بشرح تصویر نیم رخ هریک میپردازیم:

بنابر تحقیقات جدیدی که درباره سکه های هخامنشی بوسیله سکه شناس ناسی آقای رابینسون^۳ پس از کشف گنجینه سکه های هخامنشی در ازمیر در سال ۱۹۵۱ انجام گردیده است. این نظریه صحیح بنظر میرسد که سکه های اولیه این دوره

۱ - دریگ طلا و دو دریکی حتی در زمان اسکندر نیز متداول بود و ارنست بابلون E. Babelon در کتاب سکه یونان میگوید محتمل است دو دریکی و نیم دریکی را اسکندر پس از فتح ایران برای حوائج تجارتنی و معاملات سکه زده باشد.

۲ - در سوغه حمله نخشایارشا به یونان در سال ۴۸۰ قبل از میلاد پیتس (Pythés) بانکدار معروف فریژی در حدود چهار میلیون دریگ طلا داشته است.

۳ - E. S. G. Robinson

دارای نقش نیم تنه شاه ویانقش شاه در حال کمان کشیدن است و نوع دیگر که نیزه بدست دارد ازدوره خشایارشا به بعد ضرب گردیده است .

داریوش اول (۵۲۱ - ۴۸۶ قبل از میلاد)

روی سکه - نقش نیم تنه داریوش اول و نیم رخ شاهنشاه باریش بلند که تاروی سینه آمده و بینی کشیده و متناسب و موهائی که بر پشت گردن آمده است و بر روی سرتاج نسبتاً کوتاهی که دارای پنج کنگره میباشد، دیده میشود .

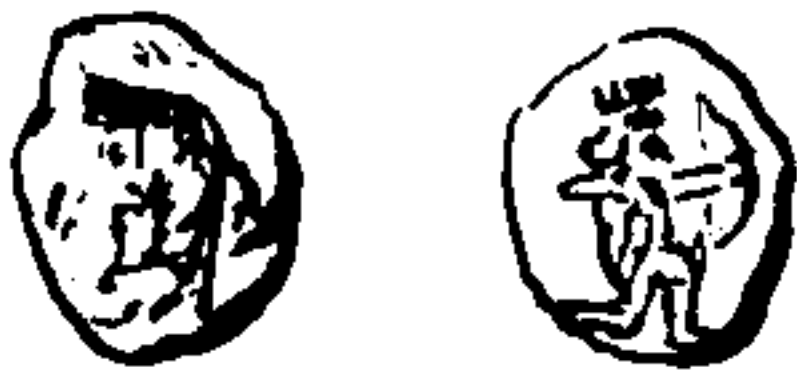
پشت سکه - فرورفتگی نامنظم (نقره)

وزن سکه - ۵/۴۵ گرم (ش ۳۴) ۱



شکل ۳۴

سکه نقره (شکل) دیگری از داریوش اول که روی آن شاهنشاه هخامنشی بصورت کماندار و در حال کمان کشیدن نقر گردیده است^۲ (ش ۳۵) .



شکل ۳۵

۱- اشکال ۳۴ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ از مجموعه سکه های موزه ایران باستان نقاشی

شده است .

۲- این سکه از کتاب رابینسون (E. S. G. Robinson) مربوط بسکه های اوائل دوره

هخامنشی گرفته شده است تحت شماره (۱۰) .

خشایارشا (۴۸۶ - ۴۶۵ قبل از میلاد)

روی سکه - نقش معمولی سکه های شاهنشاهی، اختلاف تصویر این شاهنشاه با تصویر داریوش اول بواسطه بزرگی سروبرجستگی گونه و ریش بلند نوک تیز واضح است.

پشت سکه - فرورفتگی نامنظم مستطیلی شکل (نقره).

وزن سکه - ۵/۵۰ گرم (ش ۳۶).

دریک خشایارشا به همین طرح و بوزن ۸/۴ است (ش ۳۷).



شکل ۳۷



شکل ۳۶

اردشیر اول (۴۶۵ - ۴۲۴ قبل از میلاد)

سکه های اردشیر اول با جزئیات کمی نسبت به سکه های پدرش خشایارشا اختلاف مختصر دارد.

روی سکه - (نقش معمولی سکه های شاهنشاهی) تاج کمی بلندتر از تاج خشایارشا و ریش مرتب مستقیم تاروی سینه آمده است و موهای سردر پشت گردن برگشته وانبوه میباشد.

پشت سکه - فرورفتگی نامنظم در وسط (نقره)

وزن سکه ۵ گرم (ش ۳۸)



شکل ۳۸

خشایارشای دوم پسر اردشیر اول (۴۲۴ قبل از میلاد)

از خشایارشای دوم سکه‌ای بدست نیامده زیرا مدت سلطنت او پیش از چند ماه نبوده است^۱.

داریوش دوم (۴۲۴ - ۴۰۴ قبل از میلاد)^۲

روی سکه (نقش معمولی سکه‌های شاهنشاهی) نیم‌رخ داریوش دوم باریش مجعد و درهم و سوهای ترك ترك که در پشت گردن بموازات هم ریخته شده است و بر روی سروی تاج بلند بادندانه‌های نوک‌تیز قرار دارد و قیاقه اوشکسته و پیر^۳ است. پشت سکه - مانند سکه‌های اردشیر اول است.

وزن - ۴/۹۵ گرم (۳۹)



شکل ۴



شکل ۳۹

اردشیر دوم (۴۰۴ - ۳۵۸ قبل از میلاد)

برای تمیز دادن سکه‌های اردشیر دوم و صحت تشخیص آنها بهترین وسیله مقایسه آنهاست با سکه‌های سلاطین تابع یا ساتراپ‌های آندوره چنانکه از روی سکه

۱ - مدت سلطنت خشایارشای دوم را دیودور مورخ یونانی یکسال گوید ولی کتزیاس (Ctésias) مورخ یونانی که تاریخی راجع بایران نوشته بنام پرسیکا (Persica) مدت سلطنت او را فقط ۵ روز نوشته است.

۲ - داریوش دوم پسر غیر مشروع اردشیر اول بوده است و به همین مناسبت یونانیها او را نوتوس (Nothus) یعنی حرامزاده خوانده‌اند زیرا او از زن غیرعقدی اردشیر بوده است.

۳ - چون این شاهزاده در جوانی بسلطنت نرسیده است ناچار نقش روی سکه تصویر حقیقی او را نشان میدهد.

های شاه صیدا، استراتون اول^۱ و تیسافرن، ساتراپ سارد (که در یکطرف سکه تصویر این شاهنشاه منقوش است) میتوان سکه های اردشیر دوم را بخوبی تشخیص داد و تنظیم کرد.

روی سکه - نقش معمولی سکه های شاهنشاهی، نیم رخ اردشیر دوم باتاج کوتاه و موهای جمع شده در پشت گردن. برخلاف معمول سکه های اردشیر دوم بدست آمده که او را در حال کشیدن کمان نشان میدهد.^۲

پشت سکه - کنده کاری نامنظم مربعی شکل (ش. ۴)

اردشیر سوم (۳۵۸ - ۳۳۶ قبل از میلاد)

روی سکه - نقش معمولی سکه های شاهنشاهی. نیم رخ اردشیر باریش بلند نوک تیز، با موهای پر پشت که گوشها و پشت گردن را بخوبی پوشانده است و تشخیص سکه های این شاهنشاه با مقایسه سکه های سلاطین ممالک تابع مثل اواگوراس دوم^۳ که در یکطرف سکه نقش اردشیر سوم میباشد، بسیار سهل است. پشت سکه - فرورفتگی نامنظم (ش ۴۱) (در کتاب دمرگان سکه های از این



شکل ۴۲



شکل ۴۱

شاهنشاه موجود است که بجای آنکه مانند معمول نیزه بدست داشته باشد، دست را بلند کرده است).

آرسس (۳۳۶ قبل از میلاد)

این شاهزاده که پس از مرگ پدر برای مدت کوتاهی به سرپرستی باگواس

۱ - Straton

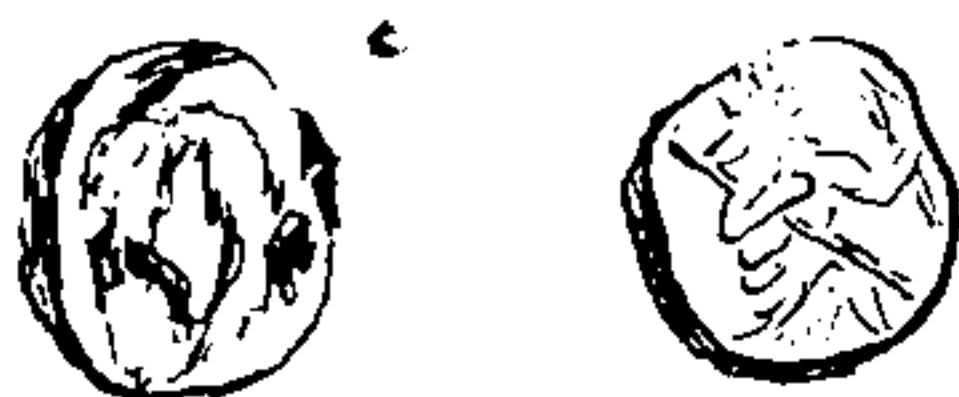
۲ - کتاب دمرگان صفحه ۳۹

۳ - Evagoras

خواجه بسلطنت رسید و بدست همان خواجه کشته شد بطور یقین دارای سکه بوده است و بهمین دلیل ارنست بابلون^۱ چند سکه نقره هخامنشی را که نقش معمولی شاهنشاه را با صورتی عریض و بینی بزرگ و ریش بلند دارد، با ومنتسب میداند. در مجموعه موزه ایران باستان نیز سکه نقره ای از آرسس موجود است (ش ۴۲).

داریوش سوم (۳۳۶ - ۳۳۱ قبل از میلاد)

این شاهنشاه علاوه بر در یک و شکل (ش ۴۳) دو در یکی و نیم در یکی نیز



شکل ۴۳

سکه زده و نقش روی سکه بیشتر بوضع معمولی میباشد. گاهی کماندار که شخص شاهنشاه است بجای نیزه خنجر بدست گرفته است (ش ۴۴). در پشت سکه برای



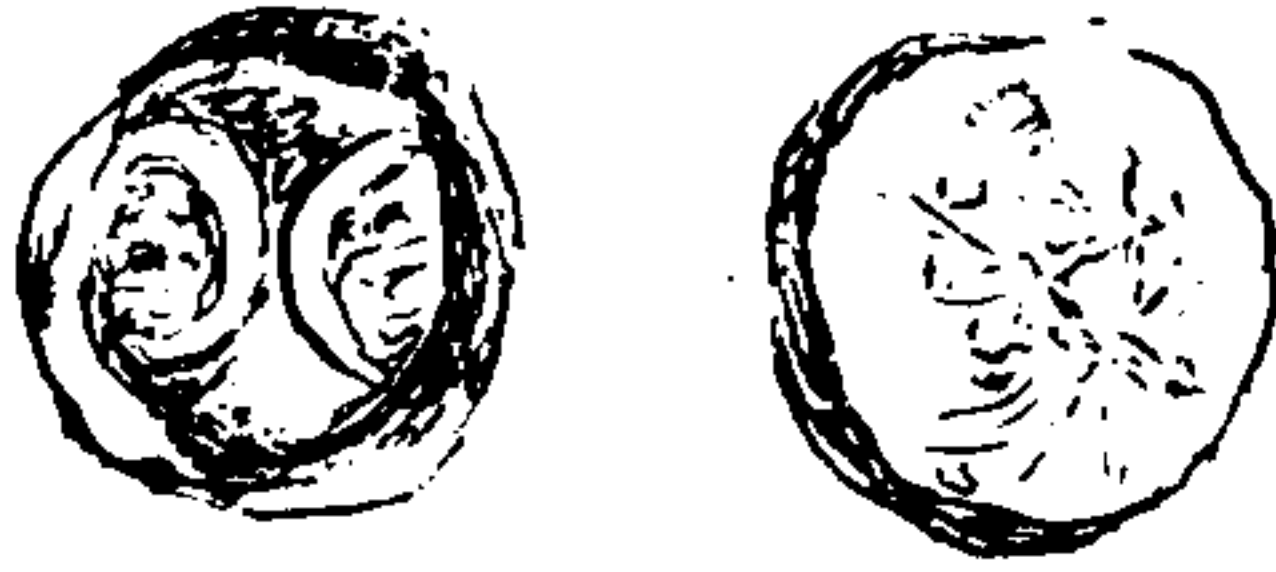
شکل ۴۴

نخستین بار بجای مربع فرورفته نامنظم، دو هلال و برجستگیهای موجی شکل (ش ۴۵) و یا قسمتی از بدنه کشتی نقر گردیده است.

تصویر این شاهنشاه که آخرین شاهنشاه هخامنشی است در روی سکه های

۱ - E. Babelon دانشمند و سکه شناس فرانسوی

سلاطین تابع و ساتراپهای آن دوره از جمله سمون^۱ مشاهده میشود .



شکل ۵۰

سکه های این شاهنشاه پس از انقراض امپراطوری هخامنشی نیز رایج بوده و مانند مظهر ملیت ایران تاسدتی ضرب آنها ادامه داشته است .

۱- Memnon ساتراپ افر (Ephèse) که از طرف داریوش سوم بسرداری قشون منصوب

گردید که از پیشروی مقدونیها جلوگیری کند .

سکه‌های فرمانروایان (ساتراپ) هخامنشی

سابقاً تذکر داده شد که در دوره هخامنشی علاوه بر سکه‌های شاهی که در ضرابخانه های سلطنتی تهیه میشد، ساتراپها نیز که نماینده شاهنشاه بودند اغلب اجازه سکه زدن داشتند. بخصوص در مواقعی که مأموریت جنگی و فرماندهی بانان محول میگرددید^۱.

متأسفانه تا بحال سکه های تمام ساتراپهائی که نامشان در تاریخ ضبط است بدست نیامده است ولی از آن عده که دارای سکه هستند بیشتر ساتراپهائی میباشند که در ایالات غربی شاهنشاهی مأموریت داشته‌اند^۲ و معمولاً نوشته سکه های ساتراپی بخط آرامی است. همانطور که در قسمت خطوط گفته شد خط آرامی در دوره هخامنشی بسیار رایج و خط میخی مخصوص کتیبه ها بوده است ولی نوشته روی مهر داریوش که یکی در موزه بریتانیا و دیگری در موزه ایران باستان است^۳ بخط میخی است و بطور کلی در روی سکه تا بحال این خط دیده نشده است. ساتراپهائی که سکه های آنها بدست آمده بدینقرارند:

- ۱- چنانکه قبلاً گفته شد در قسمت مهمی از ایران بخصوص در نواحی شرقی معاملات و تجارت بوسیله معاوضه اجناس و یا شمش های طلا و نقره انجام میگرفت.
- ۲- حدود ایالاتی که در دوره هخامنشی سکه زدند از ناحیه دریای سیاه شروع شده و به افریقای شمالی میرسند و عبارتند از ایالت دوم شامل: لیدی - میسی - لا کونی - گابالی - هی گتی. ایالت سوم شامل: فریگیه، تراکیه کاپادوکیه (که بعدها این ساتراپی نیز بچند ایالت قسمت گردید). ایالت چهارم - کیلیکیه، ایالت پنجم: سوریه - عربستان - بین النهرین جزیره قبرس. ایالت ششم: ایونی - الی - کاری - پامفیلی - فنیقیه - مصر - لیبی.
- ۳- آقای حاکمی موزه دار موزه ایران باستان درباره این مهر تحقیقی نموده‌اند که در گزارشهای باستانشناسی مجلد سوم درج گردیده است.

تیسافرن

تیسافرن پسر ویدرن^۱ برادر استاتیرا زن اردشیر دوم بوده است^۲. پس از آنکه والی لیدی پیسوتنس^۳ را که ب فکر استقلال افتاده بود با حسن تدبیر وادار به تسلیم و آن غائله را رفع کرد، از طرف شاهنشاه وقت داریوش دوم به فرمانروائی لیدی منصوب گردید و در دوره فرمانروائی خود در جنگ با اسپارت^۴ در سال ۴۱۱ قبل از میلاد، در شهر اسپاندوس^۵ که مقر تمرکز قوای بحری بود و بعد در

Hydarnès - ۱

۲- در آن زمان اردشیر دوم هنوز سمت ولایتی نداشت و سلطنت در دست پدرش داریوش دوم بوده است.

Pissuthnès - ۳

۴- در اوانی که تیسافرن والی لیدی گردید جنگهای داخلی یونان شروع شد و آتن و اسپارت هریک برای پیشرفت در جنگ طالب کمک ایران بودند و تیسافرن که بخوبی درک میکرد که جنگ این دو بنفع ایران خواهد بود زیرا جنگ بالنتیجه طرفین را فرسوده کرده و فرسودگی مانع تجاوز آنها بمالک تابعه ایران در آسیای صغیر خواهد شد ولی چون مراقب سوازنه و قدرت طرفین بود، وقتی احساس نمود که آتنی ها در دریا بر اسپارتنها تنفوق دارند و برتری آنها بصلاح ایران نخواهد بود از داریوش دوم تقاضا نمود که با اسپارتنها کمک شود و پیشنهاد او مورد قبول واقع گشت در این اتحاد جزیره کیوس (Chios) و میله (Milet) از یونان جدا شده تسلیم تیسافرن گردید و جنگهای اسپارت و یونان که به جنگهای پلوپونز معروف است و تقریباً از سال ۴۳۱ - ۴۰۴ ق.م. طول کشید. در طول این مدت تیسافرن با حسن سیاست و کمک مالی با اسپارتنها و گاهی دلجوئی یونانیها در نهایت حسن نیت و لیاقت مقام فرمانروائی خود را داشت. تیسافرن علاوه بر آن مقام فرماندهی قوای بحری را نیز داشته است.

۵- Aspendus مرکز قوای بحری ایران واقع در پامفیلی.

جنگ بادرسیلیداس^۱ در سال ۳۹۵ در شهر های ایازو^۲ و کاری^۳ سکه زد. بعضی از این سکه ها از لحاظ هنری قابل توجه بوده و قطعاً عمل یکی از بهترین هنرمندان آندوره میباشد.

چهاردرهمی نقره (ش ۴۶)^۴



شکل ۴۷

شکل ۴۶

روی سکه - نیم رخ تیسافرن با کلاه پارسی.

پشت سکه - تصویر اردشیر دوم بطرز کماندار پارسی که پشت سر او چنگ

قرار دارد و بالای سربخط یونانی **ΒΑΣΙΛΕΩΣ** یعنی شاهنشاه نوشته

شده است.

۱- تیسافرن بواسطه خدماتی که نسبت باردشیر دوم کرده بود علاوه بر فرمانروائی لیدی چند شهر یونانی نیز ضمیمه حکومت او گردید، در این موقع جنگی بین ایران و اسپارت بر سر داری درسیلیداس واقع شد و گرچه نتیجه جنگ بفتح ایران بود ولی تیسافرن ترجیح داد که جنگ متارکه شده صلح برقرار گردد، البته پس از کسب دستور از شاهنشاه ولی بعداً که آرزویلاس پادشاه اسپارت شروع بجنگ نمود و او را شکست داد، ایرانیانی که با تیسافرن دشمنی داشتند از او نزد شاهنشاه سعایت کردند تا دستور کشتن او داده شد، در نتیجه این سردار شجاع و سیاستمدار پارسی از بین رفت. درباره او گزنفون میگوید: (با کشته شدن تیسافرن اوضاع ایرانی ها درهم و برهم گردید و بالعکس آرزویلاس موفقیت حاصل نمود.)

۲- Yasos یکی از شهرهای کاری

۳- Carie مملکتی در آسیای صغیر

۴- کتاب دسرگان صفحه ۴۷

یک سکه بسیار ممتاز از تیسافرن در مجموعه موزه انگلستان موجود است که آنرا جزو شاهکارهای هنری میتوان شمرد، در یکطرف نیمرخ او با کلاه پارسی و در طرف دیگر چنگی منقوش است (ش ۴۷)

سکه دیگری از این فرمانروای پارسی موجود است که مربوط بزمانی است که وی در سرزمین های یونانی نشین پیشروی داشته است^۱ در روی سکه تصویر تیسافرن با کلاه پارسی باقیافه بسیار نجیب نقش شده و در پشت سکه جغد که یکی از مظاهر شهر های یونان است نقر است. (ش ۴۸)



شکل ۴۸

فرناباذ

فرناباذ بعد از پدرش فرناس (۴۱۲ - ۳۷۴ قبل از میلاد) بفرمان داریوش دوم فرمانروای فریگیه گردید^۲، در سوقع بروز اختلاف بین اسپارتی ها و ایرانیها که تیسافرن از طرف شاهنشاه فرمانروای با قدرت تمام آسیای صغیر و لیدی مأمور دفاع بود، فرناباذ نزد او رفته اظهار اطاعت نمود و حاضر شد برای حفاظت ایالات ایران از دستبرد اسپارتیها کمک دهد، لذا همراه تیسافرن به «کاری» رفت و آماده جنگ

۱- طرح این سکه از کتاب سکه های مهم یونان موزه بریتانیا بتوسط B. V. Head شماره ۴ گرفته شده است.

۲- Phrygie که پایتخت آن داسیلیون بود.

شد ولی چنانکه درباره تیسافرن قبلا گفته شد اوصلاح ندید که جنگ ادامه یابد و قرار داد متار که منعقد گردید. پس از مدتی آژیلاس^۱ پادشاه اسپارت عازم افزشد و بعد داخل فریگیه گردید و چند شهر را تصرف نمود ولی در آنموقع فرنا باذ فرمان حمله داد و صفوف یونانی را درهم شکست .

فرنا باذ وقتی شهر سیزیک^۲ را از یونانی ها پس گرفت بدین مناسبت (۴۱۱) قبل از میلاد) سکه زد .

از سکه های این دوره فقط تا بحال یک سکه دیده شده است .

این سکه در نوع خود بی نظیر است^۳ و دارای نقش بسیار ممتازی است و بطور قطع سر سکه آن را هنرمند چیره دستی تهیه کرده است .

روی سکه - نیم رخ فرنا باذ با کلاه پارسی و نوشته نام او بخط یونانی قرار دارد .

پشت سکه - طرح دماغه کشتی و در زیر آن ماهی نقر است . (ش ۴۹)



شکل ۴۹

فرنا باذ با مر اردشیر دوم با کتن^۴ دریا سالار آتنی برضد اسپارت وارد مبارزه

۱- Agésilas

۲- Cyzique شهر مهم میسی

۳- این سکه در مجموعه موزه بریتانیا موجود است. تصویر از کاتاکوک موزه بریتانیا

شماره ۱۵

Onon-۱

شد وی علاوه بر سمت فرمانروائی فریگیه فرماندهی قوای بحری را نیز داشت .
 فرناباز در مدت بسیار کمی بحریه اسپارت را مغلوب نمود، حتی دامنه جنگ را به
 لاسدمون کشاند و بعد از آنجا به کرت رفت و مورد استقبال اهالی که او را ناجی خود
 میدانستند قرار گرفت .

فرناباز برای تهیه قوای بحری و جنگ با اسپارت در شهرهای کیلیکیه در سال
 ۳۹۳ و ۳۹۴ قبل از میلاد سکه زد و این سکه‌ها با سکه‌های قبلی که در سیزیک زده
 شد اختلاف دارند .

استاتر پارسی (ش . ۵)²



۶۱۵۶۶
 فرنا باز = فرنا بازو

شکل . ۵

تربیان

تربیان نایب السلطنه ارمنستان بود که در سال ۳۹۳ قبل از میلاد
 بحکومت سارد و بعد بفرماندهی کل قوا منصوب گردید . بوسیله او صلح

۱- دریا سالار اسپارتی در این جنگ ۸۵ کشتی جنگی داشته است .

۲- از مجموعه سوزه ایران باستان

انتالسیداس^۱ در سال ۳۸۷ قبل از میلاد انجام گرفت و بعد از طرف شاهنشاه مأموریت پیدا کرد که با او گوراس^۲ پادشاه سالامین بچنگد، در این فرماندهی (۳۸۶ - ۳۸۴ قبل از میلاد) برای احتیاجات جنگی در شهرهای کیلیکیه مانند ایسوس^۳ (مالوس)^۴ و تارس^۵ سکه زد. روی اغلب سکه‌ها یکطرف سر هر کول^۶ یا بعل^۷ و یا اهوراسزدا و در طرف دیگر تصویر نیم رخ تریباز که کلاه پارسی بسر دارد منقور است.

سکه نقره - استترپارسی (ش ۵۱)

۱- Antalcidas سفیری بود که اسپارتیها نزد تریباز فرستادند تا پیشنهاد صلح را بتوسط او تقدیم شاهنشاه نمایند. سفیر اسپارت گفت که دولت او نظری به شهرهای آسیای صغیر نداشته و آنها را جزو قلمرو پارس می‌شناسد فقط آنچه تقاضای ماست آنست که جزائر و شهرهای یونانی (اروپائی) مستقل باشند. این تقاضا صددرصد بمنفع ایران بود زیرا در نتیجه آن تمام شهرها و جزایر یونانی آسیای صغیر تابع ایران میشدند بعلاوه ایجاد دول کوچک یونانی واستقلال آنها از قدرت یونان اصلی میکاست. مذاکرات این صلح در حدود دو سال طول کشید و سپس تریباز انتالسیداس را بدربار شوش حضور اردشیر دوم برد و فرمان صلح صادر گردید.

۲- Evagoras پادشاه سالامین بر ایران یاغی شد و خود را مستقل دانست لذا اردشیر دوم پس از معاهده انتالسیداس و فراغت از امور آسیای صغیر بکار قبرس (سالامین) متوجه گردید. در این جنگ تریباز فرمانده قوای بحری بود و چنانکه دیودور شرح داده دارای سیصد کشتی جنگی بوده است. او گوراس شکست خورد و تقاضای مذاکره کرد ولی تریباز گفت که او باید تمام شهرهای قبرس را تخلیه کند و فقط سالامین را نگاه دارد و مطیع شاهنشاه باشد. در ضمن این مذاکرات دشمنان او دست بکار شده و نزد شاهنشاه از او سعایت کردند لذا حکم توقیف اوصادگر گردید ولی پس از معاکمه بی گناهی او ثابت و تبرئه گردید.

Mallus - ۴

Issus - ۳

Hercule - ۶

Tarse - ۵

۷- Baal یا Béluse خدای بزرگ فنیقیها ۸- کتاب دمرگان صفحه ۶- ۴

روی سکه - سر هر کول



شکل ۵۱

پشت سکه - نیم رخ تریباز با کلاه پارسی که در پشت سر او کلمه یونانی

MAN (نام شهر مالوس) نوشته شده است.

داتام

داتام پسر کامیسار^۱ فرمانروای کیلیکیه بود. پس از کشته شدن پدرش در سال ۳۸۶ قبل از میلاد جانشین او گردید و رشادت و لیاقت خود را در دستگیری پادشاه پافلاگونی^۲ که با اردشیر دوم مخالفت میکرد به ثبوت رسانید و بدین جهت طرف توجه قرار گرفت و اردشیر دوم او را بواسطه لیاقتش مأمور کرد که در لشکر کشی فرنا باز بمصر شرکت کند (۳۷۴ قبل از میلاد) و باو همان اختیار را داد که بسردار دیگر داده بود. پس از چندی شاهنشاه فرنا باز را احضار کرد و فرماندهی قوا را به داتام تفویض کرد، بعد او را مأمور جنگ با آس پیس^۳ ساتراپ کاتائونی^۴ نمود که داتام او را اسیر نموده بدربار فرستاد. چون داتام بسیار مورد توجه اردشیر قرار گرفت درباریان براو حسد برده عهد بستند که او را بکشند ولی یکنفر داتام را مطلع نمود و چون او بر جان خود هراسناک گردید از خدمت دست کشیده بطرف کاپادوکیه رفت و پافلاگونی را نیز تسخیر نمود.

۱ - Camisarès

۲ - Thyus پادشاه پافلاگونی بود.

۳ - Cataonie

۴ - Aspis

اردشیر چون از یاغی شدن داتام مطلع گردید یکی از سرداران خود را بنام اتوفرادات مأسور جنگ با او نمود ولی در محاربات تفوق باداتام بود لذا اتوفرادات که نتیجه جنگ را بنفع خود نمیدید با او وارد مذاکره شد و صلح انجام پذیرفت . ولی اردشیر دوم نسبت به داتام بسیار خشمگین بود تا آنکه بواسطه خیانت یکی از نزدیکان خود کشته شد . در روی غالب سکه های اونقش بعل خدای فینیقی که عصای قدرت ویا تیروکمان ویا یک خوشه انگور بدست دارد دیده میشود . در جزو سکه های داتام آنچه جالب تر است سکه کوچکی است که نقش اردشیر دوم شاهنشاه ایران بر روی آن و بر پشت سکه تصویر داتام نقر است . (ش ۵۲)^۱

استتر پارسی (ش ۵۳)^۲



۱۶۸۱۰۹
ب آلت رز

شکل ۵۳



۶۴۶۶۸
ت ر کم د

شکل ۵۲

وزن - ۱۰/۷۰ گرم

روی سکه - خدای بعل نشسته و یک خوشه انگور بدست چپ گرفته است .

نوشته - بخط آرامی^۳

۱- نقش این سکه در کتاب سکه های مشرق دمرگان صفحه ۵ چاپ شده است

۲- از مجموعه موزه ایران باستان

۳- نوشته روی سکه بنام بالتارز (Baltarz) است و نوشته پشت سکه ترکمو (Tarcamu) خوانده میشود ولی چون تابحال چنین نامی در تاریخ این دوران برده نشده میتوان تصور کرد که این کلمه مربوط به شهر تارس (Tarse) باشد که بدین صورت در روی سکه نقر گردیده است و یا نام یکی از سلاطین ویا شاهزادگان محلی باشد که در تارس سلطنت داشتند .

پشت سکه - دوالهه مقابل یکدیگر ایستاده‌اند و در بین آنها آتشدان قرار دارد.

مازه

مازه یا مازایوس^۱ در حدود سی سال (۳۶۲ - ۳۲۸ قبل از میلاد) فرمانروائی کیلیکیه و ده سال حکومت سوریه را داشت و بعد بفرمانروائی بابل منصوب شد و در دوره حکومت او بود که اسکندر به بابل حمله نمود^۲ و این مرد از برای حفظ مقام، شرافت رازیر پا گذاشته با استقبال اسکندر شتافت و اظهار اطاعت نمود و اسکندر هم سردار بزرگ داریوش را که ناجوانمردانه تسلیم شده بود پذیرفت و مانند گذشته حکومت بابل را با او گذار کرد و مازه تا آخر عمر یعنی سال ۳۲۸ قبل از میلاد باین سمت منصوب بود.

سکه‌های او بسه نوع است: اول سکه‌هایی که در کیلیکیه ضرب زده شد (از ۳۶۱ تا ۳۳۳ قبل از میلاد) دوم ضرب سوریه و سوم آنهایی که بتقلید چهاردرهمی های آتن، ضرب بابل است.

استترپارسی (ش ۵۴) ^۲

وزن - ۱.۰/۵ گرم

Mazaios - ۱

۲- مازه در آخرین جنگ داریوش با اسکندر که به جنگ اربیل معروف است جزو سرداران داریوش که هر یک ریاست قسمتی از قوا را داشتند شرکت داشت و سرداری سوریه و بین النهرینی‌ها بعهد او بود و در حمله اول که قشون داریوش با استقبال اسکندر شتافت مازه در رأس سوار نظام ایران بمقدونی‌ها حمله برد و باروبنه آنها را غارت نمود ولی باو خبر رسید که داریوش شکست خورد و فرار کرد و این خبر باعث سستی کار او و در نتیجه شکست گردید و مازه در حال فرار ازدجله گذشت و ببابل رفت و کمی بعد اسکندر نیز بطرف بابل روانه شد و مازه که روحیه خود را در اثر شکست باخته بود با اولاد خود به استقبال اسکندر شتافت و راه خیانت به مملکت پیش گرفت و اسکندر او را پذیرفت.

۳- از مجموعه موزه ایران باستان:

روی سکه - خدای بعل که خوشه گندم و انگور بدست دارد بر روی چهارپایه نشسته و نام اوبیخت آرامی نقر است.



h l u y
ب ا ل ت

۴۱۴
م ز د

شکل ۴۰

پشت سکه - شیری در حال دریدن یک آهومی باشد و نام مازه بیخت آرامی در کنار سکه قرار دارد.



۱۴۸۱۰۴
ب ا ل ت ر ز

شکل ۴۰

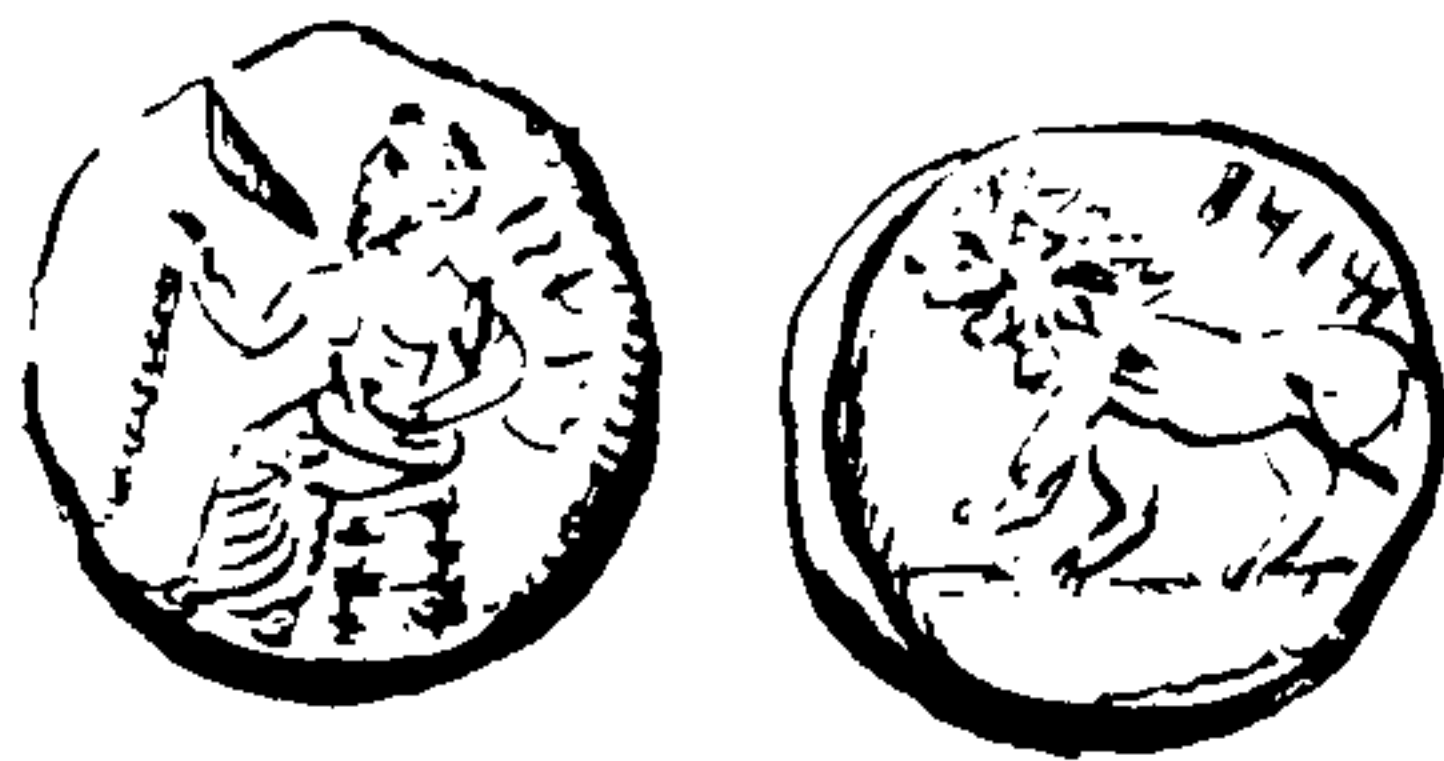
سکه هشت استاتری منحصر بفرد و ممتازی بوزن $۶/۱$ گرم از مازه بدست آمده است (ش ۴۰) که تا بحال فقط یک استاترشبیه بآن دیده شده است.^۲ نوع دوم که

۱- از مجموعه بسیار نفیس آقای عزیزبگلو . از ایشان بی نهایت متشکرم که اجازه دادند طرحی از سکه بردارم و آنرا منتشر کنم.

۲- «Catalogue» Les Perses Achéménides E. Babelon صفحه ۴۷

بسیار جالب و در صیدا ضرب شد هشت درهمی است^۱ که در یکطرف نقش گردونه ای که اردشیر سوم بر آن سوار است و در مقابل او عرابه ران تسمه های چند اسب قوی هیکل که عرابه را میکشند در دست دارد و در پشت گردونه نگهبان مخصوص شاهنشاه سایبان بدست در حرکت است. در کنار سکه بخط آرامی نام فرمانروا نوشته شده است و در طرف دیگر سکه نقش کشتی جنگی بر روی امواج آب منقور است.

نوع سوم که در بابل بتقلید سکه های آتن ضرب زده شده است و قطعاً متعلق بدوره اسکندر می باشد در یکطرف خدای بعل بر روی چهارپایه نشسته و در طرف دیگر شیر در حال راه رفتن و نام مازه بخط آرامی نقر گردیده است (ش ۵۶)^۲.



شکل ۵۶

سکه کوچکی از مازه بوزن $1/60$ گرم (ش ۵۷)^۳



شکل ۵۷

۱- این نوع سکه تنها مربوط به مازه نمی باشد که در صیدا بضرب آن اقدام نموده است بلکه در دوره داریوش سوم با گوآس در مصر و شاهان صیدا نیز نظیر آنرا در صیدا ضرب زده اند.

۲- طرح از کتاب Barclay Head سوزه بریتانیا

۳- این سکه کوچک از حفاری تیخت جمشید بدست آمده است و در بالای سکه علامت ضرابخانه منقوش است.

ارونت

ارونت یکی از شاهزادگان باختر و داماد اردشیر دوم و مدتی فرمانروای قسمتی از ارمنستان و میسی بود^۱، در موقعی که شاهنشاه سرگرم تجهیز قوا برای فرونشاندن شورش چند ایالت غربی بود اروننت نیز بآنها ملحق گردید و شورشیان او را بفرماندهی کل قوای خود منصوب کردند و طلای فراوانی باو دادند که اروننت بوسیله آن بضررب سکه پرداخت (۳۶۲ قبل از میلاد).

اروننت بهمدستهای خود نیز خیانت نمود و پس از دریافت پول بخیال آنکه پاداش بزرگتری نصیب وی شود و شاهنشاه فرمانروائی نواحی دیگری را باو تفویض کند تمام شورشیان را گرفته بدربار فرستاد.



شکل ۵۸

بر روی سکه های اروننت نقش نیم رخ او با کلاه پارسی و در طرف دیگر آن اسب افسانه ای بالدار که از کمر به پائین بشکل ماهی می باشد نقر است. (ش ۵۸)^۱

۱- اردشیر دوم وقتی خیالش از طرف یونان و آسیای صغیر راحت شد برای گوشمالی پادشاه سالامین او را گوراس دونفر از سرداران خود را مأمور جنگ با او نمود یکی تربیاذ چنانکه سابقاً گفته شد و دیگری اروننت که فرماندهی قوای زمینی باو بود، پس از زد و خورد های متعدد بالاخره قشون ایران فاتح گردید و او را گوراس حاضر بصلح شد ولی تربیاذ که فرمانده کل بود شرایط صلح را نپذیرفت و اروننت که بر او حسد می برد از موقع استفاده کرد و مخفیانه به اردشیر خبر داد که تربیاذ بادشمن دمساز شده و راه خیانت پیش گرفته است. اردشیر هم باین نامه ترتیب اترداد و فرمان توقیف او را صادر کرد و در نتیجه اروننتاس جانشین تربیاذ گردید و با پادشاه سالامین معاهده صلح برقرار کرد ولی وقتی که بیگناهی تربیاذ ثابت شد شاهنشاه دیگر تا مدتی باو توجه نداشت.

۲- استاتر طلای موزه (Hunter)

آبروکوماس^۱

آبروکوماس در حدود سال ۳۶۰ قبل از میلاد فرمانروای سینوپ بوده است و قبل از آن در سال ۳۹۰ قبل از میلاد اردشیر دوم او را بافرناباد و «تی تروست»^۲ مأمور جنگ با مصریها نمود.^۳

روی سکه، نیم رخ الهه سینوپ و طرف دیگر عقابی که ماهی را با چنگالهایش گرفته و در زیر ماهی بخط آرامی نام فرمانروا نقر است که بواسطه سائیدگی قابل خواندن نمی باشد (ش ۵۹)^۴



شکل ۵۹

آریارات

آریارات در حدود ۳۵۰ قبل از میلاد حکومت سینوپ را داشت و سکه های او نظیر سکه های آبروکوماس است، فقط در نام اختلاف دارند. در حمله اسکندر بایران آریارات از هرج و مرج اوضاع مملکت استفاده نمود و کیلیکیه را جزو قلمرو فرمانروائی خود نمود.

باگواس

باگواس یکی از محارم طرف اعتماد اردشیر سوم بود. در موقعی که اردشیر برای

۲ - Thitéraustès

۱ - Abrocomas

۳- در زمان داریوش دوم مصریها شورش کردند و از اطاعت ایران خارج شدند و بعد اردشیر دوم سه نفر از سردارانش را مأمور رفع غائله مصر نمود ولی بنا بر گفته مورخین یونانی فرماندهی این سه سردار موجب عدم موفقیت گردید.

۴- از مجموعه سوزه ایران باستان که از حفاری دکتر اشعیت در تخت جمشید بادوسکه دیگر بدست آمده است.

تسخیر مجدد مصر اقدام نمود^۱ (۳۳۴ قبل از میلاد) او را بفرماندهی قسمتی از سپاه برگزید. با گوآس در این موقع بضر ب سکه اقدام نمود و در حقیقت برای اولین بار بتوسط او سکه در مصر زده شده است زیرا تا آنزمان مصریها سکه نداشتند و فلزات را بنا بر وزن بکار میبردند و اگر سکه های یونانی یا شاهنشاهی و ممالک تابعه و ایالتی بدستشان میرسید مانند قطعۀ فلز بوسیله ترازو میکشیدند و سپس مورد معامله قرار میدادند.

سکه با گوآس مانند سکه های صیدا در یکطرف نقش کشتی جنگی و در طرف دیگر گردونه ای که اردشیر سوم بر آن سوار است و سه اسب آنرا میکشند، نقر است. در مجموعه سوزه ایران باستان سکه های کوچکی^۲ از با گوآس موجود است که در یکطرف آن نقش کشتی جنگی و طرف دیگر نقش اردشیر سوم هنگام حمله با خنجر بیک شیر که بر روی پاهای خود بلند شده است دیده میشود. (ش. ۶۰)



شکل ۶۰

مم نن

مم نن^۲ برادر من تور^۳ یونانی بود که پس از مرگ برادرش فرماندهی قشون

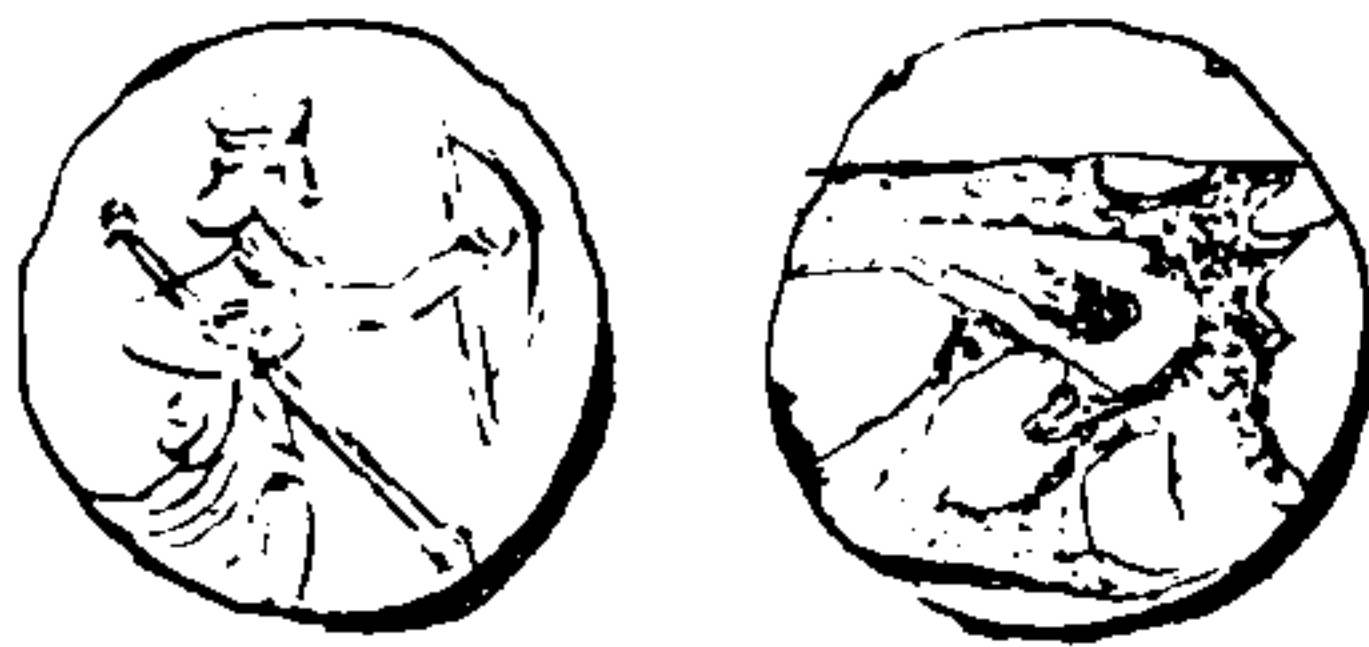
۱ - این شخص با وجودی که طرف اعتماد شاهنشاه بود مع هذا راه خیانت پیمود و ولینعمت خود را بوسیله زهر مسموم نمود. آنچه را که مورخین درباره او گفته اند آنست که چون با گوآس مصری بود و اردشیر پس از فتح مصر نهایت شدت عمل و سختگیری را نسبت بمصریان روا میداشت و درخواست او از اینکه بانها ارفاق شود بی نتیجه ماند، این عوامل محرك انتقام او گردید.

۲ - Obole

۳ - Memnon

۴ - Mentour از اهل رودس Rodès بوده است.

ایران در شهرهای ساحلی دریای اژه با او بود^۱ و در سال ۳۳۶ قبل از میلاد که قوای مقدونیها برای اولین بار پیشرفتهائی کردند، مهمن آنها را سجبور بعقب نشینی نمود و نقاط تصرفی را از آنها پس گرفت و بعد در جنگهای ایران با اسکندر شرکت کرد و در سال ۳۳۴ قبل از میلاد در شهر افس سکه زد. روی سکه نقش داریوش سوم (ش ۶۱)^۲ بصورت کماندار پارسی و پشت سکه فرورفتگی نامنظم نقر است.



شکل ۶۱

سپهرداد^۳

سپهرداد^۴ فرمانروای سارد و ایالات یونانی در سال ۳۳۴ قبل از میلاد در موقع جنگ با اسکندر از طرف داریوش سوم بفرماندهی قوا منصوب شد و به ضرب سکه اقدام نمود که تصویر و نام وی بر روی سکه منقوش است. تا بحال چندین سکه نقره و مس از او بدست آمده است که بعضی از سکه شناسان معتقدند که در شهر لامپساک^۵ بضرپ رسیده است در صورتی که این شهر جزو حکومت و فرمانروائی

۱- من تور از اهل رودس (یونان) بود وارد شیر سوم در جنگ مصر فرماندهی قسمت مهمی از سپاهیان یونانی را باو سپرد و این سردار لایق خدمات بسیار مهمی به اردشیر نمود و شاهنشاه پس از فتح مصر در سال ۳۴۴ قبل از میلاد پاداش فراوانی باو داد و بعلاوه او را والی و فرمانده کل قوای تمام ایالات ساحلی دریای اژه نمود.

۲- از مجموعه De Luynes کتاب بابلون Perses Achéménides صفحه ۵۶

۳- Spitridatés

۴- در این دوره دونفر از بزرگان دستگاه هخامنشی نام سپهرداد داشتند که یکی در سال ۳۹۶ قبل از میلاد علم طغیان پرضد فرناپاد فرمانروای فریگیه برافراشت و دومی ساتراپ

لیدی بود که بضرپ سکه اقدام نمود. - ۵ Lampsaque

سپهرداد نبوده است . ولی از آنجائیکه او بمناسبت مأموریت در جنگ بضراب سکه اقدام نموده است ، لذا ممکن است بنا بر مقتضیات و احتیاج در حین عبور سپاه و حمل و نقل وسائل جنگی در این شهر ضرابخانه‌ای دائر کرده باشد .



شکل ۶۲

روی سکه - تصویر سپهرداد با کلاه پارسی .

پشت سکه - نقش اسب بالدار و نام او بخط یونانی ' (ش ۶۲)

۱- طرح این سکه از کتاب ایران هخامنشی بابلون (E. Babelon) گرفته شده است

سکه های سلاطین و امرای تابع دولت هخامنشی

نوع دیگری از سکه که در شاهنشاهی هخامنشی رواج داشت سکه های سلاطین و امراء تابع مانند شاهان شهرهای فینیقیه و قبرس و اسراء کاری و پامنیلی و شهرهای یونانی آسیای صغیر بود که اغلب امارت یا سلطنت در خاندان آنها موروثی و زمانی هم که تحت اطاعت دولت هخامنشی در آمدند، استقلال داخلی داشته مانند گذشته با اداره امور خود مشغول و موظف بودند که مالیات پردازند و در وقت جنگ قشون مجهزی ترتیب دهند که تحت امر شاهنشاه آماده خدمت باشد.

بنابراین ضرب سکه مانند سایر امور جنبه داخلی داشته است و اینان در کمال آزادی و بهر ترتیب که مایل بودند ب ضرب سکه اقدام مینمودند. ثمره این آزادی پیدایش انواع سکه هائی است که از لحاظ هنری دارای ارزش فراوانی میباشد. بر روی بعضی از سکه ها مانند سکه شاهان صیدا و کیلیکیه نقش شاهنشاه منقور است و این نقش نماینده برتری این شاهان تابع است بر سایرین و در حکم مهر و عنوانی میباشد که شاه نیابت سلطنت آنها را مسجل مینماید. در موقع جنگ و احتیاجات اضافی ب پول فرمانده و یا سرداری که از طرف شاهنشاهی یکی از ممالک تابع مأموریت داشت، میتواند اقدام بکار انداختن ضربخانه جدید نماید و ضربخانه محلی وضع معمولی خود را ادامه داده بهیچوجه مقید نبود که بطرز جدیدی عمل نماید. در اینصورت شاهان محلی با آزادی کامل سکه زده اند بدون آنکه تابع شرایط خاصی باشند.

سکه های فنیقیہ

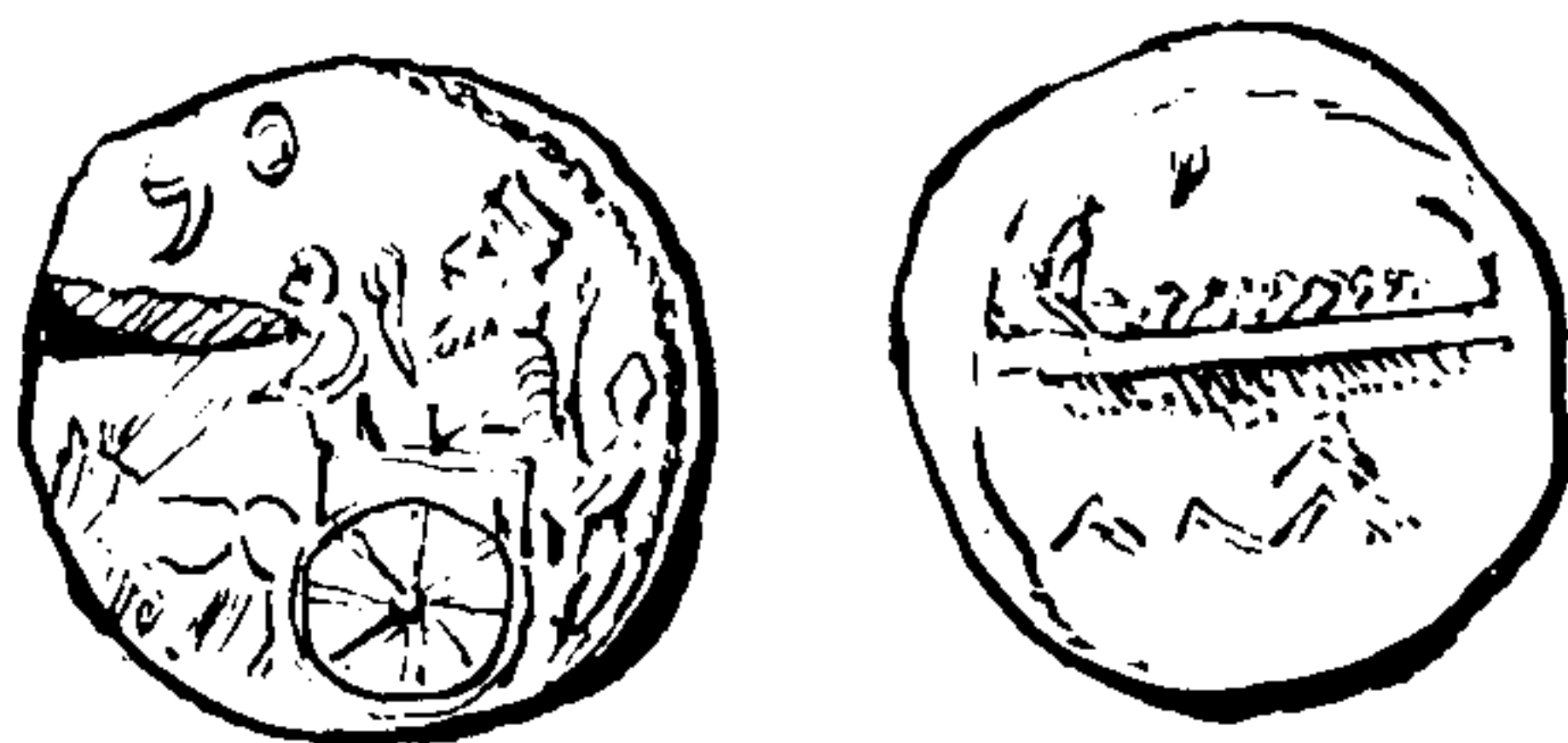
صیدا

در دورہ ہخامنشی صیدا بواسطہ موقعیت خاصی کہ از لحاظ بحریہ داشت، بسیار مورد توجہ شاہنشاہان ، بود چنانکہ در دورہ خشایارشا پادشاہ صیدا اولین مقام را احراز کردہ بود و بسیار طرف اعتماد و احترام بود . کشتی های صیدا مجهزترین و با قدرت ترین کشتی های آن زمان بودہ و قسمت مهمی از بحریہ ایران را تشکیل میدادند با این مناسبت اغلب شاہان صیدا ریاست بحریہ ایران را داشتند کہ فرمانروایان فقط بر آنان نظارت میکردند .

بر روی سکہ های صیدا بیشتر نقش کشتی جنگی ، کہ مظهر تفوق دریائی است نقر است و مطالعہ انواع سکہ های صیدا تا قبل از حملہ اسکندر و انتساب ہر ردیف یکی از شاہان محلی مبحث بسیار جالبی میباشد ، زیرا روی اغلب سکہ ها علامت شہرو یا نام شاہ بخط آرامی نقر میباشد و تا بحال چند سکہ کہ سال ضرب بر روی آن قرار دارد بدست آمدہ است .

۱ - صیدا یکی از شہرہای مهم فنیقیہ بود کہ در دریانوردی شہرت فراوانی داشت و تقریباً واسطہ تجارت شرق و غرب بود . در قرن ۸ ق. م . تحت تسلط آشوریہا درآمد و در قرن ۶ قبل از میلاد تابع بابل شد . وقتی کہ کوروش بابل راہ سخر کرد فنیقیہ نیز جزو ممالک ایران گردید و ایران با در دست داشتن این منطقہ صاحب بحریہ بسیار قوی شد و صیدا کہ در زمان بخت النصر پادشاہ بابل آسیب زیادی دیدہ بود آباد و دارای پادشاہی از خود شد . اہالی صیدا در سال ۳۵۳ قبل از میلاد شورش کردہ با مصریہا برخد اردشیر سوم حملہات شدند و چون احساس کردند کہ نمیتوانند در مقابل ارتش ایران مقاومت کنند در سال ۳۵۱ ق. م. پادشاہ صیدا تسلیم شد و اردشیر او را بقصاص جنایتش کشت .

سکه های صیدا باوزان مختلف : دو استاتر ، استاتر ، نیم استاتر و سکه های کوچک (ابول) میباشد و جنس فلز از نقره است .
 دو استاتر . سکه ای بسیار زیباست که یک طرف آن نقش کشتی جنگی و در طرف دیگر اردشیر سوم شاهنشاه هخامنشی سوار بر گردونه ای میباشد که یکی از بزرگان یا شاهزادگان افسار اسب را بدست گرفته است و در پشت گردونه شخصی حرکت میکند که عصای سلطنت بدست دارد و در بالای سکه دو حرف که علامت نام استراتون دوم^۱ است قرار دارد (ش ۶۳) .



شکل ۶۳

دو استاتر - بوزن $۲۵/۴$ گرم است .
 استاتر - در یک طرف نقش کشتی جنگی با چهار بادبان و طرف دیگر، اردشیر دوم در حال کشیدن کمان ایستاده است و در طرفین او در فرورفتگی سکه نقش نیم تنه بزکوهی (ش ۶۴)^۲ و تصویر تمام رخ خدای محلی بصورت غیر واضحی نقر است .
 استاتر بوزن $۷/۳$ گرم است .



شکل ۶۴

۱ - استراتون (Straton) نام یونانی عبدسترت (Abdastart) می باشد .

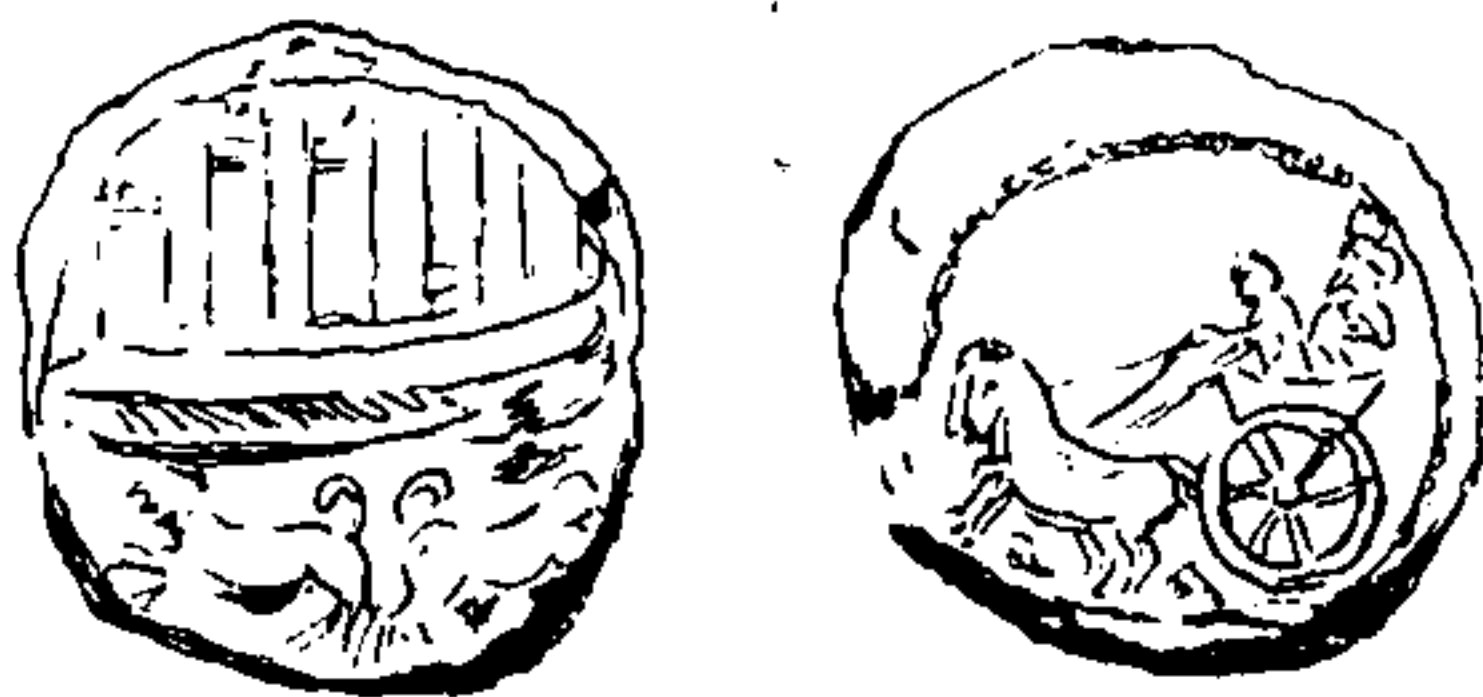
۲ - از مجموعه سوزه ایران باستان .

سکه شاهان صیدابانضمام سکه های یکی از شاهان ناشناس که مربوط بسان ۳۷۴ قبل از میلاد میباشد به ترتیب عبارتند از:

استراتون اول (عبد سترت)

استراتون اول مدت ۱۲ سال از سال ۳۷۴ تا ۳۶۲ قبل از میلاد سلطنت کرده است و سکه های دو استاتری او بدون نوعند:

نوع اول با نقش گردونه و کشتی جنگی چنانکه شرحش گذشت و استاتر نوع دوم با نقش کشتی جنگی با یک ردیف پارو زن که در کنار قلعه ای که دارای پنج برج میباشد واقع است و در زیر کشتی دوشیر که پشت بهم دارند در حرکتند. (ش ۶۵) ۱



شکل ۶۵

استاتر استراتون اول:

روی سکه - نقش کشتی جنگی بدون بادبان در مقابل قلعه ای که دارای چهار برج است و در پائین کشتی دو شیر در جهت مخالف در حرکتند. طرف



شکل ۶۶

۱ - طرح این سکه از کتاب ارنست بابلون (مجموعه کتابخانه ملی پاریس مربوط بایران هخامنشی) صفحه ۶۲۹ گرفته شده است و اصل سکه از مجموعه دولوین De Luynes میباشد.

دیگر سکه اردشیر دوم که خنجر بدست راست دارد ایستاده و بادست چپ یال شیری را که روی دوپا بلند شده است گرفته است، و در وسط دو حرف که معرف نام عبدسترت می باشد (ش ۶۶) ^۱ نقر است. سکه های کوچکی نیز مربوط باین شاه پیدا شده است که نقش کشتی جنگی با قلعه سه برجی در روی آن نقر است و در پشت سکه اردشیر دوم کمان بدست ایستاده و در دو فرورفتگی نقوش غیر واضحی از سربز کوهی و خدای فینیقی بنام بزا (Bèsa) نقر می باشد. سکه های در مجموعه موزه ایران باستان موجود است که در یک طرف کشتی بر روی امواج آب و طرف دیگر شاهنشاه در حال کشتن شیری میباشد که بر روی دوپا ایستاده است. (ش ۶۷)



شکل ۶۷

وزن سکه کوچک (ابول) ^۲ ۰/۸۵ گرم

بدسترت ^۳

دوره سلطنت این پادشاه شش سال و از سال ۳۸ تا ۳۷ قبل از میلاد میباشد. نوع سکه های او بطرز معمولی سکه های صیداست و سهولت تشخیص آن بواسطه حرف اول نام اوست که بر روی سکه نقر است.

استراتون دوم

استراتون دوم از سال ۳۷۳ تا ۳۶۲ قبل از میلاد سلطنت کرده است و سکه های او نظر سکه های شاهان قبلی میباشد.

۱ - از مجموعه موزه بریتانیا (طرح از کتاب ارنست بابلون Babelon فصل صیدا گرفته

شده است.)

۲ - Tritémorion یعنی $\frac{1}{16}$ استاتر

۳ - Badastart

تن^۱

راجع بدوره سلطنت تن اقوال مختلف گفته شده است و سکه شناسان نیز هریک بنا بر سلیقه و تشخیص خود نظر یکی از مورخین قدیم را گرفته و نقل کرده اند . در کتاب ایران هخامنشی ارنست بابلون (E. Babelon) دوره سلطنت تن را دوازده سال و از سال ۳۶۲ تا ۳۵۰ قبل از میلاد بلافاصله پس از سلطنت استراتون اول گفته است . در صورتیکه دومرگان (J. De Morgan) تاریخ سلطنت او را از سال ۳۵۵ تا ۳۵۱ دانسته و او را سومین شاهی میداند که پس از استراتون اول بسطنت صیدا رسیده است . سکه های تن ردیف مرتبی دارد که از دو استاتری بوزن ۲۰ گرم شروع میشود و به $\frac{1}{16}$ استاتر یعنی (ابول) . / ۵ . گرم ختم میگردد .

سکه تن مانند سایر سکه های صیدا نقش گردونه ای که شاهنشاه هخامنشی بر آن سوار است و کشتی جنگی نقر است و یا شاهنشاه در حال کشتن شیر میباشد . در روی سکه دو حرف بخط فینیقی که علامت نام تن است (ت . ن) دیده میشود و بر روی اغلب سکه های این پادشاه سال سلطنت او نیز نقر است .

اواگوراس دوم^۲

سکه های صیدای اواگوراس دوم (۳۴۹-۳۴۶ قبل از میلاد) مانند سکه های

۱ - Tennes بنا بر روایت دیودور (Diodore) پس از آنکه مدتی (تن) در نهایت صداقت فرمانبردار و وفادار نسبت بشاهنشاه هخامنشی بود تغییر رویه داد و با کمک مصریها شورش و بلوایی راه انداخت، که مدتی باعث ناراحتی دستگاه هخامنشی شد و مقاومت اهالی شهر در برابر قوای ساتراپ ماسور قلع و قمع آنها طولانی گردید . بطوری که خود شاهنشاه با سپاه مجهزی برای دفع غائله بدان صوب حرکت نمود . در این هنگام (تن) متوجه خط و اشتباه خود گردید و قبل از آنکه عملیات جنگی شروع شود، اطاعت خود را اعلام نمود . ارد شیر سوم بنا بر مصالحت ظاهراً قبول نمود ولی پس از تسلیم شهر قوای ایران وارد صیدا گردیده شهر را غارت کرده آتش زدند و با برآوردن شیر سوم (تن) را که مسئول تمام این بدبختیها بود بسزای خیانت کشتند .

۲ - Evagoras دوم در سال ۳۶۸ ق . م . بجانشینی پدر پادشاه سالامین گردید که در قسمت مربوط قبرس شرح آن گفته خواهد شد ولی بحث سکه اواگوراس در این قسمت مربوط بموقعی است که از طرف شاهنشاه ایران پادشاهی صیدا منصوب گردید .

معمولی صیدا میباشد یعنی در طرفی کشتی جنگی بدون بادبان بایگردیف پاروزن بر روی اسواج در حرکت است و در طرف دیگر اردشیر سوم در گردونه ای که سه اسب آنرا میکشند ایستاده و عرابه ران و شخصی که در پشت عرابه حرکت میکند بهمان ترتیبی است که بر روی سایر دواستاتریها منقوش است.

در کنار سکه های اوا گوراس علامت نام او (۱ - آ) نقر است. از اوا گوراس سکه های دو استاتری بوزن ۲۶ گرم و سکه های کوچک بوزن $۵/۷۲$ گرم بدست آمده است.

استراتون سوم

استراتون سوم از سال ۳۴۵ تا ۳۳۲ قبل از میلاد که سال ورود اسکندر به صیدا میباشد سلطنت کرده است. قسمتی از سکه های او مربوط بدوره اردشیر سوم و بقیه مربوط به داریوش سوم میباشد.

نوع سکه های استراتون سوم مانند سکه های معمولی صیداست بانقش گردونه و کشتی جنگی و در کنار سکه علامت نام اوو گاهی سال سلطنت نقر است.

پس از فتح اسکندر شاهان صیدا حق ضرب سکه بنام خود نداشتند و سکه چه طلا و چه نقره بایستی بترتیب معمولی سکه های اسکندر باشد فقط علامت شهر ویانام کامل شهر بخط فینیقی ویا یونانی بر روی آن منقوش است.

از دوره سلوکی سکه های نقره یامس مربوط باین ناحیه بدست آمده که اغلب نقش آستار (Astarté) الهه صیدا و سایر شهرهای فینیقیه بر روی آن مشاهده میشود.

صور

در زمانی که صور مانند سایر نواحی فینیقیه تحت تسلط ایران هخامنشی بود سلاطین متعددی داشت که متأسفانه تاریخ مرتب و صحیحی درباره آنها در دست نیست .

در جنگ ایران و یونان ، هردوت ضمن شرح قوای بحری و بتری ایران و توصیف سازمان هردسته از مابین^۱ شاه صور پسر سیروس^۲ نام میبرد، که در سال ۴۸۰ قبل از میلاد در قشون خشایارشا رئیس قوای بحری صور بوده است .

در حدود سال ۳۸۹ قبل از میلاد اواگوراس اول پادشاه سالامین که مدتی پیش سراز اطاعت دولت ایران باز زده و خود را مستقل میدانست، صور و چند شهر ساحلی فینیقیه را بتصرف در آورد، ولی مدت فرمانروائی وی در این ناحیه طولانی نشد و دوباره صور در تحت حمایت ایران درآمد .

پس از مرگ نکتانب اول^۳ پادشاه مصر در سال ۳۶۴ و سلطنت تاخس قسمتی از فینیقیه و سوریه تحت اشغال قوای مصری درآمد، و قطعاً صور نیز جزو قسمت اشتغالی گردید ولی نکتانب دوم جانشین تاخس وقتی بسلطنت رسید قوای مصری را موظف کرد که شهرهای متصرفی را ترك کرده بمصر برگردند، ولی چندی بعد در سال ۳۵۱ قبل از میلاد در شورش صیدا و قبرس پادشاه مصر کمک به شورشها نموده و اردشیر سوم که مسئله اغتشاش را ابتدا امری کوچک میشمرد و فقط بفرستادن سردارانی اکتفا نموده بود وقتی دخالت مصریها را دید خود با سپاهی مجهز حرکت نموده و مقاومت شورشیان را درهم شکست و کلیه این نواحی از جمله صور مجدداً بتصرف

ایران درآمد. در نتیجه وضع خاصی که صور در این دوران داشته است سکه‌هایش بسیار جالب توجه و نفوذ هنر و مذهب ممالک دیگر بر نقوش سکه منعکس است. مثلاً بر روی استاترصور، اغلب نقش جغد که مظهر شهر آن است و بر روی بال او چنگک خرمن کوبی و عصای اوزیریس^۱ خدای مصری قرار دارد.

نوع دیگر از سکه‌های صور بانقش ملکار^۲ سوار بر اسب‌های بالدار بر روی امواج آب میباشد، در پشت سکه نقش جغد و علامات مصری نقر است. در دوره اسکندر، پادشاه صور آزملکوس^۳ بود ولی نمیتوان بطور تحقیق ردیف بخصوص سکه‌های صور را در این دوره منتسب باودانست.

پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ قبل از میلاد، صورت تحت تسلط چند تن از سرداران او درآمد و در سال ۳۲۱ پردیکاس^۴ قلعه معروف مستحکم صور را محتل خزانه کل قوای خود قرارداد. در زد و خورد های بطلمیوس و آنتی گون این شهر چند نوبت مورد تجاوز قرار گرفت تا اینکه در سال ۲۸۷ قبل از میلاد صور و سایر نواحی فینیقیه بتصرف سلوکوس درآمد.

قدیم‌ترین سکه شاهان صور، سکه‌هایی است بانقش ماهی و جغد که قطعاً مربوط بدوره هخامنشی می‌باشد که نفوذ یونان و مصر در این منطقه بواسطه کشمکشها و بروز حوادث و انقلابات و جنگها مشهود است و بنابر مطالعه دقیق از روی سبک نقش و خط و یا تاریخ سال شاهی که سلطنت نموده است میتوان تعداد شاهان را در این دوره چهار نفر دانست.

سپس دوره فترت که دوره حمله اسکندر و ویرانی این منطقه میباشد شروع میشود. از دوره فرمانروائی سرداران اسکندر سکه‌هایی بدست آمده است که سال

۱ - Osiris

۲ - Melkart یکی از بزرگترین خدایان فینیقیه بوده است که معادل بعل بابلها میشود،

چنانچه استارته الهه زن در حقیقت همان ایشتار بابلی میباشد.

۳ - Perdicas

۴ - Azmilcos

یک تا چهار که با سالهای ۳۱۲ تا ۳۰۸ قبل از میلاد تطبیق میکنند، بر روی سکه قرار دارد و بعد مدت قریب ۱۹ سال بواسطه کشمکشهایی که بین جانشینان اسکندر در گرفت، ضرب سکه در صور نیز متوقف گردید تا در زمان سلوکوس چنانچه اشاره شد نوع جدیدی سکه ضرب گردید و ترتیب وضع قدیم بکلی از میان رفت.

استاتر فینیقی بوزن ۱۳ گرم (ش ۶۸)^۱



شکل ۶۸

روی سکه - نقش ماهی بر روی امواج منظم که زیر آن یک صدف قرار دارد و در بالای سکه خط فینیقی که معمو گردیده و قابل خواندن نیست.

پشت سکه - نقش جغد که بر پشت او عصای سلطنت و چنگک خرمن کوبی نقر است.

سه ابولی فینیقی بوزن ۳/۴۵ گرم (ش ۶۹)^۲



شکل ۶۹

نقش این سکه کوچک مانند استاتر میباشد.

دودرهمی بوزن ۸/۸۶ گرم (ش ۷۰)^۳

روی سکه - ملکار سوار بر اسب دریائی بالدار که بر روی امواج در حرکت است وزیر امواج یک ماهی نقش است.

۱- از مجموعه موزه ایران باستان

۲- از مجموعه موزه ایران باستان

۳- از کتاب ارزست بابلن صفحه ۲۰۴ شکل ۱۶



شکل ۷.

پشت سکه - بهمان طرز استاتر قبلی است ولی در زمینه سکه، سال یک، نقر است .
 سکه های صور از استاتر فینیقی بوزن ۱۳ گرم و بتقسیمات کوچکتر مانند نیم استاتری
 و سه ابولی و $\frac{1}{16}$ استاتر تشکیل میشود .

آراد

جزیره آراد هم مانند سایر نواحی فینیقیه تحت تسلط شاهنشاهی هخامنشی درآمد و بواسطه آنکه یکی از مراکز مهم تجارت بود ضرابخانه محلی آن بطور دائم مشغول بکار وسکه های فراوان در جریان بود.

در تقسیمات و تشکیلات مقامات مهم لشکری، پادشاه صیدانیا بت فرماندهی بحریه فینیقیه را از طرف شاهنشاه ایران بعهدہ داشت و شاه صور و آراد که از حیث مقام یکی بودند سمت معاونت او را داشتند، مثلاً در جنگ خشایارشا با یونان، شاه آراد بنام مربال^۲ فرماندهی یک دسته کشتی جنگی را داشت.

در حمله اسکندر بایران ژروسترات^۳ پادشاه آراد که ریاست قسمتی از قوای بحریه فینیقیه را بعهدہ داشت، پسرش استراتون را بجانشینی تعیین کرد. زمانی که اسکندر حملۀ به فینیقیه را شروع نمود، استراتون که در حقیقت نماینده داریوش سوم شاهنشاه ایران در آراد بود، از روی ترس راه خیانت پیش گرفت و بمقابل اسکندر شتافت و سلطنت آراد را باو تقدیم داشت و چندی بعد پدرش نیز بحریه ایران را ترک کرد و برای تصرف سایر قسمت های فینیقیه بقوای دشمن ملحق شد و پدر و پسر توانستند بدین وسیله شرم آور و خیانت آمیز سلطنت خود را حفظ کنند. اولین سکه های آراد مانند سکه های صور و صیدا از سال . . ۴ قبل از میلاد شروع میشود. بر روی سکه، نام شاهان برده نشده است ولی علامت نام شهر بر روی اغلب آنها قرار دارد.

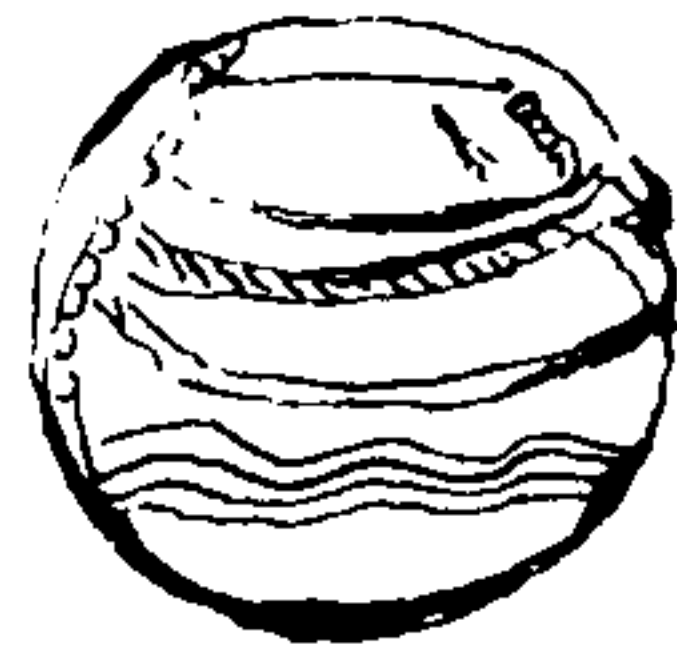
از سال . . ۴ تا ۳۵ قبل از میلاد سکه های آراد بترتیب اوزان سکه های پارسی است. و از دو استاتری شروع میشود و بتقسیمات کوچکتر مانند استاتر و ابول ونیم

Merbal - ۲

Aradus - ۱

Gérostratos - ۳

ابول و $\frac{1}{3}$ و $\frac{1}{8}$ و $\frac{1}{16}$ ابول میرسد و این سکه های کوچک بوزن ۰.۰ / گرم است .
 که کوچکترین سکه دنیای قدیم محسوب میشود .
 دو استاتر بوزن $16/75$ گرم^۱ (ش ۷۱)



شکل ۷۱



شکل ۷۲

روی سکه - تصویر ملکار

یشت سکه - کشتی جنگی فینیقی که بر روی امواج در حرکت است .

نیم استاتر - بوزن $3/2$ گرم^۲ (ش ۷۲)

روی سکه - نقش داگون^۳ یکی از خدایان فینیقیه که بصورت نیمه انسان و نیمه

ماهی است و بر پشت سکه اسب دریائی منقور است .

سکه های دیگری بانقوش متفاوت از جمله قسمتی از جلوی بدنه کشتی یا ماهی

و با طرح دو ماهی موجود است .

پس از حمله اسکندر در سال ۳۳۲ قبل از میلاد ضرابخانه آراد، استاترهای

طلا و دو درهمی و درهم های نقره به ترتیب آتیک و نوع مخصوص سکه های اسکندر

۱- از کتاب ایران هخامنشی (ارنست بابلین E. Babelon) صفحه ۱۲۸

۲- از کتاب سکه های مشرق (دبرکان J. De Morgan) صفحه ۵۵

۳- Dagon

که در تمام امپراطوری معمول بود ضرب نمود. در بین این ردیف سکه، چند عدد بدست آمده است که بطرز قبل از استیلای اسکندر میباشد. بر روی بعضی از سکه‌ها خط فینیقی و بقیه علاوه بر خط فینیقی علامتی بخط یونانی بر روی آنها نقر شده است.

۵

۱ - در دوره سلوکیها آراد نیز مانند سایر قسمت‌های فینیقیه و سوریه دستخوش حوادث و تغییرات مختلف قرار گرفت، فقط در دوره سلوکوس اول سدنی آرایش در آن ناحیه برقرار بود، از این شهر سکه‌هایی مربوط بسال ۱۷۴ - ۱۱۵ قبل از میلاد موجود است که در یک طرف نقش زنبور و طرف دیگر گوزن و درخت خرما نقر است.

جبل (بیبلس)

از شاهان جبل در دوره هخامنشی صورت منظمی در دست نیست و در کتیبه یهو ملک^۲ از دونفر از شاهان: یکی یهو ملک و دیگری پدر بزرگش بنام آدوم ملک^۳ اسم برده شده است و یهار بال^۴ که پسر آدوم ملک و پدر یهو ملک می باشد لقب شاهی ندارد.

از این دوشاه جبل تابعال سکه‌ای با است نیامده است و بطور تحقیق نمیتوان گفت که در چه سالی سلطنت کرده‌اند ولی از نقش یهو ملک بر روی کتیبه که لباس پارسی بهر دارد و کلاه و تاجش شبیه شاهان صیدا می باشد میتوان بطور قطع گفت که او یکی از شاهان تابع شاهنشاهی هخامنشی بوده است.



شکل ۷۳

قدیمترین سکه‌های جبل، که از شاه نامشخصی است، مربوط به سالهای در حدود ۴۱۰-۳۷۵ قبل از میلاد می باشد و نقوش سکه بدین ترتیب است: سفینه فینیقی که در زیر آن اسب دریائی قرار دارد و طرف دیگر سکه نقش لاشخوری که در حال دریدن یک قوچ است. (ش ۷۳)

۱- (Biblos) یکی از شهرهای مهم فینیقیه که جنبه مذهبی داشته و مردمش آنرا

قدیمترین شهر عالم دانسته‌اند و معبد الهه بزرگ مورد پرستش فینیقی ها (استار) در این شهر بوده است.

۲- Adommelek

۳- Jehawmelek

۴- Ieharbaal

سکه های بعدی مربوط به چهار نفر از شاهان جبل میباشد که نام آنها بر روی سکه نقر است .

آپال^۱

سکه های آپال (. ۳۶ قبل از میلاد) مانند تمام سکه های جبل بر روی سکه نقش سفینه فینیقی و اسب دریائی منقوش است، فقط نقش پشت سکه اختلاف دارد بدین ترتیب که شیری در حال دریدن یک گاو میش میباشد و نوشته بخط فینیقی است .
(آپال - ملک جبل)

آدراملک^۲

نقش سکه های آدراملک (. ۳۴ قبل از میلاد) مانند سکه های آپال است و نام او بخط فینیقی در کنار سکه قرار دارد (آدراملک - ملک جبل)

آزبال^۳

سکه های آزبال (. ۳۴ قبل از میلاد) مانند سایر شاهان جبل است و نام او در کنار سکه نقر است (آزبال - ملک جبل) .

آینل^۴

این شاه جبل که در سال ۳۳۳ قبل از میلاد در این سرزمین سلطنت داشته است آخرین شاه جبل محسوب میشود زیرا در همین تاریخ حمله اسکندر بایران و نواحی متصرفی شروع میگردد . اگر سکه ای پس از تصرف فینیقیه در جبل ضرب شد بطور تحقیق بطرز معمول سکه های فاتح مقدونی بوده است .
سکه های آینل از استاتر شروع و بتقسیمات کوچک منقسم میشود و نقوش سکه بهمان ترتیب شاهان جبل است فقط نام شاه بخط فینیقی در کنار سکه نقر است (آینل - ملک جبل) .

Adramelek - ۲

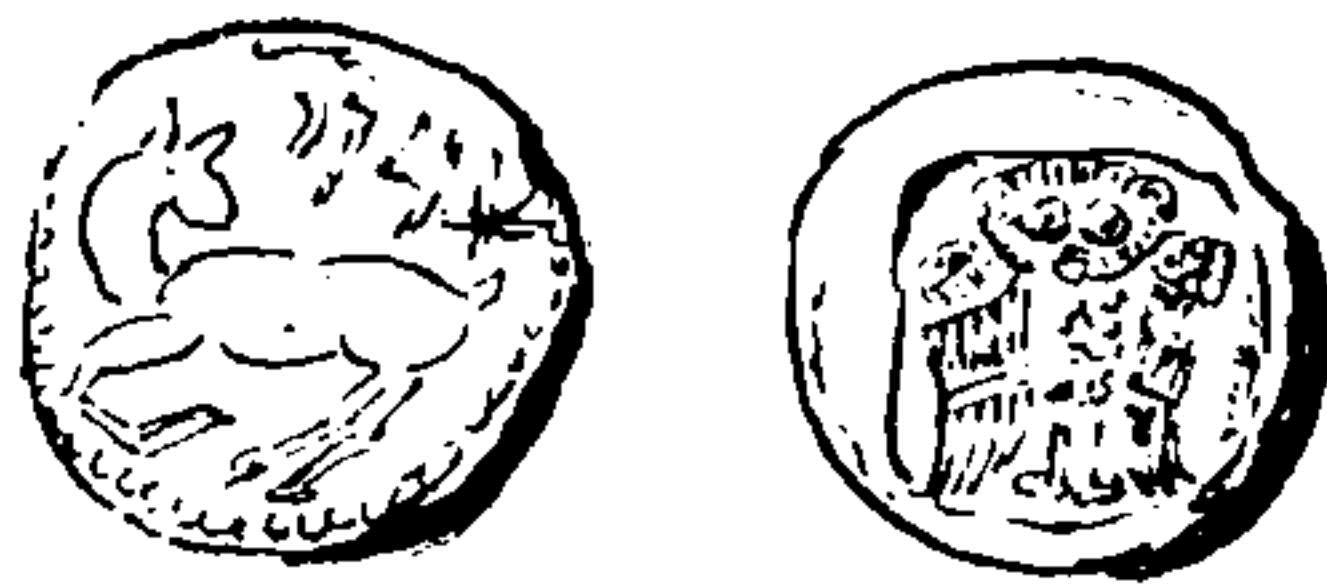
Alpaal - ۱

Aïnel - ۴

Azbaal - ۳

غزه^۱

در قرن پنجم و چهارم قبل از میلاد ارتباط یونانیها، بخصوص آتنیها، چه در زمان صلح و چه در دوران جنگ و بودن مزدورهای یونانی در قشون ایران و رابطه دائمی و انقطاع ناپذیر تجارتنی باشهرهای فینیقیه و فلسطین و مصر، موجب جریان و انتشار سکه های آتن در این منطقه گردید و اغلب شهرها در نتیجه شناسائی این نوع سکه ها تحت تأثیر قرار گرفته، در ضرب سکه های محلی سعی نمودند شباهتی بین آنها باشد. چنانکه در سکه های صور این اثر که نقش جغد آتنی بر پشت سکه است کاملاً واضح میباشد و بدین مناسبت در غزه سکه هائی نظیر سکه های آتن یعنی با تصویر آتنا و جغد جریان داشته است که فقط اختلاف آنها با سکه های اصلی آتن نام شاه غزه و یا علامت نام شاه بر روی آن میباشد.^۲



شکل ۷۴

نوع دیگر سکه های غزه با نقش بز کوهی و جغد میباشد (ش ۷۴)^۳

۱- غزه از شهرهای مهم و قدیمی فلسطین و یکی از مراکز مهم تجارت بوده است. غزه دارای قلعه مستحکمی در کنار دریا بود که اسکندر برای تسخیر آن کوشش بسیار نمود و در حدود دوماه پادگان قلعه بارشادت و از خود گذشتگی و در نهایت وفاداری نسبت بشاهنشاه ایران مقاوت و پایداری کرد ولی بالاخره قوای مقدونی با حملات شدید موفق به تسخیر قلعه و این ناحیه گردید. در جنگ غزه در حدود ده هزار نفر از سپاهیان ایرانی و محلی کشته شدند.

۲- یک چهاردرهمی در مجموعه بلوسر (Imhoof - Blumer) موجود است که دو علامت بخت فینیقی (یکی علامت شاه و دیگری غزه) بر روی آن نقر است.

۳- از کتاب سکه های مشرق دمرگان (J. de Morgan) صفحه ۶.

سکه‌هایی بانقوش دیگر از جمله نیم تنه اسب و دوسر شیر و تصویر مردی که دارای ریش و یا بدون ریش و شیرخوا بیده و یا شیری که در حال دریدن خوک وحشی میباشد، مربوط باین ناحیه است.

سکه‌ای در مجموعه سوزه ایران باستان موجود است که ممکن است متعلق باین شهر باشد. (ش ۷۵)



شکل ۷۵

روی سکه - اسب در حال دویدن

پشت سکه - فرورفتگی بشکل صلیب

وزن سکه - ۱/۲ گرم

هیراپولیس (به‌همیشه)^۱

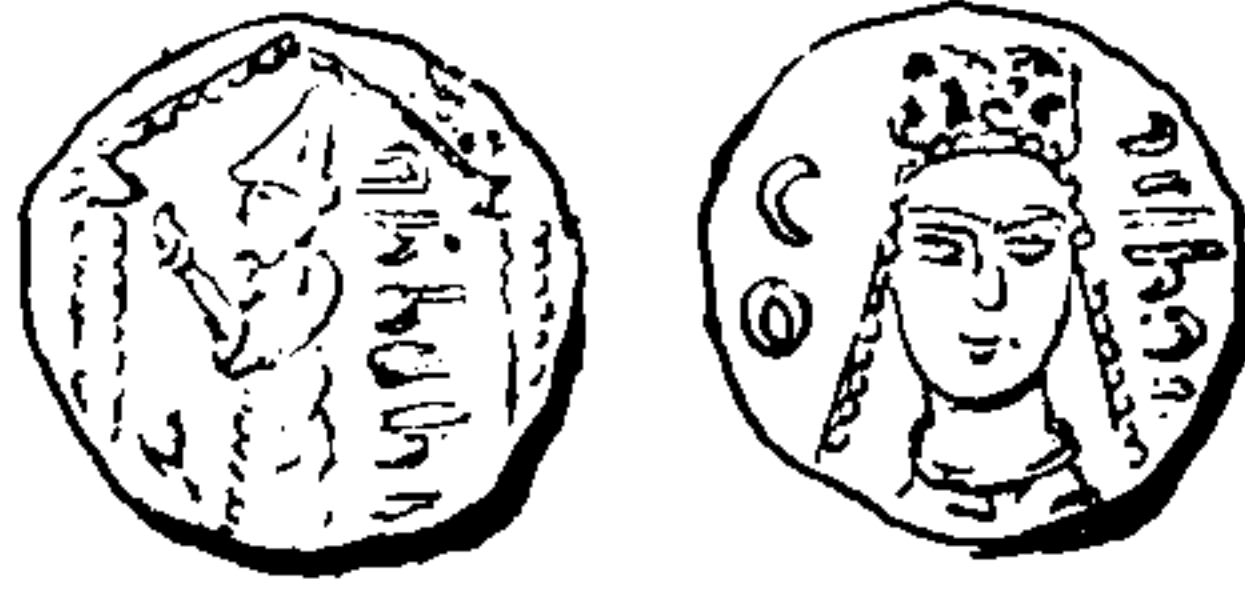
سکه‌های این شهر که در حدود سال ۳۳۲ قبل از میلاد ضرب شده است در یک طرف نقش نیم تنه الهه مورد پرستش اهالی سوریه آترگاتیس^۲ و طرف دیگر عبد حداد، شاه‌به‌همیشه که سمت ریاست روحانی را داشته در مقابل میز قربانی ایستاده است. طرحی که در پشت شاه بر روی سکه قرار دارد وضع معبد را نشان میدهد و در کنار سکه نام عبد حداد و یا نام الهه بخط فینیقی نقر است. (ش ۷۶)

دو درهمی‌هایی از عبد حداد بدست آمده است که یکطرف سکه تصویر نیم تنه آترگاتیس الهه شهر با کلاه و گیسوی بافته شده که بر پشت او افتاده است و گردنبندی

۱ - یکی از شهرهای قدیم سوریه که یونانها آنرا Hierapolis میخواندند .

۲ - Atergatis

بگردن دارد و علامتی که سال سلطنت شاه را می‌رساند نقر است و طرف دیگر شاهنشاه ایران داریوش سوم در گردونه‌ای که دواسب آنرا میکشد سوار است و در کنارش عرابه‌ران مهاراسب را بدست گرفته است. نام عبد حداد بخت فینیقی و علامتی نیز بر گوشه سکه قرار دارد.



۴۹۷۶۷۷ ۴۸۷۶۷۷
ع ب د ح د د ا ت ا ت ح

شکل ۷۶

شاهان کیلیکیه^۱

شهرهای کیلیکیه که دارای سکه‌های والیان (ساتراپ) هخامنشی هستند

عبارتند از:

ایسوس از سال ۴۵۰ تا ۳۸۰ قبل از میلاد.

« « ۳۳۳ تا ۳۸۰ « مالوس

« « ۴۵۰ تا ۳۳۳ « سولی

« « ۴۵۰ تا ۳۳۳ « تارس

این مملکت بتوسط شاهان محلی اداره میشد و آنها هم مانند شاهان فینیقیه

ولیسی و کاری، سکه میزدند.

هردوت در قسمت تاریخ ماد از شاهزاده کیلیکی سینزیس^۲ و در ضمن از شاهزاده

دیگری بهمین نام که در سال ۵۰۰ قبل از میلاد (دوران سلطنت داریوش اول)

شاه کیلیکیه بوده است نام میبرد. در سال ۴۸۰ قبل از میلاد سینزیس سوم پسر ارمدن^۱ شاه کیلیکیه بوده است که در جنگ ایران و یونان از طرف خشایارشا سمت ریاست قسمتی از قوای بحریه ایران را داشته است.

پس از اینکه سینزیس سوم در جنگ کشته شد خشایارشا گزناگوراس^۲ را که اهل هالیکارناس^۳ بود بجای وی منصوب کرد ولی طولی نکشید که یکی از افراد خاندان سلطنتی کیلیکیه بنام سینزیس چهارم بسلطنت رسید^۴. بعد از این واقعه، تاریخ نیم قرن این مملکت درست روشن نیست و نمیتوان بطور تحقیق گفت که آیا فرزندان سینزیس چهارم پس از پدر بسلطنت رسیده اند یا نه. ولی آنچه محقق است در سال ۳۶۱ قبل از میلاد مازه (مازایوس) به فرمانروائی این منطقه منصوب شد و از سال ۳۶۱ تا ۳۳۳ قبل از میلاد این سمت را داشته است. نام شاهان کیلیکیه:

سینزیس اول	در حدود سال ۵۵۰ قبل از میلاد
« دوم	« « ۵۱۰ « «
« سوم پسر ارمدن	« « ۴۸۰ « «
گزناگوراس	« « ۴۷۹ « «
سینزیس چهارم	« « ۴۰۱ « «

برسکه های این شاهان نام آنها گذاشته نشده است ولی اغلب نام شهر قرار دارد. معمولاً نقش شاه که کلاه پارسی بسردارد موار براسب بر روی سکه تفر است. استاتر پارسی (ش ۷۷)^۵

Xénagoras - ۲

Ormédon - ۱

Halicarnasse - ۳

۴- سینزیس چهارم بواسطه دسیسه بازی و خیانتش در تاریخ قدیم معروف است زیرا در زمانی که اردشیر بسلطنت رسید و کوروش در آسیای صغیر علم مخالفت و یاغیگری برافراشته بود شاه کیلیکیه یکی از فرزندان وزن خود را نزد کوروش فرستاد و اظهار اطاعت نمود در ضمن پسر دیگرش را نیز نزد اردشیر روانه نمود که در ضمن اظهار دوستی و اطاعت اطلاع تیکه از اقدامات کوروش در دست داشت در نهان باو آشکار کند.

۵- از کتاب سکه های مشرق، دسرگان J. De Morgan صفحه ۶۲

روی سکه - شاه کیلیکیه سوار براسبی که در حال حرکت است .
 پشت سکه - سرباز یونانی که کلاه خود کمرتی بسردارد زانو بزمین زده و در
 دستی نیزه و بدست دیگر سپری در مقابل خود گرفته است در کنار سکه، بخط فینیقی،
 اسم شهر که تارس است نقر میباشد .



شکل ۷۷

سکه هائی از شاهان کیلیکیه بدست آمده است که در یکطرف سکه نقش شاهنشاه
 هخامنشی بصورت کماندار پارسی نقر است .

شاهان و امرای آسیای صغیر

در آسیای صغیر شاهان جزء و امرای محلی تابع دولت هخامنشی عموماً دارای سکه بودند که بهترین آنان بدین قرارند:

ماگزی^۱

تمیستوکل^۲ (۴۶۵ تا ۴۴۹) قبل از میلاد.

دوره فرمانروائی تمیستوکل در زمانی که از طرف اردشیر اول با مارت ماگزی و لامپساک رسید از سال ۴۶۵ تا ۴۴۹ قبل از میلاد می باشد و سکه های او دارای نقش آپولون خدای بزرگ یونان و عقاب است و نام او بخط یونانی در کنار سکه نقر است.

پرسام^۳

اریستنس^۴ اواخر قرن پنجم قبل از میلاد.

۱ - Magnesie

۲ - Themistocle سردار آتنی که در جنگ خشایارشا با یونان فرمانده کل قوای بحری یونان بود، در سال ۴۷۱ قبل از میلاد بواسطه تهمت اختلاس در یونان طرد شد و به شاهنشاه ایران پناه آورد و در سال ۴۶۵ قبل از میلاد از طرف اردشیر اول بفرمانروائی سگزی یکی از شهرهای مهم لیدی و لامپساک (Lampsaque) در آسیای صغیر منصوب گردید و تا سال ۴۴۹ که درگذشت بمقام خود را محفوظ داشت و در مورد سرگ او مورخان روایات مختلف گفته اند. پلوتارک گوید: شاهنشاه ایران در جنگی که میخواست با یونان شروع کند فرمانی برای تمیستوکل صادر کرد که در این جنگ فرماندهی قسمتی از قشون ایران با او باشد و تمیستوکل با وجود آنکه وطنش را ترك کرده بود و بطرود بود مع هذا نخواست برضد یونان وارد جنگ شود و تصمیم بخود کشی گرفت و خود را مسموم نمود و در سال ۴۴۹ در سن ۶۴ سالگی درگذشت.

۴ - Eurystenés

۳ - Pergam

در سکه های اریستنس معمولاً نقش سکه از تصویر آتنا ویا آپولون و تصویر اریستنس تشکیل شده است (۷۸)'



شکل ۷۸

روی سکه تصویر آتنا با کلاه
پشت سکه - تصویر اریستنس با کلاه پارسی
وزن سکه - ۲/۵۴ گرم

تترانی^۱

پروکلِس اواخر قرن پنجم قبل از میلاد^۲

۱ - از کتاب ارنست بابلون (ایران هخامنشی) صفحه ۵۵

۲ - Teuthrania

۳ - شاه اسپارت دمارات (Demarate) بواسطه دسیسه و کار شکنی های کله امن (Cléomene) که او هم شاه اسپارت بود از سلطنت مستعفی گردید سپس بدیار ایران پناه برد .

دمارات در سال ۴۹۱ بشوش رسید و داریوش در نهایت احترام از او پذیرائی کرد و برای دلجوئی او را بسمت جبار یا فرمانروای مطلق العنان شهرهای تترانی (Teuthrania) و هالیزارنا (Halisarna) واقع در میسی منصوب نمود .

دمارات و فرزندانش در تمام دوره هخامنشی در این منطقه سلطنت کرده اند و در تاریخ از دو نفر از نواده های دمارات بنام اریستنس و پروکلِس اسم برده شده است که آنها مملکت هرگام را نیز جزو قلمرو سلطنت خود نمودند و اریستنس که بزرگتر بود در هرگام و پروکلِس بر سایر شهرها فرمانروائی داشتند .

در سال ۴۰۱ قبل از میلاد در جنگی که بین کوروش و اردشیر دوم در کونا کسا (Cunaxa) بقیه پاورقی در صفحه بعد

روی سکه - تصویر پرو کلس با کلاه پارسی .

پشت سکه - نیم رخ آپولون نقر است . از پرو کلس تا بحال فقط چند سکه کوچک بدست آمده است .

بقیه پاورقی از صفحه قبل

روی داد پرو کلس بهمراهی کوروش در جنگ شرکت نمود و پس از کشته شدن او به سقیا فرمانروائی خود برگشت و در عقب نشینی ده هزار نفری یونانیها پرو کلس به گزنفون باقیمانده قوایش کمک بسیار نمود .

شاهان جزء یا امرای محلی کاری^۱

در صلح انتالسیداس در ۳۸۷ قبل از میلاد، کاری جزء ممالک تابع دولت هخامنشی قرار گرفت ولی اداره آن مانند سابق باست شاهان محلی بوده است که پدر برپسر در آن مملکت حکومت مینمودند .

اسامی شاهان کاری

همکاتمنوس^۲ ۳۹۵ - ۳۷۷ قبل از میلاد

« موسولوس^۳ ۳۷۷-۳۵۳

« آرتمیز^۴ ۳۵۱-۳۵۰

« ایدریوس^۵ ۳۵۰-۳۴۳

« آدا^۶ ۳۴۳-۳۳۴

« پیگزوداروس^۷ ۳۳۹-۳۳۴

ارونتویات^۸ (ساتراپ ایرانی) ۳۳۴-۳۳۳ قبل از میلاد

هکاتمنوس

بنا بر روایت دیودور، هکاتمنوس از طرف اردشیر دوم مأمور جنگ با اوگوراس

۱- Carie یکی از ممالک قدیم آسیای صغیر که شهرهای مهم آن هالیکارناس و

سیله بودند .

۲- Maussollus

۳- Hècatomnus

۴- Idrieus

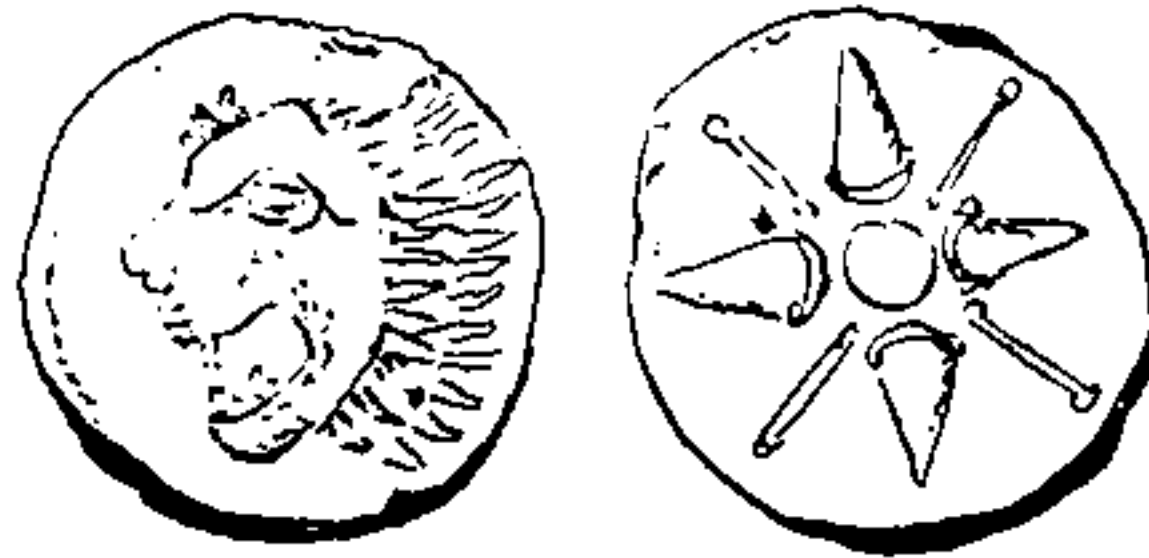
۵- Artémise

۶- Pixodarus

۷- Ada

۸- Orontopatès

شاه سالامین شد ولی وضع او در این جنگ چندان مشخص نیست .
 سکه های او بدون نوعند : نوع اول مانند سکه های محلی میله با نقش سر شیر و
 ستاره می باشد (ش ۷۹)^۱



شکل ۷۹

نوع دوم: زئوس ایستاده ، در یک طرف سکه و در طرف دیگر شیری در حال راه
 رفتن نقش است و اغلب در کنار سکه نام او بخط یونانی نقر است .

موسولوس

موسولوس در دوره سلطنت پایتخت خود را از میلازا^۲ به هالیکارناس منتقل
 نمود و سکه های او آنچه که مربوط به قبل از تغییر پایتخت است همه شبیه به سکه
 های هکاتمنوس یعنی دارای نقش شیر و ستاره می باشد ولی ردیف بعدی تصویر
 آپولون در یک طرف سکه نقش گردیده است و بر پشت سکه نقش زئوس که عصای
 قدرت را بیک دست و کلنگی را با دست دیگر بر شانه تکیه داده است نقر می باشد .
 در حاشیه سکه نام موسولوس بخط یونانی نقر است .

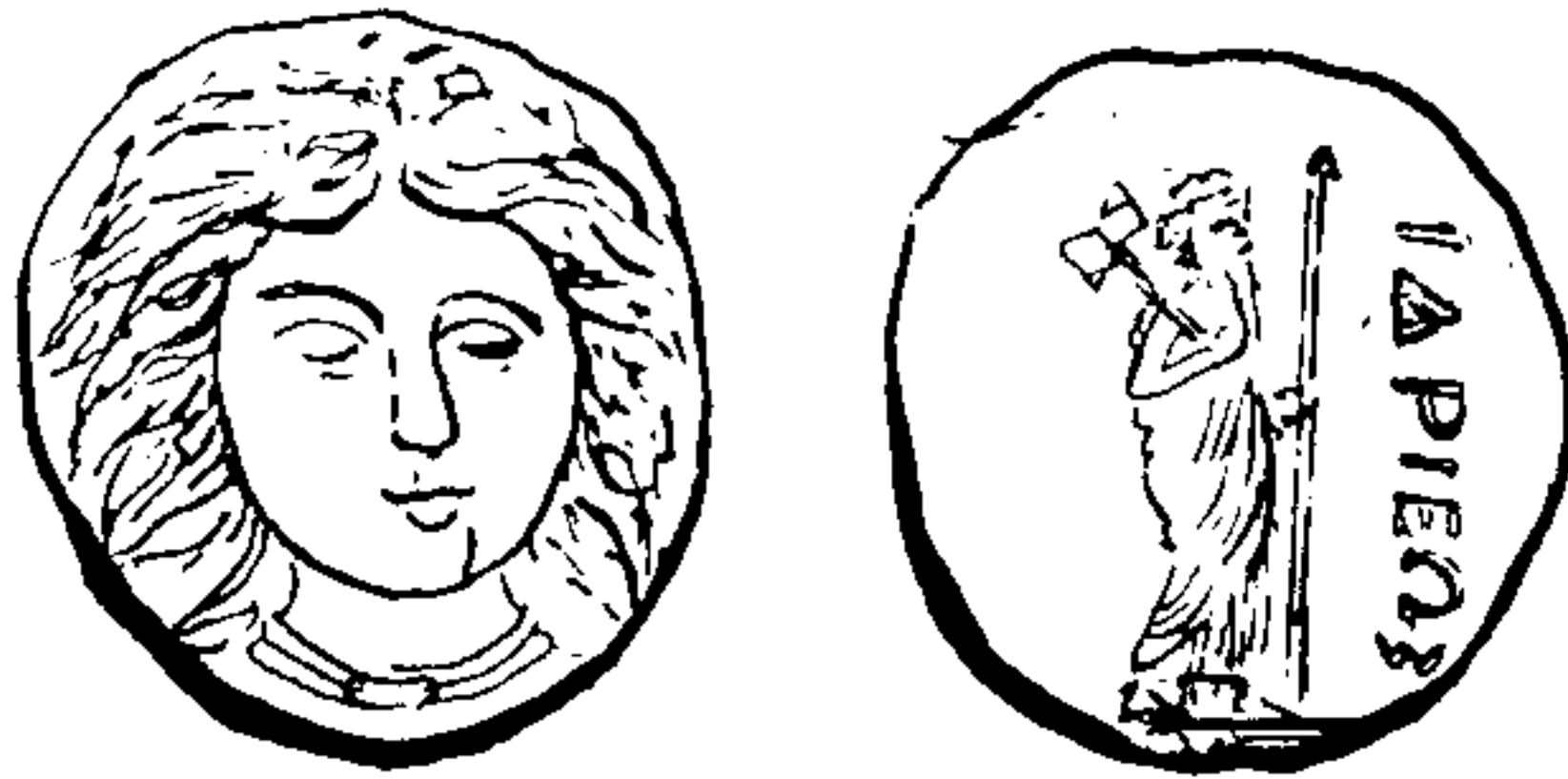
موسولوس که فرزندی نداشت وقتی در سال ۳۵۳ قبل از میلاد درگذشت
 آرتمیز که خواهر و زن او بود بجای او بسلطنت رسید . تابحال از اوسکه ای بدست
 نیامده است .

۱- از کتاب سکه های مشرق دسراگان (J. De Morgan) صفحه ۶۴

۲- Mylasa

ایدریوس

این شاهزاده برادر دیگر آرتمیز بود که در سال ۳۵۱ قبل از میلاد از طرف شاهنشاه ایران مأمور جنگ با قبرسی ها که شورش کرده بودند، شد. ایدریوس در دوره سلطنت خود جزایر کیوس و روسوس را بکاری منضم نمود. چهاردرهمی و درهم های ایدریوس بطرز سکه های موسولوس میباشد و نام او بخط یونانی در حاشیه سکه قرار دارد. (ش. ۸۰)'



شکل ۸۰

آدا

این شاهزاده خانم، خواهروزن ایدریوس بود که پس از او حکومت را بدست گرفت ولی زمامداری او طولی نکشید و برادر دیگرش « پیگزوداروس » او را از سلطنت خلع کرد و زمام امور را بدست گرفت. از ملکه آدا سکه ای تا بحال بدست نیامده است.

پیگزوداروس

از پیگزوداروس سکه های طلا و نقره باوزان مختلف بدست آمده است و نام او بخط یونانی در حاشیه سکه نقر است.

۱- از کتاب سکه های مشرق دسرگان (J. De Morgan) صفحه ۶۴

ارونتویات

ارونتویات داماد پیکزوداروس بود که در حمله اسکندر باشجاعت بی نظیری از شهر هالیکارناس پایتخت کاری دفاع نمود. سکه های ارونویات نیز مانند سایر شاهزادگان کاری یکطرف نقش آپولون و طرف دیگر زئوس ایستاده و در حاشیه سکه بیخط یونانی نام او نقر است.

شاهان لیسسی^۱

لیسسی‌ها که در دوره قدرت لیدی توانسته بودند استقلال خود را حفظ کنند در سال ۵۴۰ قبل از میلاد، مانند لیدی و سایر ممالک و نواحی آسیای صغیر، بدست فاتح هخامنشی کوروش بزرگ جزو قلمرو شاهنشاهی ایران درآمد.^۲

در سال ۵۱۰ که داریوش اول بنظم و نسق تشکیلات مملکتی پرداخت و برای حسن اداره امور کشور تمام ایران و نواحی متصرفی را به ایالات یا ساتراپی تقسیم نمود. لیسسی و پامفیلی و کاری و شهرها و ممالک ایونی ساتراپی اول را تشکیل دادند که جمعاً بایستی در سال، . . ۴ تالان نقره مالیات پردازند ولیسسی که آزادی بیشتری در امور داخلی و سیاسی داشت، قرار شد که علاوه بر مالیات، سپاه مجهز و مرتبی تحت فرمان فرمانروای ایرانی آماده داشته باشد. چنانکه در جنگ خشایارشا بایونان یک سپاه لیسسی نیز در جنگ شرکت کرد.

قدیمترین سکه های لیسسی متعلق به سال ۳۰۰ قبل از میلاد است و دارای نقوش مختلف از قبیل خوک تمام تنه یا نیم تنه - گاومیش بالدار - شیر - اسب بالدار - جغد -

۱ - Lycie

۲ - هردوت لیسسی‌ها را از اهل جزیره کرت میدانند و میگوید در اصل پسران ازوپ (Eusope) ملکه افسانه‌ای کرت وزن زئوس خدای بزرگ یونان) درباره سلطنت کرت با یکدیگر درافتادند و در نتیجه مینوس (Minos) موفق و فاتح شد و برادر خود سارپدون (Sarpèdon) را از جزیره کرت بیرون راند.

سارپدن بطرف آسیای صغیر روانه شد و در محلی مستقر گردید که نام لیسسی را بر آن نهاد. تصرف لیسسی در دوره هخامنشی بدست هارپاک یکی از سرداران کوروش صورت گرفت.

سرآپون - سر آفردویت - ماهی و تصویر شاه لیبی با کلاه پارسی میباشد . ولی چیزی که بیش از همه نقوش، بر روی سکه های لیبی مشاهده میشود طرح مخصوصی است بشکل حلقه ای در وسط که سه یا چهار زائده منحنی دارد^۱ راجع باین طرح نظریات مختلف است، بعضی آن را مظهر آپولون و برخی معرف اتحاد شهرهای لیبی دانسته اند، گاهی در حاشیه سکه، یک یادویاسه حرف، که قطعاً علامت نام شاه محلی است قرار دارد که اغلب در تاریخ نامی از آنها برده نشده است . ولی علامت (KVB) معرف کوبرنیس^۲ پسر ملکه کوسیکا^۳ میباشد که در زمان جنگ خشایارشا با یونان در گزانتس^۴ بعنوان شاه تمام مملکت لیبی اقامت داشته است .

در نزد اهالی لیبی مانند اغلب ممالک آسیای صغیر و یونان نسب از مادر بود وزن مقام بسیار رفیعی داشته است ، بدین مناسبت شاهان لیبی مانند شاهان کاری نسب خود را از طرف مادر ذکر میکنند . چنانکه در سنگ نوشته گزانتس نیز نام ملکه کوسیکانقر، است .

کوبرنیس (پسر ملکه کوسیکا)

در حدود سال ۴۸۰ قبل از میلاد

سکه هائی که از کوبرنیس بدست آمده است دارای نقش نیم تنه خوک وحشی



شکل ۸۱

۱- (Triquètre) ممکن است این نقش مظهر آفتاب باشد زیرا آفتاب نزد لیبی ها بسیار

سورد احترام بوده است .

۲- Kossikas

۳- Kubernis

۴- (Xanthos) شهر معروف لیبی که هنوز خرابه های آن موجود است (دزترکیه)

(فعلی)

میباشد و پشت سکه ها در فرورفتگی مربعی شکل، خطوط نامنظمی نقر است. (ش ۸۱)

گاهی علامت نام شاه نیز بر روی سکه ها مشاهده میشود.

اکوومیس^۱

در حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد

تابحال سه سکه از اکوومیس بدست آمده است که نقش خوک وحشی و یا گاومیش در روی سکه و طرح حلقه باسه زائده منظم و زیبائی در پشت سکه و نام او بطور کامل و یا ناقص نقر است.

موتله ئیس^۲

در حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد

این شاه فقط در قسمتی از لیبی حکومت کرده است و شاید آن محل لیمیرا^۳ باشد و سکه های او هم دارای همان نقش معمول است که علامت نام او (U) بر روی سکه نقر است.

تنه گورس^۴

در حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد

چند سکه ای که بدین شاهزاده منتسب است، دارای نقش بسیار زیبائی است.



شکل ۸۲

بر روی سکه شیر بالدار و شاخداری نقر است که شباهت زیادی به شیر های بالدار

Muteleis - ۲

Ekuvemis ۰۱

Tenègurès - ۴

Lymira - ۳

تخت جمشید، دارد . (ش ۸۲) ^۱

اسپین تازا ^۲

در حدود سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد

نام این شاهزاده، علاوه بر سکه های او، بر روی سنگ نوشته قبر پسرش در تلمه سوس ^۳، که یکی از شهرهای مهم لیبی بوده است، حک شده است متن، نوشته بدین قرار است «توینه زیس ^۴ پسر اسپین تازا» در اینصورت پدر و پسر هر دو بر قسمتی از لیبی حکومت کرده اند .

نقش سکه عبارت از گاوی است ایستاده و گوساله ای که در حال شیر خوردن میباشد و در حاشیه سکه نام شاهزاده بخط لیبی نقر است .

تتی وی بیس ^۵

در حدود سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد

سکه های تتی وی بیس دارای نقوش متنوعی است از جمله نیم تنه خوک وحشی - سپر - شیر بالدار - سر آفرودیت و غیره و در پشت تمام سکه ها مظهر مخصوص

لیبی و نام شاهزاده بخط لیبی نقر است . **T↑XCE↑E BE**

نام این شاهزاده بر روی سنگ نوشته کزانتس نقر است و این نوشته مربوط بسال ۱۰۰۰ قبل از میلادی میباشد . پس بطور حتم تتی وی بیس در این زمان در لیبی حکومت نموده است .

کوپرلیس ^۶

در حدود سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد

سکه های این شاهزاده دارای نقوش متنوعی است و نام او اغلب بخط

۱- از کتاب ارنست بابلون (E. Babelon) ایران هخامنشی صفحه ۹۶

۲- Tévinésis

۳- Telméssos

۴- Spintaza

۵- Kuperlis

۶- Théhiveibis

لیبی بطور کامل در حاشیه سکه نقر است **ΚΟΓΡΑΛΕ**

سکه هائی از کوپر لیبس بدست آمده است که علاوه بر نام او علامت شهر نیز بر روی آنها قرار دارد. شهر هائی که نام آنها بر روی سکه میباشد عبارتند از آربینا^۱ نام قدیم کزانتس وتلمه سوس ولیمیرا.

چون سکه های اغلب شاهان لیبی نظیر یکدیگر میباشد لذا فقط بصورت اسامی باقی شاهان و سال سلطنت آنها اکتفا میکنیم.

خریگا^۱ در حدود سال ۴۱۰ قبل از میلاد

خریس^۲ « « «

اربینا^۴ « ۴۰۰ «

خادری تیمس^۵ « « «

وگزرس^۶ « « «

زموس^۷ « ۴۱۰ «

میتراپاتس^۸ « « «

دنولس^۹ « ۳۹۰ «

زاناس^{۱۰} « ۳۸۰ «

پریکلس^{۱۱} از سال ۳۷۵ تا ۳۶۰ قبل از میلاد

در بین سکه های شاهان لیبی از دوره سلطنت خریگا ببعده سکه های دنولس

Khériga - ۲

Arina - ۱

Erbina - ۴

Khéreis - ۳

Vexrès - ۶

Khadritimès - ۵

Zemous - ۷

Mitrapatès - ۸ این نام ایرانی است و بطور تحقیق فرمانروائی است که شاهنشاه ساسانی

برای لیبی تعیین نموده است.

Zanas - ۱۰

Denveles - ۹

Périclès - ۱۱

نوع خاصی است که از جهت تاریخ سکه بخصوص سکه‌های مربوط بایران بسیار با ارزش و جالب توجه است، این شاه که در حدود سال ۳۹۰ قبل از میلاد سلطنت میکرد، یعنی در دوره اردشیر دوم هخامنشی که این منطقه جزو متصرفات شاهنشاهی ایران بوده است، سکه‌هایی ضرب زده که تصویر او را با کلاه پارسی نشان میدهد.

(ش ۸۳)



شکل ۸۳

استربوزن ۸/۳۸

روی سکه - تصویر نیمرخ دنولس با کلاه پارسی و ریش انبوه.
پشت سکه - نقش نیمرخ آتنا که کلاه خود آتنی بر سر دارد و نوشته نام دنولس در دور تصویر نقر است.

سکه‌های جزیره قبرس

جزیره قبرس دارای نه ایالت بوده است که هر یک جدا گانه و مستقلاً حکومتی داشته و یا بوسیله شاهان جزء اداره میشده است. وقتی قبرس جزو مستعمرات هخامنشی درآمد و تابع ایران گردید شاهنشاه، حکامی برای آن ایالات معین نکرد و بآنها اجازه داد در تحت شرایط سابق باشند و فقط مالیات بپردازند و در موقع احتیاج و تهیه سپاهی کمک کنند.

۱ - این عکس از کتاب E. Babelon (ایران هخامنشی) صفحه ۷۷ و شماره ۱۸ گرفته شده است.

ایالات مهم قبرس عبارتند:

سالامین^۱ کیتیوم^۲ ماریوم^۳ آماثونت^۴ کوریوم^۵ پافوس^۶ سولی^۷ لاپتوس^۸.
سکه های محلی این جزیره از قرن چهارم قبل از میلاد شروع میشود و تا موقعیکه
قبرس بتصرف بطلمیوس درآمد (۳۱۲ قبل از میلاد) ادامه داشته است. سکه های
ایالات قبرس بخط قبرسی است که قطعاً خطی بسیار قدیمی است و اختلاف زیادی
با خط یونانی دارد ولی بعد خط یونانی بر روی سکه دیده میشود. بر روی سکه های
کیتیوم و لاپتوس نوشته آرامی است.

سلاطین کیتیوم

قدیمترین سکه های کیتیوم متعلق بیال ملک^۹ در حدود ۴۷۹ - ۴۴۹ قبل از
میلاد است، که در یک طرف آنها نقش هرکول^{۱۰} و در طرف دیگر شیر نشسته دیده
میشود و نام شاه بخط فینیقی منقور است

بقیه سکه های سلاطین این ناحیه مانند آزبال^{۱۱} . بال ملک دوم^{۱۲} . بال
رام^{۱۳} . دمنیکوس^{۱۴} . ملکیاتون^{۱۵} و پومیاتون^{۱۶} تقریباً از لحاظ نقش بیکدیگر
شبهه میباشند و نام هر یک از سلاطین بر روی سکه بخط فینیقی است.

Citium - ۲

Salamine - ۱

Amathunt - ۴

Marium - ۳

Paphos - ۶

Curium - ۵

Lapethos - ۸

Soli - ۷

Baalmelek - ۹ شاه کیتیوم

۱۰. Hercule یکی از معروفترین خدایان افسانه ای یونان پسر ژوپیتر و مظهر قدرت

۱۱. Azbaal شاه کیتیوم از سال ۴۴۹ - ۴۲۵ قبل از میلاد

۱۲. Baalmelek II از سال ۴۲۵ - ۴۰۰ قبل از میلاد

« ۳۹۲ - ۴۰۰ « Baalram - ۱۳

« ۳۸۷ - ۳۸۸ « Deminikos - ۱۴

« ۳۶۱ - ۳۹۲ « Melkiaton - ۱۵

« ۳۱۲ - ۳۶۱ « Pumiaton - ۱۶

استایر پارسی آزابال بوزن ۸۵/۱۰ گرم .

روی سکه - هر کول کمان بدست ایستاده است و بر پشت سکه نقش شیری



۴۰۹۲۰۴
- ل ا ز ب ا ل
شکل ۸۴

که در حال دریدن آهوئی میباشد نقر است و در قسمت بالای سکه، نام شاه بخت فینیقی است (ش ۸۴)¹

سلاطین ماریوم

سکه سلاطین ماریوم مانند سکه استازبوا کوس² و پسرش اونازیوا کوس³ که پدر در سال ۴۲ قبل از میلاد و پسر در حدود ۴۰ قبل از میلاد سکه زدند و از هر حیث بهم شبیه میباشند . در یک طرف سکه تصویر آپولون و در طرف دیگر نقش آفرودیت در یک مربع فرورفته دیده می شود و نام شاه بر روی سکه بخت قبرسی نقر است .

سلاطین لاپتوس

این شهر که در ساحل شمالی قبرس واقع بود جزو متصرفات فینیقیه بشمار میرفته است . در این صورت نوشته بر روی سکه های سلاطین محلی بخت فینیقی میباشد . تاریخ لاپتوس بسیار گنگ و آنطوری که باید روشن نیست فقط از دو نفر از شاهان لاپتوس بنام سید که ملک⁴ در حدود ۴۴۹ - ۴۲۵ قبل از میلاد و پراکسیپوس⁵ سکه

۲ - Stasioecus

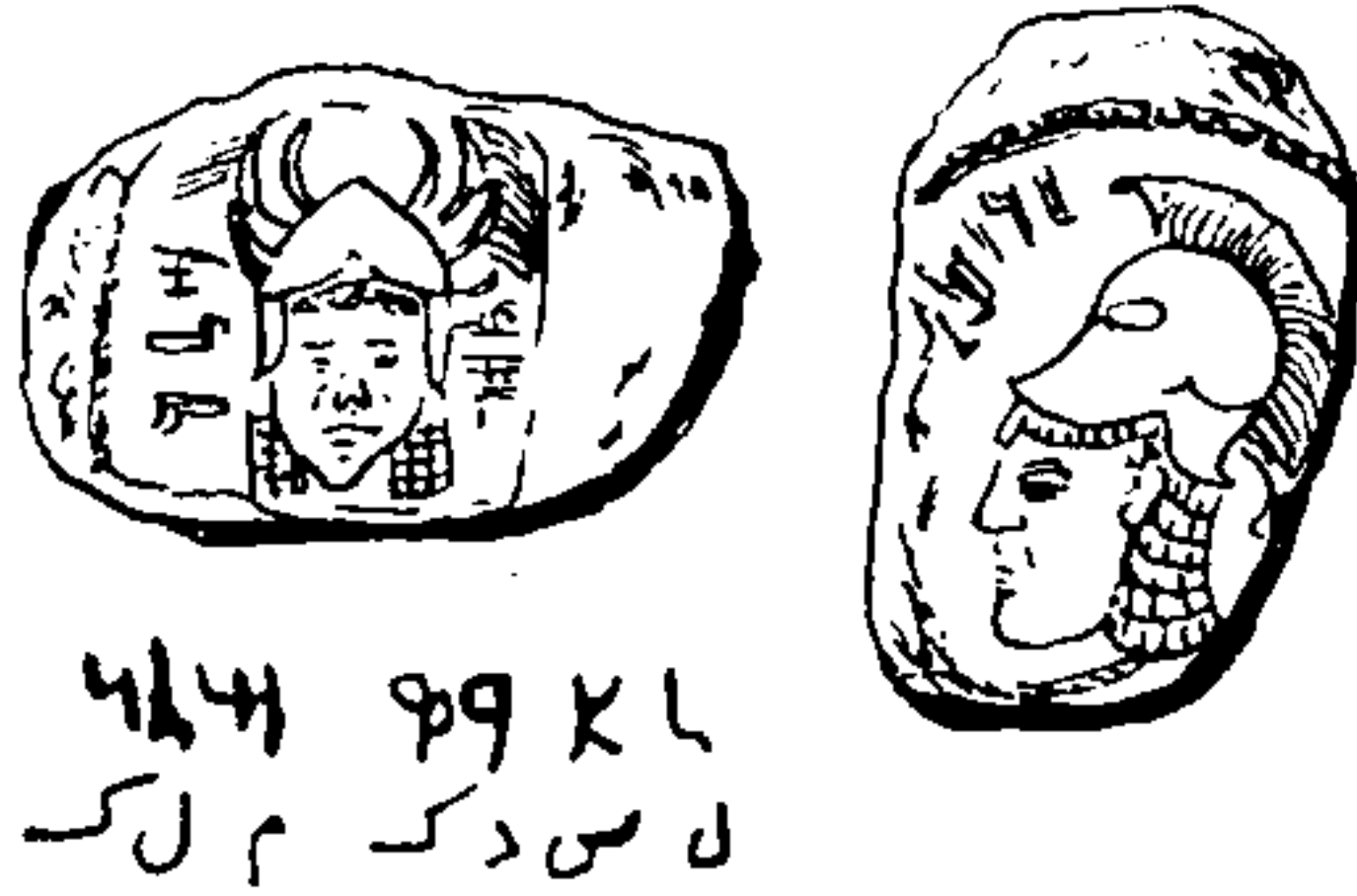
۱ - از کتاب بابلون (E. Babelon) صفحه ۹۷

۵ - Praxippus

۴ - Sidquémek

۳ - Onasioecus

بدست آمده است. آخرین شاه این ایالت را که پراکسیپوس نام داشت بطلمیوس بزرگ اورا در سال ۳۱۲ قبل از میلاد از سلطنت خلع کرد. استاتر پارسی سید که ملک بوزن ۱۱/۰۵ گرم. روی سکه - تصویر نیمرخ آتنا با کلاه خود و نام سید که ملک بخط فینیقی



شکل ۸۵

پشت سکه - تصویر تمام رخ آتنا با کلاه خود که باشاخ و گوشهای گاومیش تزئین شده است. (ش ۸۵)

سلاطین پافوس

در لشگرکشی خشایارشا در سال ۴۸۰ قبل از میلاد از پافوس دوازده کشتی جنگی بریاست پانتیلوس^۱ پسر دمنوس^۲ شرکت داشت. قدیمترین سکه های پافوس مربوط بدوره سلطنت این دو شاهزاده میباشد ولی نام آنها بر روی سکه نیست فقط علامت کوچکی قرار دارد که ممکن است علامت رودخانه بزرگ بوکاروس^۳ باشد که از پافوس بدریا میریخته است. سلاطین دیگر پافوس عبارتند از: استازاندرس^۴ در حدود سال ۴۴۰ - ۴۲۰ قبل از میلاد و آریستوفانتوس^۵ در حدود سال ۴۱۰ قبل از میلاد و تیموخاریس^۶ در حدود سال ۳۷۰ قبل از میلاد (سکه

Demonos - ۲

Pentylos - ۱

Stasandros - ۴

Bokaros - ۳

Timocharis - ۶

Aristophantos - ۵

هائی از این شاهزاده بدست آمده است که علامت و نوشته روی آنها میرساند که ضرب آنها با شرکت دو شاهزاده دیگر قبرسی هم دوره او یعنی نیکو کلس^۱ شاه سالامین و استازیوا کوس شاه ماریوم بوده است.

نیکو کلس پسر تیمارخوس است که در کتیبه های قبرسی نام او برده شده و بنا بر روایت دیودور در سال ۳۱۰ قبل از میلاد خود کشی کرده است. زیرا بطلمیوس بزرگ در حمله خود به قبرس و بخصوص پافوس مصمم بود که نیکو کلس را که با رقبای او طرح دوستی ریخته بود از سلطنت خلع نماید و این شاهزاده غیور در وضع بسیار رقت انگیزی بازن و برادرهای خود دسته جمعی خود کشی نمودند و این حادثه برای همیشه بسلطنت شاهان پافوس خاتمه داد.

سکه های شاهان پافوس خیلی از لحاظ نقش بیکدیگر شبیه میباشند و بیشتر از نقش گاومیش و عقاب و یا سر آفرودیت تزئین یافته است.

استاتر پارسی استارس (ش ۸۶)



شکل ۸۶

روی سکه - گاومیش ایستاده و در قسمت بالا علامت خورشید و در پائین صلیب دسته دار قرار دارد.

پشت سکه - عقاب در وسط و در یک طرف آن بخت قبرسی (شاه استازاندروس) نقر است.

ضرابخانه پافوس پس از مرگ نیکو کلس سکه هائی بنام بطلمیوس بزرگ پادشاه مصر و فاتح جزیره قبرس ضرب زده است.

سلاطین سالامین

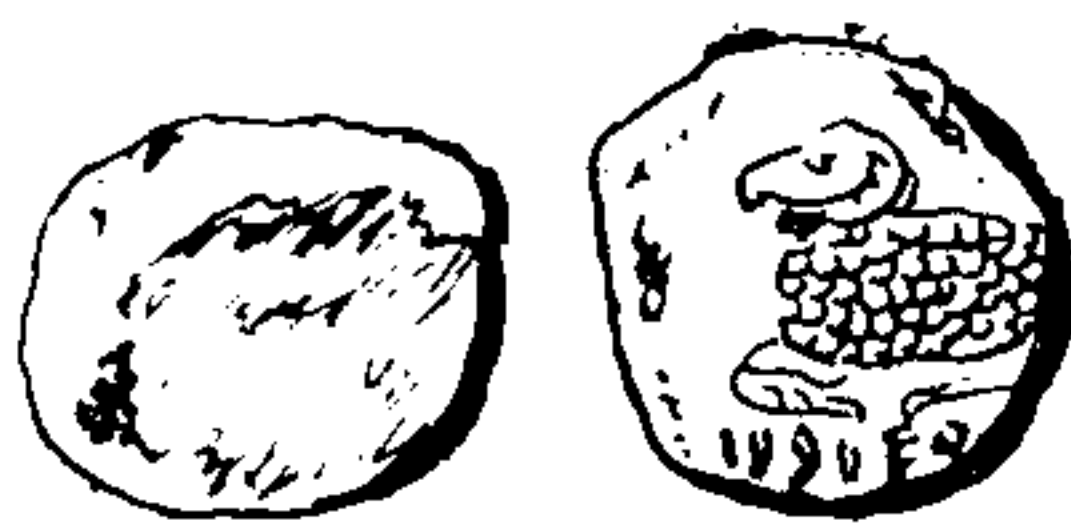
هردوت معتقد است اولتن^۱ اولین شاه سالامین می باشد و زمانی که جزیره قبرس در سال ۵۶۹ قبل از میلاد بتصرف آمازیس^۲ پادشاه مصر درآمد، بسطنت رسید و چون نسبت بشاه مصر وفادار ماند توانست تا سال ۵۲۰ قبل از میلاد که مصر و قبرس بدست شاهنشاه ایران کمبوجیه افتاد، سلطنت خود را حفظ کند.

اولتن در کمال قدرت سلطنت نمود و در تمام دوره سلطنت که از سال ۵۶۹ تا ۵۲۰ قبل از میلاد می باشد نه تنها سالامین بلکه تمام جزیره قبرس را تحت فرمان داشت و در حقیقت علاوه بر سمت فرمانروای محل، نماینده شاه مصر در تمام جزیره قبرس بوده است.

اولتن

استاتر پارسی بوزن ۱۰/۹۰ گرم

روی سکه - نقش قوچ خوابیده که دز زیر آن بخط قبرسی نام اولتن نقر است .
پشت سکه - فرورفتگی نامنظم بدون نقش (ش ۸۷)



۱۱۵۱۴۸۱۷

اولتن د

شکل ۸۷

بنا بر روایت هرودوت پس از اولتن، پسرش سیروموس^۳ بسطنت سالامین رسید ولی سکه ای که بنام او باشد، بدست نیامده است و پس از او خرسیس^۴ که

Amasis - ۲

Evelton - ۱

۳ - از کتاب سکه های مشرق J. De Morgan صفحه ۷۶

Chersis - ۵

Siromos - ۴

سلطنتش بسیار کوتاه بوده است، جانشین پدر گردید.

خرسیس سه پسر داشت بنام گورگوس^۱ اونزیلوس^۲ و فیلاعون^۳ که سومی هرگز بسطنت نرسید و بین دو برادر دیگر برای حکومت، همیشه کشمکش بود تا بالاخره اونزیلوس با کمک یونانیها موفق شد دست برادر را از سلطنت آن منطقه کوتاه کند ولی دوره قدرتت نپائید و در سال ۹۹ و قبل از میلاد کشته شد و شاهنشاه هخامنشی گورگوس را بجای او بسطنت منصوب نمود. قوای بحری قبرس در زمان داریوش و خشایارشا جزء بحریه ایران در جنگهای با یونان شرکت نمود و در سال ۴۸۰ قبل از میلاد گورگوس پادشاه سالامین نیز بین سایر رؤسای سپاهی عهده دار قسمت مهمی از قوای بحری بوده است.

گورگوس شاه سالامین در حدود بیست سال سلطنت کرده است از سال ۴۸۰ تا قبل از میلاد. بسیار تعجب آور است که با وجود سلطنت طولانی گورگوس سکه‌ای بنام او بدست نیامده است. آقای ارنست بابلون (E. Babelon) در کتاب ایران هخامنشی چند سکه نامشخص را که دارای نقش قوچ و صلیب دسته‌داری است باو منتسب نموده است.

نیکوداموس^۴

سکه‌های او نظیر سکه‌های اولتن با نقش قوچ و صلیب دسته‌دار میباشد و نام او بخط قبرسی بر روی سکه نقر است.

اوانتس^۵

این شاهزاده که در حدود سال ۴۵۰ قبل از میلاد سلطنت کرده است دارای سکه‌هایی است نظیر سکه‌های شاهزادگان قبلی.

Onèsilos - ۲

Nicodamos - ۴

Gorgos - ۱

Philaon - ۳

Evantès - ۵

اواگوراس اول

اواگوراس وقتی به سلطنت رسید قسمت مهمی از جزیره قبرس را ضمیمه سالامین نمود و چون از گرفتاری اردشیر شاهنشاه ایران در آسیای صغیر اطلاع پیدا نمود با کمک یونانیها و مصریها بفرنیقیه حمله کرد و شهر صیدا و چند شهر دیگر را بتصرف در آورد. پس از معاهده آنتالسیداس در سال ۳۸۷ قبل از میلاد اردشیر تریبازوارونت را مأمور سرکوبی اواگوراس نمود و در اواخر سال ۳۸۶ قبل از میلاد قوای بحری ایران شکست بزرگی به قوای اواگوراس وارد کرد و سالامین را محاصره نمود. اردشیر در نهایت بزرگواری پس از عقد قرار داد صلح، قبول کرد که اواگوراس مانند گذشته در تحت حمایت ایران تخت و تاج خود را در سالامین حفظ کند.

از اواگوراس علاوه بر سکه های نقره، سکه طلا نیز بدست آمده است. نقش روی سکه علاقه مندی و توجه او را به یونان میرساند و گاهی علاوه بر خط قبرسی علامت نام او بخط یونانی بر روی سکه مشاهده میشود.



شکل ۸۸

استاتر پارسی بوزن ۱.۰/۵۵ گرم.

روی سکه - تصویر نیم رخ هر کول.

پشت سکه - نقش بز کوهی که خوابیده است و اطراف او نام اواگوراس بخط

قبرسی و علامت نام او بخط یونانی نقر است. (ش ۸۸)

نیم استاترهای دیگری از این شاهزاده موجود است که روی آنها نقش هر کول
لیخت، که بر روی تخته سنگ نشسته است، نقر میباشد.

نیکو کلس

اوا گوراس اول دوپسر داشت پروتا گوراس^۱ و نیکو کلس، اولی قبل از
مرگ پدر بسرای باقی شتافت و نیکو کلس^۲ که سردی فیلسوف و بوالهوس و عشرت
طلب بود، بسطنت رسید (۳۷۴ - ۳۶۸ قبل از میلاد)
سکه های این شاهزاده شبیه سکه های پدرش نمیباشد بلکه روی سکه تصویر
آتناویا آفرودیت^۳ منقوش است.

اوا گوراس دوم

این شاهزاده در سال ۳۶۸ قبل از میلاد بجانشینی پدر بسطنت رسید و سکه
های او بسه ردیف تقسیم میشوند.

ردیف اول - سکه های معمولی شاهان سالامین از سال ۳۶۸ تا ۳۴۹ قبل
از میلاد.

ردیف دوم - سکه هائی که اوا گوراس دوم از سال ۳۵۱ تا ۳۴۹ قبل از میلاد
بعنوان ساتراپ هخامنشی ضرب زده است.

ردیف سوم - مربوط بدوره ای میباشد که اوا گوراس دوم^۴ بسطنت صیدارسیده
است از سال ۳۴۹ تا ۳۴۶ قبل از میلاد.

۱ - Protagoras

۲ - یکی از شاهان پافس نیز نام نیکو کلس داشته است

۳ - Aphrodite

۴ - در سال ۳۵۱ قبل از میلاد انقلاب و شورشی در فینیقیه با تحریک مصریها برپاست

تن (Tennès) شاه صیدا شروع گردید و در این شورش قبرس هم بامخالفین ایران هم صدا

شد و شاهان قبرس که نه نقر بودند استقلال خود را اعلام داشتند و اوا گوراس دوم که طرندار

بقیه پاورقی در صفحه بعد

نوشته سکه های ردیف اول (سالامین) بخط یونانی و روی سکه اغلب تصویر
آفرودیت و آتنا نقر است (ش ۸۹)^۱



شکل ۸۹

سکه های ساتراپی اوا گوراس مربوط به زمانی است که او در قبرس بطرفداری
شاهنشاه ایران میجنگیده است. این نوع سکه بسیار زیبا و در یک طرف نقش شاهنشاه
ایران اردشیر سوم است که بصورت کماندار پارسی است و در طرف دیگر اوا گوراس
که کلاه پارسی بسر دارد و در حال پرتاب نیزه سوار بر اسبی است که تاخت
میکنند.

چهاردرهمی - بوزن ۱۴/۹۴ گرم (ش ۹۰)



شکل ۹۰

بقیه از صفحه قبل

ایران بود از سلطنت رانده شد و برادرش بجای او بسلطنت رسید ولی طولی نکشید که اردشیر
سوم قشون معظمی را بریاست شاه کاری و یک سردار آتنی بنام فوسیون (Phocion) و
اوا گوراس ماسور قلع و قمع شورشیان نمود.

در نتیجه پس از پیکارهای متعدد بحری و بری شهرهای یکی پس از دیگری تسلیم قوای
ایران گردید و اوا گوراس که در ضمن جنگ متهم شناخته شده بود تا مدتی مورد بی لطفی
شاهنشاه گردید ولی چون بیگناهیش مدلل شد اردشیر سوم سلطنت صید را باو داد، و اوا گوراس
در سلطنت صیدا خوب عمل نمود و برای حفظ جان خود از صیدا فرار کرد و به قبرس پناه برد
- قبرسی ها هم که دل خوشی از او نداشتند او را دستگیر کرده کشتند.

۱- از کتاب ارنست بابلون B. Babelon ایران هخامنشی صفحه ۹۰

در روی سکه حرف فینیقی O که علامت نام اوا گوراس است نقره‌ای باشد .
 اوا گوراس در موقعی که شاه صیدا گردید سکه‌های معمولی آن شهر را با نقش
 گردونه هخامنشی که در آن اردشیر سوم ایستاده است و کشتی جنگی با علامت نام
 خود که در گوشه سکه نقره‌است، ضرب زد .

پنیتا گوراس^۱

این شاهزاده که رقیب سرسخت اوا گوراس بود پس از کشته شدن او به سلطنت
 رسید (۳۵۱ - ۳۳۲ قبل از میلاد) و تا سال ۳۳۲ که اسکندر جزیره قبرس و تمام فینیقیه را
 به تصرف در آورد او در کمال راحتی در سالامین حکومت مینمود ، بعد نیز در دوره
 اسکندر ریاست قسمتی از بحریه را داشته است . بر سکه‌های پنیتا گوراس تصویر
 آفرودیت منقوش است .

شاهان کوریوم

در حدود سال . . . قبل از میلاد سکنه مستعمرات یونانی ایران و جزیره قبرس
 بر اثر تحریکات یونانیها علم‌طغیان برافراشتند و شاه کوریوم، استازانور^۲ نیز بشورشیان
 پیوست .

برای مقابله با شورشیان، داریوش، آرتی بیوس^۳ سردار پارسی را با قشون مجهزی
 بقبرس روانه نمود، در خلال جنگ، آرتی بیوس و شاه سالامین کشته شدند . استازانور
 که وضع را پیچیده و آشفته دید و موقع خود را خطرناک تشخیص داد، بتعهد خود
 پشت پازد و با سپاهیان که تحت فرمان او بودند با ایرانیان ملحق گردید و در نتیجه
 در بین سپاهیان و شورشیان تفرقه افتاد و فتح نصیب قوای داریوش گردید .

در کتیبه کوریوم از دونفر از شاهان ساحلی نام برده شده است که اولی اونازیاس^۴
 و دومی پسرش آریستوخوس^۵ میباشد . از استازانور و اونازیاس سکه‌ای بدست نیامده

Artybios - ۳

Stasanor - ۲

Pnytagoras - ۱

Aristochos - ۵

Onasias - ۴

است و سکه های آریستوخوس (در حدود ۳۸۸ قبل از میلاد) دارای نقش بسیار جالبی است. در یک طرف هر کول در حال خفه کردن شیری است که باو حمله نموده است و پشت سکه آتنا که کلاه خود کورنتی بسردارد و بدست نیزه گرفته بر روی قسمت



شکل ۹۱

جلو کشتی نشسته است. در مقابل آتنا، طرح یک صلیب دسته دار نمایان است. نوشته روی سکه بخط قبرسی و علامت نام شاه کوریوم آریستوخوس سی باشد. (ش ۹۱)

شاهان سولی

سیپرانورا بانی شهر سولی در قبرس در حدود سال ۶۰۰ تا ۵۸۰ قبل از میلاد و پسرش فیلو سیپروس^۲ که دوست سولون قانون گذار معروف آتن بوده است در حدود سال ۵۶۰ سلطنت نمودند و از آنها سکه های بدست نیامده است. پس از فیلو سیپروس پسرش آریستوس سیپروس^۳ به سلطنت سولی رسید و در شورش قبرس برضد داریوش شرکت جست و در سال ۴۹۹ قبل از میلاد در جنگ کشته شد.

ممکن است سکه هایی که در سوزه انگلیس موجود میباشد و بر روی آن نقش سرشیر و حرف اول نام این شاهزاده بر روی آن نقر است متعلق باو باشد. اونوستوس^۴ پس از آریستوس سیپروس به سلطنت رسید (۴۹۹-۴۴۹ قبل از میلاد) آخرین شاهان سولی، پازیکراتس^۵ و اونوستوس دوم میباشد.

Aristocypros - ۳

Philocypros - ۲

Cypranor - ۱

Pasicratès - ۵

Onostos - ۴

بر روی سکه پازیکراتس تصویر نیم رخ آپولون و دو حرف اول نام او بخط یونانی نقر است.

شاهان آماتونت

در بین سران قوای بحری خشایارشا در سال ۸۰۰ قبل از میلاد هرودوت، تیموناکس^۱ پسر تیماگوراس^۲ را نام برده است که هر دو شاه آماتونت بودند و در سال ۳۹۱ یکی از شاهان آماتونت که نام او در تاریخ ثبت نیست با شاه سولی و کیتیوم، بر ضد او گوراس اول شاه سالامین، متحد شد. از این شاهان سکه‌ای بدست نیامده است. سکه‌های اولیه این منطقه متعلق به زوتیموس^۳ و لیزاندر^۴ و اپی پالوس^۵ و روآکوس^۶ میباشد و بعد دو شاه دیگر بنام پازی سیروس^۷ در حدود سال ۳۵۰ قبل از میلاد و اندروکلوس^۸ نیز در آماتونت سلطنت کردند. سکه‌های آماتونت همه دارای یکنوع نقش میباشد و روی آنها طرح شیر خوابیده و پشت سکه نیم تنه شیر نقر است.



شکل ۹۲

استاتر زوتیموس که نام او بر روی سکه قرار دارد. (ش ۹۲)^۹

Timonax - ۱	Timagoras - ۲
Zotimos - ۳	در حدود سال ۳۹۰ قبل از میلاد
Lysandre - ۴	« ۳۷۵ «
Epipalos - ۵	« ۳۶۰ «
Rhoicos - ۶	« ۳۵۰ «
Pasicypros - ۷	Androclès - ۸

۹- از کتاب دسرگان J. De Morgan صفحه ۷۹

سکه های دیگری نیز از سلاطین ایالات قبرس بدست آمده است که بطور دقیق نام آنها مشخص نیست .

اسکندر و سلوکیها

هنگامی که فیلیپ دوم^۱ پادشاه مقدونیه^۲ در سال ۳۳۶ قبل از میلاد نقشه جنگ با ایران را میکشید و وسایل و تجهیزات حمله را فراهم میکرد ، کشته شد و پسرش اسکندر سوم در سال ۳۳۵ قبل از میلاد بسلطنت رسید^۳ . فتوحات اسکندر

۱- فیلیپ دوم در سال ۳۶۰ قبل از میلاد بسلطنت رسید و قشونی مجهز ترتیب داد و قوانینی سخت برای ارتش تنظیم کرد که پایه موفقیت او در جنگها گردید پس از ترتیب وضع سپاه به ایلیری و تراکیه و پئونی که شاهان آن ممالک با یکدیگر اتحادیه ای تشکیل داده بودند حمله برد و بابدست آوردن معادن طلای آن نواحی توانست باطلا و هدایای فراوان عناصر متنغد یونان را با خود همراه سازد و بداخل شهر های یونان نفوذ کند ، اهالی آتن از پیشرفت مقدونیهها متوحش شدند و در حدود جلو گیری برآمدند . در سال ۳۳۸ قبل از میلاد فیلیپ شهر الاته (Elatéc) را تصرف کرد و بطرف آتیکه متوجه گردید ، حمله او به آتن برای مردم آنسامان بسیار ناگوار بود ولی سرانجام آتنیها شکست خوردند و پس از این شکست تقریباً تمام شهر های یونان در تحت نفوذ پادشاه مقدونی قرار گرفت ، فیلیپ وقتی خود را مالک الرقاب تمام مقدونیه و یونان دید بفکر لشکر کشی با ایران افتاد و از طرف نمایندگان شهر های یونانی که در کورنت اجتماع کرده بودند بسمت سپهسالاری منصوب گردید .

۱- مقدونیه در شمال یونان واقع است در زمان فیلیپ دوم حدود آن بدینقرار بوده است : از طرف مشرق به تراکیه (THRACE) و از شمال به پئونی (PEONIE) و از مغرب به ایلیری (ILLYRIE) و اپیر (EPIRE) و از جنوب بدریای اژه و شبه جزیره کالسیدیک (CHALCIDIQUE) محدود بود .

۳- اسکندر بیست ساله بود که بسلطنت رسید . جوانی قوی ، تند خو و ورزشکار بود و در اسب سواری بسیار مهارت داشت . با آنکه پدرش برای تحصیل و تربیت او یکی از بزرگترین فیلسوفان و دانشمندان یونانی ارسطو را انتخاب کرد معهذاً حسن جاه طلبی و بقیه در صفحه بعد

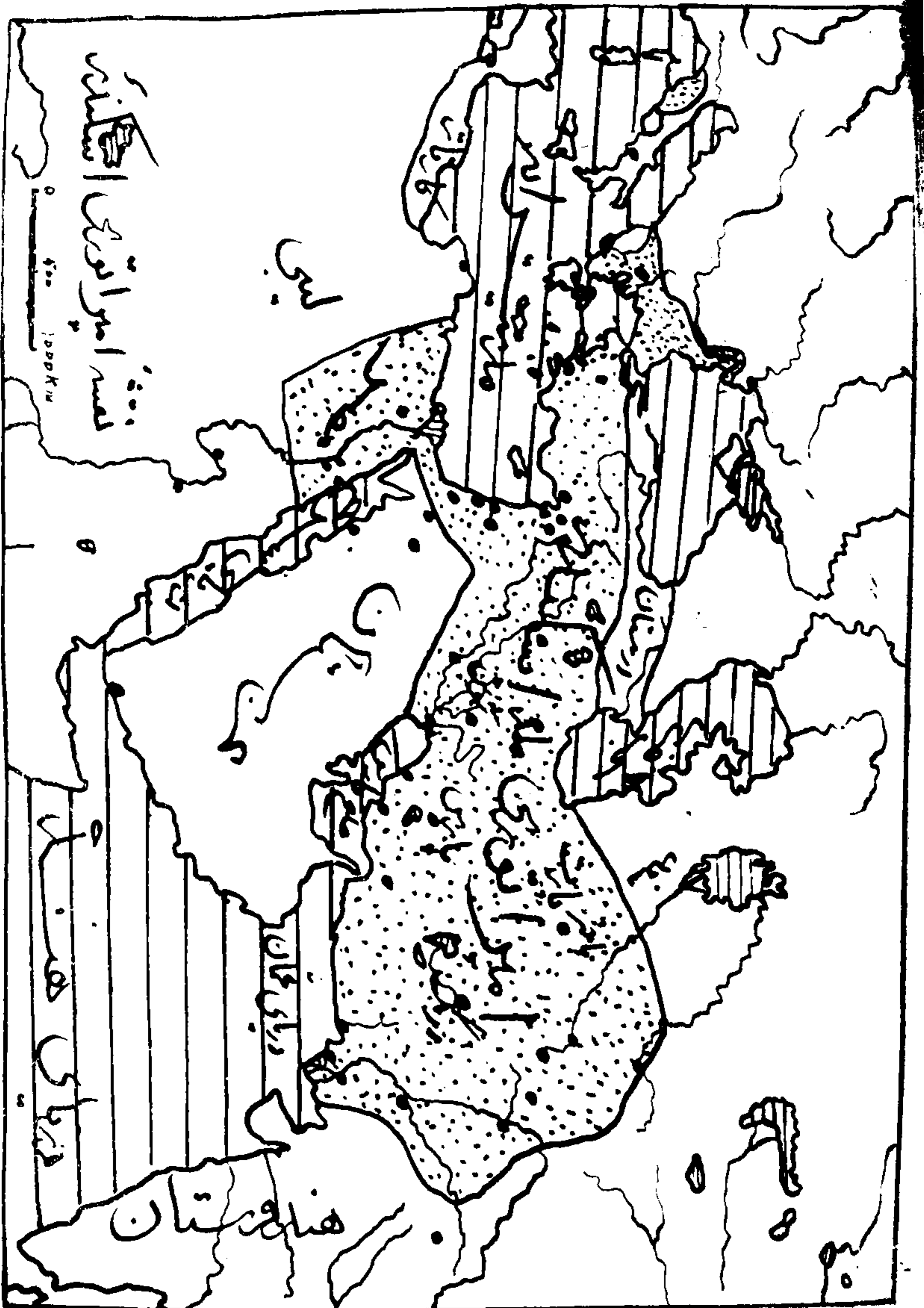
و شکست شاهنشاهی معظم ایران نه تنها وضع سیاسی و اجتماعی دنیای آنروز را دگرگون ساخت بلکه از لحاظ اقتصادی انقلابی بس عظیم تولید کرد زیرا دولت مقدونی بسیار فقیر بود و دستگاه مالی آن، بواسطه جنگهای پی در پی فیلیپ و مخارج لشگریان، روبرو شکستگی میرفت.

موقعی که اسکندر بسلطنت رسید در خزانه مقدونی فقط ۶ تالان سکه نقره و چند ظرف طلا و نقره موجود بود. لذا اسکندر برای تهیه وسایل جنگی مجبور بقرض شد. ولی این فقر مالی دوامی نکرد و باتسخیر مناطق مهم و شهرهای آباد

بقیه از صفحه قبل

ع

خودستائی بجدی در او قوی بود که بارها مورد سلامت استادش قرار گرفت و نصایح و تعلیمات فلسفی در او مؤثر واقع نشد. اسکندر در ابتدای کار با از بین بردن مدعیان و شدت عمل درباره کسانی که در قتل پدرش دست داشتند ب مردم مقدونیه و یونان فهماند که قدرت مطلق را در دست دارد و کسی را یارای مخالفت با او نیست و برای حمله بآمیای و تسخیر شاهنشاهی ایران مصمم میباشد. ناچار نمایندگان یونان که از طرف او در کثرت دعوت شده بودند باتفاق او را به سپهسالاری کل قوای یونان برگزیدند. اسکندر پس از اطمینان از وضع داخلی یونان بتدارک قوا و وسایل جنگی برای حمله بایران پرداخت. داریوش سوم که قبل از مرگ فیلیپ در صد جنگ با او بود پس از وی تصور کرد که خطر از طرف مقدونیهها مرتفع شده است از اینرو هنگامیکه خبر فتوحات اسکندر و سپهسالاری او را برای جنگ با ایران شنید برای مقابله با او اقدام کرد که متأسفانه بشکست ایران منتهی گردید. البته شرح محاربات اسکندر از بحث ما خارج است فقط ناگزیریم این نکته را یاد آوری کنیم که اسکندر از سال ۳۳۴ تا ۳۳۲ قبل از میلاد کلیه ایالات ساحلی دریای مدیترانه را بتصرف آورد آنگاه به تسخیر نواحی ساحلی فینیقیه محل تمرکز قوای بحری ایران پرداخت و سپس بطرف مصر روانه شد و در فاصله سالهای ۳۳۱ - ۳۳۰ از دجله و فرات گذشت و در جلگه آربل بداریوش حمله کرد و عدم لیاقت و خیانت چندتن از سرداران و ساتراپها مانند سازه والی بابل باعث سقوط مملکت پهناور و دستگاه عظیم شاهنشاهی ایران گردید. در نتیجه مقدونیهها بداخل ایران راه یافتند و پایتختهای هخامنشی و شهرهای آباد یکی پس از دیگری با ذخایر بی حد و حصر بدست آنها افتاد.



و پرثروت مانند بابل و شوش و تخت جمشید و کباتان، غنائیم و ذخایر بیشمار بدست آورد. عده‌ای از سورخان عقیده دارند که حمله اسکندر بایران و همراهی یونانیها برای از بین بردن شاهنشاهی هخامنشی صرفاً جنبه اقتصادی داشته و منشاء آن خصومت و رقابت تجارتنی برای کوتاه کردن دست پارسیها از حوزه مدیترانه و درهم شکستن قدرت مالی آنان بوده است. اگرچه این موضوع نمیتواند دلیل قاطعی بر حمله اسکندر باشد، ولی باید آنرا یکی از علل هجوم مقدونیها بایران دانست.

اسکندر پس از فتح ایران تمام سعی خود را بکار برد که ارتباط بین مقدونیها و یونانیها و ایرانیها قرین دوستی باشد زیرا با فراست دریافته بود که شاهنشاهی ایران گرچه در ظاهر شکست خورده و از هر جهت پراکنده شده است ولی چون ریشه کهن و تمدنی قوی و قدیمی دارد اداره کردن آن بسهولت ممکن نیست و بهترین روش سیاست فرونریختن دستگاه اداری و مالی و ادامه طرز سابق میباشد، بنابراین

۱- در جنگ آربل، علاوه بر ذخایر جنگی و اشیاء نفیس و قیمتی، چهار هزار تالان پول نقد بدست مقدونیها افتاد. پس از خیانت والی بابل وقتی اسکندر وارد شهر گردید از خزانه بهر یک سپاهی که جمعاً در حدود پنجاه هزار تن بودند مبلغی اهدا کرد. مثلاً بهر سواره نظام یونانی در حدود ۶۰۰ درهم و پیاده نظام ۲۰۰ درهم بخشید. در خزانه سلطنتی شوش بحدی ذخایر جمع بود که نوشته مورخان بنظر افسانه میآید.

دیودورد و سیسیل مورخ یونانی فقط طلا و نقره را بمیزان چهل هزار تالان شمش طلا و نقره و نه هزار تالان در یک طلا سیگوید. در تخت جمشید بجز آنچه غارتگران، بخصوص فالانژ مقدونی، از مردم بدست آوردند صد و بیست هزار تالان بوده است و شمش هزار تالان نقره هم از پاسارگاد بان اضافه گردید که برای حمل آنها اسکندر مجبور شد از شوش و بابل وسیله بخواهد زیرا در محل بقدر کافی وسیله موجود نبود. پلوتارک گوید بر روی بیست هزار قاطر و پنجهزار شتر خزانه را حمل کردند و در تعقیب داریوش مقدار بی حد و حصر زر و سیم و اشیاء نفیس و پر بها بدست مقدونیها افتاد.

شاید همین ثروت بی حساب و تصرف خزاین و گنجینه‌های متعدد و مسحور کننده باعث غرور بی حد اسکندر و نقشه‌های تازه وی برای تصرف و بدست آوردن ممالک بیشتری گردید.

تقسیمات ایالات و ساتراپی‌ها بهمان نحو بدست بزرگان ایرانی بود و فقط در مواقع لزوم افسران مقدونی در امور شرکت می‌جستند و مالیاتها هم مانند دوره هخامنشی بوسیله فرمانروایان، اخذ میگردید.

اولین قدم اصلاحی اسکندر برای سهولت جریان امور اقتصادی در مناطق متصرفی ترتیب جدیدی بود که تناسب و ارزش پول ایران و یونان را مساوی می‌کرد. چنانکه سابقاً گفته شد، ترتیب پول طلا و نقره هخامنشی بتناسب یک دریک طلا در مقابل ۲ سیکل نقره بود و استاتر طلا ارزش ۲۴ درهم نقره را داشت لذا او استاتر طلا را مساوی در یک هخامنشی کرد و استاتر طلا ارزش ۲۰ درهم نقره را پیدا نمود.

فتوحات اسکندر در ایران باعث متوقف شدن کلیه ضربخانه‌ها نگردید و دریک طلا مانند گذشته رواج داشت و سزد سربازان و سزدوران با آن پرداخت میشد، و (شکل) سکه نقره هخامنشی در معاملات و کسب و دادوستد بکار میرفت و حتی بعضی از سکه شناسان از جمله ارنست بابلون فرانسوی، عقیده دارند که نه تنها دریک و سیکل در این دوران رواج کامل داشت بلکه نیم دریکی و دو دریکی هم در زمان اسکندر ضرب خورده است.

البته بسیاری از فرمانروایان چه آنهایی که در سمت خود ابقاء شدند و چه افرادی که اسکندر جدیداً آنها را منصوب کرد، در محل فرمانروائی خود اجازه ادامه ضرب سکه محلی نداشتند ولی بعضی از آنها مانند، مازو فرمانروای بابل، سکه زدند. سکه‌های مازو چنانکه شرحش در قسمت فرمانروایان هخامنشی داده شد بدین وضع است. در روی سکه بعل، که بعداً در سکه‌های سلوکیه از ثوس خدای یونانی خوانده شده است، بر روی چهار پایه‌ای نشسته و در پشت سکه نقش شیری که در حال راه رفتن است دیده میشود^۲ پس از مازو فرمانروایان دیگری نیز تا مدتی بضراب این نوع سکه‌ها

۱- سکه‌های با نقش شیر که در بابل ضرب شده تا دوره آنتیوکوس اول ضرب آنها ادامه داشته است.

۲- گاهی بر روی این نوع سکه‌ها علامات مختلف مانند لنگر کشتی، ستاره، زنبور یا یکی از حروف یونانی دیده میشود که ممکن است علامت ضربخانه یا اول اسم یکی از فرمانروایان باشد که در دوره او سکه ضرب شده است.

ادامه دادند که علامات روی سکه تا حدی مشخص نام آنها میباشد (ش ۹۳)



شکل ۹۳

برسکه های هیراپولیس نام اسکندر بخت آرامی بر روی آن نقر است. دودرهمی بوزن ۸/۰۲ گرم که روی آن خدای بعل بر تخت نشسته است و پشت سکه مردی سوار بر اسب در حال پرتاب نیزه میباشد و نام اسکندر در حاشیه سکه قرار دارد (ش ۹۴)



شکل ۹۴

آنچه در این دوره از لحاظ هنری قابل توجه است اختلاط دو تمدن ایران و یونان در یکدیگر میباشد که بهترین شاهد، سکه های این زمان است و سکه های اسکندر فاتح مقدونی و سرداران او از این تأثیر بی نصیب نبوده است. سکه های اسکندر بواسطه تنوع و نقش و زیبایی، بسیار جالب است و قسمتی از آنها که قطعاً برسکه اش را صنعتگری توانا و چیره دست تهیه کرده است جزء شاهکار های هنری میباشد. درباره سکه های اسکندر و تصویر وی بر روی آنها عقاید مختلفی مورد بحث است. بعضی نقش سکه را تصویر حقیقی او میدانند که بصورت چکی از خدایان جلوه گر شده است و برخی آنرا تصویر خیالی یکی از خدایان

المپا فرض میکنند. زیرا سکه های متعدد و متنوع اسکندر، از لحاظ نقش و تصویر یکسان و شبیه نیستند ولی آنچه منطقی تر و بصحت نزدیکتر میآید، این است که در ابتدا نقش سکه های اسکندر، بخصوص استاترهای طلای کلاه خود بسروچهاردرهمی های او که در یونان و مقدونیه ضرب خورده و از لحاظ هنری بسیار جالب است، تصویر حقیقی او بوده است ولی طول مدت (زیرا در حدود یک قرن و نیم پس از مرگ اسکندر ضرب سکه های وی ادامه داشته است) و ضرب های مکرر در ضربخانه های شهرهای یونان و آسیای صغیر و مصر و ایران و حتی هند^۲، سرزمینی که سپاهیان اسکندر خود را با آنجا رساندند، موجب شد که از شباهت تصویر اولی، اثری باقی نماند. سکه های اسکندر بدین طرح میباشد:

استاتر طلا که یک طرف آن تصویر اسکندر بوضع آتنا با کلاه خود بچشم میخورد و در طرف دیگر الهه فتح با بالهای گشاده ایستاده است (ش ۹۵).



شکل ۹۵

- ۱- Olympe در یونان قدیم بر کوههای بین مقدونیه و تسالی اطلاق میشده که بنا بر افسانه های کهن محل خدایان بوده است.
- ۲- این مسئله مورد بحث است که آیا بهمان نسبتی که اسکندر در آسیا پیشرفت میکرد بخراب سکه در هر محل اقدام مینمود؟ البته مسئله مورد نظر، ناحیه باختر و هند است که خوشبختانه در این اواخر بواسطه بدست آمدن سکه هایی در هند وضع آن تا حدی روشن گردیده است. سکه های کوچک ۵/۴ گرم که در یکطرف آنها نقش سر آتنا با کلاه خود است و در طرف دیگر عقاب با خوشه انگور و حروف EY دیده میشود و بنا به تحقیق B. Head علامت نام Eudemos است که نماینده اسکندر در ساتراپی هند بوده است و یا چهاردرهمی هائی که در یکطرف آنها تصویر زئوس و در طرف دیگر عقاب و خوشه انگور و نام اسکندر بخط یونانی نقر است.

چهاردرهمی های معروف که تصویر نیم تنه اسکندر بطرز هراکلس^۱ که کلاهی از پوست شیرنمه^۲ بر دارد، بر روی آنها نقش شده است و در پشت سکه زئوس خدای بزرگ یونان بر روی تخت نشسته و عصای قدرت و سلطنت مطلق را

بدست گرفته است و نام اسکندر بخط یونانی: ΑΛΕΞΑΝΔΡΟΥ

در کنار سکه نقر است.

چهاردرهمی بوزن $16/5$ گرم (ش ۹۶)^۳. اسکندر چون خود را فرزند خدایان



شکل ۹۶

میدانست علاقمند بود که بصورت آنان بر روی سکه ظاهر شود لذا پوست شیرنمه را که مظهر هراکلس است بجای کلاه بکار برد و پس از فتح مصر بر روی پوست شیر، شاخ قوچ، که مظهر خدای آمون^۴ است، بجای کلاه بکار رفته است.

درهم ونیم درهمی های اسکندر نیز از حیث نقش مانند چهاردرهمی ها میباشد درهم بوزن $4/1$ گرم (ش ۹۷)^۵ و ابول ($\frac{1}{16}$ درهم) بوزن $0/65$ گرم

است (ش ۹۸)

۱- Heraclés یا هرکول مظهر قدرت و نیرومندی، یکی از قهرمانان افسانه های قدیم

یونان میباشد.

۳- Nemé محلّی در یونان که هراکلس بواسطه قدرت بدنی، شیرهای آن محل را بدست

خود خفه کرد.

۳- در حفاری شوش کشف شده است

۴- Ammon خدای بزرگ مصر است

۵- از حفاری تخت جمشید بدست آمده است

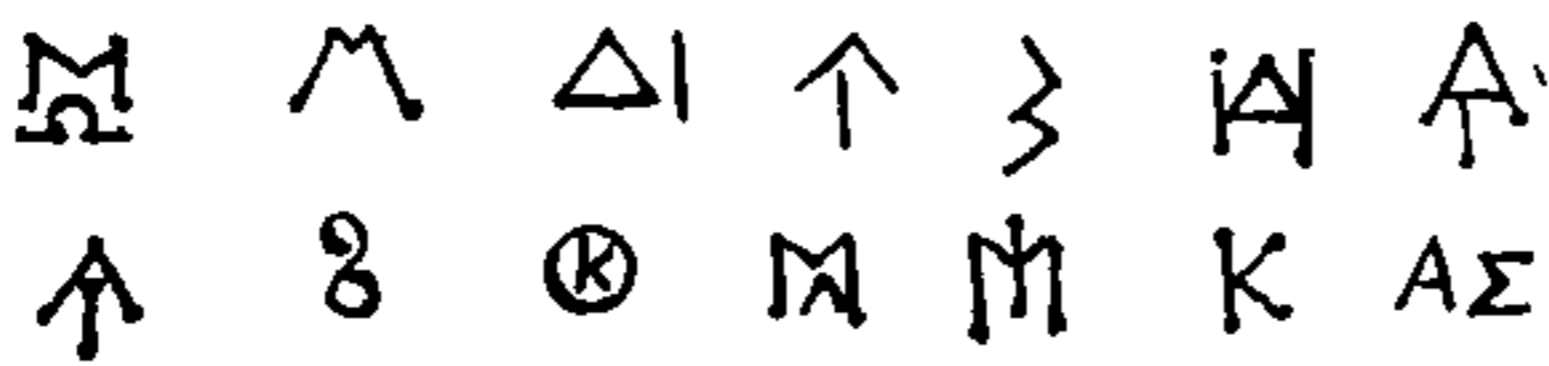
سکه های فاتح مقدونی که خارج از یونان ضرب خورده است و بضرب آسیائی



شکل ۹۸

شکل ۹۷

معروف است، تحت نفوذ هنر محلی قرار گرفت و از لحاظ نقش و نوشته، متفاوت می باشد. نوشته این سکه ها بخط یونانی و یا آرامی است و گاهی بجای عقاب، که معمولاً در پشت سکه بردست زئوس قرار دارد، نیم تنه اسب منقور است و در کنار سکه خوشه گندم و یا لنگر و شاخه گل و علامات مختلف (ش ۹۹) ضربخانه بر روی اغلب آنها مشاهده میشود.



شکل ۹۹

در حفاری سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ هیئت مشترک علمی ایران و انگلیس در بازار گاد، تعدادی چهاردرهمی و درهم اسکندر و سلوکوس اول بدست آمده است که از لحاظ نقش و ضرب بسیار جالب میباشد و بدون تردید سکه آنها بوسیله هنرمند قابلی تهیه گردیده است. بنابر تحقیق، سکه های اسکندر، مکشوفه در بازار گاد، ضرب شهرهای شوش و بابل و اکباتان و کاپادوکیه و آراد است یکی از چهاردرهمی ضرب آراد بدین ترتیب است:

روی سکه - تصویر اسکندر

۱- Monogramme عبارت است از علامت رمزی یا چند حرف از اول اسم که معرف

شهر یا نام نماینده دولت در ضربخانه باشد.

۲- این چهاردرهمی در مجموعه سوزه ایران باستان است

پشت سکه - زئوس روی تخت نشسته و علامت ضرابخانه در زیر تخت قرار دارد و نام اسکندر در پشت زئوس کنار سکه نقر است .

ΑΛΕΞΑΝΔΡΟΥ ΒΑΣΙΛΕ... .

وزن سکه - ۱۶/۵ گرم است (ش ۱۰۰)



شکل ۱۰۰

پس از مرگ اسکندر و تقسیم متصرفات او بین سرداران، در وضع سکه تغییری پیدا نشد^۱ و اغلب آنها مانند کاساندر^۲ و آنتی گون^۳ و لیزیماک^۴ و بطلمیوس^۵

۱- پس از اینکه اسکندرنا گهان در گذشت، چون جانشینی تعیین نکرده بود بین سرداران و بزرگان مقدونی منازعه و شاجره در گرفت . یکی ، آریده برادر اسکندر را لایق این مقام میدانست و بعضی طرفدار هراکلس پسر اسکندر و برسین دختر آرتاباز ایرانی بودند . عده ای عقیده داشتند که منتظر شوند تا طفل رکسانه زن اسکندر بدنيا بیاید . بهرحال پس از مذاکرات فراوان باین نتیجه رسیدند که آریده پادشاه شود تا طفل رکسانه متولد گردد و پردیکاس نایب السلطنه باشد سپس سرداران اسکندر با حضور پردیکاس ممالک متصرفی را بین خود قسمت کردند ولی طولی نکشید که نفاق و جاه طلبی آنها باعث جنگهای خونین داخلی گردید مثلا پردیکاس با خصومتی که با بطلمیوس داشت برای سرکوبی او بمصر رفت ولی در شروع دیخاصات در سال ۳۲۱ قبل از میلاد بتحریک سرداران کشته شد .

۲- Cassandre پسر Antipator میباشد که پس از کشته شدن پردیکاس به نیابت سلطنت رسید باتسالونیک خواهر اسکندر ازدواج کرد و در سال ۳۰۱ قتل از میلاد بسطنت مقدونیه و یونان رسید .

۳- Antigone یکی از سرداران اسکندر بود که در ضمن تقسیم (بقیه پاورقی در صفحه بعد)

بهمان طرز اسکندر سکه زدند و فقط نام آنها بجای نام اسکندر گذاشته شده است .
مثلا در سکه های کاساندر و آنتی گون تصویر، همان تصویر اسکندر است و سکه های
لیزیماک مانند چهاردرهمی های اسکندر دارای تزیین سر باشاخ قوچ آمون خدای
مصر است ولی نقش صورت تصویر حقیقی او میباشد. (ش ۱۰۱)



شکل ۱۰۱

بطلمیوس در مصر بضرب سکه هایی نظیر سکه های اسکندر اقدام کرد ولی
از سال ۳۰۶ قبل از میلاد بعد تغییر محسوسی در نقش سکه های او دیده میشود .
سلوکوس (۳۱۲ - ۲۸۰ قبل از میلاد) در ابتدا مانند لیزیماک نظیر سکه های

بقیه از صفحه قبل

سماکک تصرفی اسکندر، فرمانروایی پامفیلی و فریکیه و لیکیه نصیب وی گردید ولی حس جاه طلبی
در او بعدی شدید بود که بان نواحی اکتفا نکرد و پس از جنگهای متوالی قسمت مهمی
از ایالات داخلی ایران و آسیای صغیر و سوریه و فینیقیه را ضمیمه فرمانروایی خود ساخت
و چون قدرت او زیاد گردید، سلوکوس و بطلمیوس و کاساندر برضد او قیام کردند و وارد
جنگ شدند و چون باز در سال ۳۰۶ آنتی گون خود را رسماً شاه خواند و به ادعای مقام شاهنشاهی
برخواست مورد هجوم مجدد رقیبا قرار گرفت و در جنگ با سلوکوس، که از فیلهای جنگی
استفاده، بیکرد کشته شد (۳۰۱ قبل از میلاد)

۴- Lysimachus یکی از سرداران اسکندر که بسطنت تراکیه رسید (۳۲۳ - ۲۸۱

قبل از میلاد)

۵- Ptolemée یکی از سرداران اسکندر بود که پس از تقسیم متصرفات بین سردارانش

مملکت مصر با او گذار شد و مؤسس سلسله پطالسه گردید (۳۲۳ - ۲۸۵ قبل از میلاد)

اسکندر بانام خود سکه زد حتی در سال ۳۱۲ قبل از میلاد که سال تسخیر مجدد بابل و مبدأ سال سلوکیهاست و سلوکوس در نهایت قدرت بود، بر روی سکه فقط بنام خود اکتفا کرد و عنوانی بکار نبرد ولی شش سال بعد یعنی در سال ۳۰۶ که خود را شاه خواند، عنوان شاه را بنام خود بر روی سکه افزود.

سکه های سلوکوس بسیار زیبا و خوش نقش و از حیث طرح متنوع میباشد. استاتر طلا بوزن ۸/۶ گرم که در یک طرف تصویر آتنا با کلاه خود کرتنی و طرف دیگر الهه فتح، منقوش است (ش ۱۰۲)



شکل ۱۰۲

۱ - سلوکوس پسر آنتیوکوس یکی از سرداران فیلیپ مقدونی پدر اسکندر بود که همراه اسکندر با آسیا آمد و بواسطه رشادت و شجاعتش در جنگها مورد توجه او قرار گرفت و بفرماندهی پیاده نظام گارد سلطنتی منصوب شد، پسر اسکندر در شوش با آپامه (Apama) دختر (Spitamene) اسپي تاسن ایرانی که اهل باختر بود، ازدواج نمود. پس از مرگ اسکندر و نیابت سلطنت پردیکاس چون مورد توجه و اطمینان پردیکاس بود فرماندهی سوار نظام را که قبلا خودش داشت با او واگذار کرد و در جنگهای کاپادوکیه و پی سیدی و مصر همراه او بود. در سال ۳۲۱ قبل از میلاد پردیکاس در اثر توطئه سرداران، بخصوص سلوکوس، کشته شد. در دوره نیابت سلطنت آنتی پاتر (Antipater) فرمانروای بابل گردید ولی آنتیوکوس که زیاد پر قدرت شده بود و میل نداشت که سایر سرداران اسکندر مانند او دستگاه معظمی داشته باشند به بابل رفت و سلوکوس که اوضاع را وخیم دید رهسپار مصر شد و به بطلمیوس پناه برد و با کمک لیزیماک و کاساندر با آنتیوکوس بجداال پرداخت و سرانجام پس از زد و خورد های متعدد در سال ۳۱۲ قبل از میلاد وارد بابل شد و مستقر گردید و آنگاه با جنگ بانیکانور (Nicanor) شوش و ماد را ضمیمه متصرفات خود کرد و در سالهای بعد نواحی شرقی ایران تا باختر و هند را بدست آورد.

چهاردرهمی بوزن ۱۶/۷ گرم

برروی سکه - تصویر نیم رخ سلوکوس با کلاه خود، که باشاخ گاو میش^۱ تزئین شده، دیده میشود و پشت سکه الهه فتح در مقابل غنائم جنگی که عبارت از کلاه خود و سپر وزره است ایستاده و با شاخه خرزهره، که آنها علامت فتح است، آنها را تقدیس میکند، در حاشیه سکه نام شاهزاده سلوکی و در زیر الهه علامت خرابخانه، نقر است. (ش ۱۰۳)^۲



شکل ۱۰۳

چهاردرهمی هائی از سلوکوس اول با کلاه خود و علامت فتح در سال ۱۳۴۲ در بازار گاد، کشف گردید که از لحاظ هنری بسیار با ارزش می باشد. اینک نمونه ای از آنها^۳.

روی سکه - تصویر نیم رخ سلوکوس با کلاه خود.

پشت سکه - علامت فتح بصورت کاملی نقش است و نام سلوکوس بخط یونانی

در دور سکه قرار دارد و بین الهه و غنائم جنگی علامت

خرابخانه، نقر است.

۱ - شاخ گاو میش برروی سکه های سلوکوس مانند شاخ قوچ برروی سکه های اسکندر که مظهر آسون بود مظهر قدرت است زیرا از زمانهای بسیار قدیم برروی سیلندرهای سور و آنادوخیلام و آشور و بابل، گاو میش که مظهر قوت و برتری است جلوه گری مینماید و سلوکوس که خود را جانشین شاهان قدیم مشرق میدانست این مظهر را برای خود برگزیده است.

۲ - از مجموعه موزه ایران باستان

۳ - از مجموعه موزه ایران باستان

وزن سکه - $16/8$ گرم (ش ۱۰۴)



شکل ۱۰۴

چهار درهمی های سلو کوس با تصویر هراکلس که پوست شیرنمه را بسر دارد، مانند سکه های اسکندر می باشد.



شکل ۱۰۵

استاتر طلا بوزن $8/6$ گرم

روی سکه تصویر سلو کوس و در پشت آن سراسب که با دوشاخ گاو تزیین شده است، و نام سلو کوس بخط یونانی در حاشیه سکه قرار دارد

(ش ۱۰۵) ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΣΕΛΕΥΚΟΥ

سکه های دیگری از سلو کوس موجود است با نقش نیم تنه اسب در یک طرف و لنگر در طرف دیگر، و یا سکه بسیار جالبی که بر روی آن نقش زئوس می باشد و در

۱- نقش اسب بر روی سکه های سلو کوس بدین مناسبت است که او مدتی فرمانده

سوار نظام بوده و اسب بنظر سوار است و یا خواسته اسب محبوب اسکندر (Bucéphale) را در خاطره ها زنده کند.

پشت سکه، آتنا سوار بر گردونه‌ای است که چهار فیل آنرا میکشند^۱.

بر روی اغلب سکه های سلوکوس علامت لنگر^۲ و علامات متنوع دیگری منقوش است.

پس از مرگ سلوکوس در ۲۸۰ قبل از میلاد، شاهان سلوکی یکی پس از دیگری، در طول سلطنت خود یعنی تا سال ۸۴ قبل از میلاد سکه زدند که تقریباً از لحاظ طرح بیکدیگر خیلی شبیه بودند. بر روی سکه، تصویر حقیقی آنها و در پشت سکه بیشتر نقش زئوس یا آپولون^۳ نقر است. در بین سکه های این پادشاهان سکه های آنتیو کوس بزرگ و دستریوس اول و اسکندر بالا، از لحاظ هنری قابل توجه می باشد. چهار درهمی آنتیو کوس اول (ش ۶-۱۰)^۴

۱- نقش فیل بخاطر فنوحات هند است که سلوکوس شاندر را گوپتارا بنا بر مصاحبت در سلطنت خود ابقاء کرد و او در عوض بسلوکوس . . . فیل داد.

۲- درباره این نقش افسانه های متعدد نقل شده است مثلاً آپی بن (Appien) مورخ یونانی در قرن دوم میلادی چنین نقل کرده است که لائودیسه (Laodicè) مادر سلوکوس وقتی حامله بود در عالم خواب قطعه آهنی که نقش لنگر بر روی آن نقر بود، در خواب دید و وقتی بیدار شد آن قطعه منقوش را در کنار خود یافت و ژوستن (Justin) مورخ معروف، آن افسانه را بدین سان روایت کرده است: مادر سلوکوس از شوهرش باردار نشد بلکه آپولون خدای یونان پدر اوست و آپولون برای یادگار انگشتی باو داد که نقش لنگر بر روی آن بود و وقتی طفل (سلوکوس) بدنیا آمد بر روی رانش نقش لنگر دیده میشد و پس از او فرزندان او نیز همین نقش را در بدن داشتند. البته این روایات جنبه افسانه ای دارند و عاری از حقیقت می باشد. بعلاوه قبل از سکه های سلوکوس این علامت بر روی چند سکه اسکندر دیده شده است و آنچه بنظر صحیح میرسد این است که لنگر، مظهر بابل است و آنهم علامت اتحاد ملاحان فرات بود که سلوکوس پس از تصرف بابل آن علامت را برای خود برگزید.

۳- علاوه بر این نقوش، نقشهای دیگری چون علامت فتح و فیل و بخصوص آپولون نشسته یا ایستاده که تقلیدی از مجسمه اصلی اوست که در مرکز شهر انطاکیه برپا بود بر روی سکه نقر است.

۴- از مجموعه موزه ایران باستان

روی سکه - تصویر نیم رخ آنتیوکوس



شکل ۱۰۶

پشت سکه - آپولون بر روی تخت نشسته و دو غلامت و نام شاه سلوکی بخط

یونانی در کنار سکه نقر است^۱

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΝΤΙΟΧΟΥ

وزن - ۱۶ گرم

درهم آنتیوکوس اول (ش ۱۰۷)^۲ بوزن ۴ گرم، که از حیث طرح نظیر چهار

درهمی میباشد.



شکل ۱۰۷

چهاردرهمی دستریوس اول (ش ۱۰۸)^۳

روی سکه - تصویر نیم رخ دستریوس

۱- شاه آنتیوکوس

۲- از مجموعه سوزه ایران باستان

۳- از مجموعه سوزه ایران باستان

پشت سکه - زئوس بر تخت نشسته است و در طرفین او نام دمتریوس و سه

علامت نقر است^۱ :

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΔΗΜΗΤΡΙΟΥ^۱

وزن - ۱۷ گرم



شکل ۱۰۸

چهاردرهمی اسکندر بالا (ش ۱۰۹)^۲



شکل ۱۰۹

روی سکه - تصویر بسیار زیبای شاه سلوکی

پشت سکه - زئوس بر تخت نشسته و در دست چپ عصای سلطنت و قدرت را

بدست گرفته است و در دست راست او الهه فتح که تاجی با او تقدیم میکند، قرار دارد .

۱- شاه دمتریوس

۲- از مجموعه بوزه ایران باستان

در طرفین زئوس در چهار ردیف نام والقباب اسکندر بالا نقر است^۱

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΛΕΞΑΝΔΡΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΥ
ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ

وزن - ۱۶/۶۵ گرم

سلوکیها که از سال ۲۰۰ قبل از میلاد از یکسو گرفتار پارتها و از سوی دیگر گرفتار باختریان بودند در سالهای بعد بواسطه گرفتاریهای داخلی و جنگهای پی در پی با مصریها و دولتهای آسیای صغیر و رسیها و پارتیها با قدری ضعیف شدند که مدنی فقط قسمتی از سوریه را در دست داشتند. ولی سرانجام وضع آنها با نقرانش منتهی گشت. بر روی سکه های سلوکی که در ابتدا نام شاه والقباب او بخط یونانی بود از زبان آنتیوکوس چهارم علاوه برخط یونانی گاهی خط آرامی نیز بکار برده شد. بر روی سکه های سلوکی اغلب علامت خرابخانه و سال ضرب، بسال سلوکی، و گاهی اول اسم شهری که سکه در آن ضرب شده، قرار دارد.

سلوکیها علاوه بر نقره که بمقدار زیادی سکه زدند طلا و مس نیز بکار بردند و طلا را بیشتر برای تجارت باهند، سکه میزدند لذا پس از آنکه نواحی شرقی و هند از تصرف سلوکیها خارج گردید، سکه طلا هم جای خود را تقریباً بنقره واگذار کرد و بندرت در مواقع بخصوص یا پیش آمدی فوق العاده از آن برای سکه استفاده شد. چنانکه استرانتیوکوس سوم که ضرب خرابخانه انطاکیه میباشد متعلق بزمانی است که آنتیوکوس از فتح شرق و باختر برگشته است و استرانتلا در حقیقت مانند مدالی میباشد که او در پایتخت بمناسبت پیروزی، منتشر کرده است.

استرطلای دمتریوس اول که تصویر شاه و سلکه لائودیسه^۲ بر روی آن منقوش

۱ - شاه اسکندر پسر خدا نیکوکار

۲ - Laodicé

است بهمناسبت عروسی آندو، ضرب شده است. برای آخرین بار در زمان اسکندر دوم سلوکی، سکه طلا در انطاکیه رایج شد و آنهم سوغعی است که شهر تحت محاصره قرار گرفت و اسکندر دوم برای نجات خود از خزانه معبد زئوس مقداری طلا برداشت و برای پرداخت مزدوران و سربازانی که هنوز با او همراه بودند، سکه زد.

بنابراین، برای جریان معاملات داخلی، سکه های نقره بکار میرفت و سکه های آندوره بنا بر وزن آتیکه بوده است. چهار درهمی ها بوزن تقریباً ۱ گرم و درهم ۴ گرم، ولی هر قدر ستاره قدرت سلوکیهارو با فول میرفت، سکه هم نظم و وزن ثابت را از دست میداد، بطوری که از دوره دستریوس اول چهار درهمیها تقریباً بوزن ۱۰ گرم میرسند. بجز سکه های چهار درهمی و درهم نقره بمقدار کمتری، سکه های کوچکتر در این دوران ضرب شده است ولی برای تقسیمات کوچکتر برنز بکار برده شده است و در خان آندوره سکه های برنزی را علامت بیچارگی و تنگدستی معرفی کرده اند. سکه های برنزی محلی بود و فقط در شهری که ضرب شده بود، مورد معامله قرار میگرفت و تناسب نقره و مس بنا بر نسبت ۱ به ۵ بوده است.

نقوش سکه های برنزی بسیار متنوع و جالب است و بهترین نمونه آنها سکه های سلوکی دجله است که تعداد زیادی از آنها در حفاریهای شوش بدست آمده است.^۱ نقوش روی سکه بنا بر میل هنرمند حکاک یا مدیر ضربخانه و یا دستور زمامدار محلی نبوده بلکه نقش سکه ها انعکاس مذهب مردم هر شهری است که ضربخانه در آن دایر بوده است.

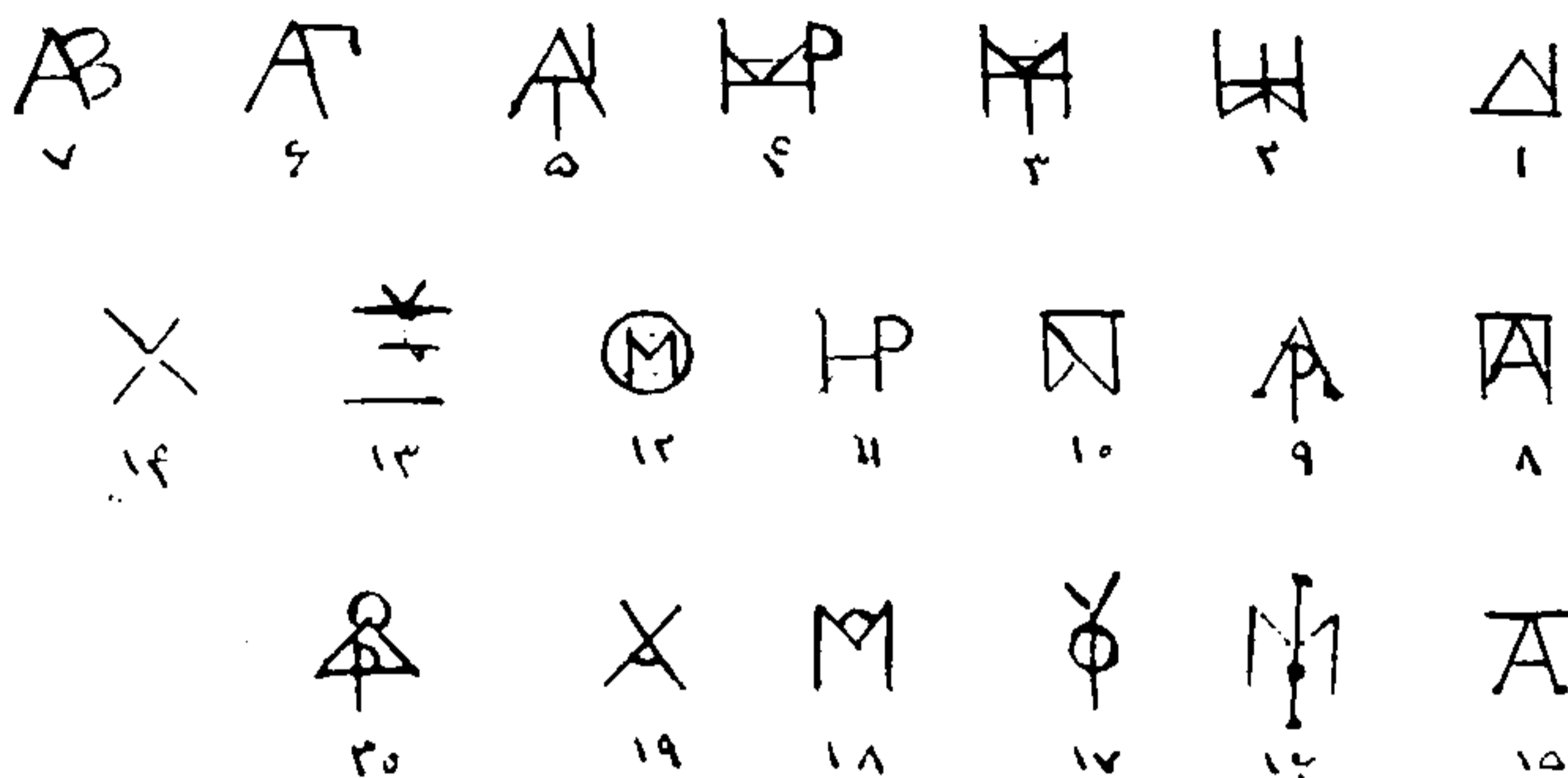
بر روی سکه های سلوکیه دجله، نقش آرتمیس کمان بدست^۲ یا الهه شهردیده میشود که شاخه خرما بدست دارد و یا الهه بر روی تخت سنگی نشسته است. سکه سلوکی دجله بدون وقفه بهمین طرز در دوره اشکانی نیز ادامه پیدا کرده است.

۱- سلوکی دجله یکی از شهرهای مهم و پایتخت سلوکیها بوده که بعد بتصرف اشکانیها درآمد

۲- برای مطالعه سکه های سلوکی دجله به مجلد ۲۰ رساله هیئت حفاری علمی شوش

مقاله دکتر Unvala صفحه ۱۱۰ مراجعه شود.

طرح چند علامت بر روی سکه های سلوکی (ش ۱۱۰)^۱



شکل ۱۱۰

اسامی شاهان سلوکی

سال سلوکی	قبل از میلاد	
۳۱-۶	۲۸۱-۳۱۲	سلوکوس اول
۵۱-۳۱	۲۶۱-۲۸۱	آنتیوکوس اول (بزرگ)
۶۶-۵۱	۲۴۶-۲۶۱	آنتیوکوس دوم
۸۶-۶۶	۲۲۶-۲۴۶	سلوکوس دوم ^۲
۸۵	۲۲۷	آنتیوکوس هیراکس
۹۰-۸۶	۲۲۲-۲۲۶	سلوکوس سوم

۱- علامت شماره (۱ تا ۸) مربوط به سکه های سلوکوس اول و از (۹ تا ۱۴) آنتیوکوس اول و آنتیوکوس دوم و سلوکوس دوم و از (۱۵ تا ۱۷) آنتیوکوس سوم و از (۱۸ تا ۲۰) دمتریوس اول و اسکندر بالا میباشد.

۳- سلوکوس دوم در سال ۲۳۵ قبل از میلاد در بابل قوای مجهزی تهیه کرد و بسوی مشرق برای سرکوبی پارتها روانه شد. اول پارتها شکست خوردند ولی با اتحاد دیودوت (Diodotès) پادشاه باختر که سلطنتی مستقل تشکیل داده بود، سلوکیها مجبور به عقب نشینی و مراجعت بسوریه شدند.

۹۰	۲۲۲	آنتیو کوس (پسر سلو کوس سوم)
۱۲۶-۹۰	۱۸۷-۲۲۲	آنتیو کوس سوم
۹۲-۹۰	۲۲۰-۲۲۲	سولون
۹۷-۹۰	۲۱۵-۲۲۲	آکتوس
۱۳۸-۱۲۶	۱۸۵-۱۸۷	سلو کوس چهارم
۱۴۹-۱۳۸	۱۶۴-۱۷۵	آنتیو کوس چهارم
۱۵۱-۱۴۹	۱۶۲-۱۶۴	« پنجم
۱۶۲-۱۵۱	۱۵۰-۱۶۲	دمتریوس اول
۱۶۷-۱۶۲	۱۴۵-۱۵۰	اسکندر بالا (اول)
۱۷۵-۱۶۶	۱۳۸-۱۴۶	دمتریوس دوم (دوره اول سلطنت)
۱۷۰-۱۶۷	۱۴۲-۱۴۵	آنتیو کوس ششم
۱۷۴-۱۷۰	۱۳۹-۱۴۲	تریفون
۱۸۳-۱۷۴	۱۲۹-۱۳۸	آنتیو کوس هفتم
۱۸۷-۱۸۲	۱۲۵-۱۳۰	دمتریوس دوم (دوره دوم سلطنت)
۱۹۰-۱۸۴	۱۲۳-۱۲۸	اسکندر دوم
۱۸۶	۱۲۵	سلو کوس پنجم
۲۱۶-۱۸۷	۹۶-۱۲۵	آنتیو کوس هشتم
۲۱۷-۱۹۶	۹۵-۱۱۶	« نهم
۲۱۷-۲۱۶	۹۵-۹۶	سلو کوس ششم

۱- آنتیو کوس سوم در سال ۲۱۲ بالمشگریان سهمی برای جنگ با پارتها که با همسایگان خود، دولت باختر و ارمنستان متحد شده بود، حرکت کرد و چون نتوانست پارتها را باطاعت وادارد با آنها صلح کرد.

۲- دولت پارت در اینموقع در نهایت قدرت بود و نواحی شوش و ماد و پارس را سهرداد اول ضمیمه متصرفات خود ساخت و دمتریوس دوم شکست خورد و اسیر گردید.

۱۶۳	اسکندر وسلوکیها	
۲۲۹-۲۱۸	۸۳-۹۴	آنتیوکوس دهم
۲۲۰	۹۲	« یازدهم
۲۲۹-۲۲۰	۸۳-۹۲	فیلیپ اول
۲۲۵-۲۱۷	۸۹-۹۵	دستریوس سوم
۲۲۸-۲۲۵	۸۴-۸۹	آنتیوکوس دوازدهم ^۱
۲۴۸-۲۴۳	۶۴-۶۹	« سیزدهم
۲۴۸-۲۴۴	۶۴-۶۸	فیلیپ دوم

در زمان دستریوس دوم جنگها و رقابتهای داخلی اساس و استحکام دولت سلوکی را متزلزل کرد و از دوره سلو کوس هشتم انحطاط و سقوط آنها قطعی گردید و هریک از شاهزادگان چند روزی در منطقه‌ای حکومت کردند تا سرانجام وقتی آنتیوکوس سیزدهم در سال ۶۴ قبل از میلاد مطابق ۲۴۸ سال سلوکی کشته شد و تمام آن منطقه بدست سردار روسی پومپه^۲ افتاد و جزو متصرفات روم گردید .

۱- مهرداد دوم که سایل بود تمام سوریه را جزو متصرفات خود کند ابتدا بکوماژن (Commagène) حمله برد و آنتیوکوس دوازدهم که خطر را در سرحد مملکت خود میدید بکمک لائودیسه (Laodicé) دختر آنتیوکوس هشتم که ملکه قسمتی از سرزمین سوریه بود رفت ولی در این جنگ کشته شد .

۲- Pompée

کاپادوکیه

کاپادوکیه 'جزو دولت ساد بود که در دوره هخامنشی در تقسیمات کشوری جزو ایالت سوم گردید. از وضع سکه آن منطقه در شرح سکه های فرمانروایان از جمله (داتام) مختصری گفته شد. در زمان اسکندر کاپادوکیه استقلال خود را حفظ کرد، یعنی اجل با اسکندر مهلت حمله بآن نواحی را نداد و پس از مرگ او پردیکاس با آریارات که نوۀ داتام و بعد از پدرش بسلطنت رسیده بود داخل در جنگ شد و او را کشت لذا وضع کاپادوکیه مدتی بواسطه مبارزات سرداران اسکندر روشن و ثابت نبود و این مملکت کوچک دست بدست میگشت تا کمی بعد باز استقلال خود را بدست آورد و آریامنس^۲ پسر آریارات دوم، دختر آنتیوکوس دوم سلوکی را برای پسرش گرفت و تقریباً از این مدت ارتباط آنها با سلوکیها بیشتر شد، چنانچه آریارات سوم بکمک آنتیوکوس چهارم با روسیها جنگ کرد. بعد از مرگ آریارات چهارم در سال ۱۳۱ قبل از میلاد کاپادوکیه تحت نفوذ دولت پنت درآمد و سپس تابع روم گردید و آریوبرزن^۳ که ایرانی بود، از طرف روسیها بسلطنت رسید.

در زمان امپراطوری تیبریوس^۴ کاپادوکیه جزو روم گردید.

سکه های کاپادوکیه از آریارات اول (۳۳۰-۳۲۲ قبل از میلاد) شروع میشود

۱- کاپادوکیه از طرف شمال بدریای میاه و از سمت جنوب بکیلیکیه و از جانب مشرق برودفرات و از طرف مغرب برود هالیس محدود بوده است.

۳- Ariobarzan

۲- Ariamnés

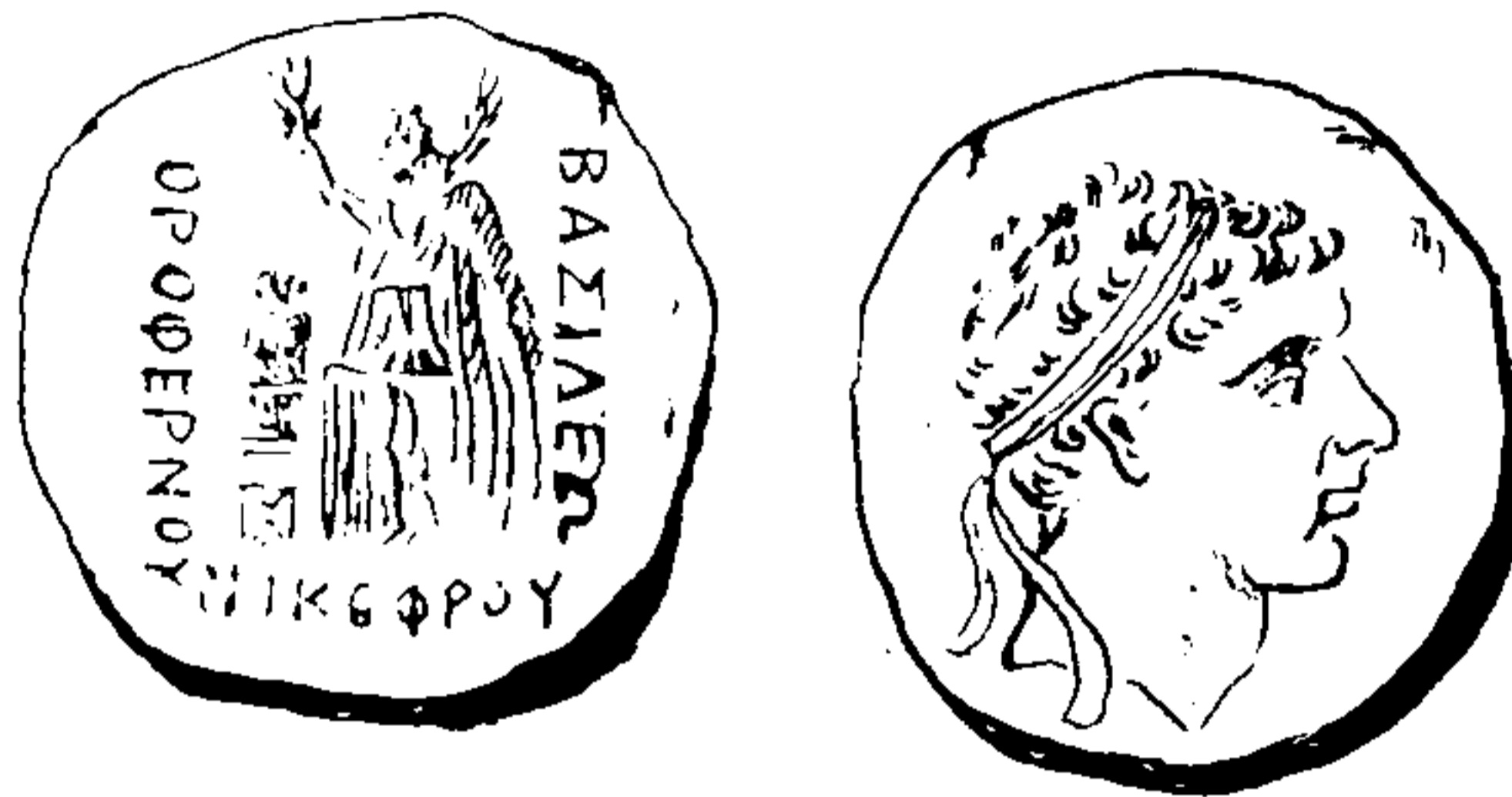
۴- Tibérius

۵- پس از تقسیم امپراطوری روم بدو قسمت بشرقی و غربی، کاپادوکیه ایالتی از روم شرقی (بیزانس) بود و سپس در دوره سلجوقی جزء آن مملکت گردید.

و بسکه آرچه لائوس^۱ خاتمه پیدا میکند . سکه شاهان این سرزمین از حیث نقش بیکدیگر شبیه می باشند و بر روی سکه تصویر شاه و الهه فتح و علامت خرابخانه منقور است .

چهاردرهمی اروفرن^۲

روی سکه - تصویر نیمرخ اروفرن



شکل ۱۱۱

پشت سکه - الهه فتح که شاخه خرما بدست گرفته است . ایستاده و نام و القاب شاه بخط یونانی و علامت خرابخانه در سه طرف الهه ، نقر است (ش ۱۱۱)^۳

اسامی شاهان کاپادوکیه که دارای سکه میباشند

آریارات اول	۳۳۰-۳۲۲ قبل از میلاد
« دوم	« ۳۰۱-۲۸۰
آریام نس	« ۲۸۰-۲۳۰
آریارات سوم	« ۲۴۰-۲۲۰

۱- Archelaus (پس از مرگ این شاهزاده کاپادوکیه در سال ۱۷ بعد از میلاد جزو ایالات رم قرار میگردد) .

۲- Orophernès

۳- این نقش از تاریخ سکه بارکلی و . هـ ، است :

Historia Numérum Barclay. V. Head ، صفحه ۷۵ .

آریارات چهارم (اوزبسی) ^۱	۲۲۰-۱۶۳ قبل از میلاد
« پنجم	۱۶۳-۱۳۰
« آروفرن	۱۵۸-۱۵۷
« آریارات ششم	۱۲۵-۱۱۱
« هفتم	۱۱۱-۹۹
« هشتم	۹۹-۹۷
« نهم	۹۹-۸۷
« آریوبرزن اول	۹۵-۶۲
« دوم	۶۲-۵۲ ^۴
« سوم	۵۲-۴۲
« آریارات دهم	۴۲-۳۶
« آرخه لائوس	۳۶-۱۷

پنت

سرزمین پنت در شمال شرقی آسیای صغیر در کنار دریای سیاه واقع بود شاهان پنت پارسى نژاد و از خاندان هخامنشی بشمار میرفتند^۲ و مهرداد پسر اروناتوبات^۳، جد شاهان پنت، در دوره سلطنت اردشیر دوم در سال ۳۸۷ قبل از میلاد پس از معاهده معروف آنتالسیداس^۴ شهر کیوس^۵ را بتصرف درآورد و بعد پسرش آریوبرزن^۶

۱- Eusebès

۲- بنا بر روایت آپیان (Appian) نسب شاهان پنت بداریوش اول میرسد

۳- Orontobate

۴- راجع به معاهده آنتالسیداس بقسمت فرسانروایان هخامنشی وسکه های تری باز مراجعه شود.

۵- Cios شهر یونانی در کنار دریای (Propondite) (سریره امروزه)

۶- Ariobarzane

فرمانروای فریگیه با کمک یونانیها و اسپارتیها با ارتاباذوداتام وارونت، فرمانروایان هخامنشی در آسیای صغیر متحد شدند و بر ضد شاهنشاه هخامنشی اردشیر سوم قیام کردند ولی نقشه آنها بواسطه خیانت پسر آریوبرزن که نامش مهرداد بود بهم خورد. زیرا او ابتدا از راه حيله داتام را کشت، سپس پدرش را بآردشیر سوم تسلیم کرد. در دوره اسکندر، شهر کیوس نیز مانند سایر قسمتها بدست او افتاد ولی طولی نکشید که پس از مرگ اسکندر، مهرداد دوم مستقر گشت و در دوره اول جانشینان اسکندر بنا بمصلحت، هر روز با یکی از آنها میساخت و چون مورد سوء ظن قرار گرفت آنتیوکوس او را کشت و پسرش مهرداد سوم که مورد دینه آنتیوکوس بود و خیال کشتن وی را داشت، پس از مرگ او نواحی دیگری از جمله قسمتی از کاپادوکیه و پافلاگونی را متصرف شد و خود را شاه خواند. سکه های شاهان پنت در ابتدا مانند سکه های اسکندر بوده است ولی کم کم تأثیر هنرمحلی در طرز نقش سکه ها مشاهده میشود. شاهان پنت از زمان مهرداد چهارم بواسطه مواصلت با سلوکیها و ارتباط نزدیک با آنها کم کم عادات و آداب ایرانی را از دست دادند و از هر جهت بیونانیان نزدیک شدند. چندی بعد جنگهای متعدد بین شاهان پنت و رومیها در گرفت، در نتیجه پس از مرگ مهرداد ششم پسرش فرناک دست نشانده رومیها گردید.

شاهان اولی مانند مهرداد اول و آریوبرزن و مهرداد دوم و سوم سکه نزدند و سکه شاهان پنت از مهرداد چهارم شروع میشود و نوشته روی سکه بخط یونانی میباشد.

اسامی شاهان پنت که دارای سکه بودند:

مهرداد چهارم ۱۹۰-۲۵۰ قبل از میلاد

فرناک اول " ۱۵۷-۱۹۰

مهرداد پنجم " ۱۲۱-۱۵۷

" ششم (بزرگ) " ۶۳-۱۲۱

۱- مهرداد ششم آخرین شاه پنت یکی از بزرگترین سرداران دنیای قدیم بوده است که در اثر خیانت فرزندش که با رومیها هم دست شده بود و بنفع آنها برای بدست آوردن سلطنت عمل مینمود، پس از جنگهای متمادی بزندگی خود و دودخترش خاتمه داد.

چهاردرهمی مهرداد چهارم (ش ۱۱۲)



شکل ۱۱۲

روی سکه - تصویر نیمرخ مهرداد چهارم
پشت سکه - نام شاه

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΙΟΡΑΔΑΤΟΥ

و در وسط زئوس بر روی تخت نشسته و عصای سلطنت را بدست گرفته و در کف دست دیگر او عقابی نشسته است. در مقابل زئوس ماه و ستاره، مظهر خدایان خاندان مهرداد، منقوش است.

ارمنستان^۱

ارمنستان^۲ در حدود سالهای ۶۱۲ و ۶۱۰ قبل از میلاد جزء دولت ماد گردید و در زمان

۱- در اوایل هزاره اول قبل از میلاد ایرانیها در پیشرفت خود از جنوب بشمال در طول زاگرس و شمال شرقی تا نزدیک دریاچه وان و کوههای قفقاز به دولت آارات (Urartu) برخوردند، در این دوره و مدتی قبل از آن اغلب آشوریان با آاراتی هادر جنگ و ستیز بودند و سرانجام پس از مدتی ایرانیها موفق شدند دولت آارات و دولت مقتدر آشور را ساقط سازند و بنیان تشکیلات اولین شاهنشاهی بزرگ دنیا را پی ریزی کنند.

۲- سرزهای ارمنستان محدود بوده است: از شمال بکوههای قفقاز، از غرب به فرات علیا و از شرق برود ارس، و از جنوب بدریاچه وان.

کوروش جزء دولت هخامنشی شد و وقتی داریوش اول^۱ بتشکیلات و تقسیمات ایالات پرداخت این منطقه یکی از ایالات شاهنشاهی بشمار رفت و بنام ایالت سیزدهم خوانده شد و شاهنشاهان هخامنشی مانند سایر ایالات برای ارمنستان نیز فرماندار یا نایب السلطنه تعیین میکردند که تحت نظر شخص شاهنشاه عهده‌دار امور آنسامان باشد. چنانکه تریباز از طرف اردشیر دوم در زمانی که کوروش، شاهزاده هخامنشی، حکمران آسیای صغیر بود و با کمک یونانیها بر ضد برادرش قیام کرد^۲ بنیابت سلطنت ارمنستان منصوب گردید.

در سال ۳۹۳ قبل از میلاد تریباز نایب السلطنه و در حدود سال ۳۶۲ قبل از میلاد ارونت والی ارمنستان بوداند ولی هیچکدام در این منطقه سکه نزدند بلکه سکه‌های آنها، چنانکه سابقاً شرح داده شد، در ایالات دیگر ضرب خورده است.

اسکندر در حمله خود بایران متوجه ارمنستان نشد ولی در تقسیمات امپراتوری اسکندر، پس از کشمکشهایی، این منطقه جزء دولت سلوکی درآمد و سلوکوس اول، بنابر ترتیب شاهنشاهی هخامنشی، فرمانروایی از طرف خود برای آنجا تعیین کرد و این وضع ادامه داشت تا در دوره آنتیوکوس سوم که ارمنستان خود را تقریباً نیمه مستقل کرد^۳.

وقتی مهرداد هخامنشی شاه پنت، قسمتی از ایالات غربی ایران را از چنگ

۱- در کتیبه‌های بیستون و نقش رستم داریوش اول آرسینا را جزء ایالات مملکت خود نام برده است.

۲- کوروش در کوناکسا (Cunaxa) (بابل) کشته شد و یونانیها در تحت سرپرستی گزنفون توانستند بیونان مراجعت کنند. گزنفون مورخ یونانی شاگرد سقراط سردار مشهوری است که پس از برگشت از ایران وقایع جنگ را که خود ناظر بوده بعنوان برگشت ده هزار نفری نگاشته و مؤلف کتاب سیروپدی (Cyropédie) یا تربیت کوروش نیز میباشد.

۳- آرتاگزیاس (Artaxias) ساتراپ ارمنستان بود، وقتی آنتیوکوس سوم در سگنزی شکست خورد او خود را شاه ارمنسان خواند و شهری بنام آرتاگزاتا Artaxata بنا کرد و آنرا پایتخت خود قرار داد.

سلوکیها خارج ساخت، ارمنستان هم از موقعیت استفاده کرد و از سلوکیها جدا شد و با حفظ استقلال داخلی تابع دولت پارت گردید^۱. وضع ارمنستان چه در دوره پارتها و چه بعد از آن بدین منوال بود که هر وقت حکومت مرکزی ضعیف میشد ناحیه مزبور قدرتی بهم میزد و از اطاعت دولت مرکزی سرپیچی میکرد و تا در مقابل خود قدرتی میدید سر اطاعت فرود میآورد و بعدها که امپراتوری روم تأسیس گردید ارمنستان در مقابل ایران و روم قرار گرفت و هر یک از آن دو که قوی تر میشدند بآن طرف متمایل میگشت و گاهی نیز وجه مصالحه بین دو طرف میگردد. ولی در همه حال شاهزادگان ارمنستان لقب شاهی را در روی سکه برای خود بکار برده اند و نوشته سکه های آنها مانند سکه های سلوکی بخط یونانی است.

صورت کاملی از امرا و شاهان ارمنستان بطور دقیق در دست نیست ولی ما از آنهایی که سکه دارند و مشخص شده اند نام میبریم^۲:

خاراسپس ^۳	۲۶۰-۲۴۰ قبل از میلاد
آرشام	« ۲۴۰-۲۱۰
آبدیسارس ^۴	« ۲۱۰-۱۹۰
گزرسیس ^۵	« ۱۹۰-۱۷۰
زاریادرس ^۶	« ۱۹۰-۱۶۵
آرتاگزیاس ^۷	« ۱۹۰-۱۵۹
مورفیلیگوس ^۸	« ۱۵۰-۱۴۹
تیگران دوم (بزرگ)	« ۹۴-۵۴
آرتاوازد سوم ^۹	« ۵۴-۳۴

۱- مورخ ارمنی، موسی خورن، عقیده دارد که شاهان ارمنستان از خانواده پارتها بوده اند

۲- نام شاهان ارمنستان از کتاب تاریخ سکه ارمنستان (باسماجیان) (K. J. Basmadjian)

گرفته شده است.

Xercès - ۵

Abdissarès - ۴

Charaspès - ۳

Artavazd - ۹ Morphiligus - ۸

Artaxias - ۷

Zariadrès - ۶

تیگران سوم	۲۵-۱۲ قبل از میلاد
« چهارم	۱۲ ق.م - ۲ ب.م
آرتاوازد چهارم	۵-۲ قبل از میلاد
« پنجم	۲-۱۱ بعد از میلاد

اینک چند نمونه از سکه های امرا و شاهان ارمنستان:

خاراسپس

برسکه خاراسپس در یکطرف دو تصویر نیم رخ (دیوسکور)^۱ و طرف دیگر عقاب که بروی علامت صاعقه ایستاده است و نام شاه به خط یونانی نقر است.

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΧΑΡΑΣΠΟΥ

آرشام

روی سکه - تصویر آرشام با کلاه مخروطی شکل و پشت سکه شاهزاده سوار



شکل ۱۱۳

براسب میباشد و نام او به خط یونانی بر قسمت بالای سکه منقور است: (ش ۱۱۳)^۲

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΑΡΣΑΜΟΥ

۱- Dioscures در افسانه های یونان لقب کاستور (Castor) و پولوکس (Pollux) پسران ژوپیتر میباشد.

۲- طرح این سکه از کتاب سکه های ارمنستان تألیف باسماجیان گرفته شده است

آبدیسارس

روی سکه این شاهزاده تصویر او با کلاه ساتراپی و پشت سکه عقاب ایستاده



شکل ۱۱۴

و نام و عنوان او بخط یونانی منقور است (ش ۱۱۴)

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΑΒΔΙΣΣΑΡΟΥ

گزرسس

سکه گزرسس مانند سکه آبدیسارس میباشد، فقط در عوض عقاب، الهه فتح ایستاده است.

تیگران دوم (بزرگ)

برروی سکه های بسیار زیبای تیگران دوم معمولاً تصویر نیم رخ او و الهه شهر که شاخه خرما بدست دارد و نام شاه، منقوش است. روی تاج تیگران دوم طرح دو کبوتر که بین آنها ستاره ای قرار دارد و دور تاج پارچه شرابه مانندی که برروی گوش او آویزان است با مروارید تزیین شده است.

از تیگران سکه های چهاردرهمی و دودرهمی بدست آمده است و سکه های کوچک از لحاظ نقش ساده تر از چهاردرهمی میباشد و بر پشت آنها فقط شاخه خرما و نام تیگران منقور است.

۱- از کتاب سکه های مشرق دمرگان (J. De Morgan) صفحه ۲۲

چهاردرهمی بوزن ۱۷ گرم^۱

روی سکه - نیم تنه نیمرخ تیگران باتاج که دارای پنج کنگره است ، زیر

کنگره ها در وسط ستاره ای طرح است

پشت سکه - الهه شهر ده شاخه خرما بدست دارد نشسته و در زیرپایش الهه

رودخانه ارونت قرار دارد . دوزسکه نام شاه بخت یونانی

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΤΙΓΡΑΝΟΥ و علامت شهر ΣΩ قرار دارد

(ش ۱۱۰)



شکل ۱۱۰

سکه شاهان ارمنستان نیز از لحاظ طرح کم و بیش شبیه یکدیگرند و نام آنها

برروی سکه نقر است .

برروی سکه تیگران پنجم علاوه بر نیم تنه نیمرخ این شاهزاده، تصویر نیمرخ

۱- این سکه در سال ۱۳۳۵ در نزدیک گنبد کاوس در ضمن خاکبرداری بدست آمده است و جزء کلکسیون آقای عزیز بگلو میباشد .

۲- این سکه با سکه های معمولی تیگران اختلاف دارد زیرا برروی تاج بعوض نقش کبوتر و ستاره فقط ستاره نقر است . در این صورت ، ممکن است این سکه مربوط بدوران اول سلطنت او باشد .

۳- Oronte رودخانه ای در انطاکیه سی بانند .

خواهرش (اراتو) ^۱ بر پشت سکه منقوش است و نام والقباب هردو بر طرفین سکه بخط یونانی نقر گردیده است.

باختر

کوروش پس از فتوحات آسیای صغیر از سال ۵۴۰ قبل از میلاد تا مدت شش سال متوجه نواحی شرقی گردید و پس از فتوحات پی در پی، بلخ پایتخت باختر را نیز تصرف در آورد و حکومت این منطقه و کرمان و پارت را به پسر کوچک، خود بردیا، واگذار کرد ^۲.

وقتی داریوش به سلطنت رسید و نظم و نسق بدستگاه اداری و مالی شاهنشاهی داد و برای هر ایالتی مالیاتی مقرر کرد و برای منطقه باختر، که از مردم صحرا نشین و افراد غنی و فقیر تشکیل شده بود، بنا بر تناسب وضع محل مالیات جنسی و نقدی تعیین کرد، برای نخستین بار در ایران، بضر ب سکه اقدام نمود و در ممالک تابع و متصرفی که سکه رواج داشت با دامنه آن اجازه داد حتی اغلب فرمانروایان نیز اجازه داشتند بطور عادی یا در موقع لشگر کشی ضرابخانه دایر کنند ولی اغلب نقاط دور دست بخصوص نواحی شرقی سکه نداشتند و علی الرسم کسب و تجارت را هنوز بوسیله مبادله و معاوضه انجام میدادند و فلزات را بنا بر وزن معامله می کردند. در این صورت در مقر فرمانروایی ایالات شرقی ضرابخانه ضرورت نداشته است. ولی سهولت ارتباط ایالات شاهنشاهی بیکدیگر، بواسطه ایجاد راهها، پیوستگی و نزدیکی بیشتری بین مردمان این سرزمین بوجود آورد، ناچار مانند سایر چیزها سکه های شاهی و سکه های یونانی و ساتراپی و غیره باین نواحی و حتی هند هم برده شد چنانکه در حفاریها و خاکبرداریهای این سرزمین مقداری دریک و سیکل و سکه های مختلف یونانی و ساتراپی بدست آمده است.

۱ - Erato

۲ - حکومت بردیا طولانی نشد زیرا که هوجیه برادر بزرگتر او را از راه حسادت بقتل رسانید.

اشگر کشی اسکندر بطرف مشرق ایران و هند^۱ در وضع سکه تغییراتی بوجود آورد. ولی آیا اسکندر در ایالات شرقی و بخصوص آنچه مورد نظر است در باختر بضر ب سکه اقدام کرد؟ اسکندر با بدست آوردن خزانه های متعدد در ایالات و پایتخت های هخامنشی بحد غیر متصور، از هر حیث بخصوص فلزات قیمتی چون طلا و نقره، غنی شده بود و شاید همین ثروت بی حد و حصر باعث اقدام جهانگشائی های بعدی او به طرف هند شد. ولی درباره ضرب سکه در باختر، بطور قطع نمیتوان نظر داد لیکن بعضی از سکه شناسان و از آن جمله (هد)^۲ سکه های چهار درهمی و سکه های کوچکتر^۳ اسکندر را یاد کرده اند که در نواحی هند و باختر بدست آمده است، خصوصیت این سکه اینست که بر روی آنها تصویر آتنا با کلاه خود و در پشت سکه عتاب و خوشه انگور منقوش است و یا تصویر زئوس در یک طرف و نقش عتاب و نام اسکندر در طرف دیگر نقر است و این کیفیت را مربوط بضر ابخانه سحلی میدانند زیرا در گوشه سکه علامتی مشاهده میشود که ممکن است نشانه اودیسوس^۴ نماینده اسکندر در ساتراپی هند و باختر باشد.

۱ - فتوحات برق آسای اسکندر بخصوص درهم شکستن دستگاه معظم و بر قدرت هخامنشی طوری برای عامه مردم تعجب آور بود که سبب شد نیل باطنی و هدف قلبی فاتح مقدونی، که رساندن خود بمقام خدائی و از صورت بشری خارج شدن، بود جامعه عمل پوشد و مغلوبان و شکست یافتگان متزلزل و دور افتاده وحشت زده افسانه های خیال انگیز ساختند و پرداختند که البته در درجه اول فتوحات و قدرت جنگی و سرعت عمل اسکندر و بعد نقش سکه های او بی تأثیر نبوده است زیرا سکه های اسکندر چنانکه سابق گفته شد از نقش تصویر او با کلاه پوست شیرزده و دوشاخ قوج که مظهر خدای سحر آهون است تزئین و تشکیل گردیده است، مردم ساده دل وحشت زده، تصورات خود را با سکه او تطبیق داده و افسانه ذوالقرنین را ساخته اند که بعدها در ادبیات ایران نقش سهمی داشته و سوجد حکایات رؤیا آمیز و تخیلی زیادی گردیده است.

B. V. Head - ۲

Diobole - ۳

Eudemos - ۴

در دوره سلوکیها، سلوکوس پس از استقرار خود در بابل و رسیدن به سلطنت در سال ۳۱۲ قبل از میلاد، متوجه ایالات شرقی گردید و تا هندی پیش رفت زیرا ساتراپ باختر استازانور^۱ از هرج و مرج و زد و خورد های سرداران اسکندر استفاده کرد و خود سری آغاز نموده^۲. آنچه بنظر میرسد سلوکوس در لشکر کشی باختر، ضرابخانه دایر نکرد و سکه نزد و سکه ای که مربوط باین دوران است سکه سوفی تس^۳ میباشد که در حدود سال ۳۰۴ قبل از میلاد ضرب شده و تصویر روی سکه تقلیدی از سکه های سلوکوس با کلاه خود میباشد.

روی سکه - تصویر سوفی تس با کلاه خود.

پشت سکه - نقش خروس و نام شاهزاده بخت یونانی Σ Ω Φ Υ Τ Ο Υ



شکل ۱۱۶

وزن سکه - ۳/۸۵ گرم (ش ۱۱۶)^۴

۱ - Stasanor

۲ - سلوکوس بدرستی درک کرد که اداره آن منطقه برایش امیری مجال است لذا ولایاتی را که اسکندر در ناحیه پنجاب تصرف کرده بود بعلاوه ایالات Parapanisos (قسمتی از افغانستان شمالی) و gedrosie (بلوچستان) و Arachosie (افغانستان جنوبی) را به شاندر گویتا، شاه هند واگذار کرد.

۳ - Sophytès یکی از شاهان محلی هند در زمانی که اسکندر پوروس Poros پادشاه تاکسیلا را شکست داد در سال ۳۲۶ قبل از میلاد با هدایای بی شمار نزد اسکندر شتافت و اظهار اطاعت کرد و بعد در حمله مجدد سلوکوس نیز بر طبق معاهده ای اطاعت خود را بصورت رسمی در آورد.

۴ - از مجموعه موزه ایران باستان

از اوایل قرن سوم میلادی ضربخانه‌های ایالات شرقی دایر گردید ولی راجع بمحل ضربخانه دانشمندان سکه شناسی هم عقیده نمیباشد چنانکه گاردنر^۱ آنها را بنابر علامتی که در گوشه سکه موجود است به دیونیزوپولیس^۲ و هوورث^۳ به نیسا شهری در خراسان میداند، ولی بنابر تحقیقات بعدی بوسیله ادواریول^۴ این نوع سکه‌های سلوکوس اول و انتیوکوس اول بدون شبهه در ضربخانه شهرهای باختر ضرب گردیده است.

بعضی از این سکه‌ها که چهاردرهمی و نیم درهمی هستند در یکطرف آنها نیمرخ سلوکوس دیده میشود و در طرف دیگر آنها ارابه‌ای را که فیلهای متعدد شاخدار بآن بسته شده‌اند میراند و نام سلوکوس بخط یونانی بر آن نقر است و مربوط به سنه (۲۹۰-۲۸۹) قبل از میلاد میباشد.

سکه‌های نوع دیگری وجود دارد که نام آنتیوکوس و سلوکوس با هم در روی سکه نقر شده است و قطعاً متعلق بدوره نیابت سلطنت آنتیوکوس در باختر و ناچار مربوط بسال ۲۸۹-۲۸۰ قبل از میلاد است.

سلوکوس در سال ۲۸۵ قبل از میلاد در گذشت و پسرش آنتیوکوس^۵ بسطنت رسید روی کار آمدن او در وضع سکه بخصوص سکه‌های باختر تحول و تغییری ایجاد کرد و بجای نقش زئوس در روی سکه تصویر شاه و در پشت آن سراسب شاخدار و نام او منقور است.

در سال ۲۶۱ قبل از میلاد و هنگام بسطنت رسیدن آنتیوکوس دوم باز مختصر

Gardner-۱

۲- Dionysopolis شهری که اسکندر در هند بنام Dionysos یکی از خدایان یونان

نامگذاری کرد.

۳- R. Howorth

۴- E. Newel

۵- آنتیوکوس مادرش آپامه اهل باختر بود.

تغییری دیده میشود و در پشت سکه آپولون بر روی چهار پایه نشسته و در زمینه، یک ستاره یا یک چنگ منقوش است.

پس از ده سال یعنی در سال ۲۰۵ قبل از میلاد در باختر وضع تازه‌ای پیش آمد و دیودوت^۱ فرمانروای یونانی که از طرف دولت سلوکی برای ایالات شرقی حکومت می‌کرد، از گرفتاریها و جدال های حکومت مرکزی استفاده کرد و دولت مستقلی تشکیل داد که مدتها شاهان سلوکی آن حکومت را برسمیت نشناختند^۲. ولی سرانجام ۴ سال بعد آنتیوکوس بزرگ (سوم) پس از جنگ و تصرف بلخ برای حفظ آن منطقه از حملات طوایف شمالی و بودن قدرتی در همسایگی پارتها صلاح دید باختر را تقویت^۳ کند و پس از عقد قرارداد سلطنت محلی باختر را شناخت. پس از دیودوت پسرش دیودوت دوم با سلطنت رسید و در سال ۲۳۰ قبل از میلاد او تیدم^۴ که یکی از مستنذان یونانی در باختر بود سلطنت را غصب کرد و پسرش دستریوس^۵ قسمتی از خاک هند را نیز ضمیمه مستصرفات خود ساخت، ولی طولی نکشید که رقابت بین بزرگان یونانی و باختری باعث تجزیه وضع حکومت گردید، بعلاوه هجوم طوائف شمالی که سغد را بدست آورده بودند برای باختر بی ضرر نبود. در این موقع مهرداد اول اشکانی از فرصت استفاده کرد و قسمت مهمی از باختر را بتصرف درآورد.

آخرین پادشاه یونانی باختر هایوکلس^۶ (۱۵۶ - ۱۴۰ قبل از میلاد)

۱- Diodotos

۲- در این موقع پارتها حکومتی در شمال ایران تأسیس نمودند.

۳- آنتیوکوس سوم در جنگی که با اشکانیها نمود، نتوانست با وجود شکست آنها نتیجه مهمی ببرد لذا با اردوان صلح نمود و شرط صلح بر آن بود که در جنگ آنتیوکوس با باختر اردوان اول دخالت ننماید و البته این شرط بنفع شاه اشکانی بود زیرا در اثر جنگ باختریها و سلوکیها دو دشمن او ضعیف میگرددند.

۴- Euthydémos

۵- Démetrios داماد آنتیوکوس بوده است

۶- Hélioclès

میباشد . در دوره او اقوام صحرائشین آسیای مرکزی بباختر هجوم آوردند و قسمتی از آن ناحیه بتصرف آنان درآمد . از این پس نواحی باقیمانده که در دست خاندان شاهان یونانی باختر بود منحصراً بحکومت‌های کوچکی در قسمتی از پنجاب (هند) و قسمتی از افغانستان کنونی تقسیم شد، که در حدود سال ۵۰۰ بعد از میلاد بدست کوشانیان بکلی منقرض گردید .

صورت اسامی شاهان باختر قبل از تجزیه

دیودوت اول	در حدود ۲۵۰ قبل از میلاد
دیودوت دوم	« ۲۳۰-۲۴۰
اوتیدم اول	« ۲۰۰-۲۳۰
دمتریوس	« ۲۰۰
اوتیدم دوم (پسر دمتریوس)	« ۱۹۰
پانتالئون ^۱	« ۱۹۰
آگاتوکلِس ^۲	« ۱۸۵
انتیماخوس ^۳	« ۱۹۰
اکراتید	« ۱۵۶-۱۷۵
پلاتو ^۴	« ۱۵۴-۱۵۶
هلیوکلِس ^۵	« ۱۴۰-۱۵۶

سکه های شاهان باختر

از دیودوت اول سکه مخصوصی بدست نیامده و ممکن است که تصویر روی سکه های آنتیو کوس دوم که در ضربخانه باختر ضرب گردیده است متعلق با او باشد .

۱- در زمان سلطنت هرمایوس (Hermaïos) این منطقه بدست کوشانیان افتاد .

۲- Agatoclès

۲- Pantaléon

۵- Plato

۴- Antimachos

۶- Hélioclès

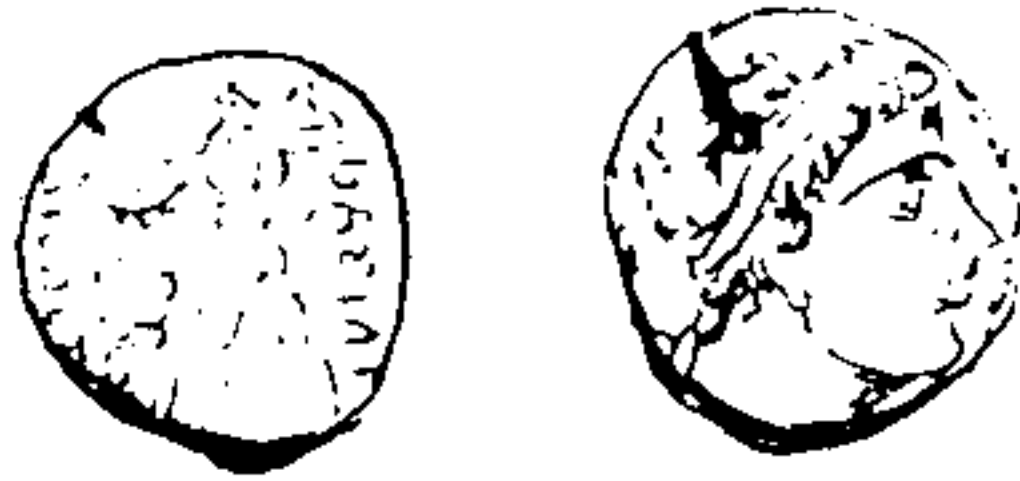
دیودوت دوم

استاتر طلا بوزن ۸ گرم.

برروی سکه تصویر نیمرخ زیبای دیودوت است. در پشت سکه ژوپیتراستاده است و برروی بازوی چپ اوسپرزب النوع جنگگ قرار دارد و از دست راست علامت ساعت را پرتاب میکند. در طرف چپ نزدیک پای ژوپیتیر عقابی که تاج بر سر دارد از روبرو ابستاده است و علامت ضربخانه و نام شاه باخط یونانی نقر است.

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΔΙΟΔΟΤΟΥ

(ش ۱۱۷)



شکل ۱۱۷

اوتیدم اول

روی سکه - نقش نیمرخ اوتیدم.

پشت سکه - هرکول برروی تخته سنگی نشسته و گریزی بدست دارد و طرفین او نوشته بخط یونانی است (شاه اوتیدم).

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΕΥΘΥΔΗΜΟΥ

وزن سکه ۱۶/۵ گرم

(ش ۱۱۸)

۱- از مجموعه موزه ایران باستان

۲- از کتاب دسرگان (J. De morgan) صفحه ۲۵۶

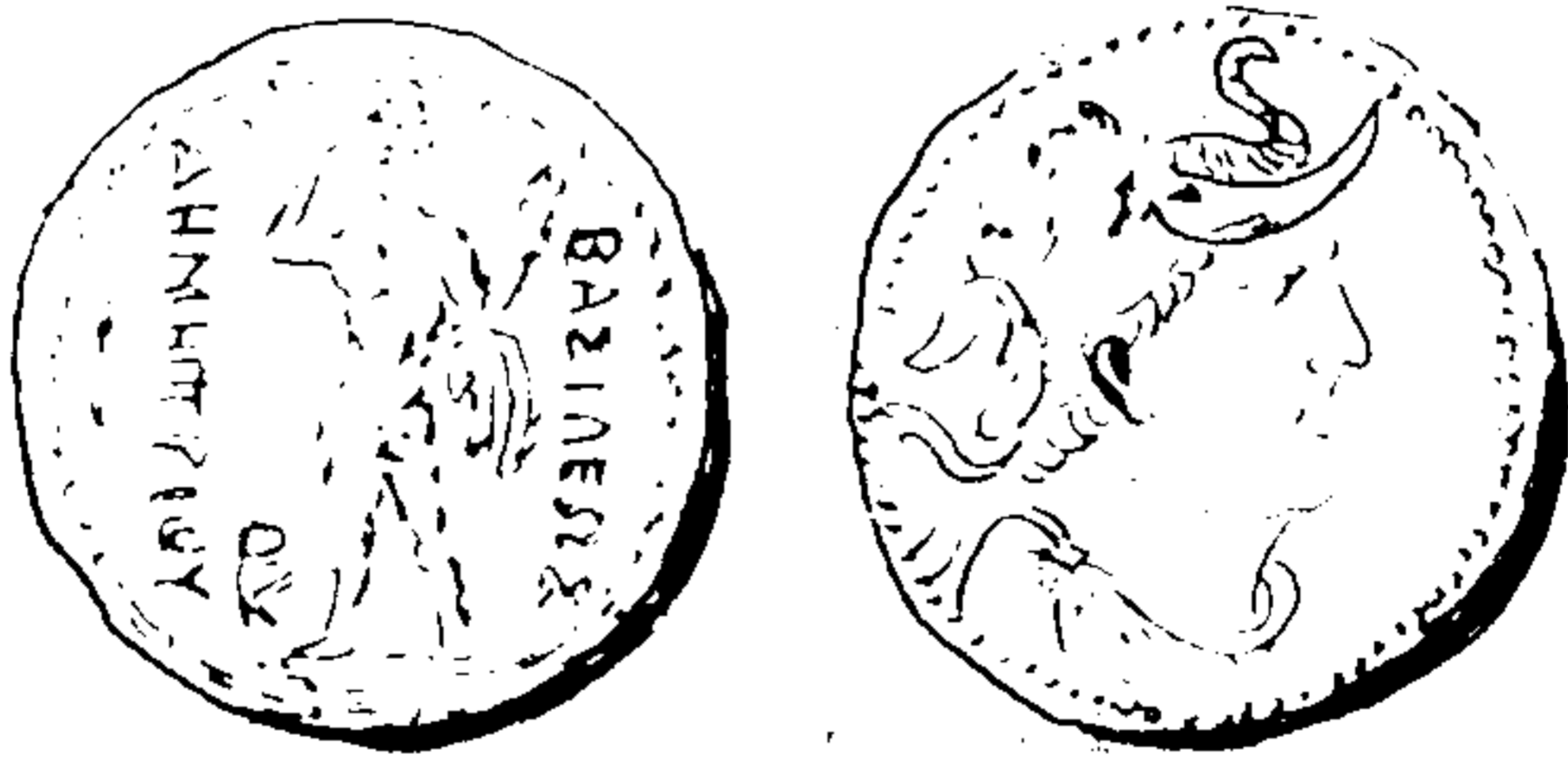


شکل ۱۱۸

دمتریوس

سکه‌های چهاردرهمی دمتریوس بسیار زیبا و در یکطرف تصویر نیم رخ او که کلاهی از پوست شیر بسر دارد نقش گردیده است و پشت سکه هر کول رب النوع قدرت و زور آزمائی ایستاده و گریزی بدست گرفته است و در دو طرف او نوشته بخط یونانی (شاه دمتریوس) نقر است

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΕΥΡΥΔΗΜΕΤΡΟΥ و علامتی منقور است (ش ۱۱۹)



شکل ۱۱۹

از دمتریوس سکه‌های مسی بدست آمده است، که در روی سکه در عوض تصویر نیمرخ، نیم تنه هر کول قرار دارد.

۱- دمتریوس در دوره سلطنت خود قسمتی از هندوستان را جزو باختر نمود.

اوتیدم دوم

اوتیدم پسر دمیتریوس میباشد و دوره سلطنت وی کوتاه و از چند ماه تجاوز نکرده است. نقش سکه های او بترتیب معمولی شاهان باختر است، یعنی یکطرف نیمرخ او و طرف دیگر رب النوع قدرت گرز بدست ایستاده و نام او و علامت ضرابخانه نقر است.

پانتالئون در حدود سال ۱۹۰ قبل از میلاد و آکاتوکلس در حدود سال ۱۸۵ قبل از میلاد، هر یک در قسمتی از باختر و چند ایالت شمال غربی هندوستان سلطنت داشتند و اغلب نام آنها بر روی سکه علاوه بر خط یونانی بخط پالی^۱ که مخصوص ناحیه جنوبی هند است، نقر میباشد.

آنتیماخوس

از این شاهزاده در مجموعه سوزه ایران باستان چهار درهمی و درهم و نیم درهمی موجود است.

چهار درهمی بوزن ۱۶/۶۰ گرم.

روی سکه - نیم تنه نیمرخ آنتیماخوس با کلاه مخصوص مقدونی (کوزیا)^۲
پشت سکه - پوزیدون^۳ ایستاده و شاخه خرما و یک سه شاخه در دست گرفته است و در دو طرف او نوشته یونانی (شاه آنتیماخوس) و علامتی نقر است.

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΘΕΟΥ ΑΝΤΙΜΑΧΟΥ (ش. ۱۲۰)^۴

نقش درهم و نیم درهمی نیز مانند چهاردرهمی میباشد.

۱ - Pâlis

۲ - Kausia

۳ - Poseidon یکی از خدایان یونانی

۴ - از مجموعه سوزه ایران باستان.



شکل ۱۲۰

اکراتید

اکراتید شاه باختر و قسمت شمال غربی هند است.

از اکراتید سکه های متنوعی در دست است بر روی بعضی از چهاردرهمی و درهم و نیم درهمها تصویر نیم رخ او با کلاه و یا تاج ساده، بطرز شاهان سلوکی و باختر منقوش است و نوشته به خط یونانی است. سکه های مربعی شکل مسی از این شاهزاده بدست آمده که علاوه بر نوشته یونانی نام شاه به خط خورشیدی نیز بر روی آنها نقر است.

در مجموعه سکه های کتابخانه ملی پاریس بیست استاتر طلای بسیار زیبایی از اکراتید موجود است، که از اسد آباد همدان پیدا شده است.

چهاردرهمی - بوزن ۱۶/۰۷ گرم.

روی سکه - تصویر نیم رخ اکراتید.

پشت سکه - دوآلهه یونانی سوار بر اسب و نام و لقب شاه به خط یونانی (شاه

بزرگ اکراتید):

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΕΥΚΡΑΤΙΔΟΥ

و علامت ضربخانه نقر است (ش ۱۲۱).



شکل ۱۲۱

نیم درهمی های زیبای اکراتید بوزن $\frac{1}{6}$ گرم است .
روی سکه - تصویر شاه با تاج مخصوص (ش ۱۲۲)



شکل ۱۲۲

پشت سکه - دوتیردان و نام شاه بخط یونانی و علامت ضرابخانه قرار دارد .
پلاتو همدوره اکراتید بوده و در قسمتی از باخترا فرمانروائی داشته است و فقط یک سکه از او بدست آمده است که در مجموعه موزه انگلیس میباشد .

هلیو کلس

سکه های این شاهزاده بطرز معمولی سکه های ساخترا است در یک طرف نیم تنه، نیم رخ، هلیو کلس و در طرف دیگر ژوپیترا در وسط ایستاده است در حالی که با دست بر عصای سلطنت تکیه زده و علامت صاعقه را بدست گرفته است . در اطراف ژوپیترا نام و القاب هلیو کلس بخط یونانی و علامت ضرابخانه قرار دارد .
چهار درهمی بوزن $\frac{1}{5}$ گرم

۱- از مجموعه موزه ایران باستان

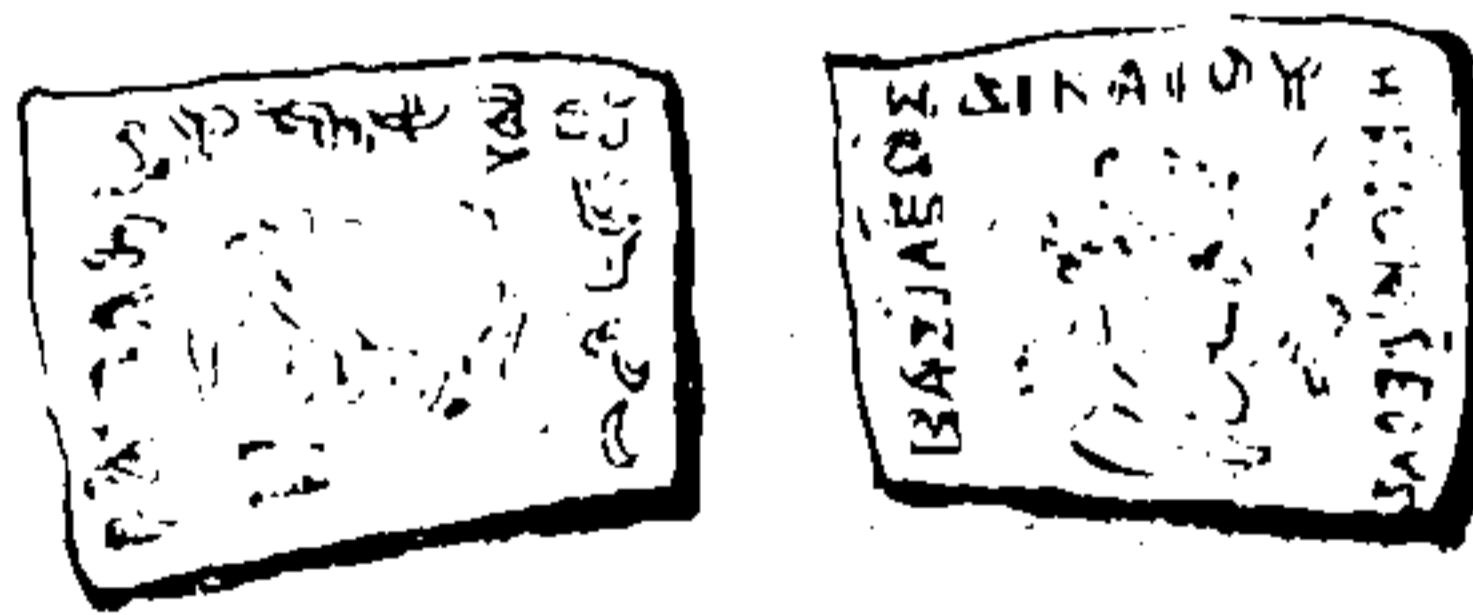
۲- از مجموعه ایران باستان

روی سکه - تصویر نیم رخ شاه باختر.
پشت سکه - ژوپیتیر در وسط ایستاده و نوشته یونانی که مربوط بنام اوسی باشد نقر
است. (ش ۱۲۳)



شکل ۱۲۳

علاوه بر چهار درهمی و درهم، سکه های برنزی سربعی شکل، از او موجود است
که دارای خط یونانی و خورشتی میباشد و در پشت آن نوع سکه ها بجای نقش ژوپیتیر،
نقش فیل منقور است (ش ۱۲۴)



شکل ۱۲۴

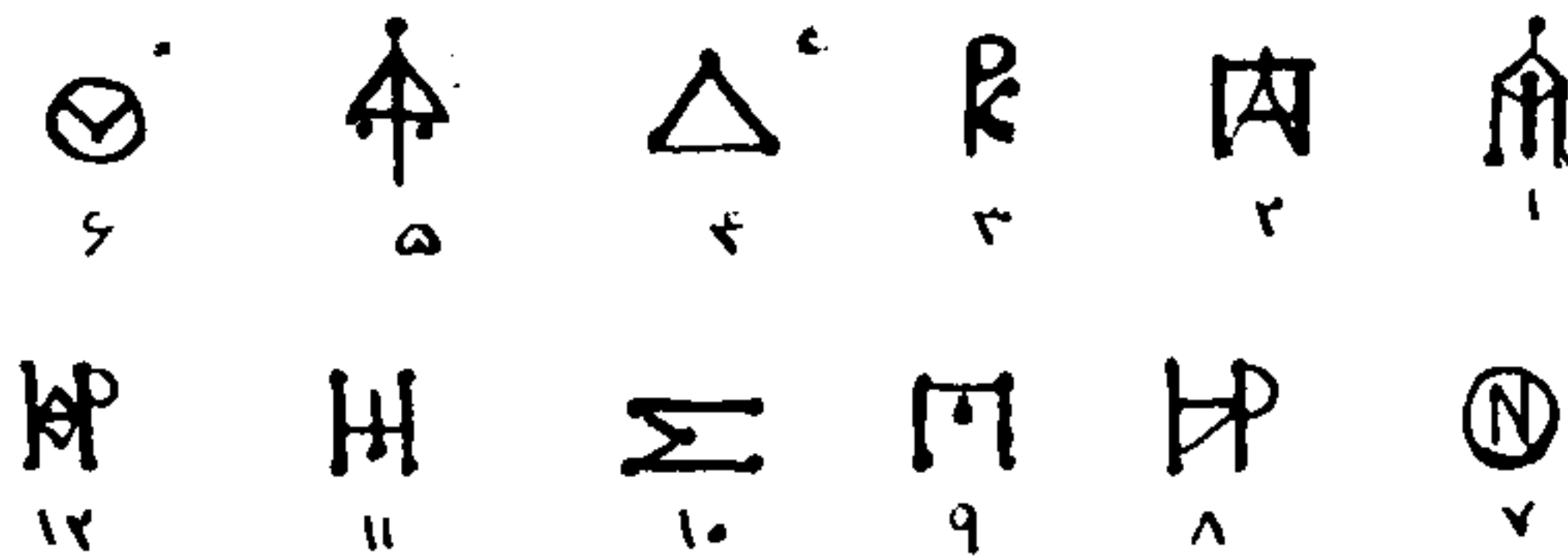
بر روی اغلب سکه های باختر مانند دیودوت دوم، اوتیدم اول، دمتریوس،
آگاتوکلس، انتیماخوس، اکراتید و ملیوکلس، علاوه بر نقش معمولی، علاماتی

۱- طرح این سکه از کتاب سکه های مشرق دمرگان (J De Morgan) گرفته شده.

نیز تفرست، که راجع به آنها سکه شناسان عقاید مختلفی ابراز کرده اند، مانند بایر^۱ که تصور میکرد این علامات، تاریخ ضرب سکه است و دو قرن بعد کونیگهام^۲ و بیس شابویه^۳ بابدست آوردن، سکه طلای او کراتید و مطالعه راجع بان، سلامت را معرف شهر تشخیص دادند و سرانجام مطالعات عمیق و ذیقیمت نیول^۴ باین تشنت آراء خاتمه داد، ورأی قطعی و صحیح او براین قرار گرفت که علامات نشانه نام رئیس ضربخانه ویانماینده رسمی دولت در ضربخانه بوده است.

اینک چند نمونه از علاماتی که بر روی سکه های شاهان باختر دیده شده است

(ش ۱۲۵)



شکل ۱۲۵

۱- تا قرن هیجدهم از تاریخ گذشته و تشکیلات آن اطلاعی جز آنچه سورخان یونانی و روسی گفته بودند در دست نبود تا آنکه بدست آمدن چند سکه در ناحیه حاجی طرخان روسیه و تحقیق G. S. Bayer و انتشار کتابش راه مطالعه را برای تحقیقات بیشتر باز کرد.

۲- Cunningham

۳- Chabouillet مجله سکه مجله دوازدهم سال ۱۸۶۷.

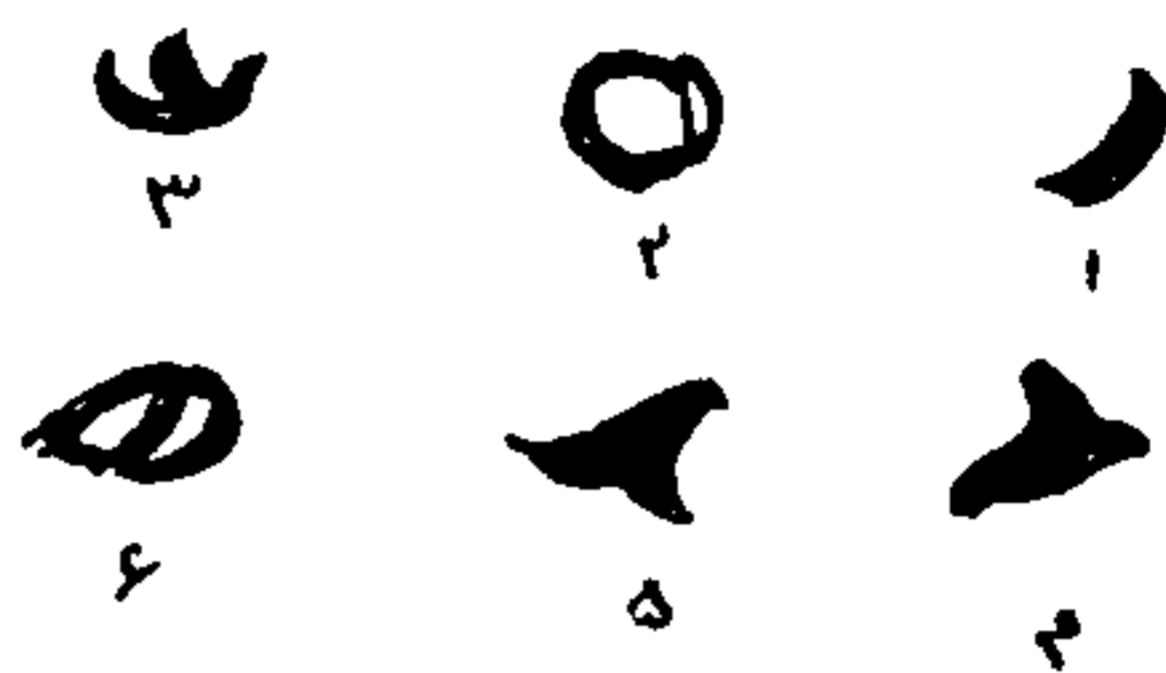
۴- E. T. Newel

۵- علامت شماره (۱-۲-۳) از اوتیدم میباشد و شماره (۴) علاوه بر سکه اوتیدم بر روی

سکه های دستریوس و اوتیدم دوم و آگاتوکلس نیز دیده شده است. شماره (۵-۶-۷)

از دستریوس اول و شماره (۷) انیماخوس و (۷-۹) آکراتید و (۱۰-۱۱-۱۲) علامت

هلیوکلس است.



نمونه‌های علاماتی که بر روی چند شکل هخامنشی که در سوزه ایران باستان موجود است.
 ۱- خشایارشا. ۲- خشایارشا. ۳- داریوش اول.
 ۴- داریوش دوم. ۵- خشایارشا. ۶- خشایارشا.

פפצקר שמתחמל פכלל פכאעסמל

PHARSAE'S MILKYSTS & HOTEL

Ph. arabica

פ	פ	צ	ק	ר	ש	מ	ת	ח	מ	ל	פ	כ	ל	ל	פ	כ	א	ע	ס	מ	ל
𐤀	𐤁	𐤂	𐤃	𐤄	𐤅	𐤆	𐤇	𐤈	𐤉	𐤊	𐤋	𐤌	𐤍	𐤎	𐤏	𐤐	𐤑	𐤒	𐤓	𐤔	𐤕
𐤖	𐤗	𐤘	𐤙	𐤚	𐤛	𐤜	𐤝	𐤞	𐤟	𐤠	𐤡	𐤢	𐤣	𐤤	𐤥	𐤦	𐤧	𐤨	𐤩	𐤪	𐤫

Ph. secundaria

פ	פ	צ	ק	ר	ש	מ	ת	ח	מ	ל	פ	כ	ל	ל	פ	כ	א	ע	ס	מ	ל
𐤀	𐤁	𐤂	𐤃	𐤄	𐤅	𐤆	𐤇	𐤈	𐤉	𐤊	𐤋	𐤌	𐤍	𐤎	𐤏	𐤐	𐤑	𐤒	𐤓	𐤔	𐤕
𐤖	𐤗	𐤘	𐤙	𐤚	𐤛	𐤜	𐤝	𐤞	𐤟	𐤠	𐤡	𐤢	𐤣	𐤤	𐤥	𐤦	𐤧	𐤨	𐤩	𐤪	𐤫

Aramaic

פ	פ	צ	ק	ר	ש	מ	ת	ח	מ	ל	פ	כ	ל	ל	פ	כ	א	ע	ס	מ	ל
𐤀	𐤁	𐤂	𐤃	𐤄	𐤅	𐤆	𐤇	𐤈	𐤉	𐤊	𐤋	𐤌	𐤍	𐤎	𐤏	𐤐	𐤑	𐤒	𐤓	𐤔	𐤕
𐤖	𐤗	𐤘	𐤙	𐤚	𐤛	𐤜	𐤝	𐤞	𐤟	𐤠	𐤡	𐤢	𐤣	𐤤	𐤥	𐤦	𐤧	𐤨	𐤩	𐤪	𐤫

نمونه خط آرامی وینیقی

از کتاب سکه های مشرق تألیف دسرگان

AA^m BV CG D DĖI Z Ē H Θ I Ñ K L M N O U P R S
 Δ X B B < Δ E E ↑ X I E K Λ M N O P R S
 R b Y

T WVO. ŪĀ. ĆG. OU
 T 水 兼
 ↓ Kh B

نمونه النبای لیبی
 از کتاب سکه های مشرق تألیف دبیرگان

* O U X V Z V P X T P T I V Y R X	a ya va ra la ma na pa ta ka sa ha	* K Z I A B 8 X X P S K M Y H	e ye ve re le me ne pe te ke se he	* X N Y Y L T P T A A	i vi ri li mi ni pi li ki si	Σ L P R +	o vo ro lo mo no po to ko so so	Y A U U X X U P K K	u ru lu mu nu pu tu ku su
---	---	---	---	---	---	--------------------	---	---	---

نمونه خط قبرسی

از کتاب تاریخ خط فوریه

نوشته‌های فینیقی و آرامی

صفحه

۷۸	۱۱۵۱۵۶
۸۰	۱۴۶۶۲
۸۰	۱۴۲۱۵۵
۸۲	۶۱۴
۸۲	۲۱۵۵
۸۳	۱۴۲۱۵۵
۱۰۶	۶۶۲۶۵۵
۱۰۶	۲۲۵۶۲۵
۱۰۷	۱۴۲
۱۲۰	۲۰۹۲۰۶
۱۲۱	۲۹۴۶
۱۲۱	۶۶۶
۱۲۶	۵

صفحه

نوشته های ایسی

۱۱۵

KVB

۱۱۶

M

۱۱۷

T↑∞ ∞ E F↑E B E

۱۱۷

K O P P A A E

صفحه

نوشته قبرسی

۱۲۳

|| S I F 8 I ↑

نوشته‌های یونانی

ص

۷۶ ΒΑΣΙΛΕΩΣ

۷۹ ΜΑΛ

۱۳۵ ΑΛΕΞΑΝΔΡΟΥ

۱۴۰ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΣΕΛΕΥΚΟΥ

۱۴۱ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΝΤΙΟΧΟΥ

۱۴۲ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΔΗΜΗΤΡΙΟΥ

۱۴۳ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΛΕΞΑΝΔΡΟΥ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΥ
ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ

۱۵۲ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΙΘΡΑΔΑΤΟΥ

۱۵۵ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΧΑΡΑΣΠΟΥ

۱۵۵ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΒΔΙΣΣΑΡΟΥ

۱۵۶ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΤΙΓΡΑΝΟΥ

۱۵۶ Σ Ω

۱۵۹ Σ Ω Φ Υ Τ Ο Υ

۱۶۳ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΔΙΟΔΟΤΟΥ

۱۶۳ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΕΥΘΥΔΗΜΟΥ

۱۶۵ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΘΕΟΥ ΑΝΤΙΜΑΧΟΥ

۱۶۶ ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΕΥΚΡΑΤΙΔΟΥ

فهرست تصاویر

شماره شکل	موضوع	صفحه
۱	اوتن (حلقه طلا)	۱۰
۲	شمش قبرس	۱۲
۳	شمش کرت	۱۲
۴	قدیمترین سکه لیدی	۱۵
۵	وزنه	۱۸
۶	وزنه های حشره ای شکل	۱۹
۷	وزنه موخنجدارو	۲۰
۸	وزنه ه مینه	۲۱
۹	وزنه سرغابی شکل	۲۱
۱۰	وزنه بیضی شکل	۲۱
۱۱	سنگ وزنه موزه ایران باستان	۲۲
۱۲	لوح گلی تخت جهشید	۲۳
۱۳	صحنه ای از نقاشی سهر قدیم که در موزه انگلیس میباشد	۲۴
۱۴	لوح مسین	۲۵
۱۵	سکه اژین	۳۰
۱۶	خط میروگلیف	۳۳
۱۷	خط در بین النهرین	۳۵
۱۸	لوح گلی شوش	۳۶
۱۹	علاسات سنه فیئنی	۴۲
۲۰	یونانی	۴۳
۲۱	سکه سزوف سیرا کوس	۴۷
۲۲	استر طلای کرزوس	۵۰
۲۳	نقره	۵۰

صفحه	موضوع	شماره شکل
۵۱	نیم استتر نقره کرزوس	۲۴
۵۱	» » » $\frac{۱}{۳}$	۲۵
۵۳	سکه میاه	۲۶
۵۳	» افز	۲۷
۵۴	» ساموس	۲۸
۵۴	» کیوس	۲۹
۵۵	» کنید	۳۰
۵۶	» قدیم آتن	۳۱
۵۷	» آتن با تصویر آتنا	۳۲
۵۹	» تارانت	۳۳
۷۴	» داریوش اول	۳۴
۷۴	» داریوش اول	۳۵
۷۵	» خشایارشا	۳۶
۷۵	دریک خشایارشا	۳۷
۷۵	سکه نقره اردشیر اول	۳۸
۷۶	» » داریوش دوم	۳۹
۷۶	» » اردشیر دوم	۴۰
۷۷	» » اردشیر سوم	۴۱
۷۷	» » ارسس	۴۲
۷۹	» » داریوش سوم	۴۳
۷۸	» » داریوش سوم	۴۴
۷۹	دودریکی داریوش سوم	۴۵
۸۲	چهاردرهمی تیسافرن	۴۶
۸۲	» » تیسافرن	۴۷
۸۳	» » تیسافرن با علامت جغد آتن	۴۸
۸۴	استترفرنا باز	۴۹
۸۵	استتر پارسی فرنا باز	۵۰
۸۷	» » تریباز	۵۱

صفحه	موضوع	شماره شکل
۸۸	سکه کوچک داتام	۵۲
۸۸	استتر پارسی داتام	۵۳
۹۰	» » مازه	۵۴
۹۰	هشت استتری مازه	۵۵
۹۱	استر مازه با نقش شیر	۵۶
۹۱	سکه کوچک مازه	۵۷
۹۲	» ارونت	۵۸
۹۳	» ابرو کوباس	۵۹
۹۴	سکه کوچک با گواس	۶۰
۹۵	استرم نم با تصویر داربوش سوم	۶۱
۹۶	سکه سپهر داد با کلاه پارسی	۶۲
۹۹	دواستتر صیدا با گردونه اردشیر سوم	۶۳
۹۹	استتر صیدا با نقش کشتی جنگی	۶۴
۱۰۰	دواستراستراتون اول	۶۵
۱۰۱	استر » »	۶۶
۱۰۱	سکه کوچک استراتون اول	۶۷
۱۰۶	استتر فینیقی صور	۶۸
۱۰۶	سدها بولی فینیقی صور	۶۹
۱۰۷	دو درهمی صور با نقش بلکار	۷۰
۱۰۹	دو استتر آزاد	۷۱
۱۰۹	نیم استتر آزاد	۷۲
۱۰۹	استتر جبل با نقش لاشخور و قوچ	۷۳
۱۱۳	سکه غزه	۷۴
۱۱۴	» کوچک غزه	۷۵
۱۱۵	دو درهمی هیراپولیس	۷۶
۱۱۷	استتر پارسی کیلیکیه	۷۷
۱۱۹	درهم اریستنس	۷۸
۱۲۲	چهار درهمی هگاتهنوس	۷۹

شماره شکل	موضوع	شماره
۸۰	ایداریوس	۱۲۳
۸۱	سکه کوبرنیس	۱۲۶
۸۲	تند گورس	۱۲۷
۸۳	استر دنولس	۱۳۰
۸۴	آزبال	۱۳۲
۸۵	سید که سدک	۱۳۳
۸۶	استازاندوس	۱۳۵
۸۷	اولتن	۱۳۵
۸۸	اوا گوراس اول	۱۳۸
۸۹	دو ابولی اوا گوراس دوم	۱۳۹
۹۰	چهار درهمی	۱۳۹
۹۱	استر اریستوخوس	۱۴۱
۹۲	استر زوتیموس	۱۴۲
۹۳	علامات بر روی سکه های فرمانروایان در دوره اسکندر و جانشینان وی	۱۴۷
۹۴	دو درهمی هیراپولیس اسکندر	۱۴۷
۹۵	استر طلای اسکندر	۱۴۸
۹۶	چهار درهمی	۱۴۹
۹۷	درهم	۱۵۰
۹۸	ابول	۱۵۰
۹۹	علامات مختلف ضربخانه بر سکه های اسکندر	۱۵۰
۱۰۰	چهار درهمی اسکندر	۱۵۱
۱۰۱	لیزیماک	۱۵۲
۱۰۲	استر طلای سلوکوس اول	۱۵۳
۱۰۳	چهار درهمی سلوکوس اول	۱۵۴
۱۰۴	" " "	۱۵۵
۱۰۵	استر	۱۵۵
۱۰۶	چهار درهمی آنیتوکوس اول	۱۵۶
۱۰۷	درهم	۱۵۷

صفحه	موضوع	شماره شکل
۱۵۸	چهار درهمی ده‌تریوس اول	۱۰۸
۱۵۸	اسکندر بالا « «	۱۰۹
۱۶۱	علامات بر روی سکه‌های ساوکی	۱۱۰
۱۶۵	چهار درهمی اروفرن	۱۱۱
۱۶۸	« « مهرداد چهارم (پنت)	۱۱۲
۱۷۱	سکه ارشام (ارمنستان)	۱۱۳
۱۷۲	« ابدیسارس (ارمنستان)	۱۱۴
۱۷۳	چهار درهمی تیگران	۱۱۵
۱۷۶	سکه سوفی‌تس	۱۱۶
۱۸۰	استرطلای دیودوت دوم «	۱۱۷
۱۸۱	چهار درهمی اوتیدم اول	۱۱۸
۱۸۱	« دمتریوس	۱۱۹
۱۸۳	« انتیماخوس	۱۲۰
۱۸۴	« اکراتید	۱۲۱
۱۸۵	نیم درهمی اکراتید	۱۲۲
۱۸۵	چهار درهمی هلیوکلس	۱۲۳
۱۸۶	سکه برنزی «	۱۲۴
۱۸۶	علامات سکه‌های باختر	۱۲۵
۱۸۷	نمونه علامات سکه‌های هخامنشی	۱۲۶
۱۸۸	نمونه خط آرامی و فینیقی	۱۲۷
۱۸۹	« الفبای لیبی	۱۲۸
۱۹۰	« « قبرسی	۱۲۹
۱۹۱	نوشته‌های فینیقی و آرامی	۱۳۰
۱۹۲	نوشته‌های لیبی	۱۳۱
۱۹۳	نوشته‌های یونانی	۱۳۲

فہرست منابع

- ترجمہ تاریخ طبری : ابو علی محمد بلعمی
مروج الذهب : مسعودی (ابوالحسن علی بن الحسن)
آثار الباقیہ : ابوریحان بیرونی
نزہۃ القلوب : حمد اللہ مستوفی قزوینی
روضۃ الصفا : میرخواند
ایران باستان : مشیرالدولہ پیرنیا
ہرمزد نامہ : ابراہیم پورداوود

- A. Aymard : Les grandes monarchies Hellénistiques en Asie après la mort de Séleucos Ier
A. Bouché - Leclercq : Histoire des Séleucides
A. Bouché - Leclercq : Histoire des Lagides
Allotte de la Fuyè Revue de Numismatique en 1910 .
A. Cunningham : The coins of Alexandr's successors in the East
B. V. Head : Historia Numorum . A manuel of Greek numismatics
D. Schlumberger : L'argent Grec dans l'empire Achéménide
E. Babelon : Perse Achéménides
E. Babelon : Les monnaies grecques
E. F. Schmidt : Persopolis .
E. Herzfeld : Iran in the Ancient East
E. T. Newell : The coinage of the Eastern Seleucid mints
E. S. g. Robinson . J. Allan, and H. Mattingly : Transactions of the international Numismatic Congres
E. D. J. Paruck : Sassanian coins

- Félix Layard : Recherches sur le culte Public et les mystères de mithra en orient et en Occident
- G. Contenau : Manuel d'Archéologie orientale
- G. Glotz : La civilisation égéenne. 1937
- G. G. Cameron : Persopolis . Trésury tablets .
- G. Lefebvre : Grammaire de l'Égyptien classique
- G. Perrot et Ch. Chipiez : Histoire de l'art dans l'antiquité
- Hérodote : Traduction de Pierre Soliat
- J. Babelon : La numismatique antique
- J. De Morgan : Manuel de Numismatique orientale
- J. Darmesteter : Coup D'œil sur l'histoire de la Perse
- J. G. Février : Histoire de l' Ecriture
- J. M. Unvala : Monnaies de bronze Provenant de Suse ; mémoires de la Mission archéologique de Perse, T. XXV
- J. Walker, M. A. Catalogue of the Arabo-Sassanian Coins
- M. C. Soutzo : Etude des monuments pondéraux de Suse ; mémoires de la délégation en Perse .
- M. Th. Allouche le Page : L' Art monétaire des Royaumes Bactriens
- Moïse de Khorène (Auteur arménien au ve siècle) : Histoire de l' Arménie
Traduction française par P. E. Le vaillant de Florival
- N. Belaiew : Poids archaïques ; Mémoires de la mission archéologique en Iran, T. XXIX
- Polybe : Traduction française par Pierre Waltz
- Quinte - Curce : Histoire d' Alexandre le Grand
- René Dussaud : Civilisation Préhellénique Dans le bassin de la mer Egée
- René Dussaud : Civilisation Préhellénique . 1917
- R. Grousset : Histoire de l' Arménie
- R. H. Mc Dowell : Coins from Séleucia on the Tigris
- Sir John Marshall : Mohenjo - Daro and the indus Civilisation
- Strabon : Géographie ; Traduction de Amédée Tardieu
- W. Jackson : Persia past and présent
- W. W. Tarn : La civilisation Héliénistique
- Xénophon : Traduction française & Oeuvres complètes revues et Corrigées,
Par Emile Pessonneaux .

فہرست اسماء اشخاص

آربارات چہارم : ۱۶۵	آبدیسارس : ۱۷۲، ۱۷۰
» پنجم : ۱۶۵	آبروکوماس : ۹۳
» ششم : ۱۶۵	آپامہ : ۱۷۷، ۱۵۳
» ہفتم : ۱۶۵	آپولون : ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۴۲
» ہشتم : ۱۶۵	۱۵۷
» نہم : ۱۶۵	آترگاتیس : ۱۱۴
» دہم : ۱۶۵	آتنا : ۱۱۰، ۵۷، ۵۶، ۹۵، ۱۱۹، ۱۳۳
آریامنس : ۱۶۵، ۱۶۴	۱۴۸، ۱۴۱، ۱۳۹
آریانڈس : ۱۸	آدا : ۱۲۳، ۱۲۲
آریدہ : ۱۵۱	آدراملک : ۱۱۲
آریستوخوس : ۱۴۰	آدومملک : ۱۱۱
آریستوسپیروس : ۱۴۱	آربینا : ۱۲۹
آریستوفانتوس : ۱۳۳	ارتاباذ : ۱۵۱
آریوبرزن اول : ۱۶۶، ۱۶۴	آرتاگزیماس : ۱۶۹، ۱۷۰
» دوم : ۱۶۶	آرتاوازد سوم : ۱۷۰
» سوم : ۱۶۶	آرتاوازد چہارم : ۱۷۱
آزبال : ۱۱۲	آرتاوازد پنجم : ۱۷۱
آزمیلکوس : ۱۰۵	آرخہ لائوس : ۱۶۵
آژیلاس : ۸۲، ۸۴	آرتمیس : ۱۶۰، ۵۴
آفرودیت : ۱۳۸، ۱۳۹، ۵۴	آرسس : ۷۷
آگاتوکلین : ۱۷۹	آرشام : ۱۷۱، ۱۷۰
آگامنون : ۴	آربارات : ۹۳
آلبال : ۱۱۳	آربارات اول : ۱۶۵، ۱۶۴
آلیات : ۴۹	» دوم : ۱۶۴
آمون : ۱۵۴، ۱۵۲، ۱۴۹	» سوم : ۱۶۴

ارمدن : ۱۱۶	آنتالیس داس : ۸۶
ارنست بابلون : ۹۶، ۹۵، ۹۰، ۷۸، ۷۲، ۴۲، ۱۳	آنتی پاتر : ۱۵۳
۱۳۰ ، ۱۲۸ ، ۱۰۹ ، ۱۰۶ ، ۱۰۰	آنتی گون : ۱۵۱، ۱۰۵، ۹۷
۱۳۲	آنتیماخوس : ۸۶، ۱۸۲، ۱۷۹
اروفرن : ۱۶۶:۱۶۵	آنتیوکوس اول : ۱۶۱، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۳
ارونت : ۹۲	دوم : ۱۶۱
ارونتوپات : ۱۲۴، ۱۲۱	سوم : ۱۶۲
اریستنس : ۱۱۹	چهارم : ۱۶۲
ازیریس : ۱۰۵، ۲۴	پنجم : ۱۶۲
اسپتیریدات : ۹۵	ششم : ۱۶۲
اسپین تازا : ۱۲۸	هفتم : ۱۶۲
استارته : ۱۱۱، ۱۰۳	هشتم : ۱۶۲
استازانور : ۱۷۶	نهم : ۱۶۲
استاریواکس : ۱۳۲	دهم : ۱۶۳
استراتون اول : ۱۰۲، ۱۰۰	یازدهم : ۱۶۳
دوم : ۱۰۱	دوازدهم : ۱۶۳
سوم : ۱۰۳	آندروکلس : ۱۴۲
اسکندر : ۶۵ ، ۴۸ ، ۴۲ ، ۳۷ ، ۲۷ ، ۲۶ ، ۱۷	آینلی : ۱۱۲
۱۴۵ ، ۱۴۴ ، ۱۴۳ ، ۱۱۲ ، ۱۰۸ ، ۱۰۵	الف
۱۵۱ ، ۱۵۰ ، ۱۴۹ ، ۱۴۸ ، ۱۴۷ ، ۱۴۶	ابراهیم : ۱۳
۱۵۳	ابی پالس : ۱۴۲
اسکندر باللا : ۱۶۲:۱۵۸	ابی بن : ۱۵۶
اشمیت : ۹۳	اردشیر اول : ۱۱۷، ۷۵، ۶۸، ۴۸
اکراتید : ۱۸۶، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۷۹	دوم : ۹۲ ، ۸۸ ، ۸۷ ، ۸۴ ، ۸۱ ، ۷۶ ، ۶۸
اکوومیس : ۱۲۷	۱۱۹
انزیلوس : ۱۳۶	اردشیر سوم : ۹۹، ۷۷، ۴۶
اودموس : ۱۵۹، ۱۴۸	اردوان : ۱۷۸
اوتیدم اول : ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸	ارسس : ۷۷
	ارسطو : ۱۴۳، ۱۶

پروکلس : ۱۱۹	اوتیدم دوم : ۱۷۹
پریکلکس : ۱۲۹	اواگوراس : ۶۸
پیزسترات : ۵۶، ۵۵، ۸۶، ۵	اونازیلوس : ۱۳۶
پلوتارکک : ۱۴۵، ۱۲	اونوالا : ۱۴۴
پنیتاگوراس : ۱۴۵	اھورامزدا : ۶۶، ۳۱
پوروس : ۱۷۶	ایدریوس : ۱۲۳، ۱۲۱
پوزیدون : ۱۸۲	
پولوکس : ۱۷۱، ۱۴	ب
پومپہ : ۱۶۳	بارکلی ہد : ۴۲
پومیاتون : ۱۳۱	باکوس : ۱۴
پیتاکور : ۵۸	باگواس : ۹۴-۹۳
پیتس : ۷۳	بالرام : ۱۳۱
پیسوتنس : ۸۱	بالملکک : ۱۳۱
پیگزوداروس : ۱۲۳، ۱۲۱	بدسترت : ۱۰۱
	بزا : ۱۰۱
ت	بطلمیوس : ۱۰۵، ۱۳۳، ۱۵۱، ۱۵۲
تاخس : ۱۰۴	بعل : ۹۰، ۸۸، ۶، ۱۳۳، ۹۱
تاراس : ۵۹	بلومر : ۱۱۳
تتیوبیس : ۱۲۸	بلایو : ۱۸
تریباذ : ۸۶، ۸۵، ۶۹، ۶۶	بھرام اول : ۴۸
ترہ : ۱۴	
تلفانس : ۶۷	پ
تمیستکل : ۱۱۸	پازی سپروس : ۱۴۲
تن : ۱۰۲، ۹۸	پازیکراتس : ۱۴۱، ۱۴۲
تنہ گورس : ۱۲۷	پانتیلوس : ۱۳۳
تی تروست : ۹۳	پراکزیتل : ۴۷
تیسافرن : ۸۳، ۸۲، ۸۱	پراکسیپوس : ۱۳۲
تیگران دوم : ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۰	پردکاما : ۲۳
سوم : ۱۷۱	پردیکاس : ۱۰۵، ۱۵۱

دمتریوس اول : ۱۶۲، ۱۵۷، ۳۷	تیگران چهارم : ۱۷۱
دمتریوس دوم : ۱۶۳، ۱۶۲	تیمناگوراس : ۱۴۲
دمتریوس سوم : ۱۶۳	تیسوخاریس : ۱۳۳
دمرگان : ۱۰، ۲۰، ۲۰، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۳۵	تیموناکس : ۱۴۲
۱۴۷	تیوس : ۸۷
دمکنم : ۲۳، ۱۸	ح
دمودیسه : ۱۴	حاکسی : ۸۰
دمونوس : ۱۳۳	حجاج : ۳۸
دمینیگوس : ۱۳۱	حمورابی : ۲
دوسو : ۱۲	خ
دیودوت اول : ۱۷۹، ۱۷۸، ۳۸	خادری تیمس : ۱۲۹
» دوم : ۱۸۰، ۱۷۹	خرسیس : ۱۳۵
دیودور : ۱۰۲، ۱۴۵	خریس : ۱۲۹
دیونیزوس : ۱۷۷	خریکا : ۱۲۹
ر	خسرودوم : ۳۸
رکسانه : ۱۵۱	خشایارشا : ۲۳، ۶۵، ۷۱، ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۷
رواکس : ۱۴۲	۱۸۷، ۱۳۶، ۱۱۸
ز	خشایارشا دوم : ۷۶
زنوس : ۱۶۸، ۱۵۸، ۱۵۱، ۱۲۴، ۶	د
زرتشت : ۳۲	داتام : ۸۱، ۶۹، ۶
زموس : ۱۲۹	داریوش اول : ۱۷، ۷۳، ۷۴، ۶۱، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۸۷
زوقیموس : ۱۴۲	داریوش دوم : ۱۸۷، ۷۶
ژ	داریوش سوم : ۷۲، ۷۸
ژلون : ۶۰، ۴۷	داگون : ۱۰۹، ۳۱
	درسیلیداس : ۸۲، ۶۸
	دمارات : ۱۱۹

عبد حداد : ۱۰۱۴

عبدسترت : ۱۰۱۶۱۰۰

عزیزبگلو : ۱۷۳،۹۰

ژوپیتر : ۱۸۵۴۱۷۱

ژوستن : ۱۵۶

ژیکک : ۵۰،۴۹

غ

غازان : ۲۵

ف

فرناپاد : ۹۵،۹۳،۸۷،۸۵،۸۴،۸۳،۶۹

فرناس : ۸۳

فرهادسوم : ۴۸

فوسیون : ۱۳۹

فوریه : ۳۴

فوهی : ۲۳

فیدن : ۵۴،۲۶،۱۴

فیدیاس : ۴۷

فیلاعون : ۱۳۶

فیلسیپروس : ۱۴۱

فیلوکور : ۱۴

فیلیپ دوم : ۱۴۳

ک

کاساندر : ۱۵۱

کاستور : ۱۷۱

کامرون : ۶۳،۲۳

کامیسار : ۸۷

کتزیاس : ۷۶

کرزوس : ۶۳،۵۰،۴۵،۲۷،۱۵،۵،۴

کسیکا : ۱۲۶

کل امن : ۱۱۹

کمبوجیه : ۱۶

س

سپهرداد : ۹۶،۹۵،۶۹

سلوکوس اول : ۱۰۶،۳۷

» دوم : ۱۶۱

» سوم : ۱۶۱

» چهارم : ۱۶۲

» پنجم : ۱۶۲

» ششم : ۱۶۲

سوفی تس : ۱۷۶

سولون : ۵۵،۵

سپرانور : ۱۴۱

سیدکه ملکک : ۱۳۳،۱۳۲

سیرموس : ۱۳۵

سیزیس اول : ۱۱۶

» دوم : ۱۱۶

» سوم : ۱۱۶

» چهارم : ۱۱۶

سیمون : ۴۸

ش

شابویه : ۱۸۶

شاپورا اول : ۴۸

شامپولیون : ۳۴

شاندررا گوپتا : ۳۷

ع

عبدالملکک : ۳۸

مورفیلنگوس : ۱۷۰	کنن : ۸۴۶۹
موسی خورن : ۱۷۰	کوبرائیس : ۱۲۶
موسولوس : ۱۲۲	کوپرلیس : ۱۲۸
مولر : ۴۲	کوروش : ۱۲۵، ۹۸، ۵۱، ۱۶
مولون : ۱۶۲	کوینگھام : ۱۸۶
مہرداد اول : ۱۶۷، ۱۶۶	گ
» دوم : ۱۶۷، ۱۴۸	گاردنر : ۱۷۷
» سوم : ۱۶۷	گزرسیس : ۱۷۲، ۱۷۰
» چہارم : ۱۶۷	گزنناگوراس : ۱۱۶
» پنجم : ۱۶۷	گزنفون : ۱۲۰، ۸۲، ۶۲
» ششم : ۱۶۷	گزنوفان : ۱۴
میشل سوتزو : ۲۵	گورگوس : ۱۳۶
مینوس : ۱۲۵	ل
ن	لائودیسیہ : ۱۶۳، ۱۵۹، ۱۵۶
نکتابت : ۱۰۴	لونرمان : ۴۲
نیکانور : ۱۵۳	لیزاندر : ۱۴۲
نیکوکلس : ۱۳۸، ۱۳۴	لیزیماک : ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱
نیول : ۱۸۶، ۱۷۷	م
و	ماہن . ۱۰۴
وگزرسیس : ۱۲۹	مازہ : ۱۴۴، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۶۹
ویدرن : ۸۱	مربال : ۱۰۹
ویشتاسب : ۶۱، ۲۲	مصطفوی : ۲۲، ۱۰
ھ	ملکار : ۱۰۹، ۱۰۵، ۳۱
ھارپاک : ۱۲۵	ملکیاتون : ۱۳۱
ھراکلس : ۱۵۵، ۱۵۱، ۱۴۹	ممین : ۹۴، ۷۹
ھرتسفلد : ۶۴	من تور : ۹۴
ھردوت : ۱۲۵، ۷۰، ۶	موتلہ لیس : ۱۲۷
ھرکول : ۱۴۱، ۱۲۲، ۶	

ہیپارک : ۵	ہرمایوس : ۱۷۹
ہیپاس : ۵۶	ہرمز دوم : ۴۸
	ہکاتمنوس : ۱۲۲
	ہلیوکلس : ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶
ی	
یزدگرد سوم : ۲۸	ہمر : ۱۳
یوسف : ۱۳	ہمی : ۱۸، ۱۹
یہاربال : ۱۱۱	ہنتر : ۹۲
یہو ملک : ۱۱۱	ہورث : ۱۷۷

فہرست اماکن

آ

ارمنستان : ۱۷۰ ، ۱۶۹ ، ۱۶۸ ، ۹۲ ، ۱۰
 ۱۷۳ ، ۱۷۱
 اژہ : ۹۵ ، ۶۱ ، ۷
 اژین : ۵۴ ، ۳۰ ، ۲۶ ، ۱۴
 اسپارت : ۱۱۹ ، ۸۱ ، ۳۹
 اسپاندوس : ۸۱
 اسپانی : ۳۲
 اسدآباد : ۱۸۳
 اسلامبول : ۲۰
 افریقا : ۹
 افز : ۹۵ ، ۷۱ ، ۵۴ ، ۵۲ ، ۱۵ ، ۴
 افغانستان : ۱۷۶ ، ۶۶ ، ۶۰
 الاتہ : ۱۴۳
 البرز : ۳۸
 البپی : ۱۴۸ ، ۴۱
 امریکا : ۱۲ ، ۱۰ ، ۹
 انگلیس : ۱۴۱ ، ۲۴
 ایازو : ۸۲
 ایران : ۳۸ ، ۳۲ ، ۳۱ ، ۲۸ ، ۲۲ ، ۱۷ ، ۱۵ ، ۱
 ۱۴۶ ، ۱۴۵ ، ۱۴۳ ، ۱۳۷ ، ۱۳۵ ، ۱۰۴
 ۱۶۹ ، ۱۵۰
 ایسوس : ۶۸
 ایلیری : ۱۴۳
 ایونی : ۱۲۵ ، ۸۰ ، ۷۳ ، ۵۳ ، ۵۲ ، ۳۰ ، ۶
 ب
 بنوسی : ۵۲

آبادانا : ۶۱
 آتن : ۱۴۳ ، ۵۶ ، ۵۵ ، ۳۹ ، ۳۰ ، ۶ ، ۴
 آتیک : ۵۲ ، ۲۶
 آراد : ۱۱۰ ، ۱۰۹ ، ۱۰۸ ، ۱۷
 آارات : ۱۶۸
 آریل : ۱۴۵ ، ۸۹
 آرتاگزیبا : ۱۶۹
 آرکادی : ۵۲
 آرگوس : ۵۴ ، ۲۶ ، ۱۶
 آرگواید : ۵۲ ، ۱۲
 آرمینا : ۱۵۲
 آرینا : ۱۲۹
 آسیا : ۳۱ ، ۱۰
 آسیای صغیر : ۷۲ ، ۷۱ ، ۶۵ ، ۶۰ ، ۴۹ ، ۳۲
 ۱۶۶ ، ۱۲۵ ، ۱۱۸
 آشور : ۶۱ ، ۳۵ ، ۲۹ ، ۲۵
 آکروپول : ۴
 آماٹونٹ : ۱۴۲ ، ۱۳۱

الف

انطاکیہ : ۱۵۹-۱۵۶
 الی : ۸۰
 اپیر : ۱۴۳
 ارس : ۱۶۸

تاریخ ہند

دورہ پارٹی

جلد دوم

تالیف

ملکرادہ بیانی

شماره انتشار ۱۶۶۳

شماره مسلسل ۳۰۸۱

فهرست مندرجات

صفحه	موضوع
چهار	۱- سرآغاز
۱	۲- مقدمه تاریخی
	۳- فصل اول:
۴	وضع مالی و اقتصادی شاهنشاهی پارت
	۴- فصل دوم:
۲۵	اصول یولی و نوع سکه ها و ترتیب اوزان
۲۸	نقش ها
۳۴	خط سکه ها
۳۹	تاج ها
۴۳	شهرها و ضرابخانه ها
۴۷	تاریخ گذاری سکه ها
	۵- فصل سوم:
۵۱	سکه های پارسی
۵۱	ارشک اول
۵۲	تیرداد اول
۵۳	ارشک دوم
۵۴	فریپات
۵۴	فرهاد اول
۵۵	مهرداد اول
۵۸	فرهاد دوم
۶۰	اردوان اول
۶۱	همیر
۶۲	مهرداد دوم
۶۵	اردوان دوم
۶۷	سنتروک

صفحه	موضوع
۶۸	فرهاد سوم
۷۱	مهرداد سوم
۷۴	ارد اول
۷۸	پاکر
۷۹	فرهاد چهارم
۸۴	تیرداد دوم
۸۵	فرهاد پنجم
۹۰	ارد دوم
۹۳	اردوان سوم
۹۷	وردان اول
۱۰۰	گودرز
۱۰۲	مهرداد
۱۰۲	ونن دوم
۱۰۳	بلاش اول
۱۰۵	پاکردوم
۱۰۸	اردوان چهارم
۱۰۹	خسرو
۱۱۱	بلاش دوم
۱۱۵	مهرداد چهارم
۱۱۶	بلاش سوم
۱۱۹	بلاش چهارم
۱۲۲	بلاش پنجم
۱۲۳	اردوان پنجم
۱۲۵	ارتاواز
	نقشه پارت
۱۲۶	شاهان پارت
۱۲۸	نوشته‌های یونانی
۱۳۳	نوشته‌های پهلوی پارتی
۱۳۴	لوحه‌ها

صفحه	موضوع
۱۳۹	سکه های سسی
۱۴۰	فهرست شکل ها
۱۴۲	فهرست لوحه ها
۱۴۴	فهرست منابع
۱۴۶	فهرست منابع خارجی
۱۴۸	فهرست نام کسان
۱۰۹-۱۰۰	فهرست نام جای ها

سرآغاز

یکی از ادوار مهم تاریخ ایران که از جهات مختلف قابل تعمق و مطالعه میباشد دوره اشکانی یا پارتی است. دوره‌ای بس درخشان و پر عظمت که شاهان مؤسس آن توانستند با تدبیر و دلاوری و شجاعت که خاصیت آن قوم ایرانی بود، دست یونانیان و جانشینان اسکندر را از سرزمین ایران کوتاه نمایند و اساس و بنیان شاهنشاهی بزرگی را که مدت پنج قرن دوام داشت پی ریزی کنند و شاهنشاهان بزرگ آن با وجود قدرت روزافزون امپراطوری روم و حملات متعدد و جنگهای پی در پی رومیان و تهاجمات اقوام شرقی موفق شدند سرزمین پهناور ایران را حفظ و حراست نمایند.

درباره تمدن و فرهنگ پارتها تقریباً اکثر مورخین قدیم اعم از یونانی و رومی و سایر مورخین از ملتهای دیگر اهمیت و تاثیر حیاتی این دوره درخشان طولانی ایران را نادیده گرفته و توجه کافی به آن ننموده‌اند. تعصب یاسهل انگاری هرچه بوده بهرحال سعی شده است وضعی را که این شاهنشاهی مقتدر و پر شکوه در دنیای آنروز داشت حتی المقدور جلوه ندهند. ولی خوشبختانه این موضوع مهم نیز مانند بسیاری از مسائل تاریخی و هنری دنیای گذشته و تمدن‌های کهن که در بونه فراموشی سپرده شده بود، با مساعی و مجاهدتهای محققان و باستان‌شناسان در دو قرن اخیر تاحدی روشن گردید و حقایق از پس پرده بیرون آمد و بسیاری از نقائص بصورت صحیحی برطرف شد.

بدست آمدن گنجینه‌ها و پیدا شدن آثار مهم از دل ویرانه‌ها و سکه‌ها و مطالعه آنها هر یک توانسته است صفحات درخشانتری بر تاریخ ایران اضافه نماید. بخصوص در سال اخیر آثار و ابنيه بسیار مهمی در نقاط مختلف مملکت مانند شوش و شمی^۱ و مسجد سلیمان و کوه خواجه (سیستان) در دریاچه هاسون، نهاوند و گنجینه‌های سکه مکشوفه در شوش و گرگان و کرمانشاهان و غیره یادگار سرزمینهایی که جزو شاهنشاهی پارت بودند مانند هتیره^۲ (الحضر) دورا اور و پوس^۳

(۱) شمی ناحیه‌ای نزدیک مال اسیر (خوزستان)

(۲) Hatra (در بین النهرین). این سرزمین در نزدیکی موصل کنونی واقع بوده است که ناحیه جنوبی نینوی کهن می باشد.

(۳) Dura-Europos (در سوریه) این شهر واقع در ساحل راست فرات راسلو کوس نیکاتور اول در حدود سال (۲۸۵ پ-م) بنا کرد. از قرن اول میلادی جزو قلمروی شاهنشاهی پارت درآمد.

پنج

تاکسیلا (واقع در هند در کنار رود سند) ونیسا، شهر اشکانی و اولین پایتخت آنان (که در چند کیلومتری عشق آباد ترکستان روس قرار دارد) بدست آمد و کمک قابل ملاحظه ای به روشن شدن تاریخ و فرهنگ و تمدن دوران شامشاهی پارتها کرده است. با تحقیق و مطالعه سکه های این دوره طولانی بصورت جامعتری میتوان به هنر آداب و سنن عقاید و تشکیلات و تقسیمات مملکتی و وضع مالی و قدرت یا ضعف دستگاه اقتصادی پارتها پی برد. اینک جلد دوم تاریخ سکه را که مربوط به دوران پارت است تقدیم میدارد و امید است که نتیجه مطالعات و تحقیقات و زحمات چند ساله ام بتواند تا حدی کمک بروشن شدن تاریخ این دوران پرافتخار بنماید. رجاء واثق دارم که این اثر مورد قبول ارباب فن واقع شود.

(۱) قسمتی از افغانستان کنونی. در سال ۱۹۲۸ میلادی کتیبه هائی بخط آراسی و آثار ابنیه سعابد ضمن کاوش بدست آمد که بوسیله F. Cumont در دو مجلد کلیه نقوش و آثار سکشفه و کتیبه ها مندرج است.



مقدمه تاریخی

از آغاز تاسیس دولت سلوکی^۱ فرمانروایان این سلسله دائم گرفتار اختلافات و مبارزات های شدید و فرونشاندن انقلابات پی در پی در نواحی مختلف بودند. در دوره مؤسس این دولت یعنی سلوکوس اول^۱ مردم سرزمین ایران از استقرار و نفوذ یونانیان از زمان اسکندر به بعد بینهایت ناراضی بودند و از روی اجبار وضع موجود را تحمل مینمودند. ولی طولی نکشید که پس از نیم قرن رفتار ناهنجار عمال سلوکی موجب شد، شکست بزرگی بقدرت آنان وارد آید. در باختر دیودوت^۲ فرمانروای یونانی که از طرف سلوکیها بر ایالات شرقی حکومت میکرد، دولت مستقلی تشکیل داد که در دوره مهرداد اول قسمت مهمی از آن جزو سرزمین پارتها درآمد ولی آنچه مهمتر میباشد قیام پارتهاست که سیر تاریخ دنیای آنروز را دگرگون ساخت و وسیله شد از نفوذ روزافزون یونانیان که بسرعت بسوی شرق پیشروی میکرد و در حال ریشه گرفتن بود جلوگیری نماید.

۱) سلوکوس اول نیکاتور (۳۱۲-۲۸۰ پ.م) یکی از سرداران نامی اسکندر بود که پس از مرگ اسکندر هنگام تقسیم امپراطوری، سرزمین بابل نصیب وی گردید. سلوکوس پس از مبارزه های فراوان با رقبای خود توانست قلمرو فرمانروائی خود را تا حدود جیحون برساند. شاید یکی از علل موفقیت وی در ایران بواسطه این امتیاز بود که زن ایرانی داشت. آپامه (Apamé) دختر اسپیتامن (Spitamène) یکی از بزرگان باختر بود که در حمله اسکندر به ایران با ابراز شجاعت مقاومت سختی نشان داد تا کشته شد. سلوکوس در سال (۳۱۲ پ.م) رسماً خود را شاه خواند و قدرت مطلق را بدست گرفت. آغاز تاسیس سلسله سلوکی سال (۳۱۲ پ.م) است که پس از دو قرن و نیم بدست رومیان منقرض گردید.

۲) (Diodote) فرمانروای باختر در حدود سال (۲۵۰ پ.م) از ضعف دستگاه سلوکیها و وضع آشفته آنان استفاده نمود و تشکیل فرمانروایی مستقلی داد که چهل سال بعد آنتیوکوس بزرگ استقلال باختر را رسماً شناخت. سکه های باختر بخصوص دوره اول از لحاظ هنری بسیار جالب توجه است خط و القاب یونانی و از دوره سلطنت او کراتید Eucratide (۱۷۵-۱۵۶ پ.م) علاوه بر نوشته یونانی خط خروشتی که خط معلی است بر روی سکه نقر است.

پارت‌ها تیره‌ای از قبیله آریائی (ایرانی) پرنی^۱ میباشند که جزئی از قوم دهه بود، این قبایل بصورت چادرنشینی در ناحیه مجاور جیحون و در استپ‌های بحر خزر و دریاچه اورال زندگی میکردند.

این قوم از سوارکاران و تیراندازان ماهر و جنگجویان دلیر و با شهامتی بودند. در حدود اوائل قرن سوم میلادی بسرزمین‌های جنوب تحت تسلط سلوکیها تجاوز کرده در منطقه پرتو (پارت) نفوذ نمودند.

قدیمترین اطلاعی که از این منطقه داریم از سالنامه‌های آشوری قرن هفتم پیش از میلاد بدست میاید. در کتیبه آسارهادون^۲ شاه آشور، بنام پارتا کا^۳ سرزمینی که جزء کشور ماد بوده است، برمیخوریم^۴.

در دوره هخامنشی این منطقه بصورت یکی از ساتراپی‌ها در آمد و کوروش پس از پیروزیها در آسیای صغیر با سپاهیان خود بسوی مشرق توجه شد و ویشتاسپ پدر داریوش رابه ساتراپی هیرکانی^۵ و پارت برگزید^۶.

در کتیبه بیستون که به امر داریوش اول بر صخره نقر گردیده است و همینطور در نقش رستم ناحیه پارت (پرتوه) جزو ساتراپی‌های شاهنشاهی هخامنشی آمده است. در کشورگشائیها و در جنگهای دوره هخامنشی سلحشوران پارت شرکت داشته‌اند و سورخان حتی نام چندتن از فرماندهان و سرداران را ذکر کرده‌اند^۷.

Parni (۱)

Assarhadon (۲) (۶۶۸-۶۸۱ پ.م)

Partaka (۳)

(۴) در این کتیبه ضمن شرح حمله شاه آشور بنواحی جنوبی بحر خزر از دو اسیری که اهل پارتا کا (پارت) بوده‌اند یاد شده است. تاریخ سیاسی پارت (Neilson Delberoise) ترجمه علی اصغر حکمت (ص ۳۰).

(۵) گرگان

(۶) در این دوره ناحیه هیرکانی (گرگان) و (پرتوه) پارت، تشکیل یک ساتراپی را میداد که در دوره داریوش به دوساتراپی تبدیل شده است.

(۷) هرودوت از فرماندهی بنام آرتاباز پسر فرناس و سرداری بنام ارشک نام میبرد که در سپاه پارتی خشاریاشا سمت فرماندهی داشت. تاریخ سیاسی پارت (ص ۵).

در حمله اسکندر به ایران سپاهیان پارت جزو سایر سپاهیان ایرانی در جنگ شرکت داشتند و پس از سقوط دولت هخامنشی فاتح مقدونی این سرزمین را نیز در تصرف خود در آورد^۱ و یک تن از اهالی پارت بنام آسی ناسپ^۲ را بسمت فرمانروا تعیین نمود. پس از مدتی سلوکیها برای ناحیه پارت و باختر، فرمانروای واحدی تعیین نمودند^۳ ولی طولی نکشید که دیودوت^۴ ساتراپ باختر بر ضد سلوکیها قیام کرد و خود را شاه خواند.

پارتهای که از رفتار سلوکیها و فرمانروائی آنان بستوه آمده بودند، تحت رهبری رؤسای متنفذ خود دست بشورش زده دولتی تشکیل دادند که در ابتدا شامل منطقه کوچکی بود ولی طولی نکشید که با وجود حملات مکرر و پی در پی شاهان سلوکی، آنان موفق شدند دست سلوکیها را از بسیاری از مناطق ایران کوتاه کرده پس از راندن کامل آنان شاهنشاهی بزرگ مقتدری تشکیل دهند که مدت پنج قرن ادامه یافت. مؤسس سلسله پارتها یا اشکانیان^۵ ارشک است که با کمک برادر خود تیرداد توانست ناحیه پارت را از سلطه سلوکیها خارج سازد^۶ و مستقلاً فرمانروائی کند.

راجع به نسبت ارشک روایت مختلفی عنوان شده از جمله او را از خاندان هخامنشی و از اعقاب اردشیر دوم که بنام اشک بود میدانند. بدون تردید ارشک یکی از افراد مهم قبیله خود بوده و بمناسبت کفایت ذاتی توانسته است قوم خود را رهبری نماید.

۱) ساتراپ پارت در این زمان فراتافرن (Phrataphern) بود که تسلیم گردید.

۲) Aminasp

۳) استاسانور (Stasanor) اوایل قرن سوم فرمانروای سلوکی در منطقه باختر و پارت گردید.

۴) Diodotos (۲۵۰-۲۴۵ پ. م)

۵) این سلسله بمناسبت نام مؤسس آن ارشک به اشکانیان اشتهار یافت.

۶) بنا بر گفته ژوستن در این زمان اندراگوراس (Andragoras) که از طرف شاهان سلوکی فرمانروای پارت بود از آشفتگی وضع سلوکیها استفاده کرد و در صدد برآمد مستقلاً فرمانروائی کند حتی بنام خویش نیز سکه ضرب کرد، ولی در جنگ با ارشک کشته شد. در جزو آثار گنجینه جیحون که در سال ۱۸۷۸ میلادی بدست آمده است، سکه‌ای بنام اندراگوراس موجود است، ولی بنا بر نوشته سایر مورخان و محققان چندتن از سکه شناسان روایت ژوستن در مورد او منطبق با صحت نمیباشد.

در حدود سال ۲۵۰ پ. م ارشک بشهرنيسا^۱ در آمد، سپس در حدود سال ۲۴۸ پ. م اقوام پارت^۲ اورا به پادشاهی برگزیدند. ارشک در شهر اساک^۳ تاج شاهی بر سر نهاد. تاجگذاری ارشک مبداء تاریخ پارتها شد. طولی نکشید که ارشک در پیکاری کشته شد و برادرش تیرداد (۲۴۸-۲۱۱ پ. م) بسطنت رسید. وی ناحیه هیرکانی (گرگان) را بتصرف در آورد و شهر دارا^۴ را که موقعی استوار داشت بنا کرد. تیرداد به تجهیز قوای جنگی خود پرداخت تا بتواند در صورت حمله باسلو کوس دوم و یا دیودوت شاه باختر مقابله نماید. بخت باتیردادیاری کرد و شاه سلوکی در اثناء پیکار بواسطه اغتشاشی که در ناحیه غربی روی داده بود ناچار شد که به آن سوی عزیمت نماید و دیودوت نیز از در مصالحه باتیرداد در آمد. پس از درگذشت تیرداد در سال ۲۱۱ پ. م. بترتیب اردوان اول (۲۱۱-۱۹۱ پ. م) و فریادپات (۱۹۱-۱۷۶ پ. م) و فرهاد اول (۱۷۶-۱۷۱ پ. م) سلطنت کرده با پیکار باسلوکیها^۵ و تقویت وضع خود توانستند فرمانروای سرزمینهای وسیعتری شوند.

۴

چنانکه قسمتی از ماد و سیستان ضمیمه قلمرو آنها گردید. این شاهان ضمن تحکیم وضع خود شهرها و آبادیها و قلاع بنا نهادند و به امور مالی توجه کرده شهر صدرروازه در نزدیکی دامغان کنونی را پایتخت خود کردند. دوران اعتلاء شاهنشاهی پارت از سلطنت مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ پ. م) آغاز میشود. مهرداد توانست با تدبیر و توانائی دولت باختر را به اطاعت در

(۱) نيسادر هيچده كيلومتری غربی عشق آباد کنونی است که از سال ۱۹۳۰ تا امروز بوسیله باستانشناسان روسی مورد کاوش قرار گرفته است. این شهر دارای قلاع و کاخها و معابد و ابنیه و حصارها بوده است «در قلعه (مهرداد کرت) که یکی از اقامتگاههای شاهان و پارت و آرامگاه خانوادگی ایشان بود بایگانی کاملی از اسناد اقتصادی پارتی بدست آمده است. م. م. م. دیاکونوو ترجمه کریم کشاورز ص-۶۴.

(۲) Assak این شهر در نزدیکی قوچان فعلی بوده است و بنام وی (اساک) یا (ارشک) نامیده شد.

(۳) شهر (دارا) نزدیک درگز کنونی بوده است.

(۴) در سال ۲۰۹ پ. م آنتیوکوس سوم (بزرگ) حملات خود را بسوی مشرق ادامه داد و با وجود موفقیت، مناسب دانست که با اردوان شاه اشکانی از در مصالحه در آید.

(۵) Hecatompylos شهر صدرروازه (حوالی دامغان کنونی)

آورد و تمام نواحی شمالی و ماد و الیمائی^۱ و خرسن^۲ و پارس و بابل و آشور را تسخیر کرده باشکستی که به دمتریوس دوم شاه سلوکی وارد ساخت دست سلوکیها را از ایران کوتاه نماید^۳. موفقیت مهرداد بزرگ موجب تقویت دولت پارت گردید^۴، وی در تابستان سال ۱۴۱ پ.م در شهر سلوکیه که مرکز اقتدار و پایتخت بزرگ سلوکیها بود، بر تخت نشست و تاجگذاری نمود. مهرداد در ساحل چپ دجله در مقابل سلوکیه محلی که بنام تیسفون پایتخت بزرگ پارتها و سپس ساسانیان خواهد گردید، پادگان نظامی خود را مستقر نمود.

مهرداد پس از تسخیر نواحی غربی بسوی هیرکانی (گرگان) برای دفع قبایل سکائی که بسوی جنوب روی آورده و بسرحدات رسیده بودند، عزیمت نمود.

دیمتریوس از وضع موجود استفاده کرد و درصدد برآمد که سرزمین بین النهرین را بدست آورد، ولی از قوای پارت شکست خورد و اسیر گردید. مهرداد اول کشور پارت را بصورت شاهنشاهی درآورد که از ماوراءالنهر تا بین النهرین را در بر گرفته بود^۵. مهرداد توانست با سجایای اخلاقی و حسن تدبیر و سرو سامان دادن بوضع اقتصادی کشور ایران را یک قدرت جهانی نماید. قدرتی که بتواند تا مدت پنج قرن در مقابل حوادث مختلف حملات و مهاجمات ایستادگی نماید.

(۱) الیمائی بر قسمتی از منطقه عیلام کهن که بین کوههای بختیاری تا قسمت شرقی شوش واقع بود اطلاق میشود، این سرزمین در اواخر دوره سلوکیها استقلال پیدا کرد و مهرداد پس از تسخیر ماد این ناحیه را بتصرف درآورد و شاه محلی را از طرف خود در فرمانروائی ابقا کرد. از اوایل قرن اول میلادی فرمانروایان الیمائی از شاهزادگان پارتی بودند.

(۲) خرسن در ناحیه بابل جنوبی در مصب فرات و دجله واقع بود که تمام پایتخت آن سامان خارا کس (Charax) یا خرسن نامیده شده است. در دوره اسکندر این شهر بنا گردید و بنام اسکندریه دجله خوانده شد. در اوایل دوره سلوکی انطاکیه نامگذاری شد و مرکز تجارت گردید.

(۳) دمتریوس برای جلوگیری از پیشرفت مهرداد بآلشکریانش بسوی ماد تاخت و یکی از سرداران او بطرف بین النهرین روانه شد ولی شاه پارت قوای آنها را درهم شکست.

(۴) در کتیبه مکشوفه در شوش چنین آمده است که اهالی شوش برای سلامت شاه و ملکه خود دعا کرده اند

(۵) سردار پارتی دمتریوس دوم را که به اسارت درآمده بود به هیرکانی فرستادند ولی مهرداد با وی به مهربانی رفتار کرد و دختر خود (رودگون) را به همسری دمتریوس درآورد.

(۶) شاهنشاهی پارت در دوره مهرداد اول عبارت بود از پارت. هیرکانی (گرگان) ماد. بابل. آشور. عیلام و پارس.

فرهاد دوم (۱۳۸-۱۲۸ پ.م) پس از درگذشت پدر بتخت سلطنت نشست. آنتیو-کوس هفتم^۱ برای تصرف مناطقی که از حیظه تصرف سلوکیان خارج شده بود باسپاه فراوانی وارد بین‌النهرین گردید. ابتدا در جنگ باقوای پارتی غالب گردید و تا هگمتانه (همدان) پیش راند ولی طولی نکشید که حملات شدید پارتها شروع شد و شکست نصیب سلوکیها گردید. آنتیو کوس در جنگ کشته شد و فرهاد مناطق از دست رفته را بازگرفت.

از این دوران نفوذ سلوکیها در ایران ازین رفت (سال ۱۲۹ پ.م) و شاهان سلوکی تاسدتی در سوریه فرمانروائی داشتند، سرانجام در سال (۶۴ پ.م) دولت روم بر فرمانروائی آنان پایان داد و آن سرزمین یکی از ایالات روم گردید.

فرهاد دوم برای سرکوبی اقوام سکائی بسوی مشرق شتافت^۲ و در جنگ با آنان کشته شد^۳. پس از درگذشت فرهاد دوم اردوان اول (۱۲۸-۱۲۳ پ.م) عموی وی بسلطنت رسید، دوران کوتاه سلطنت اردوان با مبارزه با صحرانشینان (طوایف طخار) گذشت. اردوان ضمن جنگ با آنان کشته شد.

هیمر (۱۲۷ پ.م) که از طرف فرهاد دوم فرمانروای بابل بود، پس از نبردی که با شاه محلی خرسن نمود خود را شاه خواند. اردوان (۱۲۸-۱۲۳ پ.م) پس از درگذشت عموی خود فرهاد دوم به سلطنت رسید. وی برای دفع اقوام سکائی به جنگ با آنان پرداخت ولی در اثنای جنگ مجروح شد و در اثر آن درگذشت.

مهرداد دوم (۱۲۳-۸۸ پ.م) پس از پدر بسلطنت رسید. دوره شهریاری وی دوران اعتلاء و عظمت شاهنشاهی پارت است.

مهرداد در جنگ، سکاها را مغلوب و مطیع ساخت و مناطق شرقی باختر را به اطاعت آورد^۴ و نفوذ خود را برارمنستان و آسیای صغیر گسترش داد و به برقراری روابط سیاسی با روم توجه نمود. پس از مهرداد بزرگ اردوان دوم^۵ و گودرز اول (۹۰-۸۰ پ.م) بر قسمت غربی

Antiochos Evergete VII (۱) (۱۳۸-۱۲۹ پ.م)

(۲) فرهاد دوم یکی از اهالی هیرکانی بنام هیروس (Himerus) را که مورد علاقه اش بود و پیش از آنکه بسوی مشرق برای جنگ با اقوام سکائی برود به نیابت سلطنت و جانشینی خود تعیین نمود، دولت هیروس بواسطه بد رفتاری که نسبت به اهالی سلوکیه و بابل نمود دواسی پیدا نکرد.

(۳) بعضی از مورخان براین عقیده اند خیانت اسرای یونانی که در صفوف لشکریان ایران خدمت میکردند موجب مرگ وی گردید.

(۴) مرز متصرفات پارتها در این هنگام شرق رود جیحون بوده است

(۵) بنا بر گفته بعضی از مورخان مانند دیا کونوف و سکه شناس دکتر سلوود (D.Sellwood) گودرز که ساتراپ بابل بود از مشکلاتی که مهرداد دوم در نواحی شرقی کشور داشت استفاده نمود و نواحی غربی را ضمیمه فرمانروائی خود کرد.

ایران سلطنت کردند سپس سنتروک (۷۷-۷۰ پ.م) که مردی پیرو نیروی کافی برای اداره امور کشور نداشت به تخت شاهی نشست.

فرهاد سوم (۷۰-۵۷ پ.م) پسر سنتروک پس از پدر جانشین وی گردید. در دوره شهرسازی وی میان ایران و روم مبارزه آغاز گردید و اختلاف بین شاه ارمنستان تیکران بزرگ و پسرش اتفاق افتاد که پسر تیکران از شاهنشاه ایران کمک خواست، در نتیجه این مناقشات پای روسیه‌ها به این نواحی کشانده شد. و در سال (۵۷ پ.م) فرهاد سوم بدست پسران خود کشته شد.^۱

سلطنت مهرداد سوم (۵۷ پ.م) دوامی نیافت و بزرگان کشور از بیرحمی بیحدی که نسبت به مردم روا میداشت آزرده خاطر گشته وی را از سلطنت خلع کردند.

سرانجام مهرداد پس از جنگ با برادر خود ارد کشته شد و ارد (۵۷-۳۷ پ.م) بجای او به سلطنت رسید. در این دوران جنگ ایران و روم آغاز گشت و کراسوس سردار ناسی روم با لژیونهای رومی از راه بین‌النهرین بقلمرو ایران تجاوز کرد و حمله نمود. پس از جنگی شدید که سواران و تیراندازان پارتی بفرماندهی سردار معروف ایران سورن باروسیه‌ها در گرفت به سپاهیان رومی شکست فاحشی وارد آمد و کراسوس کشته شد. در نتیجه سوریه و همه شهرهای فینیقیه و سراسر آسیای صغیر تحت نفوذ ایران درآمد.^۲

پاکر (۳۹ پ.م) در آخرین سالهای زندگی پدر خود ارد نقش مهمی در امور سیاسی و نظامی ایفا نمود وی از آشفتگی وضع رم بواسطه اختلاف بین سرداران رومی استفاده نمود و با سپاهیان پارتی وارد سوریه گردیده آن منطقه و شهرهای فینیقیه را بتصرف در آورد (۴۰ پ.م) ولی طولی نکشید که پاکر که سردار بزرگ و دلیری بود در جنگ کشته شد و با عقب نشینی سپاهیان وی ناحیه فرات سرحد ایران و روم گردید.^۲

فرهاد چهارم (۳۸-۲ پ.م) پس از کشته شدن پدر خود ارد بیادشاهی رسید. فرهاد برادران و بسیاری از بزرگان را بتصور اینکه روزی مدعی سلطنت او شوند کشت و عده‌ای

(۱) مهرداد وارد دو پسر فرهاد سوم پدر خود را مسموم نمودند.

(۲) وسعت قلمرو شاهنشاهی اشکانی در این دوره تقریباً بهمان وسعت ایران هخامنشی رسید.

(۳) چنین آمده است که پاکر بمناسبت فتوحات پی‌درپی که نصیب وی گردید سکه‌ای ضرب کرد با نوشته (امپراتور پارت) Emperor Parthicus مراجعه شود به کتاب اشکانیان م. دیاکونو و ترجمه کریم کشاورز (صفحه ۹۱).

از شاهزادگان بنقاط دور دست کشور گریختند و بعضی از آنها به رم پناهنده شدند^۱ در این هنگام آنتوان سردار رومی^۲ با سپاهی فراوان از راه سوریه و ارمنستان بسوی ایران حرکت کرد. پس از زدوخوردهای متعدد جز شکست و ناکامی طرفی نسبت و ناچار راه فرار بسوی مصر در پیش گرفت. فرهاد چهارم با وجود گرفتاریهای داخلی^۳ در سیاست خارجی توفیق حاصل نمود. سرانجام در سال دوم پیش از میلاد بدست زن خود مسموم و مقتول گردید^۴. پس از درگذشت فرهاد چهارم پسرش فرهاد پنجم (فرهاد ک) (۲ پ. م. - ۴ م) با شرکت ملکه مادر (موزا) در امر سلطنت بتخت نشست^۵. در دوره سلطنت وی رومی هاسعی داشتند نفوذ سیاسی خود را در برابر پارتها در ارمنستان بسط دهند. در دیدار کایوس^۶ سردار رومی با شاهنشاه پارت روابط رم و ایران دوستانه گردید، سرانجام فرهاد پنجم بر اثر عدم رضایت بزرگان اشکانی از سلطنت خلع گردید یا کشته شد.

بزرگان پارت پس از خلع فرهاد پنجم، ارد دوم^۷ (۴-۸ م) را که از شاهزادگان این خاندان بود بسطنت برگزیدند^۸. رفتار بی رویه و قساوت آیز ارد موجب مخالفت مردم و بروز شورش گردید و در نتیجه ارد پس از دوره کوتاه شهریاری بقتل رسید.

(۱) یکی از سرداران کشور مونازس Monaces به رم گریخت.

(۲) زیرا آنتوان بمناسبت رقابت با اکتاویوس قیصر رم و کسب شهرت بسوی ایران حرکت نمود.

(۳) در دوره شهریاری فرهاد چهارم یکی از شاهزادگان اشکانی بنام مهرداد با کمک دولت رم در حدود سال (۲۷-۲۶ پ. م) مدعی سلطنت شد، حتی جنگی بین آنها در گرفت.

(۴) زن فرهاد چهارم ملکه موزا رومی بود.

(۵) اوگوست (Augustus) قیصر رم موزا زنی رومی را برای فرهاد چهارم بدربار ایران فرستاد.

(۶) قیصر رم اوگوست سردار رومی کایوس (Caius) را مامور لشکرکشی به پارت ارمنستان نمود ولی کایوس پس از دیداری با فرهاد پنجم حسن نیت خود را نسبت به دولت پارت ایزار داشت و در ارمنستان، آریوبرزن شاه ماد اتروپاتن را به پادشاهی منصوب نمود.

(۷) ارد دوم را (دیوید سلوود) (D. Sellwood) ارد سوم مینامد Coinage of Parthia

(۸) بنابر تربیت کشورداری پارتیان مجلس مهستان که از بزرگان و شهزادگان و سران خاندانهای اصیل پارتی تشکیل می یافت، در مرگ شاه اعضای آن شورای عالی جانشین او را برمیگزیدند. مجلس مهستان بعدی قدرت داشت که گاهی پادشاهی را از سلطنت خلع کرده فرزند وی یا شاهزاده ای از خاندان پارتی را بجای او بشاهی منصوب میکرد. رک: جلد سوم ایران نامه در عصر اشکانیان تألیف محمدعلی شوشتری سال ۱۳۲۱ (ص ۱۶۱-).

وئن اول (۸-۱۲ م) پسر بزرگ فرهاد چهارم در رم سکونت داشت. پس از کشته شدن ارد بنابر درخواست سران کشور به ایران آمد و شاهی منصوب شد. وئن که به عادات و آداب رومی ها خو گرفته بود و به اصول اجتماعی و سنتی ملی ابراز تمایل نمی نمود مورد انزجار مردم قرار گرفت و بزرگان پارت اردوان فرمانروای آتروپاتن را بجای وی بشهریاری منصوب کردند.

اردوان سوم (۱۲-۴۰ م) در تیسفون بشاهی نشست و پس از شکست دادن وئن^۱ و نظم و نسق بخشیدن به اوضاع کشور پسر خود ارد را شاه ارمنستان نمود. دولت رم که از وضع موجود و آرامش دستگاه پارت ناراحتی داشت وسائلی برانگیخت که موجب مزاحمت اردوان گردد، لذا فرهاد پسر فرهاد چهارم را که در رم اقامت داشت به سوریه فرستاد، در اثر تحریکات رومیها ارمنستان از قلمرو فرمانروائی ایران خارج شد و بی نظمی در داخله کشور روی داد. اردوان در اثر آشفتگی امور و مواجه شدن با شورش سران بنواهی شرقی کشور رفت.

در این هنگام تیرداد برادر زاده فرهاد چهارم با حمایت رومیها از موقع استفاده کرد و در سال (۳۶ م) در تیسفون تاجگذاری نمود.

ایرانیان نسبت به تیرداد که پیاری بیگانه تاج و تخت را بدست آورده بود نظر مساعدی نداشتند و به مخالفت برخاستند و اردوان مجدداً زمام امور شاهنشاهی را بدست گرفت، و قیصر رم تیبیر^۲ ناچار گردید که با وی از در صلح و آشتی درآید.

وردان اول (۴۰-۴۵ م) در اوان سلطنت خود در تیسفون مستقر شد و شورش سلوکیه را که در اواخر سلطنت اردوان آغاز شده بود فرو نشاند و اهالی آنجا را به اطاعت در آورد. وردان در سال (۴۵ م) در شکارگاه بنا بر توطئه ای مقتول گردید^۳ پس از کشته شدن وردان در مورد سلطنت رسیدن گودرز یا مهرداد پسر وونون بین بزرگان پارت اختلاف در گرفت، بالاخره گودرز به پادشاهی رسید (۴۶-۵۱ م) ولی اعمال بی رویه موجب مخالفت بزرگان کشور گردید و آنان مهرداد را که در روم سکونت داشت برای تصرف تاج و تخت به ایران دعوت کردند. مهرداد با سپاهی از راه ارمنستان بسوی ایران حرکت کرد و در جنگ سختی که بین قوای مهرداد و گودرز در غرب ایران روی داد مهرداد مغلوب و اسیر گردید^۴. گودرز در سال (۵۱ م) درگذشت و وونون دوم

(۱) وئن پس از شکست خوردن و رفتن به ارمنستان، سپس سوریه و کیلیکیه، در سال ۱۹ میلادی بدست رومیان بقتل رسید.

(۲) Tiberius (۱۴-۳۷ م)

(۳) توطئه بتحریک گودرز برادر وردان انجام گرفت

(۴) نقش کنده کاری شده بر صخره بیستون بمناسبت یادبود پیروزی گودرز است.

(سال ۵۱ م) ' برتحت سلطنت نشست. ونون از بدو سلطنت، بلاش پسر خود را در امر سلطنت شرکت داد، محتملاً دوران شهریاری وی بسیار کوتاه و شاید از چند ماه تجاوز نکرده است.

بلاش اول (۵۱-۷۸ م) پس از درگذشت ونون برادران خود پا کر را بسلطنت ماد و تیرداد را پس از تسخیر ارمنستان بشاهی آن خطه منصوب نمود^۲. در حدود سال (۷۲ م) اقوام صحراگرد آلان از معابر کوههای قفقاز عبور کرده بسوی ماد روانه شدند و پا کر شاه ماد نتوانست در برابر حمله آلانها مقاومت نماید و مهاجمین پس از بدست آوردن غنائم زیاد بطرف مشرق بازگشتند.

یکی از اقدامات مفیدی که در دوره شهریاری بلاش صورت گرفت جمع آوری و تدوین اوستا میباشد. پس از درگذشت بلاش پا کر دوم (۷۸-۱۰۵ م) زمام اسور را بدست گرفت^۳. در این دوره چند تن از شاهزادگان که مدعی سلطنت بودند مانند اردوان^۴ و خسرو^۵ موجبات ضعف دولت پارت را فراهم ساختند^۶.

خسرو (۱۰۶-۱۳۰ م) چون بسلطنت رسید پادشاه ارمنستان اکسی دارس^۷ پسر پا کر را از شاهی ارمنستان عزل کرد و بجای وی برادر او پارتاماز^۸ را به سلطنت نشانید. این موضوع موجب عدم رضایت روسیها گردید و تراژان قیصر رم به تجهیز سپاه پرداخت. قوای رومی در غرب ایران پیشروی آغاز نمود و سردار آنها ارمنستان را تسخیر کرده شاهزاده پارتی که مواجه با قوای روسیان گردید از در مصالحه با آنان درآمد ولی نتیجه نگرفت و بالاخره به امر تراژان او را کشتند. وضع روسیها که در ابتدا درخشان بود و حتی سپاهیان رومی پایتخت اشکانی تیسفون را بتصرف درآوردند، دواسی پیدا نکرد زیرا اهالی شهرهای متصرفی بین النهرین بشورش برخاستند و لژیونهای رومی ناچار شدند با عجله عقب نشینی نمایند.

(۱) ونن از خاندان پارت و شاه ماد بود.

(۲) نرون (Neron) (۳۷-۶۸ م) امپراطور روم سپاهی به ارمنستان فرستاد و تیرداد از قوای رومی شکست خورد ولی در جنگ سختی که بین سپاهیان بلاش و روسیها در گرفت روسیها شکست خوردند و تیرداد مجدداً شاه ارمنستان گردید.

(۳) نسبت پا کر با بلاش اول بدرستی معلوم نیست.

(۴) اردوان چهارم در سال (۸۰ م) خود را شاه خواند و در ناحیه ساحلی دجله و سلوکیه مدت کوتاهی فرمانروائی نمود.

(۵) خسرو برادر پا کر بوده است. تاریخ سیاسی پارت (صفحه ۱۹۵)

(۶) روابط ایران چین در دوره سلطنت پا کر اتفاق افتاد. در منابع چینی نام شاه پارت پا کر، Manchio مان چیا آمده است.

Exedarès (۷)

Parthamas iris (۸)

در سال (۱۲۳ م) آدریان^۱ جانشین تراژان موارد اختلاف با دولت پارت را حل کرد و روابط ایران و روم روبه بهبودی رفت

بلاش دوم^۲ برادر پا کر که از سال ۷۷ میلادی بر قسمتی از کشور، سپس ارمنستان فرمانروائی داشت پس از درگذشت خسرو (سال ۱۳۰ م) بر تخت سلطنت نشست. در دوران سلطنت بلاش، آلانها در حدود سال ۱۳۵ م) به ناحیه ماد و ارمنستان تاختند ولی بر اثر تدبیر شاه اشکانی رانده شدند و در آن مناطق آرامش برقرار گردید. بلاش پس از عمری طولانی در سال (۱۴۸ م) در گذشت. در بین سالهای (۱۳۰ تا ۱۴۰ م) بنابر سکه‌های بدست آمده یکی از شاهزادگان اشکانی بنام مهرداد چهارم نیز سلطنت نموده است.^۳

بلاش سوم (۱۴۷-۱۹۱ م) پس از مرگ پدر بلاش دوم بر سلطنت رسید. بلاش که از مداخلات بی‌رویه رومیها در ارمنستان آزرده خاطر بود بمالشگری نیرومند در سال (۱۶۱-۱۶۱ م) وارد ارمنستان شد و شاه دست نشانده دولت روم را خلع کرد و سپس سپاه بلاش به ایالات رومی تجاوز کرده حمله و پیشرفت پارتها موجب هراس دولت روم گردید و قیصر روم^۴ بهترین سرداران خود را برای مقابله با قوای ایران گسیل داشت. رومیها در ابتدا در صدد صلح بر آمدند ولی بلاش شرایط پیشنهاد را نپذیرفت. بالاخره قوای رومی ارمنستان را مسخر کرد و کاسیوس^۵ سردار روم با تجهیزات فراوان بسوی شهرهای بین‌النهرین پیشروی کرد و شهر سلوکیه را ویران ساخته به تیسفون وارد شد و کاخ بلاش را ویران کرد، ولی ناخوشی طاعون بین سپاهیان رومی شیوع یافت و آنان ضمن تلفات سنگین ناچار به عقب‌نشینی شدند و بسوی سرزهای خود برگشتند. جنگهای ویران‌کننده موجب عدم رضایت بسیاری از سران و بزرگان پارت گردید، حتی عده‌ای از فرمانروایان بفرس سلطنت افتادند و این بی‌نظمی موجبات انحطاط و زوال دولت مرکزی را فراهم نمود. دوران سلطنت بلاش چهارم (۱۹۱-۲۰۸ م)^۶ در جنگ با رومیها طی شد. سپتیم سور^۷

۱) Adrianvs (۷۶-۱۳۸ م)

۲) سکه‌های بلاش دوم را کاردنر (Gardner) و پتروویچ (Petrowiz) و دیوید سلوود

(D.Sellwood) بلاش سوم مینامند مراجعه شود به کتاب Coinage of parthia

۳) مهرداد چهارم در جنگ از اسب سقوط کرد و درگذشت. اشکانیان، دیاکونو

ترجمه کریم کشاورز (ص ۱۱۱)

۴) Marcus Aurelius (۱۲۱-۱۸۰ م)

۵) Ovidius Cassius

۶) بعضی از سکه شناسان مانند سلوود این شاه پارت را بلاش پنجم گفته‌اند.

۷) Septimius Severus (۱۴۶-۲۱۱ م).

در سال (۱۹۸ م) شهر سلوکیه و تیسفون را پس از پایداری زیاد تسخیر نمود و به قتل و غارت پرداخت ولی پیکار وی نتیجه نداد و پس از تلفات زیاد و خسارات فراوان مجبور به عقب نشینی شد.

پس از سرگ بلاش چهارم پسرش بلاش پنجم (۲۰۸-۲۱۶ م) جانشین وی گردید، اوضاع داخلی ایران بر اثر منازعه بین بلاش پنجم و برادرش اردوان^۱ متشنج بود و رومیها از این اختلاف استفاده نمودند، بالاخره بلاش از تیسفون رانده شد و در نواحی شرقی ایران تا حدود سال (۲۲۲ م) سلطنت نمود. اردوان پنجم (۲۱۶-۲۲۴ م) پس از استیلا بر ماد شهرهای بین النهرین را نیز بتصرف درآورد، قیصر رم (کاراکالا)^۲ ضمن درخواست وصلت دختر اردوان نیرنگ بکاربرد و در اثنای مجلس جشن و تشریفات خاص در دربار پارت، رومیان بر پارتیهای بی خبر از همه چیز و در حال پذیرائی حمله بردند و عده زیادی را بقتل رساندند.

اردوان بوسیله ملازمان خود نجات یافت و در سال (۲۱۷ م) با سپاه زیادی به قلمرو رومیان در بین النهرین حمله برد و چند شهر را بتصرف درآورد و در پیکار دیگری که با جانشین کاراکالا (ماکریوس)^۳ روی داد رومیها شکست سختی خوردند و ماکریوس با پرداخت در حدود دویست میلیون درهم^۴ و پس دادن غنائمی که قبلا گرفته بود صلح برقرار شد. گرچه در این جریانات تفوق با پارتها بود و اردوان پنجم پیروزی بدست آورده بود ولی اوضاع داخلی کشور و عدم رضایت جامعه ایرانی و ضعف حکومت مرکزی و حوادثی که بواسطه شورش امراء محلی و بزرگان کشور در بسیاری از مناطق شاهنشاهی روی داد، و اختلاف شاهزادگان و سران خاندانهای بزرگ برای کسب قدرت و بالاخره نفوذ روزافزون اردشیر پسر بابک شاهزاده پارس، موجب سقوط شاهنشاهی با اقتدار پارت گردید. اردوان در جنگی که در حوالی راهرمز^۵ بین سپاهیان وی و سپاهیان اردشیر روی داد شکست خورد و بقتل رسید (۲۲۴ م).

(۱) اردوان در این هنگام به ساتراپی ماد دست یافت و در شهر اکباتان (هگمتانه) همدان کنونی بضرر سکه پرداخت.

(۲) اردوان پنجم را سلوود (D.Sellwood) اردوان چهارم نام میبرد (ص ۲۹۵)

(۳) (Garacalla) (۲۱۱-۲۱۷ م)

(۴) Macrinus (۲۱۷-۲۱۸ م)

(۵) در تاریخ ایران تالیف گوتشمید پرداخت خسارت رومیان به ایران مبلغ ۲۳۵ میلیون دینار آمده است (ص ۲۳۵)

(۶) محل جنگ دشت هرمزدگان در خوزستان بین شوشتر و بهبهان بود.

آرتاواز (۲۲۴-۲۲۷ م) شاهزاده اشکانی^۱ پس از کشته شدن اردوان برای بدست آوردن تاج و تخت چندسالی^۲ کشمکش و تلاش کرد تا آنکه دستگیر شد و در حدود سال (۲۲۷ یا ۲۲۸ م) در تیسفون بقتل رسید و شاهنشاهی معظم پارت پس از پنج قرن منقرض گردید.

(۱) این شاهزاده را بعضی از مورخان و سکه شناسان پسر اردوان پنجم گفته‌اند.
تاریخ سیاسی پارت (نیلسون دوبوآز) ترجمه علی اصغر حکمت (ص ۲۴۱-۲۴۰)
(۲) در حدود سه سال تلاش وی طول کشید.

فصل اول

وضع مالی و اقتصادی شاهنشاهی پارت

از سازمان اقتصادی و مالی پارتها اطلاعات کافی و کاملی آنچنان که لازمه پنج قرن دوران شاهنشاهی این سلسله است در دست نیست و مورخان باختصار در این مورد مطالبی اظهار داشته اند. اما آثار و اسناد مکشوفه در کاوشهایی که از نقاط مختلف ایران یا ایران بزرگ دوران پارت بدست آمده و منابع معدودی که موجود است، تاحدی اوضاع مالی و خصوصیات سازمانهای اقتصادی آن روزگاران را روشن می سازد.

شاهان اولیه پارت^۱ باراندن سلوکیها از بسیاری از سرزمینهای ایران^۲ بر اثر پیکارهای مداوم و ضمن تحکیم بخشیدن بوضع خود، شهرها^۳ و آبادیها و دژها بنا نهادند و ویرانیها را

۱- ارشک اول: (۲۵۰-۲۴۸ پ-م). تیرداد اول: (۲۴۸-۲۱۱ پ-م). اردوان اول: (۲۱۱-۱۹۱ پ-م). فریپات: (۱۹۱-۱۷۶ پ-م) و فرهاد اول: (۱۷۶-۱۷۱ پ-م).
۲- ازشک و برادرش تیرداد، توانستند سرزمین پارت و گرگان را بتصرف در آورند. در سال (۲۲۸ پ-م) دوران پادشاهی تیرداد سلوکوس دوم باسپاهی فراوان از بابل بسوی مشرق حمله برد ولی بخت باتیرداد یاری نمود و سلوکوس بواسطه اغتشاشی که در ناحیه غربی روی داده بود ناچار شد که بدانسوی روی آورد و شاه باختر دیودوت پیر، از در مصالحه باتیرداد در آمد. در سال (۲۰۹ پ-م) آنتیوکوس سوم برای بدست آوردن سرزمینهای شرقی که جزو متصرفات پارتها درآمده بود پس از غارت معبد آناهیتا در هگمتانه (همدان) بسوی تختگاه صد دروازه (Hecatompylos) روانه شد و از آن شهر بطرف گرگان رفت و با وجود موفقیت صلاح در آن دید که با اردوان شاه پارت از در مصالحه درآید. در دوره فرهاد اول قسمتی از ماد جزو قلمرو پارتیان گردید.

۳) اولین شهرهایی که پارتها بنیان نهادند عبارتند از نِیسا (Nisa) که اولین مرکز فرمانروائی آنان بشمار می آید. ویرانه این شهر که از سال ۱۹۳ میلادی تا امروز مورد کاوش باستانشناسان روسی قرار گرفته است در هیجده کیلومتری عشق آباد (ترکمنستان) کنونی است و آثار بسیار مهم و ابنیه و معابدی از دل خاک بیرون آمده است.

بقیه پاورقی در صفحه بعد

تجدید بنا و نو سازی کردند و باسور مالی توجه فراوان مبذول داشتند. تأسیس هریک از سراز مسکونی موجب رفاه و آسایش اهالی آن شهریار و ستا گردید؛ و در مناطق مختلف بر حسب شرایط اقلیمی و پیشرفت مردم هر ناحیه در کارهای تولیدی یا کشاورزی و بنا بر امکانات محلی وضع اقتصادی روبراه شد.

در دوران شهریاری مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ پ.م) که دوران اعتلاء شاهنشاهی پارت است، پادشاهیها و فرمانروائی‌هایی که در دوره سلوکیها در نواحی مختلف ایران زمین تشکیل یافته بود به اطاعت وی درآمد، هر یک از این مناطق مانند نواحی شمالی، ماد، الیمائی^۲، خرسن^۳، پارس^۴، بابل، آشور که مسخروی گشت از جهات مختلف دارای ذخائری بود که بوضع مالی پارتها رونق زیادی بخشید و خزائن شاهنشاهی را غنی ساخت.

دنباله پاوقی از صفحه قبل

آساک (Assak) یا ارشکیه: این شهر در نزدیکی قوچان فعلی بوده است ارشک در این شهر تاج شاهی بر سر نهاد.

(دارا) که محل آن در نزدیکی درگز کنونی بوده است چون موقعی استوار داشت تیرداد آنرا بنیان نهاد. صد دروازه یکی از پایتخت های اولیه پارت است که در حوالی دامغان یا شاهرود فعلی واقع بوده است.

۱- مهرداد باشکستی که به دستریوس دوم (۱۴۵-۲۳۸ پ.م) شاه سلوکی وارد ساخت دست سلوکیها را برای همیشه از ایران کوتاه نمود.

۲- الیمائی بر قسمتی از منطقه ایلام کهن که بین کوههای بختیاری یا قسمت شرقی شوش واقع بود اطلاق می‌شود. این سرزمین در اواخر دوره سلوکیها استقلال پیدا کرد و مهرداد پس از تسخیر ماد این ناحیه را بتصرف در آورد و شاه محلی را از طرف خود در فرمانروائی ابقا کرد. از اوایل قرن اول میلادی فرمانروایان الیمائی از شاهزادگان پارتی بودند.

۳- خرسن (Charax) در ناحیه بابل جنوبی، در مصب فرات و دجله واقع بود. در دوره اسکندر این شهر بنا گردید و بنام اسکندریه دجله خوانده شد. در اوایل دوره سلوکی انطاکیه ناگذاری شد. بالاخره بنام مرکز فرمانروائی خرسن نامیده شد.

۴- سرزمین پارس در دوره هخامنشی اهمیت فراوانی داشت و ساتراپ محل از بین شاهزادگان انتخاب می‌شد، اقتدار این شاهزادگان در این خطه که مرکز روحانیت نیز بود ادامه پیدا کرد و شاهزادگان پارس بنام بغداتها یا فراداتها در طول دوره سلوکیها و پارتها نیز فرمانروائی خود را ادامه دادند تا آنکه اردشیر بابکان که از این خاندان بود شاهنشاهی پارت را برانداخت و خود مؤسس سلسله ساسانی گردید.

مهرداد در تابستان سال (۱۴۱ پ.م) بشهر سلوکیه^۱ که مرکز اقتدار و پایتخت معتبر سیاسی و اقتصادی سلوکیها بود وارد گردید و شاه بابل شناخته شد.

مهرداد، در ساحل چپ دجله در مقابل سلوکیه محلی که بنام تیسفون پایتخت بزرگ پارتها و سپس ساسانیان خواهد گردید، اردوی نظامی خود را مستقر ساخت.

مهرداد اول با درایت ذاتی شاهنشاهی پارت را بصورت یک قدرت جهانی در آورد. سرحدات وضع اطمینان بخشی یافت و با آرامشی که در سراسر کشور پدیدار گردید، در امور تجاری رفت و آمد بازرگان و کاروانیان سهولتی ایجاد شد. اساسی را که مهرداد اول در جهت حیات سیاسی و اقتصادی کشور پی ریزی نمود، در عهد مهرداد دوم بزرگ (۱۲۳-۸۸ پ.م) تثبیت شد و امور تجاری و مالی بر پایه صحیح و ستین و نظام معینی استوار گردید.

سازمان اداری و مالی بمناسبت تقسیمات کشوری بنا بر ساتراپی‌ها و فرمانروائیهای محلی تابع، مانند پارس والیمائی و سسن^۲ و ماد (آترپات) و گرگان یکنواخت نبود. هر منطقه یا ساتراپی دستگاه مالی خاصی داشت که بترتیب مالیات خود را به خزانه شاهی می فرستاد.

در مورد ساتراپی‌ها و تقسیمات کشوری، از طرف مورخان نظرات مختلفی ایراد شده است. بعضی از آنان نوزده ساتراپی^۳ و برخی نایست و پنج ساتراپی گفته اند^۴.

۱- سلوکیه کنار دجله موقع ممتازی داشت، اسکندر مایل بود آن شهر را پایتخت خود قرار دهد. و مقدمات این کار را شروع کرد ولی مرگ باومهلث نداد. سلوکوس اول آن شهر را بنا کرد و توسعه داد و پایتخت اول خود قرارداد (سال ۳۱۲ پ.م). این شهر بزودی یکی از آبادترین و پر ثروت ترین شهرها گردید. در قرن سوم پ.م در حدود ۶۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت و ضرابخانه مفصلی داشت. سکه‌هایی از مهراد اول ضرب ضرابخانه سلوکیه موجود است که جزو القاب وی کلمه دوستدار یونان بکار رفته است. این مورد بطور قطع یکی از اقدامات سهم سیاسی مهرداد بوده است.

۲- سسن = میشان (خوزستان): سرزمین کوچکی بود که مانند الیمائی توسط یکی از شاهزادگان اشکانی اداره میشد.

۳- دیاکونوو در کتاب اشکانیان روایت ایزید و رخرا کسی (Isidore de kharax) که نوزده ساتراپی گفته است، نقل کرده ولی خود معتقد است که تعداد آنها بیش از این بوده است. زیرا ایزیدور فقط ساتراپ نشینهایی را نام می برد که شاهراههای مورد مطالعه وی از آنها عبور می کرده است (ص ۶۱-۶۲). ترجمه کریم کشاورز.

۴- گیرشمن در کتاب ایران از آغاز تا اسلام، فقط ممالک تابع را هیجده می شمارد و میگوید بقیه کشور به ایالاتی تقسیم میشده است که در رأس آنها غالباً رؤسای خاندانهای بزرگ پارت قرار داشتند که عموماً شعل والی (ساتراپ) را به عنوان موروثی حفظ میکردند. (ص ۲۶۳) ترجمه دکتر معین.

حدود کشور ایران طی پنج قرن شاهنشاهی پارت همواره بیک وسعت نبود و نواحی سرحدی و سرزمینهای کشور بر اثر جنگها و اغتشاشات اغلب در تغییر بود. زمانی مناطقی اضافه می شد و جزو سرزمین ایران در می آمد و گاهی قسمتی از دست سیرفت. شاید برای تعیین حدود و ثغور شاهنشاهی پارت بهترین دوره، قرن اول میلادی و زمان شهریار سهرداد دوم باشد، زیرا از یک سو قدرت سلوکیها برای همیشه درهم شکست و از سوئی روسیها هنوز در ابتدای دوران قدرت نمائی خود در جانب شرق بودند، لذا حدود کشور را تا حد نزدیک به یقین به این ترتیب میتوان تعیین نمود. از مشرق حدود پنجاب از شمال رود جیحون و دریای خزر و کوههای قفقاز از جنوب دریای عمان و خلیج فارس و از مغرب رود فرات.

سهرداد دوم ۱۲۳-۸۸ پ. م برای اداره قلمروئی چنین وسیع متوجه گردید که لازم است به فرمانروایان و ساتراپها اختیار بیشتری داده شود تا هر یک از آنان با آزادی عمل بهتر و بیشتری بتوانند در پیشرفت امور منطقه خود در جهات مختلف عمرانی و تولید عواید پردازند. آثار متعدد و کتیبهها و حجاریهایی که بجای مانده بین این مسئله می باشد. در نقش برجسته بیستون^۱ سهرداد دوم در مقابل ساتراپ بزرگ گودرز و سه تن از بزرگان ایستاده است. نوشته کتیبه چنین است «پادشاه بزرگ سهرداد، گودرز ساتراپ ساتراپها^۲» در الواح بابلی سال (۹۱ پ. م) نام گودرز بانام زن او ملکه او عاشری آباتوم آمده است^۳.

اعطای قدرت به فرمانروایان و شاهان محلی منحصر به سهرداد دوم نیست و طی دوران سلطنت پارتها بارها این مورد دیده می شود. چنانکه در نقش برجسته مکشوفه در شوش که از سال (۲۱۵ م) است اردوان پنجم (۲۱۶-۲۲۴ م) آخرین شاهنشاه پارت حلقه فرمانروائی را به ساتراپ شوش خوزاک^۴ میدهد.

۱- نقش برجسته در پائین صخره بیستون در زیر نقش برجسته داریوش بزرگ قرار دارد. شاید انتخاب این محل باین جهت باشد، که سهرداد دوم خواسته است پیوند شاهنشاهی پارتیان را با شاهنشاهی هخامنشی باین وسیله نشان دهد.

۲- (هرتسفلد کتیبه این نقش را که بخط یونانی است چنین خوانده، نام دوتن کوفاسات (Kophasates) و سترات (Mithrate) است و نام سومی سائیده شده و قابل خواندن نبوده است.

۳- تاریخ سیاسی پارت نیلسون دوبوآز (N.C. de Bevoise) ترجمه علی اصغر حکمت (ص ۲۴۰).

۴- Khwasak

۵- این نقش برجسته در موزه ایران باستان است.

در نقش برجسته تنگ سروک^۱ شاه الیمائی که تابع پارت است، حلقه فرمانروائی را به دوتن از حکام خود میدهد. بنابراین نقش میتوان چنین استنتاج نمود، که تفویض قدرت نه تنها به ساتراپها از طرف شهریاران پارت معمول بوده است بلکه پادشاهان تابع نیز به حکام زیر نفوذ خود اختیارات کافی میدادند.

در تشکیلات دولت پارت مقام اول را سرزبانان داشتند که احتمالا در حدود چهارتن بودند، سپس ساتراپها که تابع سرزبانان بودند. هرساتراپی برای سهولت اداره کردن آن به چند ناحیه یا هیپارخی^۲ تقسیم می شد که این نواحی نیز به واحدهای دیگری منقسم میگردید. امور مالی هرساتراپی را یک نفر اداره میکرد که بنا بر ثروت محل مالیات میپرداخت زیرا حیات اقتصادی کشور بمناسبت شرایط اقلیمی هرمنطقه یا ساتراپی بیک روال نبود، لذا هرمنطقه طبق وضع خاصی اداره میگردید که با درآمد آن منطبق باشد.

معمولا ریاست سازمان اداری و مالیاتی باشخص صاحب مقام ویا از متنفذین دسنگاه شاهی بود و مالیات ارضی و زراعی برحسب مقدار درآمد تعیین میگردید. وصول مالیات زمین زراعتی، حتی جرائم بوسیله مباحران، پس از محاسبه وثبت آنها در دفاتر اخذ میگردید.

بر اراضی شاهی و معابد و اراضی جماعات روستایی که جزو املاک شاهی بودند نوع خاصی مالیات تعلق می گرفت و شاید قسمتی از آن از پرداخت معاف بود.^۳ از کاوشهای دژ مهرداد کرت^۴ در نیسا که اقامتگاه شاهان اولیه پارت و مقر ساتراپ بود اسنادی کشف گردیده^۵ که بین وضع اقتصادی و امور مالی است.

۱- در نقش تنگ سروک (خوزستان) که مربوط به اوایل قرن دوم پیش از میلاد است. شاه الیمائی که بر تخت مجلی نشسته (دراز کشیده) حلقه فرمانروائی را به دوتن از حکام میدهد. در پشت سروی یکی از نگهبانان خاصه ایستاده است.

Hiparkhi-۲

۳- در بایگانی نیسا از قسمتی که انتشار یافته است مطالبی درباره مالیاتی که از تاجکستانها واقع در اراضی شاهی وصول میگردید، ملاحظه می شود. (کتاب اشکانیان- دیا کونوو ترجمه کشاورز (ص ۷۲-))

۴- دژ مهرداد کرت یا شهر شاهی اقامتگاه اولین شاهان پارت و مخزن گنجینه و آرامگاه آنان بود. این دژ در جنوب شرقی نیسا پشت حصارگردشهر قرار داشت.

۵- در سال ۱۹۳۰ میلادی باستانشناس روسی ماروچنکو (A. Marutchenko).

در منطقه نیسا گمانه زنی کرد. از ۱۹۴۱ کاوش های سرتبی تحت ریاست پروفیسور ماسون M.E. Masson آغاز شد. کاوش این منطقه تاریخی تا کنون ادامه دارد.

از اسناد مکشوفه در دورا اروپوس^۱ چنین مستقاد می‌شود که در بعضی از شهرها علاوه بر افرادی که برای اداره امور مالی انتخاب می‌شدند. از بین بزرگان محل نیز اشخاصی بنام ناظر (ایستات^۲) تعیین می‌گردید، تا ضمن نظارت حافظ سناغ شاه باشند.

سندی متعلق به سال ۱۲۲ میلادی از دورا اروپوس بدست آمده است که برای معامله بین فرهاد ناسی از بزرگان محل و یک زارع بنام بارلاس^۳ تنظیم گردیده است. در این سند تمام شرایط قید گردیده و مبلغ پیش قسط پرداخته شده، چهارصد درهم^۴ می‌باشد.

در سند مهمی از اردوان به اهالی شوش (سال ۲۲ پ.م)، میتوان از طرز انتخاب خزانه دار شهر و ارتباط باشاه یا ساتراپ‌ها و توجه بسیار شاهنشاهان در امور داخلی کشور اطلاع حاصل نمود. در این نامه اردوان تمایل خود را برای انتخاب مجدد خزانه دار بنام هستیا^۵ ابراز میدارد.

با وجود آنکه قانون شهر تجدید انتخاب یک شخص برای یکنوع شغل را قبل از گذشت سه سال منع میکرد، مع هذا اردوان ضمن اشاره به مراتب شایستگی هستیا سمت خزانه داری مجدد او را تأیید کرده است.

در کاوشهای دژمهدات کرت باستانشناسان ضمن کشف آثار واپسینه، تعداد زیادی اسناد اقتصادی پارتنی و همچنین انبارهای املاک خاصه سلطنتی کشف کرده‌اند.

از انبار مخصوص شراب بیش از دوهزار قطعه سفال^۶ بدست آمده که روی آنها با رنگ سیاه مبداء تهیه شراب از املاک مختلف سلطنتی نوشته شده است (ش - ۱).

۱- **Dura-Europos** شهری که بوسیله سلوکوس اول (۳۱۲-۲۸۰ پ.م) در اواخر دوران زندگی در ساحل راست فرات بنا گردید. این شهر در اوایل قرن اول جزو متصرفات پارت درآمد. در کاوشهایی که در این منطقه انجام گرفته واپسینه و آثار و معابد و نوشته‌هایی از این دوره بدست آمده است، که از لحاظ تاریخ پارت واجد اهمیت بسیار است

۲- **Epistat**

۳- **Baaras**

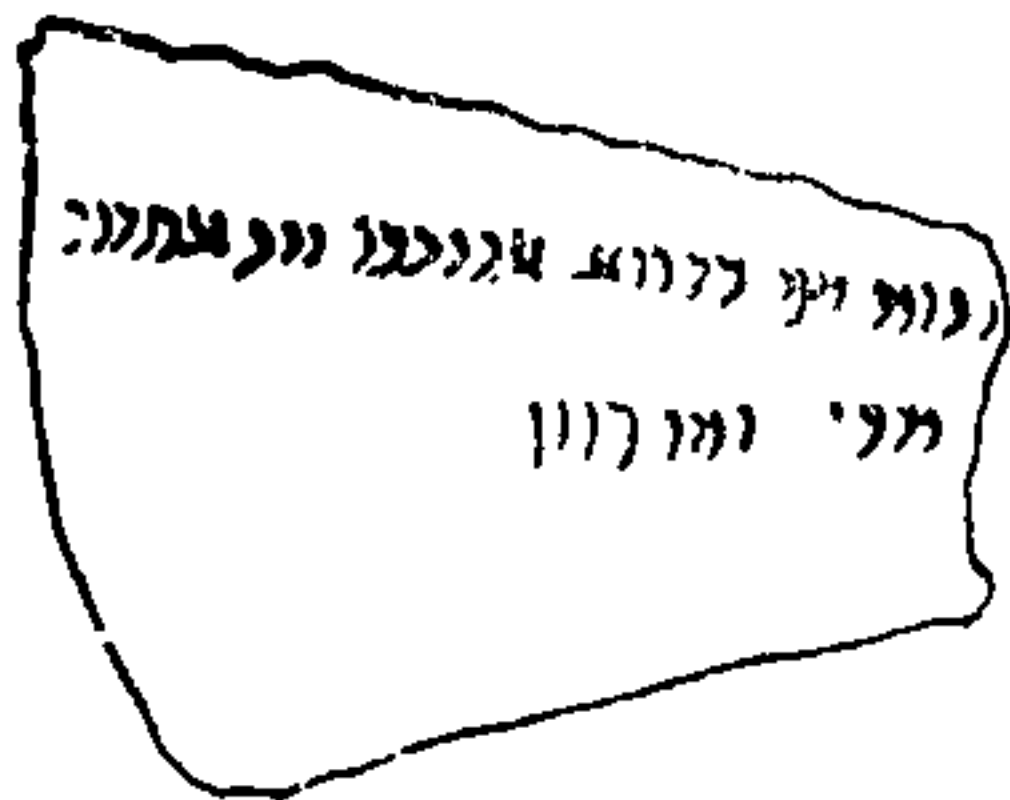
۴- هر درهم در حدود ۴ گرم نقره است لذا مبلغ پیش قسط در حدود ۱۶۰۰ گرم نقره است.

۵- **Hestiaios** مردی ثروتمند بود که قسمتی از هزینه مصارف عمرانی شهر را از دارائی خود می‌پرداخت نام وی با عنوان «محترمترین دوستان» آمده است. بی‌شک هستیا جزو اشراف محل و از طرفداران اردوان دوم بوده است.

۶- **Ostraca**

بر تعداد زیادی از آنها نام تاکستانهایی که شراب به انبار مخصوص مهرداد ات کرت فرستاده‌اند ذکر شده است. عواید این املاک اختصاصی پس از وصول به خزانه سلطنتی وارد میگردید.

گاهی اوقات قسمتی از املاک خاصه را شاه به افرادی واگذار مینمود. چنانکه در پوست نوشته‌ای بخط آرامی که از دورا اروپوس کشف شده است، شاه به شخصی بنام سنه‌زی‌ماخ^۱ سلکی را به تیول داده است؛ در این پوست نوشته شرایط واگذاری تیول نیز قید گردیده است.^۲



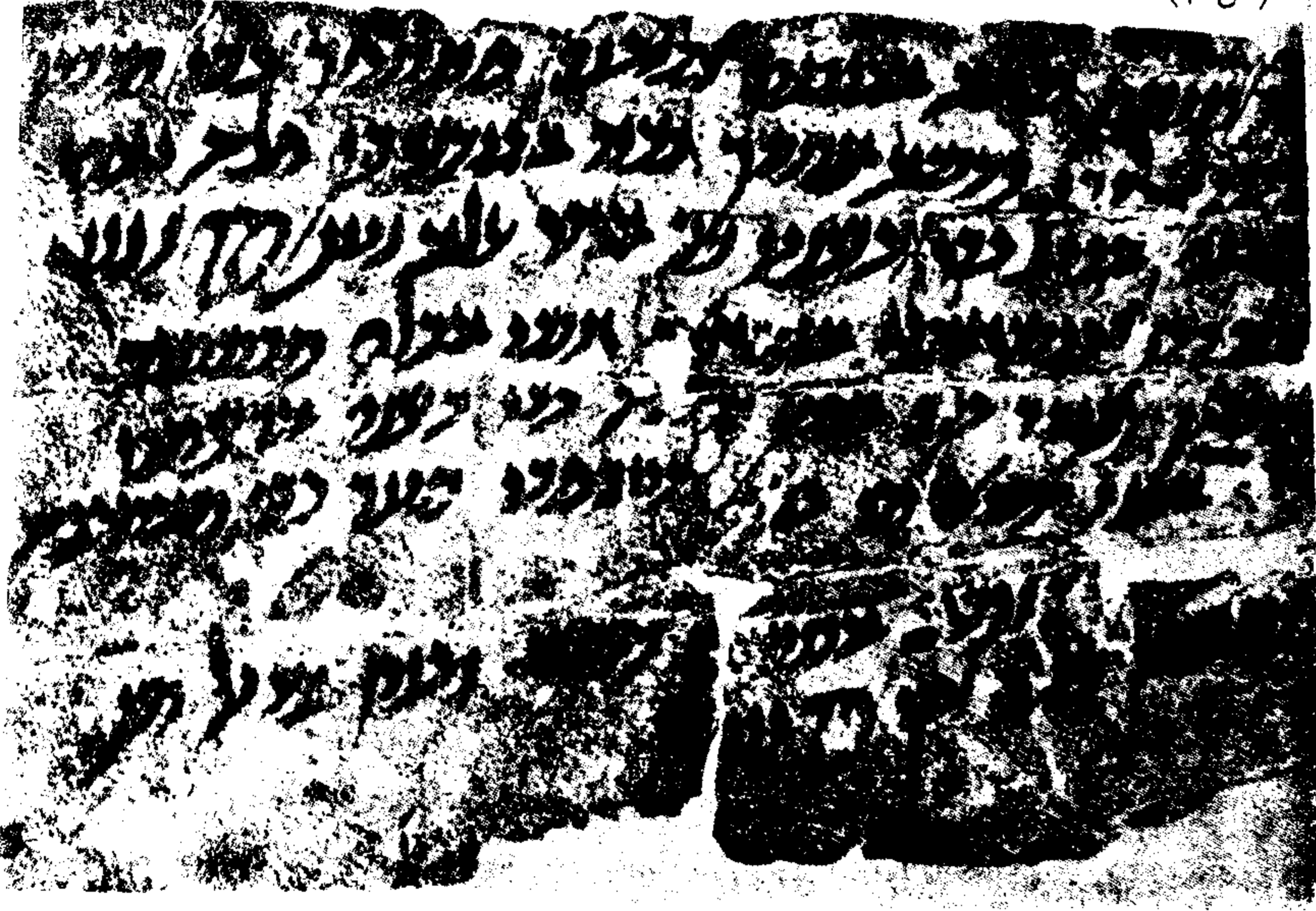
ش ۱- نوشته بخط آرامی (پهلوی اشکانی) بر روی سفال مکشوفه از مهرداد ات کرت (نیسا). (قرن دوم پ.م).

Mnésimachos^۱

۲- در پوست نوشته نامبرده، شرایط به این ترتیب است، که اگر دقت کافی در نگهداری و آبادی تیول بکار نبرد و منافع به خزانه شاهی بموقع نرسد «سنه‌زی‌ماخ» حقوق خود را در مورد ملکیت تیول از دست بیدهد. ضمناً قید گردیده است که او حق ندارد تیول را به رهن گذارد.

اگر صاحب تیول آنچه را که سیبایستی به موقع بپردازد نمی‌پرداخت جریمه به او تعلق میگرفت.

پوست نوشته‌های مکشوفه، اورامان^۱، بسیاری از مسایل اقتصادی و معاملاتی جوامع روستائی را روشن میسازد. این نوشته‌ها منابع ذیقیمتی درباره اوضاع اجتماعی دوران پارتهاست (ش-۲)



ش ۲- پوست نوشته بخط پهلوی پارتی مکشوفه از اورامان، این سند از سال یازدهم میلادی است.

۱- اورامان (کردستان). در سال ۱۹۰۹ میلادی چند چوپان در یکی از غارهای نزدیک اورامان یک کوزه‌گلی بهمور بدست آوردند که درون کوزه‌سه پوست نوشته (Parchemins) جای داشت. یک پوست نوشته بخط آراسی و دوتای دیگر بخط یونانی است. هر سه قطعه پوست نوشته تاریخ‌دار هستند. تاریخ سال بنا بر تاریخ سلوکی و ماهها ماه یونانی است. اولی: خط آراسی: سال ۳۰۰ سلوکی مطابق ۱۱ میلادی. دومی: خط یونانی (۲۲۵ سلوکی = ۸۸ پ. م. ماه آپه لایوس (Apellaios) = آبان ماه. سومی: (۲۹۱ سلوکی = ۲۲ پ. م.)

در پیشبرد امور اقتصادی کشور بردگان که بنام بندک^۱ خوانده می شدند سهم زیادی داشتند. از بند کها، بجز کارهای مرجوعه کارهای دیگری در امور تولیدی چون کشاورزی و استخراج معادن استفاده می شد. از قرن دوم میلادی در وضع بسیاری از بردگان تغییراتی حاصل شد و با وجود آنکه آنان جزو دارائی ارباب خود محسوب می شدند از آزادی نسبی برخوردار شدند و میتوانند از دسترنج خود به تناسب کار انجام داده سهم ببرند. بهره گرفتن این ردیف بردگان موجب کار زیادتر آنان و در نتیجه تولید ثروت بیشتر برای کشور گردید.

مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ پ. م) با تصرف بین النهرین، یکی از مراکز مهم و تجارتي را بدست آورد. در تسخیر سرزمین آلمانی پس از شکست دمتریوس دوم ذخایر فراوان معابد شوش (معابد آئین آناهیتا) را به غنیمت گرفت و بخزانه سلطنتی فرستاد. ضمن کلاوش از کاخ سلطنتی نیسا از ساختمان چهارگوش ایوان دار واقع در جنوب کاخ سلطنتی که خزانه شاهی بود آثار گرانبهای متعددی بدست آمد. مانند ظروف سفالی شیشه ای مجسمه های مرمری یاقلزی، پایه های تخت، جامهای عاج کنده کاری شده^۲، تعدادی اثر مهر که محتملا برای همور کردن درهای خزانه بکار رفته است^۳.

از این دوره بحران اقتصادی و رکود در کارت تجارت که بر اثر اغتشاشات و جنگهایی که برای راندن سلوکیها از ایران صورت گرفته بود از بین رفت. رومیها از یکسو و پارتها از سوی دیگر تمایل شدید خود را به برقراری نظم در امور تجارتي ابزاز داشتند. پارتها چنانکه گفته شد اهتمام ورزیدند که سازمان های مالی و اقتصادی بر مبنای نوین و روال منظمی برقرار گردد.

۱- (Bandak) این کلمه در دوران اسلامی بصورت بنده بکار رفته است. نوعی دیگر از بردگان را انشهریک (Anshahrik) می نامیدند، از معنی این واژه که غیر شهری یا بیگانه است میتوان چنین استنتاج نمود که این نوع بردگان اسیرانی بودند که به بردگی در می آمدند. انشهریکسان در صورتیکه حق السهم دریافت می داشتند و از آزادی نسبی برخوردار بودند میتوانند حق خود را به فرزندان خود واگذار کنند.

۲- جامهای عاج بدست آمده از محل خزانه نیسا بشکل شاخ است که روی آنها نقوش مختلفی در نهایت دقت و زیبایی کنده کاری شده است. انتهای جام ها از مجسمه نیم تنه حیوانات افسانه ای مانند شیربالدار یا حیوان عجیب الخلقه بالدار ونیم تنه الهه ای تزئین یافته است.

۳- آثار مکشوفه خزانه پارتی نیسا متعلق به حدود قرن دوم پیش از میلاد است. لذا میتوان چنین استنتاج نمود که این خزانه یکی از اولین خزانه های پارتی و جایگاه حفاظت ثروت کشور بوده است.

دولت پارت توجه خاصی نسبت به جاده سازی و نگهداری و مرمت آنها واحداث مراکز حمل و نقل سبذول داشت. در طول راهها برای آسایش کاروانیان و تجار، منازل و ایستگاهها که دارای اسبان آماده بودند، ایجاد گردید. جاده‌هایی که از بیابان میگذشت با کاروانسراهایی با آب چاه مجهز بود. در شهرها نیز سراهایی برای سکونت تجار و کاروانیان وجود داشت. برای حراست راهها مستحفظینی گماشته شده بود که جاده‌ها را سوار بر اسب تحت مراقبت داشتند که کاروانیان با امنیت کامل و آسوده خاطر برفت و آمد خود ادامه دهند. درباره کالاهایی که بوسیله کشتی از بنادر خلیج فارس با رگیری میگردید، تا جریزه سیلان و بنادر چین میرسید مراقبت زیادی صورت میگرفت.

مالیات و حقوق گمرگی که از تجار و کاروانیان اخذ میگردید یکی از عواید مهم کشور بود.

مهرداد دوم در حدود سال (۱۱۵ پ.م) با هیأتی که بمنظور سفارت از جانب امپراطور چین^۲ به دربار وی آمده بود معاهده‌ای بر اساس تسهیلات در امور بازرگانی و عبور و مرور از شاهراهها، تجارتی، از سرحدات روم تا چین که بنام راه ابریشم معروف است، منعقد ساخت و رابطه مستقیمی بین دو شاهنشاهی ایجاد گردید^۳. دولت پارت از تجارت با چین استفاده زیاد می برد و از کاروانهای حامل کالا که در جاده بزرگ ابریشم^۴ پیوسته در حرکت بودند، حق عبور (ترانزیت) دریافت میگردد.

حقوق گمرگی و حق عبور عایدی مهم بشمار می آمد که بطور مستمر به خزانه کشور واریز می شد. راجع به دارائی خزانه پارتها کریستن سن چنین گوید «در خزانه پادشاه خراج کشورها جمع می شد و ثروتی هنگفت در این گنج ها گرد می آمد»^۵ از طرفی عواید گمرگی و از

۱- اسنادی که از دورا اروپوس کشف شده وجود دستجات مستحفظین سواره را ثابت میکند. حتی برای حراست از جان و مال کاروانیان در طول راه با آنان همراه بودند.

۲- ووتی Wu-Ti (۱۴۱-۸۷ پ.م).

۳- هنگام بازگشت سفرا شاهنشاه پارت هیأتی به چین روانه کرد و هدایائی برای امپراطور فرستاد.

۴- جاده ابریشم از سرحد چین، ترکستان، مرو، صددروازه، ری، هگمتانه و انطاکیه (سوریه) عبور کرده به مدیترانه میرسید. به این طریق محصولات و مصنوعات از سواحل مدیترانه به آسیای مرکزی و چین صادر می شد و کالا رد و بدل میگردید و معاملات انجام میگرفت.

۵- رک. ایران در زمان ساسانیان (ص ۴۱-۴۲).

طرف دیگر تجارت ایران و صدور کالا و مصنوعات^۱ به خارج در نتیجه پیشرفت صنعت موجب تقویت بنیه مالی کشور و بانکداران گردید.

در دربار پارتها مانند هخامنشیان هر کس که باری یافت باید هدایائی به خزانه شاهی که همان خزانه کشور بود، تقدیم نماید. این هدایا یکی از ارقام بزرگ عایدی کشور بود^۲. اساس پولی پارت برسیم بود و آنچه مسلم است پارتها سکه زر بکار نمی بردند و معاملات و داد و ستد بوسیله سکه های سیمین و مغرغی درهم^۳ چهاردرهمی^۴ و ابول (پشیز)^۵ انجام میگرفت. دستگاه مالی پارت برای تسهیل امور تجاری و بازرگانی و گسترش آن، پول خود را بر مبنای تازه ای قرار داد و همچنین اصول پولی را که از ابتدای این دوران بروش سلوکینها پایه گذاری شده بود، ادامه داد^۶. این وضع موجب توازن پولی با همسایگان غربی و سپس با رومیان گردید. زیرا درهم پارتی با دراهم^۷ رومی از حیث وزن تا حدی برابر بود و این ترتیب در پیشرفت حیات اقتصادی ایران در جهت معاملات با رومیها موثر بود.

بحرانی که در اواخر این دوره در جامعه پارتی بواسطه ضعف تشکیلات و عوامل دیگر روی داد، تا حدی اقتصاد کشور را دستخوش آشفتگی و بی نظمی نمود. ناچار این وضع در ارتباط بازرگانی و بین شرق و غرب بی تاثیر نبود. معهذاً هنگام سقوط شاهنشاهی پارت با وجود پیکارهای متعدد بین سپاهیان اردوان پنجم و اردشیر بابکان که نزدیک به پنج سال طول کشید، خزانه کشور کاملاً تهی نگردید و در سازمان مالی دگرگونی کلی حاصل نگشت، و شاهنشاهی جدید ساسانی از آن بهره فراوان برد^۸، این وضع را باید نتیجه اقتصاد قوی و مستحکم دوران پارتی دانست.

۱- علاوه بر انواع مصنوعات و کالاهای مختلف، فلزاتی که از کانه های کشور بدست می آمد و حق استخراج آن با شهریاران پارت بود صادر میگردد.

۲- رک. ایران در زمان ساسانیان. تألیف آرتور کریستن سن ترجمه رشید یاسمی (۱-۴ ص)

۳- حدود ۴ گرم

۴- ۱۶ تا ۱۵/۵۰ گرم

۵- ۳ گرم

۶- ترتیب آتیک *Système attique*

۷- *Drachme*

۸- آثار گرانها و قابل توجه و بجای مانده خزانه سلطنتی نسیا را که در اوایل دوران ساسانیان از خزانه پارتی به خزانه ساسانی انتقال یافت، دارای اهمیت فراوان بود میتوان به ارزش بسیار و ثروت یکی از خزائن پارتها پی برد.

فصل دوم

اصول پولی و نوع سکه‌ها و ترتیب اوزان

سکه‌های پارسی اسناد و مدارک گرانبھائی میباشند که نه تنها وضع پولی و اوضاع اقتصادی آن روزگاران را معرفی مینمایند، بلکه گنجینه بینظیری است که تاریخ پنج قرن شاهنشاهی بزرگ ایران را از جهات مختلف می‌شناساند.

این قطعات کوچک فلزی کنده کاری شده که تعداد زیادی از آنها در زمره شاهکارهای هنری ایران و دنیای قدیم است، جلوه‌ای از تمدن و فرهنگ و اقتصاد پارت‌ها بشمار میرود. اصول پولی دولت پارت برنقره بود و تناسب فلزات را در این دوره نمیتوان بطور دقیق تعیین نمود.

آنچه مسلم است پارت‌ها سکه زر بکار نمیبردند و معاملات و دادوستد بوسیله سکه‌های سیمین و مسین و مفرغی انجام میگرفت. محتمل است که سکه زرین مانند مدالی در جشن‌ها و اعیاد مورد استفاده قرار میگرفت، اما تا کنون سکه زرینی بدست نیامده است. دولت پارت برای تسهیل در دادوستد و امور تجاری برای پرداخت پول خود ترتیب نوینی اتخاذ نمود. بلکه بنای پولی کشور را به همان ترتیب دوران پیشین که سلوکیها در مورد پول خود داشتند، قرارداد. این ترتیب که تا حد زیادی قابل مقایسه با پول رومیها بود موجب توازن در معاملات بین آن دو کشور گردید و در پیشرفت حیات اقتصادی ایران مؤثر بود. زیرا وضع شاهنشاهی پارت برای صدور انواع کالاها به غرب بخصوص به روم و واسطه بودن آن در تجارت شرق و غرب این توازن و اصل پولی را که برپایه صحیح اقتصادی برقرار شده بود، ایجاب میکرد.

سکه‌های اولیه دوران پارت و پول اصلی، درهم است که مرتب و به تناوب در ضربخانه‌های مختلف و متعدد شاهنشاهی ضرب میگردد، و تقسیمات کوچکتر و کم وزن‌تر که عبارت بود از: سه ابول^۱ و دو ابول سکه‌های مسین و مفرغی برای معاملات و دادوستد محلی در داخله شهرها بکار میرفت و مورد استفاده قرار میگرفت.

۱- ترتیب آتیک *Système attique*

۲- سه ابولی در دوره سلطنت فرهاد سوم ضرب گردید.

طی دوران پارتها در اوزان نیز تغییراتی دیده میشود. چنانکه درهم‌ها که در اوایل این دوره بوزن ۴ گرم تا ۳/۴ گرم بودند از دوره سلطنت فرهاد چهارم تنزل وزن پیدا کرد و در حدود ۳/۹ گرم تا ۳/۶ گرم شد.

چهاردرهمی برای اولین بار در دوره شهریاری مهرداد اول ضرب شد و وزن آن در حدود ۱۶ تا ۱۷ گرم بوده است. از سلطنت فرهاد چهارم وزن چهاردرهمی‌ها نیز کسر می‌شود و در دوره بلاش چهارم بوزن ۱۳ گرم میرسد، حتی اواخر دوران پارت به ۱۲/۵ گرم تنزل پیدا می‌کند. جنس نقره، چهاردرهمی‌ها در اوایل دوره پارت بسیار خوب و مرغوب بود ولی از اواسط قرن اول میلادی آن مرغوبیت را ندارد و جنس نقره پست است.

ترتیب اوزان

چهاردرهم: ۱۶/۵۰ گرم

سه‌درهم: ۱۳/۴ گرم

درهم: ۴/۳۰ گرم

چهار ابول: ۲/۸۰ گرم

سه ابول: ۲/۰۴ گرم

دو ابول: ۱/۲۳ گرم

یک ابول: ۰/۵۵ گرم

سکه‌های برنزی بقطع و اندازه‌های بزرگ و کوچک و اوزان مختلف از ۱۳ گرم تا ۰/۷ گرم است. از دوره فرهاد اول تا زمان آخرین شاهنشاه پارت سکه‌های برنزی بقطع و وزن مختلف

۱- بواسطه سائیدگی و گذشت زمان و استعمال این سکه‌ها در دوره خود، معمولاً از وزن آنها کمی کاسته شده است. تا کنون بطور دقیق چهاردرهمی ۱۷ گرمی بدست نیامده است و تا ۱۶/۲۰ گرم دیده شده است.

۲- حداکثر وزن در صورت اوزان گذاشته شده است.

۳- از سه درهمی‌ها همه سکه‌شناسان نام نبرده‌اند فقط دمرگان (De.Morgan) در کتاب Manuel de numismatique orientale چندبار سکه‌هایی را که سایر سکه‌شناسان چهاردرهمی کم وزن خوانده‌اند و در صفحه قبل به آن اشاره شد سه‌درهمی Tridrachme میدانند.

Triobole-۵

Tetrobole-۴

Obole-۷

Diobole-۶

موجود است. بر سکه‌های برنزی در یکطرف تصویر نیم‌رخ شهریاران پارت و بر پشت سکه‌ها نقوش مختلف و علامات پارتی مانند ماه و ستاره، نیم رخ مهر، فرشته بالدار، نیم رخ فرشته، علامت پیروزی، شاهین، لنگرکشی، اسب، نیم تنه اسب، فیل، سرشیر، و سر عقاب، دژ، علامت فراوانی و بسیاری از نقوش متنوع دیگر نقر است.

نقش‌ها

سکه‌های پارتی از لحاظ نقش متنوع می‌باشند و با مطالعه دقیق از تصاویر سکه‌ها میتوان بدرستی از چهره واقعی شهریاران پارت، وضع لباس و طرز آرایش مو و ریش و وسایل زینتی که بکار می‌بردند اطلاع حاصل نمود.

طی دوران پنج قرن شاهنشاهی پارتها از هر یک از شهریاران سکه موجود است، حتی آنهایی که دوران کوتاهی سلطنت نموده‌اند، مانند هیمر (۱۲۷ پ.م) ^۱ پاکراول (۳۸ پ.م) ^۲ تیرداد دوم (۲۷ پ.م) ^۳ ارد دوم (۶-م) ^۴ مهرداد (۹-م) ^۵ و ارتاواز (۲۲۷-م). شاهنشاهی که دوران سلطنت آنان دراز مدت بوده است، در تصاویر آنها بر سکه تغییراتی که بر اثر گذشت زمان در چهره و قیافه، حتی آرایش ریش و سوی آنان پدیدار شده، بخوبی مشاهده می‌شود.

مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ پ.م) در حدود سی و سه سال سلطنت کرده است. تصاویر منقوش بر سکه‌های متعدد وی سنین مختلف او را نشان میدهد. با توجه به نقش سکه‌های مهرداد دوم (۱۲۳-۸۸ پ.م) میتوان بوضوح تغییراتی که با گذشت سالها در قیافه و چهره وی روی داده است تمیز داد، مانند خمیدگی بسیار بینی، خستگی چهره، وضع ریش که در دوران کهولت بلندتر شده و تا روی سینه وی آمده است.

- ۱- هیمر از طرف فرهاد دوم به فرمانروائی بابل منصوب شد. ولی پس از توفیق در جنگ با شاه محلی خرسن خود را شاه خواند و پس از چندماه سلطنت باروی کار آمدن اردوان دوم دست هیمر از شهریاری کوتاه گردید.
- ۲- ارد اول در اواخر دوران شهریاری پاکراول در سلطنت شریک خود نمود.
- ۳- تیرداد دوم در دوره سلطنت فرهاد چهارم قیام نمود و خود را شاه خواند. ولی فرهاد چهارم او را از کشور راند.
- ۴- ارد دوم پس از فرهاد پنجم بسطنت رسید، اما پس از چند ماه شهریاری هنگام شکار کشته شد.
- ۵- پسرونی از اختلاف بین وردان و گودرز برای شاهی استفاده نمود و خود با کمک خاندان کارن خود را شاه خواند، ولی پس از نبردها و کشته شدن کارن دستگیر گردید.
- ۶- پس از کشته شدن اردوان پنجم آخرین شاهنشاه پارت. این شاهزاده ادعای شاهی نمود و سکه زد سرانجام دستگیر و در تیسفون کشته شد.

برسکه‌های متنوع فرهاد سوم (۷۰-۵۷ پ.م)، ارد اول (۵۷-۳۸ پ.م)، فرهاد چهارم (۳۸-۳ پ.م) و دیگر شاهان پارت که سالیان دراز بر ایران زمین سلطنت نموده‌اند آثار جوانی یساکهولت پدیدار است.

درباره زیبایی تیرداد اول که سورخان وصف او را آورده‌اند، نقش تصویر برسکه‌ها نیز شاهد معتبری است و گفته آنان را تأیید مینماید. در تصویر روی سکه، تیرداد جوان دارای صورتی متناسب و چشمانی درخشان و گیرائی است. در مورد پا کر دوم (۷۸-۸۲ م) اگر سورخان در مورد قیافه‌وی مطلبی ایراد نکرده‌اند و او را مردی که به آباد کردن شهرها توجه داشته است، معرفی نموده‌اند. اما سکه‌های متنوع پا کر دوم معرف کمال پرازندگی و زیبایی او می‌باشد. پا کر صورتی گرد دهانی کوچک چشمانی گیرا و دماغی خوش طرح و گردنی بلند داشته است. سکه‌های وی دو نوع تصویر او را نشان میدهد، یکی پا کر جوان را با موهای پرپیچ و تاب که تاروی گردن او آمده است و دومی پا کر را با سبیل بلند و ریش کوتاه بنظر میرساند.

برگردن پا کر سه ردیف گردنبد حلقه مانند است. یقه و حاشیه لباس مقابل سینه زر دوزی شده و دروگوه در آن تعبیه شده است.^۱

شاهان پارت به آرایش مووریش توجه زیادی داشتند و عریک به سلیقه خاصی مو و ریش را آرایش میکردند.^۲

بوسیله نقوش سکه‌ها میتوان بطرز آرایش مخصوص هر یک از آنان آشنائی پیدا کرد. برگردن تمام شاهنشاهان گردن‌بند حلقه‌ای یا سروارید از یک ردیف تاج‌چهار ردیف آویخته شده و بر بعضی از گردن‌بندها قطعه مدالی بشکل گل جواهر نشان یا شاهین نصب است.^۳

۱- نیم تنه پا کر بر چهار درهمی‌ها از روبروست و حاشیه پهن لباس وی با طرح سارپیچی زردوزی شده است و شرابه لبه حاشیه بر روی شانه وسیله قرار دارد.

۲- معمولاً موهای شاهان پارت دارای سه‌تاب یا چهارتاب است که از زیر تاج تا روی گردن را گرفته است. برسکه خسرو (۱۰۶-۱۳۰ م) و بلاش چهارم (۱۹۱-۲۰۸ م) موها حلقه‌وار و دسته شده بر بالای سر روی گوش قرار دارد.

۳- در وسط گردن‌بند چهار حلقه‌ای بلاش اول مدال زرین چهارگوشی است که وسط آن قطعه گوهری قرار دارد. برگردن بن‌دارد اول (چهار درهمی) و بعضی از چهار درهمی‌های فرهاد چهارم شاهین جواهر نشانی نصب است.

از اواخر قرن اول میلادی در نقش سکه‌ها، آن ظرافت ودقت سابق دیده نمی‌شود. بی‌شک این بی‌توجهی از طرف دستگاه ضربخانه‌های کشور و حکاکان، نمونه بارزی از بی‌انضباطی سازمانها و سیر نزولی و انحطاطی است که در اثر اغتشاشات داخلی، نزاع بین شاهزادگان برای کسب قدرت و جنگهای مداوم ایران روم، در تمام شئون کشور روی داده است. معهدا در طرح تصاویر، صفات مشخصه قیافه‌ها منعکس است.

در روی سکه‌های این دوره علاوه بر تاج‌ها که خود مبحثی جداگانه دارد، در زمینه بعضی از سکه‌ها نشانه‌ای که مظهر ایزدان یا علامات مختلف است، نقر است.

برسکه فرهاد چهارم ماه وستاره که نشانه پارت‌هاست نقر است، یا شاهین که نشانه فر ایزدی است،^۲ حلقه شهریاری را در حالی که بمنقار گرفته است بطرف سرشاه میبرد.

در پشت تصویر یا کراول، فرشته بالدار حلقه شهریاری را که دو نوار از آن آویزان است بسوی سر وی میبرد.

برسکه‌های فرهاد پنجم دو فرشته بالدار که هر یک حلقه شهریاری بدست دارند، در طرفین سرشاهنشاه پارت دیده می‌شوند.

تصویر مهرداد^۲ تمام رخ است و دو رشته موی صاف بلند از زیر تاج تاروی شانه‌ها آمده است. برگردن وی چهار ردیف گردن‌بند است و حاشیه لباس باریک و مراورید نشان است. در دوسوی سر وی دو ستاره شش پر قرار دارد.

بر پشت سکه‌های (درهم) و بعضی از چهاردرهمی‌ها نقش ارشک است که کمان بدست بر تخت نشسته است. این نقش که طی دوران پارتها بر در هم‌ها دیده می‌شود، نشانه احترامی است که پارتها نسبت به اولین شاه ورهبر خود که روزی براقوام پارتی قیادت داشته و آنانرا از سلطه سلوکیها خارج ساخته است ابراز داشته‌اند. این نقش مظهر قومی آنان شده و تیرکمان که علامت زورمندی سلحشوران پارتی است، همیشه در دست ارشک دیده می‌شود.^۳

۱- درباره نقش شاهین به مقاله ملک‌زاده بیانی مجله بررسی‌های تاریخی شماره ۱ سال هفتم (ص-۲) مراجعه شود.

۲- سکه‌های مهرداد را (D.Sellwod) از ونن دوم میداند. (ص-۲۱۱) کتاب

Coinage of parthia

۳- سلحشوران و سوارکاران پارتی در تیراندازی مهارت زیاد داشتند. چنانکه در جنگ رومیها با پارتها در عهد شهریاری ارد اول کراسوس سردار رومی که در حدود هفت لژیون یعنی سی و سه هزار پیاده و پنج هزار سوار و چندین هزار جنگجواز واحدهای کمکی داشت، در مقابل سردار پارت سورن که فقط ده هزار سوار در اختیار داشت که سلاح آنان کمان بود

برپشت چهاردرهمی‌ها و تعداد کمی از درهم‌ها صحنه‌های مختلفی منقوش است. برچهاردرهمی‌هایی از مهرداد اول که در اوایل سلطنت وی ضرب شده است، هرقل اگرز بدست ایستاده است، و بردرهم‌ها، زئوس^۲ خدای یونانی بر تخت نشسته و عصای سلطنت را به دست دارد.

از اردوان اول و مهرداد دوم چهار درهمی‌هایی بدست آمده است، که در پشت آن سکه‌ها الهه فراوانی^۳ علامت پیروزی را بدست گرفته است.

برپشت نوعی از چهاردرهمی‌های فرهاد سوم، او بر تخت نشسته عصای قدرت را بیکدست و شاهینی بدست دیگر دارد و الهه‌ای حلقه تاج را بالای سرشاهنشاه پارت نگهداشته است. بر چهار درهمی‌های ارد، فرهاد چهارم، تیرداد، گودرز و اردوان دوم الهه فراوانی شاخه خرما را به شهریار پارت اهداء میکند.

برپشت نوعی چهاردرهمی بانقشی ممتاز، فرهاد چهارم بر تخت نشسته و الهه مقابل وی ایستاده است و حلقه شهریاری که نوارهایی از آن آویزان است بطرف سرفرهاد چهارم میبرد.

تصویر نیم تنه ملکه موزا با تاجی مجلل و با آرایش و زینت آلات مخصوصی بر پشت چهاردرهمی‌ها و درهم‌های فرهاد پنجم نقر است. برچند چهار درهمی فرشته‌ای که روبروی ملکه مقابل پیشانی و تاج قرار دارد، حلقه سلطنت را بسوی سرملکه موزا میبرد.

فرشته‌ای بالدار بالباس چین دار بسیار زیبا برپشت سکه‌های ونن نقر است، که در یکدست شاخه خرما مظهر سرسبزی و فراوانی دارد و در دست دیگر حلقه تاج را گرفته است.

برچهاردرهمی‌های اردوان سوم نقوشی که مشاهده می‌شود، عبارت است: از شاه بر تخت نشسته که در مقابل وی الهه فراوانی شاخه خرما را بوی اهداء میکند، یاد در مقابل شاهنشاه

مانده پاورقی از صفحه قبل

نتوانست مقاومت کند، کراسوس در سال (۵۳ پ.م) پس از شکست سختی که خورد گشته شد و تیراندازان پارتی در جهان آنروز شهرت فراوانی بدست آوردند.

پلوتارک (Plutarque) مورخ یونانی (۴۵-۵۰ م) در کتاب مردان نام آور

در این مورد مفصل نوشته است.

۱- Hercule خدای زورمندی یونان قدیم است.

۲- (Zeus) خدای خدایان یونان. این نوع نقش در پشت سکه‌های

شاهان سلوکی نقر است.

۳- مظهر این الهه جامی بشکل شاخ است که میوه درون آن قرار دارد.

پارت شخصی که زانو بزمین زده با احترام فراوان حلقه شهریاری را بوی تقدیم میدارد.
 برپشت سکه های چهاردرهمی گودرز، بلاش اول، پا کر دوم، اردوان چهارم، بلاش
 دوم، بلاش سوم، بلاش چهارم و بلاش پنجم، تصویر شهریاران بر تخت نشسته نقره است، که الهه ای
 حلقه شهریاری به آنان تفویض میکند. برچند چهاردرهمی از اردوان سوم و پا کر دوم، شاه
 سوار بر اسب است و در مقابل وی الهه ای حلقه شهریاری را بوی میدهد. برنوعی از چهاردرهمی
 پا کر دوم سوار اسب است و مقابل او الهه ای ایستاده که حلقه شهریاری را بوی تفویض میکند.



ش ۳- نقوش مختلفی برپشت سکه ها و نقش فرشته و شاهین که حلقه شاهی را
 بسوی تاج شاه می برند.

در پشت الهه مردی که از بزرگان و نجبای پارت است قرار دارد (ش-۳).
از این نقوش که تصویر کامل شاهنشاهان را بخوبی نشان میدهد، میتوان بطور
صحیح و دقیق از وضع لباس تاج و کفش انواع زینت‌آلات و آرایش آنان اطلاع حاصل نمود.
مطلب دیگری که این نقوش واضع میسازند، آزادی در افکار و عقاید مذهبی و علایق و
پیوستگی شهریاران پارت به حفظ این روش و دل بستگی به سنن و آداب ملی ایرانی و احترام
آنان به ایزدان مختلف است.

خط سکه‌ها

سلطه اسکندر و سپس سلوکیها بر ایران موجب رواج زبان یونانی گردید و در تشکیلات وسیع اداری لشگری و کشوری و امور تجاری و مکاتبات رسمی از این خط استفاده میگردید. اسکندر و جانشینان وی کوشش فراوان بکار بردند که فرهنگ و مدنیت یونانی در ایران انتشار یافته و نفوذ کامل یابد. همچنین اسکندر که در فکر وحدت شاهنشاهی بود شهرهائی بنا کرد و با ایجاد مراکز مهم بازرگانی و جلب تجار یونانی کارهای اقتصادی خود را توسعه داد. بر مبنای همین عقیده و بمنظور ایجاد جامعه‌ای واحد از عنصر ایرانی و یونانی دستور ازدواج بین ایرانیان و مقدونیان صادر کرد.^۱

در نتیجه زبان و خط یونانی که دستگاه اداری و تجاری بر پایه آن استوار شده بود در بین اهالی شهرها انتشار یافت. ولی بطور کلی جامعه ایرانی و روستائیان کماکان بنا بر سنت دیرین و آداب اجدادی به زبان خود تکلم کرده و بهمان خط می‌نوشتند. لذا زبان رسمی و دولتی و درباری یونانی که برای عامه مردم ایران زمین ناشناخته بود با تسلط و استقرار پارتها و راندن سلوکیها از ایران بسوی تباهی و محو شدن گرائید. بهمان

۱- در این دوره مهاجران یونانی مقدونیه از طبقات مختلف که در جستجوی کار و تأمین معاش بودند به ایران نیز روی آوردند. با ایجاد تاسیسات مختلف و بنیاد شهرها جماعت بیشماری از یونانیها بکار اشتغال یافته حتی صاحب زمین و ملک شدند. شهرهائی که بوسیله سلوکیها بنا گردید بیشتر جنبه تجارتی داشت، یا برای استقرار ساخلوهای یونانی بود. مهمترین آنها عبارت است از: انطاکیه (کنار رود ارونت) که در سال (۳۰۰ پ.م) بوسیله سلوکوس بنا گردید و انطاکیه (پارس)، سلوکیه (شوش) که در حوالی آن تا کنار خلیج فارس دوشهر دیگر بنام سلوکیه وجود داشت و سلوکیه روی دجله که مقراصلی مهم سلوکوس اول بود و در آبادی آن توجه خاص سبذول میداشت و جمعیت این شهر در حدود ۶۰۰ هزار نفر بود، لائودیسیا (نهایند) شهری را توسعه داده بنام اروپوس (Europos) خوانده شد، الکساندر پولیس (Alexandropolis)، (نیسا) شهری که اولین پایتخت پارتها گردید و اپامه (Apamé) و چند شهر دیگر به این نام که سلوکوس اول در آسیای صغیر بنا کرد.

۲- اسکندر با دختر داریوش سوم استاتیره ازدواج کرد و بنا بر دستور وی هشتاد تن از بزرگان و ده هزار سرباز یونانی با دختران ایرانی در شوش ازدواج کردند.

	تا اول فرس دوره (ن.م)	تا اوایل قرن اول	تا اول فرس دوره پارتی
آ	Α	Α Α	Λ
ا	Ε	Ε Ε	Ε Ε
او	Ω	Ω	Ω Ω
او	Ο	Ο Ο	Ο Ο
با	Β	Β Β	Β Β
با	Π	Π Π	Π Π
تا	Τ	Τ	Τ
ش	Θ		Θ Θ
ح	Η	Η	Η Η
ح	Χ		
د	Δ	Δ	Δ Δ
د	Π		
ر	Ρ	Ρ	Ρ Ρ
ز	Ζ	Ζ Σ	Ζ Ζ
ز	Υ	Υ	Υ Υ
س	Θ	Κ	† † †
س	Κ	Κ	Κ Κ
س	Γ	Γ	Γ Γ
س	Λ	Λ	Λ Λ
س	Μ	Μ	Μ Μ
س	Ν	Ν	Χ Χ
س	Ι	Ι	Ι Ι

فرس و تغییراتی که در الفبای یونانی در سکه‌ها پیدا شده است.

نسبت که عنصر ایرانی قدرت یافت، فرهنگ سلی نضج گرفت آثار یونانی بسوی زوال و نیستی کشیده شد. یکی از بهترین نمونه های آن نوشته برسکه هاست. نوشته برسکه ها اگر در ابتدای دوران پارت بوضوح و در کمال درستی بکار رفته است، از دوره اعتلاء پارتها و شهریاری مهرداد دوم

پهلوی پارسی		آلمانی
آ	𐬀 𐬁	𐬀 𐬁
ب	𐬂	𐬂 𐬃
ن	𐬄 𐬅	
و	𐬆 𐬇	𐬆 𐬇 𐬈
ز	𐬉	𐬉
ر	𐬊 𐬋	𐬊 𐬋
ش	𐬌 𐬍	𐬌 𐬍
ک	𐬎 𐬏	𐬎 𐬏
ل	𐬐	𐬐 𐬑
م	𐬒 𐬓 𐬔	𐬒 𐬓 𐬔
ن	𐬕	
و	𐬖 𐬗	𐬖 𐬗
ه	𐬘	𐬘
ی	𐬙 𐬚	𐬙 𐬚

ش- الفبای آلمانی و پهلوی پارسی

نوشته‌ها کم کم بصورت نقطه‌گذاری در آمده‌است. حتی بعضی از حروف شکل اصلی خود را از دست داده. چنانکه با توجه به جدول حروف میتوان از این وضع اطلاع حاصل نمود. (ش-۴) شاهان اولیه پارت بابکار بردن انواع القاب همسایگان غربی و شرقی خود خواسته‌اند برابری خود را با آنان ثابت نمایند و از رقبای پر قدرت خود عنوان کمتری نداشته باشند و اعتبار و حیثیت خود را جلوه دهند^۲

در دوره سلطنت بلاش اول (۵۱-۷۸ م) برای نخستین بار خط پهلوی اشکانی بر سکه بکار رفته است. (ش-۵)

نام شاهان اولیه بصورت ساده «شاه ارشک» یا «شاه بزرگ ارشک» بر سکه نقر است^۳. بر اولین سکه پارت که از ارشک اول مؤسس سلسله پارت است عنوان «اتوکرات»^۴ یعنی «خودمختار» یا «مطلق العنان» دیده می‌شود.

در سالهای اخیر (حدود سال ۱۳۴۰ خورشیدی) تعدادی سکه از ناحیه گرگان بدست آمده است که نام ارشک با کلمه (کرن) بخط آرامی در کنار تصویر شاه پارت قرار دارد. این کلمه در پارسی باستان بمعنی «فرمانده» یا «سپهسالار» می‌باشد.

در مورد کلمه آرامی نیز میتوان چنین استنتاج نمود که در توفیق حاصل نمودن ارشک در راندن فرمانروای سلوکی از منطقه پارت، کارن که از روسای بانفوذ یکی از قبایل مهم پارت بود او رایش از سایر رؤسای قبایل یاری نمود، لذا ارشک برای اثبات حقیقتش نسبت به وی دستور داد نام کارن را در کنار نام وی بر سکه نقر کنند^۵.

بنابر گفته گزنفون کارن عنوان مقام نظامی سهم بوده است که مطابق سردار یا فرمانده

۱- از اواسط قرن اول میلادی به نوشته‌ها توجهی نمی‌شود و از اواسط قرن دوم نوشته‌ها بکلی ناخواناست و حکاک هیچگونه دقتی در نقر آنها در سکه‌ها بکار نبرده‌است.

۲- برای شناختن این عناوین که برای اولین بار شاهان پارت بکار برده‌اند بایستی به سکه‌های سلوکیها و باختریها مراجعه نمود.

۳- از القاب و عناوین شاهان پارت ضمن توصیف سکه‌های آنان اطلاع حاصل می‌شود.

۴- Aytokratoros

۵- هفت خاندان در بین قبایل پارتها معتبرتر بودند که به ترتیب کارن و سورن مقام اول را داشتند چنانکه در شورای بزرگ که مجلس و اسپوهرکان (Vaspuhrakan) نامیده می‌شد، آنان عضویت داشتند و بهنگام مراسم تاجگذاری رئیس یکی از خاندانهای سورن یا کارن تاج بر سر شاه می‌نهاد. این دو خاندان تا دوران ساسانیان نیز مقام ارجمند خود را دارا بودند

یا سپهسالاری باشد و بکار بردن نوشته آراسی (پهلوی اشکانی) بر سکه در این هنگام که هنوز سلوکیها بر ایران زمین تسلط داشتند و فرمانفرمائی مینمودند میل باطنی پارتها را در برافکندن نفوذ یونانی اثبات می کند.

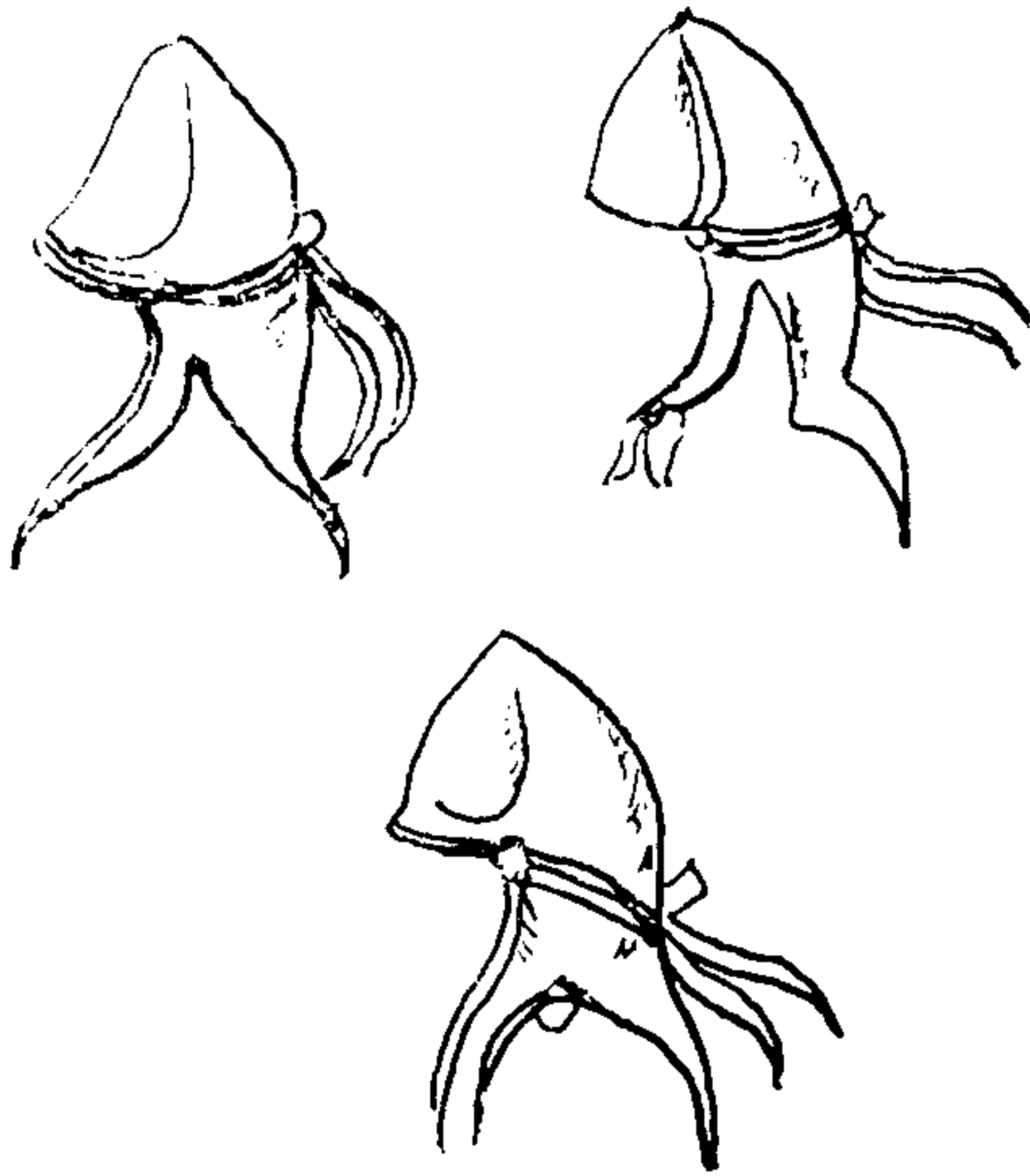
نوشته پهلوی اشکانی (آراسی) بر سکه پلاش اول و بلاش دوم به اختصار و دو حرف اول نام آنان (ول) بر کنار تصویر نقر است. از دوره شهریار میمرداد دوم که خط غیر قابل خواندن و فقط اثری از آن باقی است و نام شاهان بخط پهلوی در بالای تصویر ارشک در پشت سکه منقوش است.^۱

۴

۱- نوشته ها و مضامین آنان ضمن شرح سکه ها خواهد آمد

تاج

شاهنشاهان پارت دارای تاج‌های متعدد میباشند که از لحاظ شکل و هنر و شکوه و زیبایی میتوان آنها را به سه نوع تقسیم نمود. اولین شاهان پارت تاج یا کلاهشان ساده و همان کلاه مخصوص ایرانی است که بزرگان و نجیبای پارتی بسر میگذاشتند. این کلاه شباهت زیادی به کلاه بزرگان ماد دارد. در دوره هخامنشیان نیز فرمانروایان و ساتراپها از همین نوع



ش ۶- طرح تاج شاهان اولیه پارت

۱- در نقش مقبره قزقاپان (واقع در نزدیکی سلیمانیه فعلی) شاه ماد هوخشتره، کلاهی از پارچه ضخیم یا نمد بسر دارد که زبانهای روی گوش و زبانه دیگری پشت گردن را گرفته است. بر صفحه زرینی از گنجینه جیحون مردی که از بزرگان ماد است و برسم بدمت دارد، از همین نوع کلاه بسر دارد. مجسمه برنزی شاهزاده مادی (سوزه بریتانیا) سوار بر اسب کلاهوی شبیه کلاه شاهان پارت است.

کلاه که به کلاه پارسی معروف است بسر، داشتند^۱ که بر سکه‌های آنان مشاهده می‌شود. این کلاه از پارچه ضخیم یا نمد است، تمام سر را از بالای پیشانی گرفته و زبانه‌هایی روی گوش و پشت سر را می‌پوشاند (ش - ۶). نواری که کلاه را زینت داده و در پشت سر گره خورده آویزان است.^۲ از این نوع کلاه ارشک اول و تیرداد و فریایات و فرهاد اول در نقش سکه‌هایشان بسر دارند. در طول دوران پارتها در تصویر ارشک کمان بدست که بر پشت سکه‌ها نقر است این کلاه بسر وی دیده می‌شود.

از دوران شهریاری مهرداد اول، تاج بصورت نوار ساده یا مخطوطی است^۳ که در پشت سر گره خورده و تا پشت شانه آویزان شده است. شاهانی که این نوع تاج بسر دارند عبارتند از: مهرداد اول، فرهاد دوم، اردوان اول، هیمر، مهرداد دوم (در یک ردیف سکه) اردوان دوم، مهرداد سوم (در یک ردیف سکه)، ارد، پاکر، فرهاد چهارم، تیرداد، اردوان سوم. بر درهم‌های وردان، گودرز، بلاش اول و بریک نوع از سکه‌های پاکر دوم و مهرداد چهارم این نوع تاج مشاهده می‌شود.^۴

تهیه تاجهای مجلل و گوهرنشان که نمونه بارزی از هنر زرگری و جواهر سازی پارتهاست از دوره شهریاری مهرداد دوم سرسوم گردید.^۵

تاج مهرداد دوم کلاهی مدور و زبانه دار است که از چند ردیف مراورید تزئین یافته است و در وسط تاج گل گوهر نشانی بشکل ستاره نصب است. تاج سندروک شبیه تاج مهرداد است اما کمی کوچکتر است. برگرد تاج زبانه دار فرهاد سوم تزئیناتی بشکل شعله که نشانه ایزد مهر است قرار دارد و در وسط قطعه گوهری بشکل شعله نصب است.

تاج مهرداد سوم در یک نوع از چهار درهمی‌ها شبیه تاج فرهاد سوم است، اما ساده‌تر و بدون تزئینات شعله مانند. ارد دوم، ونن اول، وردان اول، گودرز، بلاش اول، اردوان چهارم،

۱- در تصویر منقور بر سکه‌های تیسافرن (۴۱۱-۳۹۵ پ.م) ساتراپ هخامنشی در لیدی، و فرناباد (۴۱۲-۳۷۴ پ.م) فرمانروای فریگیه و تریباده (۳۹۸-۳۸۴ پ.م) نایب-السلطنه ارمنستان و ساتراپ سارد، کلاه پارسی آنان همین شکل می‌باشد.

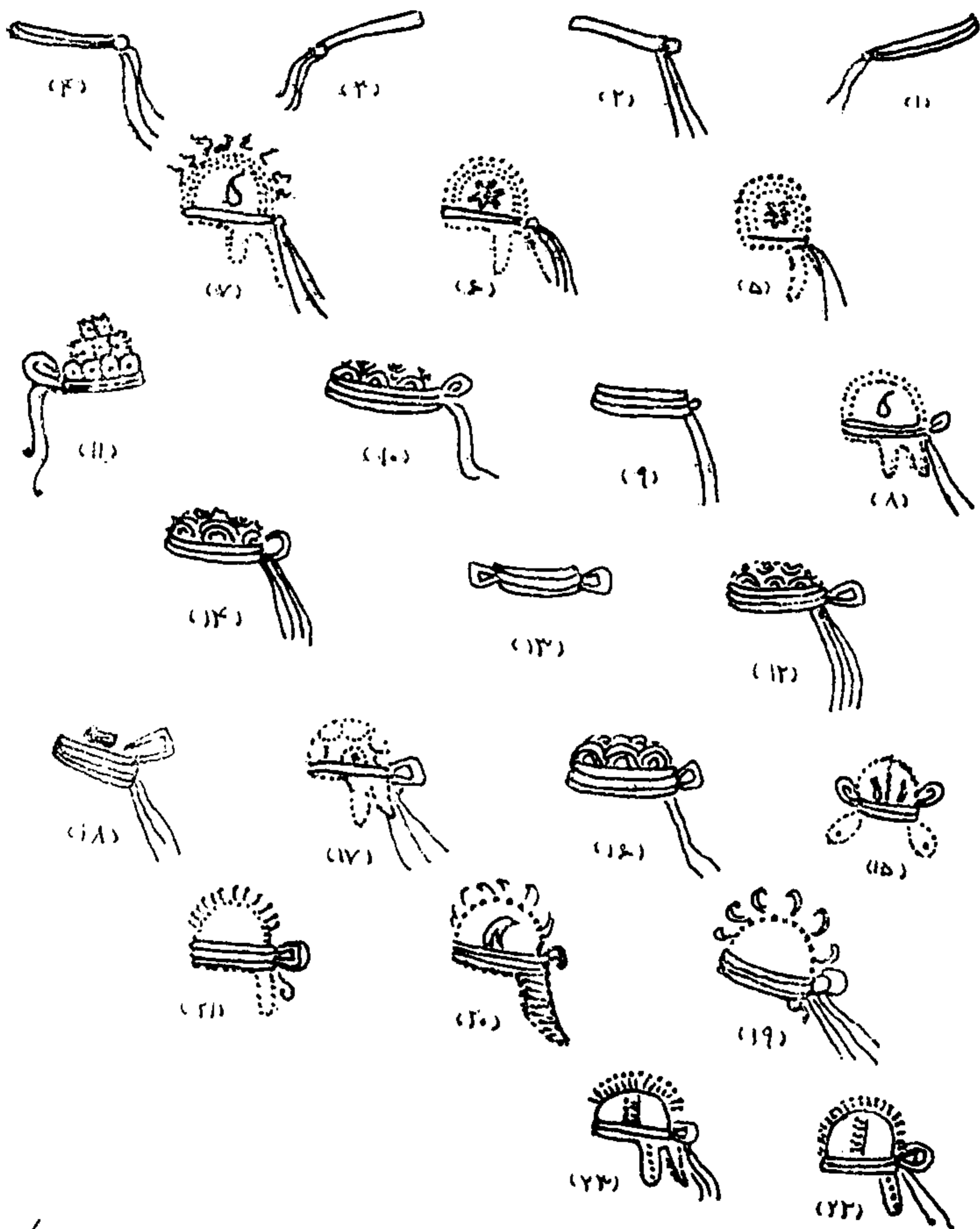
۲- کلاه سکا هانیز تا حدی شبیه این کلاه است چون سکاها نیز از اقوام ایرانی (آریائی) می‌باشند، لذا این کلاه را میتوان مخصوص اقوام آریائی ایرانی دانست.

۳- نوار یا حلقه تاج بدون تردید زرین بوده است.

۴- این ردیف تاج در موقع عادی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۵- تاجهای مجلل معمولاً برای مراسم رسمی و جشنها بوده است.

تاج آتاف بر چهار درهمی ها از لبه ای زرین مخطط تشکیل یافته که بالای آن کنگره هائی بصورت نیم دایره است.



- ۱- مهر داد اول . ۲- فرهاد دوم در دردان دوم . ۳- هیمز . ۴- مهر داد دوم . ۵- مهر داد دوم . ۶- مستردک .
 ۷- فرهاد سوم . ۸- مهر داد سوم . ۹- کزاد و پاکر اول و فرهاد چهارم . ۱۰- فرهاد پنجم . ۱۱- ملکه موزا . ۱۲- کزاد دوم .
 ۱۳- دردان اول . ۱۴- دردان اول و کزاد . ۱۵- مهر داد با وین دوم . ۱۶- بلاش اول . ۱۷- پاکر دوم .
 ۱۸- خسرو . ۱۹- بلاش دوم . ۲۰- بلاش سوم . ۲۱- بلاش چهارم . ۲۲- بلاش پنجم . ۲۳- کزادان پنجم .

ش-۷: انواع تاجهای شاهنشاهان پارت

پاکر دوم علاوه بر تاج معمولی دارای تاج دیگری است که در نوع خود بی نظیر و برای مراسم مخصوص یا جشن‌ها بوده است. قسمت بالای تاج کروی شکل و از نقوش هلالی سراورید نشان تزئین شده و بر لبه زرین سراورید نشان زائده‌ای است که روی گوش را گرفته است. در پشت تاج دو گره تودر تو وجود دارد که سه نوار از آن آویزان است.

از جمله تاج‌هایی که جالب توجه است تاج بلاش سوم^۱، اردوان پنجم و ارتاواز است. تاج این شاهان از لبه‌ای پهن و مخطط با زبانه‌هایی که روی گوش راسی پوشانید و بالای آن کروی شکل می‌باشد تشکیل یافته است. دور تمام قسمت‌ها گهر نشان یا سراورید نشان است. بالای تاج میله‌های زرین که انتهای هر یک از آنها از قطعه گوه‌ری تزئین یافته و در وسط قسمت مدور نیز میله‌هایی نصب است. به لبه پشت سر تاج دو گره تودر تو متصل است که نوارهایی از آن آویزان است.

طرح تاج‌ها و هنری که در زرگری و جواهر سازی آنها بکار رفته بین ذوق هنری و شناخت زیبایی و سلیقه خاض هنرمندان و صنعتگران این دوران است (ش - ۷).

۱- لبه زرین گوش آمده تمام سر و گردن و موها را پوشانیده و تا روی شانه آمده است
بالای لبه یا حلقه تاج قطعه‌ای بشکل شاخ نصب است.

شهرها و ضرباخانه‌ها

برسکه‌های پارتها بخصوص چهاردرهمی‌ها و بر بعضی از درهم‌ها و سکه‌های برنزی و مسی علامات یابه اختصار چند حرف که بین و معرف ضرباخانه شهر است که سکه در آن ضرب شده، نقر است. این علامات یا حروف قسمت اول نام شهر، در کنار نقش مرکزی پشت سکه قرار دارد. در مورد این علامات سکه شناسان آراء مختلفی ابراز داشته‌اند. چندتن از آنان تصور کرده‌اند که این علامات اختصاص به قضاتی دارد که نظارت رسمی به امور ضرباخانه داشته‌اند و لی‌آنچه محقق است، این علامات که گاهی بطرحی زیبا و مانند نقشی از چند حرف یا دو حرف بهم تلفیق یا گره خورده، نشانه شهری است که ضرباخانه در آن شهر واقع بوده است. بر سکه‌هایی علاوه بر این علامات، نشانه‌های دیگری نیز دیده می‌شود که محتمل است که این نوع نشانه‌ها معرف مأمور یا قاضی مخصوص ضرباخانه باشد.

سکه‌هایی که قبل از دوره شهریساری مهرداد اول ضرب شده، دارای علامت شهرهایی است که تحت تصرف پارتها در آمده بود، یا شاهان اولیه پارت آنها را بنیاد نهاده بودند. زیرا هنوز شاهنشاهی پارت توسعه پیدا ننموده بود، و سرزمین پارتها از نواحی شمالی پارت و گرگان و قسمتی از ماد، ری، صددروازه و خوار تشکیل می‌شد. بنابراین سکه‌هایی که از این دوران بدست آمده است، شهرهایی که ضرباخانه داشته‌اند عبارت است از: نیسا، دارا^۲ صددروازه^۳،

۱- درباره آراء سکه‌شناسان در خصوص علامات به کاتالوگ موزه بریتانیا

Catalogue of Parthia تألیف (W.Wroth) (ص-IXXX) مراجعه شود.

۲- تیرداد اول این شهر را بنا کرد، دارا در ناحیه دره‌گز کنونی بوده است.

۳- Hecatompylos یکی از پایتخت‌های شاهان پارت بوده است (نزدیک دامغان

کنونی) چون این شهر دارای صددروازه بوده است نام آنرا (صددروازه) نهادند.

تمبراکس^۱، سیرینک^۲، خراکس^۳ و آپامنا^۴

علامت ضربخانه‌هایی که از دوره شهرسازی مهرداد اول تا آخر دوره پارتها بر سکه‌های آنان مشاهده می‌شود عبارت است از: نیسا، مهرداد کرت^۶، هگمتانه (اکباتان، همدان) شوش، سلوکیه، رگا (ری)، سیرینک، مارژیان (مرو)، تراکزیان^۷، خراکس، تیسفون، آریا (هرات)، هراکلئا^۸، تامبراکس، فیلاس، ضربخانه درباری^۹ کنکوبار^{۱۰} (کنگاور) آپامنا، و لائودیسه (نهایند).

علاجات این ضربخانه‌ها، برسکه‌های مختلفی که از دوره پارتها تا کنون بدست آمده است مشاهده می‌شود (ش-۸).

این ضربخانه‌ها معرف شهرهای مهمی است که یاد در دوران هخامنشیان وجود داشته و با سلطه سلوکیها نام آنها تغییر یافته است و یا سلوکیها در کنار شهرهای آباد شهر جدیدی بنا

۱- Tombrax (ساری کنونی)

۲- Syrinke شهر مهمی که در نزدیکی ساری کنونی واقع بوده است.

۳- Charax) در نزدیکی دروازه خزر، حدود شهر ستانک کنونی واقع در دره

البرز شمال تهران.

۴- Apamea) شهری است بنام آپامه دختر سپیتامن (Spitamène)

ایرانی باختری، زن سلوکوس اول، که سلوکوس در (خوارن) خوار کنونی آنرا ایجاد کرد.

۵- بنابر اوستا، نیسایکی از جاهای مقدس آریائی بوده است. این شهر چنانکه

شرحش قبلاً داده شد، مقر فرمانروائی و سلطنت اولین شاهان پارت است.

۶- شهری بادزها و کاخها و معابد و ساختمان‌های اداری و خزانه که در منطقه

نیسا واقع بوده است.

۷- Traxiane) این شهر در نزدیکی مشهد کنونی واقع بوده است.

۸- Heraclea) شهری است که اسکندر در ناحیه ماد بنا کرد.

۹- این ضربخانه در موقع جنگ و حرکت لشکریان در طول راه دایر میگردید که

برحسب احتیاج بتوانند سکه ضرب کنند.

۱۰- Konkobar)

علامتِ ضرابخانه‌ها

$\bar{A} - A$	= آک : اکباتانا (هگمتانه) همدان
$AP - A$	= آر : آریا، هرات
𐎠	= آ-رت : آرتیه میا (داسنگرد)
$-T$	= ت : تراکزبان (زرنک مشه) ^(۱)
TAM	= ت. آ. م : نمبراکس (ساری)
𐎡	= رگ : رگا (ری)
𐎢	= ک : کنگوبار (کنگاور)
𐎣	= ک : کتیفون (تیفون)
$\text{𐎤} - \text{𐎥}$	= ز-آ : سلوکیه
𐎦	= شوش
𐎧	= ل. او : لائورسیا (نهادند)
M	= م : مارشبان (مرو)
N	= ن. ی : نیسا
𐎨	= م. ت : میترووات گرت (دژنیا)
$\Sigma \text{𐎩}$	= ز. ت. ر : کاتانز تراپیا (درباری) ^(۲)

۱- یاشهری در ماوه النهر

۲- ضرابخانه‌ای که در موقع لشکرکشی در راهها ایجاد میگردید.

نام خود احداث کرده‌اند و یا پارتها که توجه زیادی به آباد کردن کشور و تاسیسات نوین داشته‌اند آن‌ها را بنیان نهادند.

پارتها طی پنج قرن شاهنشاهی دارای پایتخت‌های متعدد بودند که عبارت است از: نینسا که اولین مقر فرمانروائی آنان بود، ری را تیرداد تختگاه خود نمود و بنام مؤسس سلسله برادرش ارشک آن شهر را ارشکیه نام نهاد^۲. ارشکیه تا مدت دو قرن جزو پایتخت‌های پارتها بود و شاهان پارت بهار را در آن شهر میگذراندند. صدروازه (همکاتمپیلوس) یکی از مهمترین تختگاه‌های پارتها محسوب میگردید^۳، همگتانه (همدان) مقر تابستانی شاهان پارت بود و تیسفون مهمترین و با شکوهترین پایتخت پارتها بود که در ابتدا مهرداد اول آن محل را برای استقرار اردوگاه خود انتخاب نمود. تیسفون در ساحل چپ دجله و مقابل شهر معظم سلوکیه پایتخت مهم سلوکیها واقع بود. لذا انتخاب این محل برای پایتخت بودن از لحاظ سیاسی و اقتصادی حائز اهمیت خاص بوده است. شاهنشاهان پارت معمولاً زمستان را در تیسفون که دارای کاخهای مجلل و ابنیه و دژها بود میگذراندند. و تاجگذاری شاهان پارت نیز در این تختگاه با مراسم خاص^۴ انجام میگرفت. تیسفون در دوره ساسانیان نیز پایتخت بود و با احداث پل‌ها بر روی دجله و ساختمان کاخها از جمله طاق کسری و تاسیس باغات و غیره جلوه زیبایی و شکوهمندی آن افزوده گشت. این شهر بی نظیر و باشکوه با سقوط دولت ساسانیان و پیروزی تازیان رو به انهدام نهاد.

۱- اسکندر بنام خود شهرهای اسکندریه در (آریا) هرات فعلی و اسکندریه واقع در سرو، اسکندریه در محل خجند کنونی را بنیاد نهاد. سلوکوس برای کوچ دادن اهالی واقاست مقدونیان در حدود هفتاد و پنج شهر ایجاد کرد. از جمله شهر لائودیسیا در (نهایند) آپامیا (خوار کنونی)، اروپوس (ری) و سلوکیه کنار دجله، سلوکیه (کیلیکیه) در آسیای صغیر (ترکیه فعلی)، آنتیوکوس اول شهرهای انطاکیه در ملتقای رود مرغاب، انطاکیه در مصب رود دجله، انطاکیه، (سوریه)، انطاکیه (سرو) را بنام خود احداث کرد. دیگر از شهرهایی که سلوکیها بنا نمودند (کرهه) نزدیک اراک میباشد. از این شهر ضمن کشاورش آثار و ابنیه‌ای بدست آمده است و بنابر سبک معماری چنین بنظر میرسد که محل استقرار لشکریان سلوکیها بوده است.

بقیه پاورقی در صفحه بعد

تاریخ گذاری سکه‌ها

تاریخ گذاری بر سکه‌های شاهان اولیه پارت مرسوم نبود. از این جهت شناسائی آن سکه‌ها خالی از اشکال نیست. سکه‌شناسان بنا بر سبک نوشته و القابی که برای هر یک از شهریاران بکار رفته است و تصاویر منقوش بر سکه و تطبیق آنها با مدارک و منابع و آثار مکشوفه مختلف که از آن دوران موجود است، با مطالعات زیاد ودقت فراوان توفیق یافتند که انتساب آنها را به هر یک از شاهان تعیین نمایند.^۱

مبدأ تاریخ پارتها سال ۲۴۸ پ.م است^۲ که ارشک باکمک برادر خود تیرداد پس از غلبه بر فرمانروای یونانی پارت آندراگوراس^۳ (سال ۲۵۰ پ.م) در شهر آساک

مانده پاورقی از صفحه قبل

۲- ناحیه ری (رگا) اردوران ماقبل تاریخ یکی از مناطق آباد ایران زمین بوده است. ضمن کاوش از تپه‌های ماقبل تاریخ آثار حدود هزاره چهارم پیش از میلاد بدست آمده است. در هزاره دوم با آمدن اقوام آریائی به فلات ایران عده‌ای در این ناحیه استقرار پیدا کردند. در دوره مادها و هخامنشیان رگا آباد بوده است و در اوایل دوره سلوکیها زلزله شدیدی این شهرکهن را ویران ساخت. چون از لحاظ موقع جغرافیائی رگا اهمیت خاص داشت، سلوکوس اول نیکاتور دستور به مرمت ویرانیها داد و به آباد کردن شهر همت گماشت و نام آنرا چنانکه عادت شاهان سلوکی بود تغییر داد و نام موطن خود (اروپوس) را بر آن شهر نهاد.

۳- شهر صد دروازه در حدود دو قرن از مهمترین پایتخت‌های پارتها محسوب میگردد.

۴- برای مزید اطلاع رک. پایتخت‌های شاهنشاهی ایران قسمت همدان (هگمتانه) تالیف ملکزاده بیانی

۵- رک. پایتخت‌های شاهنشاهی ایران. قسمت تیسفون. تالیف: ملکزاده بیانی.
۱- در این مورد بسیاری از سکه‌شناسان نظرات مختلفی ابراز میدارند در تعیین ردیف سکه‌ها و دوران پادشاهی یا ضرب سکه آنان متفق القول نیستند. (در این باره در شرح سکه‌های شاهان پارت نظرات واقوال مختلف آمده است).

۲- بعضی از مورخان مبدأ تاریخ پارتها را سال (۲۴۷ پ.م) می‌گویند.

۳- (Andragoras) از جانب آنتیوکوس دوم (۲۶۱-۲۴۷ پ.م) فرمانروای

ناحیه پارت بوده است.

(ارشکیه) تاج شاهی بسر نهاد.

تاریخی که برسکه‌ها بکار رفته بنا بر تاریخ سلوکیهاست که مبداء آن سال (۳۱۲ پ.م) آغاز سلطنت سلوکوس اول می‌باشد. لذا مبدأ سال سلوکی (۳۱۲ پ.م) برابر با سال یکم میلادی است.^۲

تساکنون چند سکه بنا بر تاریخ پارتی نیز بدست آمده است. مانند سکه اردوان اول که سال ضرب آن ۱۲۵ سال پارتی است که مطابق سال ۱۸۸ سلوکی می‌باشد.^۳ برای اولین بار تاریخ گذاری برسکه‌های مهرداد اول متداول شده است که کهنترین آن سال ۱۷۳ سلوکی مطابق سال ۱۴۵ میلادی است.

تاقبل از سلطنت فرهاد چهارم (۳۸-۳ پ.م) بر تعداد کمی از سکه‌ها سال ضرب نقر است.

از این دوره به بعد تاریخ سال ضرب تاحدی بصورت منظم درآمده است و سال ضرب بر چهار درهمی‌ها و گاهی بر درهم‌ها و استثنائاً برسکه‌های برنزی مشاهده می‌شود (ش-۹). علاوه بر تاریخ گذاری سالها، نام ماههائی که سکه ضرب شده نیز بر پشت تعدادی از سکه‌های شاهنشاهان پارت نقر است.

نام ماهها، بنا بر نام یونانی است و به اختصار چند حرف یا دو حرف اول نام ماه یا بر تعدادی از سکه‌ها نوشته نام ماه بصورت کامل بکار رفته است. در نوشته‌ها نام ماهها به اختصار، بی‌شک به آن جهت است که نوشته‌های زیادی نگیرد که باعث شود خدش‌های در نوشته‌ها القاب سنقور برسکه وارد آید.

تقویم سلوکیان بر اساس دوازده ماه است که گاهی بنا بر قاعده کیسه سیزده ماه می‌شود و آغاز آن ماه (دیوس)^۴ مطابق ماه مهر اولین ماه پائیز است. (ش-۱۰)

قسمتی از سکه‌های محلی (برنزی) سلوکیه، بنا بر اساس تقویم بابلی است که آن هم دوازده ماه بوده و از قاعده کیسه که ماه سیزدهم می‌شود مستثنی نمی‌باشد. آغاز سال بابلی از ماه فروردین اولین ماه بهار، (ارتدسی زیوس)^۵ است.

۱- در تقسیم ممالک تابعه اسکندر پس از مرگ وی و جنگهای زیادی که بین سرداران او رخ داد، بالاخره سلوکوس در بابل مستقر گردید و در سال (۳۱۲ پ.م) که سرزمین ایران تحت فرمانروائی وی درآمد و امپراطوری سلوکیها تاسیس گردید.

۲- اعداد بنا بر اعداد یونانی، الفبائی است.

۳- از این نوع سکه در کاتالوگ موزه بریتانیا تألیف (W. Wroth) (ص ۲۱-۲) و

Coinage of parthia تألیف D. Sellwood (ص ۵۶-۵) دیده می‌شود.

۵- Artémisios

۴- Dios

A	B	Γ	Δ	E	Ϛ	Z	H	Θ
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
Ι	K	Λ	M	N	Ξ	Ο	Π	Ϙ
۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
Ι	Σ	T	Υ	Φ	X			
	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰		

ش ۹- حروف معرف اعداد است

مهر	=	DIUS (= October ?).
آبان	=	APPELLAEUS.
آذر	=	AUDYNAEUS.
دی	=	PERITIUS.
بهمن	=	DYSTRUS.
اسفند	=	XANDICUS.
فروردین	=	ARTEMISIUS.
اردیبهشت	=	DAESIUS.
خرداد	=	PANEMUS.
تیر	=	LOUS.
مرداد	=	GORPIAEUS.
شهریور	=	HYPERBERETAES.
سیزدهمین ماه	=	EMBOLIMUS.

ش ۱۰- نام ماهها

گاهی اوقات برحسب تاریخ گذاری برسکه ها، میتوان از زمان حدوث وقایع بطور دقیق اطلاع حاصل کرد و مانند مدارک مسلم و منابع معتبری از آنها استفاده نمود. زیرا بعضی از مورخان در روایات و تالیفات خود در مورد بسیاری از سنوات و حوادث دوران پارت و سلطنت شهریاران یا مدت شاهی آنان یا مشارکت یکی از شاهزادگان در سلطنت پدر یا رانده شدن از سلطنت و بسیاری از وقایع مانند پیکار با رومیان یا با پادشاههای تابع دچار اشتباهاتی شده اند. لذا سنواتی که برسکه ها بکار رفته است بخصوص اگر نام ضرابخانه شهر نیز بر آن نقر باشد، میتواند بسیاری از مشکلات را مرتفع ساخته روایات پراکنده و مطالب از هم گسیخته را منظم نمود و تا حد امکان وقایع تاریخی را بصورتی روشن و مستقن و موثق در آورد.

فصل سوم

سکه‌های پارسی

ارشک اول: ۲۵۰-۲۴۸/۲۴۷

مدت کوتاه فرمانروائی ارشک اول پس از تاجگذاری، با پیکار باعمال سلوکیان گذشت، لذا امکان ضرب سکه در این شرایط مستبعد بنظر می‌رسد و اگر ضرابخانه در این دوره دایر گردیده است، سکه‌ها نظیر سکه‌های تیرداد می‌باشند. در بعضی از روایات از برادر ارشک، تیرداد اسم برده نشده و دوران شهریاری ارشک را تا سال (۲۱۱ پ.م) که آخرین سال فرمانروائی تیرداد است، می‌دانند یا بالعکس تیرداد را مؤسس سلسله گفته‌اند.^۱

- ۱- گوتشمید در کتاب تاریخ ایران چنین گوید «ارشک پس از دو سال سلطنت در سال ۲۴۸ کشته شد». ترجمه جهاننداری (ص ۴۵).
- دیاگونو، اشکانیان ترجمه کریم کشاورز «پرنیان در سال ۲۴۷ پ.م در شهر اساک ارشک رابه پادشاهی خویش برگزیده» «ارشک در حدود سال ۲۱۷ ق.م درگذشت». (ص ۴۲).
- نلسون دوپواز، تاریخ سیاسی پارت ترجمه علی اصغر حکمت «ارساسس در شهری بنام اساک تاج شاهی بسر نهاد و در سنین اوایل تأسیس این سلطنت همه به جنگ و پیکار سر گرم بود و ظاهراً در طی همین منازعات ارساسس جان خود را از کف داده است. پس از آن برادرش تیردادتس پادشاه شد. (ص ۸-۷) W. wroth (ورث) در کتاب سکه‌های پارسی Catalogue of the Coins of Parthia اولین سکه را از تیرداد اول میداند (ص ۲-۱).
- پرسی گاردنر (P. Gardner) سکه‌های اولیه را از ارشک و تیرداد میداند The Coinage of Parthia (ص ۲۵-۲۴).
- دسرگان (J De Morgan) سکه‌های اولین شاهان پارت قبل از مهرداد اول را تنظیم نموده است Manuel de Numismatique Orientale (ص ۱۲۶ تا ۱۳۰).
- دیوید سلود (D. Sellwood) سلطنت رسیدن ارشک اول را بسال (۲۸۰ پ.م) گفته و از تیرداد نام نمی‌برد و اولین سکه‌های اشکانی را از ارشک میداند که تا سال ۲۱۱ پ.م سلطنت نموده است. Coinage of Parthia (ص ۱۶-۱۷).
- نظر مؤلف بر این است که سکه‌های اولیه را از ارشک اول و بردارش تیرداد باید دانست.

تیرداد اول: ۲۴۸/۲۴۷-۲۱۱ پ.م.

درهم^۲

روی سکه: نقش نیم رخ بسیار زیبای شاه پارت با کلاه مخصوصی پارتها که لبه آن تا روی پیشانی آمده و زبانه‌ای روی گوش تا گردن را گرفته و قسمتی پشت سر موها را پوشانیده است. بین دو زبانه حلقه گوشواره مشاهده می‌شود.

پشت سکه: تصویر کاملی از ارشک نقر است که بر تخت نشسته و کمان که سلاح ملی پارتها است بدست دارد. (ش: ۱۱-۱۲) در کنار نقش نوشته بخط یونانی است (ارشک اتوکرات^۴)

ΑΡΣΑΚΟΥ ΑΥΤΟΚΡΑΤΟΡΟΥ

۴



ش-۱۲

ش-۱۱

بر چند سکه چنانکه متذکر گردید بجای کلمه اتوکرات کلمه کرون^۵ بخط پهلوی پارتی بکار

۱- اگر در دوران فرمانروائی کوتاه ارشک ضربخانه دائر شده بدون تردید سکه‌های وی نیز نظیر سکه‌های تیرداد بوده است.

۲- قطر در حدود ۱۴ میلیمتر. وزن در حدود ۳/۹ گرم است.

۳- بنا بر روایت آریان (Flavius Arrien) مورخ یونانی که در قرن دوم میلادی میزیسته، تیرداد از زیبایی فوق‌العاده بهره داشته است.

۴- Autocrate مستقل یا (قدرت مطلق)

۵- این کلمه بمعنی فرمانده باسپهسالار است. کلمه (Kar) در فرس قدیم بمعنی

جنگ است. نظر مؤلف بر این است که ممکن است نام خاندان کارن نیز بمناسبت سستی باشد که یکی از رؤسای آن خاندان در پیکاری فرماندهی امور جنگی را بعهده داشته و در اثر توفیق و پیروزی قبایل پرنی‌اورا به این نام نامیده‌اند.

ΑΡΣΑΚΟΥ

۲۵۶۶

علامت شهر نیز در زمینه سکه نقر است. ^۱ (ش-۱۳)



ش-۱۳

ارشک دوم: ۲۱۱-۱۹۱ پ.م.^۲

پس از درگذشت تیرداد پسرش ارشک دوم بسطنت رسید. سکه‌های وی شبیه سکه‌های تیرداد است.

درهم^۳

روی سکه: تصویر نیم رخ ارشک دوم با کلاه مخصوص پارتی.
پشت سکه: نقش ارشک که بر تخت نشسته نام وی بر پشت سکه نقر است.

ΑΡΣΑΚΟΥ = (ارشک)

«در مقابل پای ارشک طرحی شبیه شاهین یا علامت ضرابخانه قرار دارد (ش-۱۴)

۱- این علامت از شهر نيسا اولین مقر فرمانروائی پارتها است. لذا میتوان چنین استنتاج نمود که اولین ضرابخانه پارتها در این شهر تاسیس شده است.
۲- ارشک دوم را بعضی از مورخان وسکه شناسان ارشک سوم یا اردوان اول گفته‌اند. نیلسون دوبواز در تاریخ سیاسی پارت چنین گوید: «تیرداد در حدود ۲۱۱ بعد از سی و هفت سال سلطنت وفات یافت و تخت خود را برای پسرش که موسوم به اردوان بوده باقی گذاشت (ص-۱۲).»

گوشمید در تاریخ ایران پسر تیرداد را ارشک دوم میداند (ص-۵۵) ارشک دوم در پیکار با آنتیوکوس که بنزدیکی شهر صدروزه رسیده بود با عقد قرارداد صلح به جنگ پایان داد.
۳- قطر در حدود ۱۴ میلیمتر-وزن در حدود : ۳/۵ تا ۴ گرم.



ش-۱۴

فریاپات: ۱۹۱-۱۷۶ پ.م.^۱

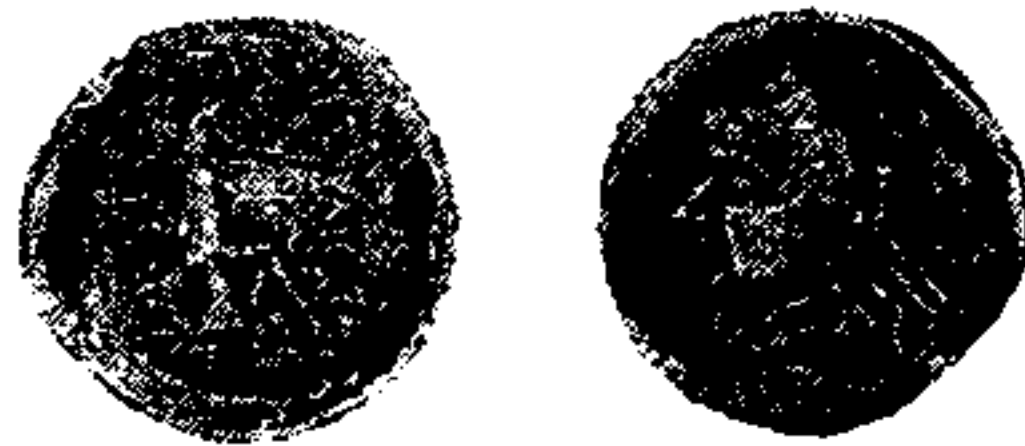
سکه‌های این شهریار پارتی بدست مشخص نیست. محتمل است که سکه‌های وی نظیر سکه‌های فرهاد اول باشد.^۲

فرهاد اول: ۱۷۶-۱۷۱ پ.م.^۲

درهم^۴

روی سکه: تصویر نیم رخ فرهاد اول با کلاه پارتی^۵ (ش-۱۵)
پشت سکه: بنا بر معمول ارشک بر تخت نشسته و نوشته (شاه بزرگ ارشک) بر دور نقش قرار دارد.

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ



(ش-۱۵)

بر بعضی از سکه‌های (درهم) فرهاد اول علامت ضربخانه اکباتان (هگمتانه) (همدان) نقر است.

- ۱- (Phriapate) فرزند ارشک دوم است که مدت پانزده سال فرمانروائی نمود.
- ۲- پرسی گاردنر (P.Gardner) سکه‌هایی که بانوشته (ارشک دوست یونان) است به او منتسب میداند. در این مورد گوتمید چنین می‌آورد. «او ازین تمام سلاطین پارتی نخستین کسی است که خود را فیل هلن نامید. ترجمه جهان‌داری (ص ۶۷-۶۸).
- ۳- فرهاد اول پسر ارشد فریاپات بود که پس از درگذشت وی بسلطنت رسید. فرهاد در دوره کوتاه فرمانروائی خود قوم اردی را که در ناحیه البرز شاید خطه کنونی آمل باشد به اطاعت واداشت و آنرا کوچ داد و در ناحیه خارا کس (ری) متمرکز ساخت.
- ۴- وزن در حدود ۳/۵ گرم.
- ۵- درباره این ردیف سکه سکه‌شناسان آراء مختلفی ابراز میدارند. گاردنر Gardner این سکه‌ها را از ارشک اول یادوم میداند و W.Wroth از تیرداد اول. در کتاب Coinage of Parthia تألیف D.Sellwood این نوع سکه را از مهرداد اول و دوره اول سلطنت او گفته است. ص ۳۱۹۳۰.

مهرداد اول: ۱۷۱-۱۳۸ پ.م.

دوران اعتلاء شاهنشاهی پارت از سلطنت مهرداد اول آغاز می‌شود. مهرداد فرزند فریادپات است که پس از درگذشت برادرش فرهاد اول بسطنت رسید. سکه‌های مهرداد اول از لحاظ هنری بسیار ممتاز و متنوع است. مهرداد دارای سه نوع سکه کاملاً مشخص می‌باشد. ردیف اول به نوع باختری است. ردیف دوم به نوع ایرانی و ردیف سوم شباهت به سکه‌های سلوکیان ضرب سلوکیه دارد.^۲

درهم^۲

روی سکه: (نوع اول) - تصویر نیم‌رخ مهرداد با سبیل و ریش نسبتاً بلند و موهای مهرداد بوسیله نواری که به پشت سرگه خورده بجای تاج تزئین یافته است. و در محل گره دو نوار آویزان است (ش ۱۶-).



ش-۱۶

پشت سکه: (نوع اول) ارشک بر تخت نشسته - نام و القاب وی بخط یونانی نقر است:

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ : شاه بزرگ ارشک:

۱- نام این شاهنشاه مهرداد، مهرداد یا میترا دات و منتسب به ایزد مهر است. پرستش این ایزد در این دوران رواج گرفت و جنبه رسمی پیدا کرد. ظاهراً مهر پشت اوستادر اواخر سلطنت او نوشته شده است.

۲- سلوکیه کنار دجله موقع ممتازی داشت، اسکندر مایل بود آن شهر را پایتخت خود قرار دهد و مقدمات این کار را شروع کرد ولی مرگ به او مهلت نداد. سلوکوس اول آن را بنا کرد و توسعه داد و پایتخت اول خود قرار داد، در (سال ۳۱۲ پ.م) و بزودی این شهر یکی از آبادترین و پر ثروت‌ترین شهرها گردید که دارای در حدود ۶۰۰/۰۰۰ تن جمعیت بود و ضرابخانه مفصلی داشت که سکه‌های مخصوص شهر در آن ضرب می‌شد. بدون تردید این ردیف از سکه‌های مهرداد اول در ضرابخانه این شهر ضرب گردیده است و در کننده کاری سرسکه، تاثیر هنریونانی مشهود است.

۳- اندازه در حدود ۱۵ میلی‌متر وزن در حدود ۳/۸ تا ۴ گرم است.

روی سکه (نوع دوم): تصویر نیم رخ شاهنشاه پارتی که بسوی راست متمایل است. بر پشت سکه: بطرز معمول ارشک کمان بدست بر تخت نشسته است. (ش ۱۷-).

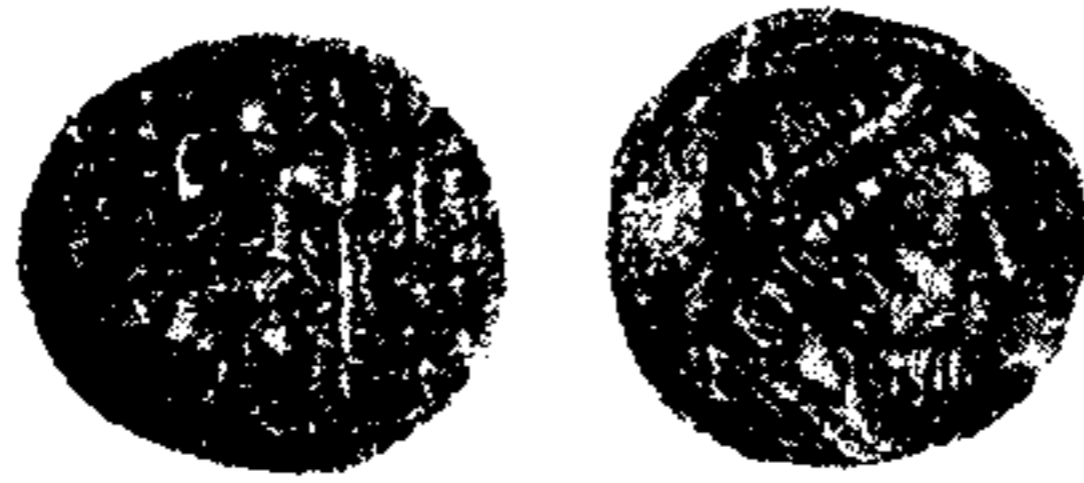


ش-۱۷

(نوع سوم): درهم و چهاردرهمی^۱

روی سکه- تصویر برجسته شهریار پارتی بانواری که بجای تاج بر سر وی بسته شده و بر پشت سرگه خورده آویزان است.

پشت سکه: هرقل گرز بدست ایستاده یا زئوس بر تخت نشسته عصای قدرت را بدست چپ گرفته و شاهین که نشانه فرو پیروزی می باشد، بدست راست گرفته است. بر چهار درهمی ها و بعضی از درهم های این ردیف تاریخ ضرب سکه^۲ و علامت ضرابخانه نقر است (ش ۱۸-۱۹).



ش-۱۸

۱- این ردیف سکه ها از لحاظ هنری بسیار جالب توجه بوده و سر سکه آنها بی شک بوسیله هنرمندان قابل کننده کاری گردیده است. قطر درهم در حدود ۱۵ مم و قطر چهاردرهمی ۲۴ مم است.

۲- تاریخ گذاری بر این سکه ها بنا بر تاریخ سلوکی است که آغاز آن (۳۱۲ پ.م) سال تاج گذاری سلوکوس اول است. از جمله سنواتی که بر چهار درهمی های مهرداد مشاهده شده است عبارت است از:

سال ۱۷۴ سلوکی که سال ۱۳۹ پیش از میلاد است و ۱۷۳ سلوکی که مساوی سال

۱۳۹ پ.م است. در این مورد به کتاب J. DE Morgan, Manuel DE Numismatique

Oriental ص ۱۳۸ مراجعه شود. و به کتاب Coins of Parthia, W. Worth ص ۱۴ و ۱۵.



ش-۱۹

نوشته بر پشت درهم‌ها بطرز نوع اول است و (شاه بزرگ ارشک)

منقور است. ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ.

چهاردرهمی^۱

روی سکه: تصویر نیم‌رخ مهرداد اول که بطرز نقش درهم‌ها می‌باشد.^۲
پشت سکه: هرقل گرز بدست ایستاده در وسط و در طرفین او چهار ردیف نوشته نقر

است.

کلمه دوست یونان^۳ برای اولین بار بر سکه‌های پارسی دیده می‌شود.

نوشته بدین قرار است: (شاه بزرگ ارشک دوستدار یونان).

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

در زیر پای هرقل^۴ سنه ضرب (toP) = ۱۷۳-۱۳۹ م.پ. سلوکی و در کنار نوشته

علامت ضربخانه نقر است^۵

۱- قطر در حدود: ۲۴ میلیمتر. وزن در حدود ۱۰ گرم.

۲- چهره مهرداد در کمال ظرافت ودقت بوسیله حکاک تهیه کننده سرسکه نشان

داده شده است، و بی‌گمان چهاردرهمی‌های این شاهنشاه جزو آثار هنری این دوره است.

Philhelène-۳

۴- هرقل (Heraclès) قهرمان افسانه‌ای یونان پسر خدای خدایان زئوس

است.

۵- این سکه‌ها در ضربخانه سلوکیه ضرب شده است.

بنابر عقیده (ورث) (W. Wroth) این علامات معرف ضربخانه‌های خرسن (Charax)

-آرته میتا (Artemita) و فیلاس (Phylace) می‌باشد.

سکه‌های برنزی

برسکه‌های برنزی نقوش مختلفی مانند قبل ایستاده، اسب، سراسب و نیم تنه نیم رخ مردی با کلاه ساتراپی که شاید تصویر مهرداد باشد واله فتح که در گردونه است مشاهده می‌شود. علامت ضربخانه شوش و هگمتانه (همدان) بر بعضی از سکه‌های برنزی قرار دارد. برسکه‌های برنزی معمولاً نوشته یونانی بطرز درهم‌ها و چهار درهمی هانقر است. گاهی نوشته بصورت (شاه بزرگ ارشک) یا فقط (شاه ارشک) است.

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ

فرهاد دوم: ۱۳۸-۱۲۸ پ.م

مهرداد اول در سال (۱۳۸ پ.م) درگذشت و فرزند وی فرهاد دوم به شاهی رسید.

درهم^۲

روی سکه: تصویر نیم رخ و متناسب فرهاد دوم با سوهای لوله شده که از روی پیشانی شروع و به پشت سر ختم گردیده است. فرهاد سیبیل‌نداره و تاج او نواری مخطط است که بر پشت سر گره خورده، آویزان است. (ش. ۲۰)



ش. ۲۰

بر بعضی از درهم‌ها نوشته نام شهر یا علامتی که مبین ضربخانه شهری که سکه در آن ضرب شده، بر پشت سکه نقر است. این ضربخانه‌ها عبارتند از:

۱- فرهاد دوم مانند پدرش مهرداد در برانداختن باقیمانده قدرت سلوکیها اهتمام ورزید. آنتیوکوس هفتم با سپاهی فراوان به ناحیه بابل حمله نمود و سلوکیه را تسخیر کرد و چند شهر دیگر را بتصرف در آورد.

ولی فرهاد سپاهیان خود را تقویت نمود و به اردوی سلوکیها حمله برد. در این پیکار آنتیوکوس کشته شد و سپاهیان سلوکی مغلوب شدند (سال ۱۲۹ پ.م). فرهاد پس از پیروزی ایالات از دست رفته را بازیافت. ولی در سال بعد (۱۲۸ پ.م) در نبرد با اقوام سکائی که مرز شمالی شاهنشاهی پارت را مورد تاخت و تاز قرار داده بودند، کشته شد.

۲- وزن درهم در حدود ۳/۹۵ تا ۴ گرم است

ضرابخانه‌ها

NI یا NICA = نیار ()
 TAM = تامبراکس ()
 PA = رگا (ری)
 ΓΥΑΣ = سیرنکیس ()
 ΑΠΑ = اپشهر () = نیشابور

پشت سکه: بنابر معمول ارشک کمان بدست برتخت نشسته است. نوشته دونوع است
 نوع اول: شاه بزرگ ارشک.
 نوع دوم: (شاه بزرگ ارشک تئوپاتوروس^۶)

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ
 ΘΕΟΠΑΤΟΥΣ

چهاردرهمی^۶

تعداد کمی چهاردرهمی از فرهاد دوم در مجموعه‌های سکه موجود است و نقش آن‌ها
 مشابه نقش درهم‌ها می‌باشد.^۷

۱- پایتخت اولیه پارت‌ها (در این باره این شهر قبلاً بطور تفصیل گفته شد)

۲- Tambrax = ساری کنونی

۳- Syinx = شهری بادژ که در نزدیکی ساری کنونی واقع بوده است.

۴- (Aparshahr) ابرشهر نام قدیم نیشابور است این ضرابخانه بوسیله

Selwood در کتاب سکه پارت (ص ۶۴) معرفی شده است.

۵- (زاده خدا) = خداپدر

۶- وزن در حدود ۱۴/۲۰ گرم است.

۷- این نوع چهاردرهمی را گاردنر، p. Gardner از فرهاد اول میدانند. رک.

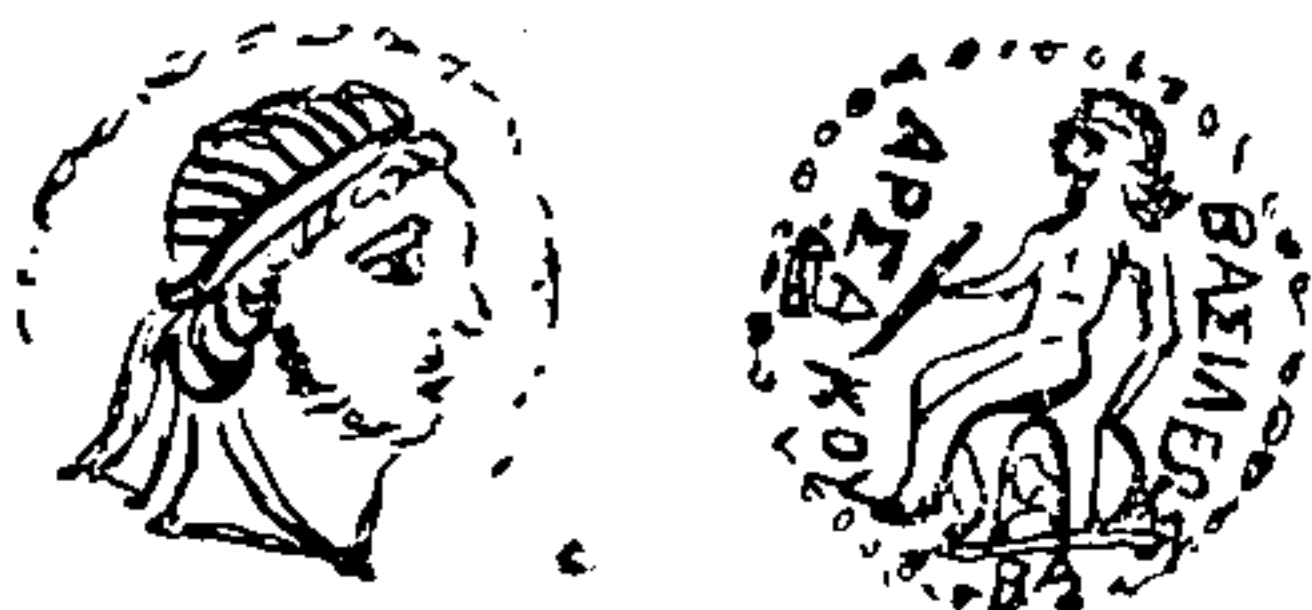
the Coinage of Parthia (ص ۲۷-۲۸) شماره (۱۲).

نوع دیگری نیز تا کنون دیده شده است که تصویر شاهنشاه پارت برخلاف معمول رو
بطرف راست دارد.

در پشت سکه بجای ارشک هرقل گرز بدست برتخت نشسته است^۱ و علامت ضرابخانه
در کنار نوشته نقر است.

نوشته به این ترتیب است: (شاه ارشک) (ش-۲۱).

بر پشت سکه های برنزی فرهاد دوم نقوش مختلفی مانند الهه ایستاده، سراسب، اسب،
فیل منقور است. بر بعضی از این سکه ها برنزی علامت ضرابخانه نیز دیده می شود.



ش-۲۱

اردوان اول: ۱۲۸-۱۲۳ پ.م

پس از کشته شدن فرهاد دوم، عموی وی اردوان به سلطنت رسید^۲

درهم^۳

روی سکه: تصویر نیم رخ اردوان با سبیل و ریش بلند و بینی برآمده است. نوار ساده ای
که بسر وی بسته شده در پشت سر او آویزان است^۴ (ش-۲۲).

پشت سکه: ارشک کمان بدست برتخت نشسته و نوشته، بخط یونانی در طرفین ارشک قرار دارد.

(شاه بزرگ ازشک دوستدار یونان): یا (شاه بزرگ ارشک)

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ

۱- طرح این سکه از کتاب (Coinage of Parthia) تالیف D Sellwood

گرفته شده است. ص-۴۱

۲- اردوان پس از نظم و نسق دادن به اوضاع داخلی کشور سپاهیان خود را
برای مقابله با طوایفی که در مرزهای شمالی متمرکز شده بودند آماده ساخت. در ضمن برای
دفع اقوام سکائی شمالی که از سوی آنها احساس خطر می شد حمله برد. اردوان در حین نبرد
مجروح گردید و در اثر آن درگذشت.

۳- وزن در حدود ۳/۸ یا ۴ گرم است.

۴- این نوع سکه را گاردنر P Gardner از فریادپات میداند the Coinage of Parthia

(ص ۲۷) شماره (۹).



ش-۲۲

بیشتر سکه‌های اردوان ضرب ضرابخانه اکباتان وری ومارژیان است.

$$\begin{aligned} PA &= \text{رگا (ری)} \\ MAP &= \text{مارژیان} = \text{مرو} \\ AP &= \text{اکباتان (هدان)} \end{aligned}$$

چهاردرهمی^۱

روی سکه: تصویر اردوان اول که بسوی راست رو کرده است و چهره‌ی وی نظیر تصویر منقوش بر درهم است.

پشت سکه: الهه که نشانه فراوانی و علامت پیروزی را در دست دارد، بر تخت نشسته^۲، در طرفین الهه نوشته یونانی (شاه ارشک) نقر است. در کنار نوشته علامت ضرابخانه سلوکیه قرار دارد. در زیر پای الهه تاریخ سال ضرب مشاهده می‌شود، (HIp) سال ۱۸۸ سلوکی^۳

بر روی سکه‌های برنزی تصویر نیم رخ اردوان منقوش می‌باشد. در پشت سکه‌های برنزی اردوان فرشته‌ای نقر است. این نوع سکه در ضرابخانه شوش ضرب گردیده است.

هیمر: ۱۲۷ پ.م.^۴

- ۱- چهاردرهمی بوزن در حدود ۱۰/۴ گرم است.
 - ۲- طرح بسیار دقیقی از الهه پیروزی در کتاب *Coinage of Parthia* تالیف D·Sellwood مشاهده می‌شود و این ردیف سکه را پتروویچ (Petrowicz) از ارشک اول شاه ارمنستان میداند (ص - ۵۴)
 - ۳- سال ۱۸۸ سلوکی مطابقت دارد با سال ۱۲۵ پ.م
 - ۴- در مورد سال فرمانروائی هیمر عقاید مختلفی ابراز شده. دمرگان سال (۱۲۴ یا ۱۲۳ پ.م) را دوره فرمانروائی و سلطنت وی می‌گوید *Manuel de Numismatique orientale* J. De. Morgan (ص - ۱۵۴).
- W.Wroth سال ۱۲۴ پ.م را سال ضرب سکه‌های هیمر میداند.

هیمر یکی از بزرگان سرداران مورد عنایت فرهاد دوم بود که در سالهای آخر شهریاری وی به فرمانروائی بابل منصوب گشت. هیمر در پیکاری که با یکی از شاهان محلی خرسن^۱ بنام هیسپانوزین^۲ روی داد و توفیق حاصل نمود خود را شاه خواند و سکه زد. بر سکه‌ای که منتسب به هیمر است الهه پیروزی بر پشت سکه نقر است (ش-۲۳).
 هیمر در نوشته بر سکه لقب نیکوفور^۳ یعنی پیروز را برای خود برگزیده است^۴ (شاه بزرگ ارشک پیروز).



ش-۲۳

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΝΙΚΗΦΟΡΟΥ

سکه‌های هیمر ضرب سلوکیه و شوش است.

مهرداد دوم (بزرگ): ۱۲۳-۸۸ پ.م.

مهرداد دوم شخصیتی ممتاز و فردی لایق و مدبر بود لذا با وجود برخورد با مشکلات فراوان و وضع آشفته‌ای که شاهنشاهی پارت داشت توانست از جهات مختلف از جمله سرکوبی قبایل شمالی و مغلوب ساختن سکاها و انعقاد معاهده با امپراتور چین^۶ و سامان دادن به وضع ارمنستان^۷ و به اطاعت در آوردن فرمانروایان یونانی باختر، ایران را مبدل بقدرتی جهانی نماید.

۱- خاراکس (Charax)

۲- Hyaspasinès

۳- Nikoforos

۴- دیودور Diodore de Sicile (قرن اول میلادی) مورخ یونانی در تاریخ خود

از هیمر (گیمر) نام می‌برد که فرمانروای بابل بوده است.

۵- مهرداد بمناسبت کوششی که درباره اعتلاء و عظمت شاهنشاهی پارت بکار برد لقب بزرگ به او داده شد.

۶- نمایندگان که از جانب امپراتور چین بدربار ایران اعزام شده بود مهرداد پذیرفت و معاهده‌ای در مورد تجارت و آمد و رفت بازرگانان از طریق ایران (راه ابریشم) بین ایران و چین منعقد گردید.

۷- مهرداد بزرگ، تیگران (Tigran) را که مورد حمایت او بود شاه ارمنستان نمود.

از مهرداد بزرگ سکه‌های متنوعی از (درهم)، (چهاردرهمی) و سکه‌های برنزی موجود است. سکه‌های مهرداد دو نوع است که از لحاظ تزئینات و تاج بایکدیگر متفاوت می‌باشند. در یکی موهای سر او لوله شده و از روی پیشانی شروع و پشت سر ختم گردیده است. بجای تاج نوار ساده‌ای به سر بسته که در پشت سر آویزان است.

در نوع دوم موها بزیر تاجی گرد که با دو زبانه گوشها را پوشانیده قرار گرفته است و تاج از سه ردیف سروارید و گلی بطرح ستاره تزئین شده است.

درهم^۱

روی سکه: (نوع اول) تصویر نیم رخ مهرداد دوم با ریش بلند و چشمانی نافذ و تاج بصورت نواری مخطط که در پشت سر گره خورده و تا پشت شانه آویزان شده است. شانه و سینه از قطعات مدور جواهر نشان تزئین یافته است. (ش - ۲۴)

روی سکه: (نوع دوم) در این ردیف سکه ریش شاهنشاه پارت خیلی بلند است و تاج مجلل سروارید نشان بسر دارد. بر بعضی درهم‌ها علاماتی بر پشت سر تصویر قرار دارد. (ش ۲۵) پشت سکه: تصویر ارشک کمان بدست که بر تخت نشسته و دور تصویر نوشته بخط یونانی نقر است.

بر سکه مهرداد القاب مختلفی مانند: اپی فانوس^۲ اورگت^۳ و دکایو^۴ بکار رفته است. یا، شاه بزرگ، ارشک، نیکوکار، دادگر و نامی



ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ
ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ

ش-۲۴



ش-۲۵

۱- وزن هر درهم در حدود ۴ یا ۵ گرم یا ۱۰/۴ گرم است.

۲- Epihpanos نامی

۳- Evergète نیکوکار

۴- Dekayo دادگر

بر بعضی از درهم‌ها بجای کلمه شاه، شاهنشاه بکار رفته است:
(شاه شاهان، ارشک، دادگستر، نامدار، دواستدر یونان).

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

علامات ضربخانه در پشت تصویر ارشک، یا زیرتخت قرار دارد. ضربخانه‌ها عبارتند از: نیسا، اکباتان و شوش.

سکه‌های برنزی

از این شاهنشاه پارت تعداد زیادی سکه برنزی موجود است که بر روی آن‌ها تصویر وی قرار دارد و بر پشت سکه نقوش مختلف مانند الهه پیروزی، اسب، سراسب، اسب بالدار، تیردان، علامت فراوانی، نقر است. بر چند سکه علامت ضربخانه و سال و ماه ضرب نیز مشاهده می‌شود. بر سکه‌ای برنزی که روی آن تصویر نیم‌رخ الهه (آناهیتا) است بر پشت آن سال سلوکی ۲۲۴ که مطابق سال ۸۸ میلادی است و اولین ماه سال که ماه اول پاییز (Διογ) می‌باشد نقر است

- چهار درهمی^۲

بر سکه‌های چهار درهمی تصویر مهرداد دوم و بر پشت سکه ارشک بر تخت نشسته است و نام و القاب وی بر چهار طرف تصویر نقر است: (ش ۲۶)



ش-۲۶

(شاه بزرگ ارشک نامی).

این چهار درهمی ضرب سلوکیه است.

۱- مطابق اول ماه مهر است.

۲- وزن ۱ گرم ۵/۵ گرم.

اردوان دوم: ۸۸-۷۷ پ.م

در مورد سلطنت اردوان دوم سکه‌شناسان و مورخان عقاید مختلفی ابراز میدارند. چون وقایع این دوره پس از درگذشت مهرداد دوم درست‌روشن نیست. لذا در باره سکه‌های منتسب به اردوان دوم اقوال مختلف تذکر داده می‌شود^۱

درهم^۲

روی سکه: تصویر نیم‌رخ شهریارپارت باچشمهائی درشت و بینی منحنی، ریش انبوه، سیل بلند، گیسوانی مجعد که تا روی گردن آمده و تاج بصورت نواری مخطط در پشت سرگه خورده تا پشت شانه آویزان است. شانه و سینه‌وی تزئینات گوهر نشان دارد.

پشت سکه: ارشک کمان بدست برتخت نشسته و نوشته القاب اردوان بنا بر معمول بخط یونانی، اطراف تصویر در پنج یاشش ردیف نقر است. (ش-۲۷)



ش-۲۷

۱- بعضی از سکه‌شناسان سکه‌های اردوان دوم را گودرز میدانند مانند D. Sell wood (ص-۷۶ و ۷۷). امام‌سرگان در Numismatique Orientale این سکه را از اردوان دوم میدانند (ص-۱۵۵). همچنین (ورث) W·Wroth (ص-۳۸ تا ۴۱). نیز همین نظریه را تأیید مینماید.

گوتشمیداردوان دوم را جانشین مهرداد دوم میدانند. (ص-۱۲۶). ونیلسون دو بواز گودرز را (به سبب وسعت خاک و عظمت محروسه پارت مهرداد ناگزیر شد که به ساتراپ‌ها و حکمرانان زیر دست خود اختیار و قدرت بیشتری واگذار فرماید و آنها مجال یافتند که هر کدام در توسعه قلمرو خود بکوشند. شخصی بنام گودرز درجه ساتراپ ساتراپ‌ها را حاصل نمود.... کتیبه حجاری که مهرداد در صخره بیستون نقش کرده صورت او را به ام‌شاه حجاری کرده‌اند. هر تسلفد کتیبه را چنین خوانند. (گودرز. ساتراپ ساتراپ‌ها و پادشاه بزرگ ستردات). شاید الواح مشکوفه از بابل و خواندن کامل آن متون بتواند بهتر وضع این دوره را روشن سازد. تاریخ سیاسی پارت. نیلسون دو بواز، ترجمه حکمت (ص-۳۱ و ۳۲).

۲- ۳/۵۰ تا ۴ گرم.

نوشته به این قرار است: (شاه بزرگ ارشک خداپدر، نیکوکار، نامی، دوستدار یونان)

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟ-
ΠΑΤΟΡΟΣ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΕΠΙΦΑ-
ΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

نوشته نام ضرابخانه که بر بعضی از درهم‌ها نقر است.

AP = آریا (برات)

T = تراکزبان (۲)

P = رگا (ری)

Α = هکتانه (همدان) (۳)

ΕΡ = کاتزاترانیایا (۴)

چهار درهمی*

روی سکه: تصویر نیم‌رخ اردوان دوم بطرز درهم^۶



ش-۲۹



ش ۲۸

۲- (Traxiane) این شهر در نزدیکی مشهد یا یکی از شهرهای ماوراءالنهر بوده است.

۳- علامت بصورت (اهم) است.

۴- (Kata)(Kataztrateia) - این لغت بمعنی (در طول راه) است یعنی در زمان

جنگ در طول راه ضرابخانه بکار می‌انداختند یا ضرب درباری

۵- بوزن ۱۶ گرم

۶- چهار درهمی هائی از این شهریار پارت موجود است سرسکه آنها بوسیله حکاکان

بسیار هنرند و قابل تهیه شده است.

پشت سکه: نقش ارشک در وسط و نوشته در هفت ردیف در اطراف تصویر نقر است (ش-).

(۲۹-۲۸)

نوشه به این قرار است: (شاه بزرگ ارشک، خدا پدر، نیکو کار، نامی، دوستدار یونان) علامت ضرابخانه و نشانه های مختلف زیر یا کنار تخت یادر مقابل چهره ارشک قرار دارد. برپشت سکه های برنزی اردوان دوم نیم تنه اسب، وفیل و علامت ضرابخانه شهر سلوکیه نقر است.

سنتروک: ۷۷-۷۰ پ.م^۱

سنتروک شاهزاده پارت مدتی بحال تبعید نزد قبیله سکائی ساکورا ک^۲ بسر میبرد. پس از برگشت و برگ اردوان سنتروک در سن هشتاد سالگی بشاهی رسید. بعضی از مورخان او را برادر مهرداد و برخی پسر اردوان دوم میدانند^۳.

برسکه های سنتروک، درهم و چهاردرهمی^۴، تصویر وی با ریش پر و سیل بلند و قیافه ای نجیب مشاهده می شود. تاج وی کلاهی است مدور که از سه ردیف مروارید تزئین شده و در وسط آن قطعه جواهر بشکل ستاره نصب است. لبه تاج زبانه مانند است با حاشیه ای از مروارید، روی گوش و پشت سر را نواری که از آن آویزان است، پوشانیده است^۵.

برپشت سکه بنا بر معمول ارشک بر تخت نشسته و نوشته ای در اطراف او نقر است (ش-).

(۳۱-۳۰).

۱- وقایع دوران شهریاری اردوان دوم و سنتروک را بواسطه در دست نداشتن منابع مرتب نمیتوان درباره آن بطور دقیق اظهار نظر نمود.

Sakaurakès-۲

۳- با تطبیق باسکه های اردوان میتوان چنین استنتاج نمود که این شاهزاده هشتاد ساله نمیتوانست فرزند او باشد.

۴- وزن درهم ۴ گرم و چهاردرهمی ۱۴/۶ گرم تا ۱۰ گرم.

۵- سکه های سنتروک را سلوود (D.Sellwood) از ارد اول میداند. کتاب سکه های پارت (Coinage of Parthia) (ص ۸۳ تا ۸۶).

در این باره سکه شناسان دیگری با عقیده مؤلف موافق می باشند، از آن جمله گاردنر (P.Gardner) پتروویچ (PetroPwicz) ورت (W.Wroth)



ش-۳۱

ش-۳۰

نوشته: (شاه بزرگ، ارشک، فرمانروای مطلق، دوستدار پدر، نامی، دوستدار یونان)

**ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΑΥΤΟ-
ΚΡΑΤΟΡΟΣ ΦΙΛΟΠΑΤΟΡΟΣ ΕΠΙ-
ΦΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ**

علامت ضرابخانه‌های: سلوکیه، هگمتان، شوش و مارژیان (سرو) بر درهم ها و چهار درهمی‌ها دیده شده است.

بر پشت سکه‌های برنزی سنتروک نیم تنه اسب و تیردان منقوش است.

فرهاد سوم: ۷۰-۵۸ پ.م

پس از درگذشت سنتروک پسرش فرهاد به تخت سلطنت نشست. فرهاد در سال (۶۶ پ.م) به تقاضای پمپه^۱ سردار روم به ارمنستان حمله برد و پایتخت آن را محاصره کرد. تیگران شاه ارمنستان که یارای مقاومت نداشت از پایتخت بیرون رفت^۲ و فرهاد پسر تیگران را که به دربار ایران پناهنده شده بود بانبروئی در آنجا باقی گذاشت^۳. فرهاد سوم در سال (۵۸ پ.م) توسط پسران خویش مهرداد وارد مسموم شد.

از فرهاد سوم دو نوع سکه موجود است: نوع اول تصویر با تاج ساده‌ی که از نواری که دور سر بسته شده و در پشت سرگره خورده تشکیل یافته است. نوع دوم که بسیار مجلل می‌باشد، تاج مدوری است که زبانه‌ای روی گوش و زبانه دیگری پشت سرا را پوشانیده است.

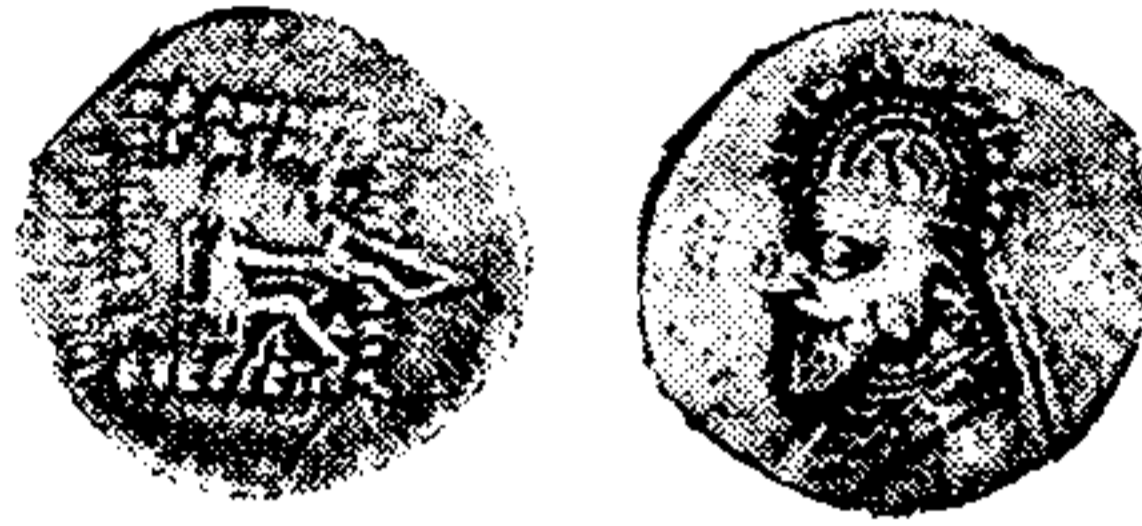
۱- Pompée در سال ۶۶ پ.م. با شاه پنت مهرداد ششم به جنگ پرداخت. شاهان پنت از خاندان هخامنشی و پارسی نژاد بودند. برای شناسائی سکه‌های این شاهان به کتاب تاریخ سکه تألیف ملکزاد بیانی، جلد اول مراجعه شود. (ص. ۱۵۰ تا ۱۵۲).

۲- لشگرکشی فرهاد سوم بنا بر تقاضای سردار رومی پمپه صورت گرفت. این تقاضا برای این بود که در جنگ پمپه با شاه پنت تیگران شاه ارمنستان نتواند به مهرداد کمک برساند.
۳- بابازگشت فرهاد سوم از ارمنستان تیگران به سپاهیان پسر خود حمله برد و او را مغلوب نمود.

دور ولبه تاج از مراورید تزئین گردیده و شعله‌هایی آن از قسمت مدور ساطع است و در وسط تاج قطعه‌ای از گوهر گرانبها بشکل شعله نصب است. تصویر فرهاد قیافه برآزنده او را باچشمان با نفوذ و بینی کمی منحنی و سیل و ریش پر نشان میدهد. برگردن فرهاد سوم دو ردیف گردن بند قرار دارد و حاشیه قبا از دروگوهر تزئین یافته است.

درهم^۱

روی سکه: تصویر نیم رخ و نیم تنه شاهنشاه پارت با تاج ساده، نوار مانند یا تاج جواهر نشان که شعله‌هایی از آن ساطع است. (ش-۳۲)



ش-۳۲

پشت سکه: ارشک بر تخت نشسته و نوشته در شش قسمت دور وی نقر است: نوشته (شاه بزرگ، ارشک، نیکوکار، نامی، دوستدار یونان).

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ
ΕΠΙΦΛΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

برچند درهم جزو القاب کلمه پیروز = (نیکاتور)^۲ نیز بکار رفته است.

بر بعضی از درهم‌ها علامت ضربخانه نقر است

Α = هکت = همدان

Α = ری

Μ = نیا



ش-۳۳

بر تعدادی از درهم‌ها بر پشت سر فرهاد سوم لنگرکشی نقر است. در این نوع سکه‌ها شهریار پارت تاج زرین جواهر نشان با تزئینات شعله مانند، بسر دارد. وسط تاج بجای قطعه گوهری که بشکل شعله بر درهم نوع معمولی نصب بود گل سه پر نصب است. (ش-۳۳).

۱- وزن درهم در حدود ۴ گرم است.

۲- Nikatoros

لنگر کشتی در اصل علامت کشتی بانان بابلی فرات بود^۱ که در دوران سلوکیها بر بعضی از سکه های آنان مشاهده می شود^۲. این علامت بر سکه های پادشاهان الیمائی در دروان سلوکیها و همچنین زمانی که این خطه جزو سرزمین پارتها درآمد بر سکه شاهان تابع که اجازه ضرب سکه محلی را داشتند، نقر است^۳.

بر پشت این نوع درهم ها ارشک کمان بدست بر تخت نشسته و نوشته القاب وی درشش ردیف برگرد تصویر نقر است.

علامت ضرابخانه شوش و سرو به چند درهم دیده شده است^۴.

چهاردرهمی^۵

روی سکه: تصویر نیم رخ فرهاد سوم بطرز نوع اول یا باتاج مجلل که دور تاج تزئینات شعله مانندی دارد.

پشت سکه: بنا بر معمول ارشک کمان بدست نشسته است.

بر پشت بعضی از چهاردرهمی ها صحنه بسیار زیبایی مشاهده می شود، فرهاد سوم که عصای قدرت و شاهی را بدست دارد بر تخت نشسته و بادست دیگر شاهین را که نشانه

۱- بنا بر گفته (آپی یین) (Appien) مورخ یونانی قرن دوم میلادی مؤلف تاریخ رم، لنگر علامت تجمع دسته جات کرجی بانان و کشتی بانان ناحیه بین النهرین بوده است. Histoire des Seleucides تألیف A. Bouché Leclerc (ص. ۶۱-۶۰).

۲- این علامت برای اولین بار بر سکه های سلوکوس اول (۳۱۲-۲۸۰ پ.م) مشاهده میشود و درباره آن افسانه های زیادی گفته شده است که حتی مورخانی مانند Justin و Appien آنها نقل کرده اند، و لنگر را ریز خدایان برای موفقیت سلوکوس در پیشبرد مقاصد و پیروزی بر رقبای خود و تشکیل امپراطوری سلوکی قبل از تولد وی دانسته اند.

۳- در حدود سال (۱۴۵ پ.م) مهرداد اول این ناحیه را بتصرف در آورد و بجای شاه محلی شاهزاده ای از خاندان خود را به نیابت سلطنت این منطقه منصوب نمود. از این شاهزاده پارتی تا کنون چند چهاردرهمی بسیار زیبا بدست آمده است.

پس از چندی بازیکی از شاهزادگان محلی به پادشاهی از طرف شهریار پارت منصوب شد. در دوران های بعدگاهی از اهل محل یا یکی از شاهزادگان پارتی به این سمت منصوب می شد.

۴- Coinage of Parthia تألیف D. Sellwood (ص. ۹۴ و ۹۳).

۵- وزن در حدود ۱۰/۵ گرم.

پیروزی است گرفته است^۱. در پشت فرهاد الهه‌ای حلقه تاج را بالای سر وی نگه داشته است. دور نقش، نوشته متضمن القاب، در شش ردیف نقر است. نوشته به این قرار است: (شاه بزرگ ارشک، خداوندگار^۲، نیکو کار، نامی، دوستدار یونان).

**ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ
ΕΠΙΦΛΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΥΣ**

علامت ضربخانه:

سلوکیه-Δ

برسکه‌های برنزی فرهاد سوم تصویر وی بر روی سکه و بر پشت آن سر اسب، اسب در حال تاخت و گرز نقر است.

مهرداد سوم: ۵۷-۵۵ پ.م

پس از کشته شدن فرهاد سوم^۳ بین مهرداد و برادرش ارد بر سر تخت و تاج پیکار در گرفت. مهرداد سوم که پسر ارشد بود پیروز گشت و شاهی نصیب وی گردید^۴ رفتار مهرداد بقدری از عدل و انصاف دور و نسبت به عامه مردم بیرحمانه بود که بزرگان کشور او را خلع کرده ارد را بجای وی به شهریاری برگزیدند.

مهرداد برای بدست آوردن مجدد تاج و تخت به سوریه رفت و در خواست کمک از رومیها نمود^۵ ولی توفیق حاصل ننمود و خود به جنگ برادر شتافت و توانست سرزمین بابل و ناحیه سلوکیه را بتصرف درآورد. اما طولی نکشید که سپاهیان ارد به سپهسالاری سورن سرد ر پارتی مهرداد را شکست داده بقتل رسانید.

۱- ضرب این نوع چهاردرهمی با علامت شاهین بمناسبت پیروزی فرهاد سوم بر تیگران شاه ارمنستان می باشد.

۲-(Theos)

۳- فرهاد سوم بدست پسرانش مهرداد وارد کشته شد.

۴- گوتشمید در تاریخ ایران چنین میگوید «از این دو پسر، ارد به تخت نشست

برادر مهرداد سوم فرمانروای ماد شد» ترجمه جهانداری. (ص ۱۳۳-۱۳۴). مورخ یونانی C·Dion نویسنده تاریخ رم در سال (۱۵۵ پ.م). میگوید که ارد جانشین پدر به سلطنت رسید و مهرداد فقط در سرزمین ماد مدتی سلطنت نمود.

۵- مهرداد سوم پس از خلع از سلطنت از سردار رومی گابینیوس (Gabinus)

یاری طلبید ولی سردار رومی چون گرفتار کمک دادن به بطلمیوس یازدهم در مصر بود از یاری به مهرداد خودداری نمود.

در مورد سکه‌های مهرداد سوم، سکه‌شناسان نظرات مختلف ابراز میدارند. آنچه با حقیقت تطبیق مینماید این است که این شهریار پارت چه در موقع سلطنت چه هنگامی که بابل و سلوکیه یعنی قسمتی از سرزمین پارت را بدست آورد، ضرابخانه‌ها دایر بود و سکه‌های مختلف درهم و چهاردرهمی و سکه برنز ضرب کرده است.

درهم^۱

روی سکه: تصویر نیم رخ مهرداد سوم که نواری بجای تاج، بر روی قسمتی از پیشانی و سوی سر بسته و از پشت سرگه خورده و آویزان است.

موهای مجعد روی گردن را گرفته و ریش مدور او نسبتاً کوتاه می‌باشد.

پشت سکه: ارشک کمان بدست بر تخت نشسته و اطراف او در هفت ردیف نوشته

القاب قرار دارد. (ش - ۳۴)

نوشته (شاه بزرگ، ارشک، عادل، نامی، خداپدر، دوستدار یونان)

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ

ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΘΕΟΥ ΕΥΠΑΤΟΡΟΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ



ش-۳۴

علامت ضرابخانه در زیر کمان قرار دارد.

علامت ضرابخانه

Α = اکباتان = هگمتانه = همدان

Ϻ = نیا (مهرداد گرت)

Κ = سیفون

Ρ = رگا (ری)

۱- وزن: در حدود ۴ گرم.

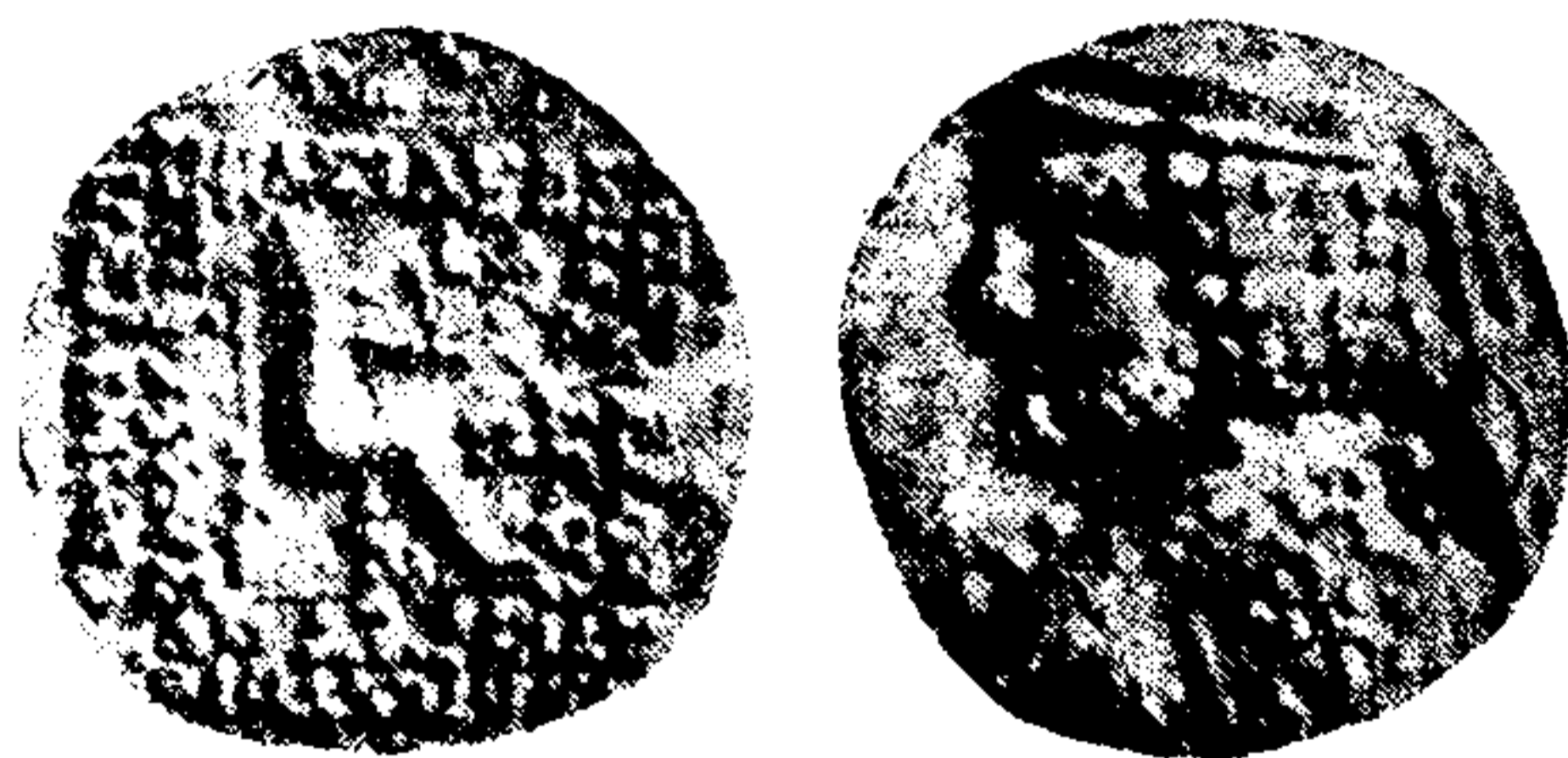
درهم‌های دیگری بانقش نیم‌تنه تمام رخ از این شهریار پارت موجود است که سکه شناسان درباره انتساب آنها به مهرداد هم عقیده نمی‌باشند^۱ (ش-۳۵) سکه‌های تمام رخ ضرب ضرابخانه‌های ری، هگمتانه (همدان) و نیسامی باشد.



ش-۳۵

چهار درهمی^۲

چهار درهمی‌ها دونوع است. نوع اول: روی سکه: تصویر نیم رخ مهرداد سوم نظیر تصویر منقوش بر درهم می‌باشد، پشت سکه: ارشک بر تخت نشسته و نوشته دور نقش نیز مانند نوشته بر درهم می‌باشد (ش-۳۶)



ش-۳۶

- ۱- دمرگان (De Morgan) این نوع سکه را از مهرداد سوم میداند. مراجعه شود به کتاب Manuel de Numismatique Orientale جلد اول (ص-۱۵۷). گاردنر Gardner این ردیف را از فرهاد سوم میگوید. پتروویچ (Petrowiez) از مهرداد سوم میداند.
 - ۲- وزن- در حدود ۱۵ گرم است.
 - ۳- دمرگان (De Morgan) و پتروویچ (Petrowiez) این نوع چهار درهمی را از مهرداد سوم می‌دانند. سلوود (D. Sellwood) آنها از داریوش شاهزاده‌ای پارتی که در حدود سال (۷۰ پ.م) در سرزمین ماد فرمانروائی نموده است میگوید، (ص-۹۸) Coinage of Parthia، ورت (Wroth) از شاهی ناشناس به کتاب وی مراجعه شود. (ص-۸) و گاردنر (P. Gardner) این چهار درهمی‌ها را از فرهاد سوم گفته است.
- از آنجائیکه علامت ضرابخانه سلوکیه بر چهار درهمی است نمیشود آنها از شاهی ناشناس ویا فرمانروائی که در ماد فرمانروائی، داشت دانست.

و علامت ضرابخانه در زیر کمان نقر است.

در نوع دوم، تصویر مانند چهاردرهمی نوع اول است، اما تاجی که مهرداد بسر دارد بسیار مجلل می باشد و حاشیه تاج از دو ردیف مروارید و زبان‌های روی گوش و پشت سر از یک ردیف مروارید تزئین یافته است. در وسط تاج قطعه گوهری بشکل شعله نصب است. پشت سکه بهمان ترتیب نوع اول می باشد. و نوشته القاب مهرداد مانند درهم‌ها در هفت ردیف قرار دارد و عناوین یکی است و علامت ضرابخانه از سلوکیه است.

ارد اول: ۵۷-۳۷ پ.م^۱

ارد پس از کشتن برادر خود مهرداد شاهنشاه پارت گردید^۲. واقعه مهم دوران شهریاری وی حمله لژیونهای رومی به ایران و شکست آنان و پیروزی سپاهیان پارت است. در سال (۵۵-پ.م) کراسوس^۳ سردار ناسی رومی از جانب دولت روم به فرمانروائی سوریه و متصرفات رم در آسیای صغیر و سرداری سپاه منصوب گردید. کراسوس در بهار سال (۵۴-پ.م) بالژیونهای رومی^۴ روانه بین‌النهرین شد و در ناحیه حران^۵ از سپاهیان پارتی تحت فرماندهی سردار معروف ایران سورن شکست فاحشی خورد، کراسوس کشته شد^۶ و پیروزی نصیب ایرانیان گردید^۷. در سال (۵۱-پ.م). لشکریان پارت به فرماندهی پاکرپسر اردبه سوریه

۱- مورخانی مانند نیلسون دوپواز (N.C. Debevoise) مؤلف تاریخ سیاسی پارت و ملکوم کالج (M.A.R. Colledge) مؤلف تاریخ پارتها the parthians، ارد اول را ارد دوم گفته‌اند.

بعضی سکه‌شناسان مانند دکتر آبکاریانس وسلوود (D. Sellwood) این شهریار پارت را ارد دوم می‌نامند، وارد اول را شاهزاده‌ای که نامش در الواح بابلی سال (۸۰-پ.م) آمده است، میدانند و چند سکه نظیر سکه‌های سنتروک را به او نسبت میدهند. گاردنر (Gardner) و پتروویچ (Petrowicz) وورث (Wroth) و دسرگان (De Morgan) با نظریه مؤلف هم عقیده بوده این ردیف سکه‌ها را از ارد اول دانسته‌اند.

۲- ارد با کمک سردار دلیر و با کفایت پارتی، سورن که در اثر حمله وی به شهر سلوکیه مهرداد سوم از بابل گریخت به شاهی رسید.

۳- (Crassus) (۱۱۵-۵۳ پ.م).

۴- لشکریان کراسوس در حدود چهل و دوهزارتن بود.

۵- بنا بر روایت مورخان رومی شکست رومیها در جنوب شهر کرخه که از نواحی حران می باشد روی داده است.

۶- پرچم‌های زیادی از جنگ بدست سپاهیان ایران افتاد و در حدود ده هزارتن از اسیران به شهر مرو کوچ داده شد.

۷- بمناسبت این پیروزی سورن در شهر معتبر سلوکیه جشن گرفت. اما طولی نکشید که ارد از محبوبیت سردار بزرگ پارت نگران شد و او را به قتل رساند.

حمله برد و آن ناحیه را بتصرف آوردند و پا کر را پس از این موفقیت در سلطنت خود شریک نمود. پا کر در سال (۳۸ پ.م) در جنگی که در ناحیه گیدروس ۲ روی داد کشته شد. درهم^۲

روی سکه: تصویر نیم رخ ونیم تنه ارد باچشمائی درشت و زیباوینی بلند، سیل و ریش پروموهای مجعد که گردن وی را پوشانیده است. تاج ارد بصورت نواری زرین و مخطط در پشت سرگه خورده تا پشت شانه آویزان شده است. گاهی در زمینه سکه هلال ماه یا ماه ستاره نقر است پشت سکه: ارشک کمان بدست برتخت نشسته و دور نقش وی نوشته، القاب ارد در هفت ردیف قرار دارد (ش ۳۷-۳۸).



ش-۳۸

ش-۳۷

نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) بزرگ، ارشک، دادگر، نیکوکار، نامی.

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ.

ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ

گاهی عناوین دیگری مانند، نامی و دوستدار یونان نیز بکار برده شده است. برزیر تخت ارشک، یازیر کمان علامت ضرابخانه نقر است.

Α = هکتانه = همدان

Δ = شوش

Ρ = رگا (ری)

ΝΙ = نیب

۱- در مورد این شاهزاده گفته شده که بتحریک ساتراپ بین النهرین ازونت پات (OrontoPate) که از ارد ناراضی بود برضد پدر قیام کرد. هنگامی که ارد از این واقعه اطلاع حاصل نمود سپاهیان را از سوریه برگرداند و برای جلوگیری از اختلاف پا کر را با خود در پادشاهی شریک نمود.

۲- Gidarus شهرکی در سوریه

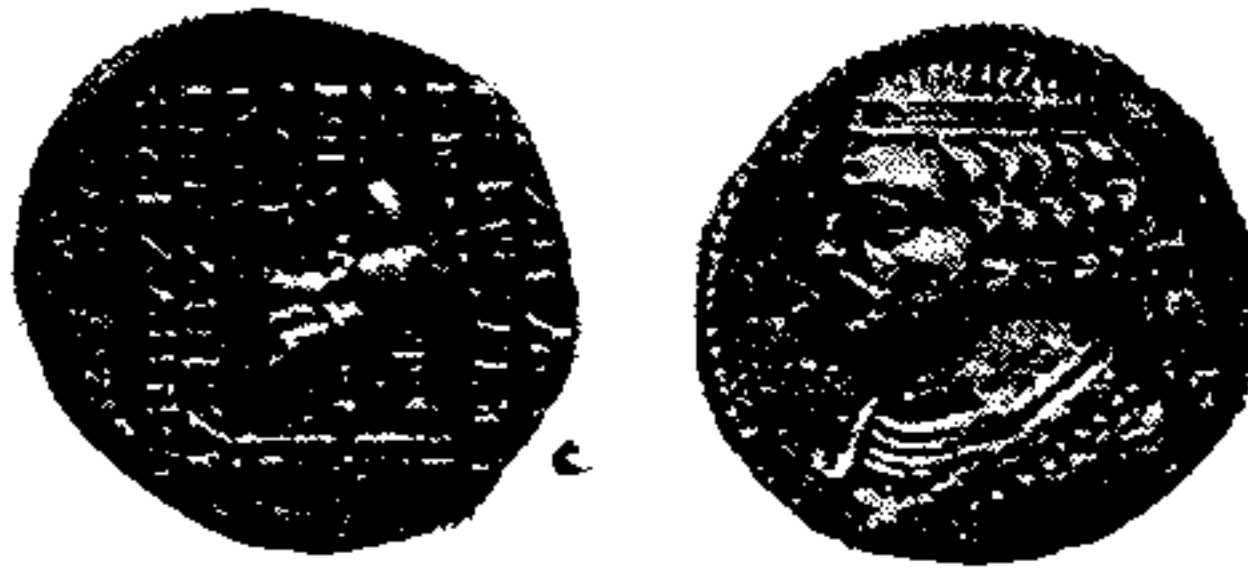
۳- در حدود ۴ گرم

۴- Dekayos = دادگر

در جزو درهم‌های ارد درهمی موجود است که بر پشت تصویر شاهنشاه پارت فرشته‌ای حلقه شهریاری را بر بالای سر وی نگهداشته. شاید این نوع سکه بمناسبت تاجگذاری وی ضرب شده است؛^۱ این سکه علامت ضرابخانه هگمتانه (همدان) را دارد.

چهاردرهمی^۲

روی سکه: تصویر بهمان وضع درهم می‌باشد با تزئینات بیشتر. برگردن ارد دو حلقه گردنبد که بر بعضی از آنها یک شاهین کوچک که به یقین گوهر نشان بوده است، قرار دارد. بر لبه قبا حاشیه بسیار زیبایی زردوزی شده و شانه و سینه از دانه‌های مراورید با گل جواهری ستاره مانند و یا شاهین در حال پرواز تزئین یافته است. (ش ۳۹-۴۰)



ش-۳۹



ش-۴۰

پشت سکه: نقش ارشک کمان بدست قرار دارد و یا تصویر ارد که بر تخت نشسته و الهه ایستاده شاخه نخل را که علامت فراوانی و سرسبزی است به شاهنشاه پارت میدهد. نوشته یونانی القاب وی در هفت ردیف بر دور صحنه نقش قرار دارد. نوعی دیگر از چهاردرهمی با نقش ارد بر تخت نشسته و در مقابل وی الهه‌ای که تاج کنگره‌دار بر سر دارد در حال احترام زانو بر زمین زده و دست را بسوی شاهنشاه پارت دراز کرده بادت دیگر عصای سلطنتی را گرفته است. محتمل است که این نوع چهاردرهمی بمناسبت پیروزی ارد بر رومیها ضرب شده باشد.^۳

۱- Coinage of Parthia از D. Sellwood ص ۱۲۱.

۲- در حدود ۱۰ گرم تا ۱۰/۷۰ گرم است.

۳- نقش این چهاردرهمی در کتاب Coinage of Parthia تألیف D. Sellwood

موجود است.

نوشته بردور نقش: شاه بزرگ ارشک نیکوکار، نامی، دوستدار یونان).

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ
ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

برپشت تعداد کمی از چهاردرهمی ها، ارد مانند ارشک برتخت نشسته، بایکدست عصای قدرت و سلطنت و بادست دیگر مجسمه الهه پیروزی را که تاج بدست دارد و تاج رابه سوی سر ارشک نگهداشته، گرفته است. این ردیف چهار درهمی ضرب ضرباخانه سلوکیه است و بر بعضی از آنها تاریخ سال و ماه ضرب نیز نقر است. بریکی از چهاردرهمی ها ماه (دزیوس) ΔAzios مطابق ماه دوم بهار، اردیبهشت دیده می شود.

سکه دیگری ضرب (۲۷۳) سال سلوکی است که مطابق سال (۳۰۳-۳۰۴) می شود. برچهاردرهمی ها علامت ماههائی که سکه ضرب شده است نقر است. علامت ماهها^۱

ماهها

⊂ ⊂ ΠΕΡΙΤΙΟΥ	= ΠΕ
⊂ ⊂ ΠΑΝΗΜΟΥ	= ΠΑ
⊂ ⊂ ΓΟΡΠΙΑΙΟΥ	= ΓΟΡ
⊂ ⊂ ΥΠΕΡΒΕΡΕΤΑΙΟΥ	= ΥΠ
⊂ ⊂ ΔΑΙΣΙΟΥ	= ΔΑΙ
⊂ ⊂ ΔΥΣΤΡΟΥ	= ΔΥ
⊂ ⊂ ΖΑΝΔΙΚΟΥ	= ΞΑΝ

۱- نام ماه یونانی است.

۲- Peritios - اولین ماه زمستان - دی ماه.

۳- Panemos - سومین ماه بهار - خرداد.

۴- GorPiaios - دومین ماه تابستان - مرداد.

۵- Hy berberetaios - آخرین ماه تابستان - شهریور

۶- Daisios - دومین ماه بهار - اردیبهشت.

۷- Dystros - دومین ماه زمستان - بهمن.

۹- Tambrax

۸- Xandikos - سومین ماه زمستان - اسفند.

علامت ضربخانه

۴ = سکه

۴ = رگا = ری

TAM = تاپنراکس = ساری ()

سکه‌های برنزی

بر روی سکه‌های برنزی ارد تصویر نیم رخ وی نقر است و در پشت سکه نقوش مختلفی مانند: الهه پیروزی ایستاده که حلقه سلطنت را بدست دارد، نیم تنه الهه، فیل، سرفیل، اسب، سراسب، اسب بالدار، گوزن، سرگوزن، شاهین، تیردان، گرز، دژ، و ماه و ستاره نقر است.

پاکر: ۳۹ پ. م

ارد، در اواخر دوران شهریاری، پسر ارشد خود پاکر را که سهم زیادی در پیروزی جنگ با رومیها داشت، در سلطنت شریک خود نمود. ولی طولی نکشید که شاهزاده پارتی در جنگ (گیدروس) چنانکه گذشت، کشته شد.

سکه‌های کمی از پاکر موجود است که متعلق به دوران کوتاه فرمانروائی وی می باشد.

درهم^۲

روی سکه: تصویر بسیار زیبای پاکر جوان بدون ریش و سیل. تاج وی مانند تاج



ش-۴۲



ش-۴۱

- ۱- در اواخر سال (۳۹ پ. م) زمام امور رم در دست آنتوان (Antonius) بود. وی یکی از سرداران رم بنام ونتیدیوس (Ventidius) را مامور جنگ ساخت. پاکر رشادت فراوان و مقاومت در برابر لژیونهای رومی نمود ولی متأسفانه کشته شد.
- ۲- در حدود ۳/۷۰ گرم است.

پدرش، نوار مخطوطی است که بر سر بسته شده و پشت سرگره خورده است، برگوش پاکرگوشواره‌ای حلقه مانند و برگردن وی دو ردیف گردنبند است. پشت سرپاکر الهه پیروزی حلقه شهریاری را بسوی سرپاکر میبرد.

پشت سکه: در وسط ارشک قرار دارد. بر پشت سروی هلال ماه نقر است (ش - ۴۱ - ۴۲).
در اطراف نقش، القاب پاکر بخت یونانی در هفت ردیف است.
نوشته: (شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک، دادگر، نیکوکار، نامی، دوستدار یونان).

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

در زیر کمان ارشک علامت ضرباخانه شهر قرار دارد.
هگمتانه - همدان.

از این شاهزاده تا کنون سکه چهاردرهمی بدست نیامده است.
سکه های برنزی

تعداد کمی سکه برنزی از پاکر موجود است که بر روی سکه تصویر وی و پشت آن نیم تنه انسان یا برج و باروی شهر نقر است.^۱

فرهاد چهارم: ۳۸-۲-پ-م

ارد پس از کشته شدن پاکر پسر بزرگ خود فرهاد را بجانشینی انتخاب نمود.^۲
فرهاد برای اینکه هرچه زودتر تاج و تخت شاهنشاهی پارت نصیبش گردد پدر را کشت^۳ و برادران و بسیاری از بزرگان و شاهزادگان کشور را نابود ساخت.^۴ گرچه فرهاد چهارم در جنگ با

۱- پاکر شاهزاده‌ای قوی الاراده و باتدبیر بود به آباد کردن شهرها توجه خاص مبذول میداشت. چنانکه بساختن برج و باروی تیسفون همت گماشت. توجه وی موجب گردید که پایتخت بزرگ پارتها آبادتر و پر جلوه تر گردد. شاید نقش برج و بارو بر سکه های برنزی وی نمونه ای از باروهای تیسفون باشد؟

۲- پسران اردراسی تن گفته اند. در این مورد رجوع شود به تاریخ ایران تألیف گوتشمید، ترجمه جهانگیری (ص- ۱۴۷).

۳- فرهاد چهارم بازهر درصدد کشتن پدر برآمد ولی چون توفیق حاصل ننمود پدر خود را خفه کرد.

۴- فرهاد چهارم حتی بزرگترین پسر خود را نیز کشت. در اثر ظلم وی عده ای از بزرگان کشور به خارج از ایران زمین گریختند.

رومیا پیروز شد^۱ ولی مبارزات پی در پی مردم ایران زمین را خسته نمود. یکی از شاهزادگان بنام تیرداد شورش برپا کرد و ابتدای اسر توفیق حاصل نمود. اما فرهاد با کمک قبایل سکا های شمالی تیرداد را از کشور راند^۲. قدرت شاهنشاهی پارت، سنای روم و اوکتاو^۳ قیصر روم را برانگیخت که با فرهاد چهارم از در صلح و آشتی در آیند.

فرهاد چهارم نیز پرچمهای رومی را که سورن سپهسالار در جنگ با کراسوس بدست آورده بود، سترد داشت^۴. فرهاد چهارم در سال (۲ پ.م) بدست زن رومی خود ملکه موزا^۵ مسموم شده مرد. از این شاهنشاه سکه های متعددی موجود است و نقش سکه تصویر او را در سنین مختلف نشان میدهد.



ش-۴۱



ش-۴۲



ش-۴۶



ش-۴۵

۱- آنتوان (Marcus Antonius) (۸۳-۳۰ پ.م) قیصر روم با سپاهی فراوان به ماد رو آورد و شهر پراسپا (Praaspa) (ناحیه تخت سلیمان کنونی) که تختگاه ماد بود محاصره کرد ولی در حمله پارت هالشکریان رومی نابود شدند.

۲- تیرداد پسر فرهاد را با خود برداشت و به قیصر روم اوکتاو و پناهنده شد (سال ۲۶ پ.م).

۳- (Octavius) امپراتور روم (۶۳ پ.م تا ۱۴ م).

۴- با استرداد شاهزاده اشکانی پسر فرهاد چهارم که تیرداد او را با خود برده بود، پرچمها و اسرای رومی را به روم برگردانده شد، (سال ۲ پ.م). در اثر این واقعه در روم جشن بزرگی برپا گردید.

۵- موزا را قیصر روم اگوست برای فرهاد چهارم فرستاد (سال ۲ پ.م).

درهم^۱

روی سکه: تصویر نیم تنه نیمرخ فرهاد چهارم، با سیل بلند و ریش انبوه و چهار گوش، بینی کشیده و کمی منحنی، با چشمان درشت و ابروانی کمانی است. موهای مجعد او در چهار ردیف تاروی گردن آمده است. تاج او بصورت نواری است مخطط و پهن که در پشت سر گره خورده و سه نوار از آن آویزان میباشد. برگردن وی گردنبندی از یک یادوردیف سروارید دیده می شود و حاشیه قبا با نقوشی هندسی زردوزی شده و تریین یافته است.

در پشت سر او بر بیشتر درهم هاشاهینی حلقه سلطنت را به منقار گرفته است. بر درهم های نوع دیگر مقابل، پیشانی فرهاد چهارم ستاره یا ماه و ستاره که یکی از مظاهر پارتها میباشد، نقر است. بر تعداد کمی از درهمها بجای، شاهین الهه در حال پرواز، حلقه سلطنت را بسوی سر شاهنشاه پارت می برد. (ش ۴۳-۴۴-۴۵-۴۶).
پشت سکه: ارشک کمان بدست در وسط است و دور او در هفت ردیف نوشته القاب قرار دارد. نوشته: شاهشاهان، ارشک، نیکوکار، دادگر، نامی، دوستدار یونان).

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ
ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

علامت ضربخانه معمولا در زیر کمان است.

A = هگتانه = همدان
f = ری
M = نیا
Σf = درباری

چهاردرهمی^۱

بطور یقین سکه های چهاردرهمی و تعداد زیادی از درهم های فرهاد چهارم بوسیله حکاکان هنرمند تهیه گردیده است.

روی سکه: تصویر نیم تنه نیمرخ شهریار پارت شبیه نقش درهم، با موهای مجعد در چهار ردیف و ریش بلند و تاج نوار مانند است. برگردن وی گردنبندی است که از چند حلقه تشکیل شده و بر بعضی از چهاردرهمی ها در انتهای یکی از حلقه ها شاهین نصب است.^۲

۱- وزن در حدود ۱۴ گرم.

۲- محتمل است که این نوع سکه با نقش شاهین که نشانه پیروزی است، بمناسبت

فتوحات فرهاد چهارم در جنگهای بامارک آنتوان باشد، که غنائم بسیار نصیب سپاهیان پارت گردید.

روی شانه وحاشیه قبا زردوزی شده وجواهر نشان است.

پشت سکه: نقوش متنوعی برپشت چهاردرهمی هانقر است، در بعضی از آنها فرهاد برتخت نشسته^۱ بایکدست عصای سلطنت و در دست دیگر نشانه پیروزی^۲ را که حلقه شهریاری را بوی تفویض میکند گرفته است.^۳

نوع دوم: فرهاد چهارم برتخت نشسته، در یکدست عصای سلطنت و در دست دیگر کمان است

نوع سوم: فرهاد برتخت نشسته است والهای بیک دست مظهر فراوانی را گرفته و با دست دیگر حلقه شهریاری را بشاهنشاه پارت اهداء میکند. (ش-۴۷-۴۸).

نوع چهارم: در صحنه این نقش الهه فراوانی و شاخه خرما که نشانه سرسبزی و نعمت است بفرهاد چهارم میدهد. نوشته القاب در هفت ردیف بر دور نقش قرار دارد.

نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک نیکوکار، دادگر، نامی، دوستدار یونان).^۴



ش-۴۷



ش-۴۸

سال و ماه ضرب بر بیشتر چهاردرهمی های فرهاد چهارم مشاهده می شود.

۱- شبیه زئوس خدای خدایان یونان که برسکه های سلوکیها مشاهده می شود.

۲- نشانه پیروزی بصورت مجسمه فرشته ای بالدار است.

۳- این نوع چهاردرهمی در ضرابخانه سلوکیه ضرب شده است.

۴- نوشته اصلی مانند نوشته بر درهم است.

ماهها

- ۱) ΓΟΡΠΙΑΙΟΥ = ΓΟΡΠ
 ۲) ΥΠΕΡΒΕΡΕΤΑΟΥ = ΥΠΕΡ
 ۳) ΠΕΡΙΤΙΟΥ = ΠΕΡΙΤ
 ۴) ΔΑΙΣΙΟΥ = ΔΑΙΣ
 ۵) ΠΑΝΗΜΟΥ = ΠΑΝ

سالهای ضرب که بر چهار درهمیها نقر است

سالها

۳-پ	۳۸	سال سکوی مطابق سال	۲۷۵ = ΕΘΕ
"	۳۵	" = " "	۲۷۸ = ΗΘΕ
"	۳۴	" = " "	۲۷۹ = ΘΘΕ
"	۳۲	" = " "	۲۸۱ = ΑΠΕ
"	۳۰	" = " "	۲۸۳ = ΓΠΕ
"	۲۸	" = " "	۲۸۵ = ΕΠΕ
"	۲۷	" = " "	۲۸۶ = ΣΠΖ
"	۲۶	" = " "	۲۸۷ = ΖΠΣ
"	۲۵	" = " "	۲۸۸ = ΖΗΣ

سکه های برنزی

برسکه های برنزی فرهاد چهارم، روی سکه، تصویر نیم رخ وی نقر است و بر برخی از آنها شاهین در پشت سر فرهاد قرار دارد. در پشت این ردیف سکه ها نقوش مختلفی مانند: الهه بالدار

۱- Gorpiaois - دومین ماه تابستان - مرداد

۲- Hyberberetaios - آخرین ماه تابستان - شهریور

۳- Peritos - اولین ماه زمستان - دی

۴- Daisios - دومین ماه بهار - اردیبهشت

۵- Panemos - سومین ماه - بهار خرداد

الهه پیروزی ایستاده، نیم تنه یک زن، چهره تمام رخ که از سروی شعله‌هائی ساطع است^۱ نیم تنه اسب، سرگاو میش تمام رخ، گوزن، بزکوهی، حیوان بالدار، شاهین، ماهی، علامت فراوانی، برج و باروی شهر، خوشه گندم، خوشه انگور، هلال ماه و ستاره^۲ نقر است.

تیرداد دوم: ۲۶/۲۷ پ. م.^۲

شاهزاده پارتی تیرداد در حدود سال (۳۱ پ. م) برضد فرهاد چهارم قیام نمود و در سال (۳۰ پ. م) از شاهنشاه پارت شکست خورد^۴ و در سال (۲۷ پ. م) بروی غلبه کرد^۵. ولی طولی نکشید که فرهاد چهارم او را از کشور رانده خود زمام امور شاهنشاهی را بدست گرفت. تعداد کمی سکه چهاردرهمی از تیرداد موجود است که ضمن نوشته القاب کلمه اتوکرات (خودمختار) و دوستدار روم^۶ نیز دیده می‌شود. کلمه اتوکرات بمناسبت موفقیتی است که در دورانی کوتاه نصیب وی گردیده و دوستدار روم از نظر کمکی است که او کتاویوس^۷ به او نموده است

چهاردرهمی^۸

روی سکه: تصویر نیم تنه، نیم رخ تیرداد^۹، باسوهای مجعد در سه ردیف و سبیل و ریش بلند. تاج وی نوار یا حلقه پهن مخططی می‌باشد که از پشت سربصورت سه نوار آویزان است.

پشت سکه: در وسط تیرداد بر تخت نشسته و در مقابل او الهه‌ای که عصای سلطنت را بدست دارد شاخه خرما را به وی اهداء میکند. (ش - ۹۰).
بردور نقش نوشته القاب در هشت ردیف نقر است.

۱- بدون تردید تصویر ایزدمهر است.

۲- بسیاری از این نقوش بر سکه‌های سوزه ایران باستان و سوزه سکه بانک سپه دیده می‌شود.

۳- دوران شهریاری تیرداد را مالکوم کالج Malcolm A.R. Colledge در کتاب پارتها (The Parthians) از سال ۳۱ تا ۲۰ می‌گوید. (ص - ۱۷۹)

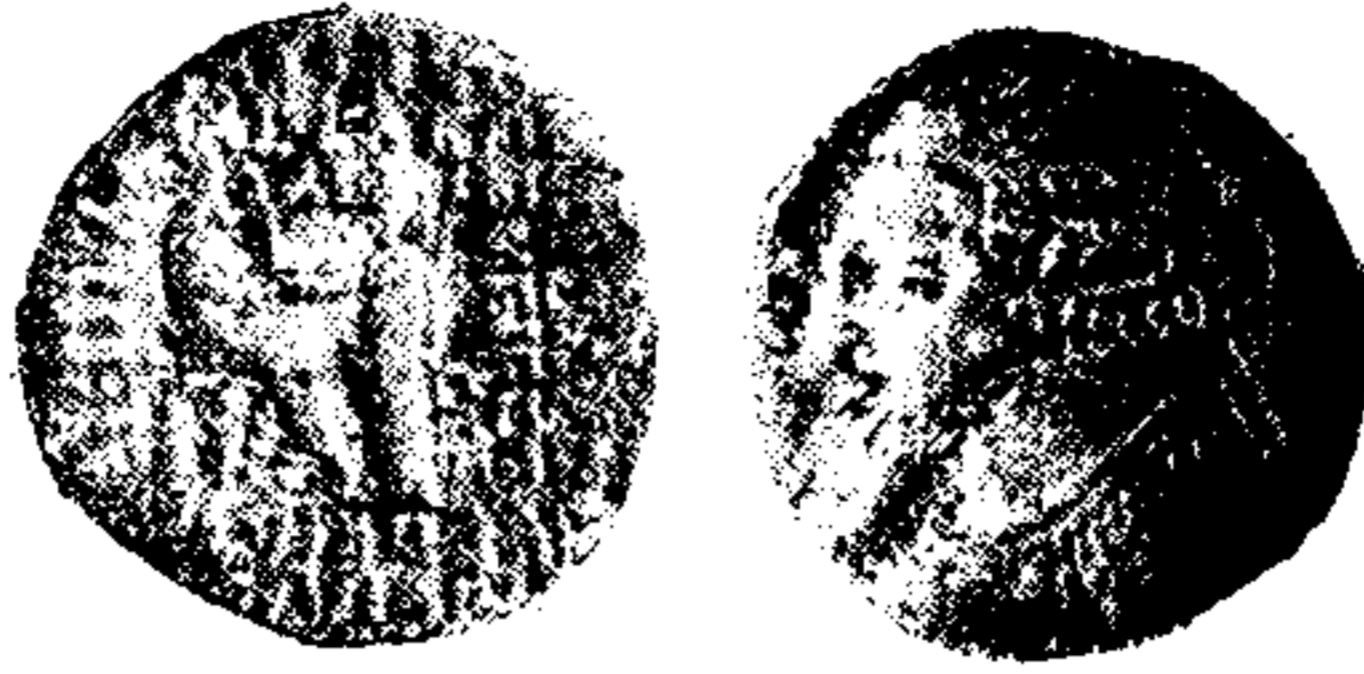
۴- تیرداد پس از شکست به سوریه رفت و کوچکترین پسر فرهاد چهارم را با خود به شام برد و او کتاویوس سردار رومی تیرداد را پناه داد.

۵- در یک کتیبه ناقص که از کاوشهای شوش بدست آمده، نوشته آن متضمن شورش تیرداد در دوران شهریاری فرهاد چهارم است.

۶- فیلورومئوس Philoromaus

۷- Octavius Augustus (۶۳ پ. م تا ۱۴ م) اولین امپراتور روم.

۸- وزن حدود ۱٫۲ گرم است.



ش-۴۹

نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک، نیکوکار، مطلق العنان، دوستدار روم، ناسی،
دوستدار یونان .

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΑΥΤΟΚΡΑΤΟ ΦΙΛΩΡΩ-
ΜΑΙΟ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΦΙΑΕΛΛΗΝΟΣ

سکه های تیرداد دوم در ضرابخانه سلوکیه ضرب شده است.
علامت ماه و سال ضرب بر چهاردرهمی ها نقر است.

ماه ها

سال

(۱) ΞΑΝΔΙΚΟΥ = A

(۲) ΔΑΙΣΙΟΥ = ΔΑΙ

(۳) ΑΡΤΕΜΙΣΙΟΥ = ΑΡ

۳۸۶ = [ΠΣ] سکه مطابق ۲۶ پ-م

فرهاد پنجم: ۳ پدم تا ۴ م

فرهاد پنجم پسر فرهاد چهارم و ملکه موزا می باشد که پس از قتل پدر بسلطنت رسید.

۱- Xandikos - سومین ماه زمستان - اسفند

۲- Daisios - دومین ماه بهار - اردیبهشت

۳- Artemisios - اولین ماه بهار - فروردین

۴- یا (فرهاد ک).

۵- موزا را اگوست قیصر روم برای فرهاد چهارم فرستاد و پس از اینکه موزا پسری

بدنیا آورد فرهاد چهارم باو عنوان شاهبانوی ایران داد.

۶- موزا برای بدست آوردن قدرت و شاهی فرزندش، شوهر خود را کشت.

چنین بنظر میرسد فرهاد اسور سلطنت را با همکاری مادرش انجام میداده است^۱.
 دوران شهریاری این شاهنشاه کوتاه بود و بنا بر شورش که از طرف نجبای پارت بمناسبت مذاکرات و تبادل نظر بین فرهاد و سردار رومی گایوس^۲ در مورد عدم مداخله ایران در اسور ارمنستان صورت گرفت، فرهاد پنجم کشته شد^۳.
 سکه های فرهاد پنجم دو نوع است. یکی باتصویری و دیگری باتصویر ملکه موزا مادرش.

درهم^۴ نوع اول

روی سکه: تصویر نیم تنه نیم رخ فرهاد پنجم^۵ باریش بلند و موهای مجعد که در پنج ردیف تاروی گردن او آمده است. تاج مخطط است و از پشت سر، سه نوار از آن آویزان است. بر پشت سرتصویر فرشته ای حلقه شهریاری را بسوی سرفرهاد می برد. در مقابل پیشانی او هلال ماه و ستاره نقر است. در بعضی از درهم ها در طرفین سر شاهنشاه پارت دو فرشته که هر یک حلقه شهریاری بدست دارند، منقوش است.

پشت سکه: ارشک کمان بدست بر تخت نشسته و بر دور وی القاب فرهاد پنجم یا تصویر سلک موزا قرار دارد.

نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک عادل، نیکو کار، نامی، دوستدار یونان.

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
 ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
 ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

۱- از کارهای مهم دوران اولیه شهریاری فرهاد پنجم عزل شاه ارمنستان آرتا وازد سوم است که منتخب رومیها و مورد نفرت اهالی بود. فرهاد بجای او تیگران (۱۲-۵ پ-م تا ۲-م) را دوباره به سلطنت ارمنستان منصوب نمود.

۲- (Gaius) نوه قیصر روم آگوست است.

۳- بنا بر گفته گوتشمید. تاریخ ایران ترجمه جهاننداری «او در اثر طغیاتی رانده شد و ناگزیر گردید به خاک روم وارد شود و کمی پس از این واقعه سرد» (ص ۱۷۸-۱۷۹).

۴- وزن: در حدود ۳/۸۵ گرم.

۵- در مورد برآزندگی فرهاد پنجم یکی از قضات روم (ولبوس پاترلوکوس) V. Paterlucus که در بین سپاهیان گایوس بوده شرحی نوشته و او را جوانی بسیار ممتاز وصف مینماید. تاریخ سیاسی پارت، نیلسون دوبواز، ترجمه علی اصغر حکمت (ص ۱۲۶).

علامت ضرابخانه در زیر تخت یازیر کمان نقر است.

نیسا:

هگمتانه: همدان

درهم: نوع دوم

روی سکه: نقش سکه مانند نوع اول است و در طرفین سر فرهاد پنجم دوفرشته حلقه شهریاری را بدست دارند.

پشت سکه: تصویر نیم تنه، نیم رخ بسیار زیبای ملکه موزا قرار دارد. موهای ملکه در پشت سر روبه بالا جمع شده و از زیر زلف گوشواره‌های آویزان است. تاج مجلل موزا که نمونه‌ای از هنر جواهر سازی این دوران است از سه طبقه تشکیل شده و از انواع گوهر و مروارید تزئین یافته است. برگردن وی گردنبندی از مروارید دیده می‌شود. و برگرد تصویر نوشته نام والقباب ملکه قرار دارند: تئا، اورانیا موزا، ملکه. (ش. - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲)

ΘΕΑΣ ΟΥΡΑΝΙΑΣ ΜΟΥΣΗΣ ΒΑΣΙΛΙΣΗΣ



ش-۵۲



ش-۵۱



ش-۵۰



تعدادی از درهم‌ها علامت ضرابخانه دارند:

۴ = رگا (ری)

⌘ = هگمتانه (همدان)

⌘ = نوش

چهاردرهمی^۲ نوع اول

روی سکه: تصویر نیم تنه نیم رخ فرهاد چهارم باریش بلند و موهای انبوه، درسه ردیف بگوش وی گوشواره حلقه‌ای است و تاج از لبه‌ای مخطط تشکیل یافته که بالای آن کنگره‌هایی

۱- نام و لقب ملکه موزا: تئاموزا اورانیا می‌باشد. ۲- وزن در حدود ۱۴/۵ گرم.

بصورت نیم دایره قرار گرفته است. در طرفین تاج دوفرشته حلقه شهریاری را بدست دارند و بطرف سرفرهاد می برند. (ش-۵۳)
پشت سکه: شاهنشاه پارت مانند نقش ارشک، بر تخت نشسته و کمان بدست دارد. در اطراف نقش نوشته القاب وی نقر است.
نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک، نیکوکار، عادل، نامی، دوستدار یونان.



ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΛΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ش-۵۳

علامت ضربخانه سلوکیه و نوشته سال و ماه بر بیشتر این نوع چهاردرهمی نقر است.

ماه ها

- (۱) ΟΛΩΟΥ
- (۲) ΑΡΤΕΜΙΣΙΟΥ
- (۳) ΠΑΝΗΜΟΥ
- (۴) ΓΟΡΠΙΑΙΟΥ
- (۵) ΥΠΕΡΒΕΒΡΕΤΑΙΟΥ
- (۶) ΑΥΔΝΑΙΟΥ
- (۷) ΔΙΟΥ
- (۸) ΔΥΣΤΡΟΥ

سال ضرب

AIT = ۳۱۱ سکه مطابقت ۳۰۰

چهاردرهمی: نوع دوم

روی سکه: تصویر، مشابه چهاردرهمی های نوع اول است ولی بردور تصویر نوشته بخط یونانی شاه شاهان، (شاهنشاه) نقر است.

- ۱- Oluos - اولین ماه تابستان - تیر
- ۲- Artemisios - اولین ماه بهار - فروردین
- ۳- Panemos - سومین ماه بهار - خرداد
- ۴- Gorpiaios - دومین ماه تابستان - مرداد
- ۵- Hyberberetaios - آخرین ماه تابستان - شهریور
- ۶- Aidinios - سومین ماه پاییز - آذر
- ۷- Daios - اولین ماه پائیز - مهر
- ۸- Dystros - دومین ماه زمستان - بهمن

پشت سکه: در پشت سکه‌های چهاردرهمی نقوش متنوع می‌باشند. در بعضی از آنها فرهاد پنجم بر تخت نشسته و الهه‌ی فراوانی حلقه شهریاری را بوی تفویض میکند. و علامت ضرابخانه^۱ و سال و ماه ضرب و نوشته القاب بردور نقش، نقر است. برپشت چهاردرهمی‌های دیگر تصویر زیبای ملکه موزاست که تاج مجلل سه‌طبقه گوهر نشان بسر دارد.

برگرد تصویر نوشته نام والقباب ملکه پارتی نقر است^۲ (ش-۰۴). برچند چهاردرهمی فرشته‌ای حلقه شهریاری را بسوی تاج ملکه موزا سی‌برد^۳ این نوع چهاردرهمی ضرب ضرابخانه سلوکیه است. سال ضرب در روی سکه پشت تصویر فرهاد پنجم قرار دارد و نوشته ماه برپشت سرملکه موزا نقر است^۴.
سال

۳۱۴ = AIT سلوکیه مطابق با سال ۱۰۰ میلادی



ش-۰۴



ماه^۰

ΥΠΕΒΕΒΕΡΕΤΑΙΟΥ = ΥΠΕ

سکه‌های برنزی

روی سکه‌های برنزی، تصویر فرهاد پنجم نقر است و برپشت آنها نقوش مختلفی مانند الهه ایستاده، شاه سوار بر اسب، و تصویر نیم تنه ملکه موزاست.

۱- این نوع چهاردرهمی ضرب سلوکیه است.

۲- نوشته مانند نوشته بردرهم می‌باشد والقباب ملکه موزا یکسان است.

۳- نقش فرشته که حلقه شهریاری را بسوی سر ملکه میبرد نشانه مشارکت وی در سلطنت است.

۴- برای این سکه ر. ک Coinage of Parthia تالیف D.Sellwood (ص-۱۷۶)

۵- Hyberberetaios- آخرین ماه قابستان-شهریور

ارد دوم: ۶۰ م

پس از درگذشت فرهاد پنجم سران و نجبای پارتی، ارد که از شاهزادگان پارت بود، بشاهی برگزیدند^۱. دوران شهریاری او دوام پیدا نکرد، زیرا پارتها بر اثر رفتار ظالمانه او بشورش برخاستند و سرانجام در هنگام شکار بقتل رسید.
از ارد دوم تعداد کمی چهاردرهمی موجود است که همه آنها ضرب سال ۳۱۷ سلوکی که مطابق سال ۶ میلادی است.

چهاردهمی^۲

روی سکه: تصویر نیم رخ ارد دوم باریش و سبیل بلند و سوهای مجعد در سه ردیف و چشمهای تیز، تاج وی مانند تاج فرهاد پنجم حلقه یانوار مخططی است که بر روی آن دندانهای هلالی شکل قرار دارد بر پشت تاج نواری گره خورده برشانه وی آویزان است.
پشت سکه: ارد بر تخت نشسته عصای سلطنت بر یکدست و بادست دیگر کمان را گرفته است بر دور تصویر نوشته القاب در هفت ردیف نقر است. (ش-۵۵).



ش-۵۵

نوشته: (شاه شاهان) (شاهنشاه)، ارشک نیکوکار، عادل، نامی، دوستدار یونان

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

بر پشت نقش سال ضرب سکه Zit - ۳۱۷ سال سلوکی که مطابق سال ۵ میلادی است، قرار دارد.

ونن اول ۸-۱۱/۱۲ م

ونن پسر بزرگ فرهاد چهارم پس از ارد بسطنت رسید. ونن از زمان شهریاری پدرش در روم اقامت داشت و به آداب و سبک زندگی رومیها خو گرفته بود لذا رفتار وی موجب عدم

۱- بعضی از مورخان این شاهزاده پارتی را ارد سوم می نامند. تاریخ سیاسی پارت

بیسون دیواز، ترجمه حکمت (ص-۱۲۸) در کتاب (Coinage of Parthia) تالیف D·Sellwood

نیز ارد سوم گفته شده است (ص-۱۷۹-۱۸۰)

۲- وزن ۱۴/۵۰ گرم

رضایت مردم پارت گردید^۱ و نجبای پارتی شاهزاده اردوان را که از خاندان پارت و پادشاه قسمتی از ماد و آذربایجان (آتروپاتن) بود، به شاهنشاهی برگزیدند.

در جنگی که بین ونن و اردوان در گرفت پیروزی نصیب ونن گردید ولی طولی نکشید که اردوان مجدداً حمله خود را آغاز کرد. در این نبرد ونن شکست خورد و به ارمنستان فرار کرد^۲.
چهاردرهمی^۳

روی سکه: تصویر نیم تنه نیم رخ ونن با سبیل و ریش بلند، تاج وی شبیه تاج فرهاد پنجم وارد دوم است، برگرد تصویر نوشته نام وی قرار دارد. (شاه شاهان (شاهنشاه) ونن).

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΟΝΩΝΗΣ

پشت سکه: فرشته‌ای ایستاده بیکدست شاخه خرما و بردست یگر حلقه شهریاری را که دو نوار از آن آویزان میباشد گرفته است.

در اطراف فرشته نوشته نام و القاب ونن در هفت ردیف نقر است^۴

نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک، نیکوکار، عادل، نامی، دوستدار یونان.

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ- ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

سکه‌های ونن ضرب ضرباخانه سلوکیه است و بعضی از آنها دارای تاریخ سال و ماه

ضرب می‌باشند: سال‌ها:

سال‌ها

ΒΚ = سال ۳۲۰ سلوکیه = ۸ میلادی

ΒΚΤ = ۳۲۲ = ۱۰

ΚΤ = ۳۲۳ = ۱۱

۱- بی‌علاقگی ونن به سواری و تیراندازی که از سنن دیرین پارتها بود بیشتر مورد عدم رضایت عامه مردم گردید.

۲- شاه ارمنستان تیگران چهارم که از طرف رومیها در ارمنستان فرمانروائی داشت از سلطنت خلع شده بود لذا ونن تاج و تخت ارمنستان را تصاحب نمود. ولی در سال (۱۰ میلادی) بواسطه عدم رضایت اردوان ناچار از پادشاهی ارمنستان کناره گرفت. ونن در سال (۱۷ م) در حدود کیلیکیه بدست حاکم رومی محل بقتل رسید.

۳- وزن در حدود: ۱۳/۵ تا ۱۴ گرم است.

۴- نقش این سکه در کتاب D·Sellwood است (ص ۱۸۲)

ماهها

() ΓΟΡΠΙΑΙΟΥ

() ΥΠΕΡΒΕ

() ΑΠΕΛΛΑ

درهم^۴

روی سکه: تصویر نیمرخ و نن باریش بلند و سیلی که بطرف بالا متمایل است و تاج وی مانند تاجی است که بر چهار درهمی هاست و برگوش و نن گوشواره حلقه‌ای مشاهده می‌شود.

برگرد تصویر نوشته نام وی نقر است: (شاه و نن): (ش-۵۷)

پشت سکه: فرشته‌ای شاخه خرما و حلقه شهریاری را بدست دارد. برگرد فرشته در

چهار طرف نام القاب و نن منقوش است: (شاه و نن گشنده اردوان)^۵



ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΟΝΩΝΗΣ ΝΕΙΚΗΣΑΣ
ΑΡΤΑΒΑΝΟΝ

ش-۵۶

سکه‌های برنزی

برروی سکه‌های برنزی تصویر نیم‌تته نیمرخ و نن در وسط قرار دارد و بر تعدادی از آنها نام وی بیونانی (شاه و نن) برگرد تصویر نقر است.

پشت سکه‌ها: علامت پیروزی بصورت الهه ایستاده و علامت ضرابخانه ری و هگمتانه

نقر است. بر بعضی از سکه‌های برنزی نوشته نام و نن یا نوشته مفصل‌تر با عنوان گشنده اردوان منقوش است.

۱- GorPaios - دومین ماه تابستان - مرداد

۲- Hyberbertaios - آخرین ماه تابستان - شهریور

۳- Apelaos - دومین ماه پائیز - مهر

۴- وزن در حدود ۳/۹ گرم

۵- در این نوشته و نن خود را گشنده اردوان معرفی میکند چنانکه میل باطنی اوست.

اما برخلاف خواسته وی اردوان کشته نشد، و توفیق یافت و از پیروزی و نن فقط نقش فرشته بالدار مظهر پیروزی برجای ماند.

اردوان سوم ۱۱-۳۸/۴۰ م^۱

پیش از اینکه اردوان شاهنشاه پارت گردد پادشاه قسمتی از ماد اتروپاتن^۲ بود. اردوان در سال (۹-م) در جنگی که باونن نمود شکست خورد ولی طولی نکشید که حمله خود را دوباره آغاز کرد. در این نوبت ونن شکست خورد^۳ و اردوان به تیسفون در آمد و در این پایتخت تاجگذاری نمود.^۴ اردوان هنوز از تحکیم بخشیدن بوضع خود رهائی نیافته بود که از جهات متعدد از قبیل مسئله ارمنستان^۵ و مداخلات رومیها در آن سامان و سرکشی طوایف بتحریک آنان موجبات مزاحمت او را فراهم کرد.

اردوان بر اثر بی نظمی و هرج و مرجی که در کشور روی داده بود بسوی نواحی شرقی روانه شد^۶. بتحریک رومیها شاهزاده تیرداد^۷ در تیسفون بشاهی نشست اما طولی نکشید که دوباره اردوان تاج و تخت را بدست آورد.

وضع سیاسی و اختلال در امور اقتصادی و ضرباخانه‌ها را بنا بر تحقیق برسکه‌ها و سال ضرب آنان میتوان دریافت

برسکه‌های چهار درهمی اردوان سوم نقش تصویر دونوع است، یکی تمام رخ و نوع دوم نیم رخ می‌باشد.

۱- مادر اردوان سوم شاهزاده پارتی است. لذا اردوان از سوی مادر به خاندان پارتیان انتساب پیدا می‌کند.

۲- آذربایجان

۳- در مورد برخورد ونن با اردوان قبلا گفته شد لذا از تکرار آن صرف نظر می‌شود.

۴- در سال (۱۲ م) اردوان پیروزمندانه وارد تیسفون شد تاجگذاری کرد و شاهنشاه ایران زمین گردید. تاریخ سلطنت رسیدن اردوان را پیکولوسکایا N·Pigulevskaia سال ۱۰ میلادی میداند. رک: *Les villes del'Etat iranien* دوره پارت و ساسانی (ص-۶۱).

۵- اردوان پسر خود ارد را در سال (۱۴ م) بشاهی ارمنستان منصوب کرد و او را روانه آن سرزمین نمود. ولی قیصر روم تیبیریوس (Tiberius) (۴۱ پ.م تا ۳۷ م) از در مخالفت در آمد و پسر شاه پونت بنام زنون (Zenon) را شاه ارمنستان نمود. پس از مرگ وی اردوان ارشک پسر بزرگ خود را به آن سمت منصوب نمود. ولی رومیها با همکاری چندتن از بزرگان ارمنستان شاهزاده دیگری از پارتها را بنام تیرداد که نوه فرهاد چهارم بود سلطنت انتخاب نمودند.

۶- اردوان در ناحیه گرگان زندگی میکرد.

۷- تیرداد یکی از نوه‌های فرهاد چهارم بود.

درهم^۱

روی سکه: تصویر نیم تنه نیم رخ اردوان سوم با سوهای بلند که تاروی شانه او آمده است. ریش شهریار پارت بلند و مثلث شکل می باشد. تاج او بصورت نواری است مخطط که در پشت سرگرفته و تاپشت شانه آویزان شده است.

پشت سکه: ارشک بر تخت نشسته و اطراف نقش نوشته القاب اردوان، در هفت ردیف نقر است (ش ۵۷). نوشته بدین قرار است: (شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک، نیکوکار، عادل، نامی، دوستدار یونان.

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑ-
ΚΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΘΕΟΥ
ΕΥΠΑΤΟΡΟΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ



ش-۵۷

در زمینه سکه، در پائین نقش علامت ضربخانه نقر است.

ضربخانه:

هگمتانه = همدان، ری، نسیا

چهاردرهمی^۲

نوع اول

روی سکه: تصویر نیم تنه نیم رخ اردوان سوم با چشمانی تیز و قیافه ای خشن و ریش بلند و سوهائی که تاروی شانه آمده است. تاج وی نواری مخطط است که بالای تاج، از کنگره هائی بصورت نیم دایره تشکیل یافته و نواری گره خورده از پشت سر آویزان است.

برچند چهاردرهمی در مقابل چهره شاهنشاه پارت سال ضرب (۳۳۱ سلوکی) که

مطابق سال ۱۹ میلادی میباشد نقر است.

۱- وزن در حدود ۳/۸۰ تا ۳/۹۰ گرم.

۲- وزن در حدود ۱۴/۵۰ گرم

پشت سکه: اردوان بر تخت نشسته و فرشته‌ای که مقابل او ایستاده شاخه خرما مظهر فراوانی را به وی اهدا میکند.

برگرد تصویر در هفت ردیف القاب اردوان نقر است (ش-۵۸)



ش-۵۸

نوشته بهمان ترتیب درهم هاست.

بر بیشتر چهاردرهمی‌ها سال ضرب یا سال و ماه ضرب در زمینه پشت سکه قرار دارد.

سالها

۳۲۲ = BKT	سال سلوک مطابق با سال ۱۱ میلادی
۳۲۳ = IKT	" ۱۲ " =
۳۳۱ = AKT	" ۱۹ " =
۳۳۴ = ΔKT	" ۲۲ " =

ماه‌ها

ΟΛΩΟΥ	= OΛΩ
ΔΥΞΤΡΟΥ	= ΔΥΞΤΡΟ
ΑΡΤΕΜΙΣΙΟΥ	= ART

نوع دوم

۱- الهه شهر است که شاخه خرما را به شاهنشاه پارت اهدا میکند.

۲- Olvos - اولین ماه تابستان - تیر

۳- Dystros - دومین ماه زمستان - بهمن

۴- Artemisios - اولین ماه بهار - فروردین

نوع دوم

نقش روی سکه مانند نوع اول است. ولی در پشت سکه اردوان برتخت نشسته^۱ و شاخه خرما را از الهه شهر که به او اهداء میکند می گیرد. بین شاهنشاه پارت و الهه مردی زانو بزمین زده و با احترام حلقه شهریاری را به اردوان تقدیم میدارد. نوشته القاب فقط از چهار کلمه تشکیل شده است: شاه شاهان، ارشک نیکوکار،

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΑΡ-
ΣΑΚΟΥ

این چهار درهمی ها ضرب ضرابخانه سلوکیه است و تاریخ ضرب سال ۳۳۱ سلوکی که مطابق سال ۱۹ میلادی و سال ۳۳۴ سلوکی سال ۲۲ میلادی است.

نوع سوم

روی سکه: تصویر نیم تنه تمام رخ اردوان سوم با موهای زیاد که روی گوش ها و گردن را فرا گرفته، تاروی شانه های وی آمده است. از نقش تصویر چنین بنظر میرسد که اردوان از زیبایی چهره بهره نداشته است^۲ پشت سکه: اردوان سوار بر اسب است و در مقابل وی الهه شهر که تاج دنداندار بسر دارد شاخه خرمایی به او اهداء میکند. (ش ۵۹)



ش-۵۹

در زیر پاهای اسب علامت ضرابخانه سلوکیه نقر است. برگرد نقوش در چهار ردیف نوشته القاب اردوان، مانند نوع دوم قرار دارد. در زمینه سکه نوشته ماه و سال ضرب نقر است

سال ها: ۳۳۸ سلوکی = ۲۶ میلادی

- ۱- لباس اردوان نیم تنه ای با آستین بلند است که کمربندی روی آن بسته است و شلوار وی بطرز شلوار بزرگان پارت پرچین است
- ۲- بادر دست داشتن تصاویر نیم رخ و تمام رخ اردوان شکل واقعی او را میتوان بدرستی شناخت.

ماه‌ها

- () ARTEMISIOY
- () ΔΑΙΣΙΟΥ
- () ΠΑΝΗΜΟΥ
- () ΓΟΡΠΙΑΙΟΥ

سکه‌های برنزی

برروی سکه‌های برنزی تصویر اردوان نقر است. بر پشت سکه‌ها نقوش مختلفی قرار دارد. آناهیتا بصورت آرتیمیس یونانی که کمان بدست دارد، الهه بالدار، الهه باشاخه خرما، تصویر نیم رخ آناهیتا یا الهه شهر، ماه وستاره، شاهین، ظرف پایه‌دار و دسته‌دار، نیم تنه تمام رخ زنی که شاید ملکه باشد.

بعضی از سکه‌های برنزی دارای علامت ضرابخانه می‌باشند. ضرابخانه ری ونیسا

وردان اول: ۴۰-۴۵ م

پس از درگذشت اردوان سوم وردان بسلطنت رسید. درباره این شاهزاده و مدعی دیگر سلطنت گودرز، که آیا پسران اردوان سوم می‌باشند و برادر یکدیگرند اختلاف نظر وجود دارد. تاسیت^۶ و ژوزف^۷ این دو را پسران اردوان گفته‌اند. ولی بنا بر گفته گوتشمید گودرز پسر خوانده او بوده است^۸ و وردان پسر اردوان سوم می‌باشد. وردان بشورش سلوکیه که از اواخر دوران اردوان آغاز شده بود، در سال (۴۲ م)

۱- Artemisios = اولیه ماه بهار = فروردین

۲- Daisios = دومین ماه بهار = اردیبهشت

۳- Panemos = سومین ماه بهار = خرداد

۴- Gor Piaios = دومین ماه تابستان = مرداد

۵- در مورد نقوش این سکه‌های برنزی از مجموعه موزه بانک سپه و کتاب تالیف

D·Sellwood ص ۱۹۴ تا ۱۹۶ استفاده شد.

۶- Tacite مورخ لاتینی (حدود ۵۵-۱۲۰ م)

۷- Josephus Flavius (۳۷-۹۵ م) مورخ یهودی مؤلف کتاب Antiquités Judaique

۸- گوتشمید برشواهدی که ذکر میکند، او را پسر خوانده اردوان میدانند (ص ۱۸۶)

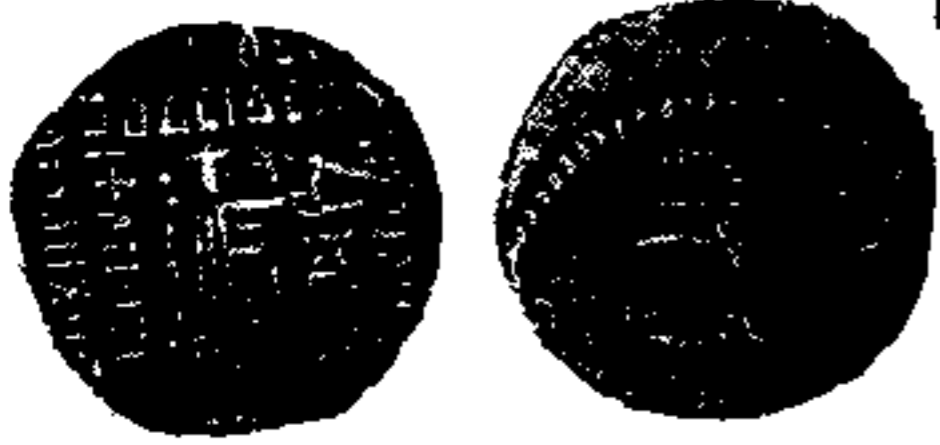
خاتمه داد^۱. و موفقیت‌های دیگری نیز نصیب وردان گردید^۲، تا در سال (۵۴۰ م) با تحریک گودرز در توطئه‌ای بقتل رسید^۳.

از وردان سکه‌های مختلفی، از درهم، چهاردرهمی، و سکه‌های برنزی موجود است
درهم^۴

روی سکه: تصویر نیم تنه، نیم رخ، وردان با چشم‌های درشت نافذ، بینی کشیده، سیل بلند، ریش مثلی شکل، و موهائی با سه شکن که روی گوش و گردن او را فرا گرفته است. تاج وی نواری مخطط است که در پشت سرگه خورده و سه نوار باریک از آن آویزان است
پشت سکه: بنابر معمول، ارشک کمان بدست بر تخت نشسته است، در زیر کمان بعضی از درهم‌ها علامت ضرابخانه‌های، اکباتان (هگمتانه (همدان)، نسا و شوش نقر است. (ش-۶۱).

بر دور نقش ارشک، نوشته القاب وردان بخط یونانی در هفت ردیف قرار دارد.
نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک، نیکوکار، عادل، ناسی، دوستدار یونان

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ



ش-۶۱

چهاردرهمی^۵

روی سکه: تصویر نیم تنه نیم رخ وردان با ریش سه گوش پروسبیل بلند و موهای مجعد، با چهارتاب، برگردن وردان سه ردیف گرد بند است. لبه‌ها از نقوشی هلالی زردوزی شده است و حاشیه

۱- شورش این شهر مهم مدت هفت سال بطول انجامید، سپس وردان در صدد تسخیر ارمنستان برآمد، اما توفیق حاصل ننمود.

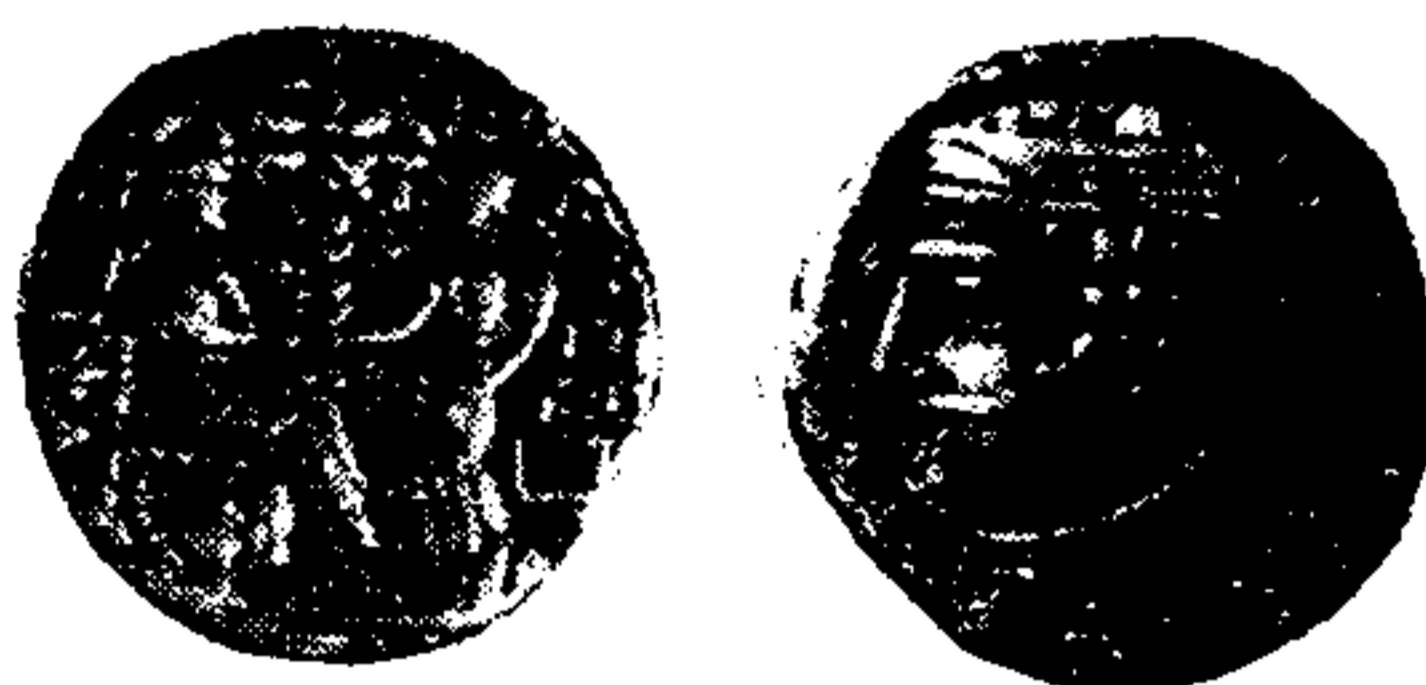
۲- وردان در لشکرکشی به شرق و شکست گودرز بواسطه پیروزی‌هایی که نصیب وی گردید ستون یادگاری در سرحد هرات و قبایل دهه برپا ساخت (بطور دقیق محل آنرا نمی‌شود تعیین نمود).

۳- هنگام شکار بنابر توطئه‌ای به ضرب خنجر کشته شد.

۴- وزن در حدود ۳/۷ گرم

۵- در حدود ۱۴ گرم.

آن سروراید نشان می باشد. (ش-۶۲)



ش-۶۲

پشت مسکه: شاه بر تخت نشسته و در مقابل او الهه ای که مظهر فراوانی را بدست راست گرفته است شاخه خرما را با دست چپ به وردان میدهد. بر دور نقش، نوشته یونانی القاب وی قرار دارد که مانند نوشته بر روی درهم است^۱ بیشتر چهاردرهمی ها در ضربخانه سلوکیه ضرب شده است. سال ضرب مسکه در قسمت پائین نقش و ماه در بالای شاخه خرما نقر است.

سالها

ماه ها

سالها	سال سلوکی مطابق با سال میلادی	سال سلوکی	ماه ها
۳۵۳ = ΓΝΤ	۴۱	سال سلوکی مطابق با سال میلادی	(۲) ΠΑΝΗΜΟΥ
۳۵۴ = ΔΝΤ	۴۲	"	(۳) ΠΕΡΙΤΙΟΥ
۳۵۳ = ΓΝΤ	۴۳	"	(۴) ΞΑΝΔΙΚΟΥ
۳۵۴ = ΔΝΤ	۴۲	"	(۵) ΓΟΡΠΙΑΙΟΥ
۳۵۵ = ΕΝΤ	۴۳	"	(۶) ΔΑΙΣΙΟΥ
۳۵۶ = ΣΝΤ	۴۴	"	(۷) ΔΑΙΟΥ
۳۵۷ = ΕΝΤ	۴۵	"	(۸) ΑΡΤΕΜΙΣΙΟΥ

۱- به صفحه قبل مراجعه شود

۲- Panemes - سومین ماه بهار - خرداد

۳- Peritos - اولین ماه زمستان - دی

۴- Zandikos - سومین ماه زمستان - اسفند

۵- Gorpaios - دومین ماه تابستان - مرداد

۶- Daisios - دومین ماه بهار - اردیبهشت

۷- Daios - اولین ماه پائیز - مهر

۸- Artemisios - اولین ماه بهار - فروردین

سکه های برنزی

برسکه های برنزی تصویر وردان بریکطرف سکه نقر است. و بر پشت آن ها نقوش مختلفی است مانند: فرشته ایستاده که حلقه تاج بدست دارد، الهه نشسته که شاخه خرما بدست گرفته است، شاهین و یا مرد ایستاده که مظهر فراوانی بدست دارد. بر بعضی از سکه ها سالهای ۴۳۵ سال سلوکی مطابق ۴۲ میلادی و ۳۵۵ سلوکی ۴۳ میلادی نقر است.

گودرز: ۴۱-۵۱ م

گودرز پس از کشته شدن برادرش وردان، بلامتازع بسلطنت نشست. در اثر رفتار خشونت آمیز و بی رویه او بزرگان کشور ناراضی شدند و مهرداد پسر و نونوه فرهاد چهارم را که در رم اقامت داشت برای شاهی انتخاب نمودند. مهرداد در سال ۹۴ میلادی بسوی ایران حرکت کرد ولی در شکستی که از سپاهیان گودرز خورد اسیر گردید. گودرز دوران سلطنتش کوتاه بود و در سال ۱۰۵ میلادی درگذشت.

۴

درهم^۲

روی سکه: تصویر نیم رخ، نیم تنه، گودرز باریش بلند و موهای صاف که روی گوش و قسمتی از گردن را پوشانیده است. تاج گودرز نوار مخططی است که پشت سرگه خورده و سه رشته از آن آویزان است. (ش-۶۳)

پشت سکه: بنا بر معمول، ارشک کمان بدست بر تخت نشسته است. بر دور نقش درهفت ردیف نوشته نام و القاب او قرار دارد.

نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک به نام گودرز پسر اردوان

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΥΙΟΣ
ΚΕΚΑΛΟΥΜΕΝΟΣ ΑΡΤΑΒΑΝΟΥ
ΓΩΤΕΡΖΗΣ

- ۱- امپراطور روم کلودیوس Claudius با این انتصاب روی موافق نشان داد و دستور داد که فرمانروای رومی سوریه، شاهزاده پارتی را تا ساحل فرات در ناحیه Zeugma، بدرقه نماید. کارن سردار پارتی نیز سلطنت مهرداد را تأیید کرد و به کمک وی شتافت. در جنگی که میان سپاهیان مهرداد و گودرز در گرفت کارن کشته شد و مهرداد مغلوب و اسیر گردید.
- ۲- گودرز دستور داد که گوشه های مهرداد را ببرند. زیرا بنا بر سنت ایرانیان، شاه نباید نقص جسمی داشته باشد. در این صورت خطری گودرز را از جانب مهرداد تهدید نمی نمود.

۳- وزن در حدود ۳/۹ گرم

چهار درهمی

روی سکه: نیم تنه نیم رخ گودرز مانند تصویر منقوش بر درهم است. بر چهار درهمی ها سوه مجعد تاب دار است و تاج از حلقه ای مخطط با دندانه های مدور تودر تو تشکیل شده است. پشت تاج گره مثلث شکلی است که از آن دو رشته نوار آویزان است. حاشیه لباس زر دوزی شده و بر وارید نشان میباشد.

پشت سکه: گودرز بر تخت نشسته و حلقه شهریاری را از الهه شهر که در مقابل او ایستاده است، میگیرد. از حلقه دو نوار آویزان است.

بر دور نقش در هفت قسمت القاب گودرز منقور است. (ش-۶۴)

نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک، نیکو کار، عادل، ناسی، دوستدار یونان.



ش-۶۴



ش-۶۳



در زمینه سکه بالای نقش تاریخ ماه و سال ضرب سکه نقر است.

سالها

ماهها

۳۵۵ = ENT سال سلوک که مطابق سال ۴۳ میلادی
 " " " ۳۵۶ = ENT " " ۴۴
 " " " ۳۵۷ = ENT " " ۴۵

(۱) ΠΕΡΙΤΙΟΥ
 (۲) ΠΑΝΗΜΟΥ
 (۳) ΓΟΡΠΙΑΙΟΥ

این چهار درهمی ها در ضرابخانه سلوکیه ضرب شده است.
 در نوع دیگری از چهار درهمی های گودرز سال ضرب ۳۵۸ سلوکی = ۴۶ میلادی و سال ۳۵۹ سلوکی = ۴۷ میلادی و ۳۶۰ سلوکی = ۴۸ میلادی و ۳۶۱ سلوکی = ۴۹ میلادی و ۳۶۲ سلوکی = ۵۰ میلادی است.

۱- Paeritios - ماه اول زمستان - دی ماه

۲- Panemos - سومین ماه بها - خرداد ماه

۳- GorPaios - اولین ماه تابستان - تیر ماه

نوشته برگرد نقش ضمن القاب گودرز نام وی نیز آمده است .
نوشته: شاهشاهان (شاهنشاه) دوستدار یونان، نامی، عادل، نیکوکار، گودرز

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΦΙΛΕΛΛΗ ΕΠΙ-
ΦΑΝΟ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤ ΓΩ-
ΤΑΡΖΟΥ

سکه های برنزی

برسکه های برنزی گودرز، در یکطرف تصویر نیم رخ وی و بر پشت سکه نقوش مختلفی نقر است: فرشته ایستاده که شاخه خرما بدست دارد، نقش نیم تنه نیم رخ آناهیتا، ستاره و هلال ماه، نیم تنه مرد با ریش بلند، آناهیتا ایستاده و الهه ای که سپردست دارد، الهه پیروزی، صورت مهر که اشعه هائی از سر وی ساطع است، سراسب، اسب، شاهین، ماهی، انار، ظرف دسته دار.

مهر داد: ۹ م

مهر داد پسر ورن نوه فرهاد چهارم در رم اقامت داشت. در دوره شهریاری گودرز بنا بر خواسته عده ای از بزرگان پارت که از رفتار گودرز ناراضی بودند، بسوی ایران حرکت کرد. با وجود کمک و یاری سردار پارتی کارن و پیشرفتی که در ناحیه بین النهرین و عبور از دجله و تسخیر نینوا و آربل نمود، مع هذا شکست سختی خورد و بدست سپاهیان گودرز اسیر گردید. سکه هائی که به او منتسب است تصویر او را تمام رخ نشان میدهد، با تاج زیبای گوهر نشانی که دو زیانه آن روی گوش را پوشانیده است (ش ۶۵) نوشته پشت سکه: شاهشاهان، ارشک، نیکوکار، عادل، نامی، دوستدار یونان.



ش-۶۵

ونن دوم ۱-۵ م

پس از درگذشت گودرز، بزرگان پارت و ونن ۲ پادشاه ماد (اتروپاتن) را، به شاهی

۱- D. Sellwood این سکه ها را از ونن دوم میداند Coinage of Parthia (ص- ۲۱۲)

Wroth این نوع سکه را از وردان دوم میگوید (ص ۱۹۰)

۲- با موافقت امپراتور روم کلود Claudius

۳- ونن را برخی مورخان برادر اردوان سوم گفته اند.

برگزیدند. وزن در حدود سه ماه سلطنت کرد^۱.

در مورد سکه های منتسب بوی، سکه شناسان نظرات مختلفی ابراز داشته اند^۲ و بعضی از آنان بر این عقیده هستند که از وی هنوز سکه ای بدست نیامده است^۳.

بلاش اول: ۵۱-۷۸ م

بلاش اول پسر وزن دوم بود که پس از درگذشت پدر، بسطنت رسید. بلاش دوبرادر خود پاکر و تیرداد را پیاس خدماتی که در مورد بتخت و تاج رسیدن او انجام داده بودند^۴ پشاهی نشانند. پاکر را بسطنت ماد منصوب کرد، و تیگران را شاه ارمنستان نمود^۵. بلاش پس از رفع اختلاف ایران و روم بر سر ارمنستان. و رابطه صلح آمیز بین آنان و عقب راندن اقوام آلان^۶ به سرکوب کردن قیام فرزند خود، وردان پرداخت.

از بلاش اول سکه های مختلف درهم و چهار درهمی و سکه های برنزی موجود است.

درهم^۷

روی سکه: نیم تنه نیم رخ بلاش اول باموهای بلند تابدار که تاروی گردن وی را فرس

۱- گوتشمید سلطنت او را، از سپتامبر ۵۱ تا اکتبر ۵۴ میداند تاریخ ایران ترجمه کیکاوس جهاننداری (ص ۱۹۳).

۲- (D. Sellwood) نوعی سکه را که درگان (J. De Morgan) از مهرداد میداند، از وزن گفته است. در این مورد به کتاب (Coinage of Parthia) (ص ۱۱۱ و ۱۲۰ - مراجعه شود.

۳- (D. Morgan) (ص ۱۶۴) و (W. Wroth) (ص ۱۷۸) میگویند که بنظر میرسد که او سکه ای ضرب نموده است.

۴- بلاش مادرش از خاندان پارت نبود و از لحاظ نسب پست تر از مادر برادرانش بود. لذا حمایت برادرانش بسیار برای وی مؤثر بود.

۵- تیرداد بواسطه عدم رضایت رومیها از سلطنت وی بر ارمنستان گرفتار مشکلات و جنگها گردید. سردار رومی کوربولون (Korbolon) که از طرف قیصر روم نرون (Neron) با سور لشکر کشی به ارمنستان بود، قسمتی از خاک آن خطه را بتصرف در آورده، اما سرانجام روش سیاسی و جنگی بلاش موجب شکست و عقب نشینی رومیها گردید.

۶- اقوام آلان بسوی قفقاز و آتروپاتن (ماد) هجوم آورده، بودند که با حمله سپاهیان پارت مجبور بعقب نشینی شدند.

۷- وزن در حدود ۴ گرم

گرفته است. قیافه بلاش از خشونت برخوردار است و سیل بلند او تاروی ریش بلند نوک تیز او آمده است.

تاج وی حلقه مخططی است که بر پشت سردارای گره ای می باشد. (ش-۶۶). در پشت سر بلاش بخت پهلوی پارسی دو حرف اول نام او نقر است: VL پشت سکه: ارشک کمان بدست بر تخت نشسته است. دور نقش القاب بلاش بخت یونانی درشش ردیف نقر است.

نوشته: شاه شاهان، ارشک، نیکوکار، نامی، دوستدار یونان.



ش ۶۷

ش ۶۶

چهار درهمی^۱

روی سکه: تصویر نیم تنه نیم رخ بلاش اول با سوهای تاب دار (چهارتاب)، که تاروی-گردن وی آمده است. سیل بلند بلاش روی ریش انبوه و گرد او را گرفته است. ابروی پهن وی نزدیک چشم تیز و خشن او میباشد.

تاج شاهنشاه پارسی حلقه لبه داری است که بالای آن از دندانه های ظریف مدور تودرتو تزئین یافته است، و در پشت سر نوارهایی از آن آویزان است. لبه نیم تنه شاه زردوزی شده است و برگردن وی گردنبند حلقه ای شکل است که در وسط آن گل گوهر نشان چهارگوشی قرار دارد. پشت سکه: بلاش اول بر تخت مجلی نشسته و از الهه شهر حلقه شهریاری را میگیرد^۲.

برگرد نقش، نوشته القاب بلاش در هفت ردیف نقر است. (ش-۶۷)
نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک، نیکوکار، عادل، نامی، دوستدار یونان.
بر بالای سر الهه سال ضرب وزیر نوشته در پائین نام ماه ضرب سکه قرار دارد.

۱- وزن در حدود ۱۴/۱۰ گرم

۲- در نوع دیگری از چهار درهمی ها بلاش اول در پشت سکه بجای حلقه شهریاری شاخه خرما را از الهه میگیرد. این نوع سکه ها ضرب سال ۳۷۸ سلوکی و ۳۷۳ سلوکی و ۳۷۵ سلوکی و ۳۷۹ سلوکی است (D. Sellwood, Coinage of Parthia, ص ۲۲۱ و ۲۲۲)

سال ضرب:

سال ها

۵۱ میلادی	۳۶۲ = ΒΞΤ	سلوکی مطابق سال
" ۵۲	" " ۳۶۳ = ΓΞΤ	" "
" ۵۴	" " ۳۶۵ = ΕΞΤ	" "

ماه ضرب

ماه ها

Α ΠΕΛΛΑΙΟΥ = ΑΠΕΛ

ΓΟΡΠΙΑΙΟΥ = ΓΟΡΠ

ΑΡΤΕΜΙΣΙΟΥ = ΑΡΤΕ

ΠΕΡΙΤΙΟΥ = ΠΕΡΙ

ΥΠΕΡΒΕΒΡΑΤΑΙΟΥ = ΥΠΕΡ

چهار درهمی ها در ضربابخانه سلوکیه ضرب شده است.

سکه های برنزی

روی سکه های برنزی تصویر نیم رخ بلاش و پشت آنها نقوش مختلفی تفرست مانند:

تصویر نیم رخ الهه، آتشدان، فرشته ای در مقابل آتشدان، واسب بالدار.

بر بعضی از سکه های برنزی علامت ضربابخانه های سلوکیه و اکباتان مشاهده می شود.

پا کردوم: ۷۸-۸۳ م

پس از بلاش اول پا کردوم^۶ و بلاش دوم هر یک بر قسمتی از ایران زمین سلطنتنمودند^۷. سکه هائی از پا کر دوم که در سال (۷۸ م) در ضربابخانه سلوکیه ضرب شده است و از اوایل

دوره شهریاری او می باشد، موجود است.

۱- APelaios - دومین ماه پائیز - آبان ماه

۲- Gorpiaios - اولین ماه تابستان - تیر

۳- Artemisios - اولین ماه بهار - فروردین

۴- Peritios - اولین ماه زمستان - دی

۵- YPerberetios - سومین ماه تابستان - شهریور

۶- از نسب این شاهزاده پارتی اطلاع درستی در دست نیست. بعضی از مورخان او را

فرزند بلاش اول گفته اند.

۷- پا کرو بلاش دوم را بعضی از مورخان برادر یکدیگر میدانند.

براین سکه‌ها تصویر زیبای پاکرجوان بدون سبیل منقور است. در سکه‌های دوران آخر سلطنت پاکر تصویر وی باریش و سبیل و قیافه مسن دیده می‌شود. پاکر در دوران سلطنت مواجه با مدعیانی^۱ از جمله شاهزاده اردوان شد، تا بالاخره در سال (۸۳ م) موفق شد او را از صحنه سیاست دور کند و خود تنها وی مدعی در نهایت قدرت سلطنت نماید.

درهم^۲ نوع اول

روی سکه: تصویر نیم رخ پاکرجوان، با موهای تاب دار و تاج مخطط که در پشت سر تزئینی گره مانند دارد.
پشت سکه: ارشک کمان بدست بر تخت نشسته و برگردوی نوشته نام والقب اودر هفت ردیف، قرار دارد (ش- ۶۸)



ش-۶۸

نوشته: شاهشاهان، ارشک، پاکر، عادل، نیکوکار، نامی دوستدار یونان.

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΩΝ

ΠΑΚΟΡΟΥ ΔΙΚΑΙΩΝ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ

ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

در زیر کمان علامت ضرابخانه بر بعضی از درهم‌ها نقر است.^۳
سال ضرب:

سال ضرب

ΑΟΤ = سال ۳۹۰ سلوکی مطابق سال ۷۹ میلادی

ΘΠΤ = ۳۸۹ " " ۷۸ " "

- ۱- شاید یکی از مدعیان شاهزاده پارتی خسرو برادرش باشد که بعداً بسطنت رسید.
- ۲- وزن در حدود ۳/۹ گرم.
- ۳- علامت ضرابخانه‌ها از هگمتانه، (اکباتان) وسلوکیه است.

درهم: نوع دوم^۱

روی سکه: تصویر نیم تنه ونیم رخ پا کردوم با سبیل وریش کوتاه، گرد، تاج بسیار مجلل وی مزین از دروگوهر است و بالای تاج از نیم دایره های مروارید نشان تزئین یافته است، و لبه زرین آن دارای زائده ای است که باردیفی از مروارید ترصیع شده است. پشت سر بین مو و تاج دو گره تودرتو وجود دارد که نوارهایی از آن آویزان است و گردنبند از سه حلقه، تشکیل یافته است. نقش پشت سکه مانند سکه (درهم) قبلی است و نوشته نیز همان نوع می باشد (ش ۶۹)



ش-۶۹

چهار درهمی

روی سکه: تصویر پا کر بر چهار درهمی مانند تصویر درهم نوع اول است. پشت سکه: شاه دست خود را بسوی الهه شهر که تاج کنگره دار بسردارد، دراز نموده و حلقه شهریاری را از او میگیرد. (ش-۷۰)



ش-۷۰

در دور نقش نوشته نام والقب پا کر مانند نوشته بر درهم های نوع اول نقر است. بیشتر این سکه ها ضرب ضرابخانه سلوکیه است:

۲- D·Sellwood) این نوع سکه ها را از پارتا ماسپات (ParthamasPatès) پسر خسرو شاهزاده اشکانی میداند. (ص-۲۶۰). سایر سکه شناسان بر این عقیده نبوده و این نوع سکه ها را از پا کر دوم گفته اند.

پارتا ماسپات دوره کوتاهی سلطنت نمود (سال ۱۱۶ م) و بعد بنظر میرسد که سکه ای ضرب کرده باشد. این شاهزاده از طرف پدرش خسرو سرپرست لشکریان پارت در جنگ با رومیان شد. اما سردار رومی (لوسیوس)، او را به وعده تخت و تاج فریب داد و پارتا ماسپات به رومیان پیوست و تراژان در تیسفون تاج شاهی بر سر وی نهاد. این شاهزاده را که طرفدار رم بود پارتیان به شاهی پذیرفتند و با مرگ تراژان خسرو به تخت سلطنت نشست.

در قسمت بالای نقش سال ضرب و بر قسمت پائین ماه ضرب سکه نقر است.

ماه ها

- (۱) ΔΥΣΤΡΟΥ = ΑΥΣΤ
 (۲) ΠΕΡΙΤΙΟΥ = ΠΕΡΙ
 (۳) ΓΟΡΠΙΑΙΟΥ = ΓΟΡ
 (۴) ΥΠΕΡΘΕΒΡΕΤΑΙΟΣ = ΥΠΕΡ

سال ها

سال سرکه مطابقت سال	۷۸ میلادی	۳۸۹ = ΘΠΤ
"	۸۲	۳۹۴ = ΔΦΤ
"	۷۸	۳۸۹ = ΘΠΤ
"	۸۱	۳۹۳ = ΓΦΤ

سکه های برنزی

از پاکر سکه های برنزی بدست آمده است که روی آنها تصویری منقوش است و بر پشت آن سکه ها نقش های الهه شهر باتاج، ظروف دسته دار، مرد ایستاده، و شاهین نقر است. بر بعضی از سکه های برنزی علامت ضرباخانه سلوکیه و سالهای ۳۹۴ سلوکی مطابق ۸۲ میلادی و ۳۹۵ سلوکی مطابق ۸۳ میلادی و ۳۹۱ سلوکی مطابق ۷۹ میلادی منقوش گردیده است.

اردوان چهارم: ۸۱/۸ م

در دوران شهریاری پاکر، چندتن از شاهزادگان مدعی سلطنت وی شدند، از جمله اردوان شاهزاده پارتنی است که بنام اردوان چهارم در قسمتی از بین النهرین و سلوکیه سلطنتی تأسیس نمود و خود را شاه خواند. اردوان برای مستحکم نمودن وضع خود به مردی روسی از اهالی

۱- Dystros - ماه دوم زمستان - بهمن

۲- Peritios - ماه اول زمستان دی

۳- Gorpaios - ماه اول تابستان - تیر

۴- IPerberetios - ماسوم تابستان - شهریور

آسیای صغیر بنام ماکزیموس^۱ که خود رابه دروغ نرونی نامید، کمک نمود. ولی بزودی پاکر بر اوضاع مسلط گردید. از دوران کوتاه سلطنت اردوان چهارم سکه چهار درهمی ضرب سال ۸ که در ضربخانه سلوکیه ضرب شده موجود است.

چهار درهمی^۲

روی سکه: تصویر نیم رخ اردوان با ریش و سبیل بلند و موهای مجعد که تاروی گردن او آمده است. تاج وی شبیه تاج بلاش اول حلقه ای مخطط است که قسمت بالای آن از دندانهای حلقه ای شکل بسیار ظریفی تزئین یافته است. بر پشت تاج دو گره تودرتو نصب است که دونوار از آن بر پشت سر آویزان است. حاشیه لباس با طرح هندسی زردوزی شده و گردن بند وی از سه حلقه تشکیل یافته است.

پشت سکه: شاه بر تخت نشسته و در مقابلش الهه که تاج بر سردارد ایستاده است. (ش ۷۱)



ش-۷۱

بردور نقش نوشته نام والقب اردوان چهارم نقر است.

نوشته: شاه شاهان، ارشک، ارتابان، عادل، نیکوکار، دوستدار یونان.

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΥΝ ΑΡΓΑΚΟΥ
ΑΡΤΑΒΑΝΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΕΝΟΣ

خسرو ۹: ۱-۱۲۹/۱۳۰ م

پاکر دوم در اواخر دوران سلطنت گرفتار مشکلات داخلی گردید. برادر او^۳ خسرو از موقع

۱- Terentinus Maximus به دربار اردوان چهارم پناهنده شد. این مرد را پاکر

به قیصر روم تسلیم نمود.

۲- وزن در حدود ۱۳/۹ گرم

۳- خسرو را بعضی از مورخان داماد پاکر گرفته اند. تاریخ سیاسی پارت (نیلسون دوبواز) -

ترجمه حکمت (ص-۱۹۵)

استفاده نمود و خود را شریک سلطنت پا کر دانست و بنام خود سکه ضرب نمود. پس از درگذشت پا کر دوم خسرو رسماً جانشین وی گردید. از اقدامات بی رویه خسرو تغییر شاه ارمنستان بود^۱ که موجب بهانه جوئی رومیها برای حمله به آن خطه گردید. تراژان پس از تاختن به خاک ارمنستان ناحیه بابل را بتصرف درآورد، ولی طولی نکشید که لشکریان پارت متقابلاً به حمله پرداخت و ناحیه بین النهرین را بتصرف درآورد. بامرگ تراژان^۲ در سال ۱۱۷ م، آدرین^۳ امپراطور جدید تمام مناطق اشغالی را به ایران مسترد داشت. خسرو در سال ۱۳۰ م درگذشت. سکه های خسرو از لحاظ تصویر منقوش بر سکه و آرایش موضوع مخصوصی دارند، که از لحاظ هنری بسیار قابل توجه است. از خسروسکه چهار درهمی تا کنون بدست نیامده است.

درهم^۴

روی سکه: نیم تنه نیم رخ خسرو و باریش نوک تیز مثلثی شکل موهای وی در دو قسمت دسته شده بالای سر، و روی گوش قرار دارد. تاج خسرو حلقه عریض مخططی است که پشت آن گره ای روبه بالا قرار دارد که نوارهایی از آن آویزان است.

پشت سکه: ارشک کمان بدست نشسته و بر دوز نقش نوشته در هفت ردیف نقر است (ش -

۷۲).



ش-۷۲

نوشته: شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک، نیکوکار، عادل، نامی، دوستدار یونان.

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΥΣ Η ΑΡΧΑΚΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ

ΔΙΚΑΙΟΥ ΦΙΛΙΘΑΝΟΥΓ ΦΙΛΕΛΛΟΝΟΣ

بر درهمی سنه سال ۴۱۸ سلوکی که مطابق سال ۱۰۷ میلادی است نقر است^۱
سکه هائی که علامت ضربا بخانه دارند کم هستند و آنچه تا کنون دیده شده علامت
ضربا بخانه هگمتانه (اکباتان) می باشد.

- ۱- خسرو، اگزدارس (Exedarès) پسر پا کردوم را که شاه ارمنستان بود از سلطنت عزل کرد و پارتاماسیریس (Partamasiris) برادر او را به سلطنت رساند.
- ۲- Trajan (۱۱۷-۵۳ م) امپراطور روم در پیشرفت خود تیسفون را بتصرف درآورد.
- ۳- Hadrien امپراطور روم (۱۱۷-۱۳۸ م)
- ۴- وزن ۳/۵ تا ۳/۶ گرم.

سکه های برنزی

روی سکه: تصویر زیبای خسرو باموهای حلقه شده در روی گوش و طرح بالای تاج مانند تصویر منقوش بر درهم هاست.^۱

بر پشت سکه های برنزی خسرو، معمولاً نیم تنه الهه شهر نقر است که تاج کنگره داری بسر دارد. موهای الهه روی گوش حلقه شده است.

برچندسکه برنزی نقش مردی دیده می شود که در مقابل آتشدانی که شعله از آن ساطع است، ایستاده یا اسب بالدار یا مردی نشسته که دست را به علامت احترام بالا برده است. بیشتر سکه های برنزی دارای تاریخ ضرب هستند.

سال ضرب

سکه	مطابق سال	۱۰۷ میلادی	۴۱۸ = H I Y
"	"	۱۰۹	۴۲۱ = A K Y
"	"	۱۱۲	۴۲۴ = Δ K Y
"	"	۱۱۶	۴۲۸ = H K Y
"	"	۱۱۷	۴۲۹ = Θ K Y
"	"	۱۲۰	۴۳۲ = B A Y
"	"	۱۲۷	۴۳۹ = Θ Δ Y

بلاش دوم: ۷۸-۱۴۸ م

این شاهزاده که پسر بلاش اول است در دوره سلطنت برادر خود پا کردوم (۷۸-۸۳ م) بر قسمتی از ایران سلطنت نموده است، چنانکه سکه هائی از این دوره که مربوط به اوایل دوره شهریاری او می باشد، موجود است.^۲

بلاش در دوره سلطنت خسرو (۱۰۹-۱۲۹ م) نیز در ناحیه غربی ایران فرمانروائی داشته است. از سکه هائی که بسال ۱۱۲ م در ضرابخانه سلوکیه یا تیسفون ضرب گردیده چنین مستفاد

۱- در این مورد از سکه های موزه ایران باستان موزه بانک سپه و کتاب (دمرگان D.Morgan

Numismatique Oruntale استفاده شده است.

۲- از سال ۷۸ میلادی سکه هائی از بلاش دوم موجود است. لذا چنین بنظر میرسد که وی

در دوره سلطنت پا کر خود را شاه خوانده است.

میشود که در این ایام بین او و خسرو مناقشات حتی گاهی زدوخوردهائی روی داده است. معهذا بلاش مدتی در پایتخت سیاسی و زیبای پارتیان تیسفون مستقر بوده است. در سال (۱۲۳ م) قیصر رم آدرین^۱ ضمن سفری به مشرق صلاح خود را در سازش با دولت پارت تشخیص داد و در نتیجه صلح بین دو کشور رم و ایران برقرار گردید. در این هنگام بلاش که تاحدی صاحب قدرت شده بود پس از زدو خوردی با خسرو غالب گردید و توانست با آسودگی خیال قبایل آلان را که بر قسمتی از ارمنستان و آتروپاتن و کاپادوکیه تاخته بودند از سرزمین های ایران بیرون راند.

بلاش دوم پس از درگذشت خسرو تا سال (۱۴۸ م) سلطنت نمود و در پائیز همین سال پس از هفتاد و یک سال فرمانروائی و سلطنت درگذشت.

از بلاش دوم سکه های درهم^۲ و چهاردرهمی و سکه های برنز موجود است.

درهم^۲

روی سکه: نیم تنه نیم رخ بلاش دوم باریش گرد و سیل بلند. تصویر چهره وی میرساند که بلاش از زیبایی بهره نداشته است. تاج مخصوص بلاش دارای لبه ای است، مخطط و قسمت بالای آن کروی شکل است با حاشیه ای مروارید نشان که تزئیناتی بصورت شعله های منظم آنرا زینت بخشیده است. از پشت تاج گره و نواری آویزان است. (ش-۷۳)

در پشت سر تصویر دو حرف اول نام بلاش (ولکش) بخط پهلوی اشکانی نقر است.

د = دل

پشت سکه: ارشک کمان بدست بر تخت نشسته و برگرد تصویر وی نوشته نام والقب او نقر است. نوشته: شامشاهان (شاهنشاه) ارشک، ولکش، عادل، نامی، دوستدار، یونان.

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΝ

ΔΙΑΓΑΓΟΥ ΔΙΚΑΙΩΝ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ

ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

۱- Hadrianus (۱۱۳-۱۱۷) قیصر رم که دید هر کوشی بمنظور تصرف سرزمین های پارتیان غیر ممکن است، لذا از در دوستی و سازش با آنان درآمد به این ترتیب شاهنشاهی پارت مدتی از سوی رومیها مورد تعرض قرار نگرفت و کشور قرین آرامش بود. برای مزید اطلاع رک: اشکانیان دیاکونوو. ترجمه کریم کشاورز (ص-۱۱۲)

۲- از بلاش دوم تعداد کمی درهم بدست آمده است.

۳- وزن درهم: حدود ۳/۷ گرم.



ش-۷۲

علامت ضربخانه در زمینه سکه نقر است^۱چهار درهمی^۲

روی سکه: تصویر نیم رخ شاه اشکانی که بهمان طرز درهم است. تاج زیبای بلاش دوم از تزئیناتی بشکل شعله تشکیل یافته است و برگوش شاه پارتی گوشواره حلقه‌ای شکل نصب است. بر پشت سر بلاش علامت B نقر است.

پشت سکه: بلاش دوم بر تخت نشسته است و حلقه شهریاری را از فرشته‌ای که مقابلش ایستاده میگیرد. لباس بلاش از قبائی با آستین بلند و یقه گرد تشکیل یافته که تا نزدیک زانو آمده است. شلوار بلاش دوم، بنا بر معمول پارتها چین دار و بلند است. تاج بلاش نیز مانند تاج تصویر منقور بر درهم میباشد^۳ (ش-۷۴).

بردور تصویر نوشته نام والقب بلاش دوم در هفت ردیف نقر است:
نوشته به این قرار است: شاه شاهان ارشک، ولکش، عادل، ناسی، دوستدار یونان.

۱- در مجموعه‌های سکه موزه ایران باستان و موزه بانک سپه علاءت ضربخانه‌ها نامفهوم بنظر میرسد. اما D·Sellwood در کتاب *Coinage of Parthia* چند درهم را که مورد مطالعه قرار داده علامت ضربخانه اکباتان، هگمتانه (همدان) را داشته است (ص-۲۲۸).

۲- وزن چهار درهمی در حدود ۱۴ گرم است.

۳- در مورد سکه‌های بلاش سکه شناسان بیک عقیده نمی‌باشند، دمرگان این نوع سکه‌ها

را از بلاش دوم میداند،

رك: Manuel de Numismatique Orientale (ص- ۱۶۷)

Wroth (ورث) نیز به همین عقیده میباشد.

ولی Gardner (گاردنر) این نوع سکه را از بلاش سوم میداند.



ش-۷۴

بیشتر چهار درهمی‌ها در ضرابخانه سلوکیه ضرب گردیده است.
در زمینه چهار درهمی‌ها سال و ماه ضرب سکه نقر است.

سال‌ها

ماه‌ها

سال میلادی	سال	سلوک	ماه
۱۲۱	۱۲۱	ΓΛΥ	(۱) ΔΙΟΥ
۱۲۲	"	ΕΛΥ	
۱۲۳	"	ΔΛΥ	(۲) ΑΠΕΛΑΙΟΥ = ΑΠΕΛΑ
۱۲۴	"	ΓΑΥ	(۳) ΠΕΡΙΤΙΟΥ = ΠΕΡΙ
۱۲۷	"	ΖΔΥ	(۴) ΠΑΝΗΜΟΥ = ΠΑΝΗ
۱۳۳	"	ΓΜΥ	(۵) ΞΑΝΔΙΚΟΥ = ΞΑΝΔ
۱۳۸	"	ΗΜΥ	
۱۴۵	"	ΝΥ	
۱۴۳	"	ΓΝΥ	
۱۴۴	"	ΔΝΥ	

۱- Daios - اولین ماه پائیز - مهرماه

۲- Apelaos - دومین ماه پائیز - آبان ماه

۳- Peritios - اولین ماه زمستان - دی

۴- Panemos - سومین ماه بهار - خرداد

۵- Zandikos - سومین ماه زمستان - اسفند

۶- از مجموعه‌های مختلف سکه از جمله سکه‌های موزه ایران باستان و موزه بانک سپه

نوشته سال و ماه ضرب سکه گرفته شده است.

سکه های برنزی

بر روی سکه های برنزی تصویر بلاش دوم مانند نقش بر درهم ها و چهار درهمی ها است. بر پشت سکه نقوش مختلفی مانند نیم تنه الهه باتاج، زنی نشسته که الهه شهر است، نیم تنه الهه باشاخه خرما که علامت فراوانی است و عقاب ایستاده قرار دارد.

مهرداد چهارم: ۱۳۰-۱۴۸ م

از سال درگذشت خسرو (۱۳۰ م) تا آخر دوران سلطنت بلاش دوم یکی از شاهزادگان پارت بنام مهرداد^۱ در نواحی غربی ایران سلطنت کرده است. اگر سورخان در باره پادشاهی این شاهزاده مطلبی ننوشته اند ولی سکه های مهرداد بانوشته نام وی و علامت ضرابخانه (هگمتانه) همدان، دلیل بارزی از پادشاهی مهرداد بر قسمتی از ناحیه ماد است. از مهرداد چهارم تا کنون فقط (درهم) بدست آمده و نام و لقب او بخط پهلوی پارتی بر سکه نقر است.

درهم^۲

روی سکه: نیم تنه نیم رخ مهرداد چهارم با ریش بلند مثلثی شکل. تاج وی بطرز شاهان اولیه پارت از نوار مخطوطی تشکیل یافته است که در پشت گره خورده و نوارهایی از آن آویزان است.

برگردن مهرداد گردنبندی بصورت سه حلقه مشاهده می شود.

پشت سکه: ارشک کمان بدست بر تخت نشسته است و در زیر کمان علامت ضرابخانه هگمتانه (اکباتان)، همدان نقر است (ش ۷۵)



ش-۷۵

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥
𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥

مردت ملکا

۱- محتمل است این شاهزاده برادر خسرو و بلاش دوم باشد. گوتشمید او را مهرداد ششم میگوید.

۲- تاريخ ايران ترجمه جهانداري (ص ۲۱۲) نیلسون دوبواز در مورد مهرداد چهارم چنین گوید «برطبق شواهد و دلائلی که از مسکوکات بدست می آید در ایران شخصی پادشاهی میکرده است بنام میترداد تیس (مهرداد چهارم). ترجمه علی اصغر حکمت (ص ۲۱۸).

۳- وزن در حدود ۳/۹ گرم

برگرد نقش نام والقب سهرداد چهارم قرار دارد. نام سهرداد یا لقب شاه بخط پهلوی پارتی بر بالای نقش واقع است (متردات ملکا) - (شاه سهرداد) و بقیه القاب تا حدی ناخوانا بخط یونانی است.

سکه های برنزی

بر روی سکه های برنزی تصویر نیم رخ سهرداد چهارم نقر است.

پشت سکه نقوش مختلفی دیده می شود مانند: الهه نشسته، قوچ خوابیده، سراسب، گاو خوابیده، شاهین و سه پرند^۱

بلاش سوم: ۱۴۸-۱۹۱ م

بلاش سوم به جانشینی پدر خود بلاش دوم در سال (۱۴۸ م) به تخت سلطنت نشست. در نخستین سالهای شهریاری بلاش، کشور ایران بمناسبت حسن رابطه ای که از او اسط سلطنت بلاش دوم بین ایران و رم برقرار شده بود دوران آرامش را طی میکرد^۲. پس از درگذشت آنتونی پی قیصر روم در سال (۱۶۱ م)، امپراطور جدید مارک اورل^۳ که با مشارکت لوسیوس^۴ زمام امور را در دست داشتند، نتوانستند وضع موجود رابطه دوستی را کماکان حفظ کنند. با مداخله رومیها برارمنستان بلاش با سپاهی به آن سوی روانه شد و شاه دست نشانده آنانرا خلع کرد^۵ و پا کررا بجای او بشاهی ارمنستان منصوب نمود. سپس سپاهیان پارتی به سوریه حمله کردند و تا فلسطین پیش رفتند. اما درگیر دار جنگ رومیها غلبه کردند و تا تیسفون تاختند، ولی پیروزی آنان دوامی نیافت زیرا از سوئی گرفتار حمله سپاهیان پارتی شدند و از سوی دیگر شیوع ناخوشی آبله و یا وبا^۶ سپاهیان رومی را وادار به عقب نشینی نمود.

۱- ر ك Coinage of Parthia تألیف D.Sellwood (ص- ۲۶۳)

۲- حسن رابطه پارتها تا سال درگذشت قیصر روم آنتونی پی (Antonius Pius) ۱۳۸-۱۶۱ م) برقرار بود.

۳- Marcus Aurelius (۱۶۱-۱۸۰ م)

۴- Lucius Verus (۱۶۱-۱۶۹ م) سکه ای از وی بالقب آرمینا کزس پارتیکوس موجود است.

۵- سوهام (Sohamus) از شاهزادگان پارت بود و رومیان از او حمایت میکردند.

۶- از کاوشهای سلوکیه چنین برمی آید که سردار رومی کاسیوس (Cassius) در سال

(۱۶۵ م) نقص عهد کرده حمله خود را آغاز نموده است. در شهر دورا اروپوس (Dura-Europos)

جنگ سختی بین لشگریان پارت و رومیها در گرفت، پس از تصرف این شهر لژیون های

رومی بسوی سلوکیه و تیسفون یورش آوردند و قسمتی از ابنیه آن شهر زیبا را طعمه آتش ساختند و

ویران نمودند. ولی ناخوشی آبله با شیوع و با تلفات سنگینی به رومیان وارد آورد ناچار سپاهیان

رومی هرچه از غنائم بدست آورده بودند رها ساخته برای حفظ جان خود فرار را برقرار ترجیح

دادند. برای مزید اطلاع ر ك: تاریخ سیاسی پارت نیلسون دوپواز ترجمه علی اصغر حکمت (ص-

این جنگها با وجود پیروزیها نتیجهٔ ثمربخشی بیار نیاورد و موجب تضعیف پارتها گردید و بلاش در سال (۱۹۱) م درگذشت.

از بلاش سوم سکه های متعددی درهم، چهار درهمی و سکه های برنزی موجود است.

درهم^۱

روی سکه: تصویر نیم رخ بلاش سوم با تاج مخصوص وی که با انواع گوهر و مروارید تزئین یافته است. ریش بلند و چهار گوش بلاش سوم تا نزدیک سینه وی آویزان است.

پشت سکه: ارشک کمان بدست بتخت نشسته و در دور تصویر نام والقاب وی بخط

پهلوی پارتی و قسمتی بخط یونانی نقر است. (ش-۷۶)

نوشته پهلوی پارتی: ولکش ملکا - شاه بلاش



ش-۷۶

نوشته یونانی: شاه، ارشک، نیکوکار، عادل، نامی، دوستدار یونان^۲.
علامت ضرابخانه اکباتان، هگمتانه (همدان) در زیر کمان بعضی از درهم ها مشاهده

میشود.

چهار درهمی^۳

روی سکه: تصویر نیم تنه، نیم رخ بلاش سوم باریش بلند چهار گوش و تاج زیبایی که روی پیشانی و تمام سر را پوشانیده و لبه بلندی مخطط و مروارید نشان روی مو و گوش او را فرا گرفته، قسمت مدور بالای تاج از نیم هلالهائی شعله مانند تزئین یافته است و بر قسمت بالای نوار مخطط تاج، قطعه ای جواهر نشان بشکل شعله یا شاخ یا برگ نصب گردیده است.

پشت سکه: بلاش سوم در نهایت جلال بر تخت نشسته است. تاجی که بر سردار دارد مانند همان تاج بر روی سکه میباشد و در مقابل او الهه شهر که تاج کنگره دار بر سردار حلقه شهریاری را بوی تقویض میکند. از حلقه نوار هائی آویزان است و برگرد نقش نوشته نام والقاب بلاش بخط یونانی نقر است (ش-۷۷)

۱- وزن در حدود ۳/۹۰ گرم

۲- نوشته های یونانی تقریباً ناخواناست.

۳- وزن چهار درهمی در حدود ۱۳/۵۰ تا ۱۴ گرم است.

نوشته به این قرار است: شاهشاهان (شاهنشاه)، ارشک، ولکش، عادل، ناسی، دوستدار

یونان.



ش-۷۷

بیشتر چهار درهمی در ضرابخانه سلوکیه ضرب شده است.
در زمینه پشت چهار درهمی ها ماه و سال ضرب تفراس است.

سالها :

ماهها :

سال میلادی	۱۴۹ =	سال سلوک	۴۶۰ =	ΞΥ	(۱) ΔΙΟΥ
"	۱۵۰ =	"	۴۶۱ =	AΞΥ	(۲) ΑΠΕΔΑΙΟΥ = ΑΠΕ
"	۱۵۱ =	"	۴۶۲ =	ΒΕΥ	(۳) ΠΑΝΗΜΟΥ = ΠΑΝ
"	۱۵۲ =	"	۴۶۳ =	ΓΞΥ	(۴) ΓΟΡΠΙΑΙΟΥ = ΓΟΡ
"	۱۵۳ =	"	۴۶۴ =	ΔΞΥ	(۵) ΑΡΤΕΜΙΓΙΟΥ = ΑΡΤ
"	۱۵۴ =	"	۴۶۵ =	ΕΞΥ	(۶) ΔΑΙΣΙΟΥ = ΔΑΙ
"	۱۵۶ =	"	۴۶۷ =	ZΞΥ	(۷) ΞΑΝΔΙΚΟΥ = ΞΑΝ
"	۱۵۷ =	"	۴۶۸ =	HΞΥ	(۸) ΔΥΣΤΙΡΟΥ = ΔΥΤ
"	۱۵۹ =	"	۴۷۰ =	ΠΥ	
"	۱۶۰ =	"	۴۷۱ =	AΘΥ	
"	۱۶۱ =	"	۴۷۲ =	ΒΘΥ	
"	۱۶۹ =	"	۴۸۰ =	AΠΥ	
"	۱۷۹ =	"	۴۹۰ =	ΘΥ	
"	۱۸۹ =	"	۵۰۱ =	AΘ	

زیرنویس در صفحه بعد است.

سکه های برنزی

برسکه های برنزی بلاش سوم تصویر نیمرخ وی در روی سکه منقور است و بر پشت سکه نقوش مختلفی مانند شخصی نشسته بر روی پایه ستون، الهه که شاخه خرما بدست دارد، شاهین، سراسب، ونیم تنه الهه است^۱.

بلاش چهارم: ۱۹۱-۲۰۸ م

بلاش سوم در سال ۱۹۱ میلادی در گذشت و بلاش چهارم به تخت سلطنت نشست^۲ وی در دوره شهریاری خود مواجه با مشکلات فراوان گردید که اهم آنها جنگهای پی در پی با رومیها میباشد^۳.

بقیه زیر نویس صفحه قبل

۱- Daios - اولین ماه پائیز - مهر.

۲- Apelaios - دومین ماه پائیز - آبان.

۳- Panemos - سومین ماه بهار - خرداد.

۴- Gorpiaios - دومین ماه تابستان - مرداد.

۵- Artemisios - اولین ماه بهار - فروردین.

۶- Daisios - دومین ماه بهار - اردیبهشت.

۷- Zandikos - سومین ماه زمستان - اسفند.

۸- Dystros - دومین ماه زمستان - بهمن.

۱- در کاتالوگ موزه بریتانیا (ورث) به ردیف منظم سالهای منقور بر سکه های بلاش سوم بر میخوریم (ص ۲۲۴ تا ۲۲۹).

۲- سال در گذشت بلاش سوم را نیلسون دوبواز (Neilson Debevoise) سال ۱۹۲ م میگوید در مورد آخر عمر وی چنین گوید: «سال ۱۹۱ بلاش سوم که مردی معمر و سالخورده شده بود باز با سرکشی و طغیان جدیدی مواجه گشت زیرا مشاهده میشود که سکه جدیدی بنام بلاش چهارم در سلوکیه ضرب شده است». رگ: تاریخ سیاسی پارت ترجمه علی اصغر حکمت (ص ۲۲۷).

۳- در روم سال (۱۹۳) سه تن داعیه امپراطوری داشتند لذا اوضاع روم و مناطق شرقی متصرفی آنان بسیار آشفته بود بلاش یکی از آنها پسنیوس نیجر (Pesceniusniger) که حکمران شام بود کمک نمود

چنانکه در سال (۱۹۵ م) سپتم سورا که از کمک شاهنشاه ایران یکی از رقبای خود یمنناک گردید پس از تهیه سپاهی گران حملات خود را بکشور پارت آغاز کرد ابتدا به سوریه لشکر کشید سپس بالژیون تازه‌ای که تشکیل داده بود^۲ به بابل رسید و با وجود مقاومت سپاهیان پارت شهر سلوکیه و تیسفون را گرفت^۳، اما این پیشروی نتیجه بیار نیاورده و تسلیم نشدن اهالی شهر الحضر و مقاومت دلیرانه فرمانروای پالمیره^۴ موجب شکست و تلفات لشکریان رومی گردید و از حیثیت و اعتبار رومیها در مناطق متصرفی خودشان کاسته شد.

بلاش چهارم در سال ۲۰۸ وفات یافت^۵

از بلاش چهارم درهم و چهار درهمی وسکه‌های برنزی موجود است.

درهم^۶

روی سکه: تصویر نیم تنه تمام رخ بلاش چهارم با آرایش مخصوص مو در سه قسمت و ریش مثلث شکل بلند. (ش-۷۸).



ش-۷۸

پشت سکه: ارشک کمان بدست نشسته و در دور تصویر روی نوشته یونانی ناخوانا و نام بلاش بخت آرامی (پهلوی اشکانی) نقر است. ولکشی ملکا. بلاش شاه. در زیر کمان علامت ضربخانه قرار دارد. چهار درهمی^۷

چهار درهمی بردونوع است. نوع اول با تصویر تمام رخ بلاش چهارم که مانند نقش

۱- Septemus severus (۱۹۳-۲۲۱ م).

۲- رومیها لژیون جدید را پارتیکا (Partica) نام نهادند.

۳- رومیها اسرای زیاد و غنائم بیشمار پس از غارت بدست آوردند در این مورد رك:

تاریخ سیاسی پارت (ص ۲۳۲) و تاریخ ایران تألیف کوتشمید ترجمه جهانگیری (ص ۲۳۰).

۴- Palmyre

۵- رك: در تاریخ سیاسی پارت سال درگذشت بلاش چهارم ۲۰۷ یا ۲۰۸ میلادی آمده

است (ص- ۲۳۴).

۶- وزن: حدود ۳/۹ گرم

۷- وزن در حدود ۱۳/۲ گرم

بردرهم است. نوع دوم: تصویر نیمرخ بلاش با آرایش مخصوص مووریش بلندسه گوش و موکه مانندگلی مدور برروی گوش و قسمتی حلقه حلقه بر بالای تاج که نوار مانند است قرار دارد. پشتسکه: بلاش برتخت نشسته تاج وی مانند تاج برروی سکه است و موهائیز بهمان ترتیب میباشد و لباس شاهنشاه پارت با آستین بلند و شلوار پرچین بسیار زیبا، دست بسوی الهه شهر که حلقه شهر یاری را بسوی تفویض میکند دراز کرده است. (ش-۷۹) بیشتر چهار درهمی های بلاش چهارم ضرب شهر سلو کیه است. برگرد تصویر در هفت ردیف نوشته نام والقباب بلاش چهارم بخط یونانی نقر است. نوشته به این مضمون است: شاهشاهان (شاهنشاه) ارشک و لوکز، عادل، نامی، دوستدار یونان.



ش-۷۹

در بالای تصویر بین سر الهه و بلاش نوشته سال و در پائین نقش، نوشته ماه ضرب سکه قرار دارد.

سالها	ماهها
سال سلوک مطابقت ۱۹۱ میلادی	۵۰۲ = Β Φ () Γ Ο Ρ Π Ι Α Ι Ο Υ . Γ Ο Ρ Π
" ۱۹۲	" ۵۰۳ = Γ Φ () Α Π Ε Λ Λ Α Ι Ο Υ . Α Π Ε
" ۱۹۳	" ۵۰۴ = Δ Φ () Α Ρ Τ Ε Μ Ι Ζ Ι Ο Υ = Α Ρ Τ
" ۱۹۴	" ۵۰۵ = Ε Φ () Π Α Ν Η Μ Ο Υ = Π Α Ν
" ۱۹۶	" ۵۰۷ = Ζ Φ () Δ Α Ι Ζ Ι Ο Υ = Δ Α Ι
" ۱۹۷	" ۵۰۸ = Η Φ () Π Ε Ρ Ι Τ Ι Ο Υ = Π Ε Ρ

- ۱- ماه دوم تابستان .
- ۲- ماه دوم پائیز .
- ۳- ماه اول بهار .
- ۴- ماه سوم بهار .
- ۵- ماه دوم بهار .
- ۶- ماه اول زمستان

بر روی سکه‌های برنزی تصویر شاه پارت و بر پشت سکه نقوش مختلفی مانند: شاهین ایستاده یا نیم تنه فرشته، نقر است.

بلاش پنجم: ۲۰۸-۲۲۳

پس از درگذشت بلاش چهارم در سال (۲۰۸) پسرش بلاش پنجم جانشین پدر گردید در آغاز شهریاری وی رومیها به بهانه‌های مختلف شاه خسروئن (جزیره) و شاه ارمنستان را به رم دعوت نموده آنانرا دستگیر نمودند، لذا این دو خطه از تحت نفوذ پارتیان خارج گردید. در ایامی که این وقایع روی داد بین بلاش پنجم و برادرش اردوان اختلاف و کشمکش شروع گردید. اردوان بر سرزمین ماد دست یافت (سال ۲۱۳ م) و سپس دامنه نفوذ خود را تا بین النهرین ادامه داد ولی بلاش پنجم چنانکه از سکه‌های وی که ضرب سالهای ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ سلوکی که مطابق ۲۲۱ و ۲۲۲ میلادی است، چنین مستفاد میشود که سلطنت وی با وجود قدرت اردوان هنوز ادامه داشته با آنکه بلاش پنجم برادر خود را سهمیم در امر سلطنت نموده است و شکستی که پارتها به لژیونهای رومی در سال ۲۱۷ میلادی در نصیبین وارد ساختند بواسطه وحدت نظر و اتفاق و اتحاد بلاش پنجم و اردوان بوده است.^۲

از بلاش پنجم درهم و چهار درهمی و تعداد کمی سکه برنز موجود است.

درهم^۴

روی سکه: تصویر نیم تنه نیمرخ بلاش پنجم با تاج مدور زبانه دار که با گوهر و مروارید ترصیع شده است. ریش بلاش بلند و نوک تیز است و چشمهای وی درشت و بینی متناسب میباشد. بر پشت سر وی بالای گره تاج علامت نام بلاش بخط آرامی (پهلوی پارتی) نقر است. **ر ل = ول** (ش-۸۰)



ش-۸۰

پشت سکه: ارشک کمان بدست نشسته و در اطراف نقش وی نوشته نام او بخط پهلوی پارتی قرار دارد، ولکشی ملکا (بلاش شاه).

Osroène-۲

۱- آبکار نهم Abkar

۳- رلک: Numismatique orientale, de Morgan (ص- ۱۷۰).

۴- وزن در حدود ۳/۹ گرم. قطر: ۱۹ مم.

چهار درهمی^۱

روی سکه: تصویر نیمرخ بلاش پنجم باریش بلند مثلث شکل که تاروی سینه آمده است. تاج وی نوار یا حلقه مخطط زیانه داری است با حاشیه مروارید که روی گوش را گرفته و تا شانه وی آمده است. در پشت سر بلاش حرف B قرار دارد (ش ۸۱).
پشت سکه: شاه پارتی باشکوه فراوان بر تخت نشسته یک دست بکمر زده و با دست دیگر حلقه شهر یاری را از الهه شهر میگیرد. بر دور نقش نوشته نام والقباب شاه بخط یونانی نقر است، شاه شاهان (شاهنشاه) ارشک و لکشی، عادل، نامی، دوستدار یونان،



ش-۸۱

چهار درهمی ها ضرب شهر سلوکیه است.
برزمینه پشت بیشتر چهار درهمی ها سال و ماه ضرب نقر است ولی ماه ها ناخواناست.
سالها:

سالها

۲۰۸ میلادی	سال سلوکی مطابق با سال	۵۱۹	:	Θ Ι Φ
" ۲۱۱	"	۵۲۲	:	Β Κ Φ
" ۲۱۲	"	۵۲۳	:	Γ Κ Φ
" ۲۱۳	"	۵۲۴	:	Δ Κ Φ
" ۲۲۱	"	۵۳۲	:	Β Λ Φ

از بلاش پنجم سکه برنزی موجود است.

اردوان پنجم: ۲۱۶-۲۲۴ میلادی

اردوان پنجم برادر بلاش پنجم است که در دوران شهر یاری بلاش مدعی تاج و تخت

۱- وزن در حدود ۱۳/۶۵ گرم و قطر ۲۴ مم است.

وی گردید و مدتها کشمکش بین دو برادر ادامه یافت. محتمل است که بالاخره بلاش او را در اسر سلطنت مشارکت داده باشد، با اینکه اردوان بر برادرش مسلط گردید و بلاش در ابتدای قدرت اردوان فقط در قسمتی از بین النهرین سلطنت نموده است.

اختلاف اردوان و بلاش و منازعه بین آنان رومیها را برانگیخت که از وضع موجود استفاده نمایند ولی درایت اردوان موجب گردید که از نیرنگ رومیها نجات پیدا کند^۱. اردوان در سال (۲۱۷ م) با سپاهیان خود به قلمرو رومیها حمله برد و چند شهر بین النهرین را بتصرف درآورد و در جنگ دیگری که با (ماکرینوس)^۲ نمود رومیها شکست فاحشی خوردند و ماکرینوس با پرداخت در حدود دو بیست میلیون درهم و پس دادن غنائم که سابقاً گرفته بود توانست موجبات رضایت اردوان را در برقراری صلح جلب نماید.

اردوان با وجود پیروزی و راندن رومیها نتوانست در مقابل حوادث و شورش فرمانروایان محلی که بمناسبت عدم رضایت جامعه ایرانی که از سالهای گذشته ریشه گرفته بود و اختلاف شاهزادگان از سوئی و نفوذ و قدرت شاهزاده پارس اردشیر از سوی دیگر مقاومت نماید و اردوان پنجم در جنگی که بین سپاهیان وی و سپاهیان اردشیر در هرمزدگان (حوالی راسهرمز) روی داد بقتل رسید (سال ۲۲۲ م). با کشته شدن وی توپار پنج قرن شاهنشاهی پارتیان بسته شد.

از اردوان پنجم سکه های (درهم) و برنزی موجود است

درهم^۳

روی سکه: تصویر نیم تنه نیمرخ اردوان پنجم باریش بلند، سه گوش، نوک تیز و تاج بسیار مجلل که از گوهرو مروارید تزئین یافته است (ش-۸۲).
پشت سکه: ارشک کمان بدست بر تخت نشسته برگرد نقش نوشته بخط پهلوی پارتی منقور است. هر تپی سلکا = اردوان شاه.



ش-۸۲

𐎠𐎡𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩
𐎠𐎡𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩
𐎠𐎡𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩
𐎠𐎡𐎣𐎤𐎥𐎦𐎧𐎨𐎩

۱- قیصر روم ضمن درخواست وصلت با دختر اردوان در مجلسی که به این مناسبت ترتیب یافته بود، فرمان داد تا رومیها بر پارتیان بی خبر که به پذیرائی مشغول بودند و از تمهید آنان بیخبر بودند حمله بردند و عده ای را بقتل رساندند.

۲- Macrinus (۲۱۷-۲۱۸ م).

۳- حدود ۳/۸۰ گرم.

آرتاواز: ۲۲۴-۲۲۷ م

پس از کشته شدن اردوان پنجم، آرتاواز (ارتاباز) شاهزاده پارتی که محتمل است پسر اردوان باشد برای بدست آوردن تخت و تاج و ادامه شاهنشاهی پارت چند سالی تلاش کرد. کشمکشهای آرتاواز در قبال قدرت اردشیر نتیجه نداد تا آنکه دستگیر گردید و حدود سال ۲۲۷ م در تیسفون بقتل رسید.

از این شاهزاده تعداد کمی (درهم) و چند سکه برنزی موجود است.

درهم^۱

روی سکه: تصویر نیم رخ آرتاواز باریش بلند که انتهای آن دوشاخه شده است. تاج او شبیه تاج بلاش پنجم است و در پشت سروی حرف اول نام او (ار) بخط پهلوی پارتی نقر است (ش-۸۳).

پشت سکه: بنا بر معمول سکه های پارتی، ارشک کمان بدست بر تخت نشسته و نوشته نام و عنوان او بخط آرامی (پهلوی پارتی) برگرد نقش قرار دارد: ارتابازوملکا = ارتاباز شاه. علامت ضربخانه اکباتان هگمتانه = همدان در زیر کمان نقر است.

𐎠𐎼𐎷𐎡𐎴 𐎠𐎹𐎡𐎴
ارتابازوملکا
ارتاباز شاه



ش-۸۳

۱- در حدود ۳/۸۰ گرم.

۲- نوشته یونانی ناخوانا نیز بر سکه ها منقور است.

شاهان پارت

دوره سلطنت	نام
۲۵۰-۲۴۸/۲۴۷ پ-م	۱- ارشک اول
» ۲۴۸/۲۴۷-۲۱۱	۲- تیرداد اول.
» ۲۱۱-۱۹۱	۳- ارشک دوم.
» ۱۹۱-۱۷۶	۴- فریادپات.
» ۱۷۶-۱۷۱	۵- فرهاد اول.
» ۱۷۱-۱۳۸	۶- مهرداد اول.
» ۱۳۸-۱۲۸	۷- فرهاد دوم.
» ۱۲۸-۱۲۳	۸- اردوان اول.
» ۱۲۳-۱۲۷	۹- ہیمر.
» ۱۲۳-۸۸	۱۰- مهرداد دوم.
» ۸۸-۷۷	۱۱- اردوان دوم.
» ۷۷-۷۰	۱۲- سنتروک.
» ۷۰-۵۷/۵۸	۱۳- فرهاد سوم.
» ۵۷-۵۵	۱۴- مهرداد سوم.
» ۵۷-۳۷	۱۵- ارداول.
» ۳۷-۳۹	۱۶- پاکر.
» ۳۸-۳۷/۲	۱۷- فرهاد چهارم.
» ۲۶/۲۷	۱۸- تیرداد دوم.
م ۳- پ-م تا ۴	۱۹- فرهاد پنجم.
» ۶	۲۰- ارد دوم
» ۸-۱۱/۱۲	۲۱- وئن اول
» ۱۱-۳۸/۴۰	۲۲- اردوان سوم.
» ۴۰-۴۵	۲۳- وردان اول.

دوره سلطنت	نام
» ۵۱- ۴۱	۲۴- گودرز.
» ۴۹	۲۵- مهرداد.
» ۵۱	۲۶- ورن دوم.
» ۷۸- ۵۱	۲۷- بلاش اول.
» ۸۳- ۷۸	۲۸- پاکردوم.
» ۸۱/ ۸۰	۲۹- اردوان چهارم.
» ۱۳۰/۱۲۹-۱۰۹	۳۰- خسرو.
» ۱۴۸- ۷۸	۳۱- بلاش دوم.
» ۲۴۸-۱۳۰	۳۲- مهرداد چهارم.
» ۱۹۱-۱۴۸	۳۳- بلاش سوم.
» ۲۰۸-۱۹۱	۳۴- بلاش چهارم.
» ۲۲۳-۲۰۸	۳۵- بلاش پنجم.
» ۲۲۷-۲۱۳	۳۶- اردوان پنجم.
» ۲۲۸-۲۲۷	۳۷- ارتاواز.

نمونه‌ای از نوشته‌های یونانی بر سکه‌های پارتی

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ
ΘΕΟΠΑΤΟΡΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ
ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΘΕΟ-
ΠΑΤΟΡΟΣ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΕΠΙΦΑ-
ΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΑΥΤΟ-
ΚΡΑΤΟΡΟΣ ΦΙΛΟΠΑΤΟΡΟΣ ΕΠΙ-
ΦΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

۱- قره‌آد اول. ۲- سهرداد اول. ۳- فرهاد دوم. ۴- اردوان اول. ۵- سهرداد دوم.

۶- اردوان دوم. ۷- سنتروک.

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ
ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΘΕΟΥ ΕΥΠΑΤΟΡΟΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑ-
ΚΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΘΕΟΥ
ΕΥΠΑΤΟΡΟΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ
ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΑΥΤΟΚΡΑΤΟ ΦΙΛΟΡΩ-
ΜΑΙΟ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

۱- سہر داد سوم. ۲- ارد اول (درہم). ۳- ارد اول (چہار درہمی). ۴- پاکر. ۵-

فرہاد چہارم. ۶- تیرداد دوم. ۷- فرہاد پنجم

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ
ΘΕΑΣ ΟΥΡΑΝΙΑΣ ΜΟΥΣΗΣ ΒΑΣΙΛΙΣΗΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΟΝΩΝΗΣ

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΟΝΩΝΗΣ ΝΕΙΚΗΣΑΣ
ΑΡΤΑΒΑΝΟΝ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ
ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ ΑΡ-
ΣΑΚΟΥ

۱- ملکه سوزا. ۲- ارد دوم ۳-۵ و ن اول ۶-۷: اردوان سوم

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡ-
ΓΕΤΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΥΟΣ
ΚΕΚΑΛΟΥΜΕΝΟΣ ΑΡΤΑΒΑΝΟΥ
ΓΩΤΕΡΖΗΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΦΙΛΕΛΛΗ ΕΠΙ-
ΦΑΝΟ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤ ΓΩ-
ΤΑΡΖΟΥ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ
ΠΑΚΟΡΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ
ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ
ΑΡΤΑΒΑΝΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ ΕΥΕΡΓΕΤΟΥ
ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ ΦΙΛΕΛΛΟΥΣ

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ ΑΡΣΑΚΟΥ
ΔΙΑΓΑΓΟΥ ΔΙΚΑΙΟΥ ΕΠΙΦΑΝΟΥΣ
ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΥΣ

۱- خسرو: ۲- بلاش دوم، بلاش سوم، بلاش چهارم و بلاش پنجم.

نمونه‌ای از نوشته‌های پهلوی پارسی

دل = دل

دلدش ارشک م لک آ
م ت ر د ت م ل ک آ
م ت ر د ت م ل ک آ

دلدش ارشک م لک آ
دلکش ارشک م لک آ
دلکش ارشک م لک آ

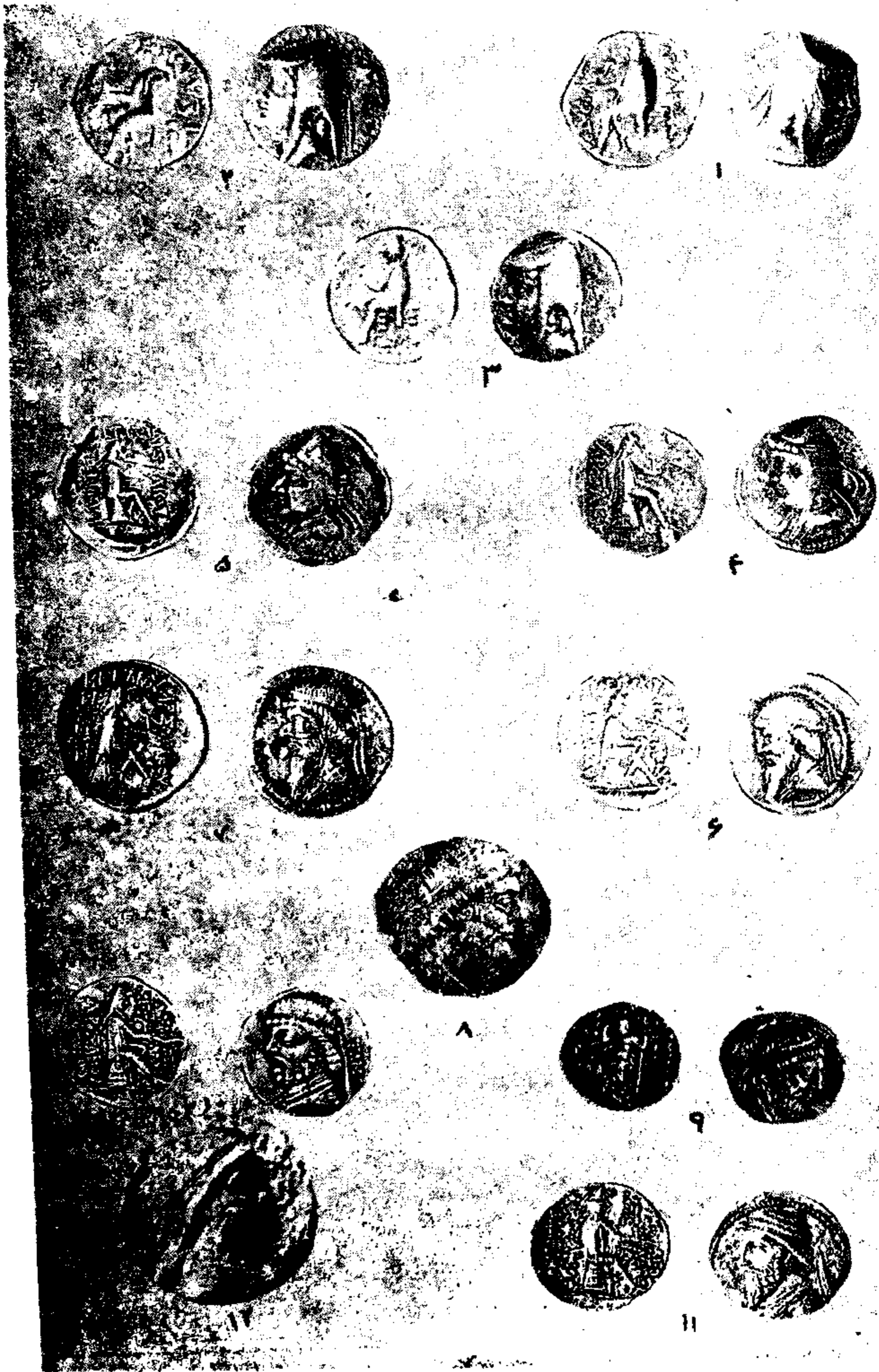
دلدش ارشک م لک آ
دلکش ارشک م لک آ
دلکش ارشک م لک آ

دلدش ارشک م لک آ
ارشک م لک آ
ارتابازو م لک آ
ارتابازو م لک آ

دلدش ارشک م لک آ
ارشک م لک آ
ارتابازو م لک آ
ارتابازو م لک آ

۱- بلاش اول، بلاش دوم. ۲- مهرداد چهارم. ۳- ۴ بلاش سوم، بلاش چهارم و بلاش

پنجم. ۵- اردوان پنجم. ۶- آرتاواز.



۱-۳ ارشک - تیرداد - ۴ ارشک دوم. ۵-۹ فرهاد اول - ۶-۹ مهرداد اول. ۱۰-۱۱ فرهاد دوم ۱۲-۱۳ اردوان اول ۱۴-۱۵ هیمر



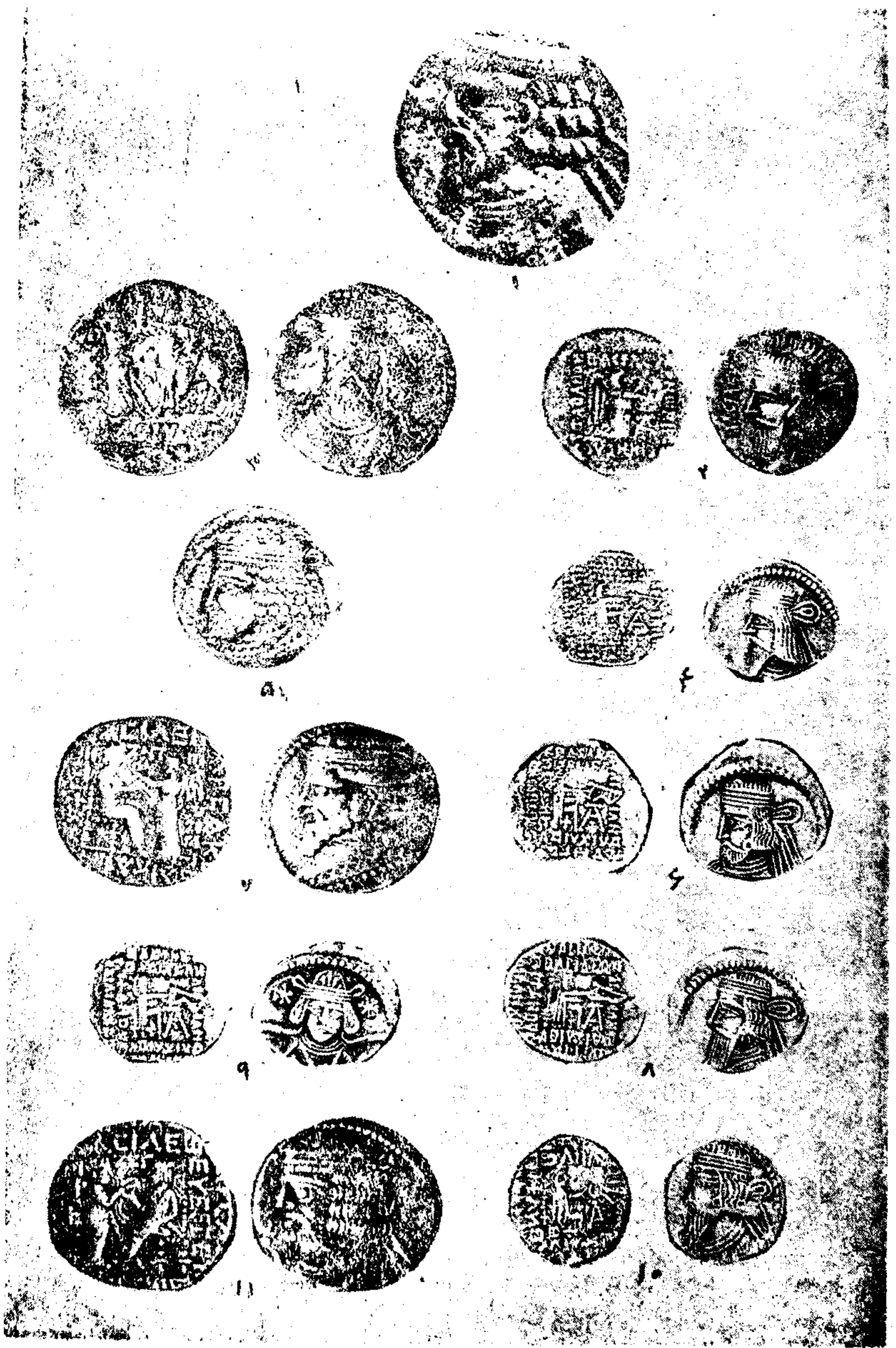
۱-۳: سهرداد دوم ۴-۵. اردوان دوم ۶-۷ سنتروک ۸-۹. فرهاد سوم. ۱۰-۱۱-

سهرداد سوم.



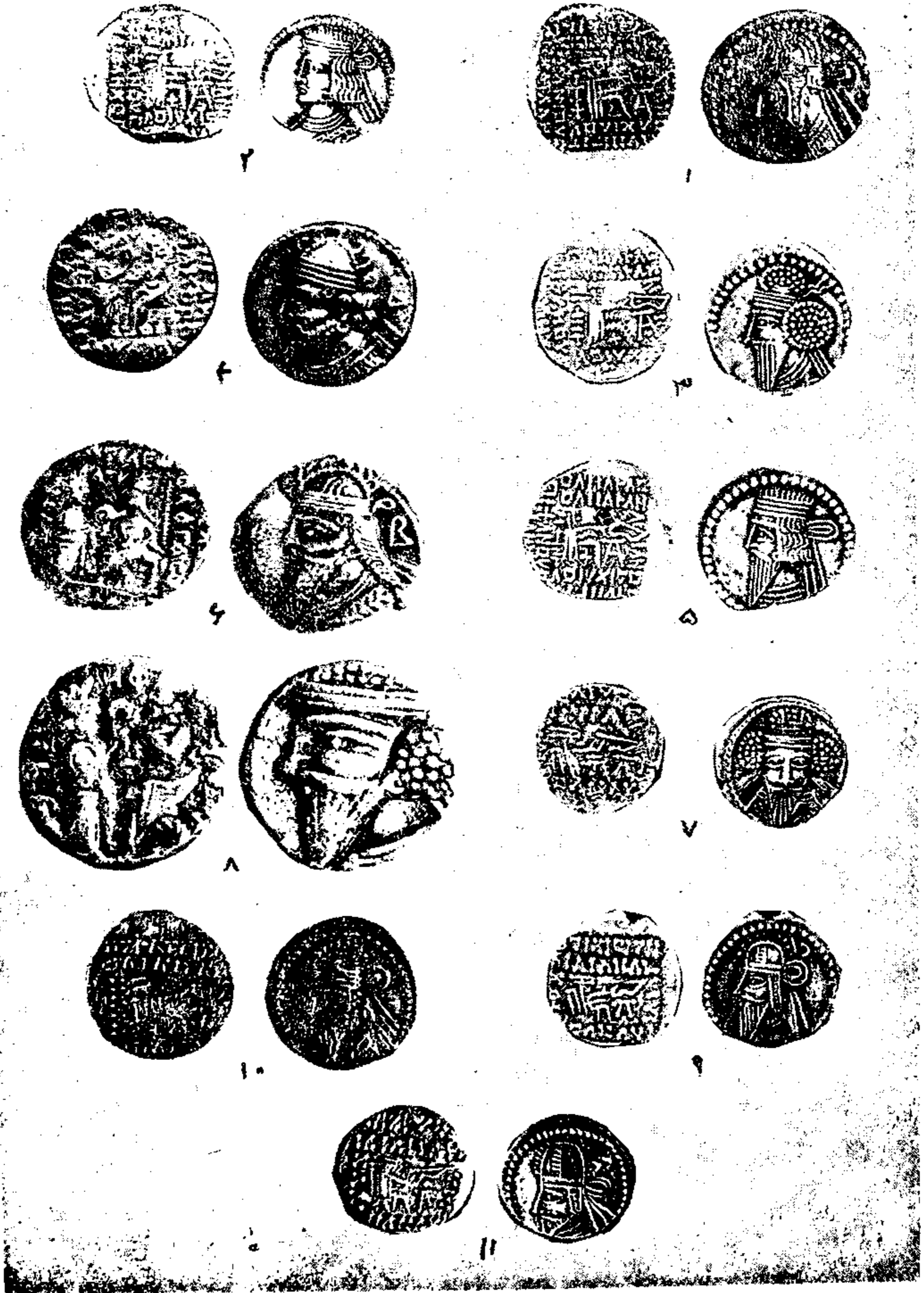
۱-۴. ارد اول ۵ پاکر ۶-۹ فرهاد چهارم ۱۰-۱۱ تیسرداد دوم ۱۲-۱۳ فرهاد پنجم

وسکه سوزا



۱- ارد دوم. ۲- ورن اول ۳- اردوان سوم. ۴- ۵- وردان اول ۶- ۷- ۸- گودرز ۹- مهرداد

۱۰- ۱۱- بلاش اول



۱-۲- پاکر دوم. ۳- خسرو- ۴- بلاش دوم ۵- مهرداد چهارم ۶- بلاش سوم ۷-۸- بلاش چهارم ۹- بلاش پنجم ۱۰- اردوان پنجم ۱۱- ارتاواز

سکه های مسی و برنزی



۱-۲. ارداول. ۳-۵. فرهاد چهارم و وردان اول ۷-۱. گودرز ۱۱-۱۳. بلاش

اول ۱۳-خسرو

فہرست شکل‌ها

صفحہ	شماره موضوع
۲۰	۱- نوشته بخط آرامی (پهلوی پارسی)
۲۱	۲- پوست نوشته اورامان
۳۲	۳- نقوش برپشت سکه‌ها
۳۵	۴- الفبای یونانی
۳۶	۵- الفبای الیمائی وپهلوی پارسی
۳۹	۶- طرح تاج
۴۱	۷- طرح تاج
۴۵	۸- علامت خرابخانه
۴۹	۹- اعداد
۴۹	۱۰- نام ماہها
۵۳-۵۲	۱۱-۱۳- ارشک اول و تیرداد
۵۴	۱۴- ارشک دوم
۵۴	۱۵- فرهاد اول
۵۷-۵۵	۱۶-۱۹- مہرداد اول
۵۸	۲۰- فرهاد دوم
۶۰	۲۱- فرهاد دوم
۶۱	۲۲- اردوان اول
۶۲	۲۳- ہیمر
۶۴-۶۳	۲۴-۲۶- مہرداد دوم
۶۶-۶۵	۲۷-۲۹- اردوان دوم
۶۸	۳۰- سنتروک
۶۹	۳۳-۳۴ فرهاد سوم
۷۲	۳۶-۳۴ مہرداد سوم
۷۶-۷۵	۳۷-۴۰- ارد اول

صفحہ	شماره موضوع
۷۸	۴۱-۴۲ پاکر
۷۲-۸۰	۴۳-۴۸ فرہاد چہارم
۸۰	۴۹- تیرداد دوم
۸۹-۸۷	۵۰-۵۴ فرہاد پنجم
۹۰	۵۵- ارد دوم
۹۲	۵۶- وٹن اول
۹۶-۹۴	۵۷-۶۰ اردوان سوم
۹۹-۹۸	۶۱-۶۲ وردان اول
۱۰۱	۶۳-۶۴ گودرز
۱۰۲	۶۵- مہرداد
۱۰۴	۶۶-۶۷ بلاش اول
۱۰۷-۱۰۶	۶۸-۷۰ پاکر دوم
۱۰۹	۷۱- اردوان چہارم
۱۱۰	۷۲- خسرو
۱۱۴-۱۱۳	۷۳-۷۴ بلاش دوم
۱۱۵	۷۵- مہرداد چہارم
۱۱۷	۷۶-۷۷ بلاش سوم
۱۲۱-۱۲۰	۷۸-۷۹ بلاش چہارم
۱۲۳-۱۲۲	۸۰-۸۱ بلاش پنجم
۱۲۴	۸۲- اردوان پنجم
۱۲۵	۸۳- ارتاواز

فہرست لوحہ ہا

لوحہ اول

- ۱-۳۔ ارشک اول۔ تیرداد اول
- ۲-۴۔ ارشک دوم
- ۳-۵۔ فرہاد اول
- ۴-۶۔ مہرداد اول
- ۵-۱۰۔ فرہاد دوم
- ۶-۱۱۔ اردوان اول
- ۷-۱۲۔ ہیمر

لوحہ دوم

- ۱-۳۔ مہرداد دوم
- ۲-۴۔ اردوان دوم
- ۳-۶۔ سنتروک
- ۴-۸۔ فرہاد سوم
- ۵-۱۱۔ مہرداد سوم

لوحہ سوم

- ۱-۴۔ اردوان
- ۲-۵۔ پاکر اول
- ۳-۶۔ فرہاد چہارم
- ۴-۱۰۔ تیرداد دوم
- ۵-۱۱۔ فرہاد پنجم و ملکہ سوزا

لوحہ چہارم

- ۱-۱۔ ارد دوم
- ۲-۲۔ ونن اول

۳-۴ اردوان سوم

۵-۶ وردان اول

۷-۸ گودرز

۹- وردان دوم

۱۰-۱۱ بلاش اول

لوحة پنجم

۱-۲- پاکر دوم

۳- خسرو

۴- بلاش دوم

۵- بهرداد چهارم

۶- بلاش سوم

۷-۸ بلاش چهارم

۹- بلاش پنجم

۱۰- اردوان پنجم

۱۱- ارتاواز

فهرست منابع

- ۱- دیا کونو
- اشکائیان ترجمه کریم کشاورز، سال ۱۳۴۴
- ۲- نیلسون دوبواز
- تاریخ سیاسی پارت
- ترجمه علی اصغر حکمت، سال ۱۳۴۲
- ۳- گیرشمن
- از آغاز تا اسلام
- ۴- ترجمه دکتر محمدسعید بنگاه ترجمه و نشر کتاب، سال ۱۳۳۶
- ۵- گوتشید
- تاریخ ایران ترجمه کیکاوس جهانگیری
- ۶- ملک زاده بیانی
- پایتخت های شاهنشاهی ایران
- ۱- هگمتانه همدان
- ۲- تیسفون
- از انتشارات شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی، سال ۱۳۵۰
- ۳- دکتر شیرین اسلانی (بیانی)
- پایتخت های شاهنشاهی ایران
- شوش، سال ۱۳۵۰
- ۷- رنه گروید
- تسدن ایرانی- ترجمه دکتر بهنام
- ۸- سید محمدتقی مصطفوی
- هگمتانه (همدان)
- ۹- لسترنج
- سرزمین های خازفت شرقی- ترجمه محمود عرفان. بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۱۰- محمدعلی شوشتری

ایران نامه جلد سوم نشر کتاب سال ۱۳۲۱

۱۱- ملک‌زاده بیانی

دوگنجینه سکه اشکانی در موزه ایران باستان

فصلی از مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی

۱۲- ملک‌زاده بیانی

اولین تختگاه پارت‌ها

مجله بررسی‌های تاریخی شماره ۲ سال دوازدهم

۱۳- ملک‌زاده بیانی

وضع مالی و اقتصادی، شاهنشاهی پارت

مجله بررسی‌های تاریخی شماره ۶ سال هشتم

۱۴- ملک‌زاده بیانی، دکتر اسمعیل رضوانی

سیمای شاهان و نام اوران ایران

از انتشارات شورای مرکزی جشنهای دوهزار پانصد ساله، سال ۱۳۵۰

- 1 - Cumont F.
Fouille de Dura - Europos. PARIS 1926
- 2 - De Morgan. J
Manuel de Numismatique Orientale T. I
Paris 1936
- 3 - Florance A.
Geographic Lexicon of Grech Coins
Inscriptions U.S.A 1966
- 4 - Ghirshman R.
Parthes et Sassanides, Gallimard 1962
- 5 - Lukonin V.G.
Archaeologia Mundi - Iran II
Ed. Nagel 1967
- 6 - Malcolm, A.R. College,
The Parthian U.S.A. 1967
- 7 - Mc - Dowell R.H.
Coins from Seleucia on the Tigris
University of Michigan 1935
- 8 - Nybery H S.
The Pahlavi Document from Auraman,
dans le monde Oriental T. XVII 1935
- 9 - Pigulevskaya N.
Les Villes de l'etat iranien aux époques
Parthe et Sassanide Paris 1963
- 10 - Porada E.
Iran Ancien
Ed. Albin Michel ,PARIS 1963

- 11 - Percy Gardner
The Coinage of Parthia
Printed in California 1968
- 12 - Rostovtzcff M. I
Dura and the Problème of Parthian Art.
Oxford 1938
- 13 - Seaby H.A.
Greek Coins and their Values
London 1966
- 14 - Sellwood D.
Coinage of Parthia
London 1971
- 15 - Wroth W.
Catalogue of the Coins of Parthia,
British Museum.
- 16 - Abgarians M. T. and D. G. Sellwood,
A Hoard of Early Parthian
Drachms
Numismatic Cronicle Vol XI 1971

فہرست نام کسان

آ

- آبی بن: ۷۰
 آدریان: ۱۱، ۱۱۰، ۱۱۲
 آرتا بازو: ۲، ۱۲۵
 آرتاواز: ۱۳، ۲۸، ۴۲، ۱۲۵
 آریان: ۵۲
 آریوبرزن: ۸۰
 آسارہادون: ۲
 آسیبی تامن: ۱
 آلان: ۱۰، ۱۱، ۱۱۲
 آمی ناسپ: ۳
 آناہیتا: ۲۲، ۶۴، ۱۰۲
 آنتوان: ۸، ۸۰
 آنتیوکوس سوم: ۴
 آنتیوکوس ہفتم: ۶
 آندراگوراس: ۳، ۴۷

الف

- ارد اول: ۷، ۹، ۲۸، ۴۱، ۶۷، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸
 ارد دوم: ۸، ۲۸، ۴۱، ۹۰
 اردوان اول: ۴، ۳۱، ۴۰، ۶۰، ۶۱، ۱۲۶، ۱۲۸
 اردوان دوم: ۶، ۱۹، ۴۱، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۷
 اردوان سوم: ۹، ۴۱، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۰۲، ۱۲۶
 اردوان چہارم: ۱۰، ۳۲، ۴۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۳
 اردوان پنجم: ۱۲، ۱۷، ۲۴، ۴۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸

اردشیر بابکان: ۲۴، ۱۲۴

اردشیر دوم: ۳

ارشک اول: ۲، ۳، ۱۴، ۳۷، ۴۰، ۴۶، ۵۱، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۷۶،

۷۰، ۷۲، ۷۵، ۷۸، ۹۴، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۴

۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۴

ارشک دوم: ۵۳، ۱۲۶، ۱۳۴

ارونت پات: ۷۵

استازانور: ۳

اسکندر: ۱، ۳، ۵، ۳۳، ۳۴، ۴۸

اكتاویوس: ۸، ۸۰، ۸۴

اکسی دارس: ۱۰، ۱۱۰

اوکراتید: ۱

اوگوست: ۸

اوعاشی آباتوم: ۱۷

ب

بطلمیوس یازدهم: ۷۱

تلاش اول: ۱۰، ۳۳، ۳۷، ۴۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۷

بلاش دوم: ۱۱، ۳۲، ۳۸، ۴۱، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۳۲

۱۳۸

بلاش سوم: ۱۱، ۳۲، ۴۱، ۴۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸

۱۴۱

بلاش چهارم: ۱۲، ۳۲، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۲

بلاش پنجم: ۱۲، ۳۲، ۴۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۲

بندک: ۲۲

پ

پارتاماز: ۱۰، ۱۰۷، ۱۱۰

پاترلوکوس: ۸۶

پاکر اول: ۷، ۱۰، ۲۸، ۴۱، ۷۸، ۷۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۴۲، ۲۳۱، ۲۳۱

پاکر دوم: ۱۰، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۳۷، ۱۳۷

۱۳۸، ۱۴۴

پتروبیچ: ۸، ۶۷، ۷۳

پرسی گاردنر: ۵۴، ۶۰

پسه نیوس نیجر: ۱۱۹

پلوتارک: ۳۱

پیکولوسکایا: ۹۳

ت

تاسیت: ۹۷

تراژان: ۱۰۷، ۱۱۰

تریباز: ۴۰

تیبیریوس: ۹۳

تیرداد اول: ۴، ۹، ۱۴، ۱۴، ۱۴، ۴۳، ۵۱، ۵۲، ۵۲، ۸۴، ۱۲۶، ۱۲۶، ۲۳۱، ۲۳۱، ۲۳۱

تیرداد دوم: ۲۸، ۲۶، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۶

تیسافرن: ۴۰

تیکران: ۶۲، ۱۰۳

ج

جهانداری: ۵۱، ۸۶، ۱۱۵

ح

حکمت (علی اصغر): ۹۰، ۱۱۵، ۱۱۹

خ

خوزاک: ۱۷

خسرو: ۱۰، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۳۸

خشایارشا: ۲، ۱۰

د

داریوش: ۲

دمتریوس: ۵

دمتریوس دوم: ۵

دسرگان: ۲۶، ۵۱، ۵۶، ۶۱، ۷۳، ۱۰۳، ۱۱۳

دیاکونوو: ۴، ۶، ۷، ۱۶، ۵۱، ۱۱۲

دیودوت: ۱، ۳، ۴، ۱۴

دیودورسیسیلی: ۶۲

دیون (موزح): ۷۱

ر

رودگون: ۵

ز

زنوس: ۳۱، ۸۲

زنون: ۹۳

ژ

ژوزف: ۹۷

س

ساکوراک: ۶۷

سپتامن: ۴۴

سپتمسور: ۱۱

سلوکوس اول: ۱، ۱۴، ۳۴، ۴۴، ۷۰

سلوود: ۶، ۸، ۴۸، ۵۴، ۶۰، ۶۱، ۶۵، ۶۷، ۷۳، ۷۶، ۹۰، ۹۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷

۱۱۶

سنٹروک: ۷، ۶۷، ۶۸

سورن: ۳۷، ۸۰

سوهام: ۱۱۶

ش

شوشتری: ۸

ف

فراتافرن: ۳

فرناس: ۲

فرهاد اول: ۴، ۱۴، ۵۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۴، ۳۱

فرهاد دوم: ۶، ۱۳، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۴، ۳۱

فرهاد سوم: ۷، ۲۵، ۲۹، ۴۱، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۱۲۶، ۱۳۵

فرهاد چہارم: ۷، ۹، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۱، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۱۰۲، ۱۰۱

۱۳۶

فرهاد پنجم: ۸، ۲۸، ۳۱، ۵۸، ۵۹، ۶۸، ۷۸، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۱۲۶، ۱۳۶

فریادپات: ۴، ۱۴، ۳۰، ۵۴، ۶۰

ک

کاراکالا: ۱۲

کاسیوس: ۱۱

کایوس: ۸، ۱۱۶

کراسوس: ۷، ۳۵

کریم کشاورز: ۴، ۷، ۱۶

کریستن سن: ۲۴

کلودیوس: ۱۰، ۱۰۲

کوفاسات: ۱۷

کوروش: ۲

ک

کاپینیوس: ۷۱

گاردنر: ۱۱، ۵۹، ۶۰، ۷۳، ۷۴

گزنفون: ۳۷

گوتشمید: ۵۱، ۶۵، ۷۱، ۸۶، ۹۷، ۱۱۵، ۱۲۰

گودرز: ۶، ۹، ۲۸، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲

گیرشمن (رمان): ۱۶، ۳۲

م

مارکوس (اورلیوس): ۱۱، ۱۶

ماروچنکو: ۱۸

ماسون: ۱۸

ماکرنیوس: ۱۲۴

ماکزیموس: ۱۰۹

ملک زاده بیانی: ۳۰

ملکوم کالج: ۷۴، ۸۴

موزا: ۸، ۸۰، ۸۵، ۸۷، ۸۹

مولارس: ۸

منهزی ماخ: ۲۰

مهردات: ۲۸، ۱۰۲

مهرداد اول: ۴، ۵، ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۶، ۳۱، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۵۵، ۵۸، ۷۰، ۱۲۶

۱۲۸، ۱۳۴

مهرداد دوم: ۶، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۳۱، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۱۲۶، ۱۲۸

۱۳۵

مهرداد سوم: ۴۱، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۱۲۶

مهرداد چهارم: ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۳۸

ن

نرون: ۱۰، ۱۰۳

نیلسون دیبواز: ۲، ۱۷، ۵۱، ۶۵، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۹

و

ورث: ۴۳، ۵۶، ۶۷، ۱۱۳، ۱۱۹

وردان اول: ۹، ۴۱، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۷

ولکش: ۱۱۲

وین اول: ۹، ۴۱، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۰۰، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۷

وین دوم: ۹، ۱۰، ۱۲، ۳۰، ۴۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۲۶

ووتی: ۲۳، ۲۸

ووتی: ۲۳، ۲۸

ویشتاسپ: ۲

•
هرتسفلد: ۶۵

هرقل: ۳۱، ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۶۲

هستیا: ۱۹

هیسپانوزین: ۶۲

هیمر: ۶، ۲۸، ۴۱، ۶۱

فهرست جاها

آ.

آپامه آ: ۱، ۳۴، ۴

آتروپاتن: ۸، ۹، ۹۱، ۱۰۲

آذربایجان: ۹۱

آرتمیستا: ۴۵

آریا: ۴۴، ۴۶، ۶۶

آساک: ۱۵، ۴۷

آسیای صغیر: ۴۶

آسیای مرکزی: ۲۳

آشور: ۲

آلكساندر پولیس: ۳۴

آنطاکیه: ۲۳، ۳۴، ۴۶

الف

ابرشر: ۵۹

ارشکیه: ۴۶، ۴۸

ارمنستان: ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۶۲، ۹۱، ۱۰۳، ۱۱۰

ارونت (رود): ۳۴

اسکندریه: ۴۶

اکباتان: ۴۴، ۶۱، ۶۴، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۵

الحضر (هتره): ۱۲۰

الیمائی: ۵، ۱۵، ۱۸، ۷۰

اورامان: ۲۱

ایران: ۵، ۹، ۱۶، ۲۴، ۳۴، ۸۶، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۶

ب

بابل: ۶، ۴، ۴۸، ۶۲، ۶۵

باختر: ۱، ۶، ۱۴

بحر خزر: ۲

بختیاری: ۵

بریتانیا: ۴۸

بیستون: ۹

بین النهرین: ۵، ۱۰، ۱۲، ۷۵، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۲۴

پ

پارتا کا: ۲

پارت: ۲، ۶، ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۵۱، ۵۸، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱

۱۱۲، ۱۲۰

ع

پارس: ۵

پالمیر: ۱۲۰

پراسپا: ۸۰

پرئی: ۲، ۳

ت

تراکزیان: ۴۴، ۴۵، ۶۶

ترکستان: ۲۳

ترکیه: ۴۶

تمبراکس: ۴۴، ۴۵، ۵۹

تنگسروک: ۱۸

تیسفون: ۹، ۱۰، ۱۱، ۲۸، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۱۱۰، ۱۱۱

ج

جزیره (خسروئن): ۱۲۲

جیحون: ۲، ۶

چ

چین: ۱۰، ۲۳، ۴۶

خ

خارا کس: ۵، ۴۴، ۵۴، ۵۷

خرسن: ۶، ۵، ۱۵، ۲۸، ۹۲

خوار: ۴۴، ۴۶

خوزستان: ۱۲، ۱۸

د

دارا: ۴، ۱۵

دامغان: ۴، ۴۳

دجله: ۵، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۴۶، ۵۵

درگز: ۴، ۴۳

دورا اروپوس: ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۱۱۶

ر

رامهرمز: ۱۲، ۱۲۴

رگا: ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۶۱

رم: ۸، ۹، ۱۱، ۲۳، ۱۰۷

روم: ۷، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۹

ری: ۲۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۶۱، ۶۶، ۹۷

س

سلوکیه: ۹، ۱۱، ۱۶، ۳۳، ۴۴، ۵۵، ۶۲، ۷۰، ۸۱، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۱

۱۱۴، ۱۱۸، ۱۱۹

سلیمانیه: ۳۹

سوریه: ۶، ۴۶، ۷۵

سیرینک: ۴۴، ۵۹

سیستان: ۴

ش

شام: ۱۱۹

شوش: ۵، ۱۷، ۱۹، ۳۴، ۴۴، ۴۵، ۵۸، ۶۴، ۸۷

ص

صددروازه: ۱۴، ۲۳، ۴۳

ح

عشق آباد: ۴

عیلام: ۵

ف

فرات: ۷، ۹۵

فریگیہ: ۴۰

فیلاس: ۴۴، ۵۷

فینیقیہ: ۷

ق

قزاقان: ۳۹

قوجان: ۴

ک

کردستان: ۲۱

کرہہ: ۴۶

کنکویار (کنگاور): ۴۴، ۴۵

کیلیکیہ: ۴۶

ک

کرگان: ۲، ۴، ۱۴، ۱۵

کیداروس: ۷۵، ۷۶، ۹۳

ل

لائودیسا: ۴۴، ۴۶

لیدی: ۴۰

م

ماد: ۲، ۴، ۱۰، ۱۶، ۳۶، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۲۲

مارژیان: ۴۴، ۴۵، ۶۱

ماوراءالنہر: ۵، ۴۵، ۶۶

مدیترالہ: ۲۳



سرو: ۲۳، ۴۴، ۴۶

مصر: ۸

مقدونیه: ۳۴

موزه ایران باستان: ۱۱۴

موزه بانک سپه: ۱۱۴

موزه بریتانیا: ۱۱۹

مهردات کرت: ۴، ۱۸، ۲۰، ۴۴، ۴۵

میشان (مسن): ۱۶

ن

نهاوند: ۴۶

نیسا: ۴، ۱۴، ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۳، ۹۷

نیشابور: ۵۹

ه

هرات: ۴۶

هراکلیا: ۴۴

هرزدگان: ۱۲، ۱۲۴

هکاتم پیلوس: ۴، ۱۴، ۴۳، ۴۶

هگمتانه: ۱۴، ۲۳، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۸، ۶۶، ۶۷، ۷۹، ۸۱، ۸۷، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۷

۱۲۵

همدان: ۶، ۱۴، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۸، ۶۶، ۶۷، ۷۹، ۸۱، ۸۷، ۹۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۳۵

هیرکانی: ۲، ۴، ۵

ی

یونان: ۱۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۳